



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# تاریخ حدیث شریف

درس و نصابی ششم تا یازدهم عربی

علی محمد یاری و ایاس علی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تاریخ حدیث شیعه: در سده های هشتم تا یازدهم هجری

نویسنده:

الیاس پوراکبر

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۷	تاریخ حدیث شیعه : در سده های هشتم تا یازدهم هجری
۱۷	مشخصات کتاب
۱۷	اشاره
۲۱	سخنی با خواننده
۲۳	تاریخ حدیث شیعه در سده های هشتم و نهم
۲۳	اشاره
۲۵	درآمد
۲۷	فصل یکم : کلیات
۲۷	وضعیت سیاسی _ اجتماعی شیعه در سده های هشتم و نهم
۲۷	اشاره
۲۸	رخدادهای سیاسی مهم ایران
۲۸	۱. حکومت ایلخانان
۳۰	۲. دیگر سلسله های قرن هشتم
۳۱	۳. حکومت تیموریان
۳۲	۴. روی کار آمدن حکومت های شیعی در ایران
۳۲	سربداران
۳۳	مرعشیان
۳۴	چشم انداز حدیث اهل سنت در سده های هشتم و نهم هجری
۳۴	زوائدنگاری
۳۴	اشاره
۳۵	زوائدنگاری های هیثمی
۳۵	زوائدنگاری های بوصیری
۳۵	زوائدنگاری های ابن حجر

- ۳۶ ..... شرح نویسی
- ۳۷ ..... رجال و تراجم
- ۳۷ ..... درایه و مصطلح الحدیث
- ۳۸ ..... آسیب شناسی و نقد حدیث
- ۴۱ ..... فصل دوم : حوزه های علمی و محدثان سده های هشتم و نهم
- ۴۱ ..... حوزه حله
- ۴۱ ..... اشاره
- ۴۲ ..... ۱. سید هبه الله موسوی (زنده در ۷۰۳ ق).....
- ۴۲ ..... ۲. علی بن یوسف حلی (زنده در ۷۰۳ ق).....
- ۴۳ ..... ۳. علامه حلی (۶۴۸ \_ ۷۲۶ ق).....
- ۴۵ ..... ۴. ابن داوود حلی (۶۴۷ \_ زنده در ۷۰۷).....
- ۴۶ ..... ۵. فخر المحققین حلی (۶۸۲ \_ ۷۷۱ ق).....
- ۴۷ ..... ۶. ابن مَعْنِيَه (م ۷۷۶ ق).....
- ۴۹ ..... ۷. ابن عتاقی حلی (زنده در ۷۸۶ ق).....
- ۵۰ ..... ۸. علی نیلی (زنده در ۸۰۳ ق).....
- ۵۱ ..... ۹. حسن بن سلیمان حلی (زنده در ۸۰۲ ق).....
- ۵۳ ..... ۱۰. حافظ رجب بُرسی (م ح ۸۱۳ ق).....
- ۵۴ ..... ۱۱. فاضل مقداد (م ۸۲۶ ق).....
- ۵۵ ..... ۱۲. ابن فَهْد حلی (۷۵۷ \_ ۸۴۱ ق).....
- ۵۶ ..... حوزه جبل عامل
- ۵۶ ..... ۱. شهید اول (۷۳۴ \_ ۷۸۶ ق).....
- ۵۸ ..... ۲. بیاضی نباتی (۷۹۱ \_ ۸۷۷).....
- ۵۹ ..... ۳. کفعمی (م ۹۰۵ ق).....
- ۶۰ ..... حوزه ایران
- ۶۰ ..... ۱. دیلمی (ق ۸ ق).....
- ۶۲ ..... ۲. حسن بن حسین شیعی سبزواری (زنده در ۷۵۳ ق).....

۳. ابن عَنَبَه (ح ۷۴۸ \_ ۸۲۸ ق) ..... ۶۲
۴. واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق) ..... ۶۳
- حوزه بحرین و احسا ..... ۶۴
- ابن ابی جمهور (زنده در ۹۰۱ ق) ..... ۶۴
- دیگر حدیث پژوهان سده های هشتم و نهم ..... ۶۶
- الف. قرن هشتم ..... ۶۶
۱. سید حسن بن کبش حسینی ..... ۶۶
۲. ابو الحسن حیدر بن محمد بن علی واعظ حسینی ..... ۶۶
۳. امیر الدین عبد الرحمان بن علی بن ابی الحسن ..... ۶۶
۴. عبد الکریم بن حسن بن حسین ..... ۶۶
۵. زین الدین علی بن فاضل مازندرانی ..... ۶۸
۶. علی بن مظاهر واسطی ..... ۶۸
۷. شمس الدین محمد بن صدقه ..... ۶۸
۸. محمد بن علی ناموسی بخاری ..... ۶۸
۹. محمد بن محمد صفار حلّی واسطی ..... ۶۹
۱۰. احمد بن بلکو ..... ۶۹
۱۱. حسن کاشی ..... ۶۹
۱۲. ظهیر الدین علی بن یوسف نیلی ..... ۷۰
۱۳. محمد بن ابی بکر همدانی دمشقی ..... ۷۰
۱۴. بدر الدین نهاوندی ..... ۷۰
- ب. قرن نهم ..... ۷۱
۱. ابراهیم بحرانی ..... ۷۱
۲. احمد جَبَعی ..... ۷۱
۳. احمد مهتّا ..... ۷۱
۴. محمد بن حبیب ..... ۷۱
۵. جعفر جفری ..... ۷۲

- ٧٢ ..... ٦ . جلال الدين حسینی
- ٧٣ ..... ٧ . جمال الدين بن ارج عمیدی
- ٧٣ ..... ٨ . حسن بن راشد
- ٧٣ ..... ٩ . حسن بن علی قمی
- ٧٣ ..... ١٠ . حسین بن شمس الدين حسینی
- ٧٤ ..... ١١ . شرف الدين بن جمال الدين
- ٧٤ ..... ١٢ . شمس الدين حسینی
- ٧٤ ..... ١٣ . عبد الحسين بن عبد العزيز
- ٧٤ ..... ١٤ . زين الدين علی بن فضل بن هيكل حلی
- ٧٥ ..... ١٥ . علی بن منصور مزیدی
- ٧٥ ..... ١٦ . مفلح صیمری
- ٧٥ ..... ١٧ . عفيف الدين طيفور بن سراج الدين جنید
- ٧٨ ..... فصل سوم : زمينه ها و گونه های نگارش های حدیثی در سده های هشتم و نهم هجری
- ٧٨ ..... متون ادعیه و مزارات
- ٧٨ ..... اشاره
- ٧٩ ..... الف . آثار چاپی
- ٧٩ ..... ١ . العدد القویة
- ٨٠ ..... ٢ . المجموع الرائق من أزهار الحدائق
- ٨٣ ..... ٣ . المزار
- ٨٥ ..... ٤ . عدّة الداعی و نجاح الساعی
- ٨٧ ..... ٥ . نُبذة الباغی فی ما لا بدّ منه من آداب الداعی
- ٨٨ ..... ٦ . التعقیبات و الدعوات
- ٨٨ ..... ٧ . البلد الأمين و الدرع الحصین
- ٩١ ..... ٨ . جنة الأمان الواقیة و جنة الإیمان الباقيّة
- ٩٣ ..... ٩ . الجنة الواقیة و الجنة الباقيّة
- ٩٤ ..... ١٠ . المقام الأسنی فی تفسیر الأسماء الحسنی



٩٥	ب. آثار خطّي و ناياب
٩٥	اشاره
٩٦	١ . الأديعة الفاخرة المأثورة عن العترة الطاهرة
٩٦	٢ . الأديعة والختم
٩٦	٣ . مشكاة الأنوار
٩٦	٤ . ملحقات الدرّوع الواقية
٩٦	٥ . المنتقى في العوذ والرقى
٩٦	٦ . الأديعة والأوراد
٩٧	٧ . الأديعة الثلاثون
٩٧	٨ . الأديعة والأوراد المأثورة
٩٧	٩ . ببدر الفلاح في أذكار المساء والصباح
٩٧	متون اخلاقي
٩٧	اشاره
٩٩	١. إرشاد القلوب إلى الصواب المنجى من عمل به من أليم العقاب
١٠٤	٢. أعلام الدين في صفات المؤمنين
١٠٧	٣. الرسالة السعدية
١٠٨	٤. مصابيح القلوب
١١١	٥. المقالة التكليفية
١١٤	٦. الرسالة اليونسية في شرح المقالة التكليفية
١١٥	٧. التحصين في صفات العارفين
١١٧	٨. محاسبة النفس للوامة وتنبيه الروح النوّامة
١١٨	٩. الرسالة العلية
١١٨	رويکرد كلامي
١١٨	اشاره
١١٩	الف. كتاب های چاپی
١١٩	١. منهاج الكرامة في معرفة الإمامة

٢. الصراط المستقيم إلى مستحقّ التقديم ..... ١٢٢
٣. إلزام النواصب بإمامة علي بن أبي طالب ..... ١٢٦
- همانندی های «لزام النواصب» با «نهج الحق» و «منهاج الكرامة» ..... ١٣١
٤. الكشكول في ما جرى لآل الرسول من الجمهور بعد الرسول ..... ١٣٢
٥. المحتضر ..... ١٣٩
٦. منتخب الأنوار المضيئة ..... ١٤١
٧. اثبات الوصية للإمام علي بن أبي طالب ..... ١٤٤
- مناقب و تاريخ ائمه ..... ١٤٦
- الف . آثار چاپی ..... ١٤٦
١. كشف اليقين في فضائل أميرالمؤمنين ..... ١٤٦
٢. مشارق أنوار اليقين في حقائق أسرار أميرالمؤمنين ..... ١٤٨
٣. راحة الأرواح و مونس الأشباح ..... ١٥٢
٤. غاية المرام في فضائل علي و أولاده الكرام ..... ١٥٣
٥. مختصر بصائر الدرجات ..... ١٥٤
٦. روضة الشهداء ..... ١٥٩
٧. التهاب نيران الأحزان ..... ١٦٢
- ب . آثار خطّی و نایاب ..... ١٦٣
١. غرر الأخبار و درر الآثار في مناقب الأطهار ..... ١٦٣
٢. السلطان المفرج عن أهل الايمان ..... ١٦٤
٣. أرجوزة في مقتل الحسين و أصحابه ..... ١٦٥
- متون فقهي ..... ١٦٥
١. عوالي اللآلي ..... ١٦٥
٢. دُرر اللآلي ..... ١٧١
- گزینش متون حدیثی ..... ١٧٣
- الف . آثار چاپی ..... ١٧٣
١. المستجد من كتاب الإرشاد ..... ١٧٣

- ١٧٤ ..... ٢. الدلائل البرهانية في تصحيح الحضرة الغروية
- ١٧٧ ..... ٣. مختصر كتاب علاء بن رزين
- ١٧٧ ..... ٤. الدرّة الباهرة
- ١٧٩ ..... ٥. مجموع الغرائب
- ١٨١ ..... ٦. مختصر بصائر الدرجات
- ١٨٢ ..... ب. كتب خطّي و ناياب
- ١٨٢ ..... ١. منهاج الصلاح في اختصار المصباح
- ١٨٢ ..... ٢. مجموعه های شهيد اول
- ١٨٤ ..... ٣. مختصر تفسير على بن ابراهيم
- ١٨٤ ..... ٤. مختصر الغيبة
- ١٨٤ ..... ٥. مختصر الكافي
- ١٨٥ ..... ٦. اختصار تفسير على بن ابراهيم
- ١٨٥ ..... ٧. اختصار علل الشرائع
- ١٨٥ ..... ٨. اختصار المجازات النبوية
- ١٨٥ ..... ٩. اختصار زبدة البيان
- ١٨٦ ..... اربعين نگاری
- ١٨٦ ..... الف. آثار چاپی
- ١٩١ ..... ب. آثار خطّي و ناياب
- ١٩١ ..... ترجمه متون حديثی
- ١٩١ ..... ١. تاريخ قم
- ١٩٢ ..... ٢. ترجمه كشف الغمّة
- ١٩٢ ..... ٣. ترجمه سفارش نامه مالک اشتر
- ١٩٣ ..... رويکرد صوفيانه
- ١٩٣ ..... اشاره
- ١٩٧ ..... دسته بندی احاديث «جامع الأسرار»
- ١٩٧ ..... ١. احاديث شيعه

- ٢٠١ ..... ٢. احاديث اهل سنت -
- ٢٠٤ ..... ٣. احاديث خاص عرفاني -
- ٢٠٨ ..... رديابي روايات «جامع الأسرار» در متون بعدى اماميه -
- ٢١٠ ..... فصل چهارم : علوم حديث -
- ٢١٠ ..... درايه -
- ٢١٢ ..... اسباب عدول از اصطلاح پيشينيان -
- ٢١٧ ..... رجال و انساب -
- ٢١٧ ..... الف . آثار چاپي -
- ٢١٧ ..... ١. «الرجال» ابن داوود -
- ٢٢١ ..... ديدگاه ها درباره «الرجال» ابن داوود -
- ٢٢٤ ..... ٢ . خلاصة الأقوال في معرفة أحوال الرجال -
- ٢٣٠ ..... ٣ . إيضاح الاشتباه في أسماء الرواة -
- ٢٣١ ..... ٤ . عمدة الطالب في أنساب آل أبي طالب -
- ٢٣٢ ..... ٥ . الفصول الفخرية في أصول البرية -
- ٢٣٣ ..... ب . آثار خطي و ناياب -
- ٢٣٣ ..... ١. كشف المقال في معرفة الرجال -
- ٢٣٤ ..... ٢. جامع أشتات الروات والروايات عن الأئمة الهداة -
- ٢٣٥ ..... ٣. رجال النيلي -
- ٢٣٦ ..... ٤ . مجموعة الجبعي -
- ٢٣٧ ..... ٥ . آثار ابن مَعِيَه -
- ٢٣٨ ..... ٦ . آثار ابن عَنَبَه -
- ٢٣٨ ..... أنساب آل أبي طالب -
- ٢٣٨ ..... بحر الأنساب -
- ٢٣٨ ..... تحفة الطالب في النسب -
- ٢٣٩ ..... عمدة الطالب في أنساب آل أبي طالب (تيمورى) -
- ٢٣٩ ..... عمدة الطالب في أنساب آل أبي طالب (مشعشى) -

۲۳۹	وفیات العلماء و تواریخهم
۲۴۰	فقه الحدیث
۲۴۰	الف . آثار چاپی
۲۴۰	شرح حدیث حقیقت
۲۴۲	ب. آثار خطی و نایاب
۲۴۲	فصل پنجم : اجازات و مشایخ اجازه
۲۴۲	اشاره
۲۴۳	الف . قرن هشتم
۲۵۱	ب . قرن نهم
۲۵۸	خلاصه و نتیجه بحث
۲۶۲	پیوست . راهنمای نرم افزارهای متون حدیثی سده های هشتم و نهم
۲۶۴	منابع و مأخذ
۲۷۸	اشاره
۲۸۰	اشاره
۲۸۴	تاریخ حدیث شیعه در سده های دهم و یازدهم
۲۸۴	اشاره
۲۸۶	درآمد
۲۸۸	فصل یکم : کلیات
۲۸۸	عوامل رویکرد به حدیث در دوره صفوی
۲۹۰	اوضاع سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی شیعه در سده های دهم و یازدهم هجری
۳۰۰	جیل عامل
۳۰۲	مهاجرت علمای جیل عامل به ایران در عصر صفوی
۳۰۵	مهاجرت محقق کرکی ، سرآغاز نخستین مرحله مهاجرت
۳۰۶	مرحله دوم مهاجرت علمای جیل عامل به ایران
۳۰۶	فشارهای عثمانی ها ، عامل مهاجرت علمای جیل عامل
۳۰۸	عراق

- بحرین ..... ۳۱۰
- شبه قاره هند ..... ۳۱۱
- رواج اخباریگری در سده های دهم و یازدهم هجری ..... ۳۱۳
- یک . پیدایش اخباریگری ..... ۳۱۴
- دو . مؤسس اخباریگری ..... ۳۱۶
- سه . وجوه اختلاف اصولیان و اخباریان ..... ۳۱۷
- اختلافات اخباریان و اصولیان ..... ۳۱۸
- چهار . تأثیر مکاتب اخباریگری و صوفیگری بر حدیث شیعه ..... ۳۱۹
- وضعیت حدیث اهل سنت در سده های دهم و یازدهم هجری ..... ۳۲۰
- یک . شرح و تعلیقه نویسی بر آثار پیشینیان و جوامع دیگر ..... ۳۲۱
- دو . جمع ، تدوین و خلاصه نویسی جوامع فراگیر حدیث ..... ۳۲۳
- سه . بازشناسی احادیث جعلی و تألیف کتب موضوعات ..... ۳۲۴
- چهار . نگاهی گذرا به غریب الحدیث ..... ۳۲۴
- فصل دوم : پیش گامان علم حدیث در سده های دهم و یازدهم هجری ..... ۳۲۶
- محدثان شیعی عرب ..... ۳۲۶
- یک . علی بن حسین بن عبد العال عاملی (محقق کَرکی) ..... ۳۲۶
- اساتید و شاگردان حدیثی محقق کرکی ..... ۳۲۷
- آثار حدیثی ..... ۳۲۷
- دو . زین الدین بن علی عاملی جبعی (شهید ثانی) ..... ۳۲۸
- سفرهای علمی ..... ۳۲۹
- آثار حدیثی ..... ۳۳۰
- سه . محمّد بن حسن عاملی (کمال الدین درویش) ..... ۳۳۲
- چهار . حسین بن عبدالصمد عاملی ..... ۳۳۳
- اساتید و مشایخ حدیثی حسین بن عبدالصمد عاملی ..... ۳۳۵
- شاگردان و مُجازان حدیثی حسین بن عبدالصمد ..... ۳۳۶
- آثار حدیثی ..... ۳۳۶

۳۳۷	پنج . بهاء‌الدین محمد عاملی (شیخ بهایی) -----
۳۳۸	آثار حدیثی شیخ بهایی -----
۳۴۰	محدثان شیعی ایرانی -----
۳۴۰	یک . نور الله بن شرف‌الدین حسینی مرعشی (قاضی شوشتری) -----
۳۴۳	آثار حدیثی قاضی شوشتری -----
۳۴۴	دو . ملا عبد الله شوشتری -----
۳۴۵	سه . محمد تقی مجلسی -----
۳۴۸	آثار حدیثی مجلسی -----
۳۵۲	فصل سوم : مشایخ اجازه -----
۳۵۲	درآمد -----
۳۵۲	طُزُق حمل حدیث -----
۳۵۴	اجازه -----
۳۵۵	مشایخ اجازه -----
۳۶۸	فصل چهارم : منابع حدیثی شیعی و روایات مخالفان -----
۳۷۲	فصل پنجم : محتوای فعالیت‌های حدیثی در سده‌های دهم و یازدهم هجری -----
۳۸۰	فصل ششم : متون حدیثی در سده‌های دهم و یازدهم هجری -----
۳۸۰	اشاره -----
۳۸۱	یک . تدوین -----
۳۸۲	الف . اربعین نویسی -----
۳۸۶	ب . گسترده نگاشت -----
۳۸۷	جوامع ثانویه حدیث در سده یازدهم هجری -----
۳۸۹	یک . الوافی -----
۳۹۲	دو . جوامع الکلم -----
۳۹۳	سه . تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة (الوسائل) -----
۳۹۴	فهرست اجمالی «وسائل الشیعة» -----
۳۹۸	چهار . بحار الأنوار -----

۴۰۰	همکاران علامه مجلسی در تألیف «بحار الأنوار»
۴۰۱	فهرست اجمالی «بحار الأنوار»
۴۰۶	ج . تک نگاری
۴۱۰	د . تفسیر مأثور
۴۱۸	دو . ترجمه و فارسی نگاری در سده های دهم و یازدهم هجری
۴۲۴	فصل هفتم : علوم حدیث
۴۲۴	درایه
۴۲۷	رجال
۴۳۱	ساده نویسی در رجال و اهمیت آن
۴۳۲	دیگر تألیفات رجالی
۴۳۵	فقه الحدیث
۴۳۷	شرح نویسی
۴۴۶	غریب الحدیث
۴۴۷	۱ . غریب حدیث «الوافی»
۴۴۸	۲ . غریب حدیث «بحار الأنوار»
۴۴۹	حاشیه نویسی
۴۵۶	منابع و مأخذ
۴۶۵	مجلات و پایان نامه ها
۴۶۶	فهرست تفصیلی
۴۶۸	درباره مرکز



## تاریخ حدیث شیعه : در سده های هشتم تا یازدهم هجری

### مشخصات کتاب

سرشناسه : پوراکبر، الیاس،

عنوان و نام پدیدآور : تاریخ حدیث شیعه : در سده های هشتم تا یازدهم هجری / الیاس پوراکبر.

مشخصات نشر : قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، 1389.

مشخصات ظاهری : 450ص.

فروست : پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ 207. مجموعه تاریخ حدیث شیعه؛ 2.

شابک : 65000 ریال

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : احادیث شیعه -- تاریخ

شناسه افزوده : دارالحدیث. مرکز چاپ و نشر

رده بندی کنگره : BP106/5/الف3ت3 1389 26

رده بندی دیویی : 297/29

ص : 1

اشاره







## سخنی با خواننده

سخنی با خواننده حدیث، در طول حیات خویش، از بدو ظهور تا کنون، فراز و نشیب های بسیاری به خود دیده است. شناخت این مسیر و ویژگی های آن را «تاریخ حدیث» بر عهده دارد. که رشته ای واسطه میان دو دانش حدیث شناسی و تاریخ است. چگونگی ظهور حدیث، برخورد صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم با آن و نیز شیوه های برخورد عالمان بزرگ با این منبع مهم و اصلی شریعت، از مباحث مهم تاریخ حدیث به شمار می آید. مطالعه تاریخ حدیث، شرط لازم برای تحقیق صحیح در حوزه های مختلف علوم حدیث است؛ چرا که به هر حال، حدیث، یک پدیده تاریخی است که نمی توان بدون در نظر گرفتن مسیر تاریخی اش، در زوایای آن، بحث دقیقی ارائه کرد. قطعا مطالعه در سند حدیث یا متن آن و یا هر موضوع دیگر مرتبط با آن، به صورت موردی و بدون توجه به همه یا بخش هایی از تاریخ حدیث، تنها مطالعه ای ذهنی و انتزاعی خواهد بود و در موارد بسیاری، بیم آن وجود دارد که نتیجه این گونه مطالعات، به دور از واقعیت باشد. از سوی دیگر، حدیث، به عنوان پدیده ای تاریخی، مورد هجوم شبهات تاریخی هم قرار گرفته است؛ شبهاتی که نمی توان آنها را بدون مطالعه تاریخ حدیث، پاسخ گفت. به علاوه، اتصال حدیث به عصر معصوم و در امان ماندن آن از دستان تحریفگر پیدا و پنهان را باید با مطالعات تاریخی به اثبات رساند و بدین گونه، پشتوانه علمی حدیث را شناخت و شناساند. با توجه به این مجموعه ضرورت ها، گروه تاریخ حدیث «پژوهشکده علوم و

معارف حدیث» بر آن شد تا مطالعه جامعی را در این موضوع، به انجام رساند. بر این اساس، مجموعه «تاریخ حدیث شیعه (از قرن اول تا عصر حاضر)» پی ریزی گردید. در این مجموعه، به ترتیب تاریخی، اطلاعات مربوط به حدیث شیعه را گرد آورده ایم. مباحثی که در هر دوره مورد بحث (یا در هر يك از مقالات) مورد توجه بوده اند، عبارت اند از: شرایط اجتماعی-فرهنگی، حوزه های علمی-جغرافیایی، عالمان حدیث پژوه، زمینه های فعالیت های حدیثی، گونه های نگارش های حدیثی، علوم حدیث، اجازات و مشایخ اجازه. معرفی مهم ترین فعالیت های حدیثی هر عصر نیز از دیگر اطلاعات موجود در این مجموعه است. عناوین مجلدات این مجموعه، به قرار زیر است: جلد اول. تاریخ حدیث شیعه از شکل گیری تا پایان سده سوم هجری جلد دوم. تاریخ حدیث شیعه در سده های چهارم تا هفتم هجری جلد سوم. تاریخ حدیث شیعه در سده های هشتم تا یازدهم هجری جلد چهارم. تاریخ حدیث شیعه در سده های دوازدهم و سیزدهم هجری جلد پنجم. تاریخ حدیث شیعه از آغاز سده چهاردهم هجری تا امروز. کتاب حاضر- که به صورت تفصیلی، تاریخ حدیث شیعه را در قرن های هشتم و نهم هجری (مقاله اول) و نیز قرن های دهم و یازدهم هجری (مقاله دوم) بررسی کرده است - در واقع، سومین مجلد از مجموعه پنج جلدی تاریخ حدیث شیعه است که به یاری خدا، به تدریج، به دست نشر سپرده خواهد شد. در این جا بر خود، لازم می دانیم که از زحمات آقایان علینقی خدایاری و الیاس پوراکبر- که نگارش این جلد را به عهده داشته اند- کمال تشکر را به عمل آوریم. امیدواریم که با یاری خداوند بزرگ، سایر مجلدات این مجموعه و فهرست ها و نمایه های آن نیز به زودی آماده نشر گردد. گروه تاریخ حدیث پژوهشکده علوم و معارف حدیث

## تاریخ حدیث شیعه در سده های هشتم و نهم

### اشاره

تاریخ حدیث شیعه در سده های هشتم و نهمعلینقی خدایاری

.





درآمد حدیث، دومین منبع معارف اسلامی، پس از قرآن کریم است. اعتبار و جایگاه خاص حدیث در میان منابع معارف دینی، پرداختن به سرگذشت شگفت و دل‌انگیز آن را به ضرورتی انکارناپذیر، بدل ساخته است. اهتمام به کار حدیث نزد شیعه، از همان سده‌های نخستین و با راهنمایی‌های امامان معصوم آغاز شد. در جریان بررسی ابعاد گوناگون حدیث، دانش‌های حدیثی شکل گرفت و رو به گسترش نهاد. بدین سان، حدیث و متون حدیثی به مثابه پدیده‌ای فرهنگی و مقوله‌ای تاریخی، در بستر زمان، با تحولات بسیار، همراه بوده است. در تعبیری کلی، دانش‌های حدیثی به چهار دسته: فقه الحدیث، درایه یا مصطلح الحدیث، رجال و تاریخ حدیث، بخش پذیر است. تاریخ حدیث، عهده دار بررسی احوال محدثان، متون و مکتوبات حدیثی، حوزه‌ها و مراکز حدیثی، نحوه انتقال متون و دانش‌های حدیثی (حلقه‌های شاگردی و استادی) و همچنین، بررسی سیر تطوّر سه دانش حدیثی یاد شده دیگر و شناسایی آثار مربوط به این سه حوزه است. موضوع نوشتار حاضر، تاریخ حدیث شیعه در سده‌های هشتم و نهم هجری است که بر

اساس ضوابط پیشنهادی گروه تاریخ حدیث مرکز تحقیقات دارالحدیث و با رعایت اختصار، سامان یافته است. چنین می نماید که دوره مورد بحث، از دوره های پرنشاط حدیث شیعه بوده و چهره های شاخص و تأثیرگذاری (مانند: علامه حلی، فخر المحققین، شهید اول، فاضل مقداد و ابن فهد حلی) در این دوره می زیسته اند و آثار مهمی پدید آمده است. این دو قرن را می توان به علاوه دو سده پیشین، دوره گذار حدیث شیعه از روزگار پیشینیان (عصر شکل گیری جوامع اصلی روایی) به عهد پُر شور و نشاط حدیث، یعنی دوره صفویه دانست. با این حال، درباره تاریخ حدیث این دوره، کار چندانی صورت نگرفته است. گفتنی است که بنا به ضرورت رعایت اختصار، در این مجموعه، در زیست نامه محدثان، تنها به جنبه های حدیثی زندگی اشخاص، به اجمال، پرداخته شده و در معرفی آثار حدیثی، در کنار دیگر ابعاد متون، به شناسایی میزان اهمّیت، مصادر نگارش، روش کار و جنبه های فقه الحدیثی آنها، تأکید رفته است. نوشتار حاضر، در پنج فصل تنظیم شده است. در فصل اول، برای قرار گرفتن در فضای دوره مورد بحث، به وضعیت سیاسی- اجتماعی این دوره اشاره شده و از باب مقایسه، گونه های مکتوبات حدیثی اهل سنت در این دوره گزارش شده اند. در فصل دوم، مراکز حدیثی و محدثان شناسانده شده اند. فصل سوم، به بررسی گونه های نگارش حدیثی و رویکردهای مختلف به حدیث، اختصاص یافته و در فصل چهارم، تحولات و متون مربوط به علوم حدیث بررسی شده و در فصل پنجم، اجازات و مشایخ اجازه آمده اند.

## فصل یکم : کلیات

## وضعیت سیاسی \_ اجتماعی شیعه در سده های هشتم و نهم

## اشاره

فصل یکم : کلیات وضعیت سیاسی \_ اجتماعی شیعه در سده های هشتم و نهم به نظر می رسد اوضاع سیاسی \_ اجتماعی شیعه در این دوره ، در دو حوزه قابل بحث است . در حوزه شرق جهان اسلام (ایران و عراق) ، شیعیان از وضعیت بهتری نسبت به شیعیان ساکن در غرب جهان اسلام برخوردار بودند . در حالی که در ایران ، پس از شیعه شدن برخی از ایلخانان مغول و همچنین روی کار آمدن حکومت های شیعی (مانند سربداران و مرعشیان در نقاطی از ایران) ، کفّه مناسبات سیاسی و اجتماعی به نفع شیعیان رقم می خورد ، (1) در غرب جهان اسلام ، شیعیان از سوی برخی حکومت های اهل تسنن ، زیر فشار بوده اند . این نکته از به شهادت رسیدن چهار عالم شیعی شام در قرن هشتم هجری آشکار می شود . این عالمان عبارت اند از : حسن بن محمد بن ابی بکر سکاکنی ، به سال 744 ، (2) علی بن ابوالفضل بن محمد ، از شاگردان علامه حلی ، به سال 755 ، (3) محمود بن ابراهیم بن محمد شیرازی ، از علمای دمشق ، به سال 766 (4) و محمد بن مکی ، معروف به شهید

- 
- 1- روند رو به رشد تشیع در ایران در قرن هشتم و نهم، زمینه های سیاسی \_ اجتماعی پیدایش حکومت شیعی صفویان را فراهم ساخت.
  - 2- البدایة والنهایة، ج 14، ص 211؛ الدرر الكامنة، ج 2، ص 119 (ش 1551).
  - 3- الحقائق الراهنة، ص 146 .
  - 4- همان ، ص 209 .

## رخدادهای سیاسی مهم ایران

### 1. حکومت ایلخانان

اول در سال 786 هجری (1). برای آشنایی بیشتر با وضعیت سیاسی شیعیان در این دوره، رخدادهای مهم این دو قرن را بررسی می کنیم

رخدادهای سیاسی مهم ایران 1. حکومت ایلخانانقرن هشتم هجری، مقارن با حکومت ایلخانان مغول در ایران است. از رخدادهای مهم اوایل این قرن، شیعه شدن برخی از ایلخانان مغول است که زمینه گرایش بیشتر ایرانیان به تشیع را فراهم نمود و موجب گسترش فعالیت های علمی و فرهنگی شیعیان شد. بر پایه گزارش منابع تاریخی، سلطان محمود غازان (ح 694 \_ 703 ق) در دهم ذی حجه سال 694 هجری وارد تبریز شد و در نوروز آن سال به عنوان «ایلخان»، جلوس نمود. نخستین فرمانی که به دست او در همان روز جلوس، امضا گردید، فرمانی بود دایر بر وجوب پذیرش اسلام برای مغول و اجرای آداب دینی و رعایت جانب عدالت و منع حاکمان و بزرگان از ظلم نسبت به زیردستان. (2) غازان خان، پس از پذیرش اسلام، در برابر تشیع و تسنن، موضع میانه ای انتخاب کرد. برخی گفته اند که وی، به تشیع گرایش داشته است. (3) پس از غازان خان، اولجایتو، معروف به سلطان محمد خدابنده (ح 703 \_ 716) به تشیع گروید و بدین ترتیب، چنان که در کتاب های تاریخی آمده: «حکم رفت که در تمامت ممالک ایران زمین، تغییر کنند خطبه را، و نام صحابه سه گانه از خطبه بیندازند و بر نام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و حسن و حسین اختصار نمایند. و تغییر سگه کردند در سنه تسع و

1- همان، ص 207.

2- تاریخ ایران پس از اسلام، ص 437.

3- تاریخ تشیع در ایران، ج 2، ص 648.

سبعمئة (709) از نام صحابه با نام امیرالمؤمنین. «حیی علی خیرالعمل» در اذان اظهار کردند. و در تمامت ممالک اولجایتو سلطان، این معنی منتشر شد...» (1) ابن کثیر، تصریح می کند که سلطان محمد خدابنده، تا آخر عمر بر مذهب تشیع، پایدار ماند. (2) سید تاج الدین آوجی، از عالمان آن روز شیعه، در شیعه شدن خدابنده، نقش داشته است؛ (3) اما در این میان، نقش علامه حلّی در شیعه شدن خان مغول، از سایرین بیشتر است. علامه حلّی، سه کتاب به نام های نهج الحق و کشف الصدق، منهاج الکرامه و کشف الیقین را به نام سلطان محمد خدابنده نگاشته و به او تقدیم کرده است. (4) ابن بطوطه، مسبب شیعه شدن خدابنده را علامه حلّی دانسته و به دنبال آن، نوشته است: پادشاه، دستور داد مردم را به تشیع وا دارند و در این باب، به عراق عرب و عجم و فارس و آذربایجان و اصفهان و کرمان، نامه نگاشت. (5) علامه حلّی، پس از ورود به سلطانیه، پایتخت سلطان محمد خدابنده، به دستور پادشاه، ملازم او گشت و در پی آن، مدرسه ای تأسیس شد که همواره، همراه اردوی پادشاهی بود. علامه حلّی، در این مدرسه \_ که مدرسه سیاره نام داشت \_ تدریس کرده است. در این دوره، بسیاری از آثار علامه حلّی در شهرهای مختلف ایران، نگارش و استنساخ

- 
- 1- .مجمع التواریخ، ج 3 ص 237 (به نقل از: همان، ص 654).
  - 2- .البدایة والنهایة، ج 14 ص 79.
  - 3- .تاریخ تشیع در ایران، ج 2، ص 655.
  - 4- .ر.ک: مقدمه علامه بر هر سه کتاب.
  - 5- .رحلة ابن بطوطه، ص 205 (به نقل از: تاریخ تشیع در ایران، ص 662).

## 2. دیگر سلسله های قرن هشتم

شده است (1). رجال پژوه پُرکار و کتاب شناس برجسته شیعه، میرزا عبد الله افندی اصفهانی نیز بر آن است که تشیع ایران، وامدار تلاش های سه نفر است: علامه حلّی، محقق کرّکی و ملا حسن کاشانی. (2) به طور کلی، گفته می شود در روزگار اولجایتو، مردم در رفاه بوده اند و کمتر به مردم ستم شده و در عصر او، مذهب شیعه گسترش پیدا کرده و علم و ادب، رونق یافته است. (3) پس از مرگ اولجایتو در سال 716 ق، ابو سعید بهادر خان به حکومت رسید و تا سال 736 هجری حکومت کرد. از رخداد های ایّام حکومت او کشته شدن خواجه رشیدالدین به سال 718 هجری است. ابو سعیدخان، آخرین ایلخان بزرگ سلسله ایلخانان است. پس از مرگ وی، این سلسله به سرعت رو به انحطاط رفت و بدین ترتیب، از سال 736 تا 756، چندین تن از ایلخانان در مناطق مختلف ایران به حکومت رسیدند. (4)

2. دیگر سلسله های قرن هشتم پس از مرگ ابو سعید، چند سلسله در نقاط مختلف ایران روی کار آمدند. برخی از این سلسله ها عبارت اند از: 1. سلسله امرای ایلکانی یا آل جلایر. بنیانگذار این سلسله، شیخ حسن بزرگ، پسر امیر حسین بن آقبوقا بن ایلکان نویان جلایر است. او در سال 740 ق، پس از عزل شاه جهان تیمور (با تیمور لنگ، اشتباه نشود)، اعلام استقلال کرد و بنیانگذار

1- در این باره، ر.ک: مکتبه العلامة الحلّی، سیّد عبد العزیز الطباطبائی.

2- ریاض العلماء، ج 1، ص 308.

3- تاریخ ایران پس از اسلام، ص 457.

4- همان، ص 465.

### 3. حکومت تیموریان

سلسله ای شد که تا سال 813 ق، در بغداد و عراق عرب، سلطنت کردند. 2. سلسله امرای چوپانی. فرزندان امیر تیمور تاش بودند که از 740 تا 759 ق، در آذربایجان حکومت کردند. 3. سلسله آل مظفر. فرزندان امیر مظفر که پس از مرگ ابو سعید، در یزد و کرمان، حکومتی برپا کردند. امیر مبارزالدین محمد، پسر امیر مظفر، در سال 740 ق، قیام کرد. این سلسله تا سال 795 ق، حکومت راندند. اینان بعدها بر فارس نیز استیلا یافتند. 4. خاندان اینجو. از سال 742 تا 758 ق، در فارس و توابع آن، فرمان راندند.

3. حکومت تیموریان (771 \_ 911 ق) از رخدادهای مهم و در عین حال، تلخ تاریخ ایران در قرن هشتم، یورش های سه گانه تیمور لنگ به ایران در فاصله سال های 770 تا 807 هجری است. در پی این یورش ها، افزون بر آسیب های انسانی، اجتماعی و اقتصادی، حکومت های محلی مانند سرداران، برافتادند و حکومت تیموریان روی کار آمد. بدین سان که پس از مرگ تیمور لنگ، به سال 807 ق، پسرش شاهرخ به حکومت رسید و شهر هرات را پایتخت خود قرار داد. او هنرمندان و دانشمندان را می نواخت. جانشینان او، یعنی الغ بیگ و سلطان حسین بایقرا نیز کمابیش، راه او را ادامه دادند. حکومت تیموریان تا اواخر قرن نهم ادامه داشت. در قرن نهم، همچنین سلسله ترکمان قراقویونلو (ح 780 \_ 874 ق) در شمال غربی ایران و مشرق آسیای صغیر، حکومت کردند. سلسله دیگر که در این قرن روی کار آمد، سلسله آق قویونلو بود که توسط ابوالنصر حسن بیگ، معروف به «اوزون حسن» تأسیس شد. این سلسله در آذربایجان، قفقاز و دیار بکر، حکومت راندند.

#### 4. روی کارآمدن حکومت های شیعی در ایران

##### سربداران

4. روی کارآمدن حکومت های شیعی در ایران از رخدادهای قابل توجه قرن هشتم هجری، روی کارآمدن چند حکومت شیعی در نقاط مختلف ایران است. در این جا به اختصار، دو حکومت سربداران و مرعشیان را معرفی می کنیم.

سربداران در اواخر حکومت ایلخانان، شخصی به نام شیخ خلیفه به تشویق مردم برای قیام علیه ستم حاکمان مغول پرداخت. مغولان او را دستگیر کرده، در مسجد سبزوار به دار آویختند. پس از شیخ خلیفه، شاگرد او شیخ حسن جوری، راه او را پی گرفت. مغولان، او را دستگیر و زندانی کردند. در این زمان، امیر عبد الرزاق - که از بزرگان ناحیه بیهق بود - در قریه باشتین که بیشتر اهالی آن، جزو پیروان شیخ حسن محسوب می شدند، با عامل حکومت درگیر شد و او را به قتل رساند. پس از آن، او و طرفدارانش عهد کردند که اگر خداوند، آنها را توفیق دهد، ظلم و ظالمان را دفع کنند و گرچه، سر خود را بر دار اختیار می دارند، ستم را تحمل نمی کنند. بدین ترتیب، لقب «سربداری» پیدا شد. (1) سربداران، پس از جنگ و گریزهای بسیار و حمله به کاروان ها، شهر سبزوار را تسخیر کردند و آن جا را پایگاه عملیاتی خود قرار دادند. امیر عبد الرزاق، پس از تسخیر سبزوار در سال 737 ق، خطبه به نام خود خواند و اعلام استقلال کرد. او در مدت دو سال و چهار ماه حکومت خود، مناطق دیگری از خراسان را به تصرف خود درآورد. از این سلسله، مجموعاً یازده تن (در فاصله سال های 737 تا 788)

1- قیام سربداران، ص 48 و 49. برای روایت دیگر درباره آغاز پیدایش قیام سربداران به همین منبع رجوع شود.



**مرعشیان**

به حکومت رسیدند. امیران شیعی مذهب سربرداری، شاعران را به مدیحه سرایی اهل بیت علیهم السلام وا می داشتند. آخرین پادشاه این سلسله، خواجه نجم الدین علی مؤید بود که در ترویج علم و ادب می کوشید و در استحکام مبانی مذهب تشیع، تلاش می کرد. او با شهید اول (مق 786 ق) مکاتبه کرد و او را برای ارشاد مردم و اجرای شعائر مذهبی به خراسان فرا خواند. شهید اول، در پاسخ درخواست های او کتاب معروف اللمعة الدمشقیة را به نام وی نگاشت و به خراسان فرستاد تا شیعیان آن دیار بر طبق فتاوی او عمل نمایند. (1)

مرعشیان این سلسله شیعی، به رهبری سادات مرعشی در فاصله سال های 760 تا 795 ق بر بخش های وسیعی از مازندران، حکومت کردند. بنیانگذار این سلسله، سید قوام الدین مرعشی (م 781 ق)، تحت تأثیر تعالیم سربرداران خراسان، حکومتی مبتنی بر مذهب شیعه اثنا عشری در مازندران، پی ریخت. در زمان حکومت سید کمال الدین، پسر سید قوام الدین، طالقان، آلموت و قزوین نیز به قلمرو حکومت مرعشیان افزوده شد. سرانجام در سال 795 ق، در حمله تیمور به مازندران، سید کمال الدین به دنبال مقاومت کوتاهی تسلیم شد. تیمور، سادات مرعشی را به ماوراء النهر تبعید کرد. سید کمال الدین و برادرش فخرالدین، در حیات تیمور درگذشتند. پس از مرگ تیمور (807 ق)، برخی از بازماندگان سادات مرعشی چون سید زین العابدین و سید علی و سید یحیی (پسران سید قوام)، خود را به مازندران

1- الحقائق الراهنة، ص 175 و 205، تاریخ ایران پس از اسلام، ص 516.

## چشم انداز حدیث اهل سنت در سده های هشتم و نهم هجری

## زوائدنگاری

## اشاره

رساندند و به روزگار جانشینان تیمور، در شهرهای مختلف این نواحی به حکومت پرداختند. هرچند برخی از اینان برای استقلال دوباره به تلاش هایی دست یازیدند؛ اما در این کار، توفیقی نیافتند و بیشتر، تابع حکومت های وقت بودند. (1)

چشم انداز حدیث اهل سنت در قرن هشتم و نهم هجری دو قرن هشتم و نهم هجری، از دوره های مهم در تاریخ حدیث اهل سنت به شمار می رود. شخصیت های حدیثی مهمی مانند مزّی، عراقی، ذهبی، ابن حجر عسقلانی و سیوطی در این دوره می زیسته اند. سیوطی (م 911)، درباره این چهار نفر گفته است: *إنّ المحدثین، عیال الآن فی الرجال و غیرها من فنون الحدیث علی أربعة، المزّی والذهبی والعراقی و ابن حجر*. (2) اکنون محدثان، در رجال و دیگر فنون حدیث، ریزه خوار چهار تن هستند: مزّی، ذهبی، عراقی و ابن حجر. حضور این حدیث پژوهان بزرگ و پرنویس از يك سو، و تدوین متون و جوامع حدیثی در دوره های پیشین، که امکان کارهای گوناگون درباره آنها را فراهم ساخته بود، از سوی دیگر، سبب ساز تنوع فعالیت های حدیثی و فراهم آمدن گونه های مختلف در آثار و نگارش ها در زمینه های گوناگون علوم حدیث شده است. در این جا برای آشنا شدن با فضای حدیث اهل سنت، به برخی از فعالیت های مهم حدیثی ایشان، به اختصار اشاره می شود.

زوائدنگاری یکی از زمینه های فعالیت های حدیثی اهل سنت در قرن هشتم و نهم هجری،

1- ر.ک: دایرة المعارف تشیع، ج 4، ص 376 \_ 377.

2- طبقات الحفّاظ، ص 547.

## زوائد نگاری های هیشمی

## زوائد نگاری های بوصیری

## زوائد نگاری های ابن حجر

زوائد نویسی است. (1) مهم ترین زوائد نگاشته های اهل سنت در این دو قرن، توسط نورالدین هیشمی (م 807 ق)، ابن حجر عسقلانی (م 852 ق) و شهاب الدین بوصیری (م 840 ق) پدید آمده است.

زوائد نگاری های هیشمی 1. غایة المقصد فی زوائد المسند (زوائد مسند ابن حنبل بر کتب سنّه)، 2. کشف الأستار عن زوائد البزّار، 3. المقصد العلی فی زوائد أبی یعلی الموصلی، 4. البدر المنیر فی زوائد المعجم الکبیر، 5. مجمع البحرین فی زوائد المعجمین، 6. موارد الظمان إلی زوائد ابن حبان، 7. بغیة الباحث علی زوائد الحارث، 8. مجمع الزوائد و منبع الفوائد (شامل زوائد یاد شده، به استثنای زوائد مسند حارث و صحیح ابن حبان).

زوائد نگاری های بوصیری 1. مصباح الزجاجة فی زوائد ابن ماجة، 2. تحفة الحیب للحیب بالزوائد فی الترغیب و الترهیب، 3. زوائد نوادر الأصول، 4. فوائد المنتقی لزوائد البیهقی، 5. إتحاف الخیرة [السادة] المهرة بزوائد المسانید العشرة (مهم ترین زوائد بوصیری)، 6. مختصر إتحاف السادة المهرة بزوائد المسانید العشرة.

زوائد نگاری های ابن حجر 1. زوائد الأدب المفرد للبخاری، 2. زوائد مسند الحارث بن أبی أسامة علی کتب السنّة و مسند أحمد، 3. زوائد مسند أحمد بن منیع، 4. زوائد مسند البزّار علی کتب السنّة و مسند أحمد، 5. زیادات بعض الموطّات علی بعض، 6. زوائد الفردوس، 7. زوائد کتب الأربعة ممّا هو صحیح، 8. المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانية (مهم ترین زوائد ابن حجر). (2)

1- برخی بر آن اند که نخستین کتاب در زوائد از مغلطای بن قلیج (م 762 ق) است (مجمع الزوائد و منبع الفوائد، هیشمی، تحقیق؛ عبد الله محمدالدرویش، ص 54، مقدمه).

2- برگرفته از مقدمه سعد بن ناصر بن عبد العزیز الشری بر المطالب العالیة، دارالعصمة و دارالغیب، 1419 ق، اول؛ و مقدمه إتحاف الخیرة المهرة، از احمد معبد، دارالوطن، 1420 ق، اول.

**شرح نویسی**

شرح نویساز زمینه های مهم فعالیت های حدیثی اهل سنت در دوره مورد بحث، نگارش شرح و تعلیقه بر مصادر حدیثی پیشین و بویژه صحاح ششگانه است. با توجه به فراوانی این گونه کتاب ها به برخی از شروح صحاح، اشاره می شود: 1. الکواکب الدراری (شرح صحیح البخاری)، از شمس الدین محمد بن یوسف کرمانی 2. شرح صحیح البخاری، از بدر الدین محمد زرکشی (م 793 ق) 3. شرح صحیح البخاری، از سراج الدین عمر بن علی بن ملقن شافعی (م 804 ق) 4. فتح الباری (شرح صحیح البخاری)، از ابن حجر عسقلانی (م 852 ق) 5. عمدة القاری (شرح صحیح البخاری)، از بدرالدین محمود بن احمد عینی حنفی (م 855 ق) 6. شرح صحیح مسلم، از محمد عصیاتی (م 834 ق) 7. شرح سنن النسائی، از محمد عصیاتی 8. إكمال الإكمال (شرح صحیح مسلم)، از محمد آبی (م 828 ق) 9. فضل المنعم (شرح صحیح مسلم)، از محمد هروی 10. شرح سنن أبی داوود، از احمد عراقی (م 826 ق) 11. انتماء (/ انتحاء) السنن واقتفاء السنن (شرح سنن أبی داوود)، از احمد مقدسی (م 765 ق) 12. شرح سنن أبی داوود، از ابو بکر زبیدی (م 752 ق) 13. الیدیاج علی مسلم بن حجّاج، از جلال الدین سیوطی (م 911 ق) 14. مرقاة الصعود إلى سنن أبی داوود، از جلال الدین سیوطی.

## رجال و تراجم درايه و مصطلح الحديث

رجال و تراجمهم ترين آثار درباره رجال و تراجم (شرح حال نگاری) در دوره مورد بحث ، توسط حديث پژوهان زیر نوشته شده است :

1 . ذهبی : میزان الاعتدال فی نقد الرجال ، سير اعلام النبلاء ، تاريخ الإسلام و وفیات المشاهير و الأعلام ، تذكرة الحفاظ ، الإعلام بوفیات الأعلام ، دیوان الضعفاء و المتروکين ، المغنی فی الضعفاء ، المعین فی طبقات المحدثين و... 2 . مزى : تهذيب الكمال فی أسماء الرجال . 3 . صفدى : الوافى بالوفیات . 4 . ابن حجر : الإصابة فی تمييز الصحابة ، تعريف أهل (/أولى) التقديس بمراتب الموصوفين بالتدليس ، لسان الميزان ، ترتيب طبقات الحفاظ للذهبی على حروف المعجم ، تهذيب التهذيب ، تقريب التهذيب ، الإیثار بمعرفة رواة الآثار و... 5 . سیوطی : أسماء المدلسين ، اللّمع فی أسماء من وضع ، زوائد الرجال على تهذيب الكمال ، شدّ الرحال فی ضبط الرجال ، طبقات الحفاظ ، ذیل طبقات الحفاظ ذهبی . 6 . محمّد بن احمد جماعیلى مقدسى (م 774 ق) : طبقات علماء الحديث . 7 . ابراهيم بن محمّد رامینى مقدسى (م 884 ق) : المقصد الأرشد فی ذکر أصحاب الإمام أحمد.

درايه و مصطلح الحديثبرخی از مهم ترین آثار در این زمینه ، توسط محدثان زیر ، سامان یافته است : 1 . عراقى (زين الدين عبد الرحيم بن حسين) (725 \_ 806 ق) : ألفية الحديث (موسوم به التبصرة والتذكرة) ، فتح المغیث بشرح ألفية الحديث ، التقييد والإيضاح لما أطلق وأغلق فی كتاب ابن الصلاح ، النکت على مقدمة ابن الصلاح . (1)

1- . ألفية الحديث، مقدّمه احمد محمد شاکر، ص «ی» و «ک».

## آسيب شناسی و نقد حديث

2. ذهبي: منية الطالب لأعز المطالب، الموقظة في علم مصطلح الحديث و كتاب الزيادة المضطربة. (1) 3. ابن حجر: نخبة الفكر في مصطلح أهل الأثر، نزهة النظر في توضيح نخبة الفكر، رسالة في مصطلحات أهل الحديث، النكت على الألفية، الإفصاح بتكميل النكت على ابن الصلاح و هدى الساري (مقدمه فتح الباري). (2) 4. سيوطي: البحر الذي زخر في شرح ألفية الأثر، قطر الدرر في شرح نظم الدرر و الألفية في مصطلح الحديث. بلغة الحديث إلى علم الحديث، از ابوالمحاسن يوسف بن حسن مقدسي (م 909 ق)، الشذ الفياح من علوم ابن الصلاح، از برهان الدين ابراهيم بن موسى انباسي (م 909 ق) و اختصار علوم الحديث (تلخيص مقدمة ابن صلاح)، از ابن كثير (م 774 ق) از ديگر آثار نگاشته شده در درايه و مصطلح الحديث در اين دوره است.

آسيب شناسی و نقد حديثي از آثار درباره نقد حديث، عبارت اند از: 1. آثار ذهبي: أحاديث مختارة من الموضوعات من الأباطيل للجورقاني، ترتيب الموضوعات لإبن جوزي و تلخيص العلل المتناهية في الأحاديث الواهية لإبن جوزي. 2. آثار ابن حجر: الزهر المطلول في الخبر المعلول، شفاء الغلل في بيان العلل، نزهة القلوب في معرفة المبدل والمقلوب و الانتفاع بترتيب العلل للدارقطني على الأنواع. 3. آثار سيوطي: الدرر المنتثرة في الأحاديث المشتهرة و اللثالي المصنوعة في الأحاديث الموضوعية.

1- سير أعلام النبلاء، ج 1، ص 76، مقدمه محقق.

2- ابن حجر العسقلاني و دراسة مصنّفاته، ج 1، ص 288 \_ 301.

4. اثر ابن قیّم جوزی (م 751 ق): المنار المنیف فی الصحیح والضعیف. از دیگر زمینه های فعالیت های حدیثی اهل تسنن می توان به اطراف نویسی، تخریج احادیث کتاب های پیشین، تنقیح، تهذیب و تلخیص کتاب های پیشین، مستخرج نویسی، جمع کتب حدیثی، معجم نگاری، جمع طرق احادیث و اربعین نگاری اشاره کرد که جهت اختصار، از ذکر نمونه خودداری می شود. [\(1\)](#)

---

1- برای مطالعه بیشتر ر.ك: مجلّه آینه پژوهش، ش 88 «گونه شناسی نگارش های حدیثی اهل سنت در سده هشتم و نهم هجری» از نگارنده.





## فصل دوم : حوزه های علمی و محدثان سده های هشتم و نهم

### حوزه حلّه

#### اشاره

فصل دوم : حوزه های علمی و محدثان سده های هشتم و نهمدر این فصل ، در صدد معرفی محدثان امامیه در قرن هشتم و نهم هستیم . با توجه به کثرت عالمان و ضرورت رده بندی آنها ، ابتدا عالمان صاحب اثر حدیثی را به ترتیب هر يك از حوزه ها و مراکز علمی ، و سپس ، دیگر حدیث پژوهان را معرفی می کنیم . به طور کلی ، چهار حوزه حدیثی شیعه در این دوره قابل شناسایی است : 1 . حوزه حلّه ، 2 . حوزه جبل عامل ، 3 . حوزه بحرین و احسا ، 4 . حوزه ها و مراکز علمی ایران .

حوزه حلّه حلّه ، شهری بین کوفه و بغداد است . (1) حوزه علمی حلّه از قبل از قرن هشتم و از زمان محقق حلی (م 676 ق) از نشاط علمی برخوردار بود . در قرن هشتم و نهم نیز با ظهور عالمان بزرگی چون علامه حلی و پسرش فخرالدین محمد ، ابن فهد حلی و فاضل مقداد ، بر رونق و نشاط آن افزوده گشت و به مهم ترین حوزه علمی شیعه در دوره مورد بحث ، بدل شد . درست است که دانش اصلی رایج در این حوزه ، فقه بوده و این امر از پدید آمدن

1- برای چگونگی تأسیس شهر حلّه در سال 495 هجری توسط سیف الدوله صدقه بن منصور اسدی، ر.ک: معجم البلدان، ج 2، ص

**1. سیّد هبة الله موسوی (زنده در 703 ق)****2. علی بن یوسف حلّی (زنده در 703 ق)**

آثار فقهی گران سنگی مانند: شرائع محقق حلّی، آثار فقهی علامه حلّی و پسرش و المهذب البارع ابن فهد حلّی پیداست؛ اما به برکت حضور عالمان ذوفنون متعدّد، دانش های کلام و حدیث نیز در این حوزه از رونق خاصی برخوردار است. اینک به معرفی اجمالی حدیث پژوهان حوزه حلّه می پردازیم.

1. سیّد هبة الله موسوی (زنده در 703 ق) (1) سیّد هبة الله بن ابی محمد حسن موسوی، عالم و محدّث معاصر علامه حلّی است. از زندگی وی، اطلاع چندانی در دست نیست. شیخ حرّ عاملی درباره او گفته: «كان عالماً صالحاً عابداً له كتاب الرائق من أزهار الحقائق» (2) نویسنده ریاض العلماء نیز پس از تأکید بر دانش و فضل و طبقه سیّد هبة الله، به معرفی کتاب او پرداخته است. (3) از سیّد هبة الله، يك اثر چاپ شده و يك اثر نایاب می شناسیم. المجموع الرائق من أزهار الحقائق، شامل مباحث کلامی، فقهی و حدیثی، تنها کتاب چاپ شده اوست که جلد نخست آن را به سال 703 هجری به پایان برده است. التاج الشرفی فی معجزات النبی، نام دیگر اثر اوست که از سرنوشت آن، اطلاعی در دست نیست. (4)

2. علی بن یوسف حلّی (زنده در 703 ق) (5) رضی الدین علی بن یوسف بن مطهر حلّی، برادر علامه حلّی، فقیه و محدّث قرن

1- ر.ك: ریاض العلماء، ج 5، ص 305؛ الحقائق الراهنة، ص 236؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 377؛ فهرس التراث، ج 1، ص 694.

2- أمل الآمل، ج 2، ص 341 (ش 1051).

3- ریاض العلماء، ج 5، ص 305.

4- همان جا.

5- ریاض العلماء، ج 4، ص 294؛ أمل الآمل، ج 2، ص 211؛ روضات الجنّات، ج 14، ص 344؛ الحقائق الراهنة، ص 154؛ فهرس التراث، ج 1، ص 693.

## 3. علامه حلّی (648 \_ 726 ق)

هفتم و هشتم هجری است . او به سال 635 هجری در جلّه به دنیا آمد . مشایخ او عبارت اند از : سدید الدین یوسف بن علی حلّی (پدرش) ، نجم الدین حلّی ، علی بن عیسی اربلی و احمد بن مسعود اسدی حلّی . راویان از او نیز عبارت اند از : فخرالدین محمد حلّی (برادرزاده اش) ، سیّد عمیدالدین عبد المطلب (خواهرزاده اش) و شیخ قوام الدین محمد (پسرش) و علی بن حسین بن قاسم نرسی ، که با دو اجازه از او روایت می کند (1). رجال پژوهان ، او را به دانش و فضل ، ستوده اند . تنها کتاب برجای مانده از او ، العدد القویّة لدفع المخاوف الیومیّة است که منتشر شده است . سال وفات علی بن یوسف حلّی ، مشخص نیست . نویسنده روضات الجنّات و شیخ آقا بزرگ ، تأکید کرده اند که در زمان حیات پدرش فوت کرد ، ولی از اجازه او به علی بن حسین بن قاسم نرسی به تاریخ 28 محرم 703 ، (2) زنده بودن او تا این سال ، آشکار است .

3. علامه حلّی (648 \_ 726 ق) (3) علامه جمال الدین حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلّی ، از بزرگ ترین عالمان و پُرآوازه ترین فقیهان و متکلمان و حدیث پژوهان تمام ادوار شیعه است . علامه حلّی ، به راستی جامع معقول و منقول بوده و در حوزه های مختلف علوم اسلامی ، آثار ماندگاری برجای گذاشته است . رجال پژوهان ، بالجمله ، او را به کمال فرزاندگی و وارستگی ستوده اند . دانشمند معاصر او ابن داوود حلّی درباره اش می نویسد : شیخ الطائفة و علامة وقته و صاحب التحقيق و التدقيق، کثیر التصانیف إنتهت إلیه ریاسة الإمامیة فی المعقول والمنقول. (4)

1- الحقائق الراهنة، ص 154 . ریاض العلماء، ج 4، ص 295 \_ 297.

2- الحقائق الراهنة، ص 154 .

3- ر.ك: الرجال، ابن داوود، ص 78؛ ریاض العلماء، ج 1، ص 358؛ أمل الآمل، ج 2، ص 84؛ الحقائق الراهنة، ص 52؛ فهرس التراث، ج 1، ص 704.

4- الرجال، ابن داوود، ص 78 (ش 466).

شیخ طایفه و علامه روزگار و صاحب تحقیق و تدقیق و پُر تالیف، که ریاست امامیه در معقول و منقول به وی رسید. علامه حلّی، از دانشمندان تأثیرگذار در حوزه های گوناگون معارف شیعی است. دانش های فقه، اصول و کلام، در روزگار وی به اوج کمال رسید. او نزد پدرش سدید الدین و دایی خود محقق حلّی، ابن میثم بحرانی، علی بن طاووس، احمد بن طاووس و خواجه نصیرالدین طوسی دانش آموخت. (1) او افزون بر عالمان یاد شده، از بسیاری از عالمان شیعی و سنّی روایت می کند. از عالمان شیعه می توان نجیب الدین یحیی بن سعید (پسر عموی محقق حلّی)، حسین بن علی بن سلیمان بحرانی و مفیدالدین محمد بن علی بن جهّم اسدی را نام برد. از عالمان اهل تسنّن نیز به نجم الدین علی بن عمر کاتبی (دبیران) قزوینی، برهان الدین محمد بن محمد بن محمد سقفی (م 686 ق)، عزالدین فاروقی واسطی، تقی الدین عبد الله بن جعفر بن صباغ حنفی، شمس الدین محمد بن محمد کشّی شافعی و حسن بن محمد صنعانی می توان اشاره کرد. (2) شاگردان و روایان از علامه حلّی نیز بسی فراوان اند، چنان که شیخ آقا بزرگ می نویسد: بسیاری از او بهره برده اند. بزرگ ترین شاگرد او که سلسله اجازات به او ختم می شود، پسرش فخر المحققین است و دو پسر خواهر او سیّد عمیدالدین و سیّد ضیاءالدین [اعرجی]. (3) دیگر روایان از علامه، سیّد تاج الدین محمد بن قاسم بن سعید، شیخ زین الدین

---

1- الحقائق الراهنة، ص 52 .

2- همان، ص 52 .

3- همان، ص 53 .

**4. ابن داوود حلّی (647\_ زنده در 707)**

ابوالحسن علی بن احمد بن طرّاد مطارآبادی، شیخ رضی الدین ابوالحسن علی بن احمد مرندی و شیخ تاج الدین حسن سرایشنوی، شایان ذکرند. (1) علامه در دانش های گوناگون اسلامی، اعم از: فقه، کلام، منطق، رجال و حدیث، آثار گران سنگی به یادگار گذاشته است. (2) تألیفات ایشان که به حوزه علوم حدیث مرتبط است، عبارت اند از: الف. چاپی: 1. خلاصة الأقوال، 2. إيضاح الاشتباه، 3. منهاج الكرامة فی إثبات الإمامة، 4. كشف اليقين فی فضائل أميرالمؤمنین علیه السلام، 5. المستجد من كتاب الإرشاد، 6. الدلائل البرهانیة فی تصحیح الحضرة الغرویة (منسوب)، 7. اجازات متعدّد. ب. خطّی و نایاب: 1. استقصاء الاعتبار فی تحریر معانی الأخبار، 2. مصابیح الأنوار فی جمع جمیع الأخبار. 3. الدرّ والمرجان فی الأحادیث الصحاح والحسان، 4. النهج الوضّاح فی الأحادیث الصحاح، 5. الأدعية الفاخرة المنقولة (المأثورة) عن الأئمة الطاهرة، 6. منهاج الصلاح فی اختصار المصباح، 7. جامع الأخبار، 8. مختصر شرح نهج البلاغة، 9. إثبات الرجعة (منسوب)، 10. كشف المقال فی معرفة الرجال.

4. ابن داوود حلّی (647\_ زنده در 707) (3) ابو محمد تقی الدین حسن بن علی بن داوود حلّی، فقیه، ادیب و رجالی معروف در پنجم جمادی ثانی 647 به دنیا آمد. (4) او معاصر علامه حلّی و از شاگردان محقق حلّی است. (5) ابن داوود، از جمال الدین احمد بن طاووس و مفید الدین

1- ریاض العلماء، ج 1، ص 358.

2- برای فهرست کامل آثار علامه حلّی، ر.ك: مكتبة العلامة الحلّی، از سیّد عبد العزیز طباطبایی.

3- ر.ك: أمل الآمل، ج 2، ص 71، ریاض العلماء، ج 1، ص 254؛ الكنى والألقاب، ج 1، ص 282؛ مصفّی المقال، ص 126؛ فهرس التراث، ج 1، ص 720.

4- الحقائق الراهنة، ص 43.

5- أمل الآمل، ج 2، ص 71.

**5. فخر المحققین حلّی (682 - 771 ق)**

محمد بن جهیم اسدی روایت می کند . (1) راویان از او عبارت اند از : رضی الدین علی بن احمد مرندی (استاد شهید اول) و زین الدین ابو الحسن علی بن طراد مطار آبادی . (2) ابن داوود ، در کتاب الرجال خود ، حدود سی اثر برای خود برشمرده که بیشتر آنها در علوم ادبی است که متأسفانه ، از میان رفته اند . کتاب رجال وی به چاپ رسیده است .

5. فخر المحققین حلّی (682 - 771 ق) (3) محمد بن حسن بن مطهر حلّی ، پسر علامه حلّی و معروف به فخر المحققین ، فقیه و متکلم بزرگ امامیه در قرن هشتم هجری است . شهید اول ، از او با تعبیر «الشیخ الإمام ، سلطان العلماء ، منتهی الفضلاء والنبلاء ، خاتم المجتهدین ، وفخر الملة والدین» ، یاد کرده است . (4) فخر المحققین ، دانش های اسلامی را نزد پدرش آموخت و از او روایت کرد . از شاگردان و راویان از او نیز می توان به شهید اول ، احمد بن عبد الله بن سعید بن متوج بحرانی ، علی بن یوسف بن عبد الجلیل نیلی و علی بن عبد الحمید نیلی نجفی اشاره کرد . (5) آوازه علمی و جایگاه اجتماعی علامه حلّی و فخر المحققین ، حرمت فوق العاده ای برای آن دو ، حتی در میان اهل تسنن ، به وجود آورده بود ، به گونه ای که فیروزآبادی ، مؤلف القاموس المحيط ، به شاگردی فخر المحققین ، افتخار کرده و با

- 
- 1- ریاض العلماء، ج 1، ص 254.
  - 2- همان جا.
  - 3- ر.ك: جامع الرواة، ج 2، ص 96؛ ریاض العلماء، ج 5، ص 77؛ روضات الجنّات، ج 6، ص 33؛ فهرس التراث، ج 1، ص 731؛ معجم المؤلفین، ج 9، ص 228.
  - 4- بحار الأنوار، ج 107، ص 195.
  - 5- الحقائق الراهنة، ص 185.

**6. ابن مَعِيَه (م 776 ق)**

تعبیری بس بلند، از او و علامه یاد کرده است. (1) آثار علمی فخر المحققین، در فقه و کلام است. ظاهراً تنها اثر حدیثی او ثلاث و اربعون حدیثاً نبویاً است که دارای چندین نسخه خطی است. (2)

6. ابن مَعِيَه (3) (م 776 ق) سید تاج الدین ابو عبد الله محمد بن جلال الدین ابو جعفر قاسم بن حسین بن قاسم بن محمد بن حسن بن معیه دیباجی حلّی، عالم، مورّخ و نسب شناس بزرگ قرن هشتم هجری است. شهید اول، در برخی اجازات خود، از ابن معیه با تعبیر: سید عالم سعید نسابه، اعجوبه زمان در تمام فضایل و مآثر، یاد کرده است. (4) ابن عنبه، شاگرد و داماد او در عمدة الطالب، به شرح حال وی پرداخته و آثار او را بر شمرده و درباره او گفته است: شیخی المولی السید العالم الفقیه الحاسب النسابة المصنّف تاج الدین محمد، إليه انتهى علم النسب فی زمانه و له فیہ الإسنادات العالیة والسماعات الشریفة أدركته \_ قدّس الله روحه شیخاً \_ و خدمته قریباً من اثنتی عشرة سنة. قرأت فیها ما امکن حدیثاً و نسباً و فقهاً و حساباً و ادباً و تواریخ و شعراً إلى غیر ذلك. (5) ابن عنبه، تصریح کرده که تمام عالمان انساب در عراق، از شاگردان و مستفیدان ابن معیه بوده اند. (6)

1- همان جا.

2- برای نسخ آن، ر.ک: فهرس التراث، ج 1، ص 733.

3- عمدة الطالب، ص 169 \_ 171، ریاض العلماء، ج 5، ص 152 \_ 153؛ الکنی والألقاب، ج 1، ص 415؛ الحقائق الراهنة، ص 197، لؤلؤة البحرين، ص 185 \_ 190، مفاخر اسلام، ج 4، ص 310 \_ 320، هدیة العارفین، ج 2، ص 166.

4- بحار الأنوار، ج 107، ص 188.

5- عمدة الطالب، ص 169.

6- همان، ص 171.

بنا به گفته ابن عنبه، ابن معیّه در میان اهل فتوت، جایگاه ویژه ای داشته است، لباس فتوت به آنها می پوشانده و در میانشان داوری می کرده است. همچنین، منصب پوشاندن خرقة اهل تصوف نیز با او بوده است. (1) ابن معیّه، دارای استادان و مشایخ فراوان بوده است. از جمله، قاسم بن حسین (پدرش)، فخرالمحققین، علامه حلّی، عمیدالدین عبدالمطلب بن محمد بن علی اعرج و ضیاءالدین عبد الله بن محمد بن علی اعرج (دو پسر خواهر علامه حلّی)، محمد بن یحیی بن سعید، محمد بن فخرالمحققین، محمد بن محفوظ بن وشّاح، عبد الله بن حمدویه، علی بن احمد مزیدی، رضی الدین محمد بن محمد بن محمد آوی، یوسف بن ناصر بن حمّاد، علی بن عبد الحمید بن فخر، علی بن عبد الکریم بن طاووس، جعفر بن علی بن عرفه حلّی، محمود بن یحیی شیبانی حلّی، جعفر بن علی بن صاحب دارالصخر ( / دارالصحة) و جمعی دیگر را می توان نام برد. (2) از شاگردان و راویان از او نیز جمال الدین احمد بن عنبه، شهید اول، بهاء الدین علی بن عبد الحمید و محمد بن احمد بن ابی المعالی شایان ذکرند. شهید ثانی گفته است که اجازه تاج الدین به شهید اول را که به خطّ خود او بوده، دیده که در انتهای آن، نویسنده از شهید درخواست اجازه کرده است. افزون بر شهید اول، عزالدین حسن بن ابی الفتح دهّان نیز با ابن معیّه، روایت مُدّیج دارند. (3) نیز گفته می شود که ابن معیّه، دارای اسنادی عالی به امام حسن عسکری علیه السلام است، بدین طریق که ابن معیّه از پدرش، از معمر بن غوث سنّسی روایت می کند که گفته می شود از غلامان امام عسکری علیه السلام بوده است. (4) ابن معیّه، دارای کتاب های متعدّد در زمینه رجال، تاریخ و انساب بوده که ظاهراً

1- همان، ص 170 \_ 171.

2- الحقائق الراهنة، ص 197.

3- همان، ص 198. هرگاه دو قرین (همسن، همشاگرد) از یکدیگر روایت کنند، «مُدّیج» نامیده می شود (معجم مصطلحات الرجال والدرایه، ص 151).

4- الکنی والألقاب، ج 1، ص 416، سفینة البحار، ج 6، ص 457؛ مستدرک الوسائل، ج 9، ص 146.



**7. ابن عتائقی حلّی (زنده در 786 ق)**

همگی از بین رفته اند. از آثار اوست: 1. کتابی در معرفة الرجال (دو جلد)، 2. نهاية الطالب فی نسب آل ابي طالب (دوازده جلد)، 3. الثمرة الظاهرة من الشجرة الطاهرة (چهار جلد در انساب طالبیان)، 4. الفلك المشحون فی انساب القبائل و البطون، 5. سبک الذهب فی شبک النسب، 6. الجدوة الزینبیه (ابن عنبه، شش کتاب یاد شده را نزد ابن معیّه، قرائت کرده است)، 7. أخبار الأمم، 9. تذييل (/ تبدیل) الأعقاب، 10. كشف الالتباس فی نسب بنی العباس، 11. منهاج العمال فی ضبط الأعمال. (1)

7. ابن عتائقی حلّی (زنده در 786 ق) (2) کمال الدین عبد الرحمان بن محمد بن ابراهیم بن عتائقی حلّی، عالم، متکلم و حدیث پژوه قرن هشتم هجری است. او در جلّه به دنیا آمد و در همان جا دانش آموخت. کفعمی در المصباح، او را عالم عامل و فاضل کامل شمرده و سیّد بهاء الدین علی بن عبد الحمید نجفی، استاد ابن فهد نیز در کتاب السلطان المفرج عن أهل الإیمان، از او یاد کرده و بسیار، ستوده است. (3) صاحب ریاض و شیخ عبّاس قمی نیز به نقل از آن، وی را متمایل به حکمت و تصوّف دانسته اند. (4) افندی، بر آن است که این گرایش، به تبع ابن میثم در شرح نهج البلاغه بوده است. (5)

- 
- 1- عمدة الطالب، ص 169 \_ 170. نویسنده عمدة الطالب، تصریح کرده که ابن معیّه، کتاب های دیگری نیز در زمینه فقه، حدیث، حساب و عروض داشته؛ اما به عناوین آنها اشاره ننموده است.
  - 2- ر.ک: ریاض العلماء، ج 3، ص 103، الکنی والألقاب، ج 1، ص 354، الحقائق الراهنة، ص 111، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن عتائقی»؛ الأعلام، ج 3، ص 330.
  - 3- ر.ک: ریاض العلماء، ج 3، ص 105.
  - 4- همان، ص 103؛ الکنی والألقاب، ج 1، ص 354.
  - 5- ریاض العلماء، ج 3، ص 105.

**8. علی نیلی (زنده در 803 ق)**

ابن عتائقی، معاصر شهید و استادان شهید است. او از جمله، از زهدری (یا ابن زهدری) روایت می کند. از دیگر مشایخ او نصیرالدین علی بن محمد کاشی (م 755 ق) و علامه حلّی شایان ذکرند. از شاگردان و راویان از او نیز می توان سید بهاء الدین عبد الحمید نجفی را نام برد. بنا به گزارش زرکلی، ابن عتائقی به سال 746 ق، به ایران و مناطق دیگر مسافرت کرد و بیشتر در اصفهان بود و آن گاه به عراق بازگشت و به نجف رفت. (1) ابن عتائقی، دارای آثار متعددی است که غالباً شرح یا گزینش آثار پیشینیان است. کفعمی در کتاب های خود، از آثار وی، فراوان بهره برده است. (2) آثار مرتبط با حدیث او عبارت اند از: 1. شرح نهج البلاغة. 2. غرر الغرر و درر الدرر (مختصر الأمالی سید مرتضی)، 2. مختصر تفسیر علی بن ابراهیم، 4. الرسالة الفارقة والملحة الفانقة (در ملل و نحل).

8. علی نیلی (زنده در 803 ق) (3) بهاء الدین علی بن عبد الکریم بن عبد الحمید حسینی نیلی نجفی، فقیه، متکلم، رجالی و محدث بزرگ قرن هشتم هجری است. شاگردش حسن بن سلیمان حلّی، با تعبیر «السید الجلیل الموفق السعید بهاء الدین علی» از او یاد کرده است. (4) افندی، او را فقیه، شاعر، ماهر، عالم فاضل کامل، صاحب مقامات و کرامات عظیم... و از افاضل عصر و اعظم روزگار خود، شمرده است. (5)

- 
- 1- الأعلام، ج 3، ص 330.
  - 2- الحقائق الراهنة، ص 110 \_ 111.
  - 3- ر.ك: الضیاء اللامع، ص 94 \_ 95؛ الحقائق الراهنة، ص 141 \_ 142، خاتمة مستدرک، ج 2، ص 297، فهرس التراث، ج 1، ص 741، ریاض العلماء، ج 4، ص 741؛ منتخب الأنوار المضيئة، مقدّمه تحقیق؛ هدیة العارفين، ج 5، ص 726.
  - 4- مختصر بصائر الدرجات، ص 176.
  - 5- ریاض العلماء، ج 4، ص 124.

**9. حسن بن سلیمان حلّی (زنده در 802 ق)**

از مشایخ متعدّد او می توان به فخر المحقّقین (م 771 ق)، سیّد عمیدالدین عبد المطلب بن محمّد بن علی بن اعرج حسینی (م 754 ق) و سیّد ضیاء الدین عبد الله بن محمّد بن علی بن اعرج حسینی (دو پسر خواهر علامه حلّی)، سیّد تاج الدین محمّد بن قاسم بن معیّه حسنی دیباجی (م 776 ق) و شهید اول (مق 786 ق) اشاره کرد. (1) او همچنین از جدّ خود (عبد الحمید) روایت می کند. البته دانسته نیست که مستقیماً از او روایت می کند یا از کتابش نقل می کند. (2) از راویان از او می توان به حسن بن سلیمان حلّی (3) و ابن فهد حلّی (4) (م 841 ق) اشاره کرد. ابن ابی جمهور نیز با اسناد خود از او روایت می کند. (5) نیلی، دارای آثار ارزشمندی در زمینه علوم حدیث و مناقب و تاریخ زندگی اهل بیت علیهم السلام است. الف. آثار چاپی: 1. منتخب الأنوار المضيئة. ب. خطی و نایاب: 1. الدرّ النضید فی تعازی الإمام الشهيد، 2. السلطان المفرّج عن أهل الإیمان، 3. الغیبة، 4. سرور أهل الإیمان، 5. المفتاح، 6. الزبدة، 7. ایضاح المصباح لأهل الصلاح، 8. کتاب الرجال، 9. الأنوار المضيئة فی الحکمة الشرعیة.

9. حسن بن سلیمان حلّی (زنده در 802 ق) (6) عزالدین ابو محمّد حسن بن سلیمان بن محمّد بن خالد، فقیه و محدّث بزرگوار شیعه، در حله به دنیا آمد، هر چند تبار او عاملی است. او از شاگردان برجسته شهید اول است که به همراه پنج نفر از علما که نزد او علل الشرائع را خوانده بودند، در

1- الحقائق الراهنة، ص 142 و 197؛ ریاض العلماء، ج 4، ص 125.

2- ریاض العلماء، ج 4، ص 126.

3- مختصر بصائر الدرجات، ص 48 و 50؛ الحقائق الراهنة، ص 142.

4- همان جا. نیز، ر.ک: المهذب البارع، ج 1، ص 194.

5- عوالی اللثالی، ج 1، ص 25.

6- ر.ک: الضیاء اللامع، ص 34؛ ریاض العلماء، ج 1، ص 193 به بعد؛ أعیان الشیعة، ج 5، ص 106 (ش 261).

دوازدهم شعبان 757 ق، از ایشان اجازه دریافت کرده است. (1) شهید، در اجازه خود با تعبیر «الشیخ الصالح الورع الدین البدل عز الدین» از او یاد کرده است. (2) شمس الدین محمد جبعی (822\_ 886 ق)، جدّ شیخ بهایی، الصحیفة السجادية را با اجازه سال 851 ق، از علی بن محمد بن علی روایت می کند که او نیز بر تاج الدین عبد الحمید بن جمال الدین احمد بن علی هاشمی زینبی قرائت کرده و او از حسن بن سلیمان حلّی روایت می کند. (3) از مشایخ روایت او، افزون بر شهید، سیّد بهاء الدین علی بن عبد الکریم بن عبد الحمید حسینی نیلی و محمد بن ابراهیم بن محسن بن محسن مطار آبادی را می توان ذکر کرد. (4) از شاگردان او می توان به حسین بن محمد بن حسن حمویانی اشاره کرد که پس از خواندن کتاب الخصال در نزد وی، اجازه ای در سال 802 ق، از او دریافت کرده که در آن، مشایخ خود را از طریق شهید تا شیخ صدوق، یاد کرده است. نیز سیّد تاج الدین عبد الحمید بن احمد بن علی هاشمی زینبی، که از طریق اجازه از او روایت می کند. (5) آثار او در زمینه علوم حدیث، عبارت اند از: الف. چاپی: 1. مختصر بصائر الدرجات، 2. المحتصر. ب. خطی: 1. إثبات الرجعة، 2. رسالة فی تفضیل الأئمة علی الأنبياء والملائكة.

- 
- 1- الضیاء اللامع، ص 34؛ الذریعة، ج 1، ص 247 (ش 1302).
  - 2- الضیاء اللامع، ص 34. در فهرس التراث (ج 1، ص 473) به خطا، شهید ثانی آمده است.
  - 3- همان جا.
  - 4- ریاض العلماء، ج 1، ص 193\_ 194؛ أعیان الشیعة، ج 5، ص 106.
  - 5- أعیان الشیعة، ج 5، ص 106؛ الضیاء اللامع، ص 34 و 75.

**10. حافظ رجب بُرسی (م ح 813 ق)**

10. حافظ رجب بُرسی (م ح 813 ق) (1) رضی الدین رجب بن محمّد بن رجب بُرسی حلّی، عالم، عارف و محدّث امامی قرن هشتم هجری است. او متولّد برس و حلّی الأصل بوده است. (2) درباره زندگی علمی وی، اطلاع چندانی در دست نیست. افندی، از او به عنوان فقیه و محدّث و صوفی معروف که در بیشتر علوم، مهارت داشته و در علم اسرار، حروف و اعداد و مانند آن، صاحب دست بوده، یاد کرده است. (3) شیخ حرّ عاملی، پس از آن که او را فاضل، محدّث، شاعر، منشی و ادیب دانسته، درباره کتاب معروف او مشارق الأنوار می نویسد: و فی کتابه إفراط و ربّما نسب إلى الغلو. (4) علامه مجلسی، در یادکرد مصادر بحار الأنوار، از دو کتاب بُرسی یاد کرده و درباره آنها می نویسد: بر آنچه او به تنهایی نقل کرده، اعتماد نمی کنم؛ چرا که دو کتاب او مشتمل بر چیزهایی است که موهم خبط و خلط و ارتقاع (غلو) است. (5) در معرفی مشارق الأنوار، بیشتر به این موضوع خواهیم پرداخت. بُرسی، آثار متعدّدی نگاشته که در ریاض العلماء معرفی شده است. (6) آثار خطّی و

- 
- 1- ر.ك: ریاض العلماء، ج 2، ص 304؛ روضات الجنّات، ج 3، ص 337؛ أعيان الشيعة، ج 6، ص 435، أمل الآمل، ج 2، ص 117، الضیاء اللامع، ص 58.
  - 2- ریاض العلماء، ج 2، ص 304.
  - 3- همان جا.
  - 4- أمل الآمل، ج 2، ص 117.
  - 5- بحار الأنوار، ج 1، ص 10.
  - 6- در جلد دوازدهم دانش نامه امام علی علیه السلام، در ذیل مقاله «مشارق الأنوار» نیز فهرست آثار بُرسی آمده است.

**11. فاضل مقداد (م 826 ق)**

چاپی بررسی عبارت اند از: الف. چاپی: 1. مشارق أنوار اليقين في حقائق أسرار أمير المؤمنين، 2. لوامع أنوار التمجيد و جوامع أسرار التوحيد، 3. تفسير سورة الإخلاص. ب. خطی و نایاب: 1. مشارق الأمان و لباب حقائق الإيمان، 2. الألفين في وصف سادة الكونين، 3. زیارت حضرت أمير المؤمنين عليه السلام، 4. رسالة في كيفية التوحيد والصلوات على الرسول والأئمة عليهم السلام، 5. فضائل على عليه السلام، 6. اللمعة من أسرار الأسماء والصفات والحروف والآيات والدعوات، 7. الصلوات على الرسول والأئمة، 8. مولد النبي وفاطمة وأمير المؤمنين وفضائلهم عليهم السلام، 9. أسرار النبي وفاطمة والأئمة عليهم السلام، 10. خواص الأسماء الحسنى.

11. فاضل مقداد (م 826 ق) (1) شرف الدين ابو عبد الله مقداد بن عبد الله حلّي اسدی سیوری، (2) فقيه، متکلم، مفسر و حدیث پژوه نامدار شیعه در قرن هشتم و نهم هجری است. فاضل مقداد، شاگرد شهید اول بوده است. سيف الدين شفرایی، (3) شرف الدين مکی، حسین بن علاء الدين مظفر قمی، تاج الدين حسن بن راشد (/ حسن بن محمد بن راشد) حلّي، محمد بن شجاع قطّان حلّي، احمد بن فهد حلّي (م 841 ق) و قاسم الدين (4) از روایت کنندگان از او هستند. حسن بن راشد حلّي، شاگرد فاضل مقداد، استاد خود را شخصیتی مسلط به علوم بسیار، فقيه، متکلم، اصولی، نحوی و منطقی و دارای تألیفات نیکو معرفی کرده است. (5) کتاب های مقداد سیوری، غالباً کلامی و فقهی اند. دو اثر حدیثی خطی از

- 
- 1- ر.ك: رياض العلماء، ج 5، ص 216 \_ 217؛ الكنى والألقاب، ج 3، ص 10؛ الضياء اللامع، ص 138 \_ 139.
  - 2- منسوب به سیور، روستایی در نزدیکی حلّه (ر.ك: رياض العلماء، ج 5، ص 216؛ الضياء اللامع، ص 138).
  - 3- رياض العلماء، ج 5، ص 216.
  - 4- الضياء اللامع، ص 139.
  - 5- همان جا. نیز، ر.ك: فهرس التراث، ج 1، ص 754.

**12. ابن فهد حلّی (757 - 841 ق)**

او می شناسیم که عبارت اند از: 1. الأدعية الثلاثون، 2. الأربعون حديثاً.

12. ابن فهد حلّی (757 - 841 ق) (1) جمال الدین ابو العباس احمد بن شمس الدین محمد بن فهد حلّی، معروف به ابن فهد، (2) عالم عابد و فقیه زاهد و حدیث پژوه برجسته شیعه در قرن هشتم و نهم هجری است. او در حلّه به دنیا آمد و در همان جا در نزد عالمان بزرگ آن روزگار به تحصیل پرداخت. وی مدتی در مدرسه زینبیه حلّه به تدریس پرداخت. سپس به کربلا رفت و حوزه علمیه کربلا را تأسیس کرد. (3) مشایخ او بیشتر از شاگردان شهید اول و فخر المحققین حلّی هستند، بدین ترتیب که از طریق سید بهاء الدین علی بن عبد الکریم نجفی، احمد بن عبد الله بحرانی، نظام الدین علی بن محمد نیلی، علی بن یوسف نیلی و جلال الدین عبد الله بن شرف شاه، از فخر المحققین، و از طریق فاضل مقداد و زین الدین علی بن ابی محمد حسن بن شمس الدین محمد بن خازن، از شهید اول، روایت می کند. (4) او ظاهراً به سال 824 ق، در جزین به دیدار ضیاء الدین علی بن شهید اول رسیده و از او برای نقل مصنفات شهید، اجازه دریافت کرده است. (5) شاگردان و راویان از او عبارت اند از: فخرالدین احمد بن محمد سبعی، حسن بن حسین جزائری، عزالدین حسن بن علی کرکی عاملی معروف به

- 
- 1- ر.ک: ریاض العلماء، ج 1، ص 64 - 65؛ الکنی والألقاب، ج 1، ص 380؛ الضیاء اللامع، ص 9 - 10؛ أعیان الشیعة، ج 3، ص 147؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل: «ابن فهد»؛ مجله تراثنا، ش 16، ص 166 - 178.
  - 2- با شهاب الدین احمد بن محمد بن فهد آحسابی (نویسنده خلاصه التتقیح)، عالم دیگر این دوره، اشتباه نشود.
  - 3- مجله تراثنا، ش 16، ص 167.
  - 4- الضیاء اللامع، ص 9 - 10.
  - 5- ریاض العلماء، ج 1، ص 64.

## 1. شهید اول (734 \_ 786 ق)

ابن عشره، علی بن هلال جزائری، عبد السمیع بن قیاض اسدی، رضی الدین حسین قطیفی معروف به ابن راشد، زین الدین علی بن محمد بن طی عاملی، علی بن فضل بن هیکل حلّی، سید محمد نوریبخش (رئیس سلسله صوفیه همدانیه)، محمد بن فلاح بن محمد موسوی حویزی واسطی (بنیانگذار سلسله مشعشعیه در خوزستان) و مفلح بن حسن صیمری. (1) ابن فهد، دارای آثار ارزشمندی در زمینه متون دعایی و اخلاقی است که در زیر از آنها یاد می شود. الف. آثار چاپی: 1. عدّة الداعی ونجاح الساعی، 2. التحصین فی صفات العارفين، 3. نبذة الباغي فی ما لا بدّ منه من آداب الداعی، 4. التعقیبات والدعوات. ب. خطّی و منسوب: 1. استخراج الحوادث، 2. کتاب الأدعية والختم، 3. تاریخ الأئمة علیهم السلام، 4. التواریخ الشرعیة عن الأئمة المهديّة.

حوزه جبل عامل مهم ترین شخصیت های حدیث پژوهی که در قرن هشتم و نهم هجری از حوزه جبل عامل برخاسته اند، عبارت اند از: 1. شهید اول (مق\_ 786 ق)، 2. بیاضی نباطی (م 877 ق)، 3. کفعمی (م 905 ق).

1. شهید اول (734 \_ 786 ق) (2) شمس الدین ابو عبد الله محمد بن مکی عاملی جزینی، معروف به شهید اول، فقیه سرشناس، متکلم برجسته و حدیث شناس بزرگ امامیه در قرن هشتم هجری است.

1- أعيان الشيعة، ج 3، ص 147.

2- ر.ك: رياض العلماء، ج 5 ص 184 \_ 191؛ روضات الجنّات، ج 7، ص 3، الحقائق الراهنة، ص 205 \_ 207؛ فهرس التراث، ج 1، ص 736؛ الكنى والألقاب، ج 2، ص 377.



فخر المحققین، در اجازة خود به شهید با تعبیر: «الإمام العلامة الأعظم، أفضل علماء العالم، سيّد فضلاء بني آدم، مولانا شمس الحق والدين»، از او یاد کرده است. (1) صاحب روضات الجنّات، درباره وی گفته است. كان رحمه الله بعد مولانا المحقق علي الإطّاق، أّفقه جميع فقهاء الآفاق، وأفضل من انعقد علي كمال خبرته واستاذيته اتّفاق أهل الوفاق. (2) شهید اول، به سال 734 ق، در جزین به دنیا آمد و در اوان بلوغ به عراق مسافرت کرد. علی بن مؤیّد، پادشاه سربرداری خراسان، در نامه ای از او خواست که به خراسان برود. شهید، نتوانست دعوت او را اجابت کند و کتاب اللمعة دمشقیّة را نگاشت و توسط شمس الدین محمد آوی برای او فرستاد. (3) شهید، به وسیله اجازة، از عالمان و فقیهانی چون: فخر المحققین (به تاریخ 2 شعبان 751 و 756)، عمیدالدین عبدالمطلب بن اعرج (به تاریخ 19 رمضان 751)، ضیاء الدین عبد اللّه بن اعرج، محمد بن قاسم بن سعید (در حلّه به تاریخ شوال 753 و شعبان 754)، احمد بن محمد بن حسن بن زهره، مهنا بن سنان مدنی، قطب رازی، علی بن احمد مزیدی، علی بن طراد مطار آبادی (در حلّه به تاریخ 6 ربیع ثانی 754)، محمد بن احمد بن ابوالمعالی، عبد الحمید بن فخار بن معد، علی بن محمد بن حسن بن زهره، حسن بن احمد بن محمد بن نما (در حلّه در ربیع ثانی 752) و محمد بن محمد کوفی، (4) روایت می کند. شهید، در اجازة خود به ابن خازن، درباره مشایخ اهل سنت خود، گفته است که از حدود چهل تن از مشایخ اهل سنت در شهرهای مکه، مدینه، بغداد، مصر، دمشق

1- بحار الأنوار، ج 107، ص 178.

2- روضات الجنّات، ج 7، ص 3.

3- الحقائق الراهنة، ص 175 و 205.

4- همان، ص 206. روایت شهید از برخی کسان یاد شده در اسانید الأربعون حدیثاً وی آمده است.

**2. بیاضی نباطی (877\_ 791)**

و بیت المقدس، روایت کرده است. (1) شهید اول، دارای سه پسر بوده که از فقها بوده اند: جمال الدین ابو منصور حسن، ضیاء الدین ابوالقاسم علی و رضی الدین محمد. همچنین دخترش امّ الحسن فاطمه و همسرش امّ علی نیز اهل فضل بوده اند. (2) بسیاری از شهید اول روایت می کنند. بنا به گفته آقا بزرگ، طرق اجازات، بالجمله، به او ختم می شود. (3) این فقیه فرزانه، پس از عمری تلاش و تحقیق و خدمت به دین، که در شرایط دشواری نیز صورت گرفته است، در زمان سلطنت برقوق، با فتوای قاضی برهان الدین مالکی و عباد بن جماعه شافعی، پس از تحمل يك سال حبس در قلعه شام، در نهم جمادی اول سال 786 به شهادت رسید. از شهید اول، کتاب های متعددی در زمینه های فقه و حدیث برجای مانده است. آثار حدیثی وی - که همگی چاپ شده اند - عبارت اند از: 1. المزار، 2. الدرّة الباهرة، 3. الأربعون حدیثاً، 4. استنساخ مختصر أصل علاء بن رزین، 5. المقالة التکلیفیّة. 6. اجازات متعدد.

2. بیاضی نباطی (877\_ 791) (4) زین الدین ابو محمد علی بن محمد بن علی بن محمد بن یونس بیاضی نباطی عاملی، فقیه، متکلم و محدث امامی قرن نهم هجری است. بیاضی، معاصر کفعمی است. کفعمی در برخی آثار خود، مانند: مصباح الزائر، از او مطلب نقل می کند و او را با تعابیر

---

1- همان جا.

2- ریاض العلماء، ج 5، ص 187.

3- الحقائق الراهنة، ص 205.

4- ر.ک: ریاض العلماء، ج 4، ص 255؛ أمل الآمل، ج 1، ص 135؛ الکنی والألقاب، ج 2، ص 111؛ الضیاء اللامع، ص 89؛ الصراط المستقیم، مقدّمه آیه الله مرعشی نجفی (ره).

**3. کفعمی (م 905 ق)**

والابی توصیف می کند. (1) شیخ حرّ عاملی، او را عالم فاضل، محقق، مدقق، ثقه، متکلم، شاعر و ادیب و متبحر (در علوم مختلف) دانسته است. (2) بیاضی، دانش های اسلامی را نزد برخی از شاگردان شهید اول، فراگرفت و از جمله نزد پدرش محمد بن یونس عاملی، و عمویش حسن بن یونس بیاضی، دانش آموخت و روایت کرد. (3) پسرش محمد بیاضی نیز از او روایت می کند. (4) از آثار فراوان او، این آثار، کلامی - حدیثی اند: 1. الصراط المستقیم إلى مستحقی التقدیم، 2. الرسالة الیونسیّة فی شرح المقالة التکلیفیّة.

3. کفعمی (م 905 ق) (5) تقی الدین ابراهیم بن علی کفعمی، عالم ذوفنون و محدث پُرکار و ادیب ماهر قرن نهم هجری است. رجال پژوهان و کتابشناسان، او را به فضل و دانش و زهد و ورع و جامعیت و کمال ستوده اند. (6) او در نیمه نخست قرن نهم هجری در کفرعیمما به دنیا آمد و دانش های اسلامی را نزد مشایخ عصر خود آموخت. او از پدرش زین الدین علی بن حسن (که در مصباح الزائر و بلدالأمین، از او به عنوان فقیه اعظم و ورع یاد می کند)، برادرش شمس الدین محمد (نویسنده زبدة البیان فی عمل شهر رمضان)، سید حسین بن مساعد حسینی حائری (صاحب تحفة الأبرار فی مناقب أئمة الأطهار)، زین الدین بیاضی و سید

1- ریاض العلماء، ج 4، ص 255 و 256.

2- أمل الآمل، ج 1، ص 135.

3- الصراط المستقیم، ص 6.

4- همان، ص 7.

5- ر.ك: الكنى والألقاب، ج 3، ص 116؛ إحياء الدائر، ص 6؛ ريحانة الأدب، ج 5، ص 66؛ المقام الأسنى، ص 6\_ 19 (مقدمه تحقیق).

6- ر.ك: ریاض العلماء، ج 1، ص 21؛ أعيان الشيعة، ج 2، ص 184.

## 1. دیلمی (ق 8 ق)

علی بن عبد الحسین موسوی (نویسنده کتاب رفع الملامة عن علی فی ترک الإمامة)، روایت می کند . کفعمی ، دارای آثار فراوان در زمینه های مختلف ادبی و حدیثی است . آثار حدیثی او عبارت اند از :

الف. آثار چاپی: 1. البلد الأمين والدَّرع الحصین ، 2. جُنَّة الأمان الواقیة وجُنَّة الإیمان الباقیة ، 3. الجُنَّة الواقیة والجُنَّة الباقیة، 4. المقام الأسنی فی تفسیر الأسماء الحسنی ، 5. محاسبة النفس اللوامة ، 6. مجموع الغرائب وموضوع الرغائب .

ب. آثار خطی: 1. مشکاة الأنوار ، 2. ملحقات الدرر الواقیة ، 3. المنتقى فی العوذ والرقی .

حوزه ایران 1. دیلمی (1) ابو محمد حسن بن علی بن ابی الحسن دیلمی ، عالم و محدث قرن هشتم هجری است . نام دیلمی در مصادر ، حسن و نام پدرش در برخی منابع ابوالحسن (2) و در برخی دیگر ، محمد (3) آمده است . او خود در چند جای از کتاب أعلام الدین به نام خود ، تصریح کرده است . از جمله در مقدمه می گوید : يقول العبد الفقیر الی رحمة ربّه و رضوانه الحسن بن أبی الحسن

1- ریاض العلماء، ج 1، ص 338؛ روضات الجنّات، ج 2، ص 291؛ الحقائق الراهنة، ص 38؛ الکنی والألقاب، ج 2، ص 212؛ هدیة العارفین، ج 5، ص 287، گفتنی است محلّ تولد و سکونت دیلمی دانسته نیست. به سبب وجود پسوند دیلمی در نام او، احتمال ایرانی بودن وی می رود.

2- ریاض العلماء، ج 1، ص 338.

3- بحار الأنوار، ج 1، ص 16؛ أمل الآمل، ج 2، ص 77.

الدیلمی... (1) اطلاعات ما درباره این محدّث والامقام، اندک است. دانسته نیست که او نزد چه کسانی تحصیل کرده است، همچنان که درباره طبقه و عصر او نیز اختلاف هست. دیدگاه راجح، آن است که او معاصر فخر المحقّقین، پسر علامه حلّی (م 771 ق) است؛ چرا که در إرشاد القلوب از مجموعه وّرام از شیخ وّرام (م 605 ق) و ألفین علامه حلّی (م 726 ق)، مطلب نقل کرده است. (2) رجال پژوهان و کتابشناسان، دیلمی را ستوده اند. صاحب ریاض، او را شیخ عارف، عالم و محدّث بزرگوار دانسته (3) و صاحب روضات الجنّات، از او به عنوان عالم، عارف وجیه، واعظ معروف - که به هر زیبایی ای موصوف است - یاد کرده و از محدّثان بزرگ امامیه دانسته است. (4) حاجی خلیفه و اسماعیل پاشا، از او به عنوان واعظ شیعی یاد کرده و آثار او را برشمرده اند. (5) به نظر می رسد اطلاق تعبیر «واعظ» به او به لحاظ مضمون کتاب های وی بوده است. از دیلمی، دو اثر مطبوع، يك اثر مخطوط و يك اثر نایاب می شناسیم. الف. آثار چاپی: 1. إرشاد القلوب إلى الصواب المنجی من عمل به من أليم العقاب، 2. أعلام الدین فی صفات المؤمنین. ب. خطّی و نایاب: 1. غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب الأطهار، 2. الأربعون حدیثاً.

- 
- 1- ریاض العلماء، ج 1، ص 338.
  - 2- أعلام الدین، ص 33 و 67.
  - 3- الحقائق الراهنة، ص 38. برای بررسی اقوال در این زمینه، ر.ك: مرآة الکتب، ص 489؛ أعلام الدین (چاپ مؤسسة آل البيت علیهم السلام)، مقدّمه محقّق؛ إرشاد القلوب (تحقیق میلانی)، مقدّمه.
  - 4- روضات الجنّات، ج 2، ص 291.
  - 5- هدیة العارفین، ج 5، ص 287؛ ایضاح المکنون، ج 3، ص 62.

**2. حسن بن حسین شیعی سبزواری (زنده در 753 ق)****3. ابن عنبه (ح 748 \_ 828 ق)**

2. حسن بن حسین شیعی سبزواری (زنده در 753 ق) (1) وی از عالمان و حدیث پژوهان شیعه در قرن هشتم هجری است. از سال تولد و درگذشت او اطلاعی در دست نیست. همین قدر می دانیم که معاصر شهید اول (2) و فخر المحققین (3) بوده است. همچنین استادان او نیز معلوم نیستند. بنا به گزارش افندی، سبزواری، کتاب فارسی تکملة السعادات فی کیفیة العبادات المسنونات، نوشته شیخ ابوالمحاسن جرجانی (نگاشته 702 ق) را به تاریخ 747 ق، کتابت کرده است. نیز در پایان برخی نسخ کتاب راحة الأرواح سبزواری، تاریخ فراغت از نگارش آن، پنجم ربیع ثانی سال 753 آمده است. (4) آثار برجای مانده از شیعی سبزواری \_ که جملگی زمینه حدیثی دارند \_ عبارت اند از: الف. آثار چاپی: 1. راحة الأرواح و مونس الأشباح فی أحوال النبی والأئمة علیهم السلام، 2. مصابیح القلوب، 3. غایة المرام فی فضائل علی بن ابی طالب و ذریته الکرام أفضل السلام. ب. آثار خطی و نایاب: 1. بهجة المباحج، 2. ترجمه کشف الغمة، 3. المصباح المنیر فی فضائل النبی وأهل بیته علیهم السلام (منسوب).

3. ابن عنبه (ح 748 \_ 828 ق) (5) جمال الدین احمد بن علی بن حسین بن مهنا حسنی، معروف به ابن عنبه، دانشمند و

- 
- 1- ر.ک: ریاض العلماء، ج 1، ص 176 \_ 177؛ روضات الجنّات، ج 2، ص 267؛ الحقائق الراهنة، ص 39؛ مصابیح القلوب، مقدّمه محقق؛ ریحانة الأدب، ج 3، ص 338.
  - 2- ریاض العلماء، ج 1، ص 176.
  - 3- الحقائق الراهنة، ص 39.
  - 4- ریاض العلماء، ج 1، ص 176 \_ 177؛ الذریعة، ج 10، ص 55 (ش 14).
  - 5- الضیاء اللامع، ص 11؛ أعیان الشیعة، ج 3، ص 40؛ الفوائد الرضویة، ص 21؛ مفاخر اسلام، ص 317، الفصول الفخریة، مقدّمه آقای جلال الدین همایی؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن عنبه».

## 4. واعظ کاشفی (م 910 ق)

نسب شناس معروف قرن هشتم و نهم هجری است. ابن عنبه، دانش های اسلامی از جمله فقه و نسب شناسی را به مدت دوازده سال نزد پدرزن خود، تاج الدین محمد بن معیه، فراگرفت و از ملازمان او شد. او پس از فوت ابن معیه، به مسافرت پرداخت و به اصفهان، مکه، هرات و سمرقند، سفر کرد. مذهب ابن عنبه، محلّ تأمل است. برخی او را زیدی دانسته اند. (1) سیّد محسن امین، شیخ عبّاس قمی و آقای علی دوانی، او را امامی دانسته اند. (2) ابن عنبه، در طبقه شهید اول قرار دارد و هر دو از طریق ابن معیه از علاّمه حلّی روایت می کنند. آثار چاپ شده ابن عنبه در علم انساب، عبارت اند از: 1. عمدة الطالب فی أنساب آل أبي طالب (عربی)، 2. الفصول الفخرية (فارسی).

4. واعظ کاشفی (م 910 ق) (3) کمال الدین حسین بن علی بیهقی سبزواری، ادیب، مفسّر، محدّث، جامع فنون مختلف و واعظ معروف سده نهم هجری است. او در سبزواری به دنیا آمد؛ ولی بیشتر عمر خود را در هرات، سپری کرد. مذهب او به روزگار خود او پوشیده بود. او در هرات به تشیع و در سبزواری به تسنن، متّهم بود. پس از او نیز راز مذهب او برای کسی آشکار نشد. برخی به استناد قرائنی مانند: استفاده از مصادر و طُرُق اهل سنت در آثار خود، معاشرت با امیر علی شیرنویسی و خویشاوندی با جامی (شاعر معروف)، او را سنی دانسته اند. برخی نیز به قرینه پاره ای آثار وی، مانند کتاب روضة الشهداء، و شعری

1- دائرة المعارف الشيعية العامة، ج 2، ص 571.

2- ر.ك: أعيان الشيعة، ج 3، ص 40؛ الفوائد الرضوية، ص 21؛ مفاخر اسلام، ص 317.

3- ر.ك: رياض العلماء، ج 2، ص 185 \_ 192؛ روضات الجنّات، ج 3، ص 235 \_ 238؛ إحياء الدائر، ص 69 و 70؛ الكنى و الألقاب، ج 3، ص 105؛ ریحانة الأدب، ج 5، ص 22 \_ 29، روضة الشهداء، (مقدّمه آقای شعرانی)، تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ص 233.

## ابن ابی جمهور (زنده در 901 ق)

از او که در آن عصمت را برای مقام امامت، شرط دانسته، او را شیعه شمرده و جلوه های تسنن در آثار او را حمل بر تقیّه کرده اند. افندی گفته که تشیع او نزد وی آشکار است. (1) باری، ملاً حسین کاشفی، در فنون مختلف، از اخلاق و حدیث و تفسیر گرفته تا اخترشناسی و سیدحر و طلسم، کتاب و رساله نوشته است که از این میان، عناوین زیر در زمینه حدیث و مناقب است. الف. آثار چاپی: 1. الرسالة العلیّة فی الأحادیث النبویّة، 2. روضة الشهداء. ب. آثار خطی و نایاب: 1. الأدعیة والأوراد المأثورة، 2. المرصد الأسنی فی شرح الأسماء الحسنی، 3. تحفة الصلوات، 4. فضل الصلاة علی النبی صلی الله علیه و آله، 5. مناقب الأولیاء، 6. ده مجلس (تلخیص روضة الشهداء).

حوزه بحرین و احسا 1. ابن ابی جمهور (زنده در 901 ق) (2) ابوجعفر محمد بن زین الدین علی احسائی، معروف به ابن ابی جمهور، عارف، متکلم، فقیه و محدث قرن نهم هجری است. او در احسا متولد شد. و در همان جا رشد کرد و دانش آموخت و سپس به عراق، کوچ کرد و در نجف، نزد شیخ عبد الکریم فتال به تحصیل پرداخت. چندی بعد به سال 877 ق، از طریق شام، عازم حجاز شد و در شهر کرک نوح، فرود آمد و در آن جا با شیخ علی بن هلال جزایری دیدار کرد و مدت یک ماه از دانش او بهره برد.

1- ریاض العلماء، ج 2، ص 190. نیز، ر.ک: منابع یاد شده در پاورقی قبل.

2- ر.ک: أمل الآمل، ج 2، ص 190؛ ریاض العلماء، ج 5، ص 50؛ إحياء الدائر، ص 213 و 214؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن ابی جمهور»؛ کاشفة الحال عن أحوال الاستدلال، (مقدمه تحقیق)؛ عوالی اللّئالی، مقدمه آیه الله مرعشی نجفی (ره)؛ الکنی والألقاب، ج 1، ص 192 \_ 193.



ابن ابی جمهور، استادان و مشایخ روایت خود را در مقدمه کتاب عوالی اللئالی ذکر کرده است که عبارت اند از: 1. زین الدین علی بن ابی جمهور احسائی (پدرش)، 2. سید شمس الدین محمد بن کمال الدین موسی موسوی احسائی، 3. حسن بن عبد الکریم فتال، 4. علی بن هلال جزایری، 5. حرز الدین اوائلی بحرانی، 6. سید شمس الدین محمد بن سید احمد موسوی حسینی، 7. عبد الله بن فتح الله بن عبد الملك الفتاح واعظ قمی کاشانی. (1) در معرفی شاگردان و راویان از ابن ابی جمهور نیز این افراد را می توان نام برد: 1. سید محسن بن سید محمد رضوی قمی، 2. ربیع (ربیعة) بن جمعه عبری عبادی جزائری، 3. سید شرف الدین محمود بن سید علاء الدین طالقانی، 4. محمد صالح غروی حلّی، 5. علی بن عبد العال (محقق کزکی). (2) صاحب ریاض العلماء و أمل الآمل، او را عالم فاضل روایتگر دانسته اند (3) و صاحب روضات نیز از او با تعابیر: شیخ فاضل محقق و جبر کامل مدقق و خلاصه متأخران، یاد کرده است. (4) برخی او را به سبب گرایش به تصوف و اهمال در نقل حدیث، نقد کرده اند که در معرفی کتاب عوالی اللئالی به نقل این دیدگاه ها خواهیم پرداخت. ابن ابی جمهور، دارای آثاری متعدد در زمینه های مختلف علوم اسلامی است. از این میان، آثار زیر به علوم حدیث مرتبط است که ظاهراً تنها اثر نخست، انتشار یافته است: 5

- 
- 1- عوالی اللئالی، ج 1، ص 5 به بعد.
  - 2- روضات الجنّات، ج 7، ص 33\_34.
  - 3- ریاض العلماء، ج 5، ص 50؛ أمل الآمل، ج 2، ص 253.
  - 4- برای فهرست کامل آثار وی، ر.ک: کاشفة الحال عن أحوال الاستدلال، ص 31\_36 (مقدمه تحقیق).

دیگر حدیث پژوهان سده های هشتم و نهم

**الف. قرن هشتم**

**1. سید حسن بن کبش حسینی**

**2. ابو الحسن حیدر بن محمد بن علی واعظ حسینی**

**3. امیر الدین عبد الرحمان بن علی بن ابی الحسن**

**4. عبد الکریم بن حسن بن حسین**

1. عوالی اللّٰثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّة، 2. دُرر اللّٰثالی العمادیة فی الأحادیث الفقهیّة، 3. التعلیقة علی أصول الکافی، 4. التعلیقة علی [کتاب] من لایحضره الفقیه، 5. الحاشیة علی عوالی اللّٰثالی، 6. مجموعة الأخبار والمسائل، 7. کتاب المقتل، 8. اجازات متعدّد.

دیگر حدیث پژوهان قرن هشتم و نهمالف. قرن هشتم1. سید حسن بن کبش حسینی، دارای کتابی حدیثی بوده است. حسن بن سلیمان حلّی، در کتاب المحتضر، از این کتاب یاد کرده و نقل حدیث نموده است. (1)

2. ابوالحسن حیدر بن محمد بن علی واعظ حسینی، کشف الغمّة ی اربلی را کتابت نموده و در دهم جمادی ثانی 784، نگارش آن را به پایان برده است. (2)

3. امیرالدین عبد الرحمان بن علی بن ابوالحسنوی، تمام کتاب کشف الغمّة ی اربلی را از نویسنده آن، سماع کرده و اجازه روایت آن را دریافت کرده است. (3)

4. عبد الکریم بن حسن بن حسینوی، به سال 747 ق، نسخه مزار عتیق را قرائت (یا کتابت) کرده است. (4)

---

1- الحقائق الراهنة، ص 45؛ ریاض العلماء، ج 1، ص 300؛ المحتضر، ص 15. نام پدر وی، در الحقائق، «کعش» و در المحتضر و ریاض العلماء، «کبش» آمده است.

2- الحقائق الراهنة، ص 71. برای اطلاع از سرنوشت نسخه، ر.ک، همان جا.

3- همان، ص 109؛ أمل الآمل، ج 2، ص 157.



**5. زین الدین علی بن فاضل مازندرانی****6. علی بن مظاهر واسطی****7. شمس الدین محمد بن صدقه****8. محمد بن علی ناموسی بخاری**

5. زین الدین علی بن فاضل مازندرانیوی ، معاصر علامه حلّی و مؤلف الفوائد الشمسية است که در آن ، احادیثی را که گفته می شود از سید شمس الدین محمد عالم برگرفته بوده ، گرد آورده است . وی ، راوی داستان «جزیره خضراء» است . (1)

6. علی بن مظاهر واسطیوی ، شاگرد فخرالدین محمد ، پسر علامه حلّی است که کتابی در مقتل عمر به نام عقد الدرّ فی بیان بقر عمر نگاشته است و سید هاشم بحرانی ، در کتاب معالم الزلفی ، برخی اخبار را از آن ، نقل کرده است . (2) نسخه ای از این کتاب ، نزد مؤلف ریاض العلماء بوده است . (3)

7. شمس الدین محمد بن صدقهوی ، از شاگردان فخر المحققین است که در پانزدهم ذی قعدة 758 از او اجازه دریافت کرده است . شمس الدین محمد ، نسخه ای از غرر الحکم آمدی را نگارش کرده و به سال 740 ق ، به پایان برده است . بنا به گزارش شیخ آقا بزرگ ، این نسخه در کتاب خانه امیرالمؤمنین علیه السلام نجف ، موجود است . 4

8. محمد بن علی ناموسی بخاریوی ، نویسنده کتاب الدعاء به فارسی است . افندی ، در الصحیفة الثالثة السجّادیه ، برخی از دعاهاى امام سجّاد علیه السلام را از این کتاب ، نقل کرده و تأکید نموده که مؤلف آن ، معاصر فخرالدین محمد ، پسر علامه حلّی است . ناموسی ، برخی از ادعیه را از کتاب کشف

1- ریاض العلماء، ج 4، ص 175 \_ 176.

2- همان جا.

3- الحقائق الراهنة، ص 189.

**9. محمد بن محمد صفار حلّی واسطی****10. احمد بن بلکو****11. حسن کاشی**

الغمة فی مناقب الأئمة عليهم السلام نقل کرده است . (1)

9. محمد بن محمد بن حسن بن طویل صفار حلّی واسطی این حدیث پژوه ، نهج البلاغة را به سال 729 ق ، به خطّ خود ، کتابت کرده و به آخر آن ، برخی دیگر از خطب منسوب به حضرت امیر علیه السلام ، مانند خطبه های «الدرّة الیتمة» ، «موقّقه» (خطبه بدون الف) ، خطبه مفصل «اقالیم» درباره ملاحم ، «خطبة البیان» ، و سفارش پیامبر به امیر مؤمنان ، به روایت علی بن احمد مشهدی غروی ، معروف به ابن ماشانی ، به نقل از انس و ابو سعید خدری را افزوده است . این نسخه در کتاب خانه آستان قدس رضوی موجود است . (2) وی ، همچنین نسخه ای از کشف الغمّة را به سال 713 ق ، از روی نسخه به خطّ فضل بن یحیی طیبی که از روی نسخه به خطّ مؤلف بوده ، کتابت کرده است . (3)

10. احمد بن بلکوابوالفتح أحمد بن ابی عبد الله بلکو بن ابی طالب بن علی آوی ، از علامه حلّی و فخر المحققین ، اجازه دریافت کرده است . وی ، نهج البلاغة را به خطّ خود از نسخه به خطّ سید ابوالرضا فضل الله راوندی در اصفهان و به سال 723 ق ، کتابت کرده و حواشی سید یادشده بر نهج البلاغة را تدوین کرده است . (4)

11. حسن کاشی این عالم و شاعر بزرگوار ، معاصر علامه حلّی بوده و در ترویج مذهب شیعه در ایران ، سهم بسزایی داشته است . وی در روزگار سلطان محمد خدابنده به سلطانیه آمد و در آن جا وفات کرد .

1- . همان ، ص 196؛ الذریعة ، ج 8 ، ص 184 (ش 732).

2- . الحقائق الراهنة ، ص 199.

3- . همان جا .

4- . الحقائق الراهنة ، ص 5 . برای آگاهی از سرنوشت نسخه ، ر .ك : همان جا .

**12. ظهیر الدین علی بن یوسف نیلی****13. محمد بن ابی بکر همدانی دمشقی****14. بدر الدین نهاوندی**

نویسنده ریاض العلماء، تصریح کرده که تشیع ایران، وامدار سه نفر است: علامه حلّی، ملاّ حسن کاشی و محقق کرّکی. (1)

12. ظهیرالدین علی بن یوسف بن عبد الجلیل نیلیاحمد بن فهد حلّی (م 841 ق) از او روایت می کند. وی، نسخه ای از کتاب ثلاثة وأربعون حديثاً عن النبي صلى الله عليه وآله، نوشته استاد خود، فخر المحققین را کتابت کرده و در سلخ ربیع ثانی 759 به پایان رسانده است. در پایان کتاب، فخر المحققین، اجازه ای به خطّ خود برای تاج الدین ابو سعید بن حسین کاشی، به تاریخ سلخ شعبان 759، نوشته است. این نسخه، در ضمن مجموعه ای در کتاب خانه تقوی موجود است. (2)

13. محمد بن ابی بکر بن ابی القاسم همدانی دمشقی (م 721 ق) وی، کتاب الطرائف فی معرفة الطوائف رضی الدین ابن طاووس را استنساخ کرده است. (3) او در 635 ق، در صالحیه به دنیا آمد و نزد ابو صالح حلّی دانش آموخت. (4) ابن حجر عسقلانی، ضمن تصریح به فضایل، تعبّد و گستردگی دانش وی، بر او اعتراض کرده که منکر جبر بوده است (!) او می افزاید که تقی الدین سبکی، این کتاب را گرفت و پاره کرد و با آب، شُست. (5)

14. بدرالدین نهاوندی محمد بن شمس الدین روبال مؤیدی، به سال 731 ق، در مدرسه فقیه آباد، نهج البلاغة را نزد او خوانده است. (6)

1- ریاض العلماء، ج 1، ص 308؛ الحقائق الراهنة، ص 44.

2- الحقائق الراهنة، ص 153.

3- همان، ص 180 \_ 181.

4- همان جا.

5- الدرر الكامنة، ج 4، ص 30 (ش 3607).

6- الحقائق الراهنة، ص 24.

**ب. قرن نهم****1. ابراهیم بحرانی****2. احمد جبّعی****3. احمد مهنا****4. محمد بن حبیب**

ب. قرن نهم 1. ابراهیم بحرانیابراهیم بن عیسی بن ابراهیم بحرانی ، به سال 838 ق ، کتاب الکشکول فیما جرى علی آل الرسول را کتابت کرده است . این نسخه ، در تملک شیخ عبد الله بن اسماعیل بن محاسن معمار اسدی بوده است . (1)

2. احمد جبّعیجمال الدین احمد بن علی بن حسن ، برادر شیخ ابراهیم کفعمی (م 905 ق) است که پیش از برادر خود ، در گذشته است . او نویسنده کتاب زبدة البیان فی عمل شهر رمضان است که شیخ کفعمی ، در آثار خود ، مانند : البلد الأمين ، با تصریح به نام نویسنده ، از آن مطلب نقل می کند . (2)

3. احمد مهناشهاب الدین احمد بن محمد بن علی بن حسن مهنا داوودی موسوی ، معروف به «نسابه» ، نویسنده کتاب عمدة الطالب فی مناقب ابي طالب است . او به سال 860 ق ، این کتاب را به همراه پسرش جمال الدین جعفر بن احمد ، مقابله کرده است . بنا به گزارش محقق تهرانی ، نسخه خطی کتاب ، در کتاب خانه داماد ابراهیم در شهر سلیمانیه ترکیه موجود است . (3)

4. محمد بن حبیبافصح الدین محمد بن حبیب بن احمد حسنی حسینی ، به سال 881 ق ، نگارش شرح نهج البلاغةی خود را به پایان برده است . شرح وی ، شرح مبسوطی است که نویسنده ،

---

1- الضیاء اللامع، ص 2.

2- همان، ص 5 .

3- همان، ص 10.

**5. جعفر جفری****6. جلال الدین حسینی**

نام خاصی برای آن نگذاشته است. نویسنده، با ذکر القاب و تعابیری مانند «الحضرة العلیّة» در مقدمه کتاب، آن را به یکی از ملوک عصر خود، تقدیم کرده است. از این رو، برخی آن را التحفة العلیّة نامگذاری کرده اند. (1)

5. جعفر جفری بجلال الدین جعفر بن محمد بن حسن، متخلص به «جفری»، نویسنده تاریخ یزد به فارسی است. نویسنده کتاب تا حوادث سال 845 ق، را نگاشته و آن را جامع جفری یا جفری نامیده است. احمد بن علی کاتب، پس از چهل سال کار، جفری را تکمیل کرد و کتاب تاریخ یزد خود را بر اساس کار وی، سامان داد. کتاب دیگر جفری، تاریخ واسط و تاریخ جعفری است. (2)

6. جلال الدین حسینی ابوالعز جلال الدین بن عبد الله بن شرف شاه، از عالمان قرن نهم هجری است که به سال 810 ق، از ترک خود، برخی کتب را وقف کتابخانه آستان قدس کرد. الرسالة السلطانية الاحمدية فی إثبات العصمة النبویة المحمدیة، نام کتابی از جلال الدین است که کفعمی، در برخی مجموعه های خود، از آن مطلب نقل کرده است. این کتاب، به نام سلطان احمد بن اویس (م 808 یا 813 ق) نگاشته شده است. کتاب دیگر او، منهج الشیعة فی فضائل وصی خاتم الشریعة است که به نام اویس بن حسن ایلخانی (م 775 ق)، پدر احمد بن اویس، نوشته است. (3)

1- همان، ص 15؛ الذریعة، ج 3، ص 455.

2- الضیاء اللامع، ص 23.

3- ریاض العلماء، ج 1، ص 114؛ الضیاء اللامع، ص 24. نام کتاب در ریاض، «منهج الشیعة فی فضائل وصی خاتم الشریعة» و در الذریعة (ج 23، ص 193)، «منهج الشیعة فی فضائل خاتم الشریعة» آمده است.



**7. جمال الدین بن اعرج عمیدی****8. حسن بن راشد****9. حسن بن علی قمی****10. حسین بن شمس الدین حسینی**

7. جمال الدین بن اعرج عمیدی‌وی به دستور بهاء الدین علی بن غیاث الدین عبد الکریم بن عبد الحمید نجفی نیلی ، کتاب رجال او را با افزودن زیست نامه های برخی از عالمان متأخر از علامه حلّی ، تکمیل کرده است . (1)

8. حسن بن راشد‌وی نسخه ای از مصباح المتهدّج را در هفدهم شعبان سال 830 ، در کربلا با نسخه خطّی علی بن احمد ، معروف به «رمیلی» ، مقابله و تصحیح کرده و اختلاف نسخ را ذکر نموده است . (2) محقق تهرانی ، احتمال داده این فرد ، همان حسن بن راشد ، صاحب الجمانة البهیة یا حسن بن راشد حلّی ، نویسنده مصباح المهتدین باشد . (3)

9. حسن بن علی قمیحسن بن علی بن حسن بن عبد الملک قمی ، به سال 865 ق ، و به دستور خواجه فخرالدین ابراهیم بن وزیر عمادالدین (/ عماد الدوله) محمود ، کتاب تاریخ قم ، نوشته حسن بن محمّد بن حسن قمی را که به سال 378 ق ، نوشته شده بود ، به فارسی ترجمه کرده است . (4)

10. حسین بن شمس الدین حسینی‌وی ، صاحب الأرجوزة فی تواریخ المعصومین علیهم السلام در 45 بیت است که بیاضی نباطی ، تمام آن را در کتاب الصراط المستقیم (تألیف : 854 ق) درج کرده است . حسینی ، در

1- الضیاء اللامع، ص 25.

2- ریاض العلماء، ج 2، ص 186؛ الضیاء اللامع، ص 32 \_ 33.

3- الضیاء اللامع، ص 32 \_ 33.

4- ریاض العلماء، ج 1، ص 319؛ الضیاء اللامع، ص 39.

**11. شرف الدین بن جمال الدین**

**12. شمس الدین حسینی**

**13. عبد الحسین بن عبد العزیز**

**14. زین الدین علی بن فضل بن هیکل حلّی**

زمان نگارش الصراط المستقیم ، در قید حیات بوده است . (1)

11. شرف الدین بن جمال الدین بن شمس الدینوی کتاب الرسالة الیونسیّة ی بیاضی عاملی را در زمان حیات نویسنده ، کتابت کرده و به سال 864 ق ، آن را به پایان رسانده است . بنا به گزارش محقق تهرانی ، این نسخه نزد سیّد محمّد زنجانی است . (2)

12. شمس الدین حسینیوی نسخه ای از کتاب کفایة الأثر فی النصوص علی الأئمّة الاثنی عشر را در چهاردهم شوّال 872 کتابت کرده است . این نسخه که به رویت محقق تهرانی رسیده ، در کتاب خانه خوانساری موجود است . (3)

13. عبد الحسین بن عبد العزیزوی ، نسخه ای از نهج البلاغة را به خطّ نسخ به سال 885 ق ، نگارش کرده است . این نسخه در مدرسه فاضلیه موجود است . (4)

14. زین الدین علی بن فضل بن هیکل حلّیوی ، شاگرد ابن فهد حلّی (م 841 ق) است که برخی از تصانیف استاد خود را کتابت کرده است . همچنین ، نگارش کتاب الآداب الدینیّةی طبرسی را در شانزدهم رجب 833 به پایان برده است . (5)

---

1- الضیاء اللامع، ص 49؛ الصراط المستقیم، ج 2، ص 215.

2- الضیاء اللامع، ص 65\_ 66 .

3- الضیاء اللامع، ص 67 .

4- همان، ص 75 .

5- همان، ص 97 .

**15. علی بن منصور مزیدی****16. مفلح صیمری****17. عقیف الدین طیفور بن سراج الدین جنید**

15. علی بن منصور بن حسین مزیدی بوی، به خط خود، الاستبصار شیخ طوسی را در دو مجلد و عیون أخبار الرضا علیه السلام را در یک مجلد، کتابت کرده است. تاریخ نگارش الاستبصار، دهم صفر سال 877 هجری است. (1) وی همچنین کتابت تمام مجمع البیان را به تاریخ 28 محرم 875 به پایان برده است. (2) شهید اول از مزیدی روایت می کند. (3)

16. مفلح صیمری مفلح بن حسین (حسن) بن رشید (راشد) بن صلاح صیمری، عالم و فقیه قرن نهم هجری و شاگرد احمد بن فهد حلّی (م 841 ق) است که از وی، اجازه دریافت کرده است. (4) او دارای آثار متعدّد فقهی و اشعاری در مناقب ائمه به زبان فارسی و عربی است. (5) کتاب فقهی - حدیثی او، التنبیه علی غرائب من لایحضره الفقیه نام دارد که در آن، فتاوی مخالف اجماع شیخ صدوق و مسائل متروک نزد عالمان متقدم و متأخر را گرد آورده است. (6) همچنین، کتاب الزام النواصب بامامة علی بن ابی طالب نیز در برخی منابع کتابشناسی، به وی، نسبت داده شده است. 7

17. عقیف الدین طیفور بن سراج الدین جنیدوی، نویسنده تفسیری روایی است که در آن از تفسیر فرات الکوفی بسیار نقل نموده و

1- ریاض العلماء، ج 4، ص 269.

2- الضیاء اللامع، ص 100. برای اطلاع از سرنوشت نسخه، ر.ک: همان جا.

3- الضیاء اللامع، ص 137.

4- همان، ص 138.

5- روضات الجنات، ج 7، ص 169؛ الذریعة، ج 4، ص 438 (ش 1948).

6- ریاض العلماء، ج 6، ص 43، الذریعة، ج 2، ص 289 (ش 1170).

در آخر کتاب، احادیث بسیاری در مناقب امیرمؤمنان، ذکر کرده است. تاریخ فراغت از تألیف، هجدهم ذی حجه سال 876 است. نسخه ای از این تفسیر، با خط پیر محمد بن علی بن بهمن، در سال 909 ق، نگارش شده که در کتاب خانه سلطان المتکلمین، موجود است. [\(1\)](#)

---

1- الضیاء اللامع، ص 72؛ الذریعة، ج 4، ص 280 (ش 1286).



## فصل سوم : زمینه ها و گونه های نگارش های حدیثی در سده های هشتم و نهم هجری

### متون ادعیه و مزارات

#### اشاره

فصل سوم : زمینه ها و گونه های نگارش های حدیثی در سده های هشتم و نهم متون ادعیه و مزاراتیکی از زمینه های پُر تألیف در عرصه حدیث در دوره مورد بحث ، متون ادعیه و مزار است . در این دوره ، برخی از عالمان و حدیث پژوهان برجسته ، مانند : شهید اول ، ابن فهد و کفعمی ، آثار مهمی در این زمینه پدید آوردند که جزو منابع ارزشمند حدیث شیعه به شمار می رود . در حقیقت ، پس از شیخ طوسی ، مؤلف مصباح المتهجد و سید بن طاووس که در قرن هفتم ، کتاب های متعددی در زمینه دعا نگاشت ، این دو قرن ، سومین مرحله از سیر تدوین متون دعایی است . شیخ آقا بزرگ تهرانی ، در ضمن بحث از مراحل تدوین متون دعایی می نویسد : سپس ، جمعی از عالمان متأخر از سید بن طاووس ، به آنچه او در کتاب های خود تدوین کرده بود ، بسیاری از دعاها و اعمال منسوب به ائمه علیهم السلام را که در کتاب های کهن دعایی بوده و در دسترس سید بن طاووس قرار نداشته و از آتش سوزی ، غرق شدن ، کرم خوردگی و پوسیدگی در امان مانده و به ایشان رسیده بوده است ، ملحق کردند و آن دعاها را در نگاشته های دعایی خود ، درج نمودند . از جمله ، شیخ سعید

## الف . آثار چاپی

## 1. العدد القوية

شهید محمد بن مکی (مق 786 ق)، جمال السالکین (م 841 ق)، مؤلف المزار، عدّة الداعی و التحصین فی صفات العارفين و شیخ تقی الدین ابراهیم کفعمی (م 905 ق) که جتّه الأمان الواقية و البلد الأمين و محاسبة النفس را نگاشت... (1) در این بخش از نوشتار، در صدد معرفی اجمالی کتب ادعیه و مزار در این دوره هستیم. نخست، آثار چاپی و سپس، آثار خطی را معرفی می کنیم.

الف . آثار چاپی 1. العدد القوية (2) نام کامل کتاب، العدد القوية لدفع المخاوف اليومية و نوشته رضی الدین علی بن یوسف بن مطهر حلّی، برادر علامه حلّی (زنده در 703 ق) است. موضوع کتاب، همچنان که از نامش پیداست، دعاها و حرزهای ویژه هر یک از ایام ماه است. کتاب از مصادر بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است. علامه مجلسی، درباره آن گفته است: کتاب لطیفی است درباره اعمال و سعد و نحس ایام ماه ها، که تنها نصف کتاب به دست ما رسیده است. (3) متأسّفانه، آنچه از این کتاب تاکنون به دست آمده و منتشر شده، تنها شامل نصف آن است که از اعمال روز پانزدهم ماه شروع می شود. روش نویسنده چنین است که درباره هر روز، ابتدا و با استفاده از روایات مُرسَل، درباره شومی یا خوش یُمینی آن روز، سخن می گوید. سپس دعاهایی را می آورد که باید در آن روز، خوانده شود. آن گاه، رُخدادهای مذهبی (مانند موالید و وفیات معصومان علیهم السلام) که در آن روز اتفاق

1- ر.ک: الذریعة، ج 8، ص 179. ظاهراً در متن الذریعة، خطایی رخ داده است؛ چرا که کتاب المزار، نوشته شهید اول است، نه ابن فهد حلّی.

2- همان، ج 15، ص 232 (ش 1514)؛ فهرس التراث، ج 1، ص 693.

3- بحار الأنوار، ج 1، ص 34.

## 2. المجموع الرائق من أزهار الحدائق

افتاده را مطرح می کند. برای مثال، در روز هفدهم ماه، به مناسبت زادروز پیامبر اکرم و امام صادق علیهما السلام، در هفدهم ربیع اول، به تفصیل، درباره شرح احوال و برخی سخنان این دو بزرگوار پرداخته است. (1) نویسنده، غالباً اسانید و مصادر احادیث و گزارش های تاریخی خود را نقل نمی کند. البته در مواردی به ذکر مصدر، اقدام کرده است. از منابع مورد استفاده او الکافی، (2) الإرشاد، (3) کتاب النزهة، (4) کتاب الدرر، (5) الاستیعاب، (6) تذکرة الخواص، (7) شایان ذکر است که در بیان زُخدادهای تاریخی از آنها استفاده شده است. کتاب العدد، با تحقیق سید مهدی رجایی و با اشراف سید محمود مرعشی، از روی نسخه علامه مجلسی و نسخه دیگری که به سال 1122 ق، کتابت شده، توسط کتاب خانه آیه الله مرعشی قم، منتشر شده است. این دو نسخه خطی در کتاب خانه یاد شده، نگهداری می شود. (8)

2. المجموع الرائق من أزهار الحدائق (9) این کتاب، نوشته سید هبة الله بن ابی محمد حسن موسوی، عالم و محدث قرن هشتم هجری است که با تحقیق حسین درگاهی، توسط سازمان چاپ و نشر وزارت ارشاد و بنیاد دائرة المعارف اسلامی به سال 1417 ق، در دو جلد، منتشر شده است.

1- العدد القویة، ص 110 \_ 160.

2- همان، ص 235 \_ 351.

3- همان جا.

4- همان، ص 296.

5- همان، ص 299.

6- همان، ص 351.

7- همان، ص 236، 243 و 318.

8- برای ویژگی های نسخه های خطی، ر.ک: همان ص 10 و 11 (مقدمه تحقیق).

9- فهرس التراث، ج 1، ص 694؛ الذریعة، ج 20، ص 55 (ش 1885).



کتاب، در موضوعات گوناگون و متفرقه و عمدتاً در باب ادعیه و امامت امامان و مناقب حضرت امیر علیه السلام است. از ویژگی های کتاب آن که نویسنده، برخی از کتاب های کلامی و حدیثی پیشینیان را در اثر خود، درج کرده است که مشخصات این کتاب ها خواهد آمد. ابواب کتاب، از این قرار است: باب اول، درباره خواص قرآن کریم و احادیث طبّی از ائمه علیهم السلام است. در این باب، نویسنده، خواص، فضائل و آثار قرائت یا کتابت یکایک سُور قرآن را بدون اسناد به معصوم علیه السلام آورده است. در این بخش، به ندرت حدیث به چشم می خورد. سیّد هبة الله، مصادر احادیث خود را ذکر نمی کند. محقق کتاب نیز که منابع احادیث را نیافته، به مواضع نقل برخی از آنها در مصباح الکفعمی اشاره نموده است. (1) در ادامه باب، احادیث در زمینه طب از معصومان علیهم السلام، آمده است. از مصادر این بخش \_ که محقق کتاب ارائه کرده \_ مکارم الأخلاق، (2) طب الأئمة علیهم السلام، (3) الکافی (4) و کتاب من لایحضره الفقیه، (5) شایان ذکرند. در باب های دوم و سوم، نویسنده، کتاب الاعتقادات صدوق و جمل العلم والعمل سیّد مرتضی را درج نموده است. باب چهارم \_ که بیش از نصف جلد اول را شامل شده \_ در بردارنده ادعیه، آحراز، حُجُب و اختیارات ایّام وارد از ائمه علیهم السلام است. در ابتدای این باب، تعقیبات نمازهای واجب آمده که محقق کتاب، نشانی آنها را در مصباح المتهدّج شیخ طوسی به دست داده است. در بخش دوم باب چهارم، دعاهای ایّام هفته از امام کاظم علیه السلام آمده که نویسنده، آنها را از دست خط جدّ پدری خود،

1- .المجموع الرائق، ج 1، ص 8، 9، 10، 11 و 12.

2- .همان، ص 30.

3- .همان جا.

4- .همان، ص 31، 32 و 33.

5- .همان، ص 32.

نجم‌الدین ابی نصر محمد بن موسوی، نقیب کاظمین، نقل کرده است. در این بخش نیز محقق کتاب، نشانی دعاها را از مصباح‌المتهجّد، ارائه کرده است. در ادامه، «دعای سمات» آمده و سپس، دعای صبح هر روز از الصحیفة السجادیة، با تصریح به نام آن آمده است. از دعاهای دیگر این بخش، دعای افتتاح، دعای سحر ماه رمضان، دعایی برای قضای حوائج از صحیفة و دعای فرج از امام سجّاد علیه السلام است. در ادامه باب چهارم، آحراز، حُجُب و عوذه‌های مروی از ائمه علیهم السلام، به نقل از کتابی در خزانه کاظمین به نام منیة الداعی و غنیة الواعی، وقف ابن یلمیش (که بر آن دست خطّ رضی‌الدین ابن طاووس برای فردی که آن را نزد وی قرائت کرده بوده)، آمده است. در این بخش نیز کتاب‌های الخصال، مکارم الأخلاق، کتاب من لا یحضره الفقیه، الأمالی طوسی، مهج الدعوات و طب الأئمة علیهم السلام در مأخذیابی محقق کتاب، عرضه شده است. سپس، اختیارات ایّام به نقل از امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده و در پی آن، نمازهای امامان برای قضای حوائج، به نقل از منیة الداعی یاد شده آمده است. از دیگر ادعیه باب چهارم، «الوسائل إلى المسائل» از امام رضا علیه السلام (به نقل از کتاب‌های کتاب‌خانه ابن طاووس) و «دعای جوشن» است. در پایان جلد اوّل، ابتدا دعایی از امیر مؤمنان که پس از خطبه «تطنجیه» ایراد کرده، آمده است. نویسنده، سپس به کتابی اشاره کرده که، شامل شش خطبه در ملاحم و دو خطبه در رجعت است و دست خطّ سیّد بن طاووس بر آن است. یکی از این خطبه‌ها، خطبه بلند «لؤلؤیه» است که سیّد هبة الله در کتاب خود، آورده است. جلد اوّل المجموع الرائق با مدایح علوی عودی پایان می‌پذیرد. باب پنجم (جلد دوم)، درباره اخبار و مناقب ائمه علیهم السلام است. بیشتر مطالب این باب، گلچینی از کمال‌الدین

**3. المزار**

صدوق است که نویسنده، با ذکر نام کتاب، به نقل آنها مبادرت کرده است. در ادامه کتاب، چهل حدیث در مناقب حضرت امیر علیه السلام به نقل از کتابی در خزانه مشهد غروی، به روایت اسعد بن ابراهیم اربلی آمده و در پی آن، کتاب الأربعین عن الأربعین فی فضائل أمير المؤمنين، از جمال الدین یوسف بن حاتم فقیه شامی درج شده است و سپس، چهل حدیث دیگر از کتاب یاد شده، آمده است. در پایان کتاب، هزار حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله به نقل از [مسند] الشهاب محمد بن سلامه قضاعی آمده است. گفتنی است که یکی از معاصران علامه مجلسی، در نامه ای به ایشان، ضرورت استفاده از این کتاب در بحار الأنوار را به وی یادآوری کرده است. (1)

3. المزار شیخ آقا بزرگ در الذریعة (2) با استناد به کشف الحجب (3) به خطا، این کتاب را به شیخ مفید نسبت داده است. خطبه ای که ایشان برای المزار مفید نقل کرده، همان خطبه کتاب شهید است و خطبه ای که برای المزار شهید آورده، خطبه ترجمه المزار است که توسط شیخ علی بن حسین کربلایی، برای سلطان حسین صفوی نوشته شده است. نام این ترجمه، مراد المرید لمزار الشهید است. (4) ایشان، ذیل المزار مفید، همین کتاب المزار شهید را معرفی کرده است. (5) بنا به نقل الذریعة، نسخه ای کهن از این کتاب، نزد سید شوشتری در نجف موجود است که در آخر آن، شیخ نظام الدین ساوجی، با خط خود، تاریخ های سفر خود به زیارت عتبات

1- بحار الأنوار، ج 110، ص 174.

2- الذریعة، ج 20، ص 322 (ش 3216).

3- ر.ک: کشف الحجب والأستار، ص 502 (ش 2823).

4- ر.ک: کتاب المزار، تحقیق: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، ص 4\_5 (مقدمه).

5- الذریعة، ج 20، ص 325 (ش 3226).

در سال 1033 ق، را نوشته است. (1) المزار شهید، از مصادر بحار الأنوار است. (2) این کتاب، یک بار با مقدمه سید محمد باقر موحد ابطحی و تحقیق مؤسسه امام مهدی علیه السلام، به نام کتاب المزار، و دیگر بار با تحقیق آقای محمود بدری، توسط مؤسسه معارف اسلامی، به نام المزار، منتشر شده است. در این تحقیق، مطالب کتاب، مصدربیابی هم شده است. این کتاب، دارای دو باب و هر باب، شامل چند فصل است. باب اول، در زیارات و شامل هشت فصل و یک خاتمه است. در فصول هشتگانه، زیارت های چهارده معصوم علیهم السلام آمده است. خاتمه نیز دارای چهار فصل است: در فصل اول، زیارت مختصر جامعه برای همه مشاهد مشرف آمده است. فصل دوم، در بیان زیارت سلمان فارسی است. فصل سوم، در زیارت قبور شیعه است. فصل چهارم نیز در زیارت استیجاری و نیابی است. باب دوم نیز شامل هفت فصل در فضیلت و اعمال مساجد مختلف کوفه است و خاتمه، در زیارت مسلم بن عقیل، هانی بن عروه و مختار است. شهید اول، در کتاب المزار، غالباً اعمال و زیارات را بدون اسناد به معصوم، ذکر می کند. (3) گاه با تعبیر «مستحب است»، به ذکر عمل و زیارت مورد نظر می پردازد، که ممکن است مُشعر به صدور آن از معصوم باشد. (4) در مواردی نیز از معصوم، نقل قول می کند. گاه با ذکر نام راوی، گاه بدون آن و با

1- برای نسخه های دیگر، ر.ک: المزار، تحقیق: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ص 28 (مقدمه).

2- بحار الأنوار، ج 1، ص 10.

3- ر.ک: کتاب المزار (چاپ مدرسه الإمام مهدی علیه السلام)، ص 10، 16، 20، 24، 26، 62، 64، 108، 142، 192، 196، 201، 218 و 242.

4- همان، ص 55. در ص 210، پس از ذکر زیارتی برای حضرت حجّت علیه السلام می نویسد: «مستحب است پس از نماز زیارت، این دعا را بخوانی که این دعا از آن حضرت، روایت شده است».

#### 4. عِدَّة الداعی و نجاح الساعی

تعبیر «روایت شده است». (1) او همچنین ، مصادر خود را نیز ذکر نمی کند . از مصدريابی آقای بدري (چاپ مؤسسه معارف اسلامي) بر می آید که کتاب های المزار مفید ، الکافی ، تهذيب الأحكام ، مصباح المتهجد ، کامل الزیارات و مصباح الزائر (سید بن طاووس) ، از مصادر شهید در نگارش کتاب بوده است . البته در مواردی هم مصدري برای برخی زیارت ها پیدا نشده و محقق ، به نشانی نقل آنها در بحار الأنوار ، بسنده کرده است . (2)

4. عِدَّة الداعی و نجاح الساعی (3) این کتاب ، مهم ترین اثر ابوالعباس احمد بن محمد بن فهد حلّی (م 841 ق) در زمینه دعاست که به تصریح خود در پایان کتاب ، نگارش آن را به سال 801 ق ، به پایان برده است . (4) کتاب عِدَّة الداعی ، دارای چندین نسخه خطی است که کهن ترین آنها ، نسخه خطی موجود در کتاب خانه دانشگاه تهران است که در زمان حیات نویسنده و به سال 813 ق ، نگاشته شده است . (5) چند ترجمه فارسی از این کتاب ، گزارش شده است : 1 . ترجمه نصیرالدین محمد بن عبد الکریم انصاری ، که در روزگار شاه

1- ر.ك: همان، ص 29، 89، 117 و 221.

2- برای نمونه، ر.ك: ص 288، 290، 294 و 296.

3- ر.ك: كشف الحجب و الأستار، ص 380 (ش 2110)؛ الذریعة، ج 15، ص 228 (ش 1491)؛ مرآت الکتب، ص 324؛ ایضاح المکنون، ج 2، ص 95؛ معجم المؤلفین، ج 2، ص 144.

4- عِدَّة الداعی (چاپ مؤسسه معارف اسلامي)، ص 400.

5- فهرست نسخه های خطی کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران، ج 8، ص 485 (ش 1879).

طهماسب صفوی به سال 967 ق، انجام پذیرفته است. (1) 2. ترجمه موسوم به مفتاح النجاح، از ملا علی بن حسن زواری، شاگرد محقق کزکی که نویسنده، برخی ادعیه دیگر را نیز بر آن افزوده است. (2) 3. ترجمه ملا محمد مفید بن شیخ نظام الدین قزوینی، که آن را در سال 1070 ق، به انجام رسانده و ملا محمد صادق بن رستم حجی به سال 1164 ق، آن را با نسخه اصل عدّه الداعی، مقابله و تصحیح کرده است. شیخ آقا بزرگ، نسخه ای از آن را در کتاب خانه آستان قدس دیده است. (3) 4. ترجمه سید صادق بن حسین توشخانکی، که در سال 1301 ق، انجام پذیرفته است. (4) 5. ترجمه آقای حسین غفاری که به نام آیین بندگی و نیایش، توسط بنیاد معارف اسلامی قم، منتشر شده است. دو تلخیص از عدّه الداعی صورت گرفته است. نخست، توسط خود نویسنده به نام نبذة الباغی فی ما لا بد منه فی آداب الداعی (5) که پس از این، معرفی خواهیم کرد. تلخیص دیگری نیز به نام مختصر عدّه الداعی به محمد جابر بن عبد الحسین ربعی نسبت داده شده است. (6) دو تحقیق از کتاب عدّه الداعی صورت گرفته است: نخست، تحقیق آقای احمد

- 
- 1- الذریعة، ج 4، ص 116 (ش 552).
  - 2- همان، ج 21، ص 355 (ش 5435).
  - 3- همان، ج 26، ص 199 (ش 1005).
  - 4- همان، ج 4، ص 116 (ش 553).
  - 5- همان، ج 20، ص 200 (ش 2569) و ج 24، ص 36 (ش 173)؛ کشف الحجب والأستار، ص 576 (ش 3238).
  - 6- معجم المؤلفین، ج 9، ص 145.

## 5. نُبذة الباغي في ما لا بد منه من آداب الداعي

موحّدي قمي که توسط کتابفروشی وجدانی در قم، انتشار یافته است و دیگری، تحقیق بنیاد معارف اسلامی قم، بر اساس نسخه خطی ای که در زمان حیات نویسنده، نگارش یافته و نیز نسخه چاپی آقای موحّدی. (1) عناوین ابواب ششگانه کتاب عدّة الداعی عبارت اند از: در ترغیب به دعا، در اسباب اجابت، درباره دعا کننده، در چگونگی دعا، در ذکر (که به دعا ملحق است)، در تلاوت قرآن. خاتمه کتاب نیز در شرح و تفسیر اسمای حُسنای الهی است. محتوای کتاب، شامل احادیث و روایات معصومان علیهم السلام درباره هر یک از ابواب یاد شده است که نویسنده، گاه در لابه لای آنها، خود نیز مطالبی در توضیح برخی مطالب و مسائل، آورده است. ابن فهد، در نقل احادیث، مصادر و اسانید خود را ذکر نمی کند؛ اما از مصدريابی محققان کتاب، آشکار است که او از منابع معتبر حدیث شیعه، مانند الکافی، آثار صدوق (از جمله: کتاب من لا یحضره الفقیه، علل الشرائع، معانی الأخبار، ثواب الأعمال، الخصال، عیون أخبار الرضا علیه السلام و الأمالی) و آثار شیخ طوسی (مانند: تهذیب الأحکام، مصباح المتهدّج و الأمالی) و کتاب های المحاسن، المؤمن والدعوات راوندی، تحف العقول، مکارم الأخلاق، الزهد، دعائم الإسلام، أعلام الدین، نهج البلاغة، کشف الغمّة، فلاح السائل والتفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام بهره برده است.

5. نُبذة الباغي في ما لا بد منه من آداب الداعي (2) این رساله، چکیده و فهرستواره عدّة الداعی است که توسط ابن فهد، انجام پذیرفته است. کتاب نبذة الباغي موجز بوده و فاقد ابواب اول، پنجم، ششم و خاتمه کتاب عدّة

1- عدّة الداعی، (چاپ بنیاد معارف)، ص 15.

2- کشف الحجب والأستار، ص 576 (ش 3238)؛ الذریعة، ج 20، ص 200 (ش 2569) و ج 36 (ش 173).

**6. التعقیبات و الدعوات****7. البلد الأمين و الدرع الحصین**

الداعی است. این کتاب، بار نخست، در ضمن الرسائل العشر ابن فهد و دیگر بار با تحقیق فارس حسّون کریم در مجلّه تراثنا (ش 55 و 56، رجب \_ ذی حجّه 1419)، منتشر شده است.

6. التعقیبات و الدعواتسومین کتاب ابن فهد حلی در زمینه دعا التعقیبات والدعوات است. این رساله موجز (ده صفحه ای)، با درآمدی در باب راه رسیدن به کمال مطلوب انسانی و ضرورت جهاد با نفس، آغاز می شود. در این مقدمه، چند روایت، نقل شده است. در ادامه رساله، ابن فهد، چندین دعا را که در تعقیبات نمازهای واجب خوانده می شود، بیان نموده است. احادیث کتاب، بدون ذکر اسناد و مصدر، نقل شده اند که محقق کتاب، مصادر آنها را ارائه نموده است. در مواردی نیز دعاهایی بدون اسناد به معصوم و با تعبیر «و ممّا یقال عقیب کلّ صلاة» آمده است. این رساله، بر پایه دو نسخه خطّی موجود در کتاب خانه آیه الله مرعشی که یکی مربوط به سال 1068 ق، و دیگری متعلّق به سده دوازدهم است، با تحقیق محمّد جواد نور محمّدی، در دفتر نخست میراث حدیث شیعه (ص 83 \_ 102) انتشار یافته است.

7. البلد الأمين و الدرع الحصین (1) این کتاب، شامل دعاها، تعویذها، حرزها، زیارات، آداب و سنن شرعی است. از نسخه های خطّی کهن آن می توان به نسخه موجود در مسجد جامع گوهرشاد مشهد،

---

1- .روضات الجنات، ج 1، ص 21؛ كشف الحجب والأستار، ص 87 (ش 396)؛ الذریعة، ج 3، ص 143 (ش 493)؛ ایضاح المکنون، ج 1، ص 192؛ هدیة العارفین، ج 1، ص 24.



اشاره کرد که در قرن یازدهم نگارش یافته است. (1) این کتاب به سال 1383 ق، در 619 صفحه، به قطع رحلی و به کوشش استاد علی اکبر غفّاری، در تهران منتشر شده است. کفعمی، که از دعاپژوهان بنام این دوره است، این کتاب را پیش از جنة الأمان (معروف به مصباح الكفعمی) و به سال 868 ق، نوشته است. این کتاب، از جنة الأمان بزرگ تر بوده و افزون بر ادعیه و احراز و اذکار موجود در آن، شامل الصحیفة السجّادیه و شرح آن و رساله محاسبة النفس و شرح الأسماء الحسنی و برخی ادعیه دیگر است. (2) این کتاب، دارای حواشی ای از خود کفعمی است. (3) البته آنچه در چاپ یاد شده البلد الأمين موجود است، ظاهراً تمام حواشی نیست. (4) ترتیب مطالب کتاب به این صورت است که پس از ذکر احکام تخلّی و آداب میّت، دعاهاى مربوط به اوقات شبانه روز و دعاها و تعقیبات نمازهای واجب و مستحبّ روزانه آمده و سپس، اعمال و ادعیه یکایک ایّام هفته، آن گاه، اعمال و ادعیه هر يك از ماه های قمری و مناسبت های مذهبی را به ترتیب، از ماه رجب شروع کرده و تا محرّم، ادامه می دهد. در اعمال ماه محرّم، وارد باب زیارات معصومان علیهم السلام شده است. پس از ذکر زیارات، دعاها و مناجات هایی مانند دعای مشلول، مجیر، توسّل و جوشن کبیر آمده که به اوقات معینی اختصاص ندارند. سپس نویسنده، الصحیفة السجّادیه را به طور کامل، نقل می کند و درباره مأخذ نقل خود می نویسد:

1- برای آشنایی با سایر نسخه ها، ر.ک: موسوعة مؤلفی الإمامیه، ج 1، ص 313.

2- الذریعة، ج 3، ص 143 (ش 493).

3- روضات الجنّات، ج 1، ص 21؛ الذریعة، ج 8، ص 180.

4- کتاب خانه ابن طاووس، ص 153.

تقلتها من صحيفة عليها اجازة عبد (عميد) الرؤسا وقد نقلت عن خطّ علي بن السكون وقوبلت بخطّ محمد بن ادريس. (1) سپس ، مصادر و منابع خود را که افزون بر دویست کتاب است ، نام می برد . مصادر ، شامل برخی کتاب های شناخته شده ، مانند کتب اربعه ، کتاب های شیخ صدوق و سیّد بن طاووس و برخی کتاب های ناشناخته که بدون نام نویسنده (مانند : شذور العقود ، کیمیاة الإشراف ، الأدعية المستجابات) آمده و برخی کتاب های اهل سنت (مانند المعجم طبرانی ، جزء ابن المنذری ، حلیة الأولیاء ، الترغیب و الترهیب و کتاب الدعاء ابن ابی الدنیا) است . ظاهراً از منابع ناشناخته و منابع اهل سنت ، بیشتر در حواشی کتاب \_ که در شرح برخی مطالب متن است \_ استفاده شده است . در ادامه کتاب ، مطالب زیر آمده است : ادعية السر ، از امام محمد باقر علیه السلام ، ادعية الوسائل إلى المسائل ، از امام جواد علیه السلام ، برخی ادعیه دیگر ، رساله محاسبة النفس ، مختصر دعوات الأسماء فی شرح أربعین اسماً ، از شهاب الدین سهروردی و رساله المقام الأسنی فی تفسیر الأسماء الحُسنی ، که احتمالاً با الهام از کار ابن فهد در عدّة الداعی انجام پذیرفته است . پایان بخش کتاب ، مطالبی در آداب و کیفیت دعا و خواصّ اسمای حسنای الهی است . درباره اسناد مطالب باید گفت که کفعمی ، در متن ، به منابع و اسانید احادیث و ادعیه ای که نقل کرده ، اشاره ای نمی کند و فقط به ذکر نام معصوم \_ در صورتی که دعا یا روایت از معصوم باشد \_ بسنده می کند . او در مقدمه ، کتاب خود را حاوی تعویذها ، دعاها ، و زیارت هایی منقول از پیشوایان معصوم دانسته که مطالب آن از کتاب های مورد اعتماد ، برگرفته شده است ( . . . مأخوذة من کتب معتمد علی صحتّها مأمور بالتمسک بعروتها) . (2)

---

1- .البلد الأمين، ص 501 .

2- .همان ، ص 2.

## 8. جنة الأمان الواقية وجنة الإيمان الباقية

8. جنة الأمان الواقية وجنة الإيمان الباقية این کتاب، معروف به مصباح الكفعمی و دومین اثر مهم برجای مانده از نویسنده و شامل پنجاه فصل در ادعیه، آحراز، آداب، سنن، زیارات و تعویذات است. این کتاب که کفعمی آن را پس از البلد الامین و به سال 895 هجری به پایان برده (1) از مصادر بحار الأنوار است. (2) مصباح الكفعمی، از نظر سبک نگارش، شبیه البلد الامین و در حقیقت، پالایش و نگارش جدیدی از آن کتاب است. کفعمی در مقدمه کتاب تصریح می کند که مطالب آن را از کتاب هایی که صحت آنها مورد اعتماد بوده و مأمور به تمسک به آنها هستیم، گرد آورده است. (3) این کتاب نیز دارای حواشی ای از خود نویسنده است. (4) آقا بزرگ، بر آن است که حواشی این کتاب، گسترده بوده و بسی بیشتر از مقدار چاپ شده در حواشی کتاب است. (5) کفعمی، در پایان کتاب، مصادر خود را که بالغ بر 180 جلد کتاب است، برشمرده که ظاهراً همان مصادر کتاب البلد الامین است. البته، قبل از یادکرد مصادر می گوید: وبالجملة فقد دخل فی هذا الكتاب، کتب آخر ودفاتر غرر؛ غیر ائی لم اکن أعرف ابن نجدتها، ولا ساکن بلدتها. فأخذت ماتیسر لی من أبنائها، و إن لم اکن أعرف أحداً من أصحابها وأسمائها. (6) به نظر می رسد این کتاب ها غیر از کتاب هایی است که اسامی آنها را ذکر کرده است. احتمالاً از این مصادر، در مطالب و توضیحات حواشی کتاب، بهره برده است.

- 
- 1- مصباح الكفعمی، ص 1003.
  - 2- بحار الأنوار، ج 1، ص 16.
  - 3- مصباح الكفعمی، ص 6.
  - 4- روضات الجنات، ج 1، ص 21.
  - 5- الذریعة، ج 6، ص 57؛ کتاب خانه ابن طاووس، ص 153.
  - 6- مصباح الكفعمی، ص 1004.

نویسنده، در این کتاب، برخلاف البلد، در موارد بسیار در متن به منابع نقل خود، اشاره می کند. (1) جالب توجه آن که در متن کتاب، احادیث و ادعیه ای از منابع اهل سنت آمده است. از جمله این مصادر می توان السفینة البغدادیة سلفی، فضائل القرآن ابن ضریس، مسند أبی حنیفة، الخزان مندری، جامع ابن وهب، (2) کتاب الدعاء طبرانی، کتاب الدعاء ابن ابی الدنیا (3) و ربیع الأبرار زمخشری (4) را نام برد. همچنین، از دو کتاب العین المبصرة و الحدقة الناظرية خود نیز استفاده کرده است. (5) نسخ خطی متعددی از این کتاب، در دست است. (6) چند ترجمه فارسی از این کتاب، گزارش شده است: 1. ترجمه مصباح کبیر، نگاشته قاضی جمال الدین بن فتح الله بن صدر الدین شیرازی، ساکن حیدرآباد هند، که به نام سلطان محمد قطب شاه (حکومت 1020 \_ 1035 ق) نگاشته شده و نسخه آن در کتاب خانه آستان قدس رضوی موجود است. (7) 2. مصباح الجنان ومفتاح الجنان، از ملا شرف الدین بن شاه حسین بیرمی لاری، که آن را به میرزا محمد، مستوفی رشت، اهدا کرده است. نویسنده، افزون بر ترجمه، تهذیب و تلخیص هم انجام داده و مقدمه و خاتمه ای بر آن افزوده و در ابتدای آن، فصول چهل گانه کتاب را نام برده است. ترجمه، ظاهراً در 1140 ق، به پایان رسیده است. نسخه خطی آن در کتاب خانه مدرسه ملا محمدباقر سبزواری در مشهد

1- برای نمونه، ر.ک: همان، ص 217، 218، 221، 223، 224 و 817.

2- همان، ص 556.

3- همان، ص 225.

4- همان، ص 230.

5- همان، ص 302.

6- ر.ک: موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 1، ص 312.

7- الذریعة، ج 4، ص 136 (ش 653).

## 9. الجنة الواقية و الجنة الباقية

مقدّس ، موجود است . (1) 3 . نيك بختیه . این ترجمه ، توسط میرزا محمود بن علی به نام «آقا نیک بخت» به تاریخ 1055 ق ، انجام شده است . نسخه نگاشته آن به خطّ زین الدین علی ، در تاریخ 1120 ق ، در کتاب خانه آستان قدس ، موجود است . (2) 4 . راحة الأرواح فی ترجمة المصباح ، از میر محمد حسین خان بن سیّد محمد علی موسوی جزائری . بنا به نقل آقا بزرگ ، این کتاب در سال 1324 ق ، چاپ شده است . (3) از تلخیص های مصباح ، می توان به الأنوار المقتبسة من مصباح الأبرار ، اشاره کرد که شامل 24 فصل بوده و توسط مسعود بن فضل الله حسینی بهبهانی در چهارم شعبان 1086 گزینش شده است . صاحب الذریعة ، نسخه خطّی آن را نزد حاج میر محمود تبریزی دیده است . (4) خود کفعمی نیز تلخیصی از کتاب جنة الأمان فراهم کرده که معرفی می شود .

9 . الجنة الواقية و الجنة الباقية این کتاب ، چکیده مصباح و شامل چهل فصل است که توسط خود کفعمی انجام شده است . (5) بنا به گفته آقا بزرگ ، نسخه ای از این کتاب به خطّ مؤمن حسین بن مجد الدین علی بهبهانی ، که تاریخ نگارش آن 1063 ق ، و در تملک فرهاد میرزای قاجار بوده ، نزد سیّد حسن خطیب بوده است . (6) این کتاب به سال 1314 ق ، به نام مختصر مصباح

1- . همان ، ج 21 ، ص 105 (ش 4141).

2- . همان ، ج 24 ، ص 436 (ش 2283).

3- . همان ، ج 10 ، ص 55 ، (ش 15).

4- . همان ، ج 26 ، ص 63 (ش 293).

5- . همان ، ج 5 ، ص 162 (ش 686)؛ موسوعة مؤلّفی الإمامیة ، ج 1 ، ص 318.

6- . همان جا.

## 10 . المقام الأسنی فی تفسیر الأسماء الحسنی

الكفعمی در تبریز منتشر شده است . (1) البته علامه مجلسی و افندی در انتساب کتاب به خود کفعمی تردید کرده اند . (2) همچنین فهرست نویس نسخ خطی کتاب خانه مدرسه عالی شهید مطهری ، در انتساب آن به کفعمی تردید کرده و گفته است بعید نیست که این چکیده از میرداماد باشد ؛ چرا که او یکی از نسخه ها را بدون ذکر نویسنده ، نگاشته است . (3)

10 . المقام الأسنی فی تفسیر الأسماء الحسنی (4) این رساله ، ضمیمه البلد الأمين (5) است که اخیراً با تحقیق شیخ فارس حسون ، توسط مؤسسه قائم آل محمد (عج) در قم ، جداگانه چاپ و منتشر شده است . چاپ دیگر کتاب در مجله تراثنا (ش 20) به سال 1420 ق ، بوده است . کفعمی ، در نگارش این رساله ، از منابع متعدّد لغوی ، حدیثی ، تفسیری و کلامی بهره برده است . برخی از منابع او عبارت اند از : عدّة الداعی ، که نویسنده ، رساله را با نقل حدیثی از آن ، شروع می کند . (6) القواعد والفوائد شهید اول ، (7) المقصد الأسنی فی شرح أسماء الله الحسنی از غزالی ، (8) مشارق الأنوار حافظ بزسی ، (9) مجمع البیان ، (10)

- 
- 1- همان جا؛ موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 1، ص 320.
  - 2- بحار الأنوار، ج 1، ص 17، ریاض العلماء، ج 1، ص 23.
  - 3- فهرست نسخ خطی مدرسه شهید مطهری، ج 4، ص 44.
  - 4- برخی نام رساله را المقصد الأسنی فی شرح الأسماء الحسنی یاد کرده اند و برخی المقام الأسنی بشرح الأسماء الحسنی گفته اند، ولی ظاهراً نام درست او همان است که آوردیم (ر.ک: مقدّمه تحقیق کتاب، ص 16).
  - 5- البلد الأمين، ص 572 .
  - 6- المقام الأسنی، ص 21. نیز ص 28، 32، 33 و 37.
  - 7- همان، ص 22، 28، 32، 33، 35، 53 و 62 .
  - 8- همان، ص 24 و 35.
  - 9- همان، ص 27.
  - 10- همان، ص 30 و 78.

**ب. آثار خطی و نایاب****اشاره**

التوحید صدوق (1)، غریب القرآن هروی (2) و برخی منابع دیگر، اشاره کرد. کفعمی، پس از شرح و تفسیر اسمای الهی، دعایی مشتمل بر اسمای الهی بر اساس حروف تهجی آورده است. به این ترتیب که مثلاً در «الف» می گوید: «اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اللّٰهُ ، يَا اللّٰهُ» و همه اسمای الهی را که با همزه شروع می شوند و غالباً بر وزن افعال هستند، آورده است و بقیه حروف نیز همین طور. در پایان هر یک از بندها نیز عبارت «أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَهُ وَافْعَلْ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِيْنَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ» تکرار شده است. کفعمی، ظاهراً این اسما و تعابیر را از سخنان ائمه علیهم السلام و ادعیه مأثور از آنان برگرفته است. او قبل از پرداختن این دعا و پس از آوردن حدیثی دالّ بر این که خداوند، دارای 99 اسم است، می نویسد: بدان که اختصاص به ذکر این اسما [در این حدیث] دلالت بر نفی جز اینها نمی کند؛ زیرا در ادعیه ائمه علیهم السلام، اسمای بسیاری هست که در این اسما نیامده است. حتّی یاد شده که برای خدای تعالی، هزار و یک اسم از اسمای مقدّسه مطّهّره است و روایت شده چهار هزار اسم. (3) نیز ایشان، پس از بحث و بررسی اقوال، توفیقی بودن اسماء اللّٰه، به معنای موقوف بودن آن بر نص و اذن شرعی را می پذیرد. (4) بر این اساس، به نظر می رسد که اسما و تعابیر به کار رفته در این دعای انشایی، از مضامین مأثور برگرفته شده است.

ب. آثار خطی و نایابشمار بسیاری از کتاب ها و رساله های در زمینه دعا، به صورت مخطوط باقی مانده و برخی از آنها نیز تنها گزارش شده و اثری از آن باقی نمانده است. در این بخش، به

1- همان، ص 32، 40، 54، 55 و 84.

2- همان، ص 41، 48، 59 و 61.

3- همان، ص 85.

4- ر.ک: همان، ص 71.

**1 . الأدعية الفاخرة المأثورة عن العترة الطاهرة****2 . الأدعية والختموم****3 . مشكاة الأنوار****4 . ملحقات الدرود الواقية****5 . المنتقى في العوذ والرقى****6 . الأدعية والأوراد**

معرفی اجمالی این آثار\_ که بخشی از هویت تاریخ حدیث شیعه است \_ می پردازیم . 1 . الأدعية الفاخرة المأثورة عن العترة الطاهرة . (1) نگاشته علامه حلّی که در خلاصة الأقوال ، از آن به الأدعية الفاخرة المنقولة... یاد کرده است . (2) علامه مجلسی بر آن است که این کتاب ، در چهار جزء بوده است (3) و متأسفانه ، اثری از آن به دست نیامده است . کتاب دیگر علامه در زمینه دعا ، در قسمت تلخیص و گزینش متون حدیثی خواهد آمد . 2 . الأدعية والختموم . از ابن فهد حلّی ، افزون بر آثار چاپی ، این اثر نیز گزارش شده است که نسخه ای از آن ، به خط شاگردش علی بن فضل بن هیکل حلّی ، در کتاب خانه سید حسن صدرالدین کاظمی موجود است . (4) سه کتاب نایاب ابن فهد در زمینه دعا عبارت اند از : 3 . مشكاة الأنوار . (5) 4 . ملحقات الدرود الواقية . (6) الدرود الواقية ، نوشته سید بن طاووس است . 5 . المنتقى في العوذ والرقى . (7) 6 . الأدعية والأوراد . اثر علی بن فضل بن هیکل حلّی ، شاگرد ابن فهد حلّی است . نسخه ای از آن به خط مؤلف ، در کتاب خانه سید حسن صدرالدین کاظمی موجود است . (8)

1- الذريعة، ج 1، ص 398 (ش 2066)؛ مكتبة العلامة الحلّی، ص 33.

2- خلاصة الأقوال، ص 111.

3- بحار الأنوار، ج 107، ص 53 .

4- الذريعة، ج 1، ص 393 (ش 2039).

5- همان، ج 21، ص 53 (ش 3919).

6- همان، ج 22، ص 199 (ش 6687)؛ موسوعة مؤلفی الإمامية، ج 1، ص 325 (ش 56).

7- الذريعة، ج 23، ص 8 (ش 7833).

8- همان ، ج 1، ص 393 (ش 2035).



## 7. الأدعية الثلاثون

## 8. الأدعية والأوراد المأثورة

## 9. بيدر الفلاح في أذكار المساء والصبح

## متون اخلاقی

## اشاره

7. الأدعية الثلاثون . نوشته شیخ شرف الدین مقداد بن عبد الله سیوری ، معروف به فاضل مقداد (م 826 ق) است که پس از ذکر مقدماتی ، سی دعا از پیامبر و ائمه علیهم السلام ، به ترتیب ، آورده است . صاحب الذریعة ، نسخه ای از آن را که به سال 940 ق ، به خط جعفر بن محمد نوشته شده ، در میان کتاب های سید محمد علی سبزواری در کاظمین دیده است . (1) 8 . الأدعية والأوراد المأثورة . نوشته کمال الدین حسین بن علی واعظ کاشفی (م 910 ق) است . (2) 9 . بيدر الفلاح في أذكار المساء والصبح . این کتاب ، نگاشته ابو المحاسن مساعد بن ساری بن مسعود هواری مصری ، از عالمان قرن هشتم هجری است . (3) بيدر الفلاح ، از مصادر کفعمی در نگارش البلد الامین است . (4)

متون اخلاقی در يك رده بندی مرسوم ، معارف دینی را به سه دسته : آموزه های اعتقادی ، احکام فقهی و مسائل اخلاقی تقسیم می کنند . از سوی دیگر ، می توان گفت که آیات و روایات ، به مثابه مواد و مصالحی هستند که نظام های اعتقادی ، حقوقی ، اقتصادی و اخلاقی اسلام ، با بهره گیری از مواد یاد شده ، استخراج می شوند . به نظر می رسد که دانشوران مسلمان ، در بخش عقاید و فقه ، بیشتر از بخش اخلاق ، کار کرده اند . دلیل این مدعا آن که ما در دو حوزه عقاید و فقه ، شاهد شکل گیری نظام های منسجم

1- همان، ص 396 (ش 2058).

2- همان، ص 393 (ش 2034).

3- ایضاح المکنون، ج 1، ص 208.

4- الذریعة، ج 3، ص 186 (ش 666).

هستیم . مثلاً آیات و روایات فقهی در کتابی مانند شرائع الإسلام ، ساختاری نظام مند یافته و نظام فقه امامیه را عرضه کرده است . در حوزه کلام و عقاید امامیه نیز می توان چنین متونی را شناسایی کرد . در حالی که در حوزه احادیث اخلاقی ، کاری درخور ، انجام نیافته است . نه مبانی و مبادی اخلاق دینی تنقیح شده ، و نه اساساً نظامی اخلاقی مبتنی بر آموزه های دینی پدید آمده است . فقدان نظام در اخلاق دینی ، باعث بروز آفت ها و آسیب هایی شده است . جایگاه آموزه های اخلاقی و نسبت آنها با یکدیگر دانسته نیست و مهم تر آن که احادیث اخلاقی ، امکان نقد و پالایش نیافته و سدره و ناسره آن ، بازشناسی نشده است . به تعبیر دیگر ، احادیث فقهی با عرضه بر نظام فقهی ارزیابی می شود ؛ اما درباره احادیث اخلاقی ، چنین امکانی وجود ندارد . متون حدیثی اخلاقی ، متنوع بوده و با نگرش ها و رویکردهای گوناگون ، نگاشته شده است . توجه به رویکرد خاص هر نویسنده به احادیث اخلاقی در اعتبارسنجی کتاب وی ، ضروری است . موضوع این بخش از نوشتار ، معرفی متون حدیثی اخلاقی امامیه در سده های هشتم و نهم هجری است . گفتنی است که آثار حدیثی این دوره به سبک های مختلف ، نگاشته شده است و از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند . رویکرد غالب این متون ، مانند إرشاد القلوب دیلمی و مصابیح القلوب شیعی سبزواری ، سبک واعظانه است . از ویژگی های این سبک آن که نویسنده ، مصادر و اسانید احادیث را معرفی نمی کند و وجهه همّت او ارشاد و موعظه خوانندگان و ترغیب ایشان به فضایل انسانی و اخلاق والا و اعمال نیک و انذار و ترهیب نسبت به رفتارهای ناشایست است . در این متون ، نویسنده در کنار نقل حدیث ، به یادکرد داستان های آموزنده و حکایات لطیف و اشعار نغز ، اهتمام می ورزد تا خواننده را با شور و اشتیاق فراوان ، با خود همراه سازد . نکته دیگر آن که شمار کتاب های حدیثی اخلاقی در این دوره ، در مقایسه با متون کلامی و فقهی اندک است . برای مثال ، علامه حلّی ، در حالی که ده ها کتاب معتبر

## 1. إرشاد القلوب إلى الصواب المنجى من عمل به من أليم العقاب

کلامی و فقهی نگاشته، تنها در بخشی از الرسالة السعدية به احاديث اخلاقی پرداخته است. اینک به معرفی کتاب های اخلاقی \_ حدیثی این دوره می پردازیم.

1. إرشاد القلوب إلى الصواب المنجى من عمل به من أليم العقاب (1) این کتاب اخلاقی، نوشته حسن بن ابوالحسن دیلمی، محدث بزرگوار امامیه در قرن هشتم هجری است. این کتاب، معروف به «ارشاد دیلمی» و از مصادر بحار الأنوار است. علامه مجلسی، با عبارت «کتاب لطیف مشتمل علی أخبار متینة غریبة»، از آن یاد کرده است. (2) شیخ حرّ عاملی نیز در یادکرد منابع وسائل الشیعة، الإرشاد را از جمله کتاب هایی می شمارد که نویسندگانشان، به صحت آنها گواهی داده اند و قرائن بر ثبوت آنها بوده و به طور متواتر، نقل شده یا صحت انتساب آنها به نویسندگان، بدون شک و تردید است. (3) شیخ آقا بزرگ (4) و نویسنده روضات الجنات (5) نیز از آن یاد کرده اند. إرشاد القلوب، شامل دو جلد است. جلد اول، در مواعظ و نصایح است و جلد دوم، در فضایل و مناقب امیر مؤمنان. شیخ حرّ عاملی، بر دو جلد بودن آن، تصریح کرده است. (6) برخی از کتابشناسان با توجه به قرائنی مانند اختلاف

- 
- 1- ر.ک: ریاض العلماء، ج 1، ص 338؛ أمل الآمل (تذكرة المتبحرين)، ج 2، ص 77 (ش 211)؛ روضات الجنات، ج 2، ص 291 (ش 201)؛ الكنى والألقاب، ج 2، ص 237؛ كشف الحجب والأستار، ص 39 (ش 171)؛ الذريعة، ج 1، ص 517 (ش 2527)؛ إيضاح المكنون، ج 1، ص 62.
  - 2- بحار الأنوار، ج 1، ص 33.
  - 3- ر.ک؛ وسائل الشیعة، ج 30، ص 153 و 157.
  - 4- الذريعة، ج 1، ص 517 (ش 2527).
  - 5- روضات الجنات، ج 2، ص 291 (ش 201).
  - 6- أمل الآمل، ج 2، ص 77 (ش 211).

مضمون (1) و این که نویسنده در ابتدای کتاب گفته که کتابش دارای پنجاه و پنج باب در حکم و مواعظ است و شمار این ابواب در جلد اول تمام می شود و نیز به دلیل آن که در جلد دوم، شعری از حافظ رجب برسی از عالمان سده نهم در مدح حضرت امیر علیه السلام آمده، در انتساب جلد دوم به او تردید کرده اند. (2) افزون بر اینها در جلد دوم، مطلبی آمده که نشان می دهد نویسنده جزء دوم، معاصر علامه مجلسی یا متأخر از او بوده است. در کتاب، پس از نقل حدیثی از شیخ مفید، آمده است: و ذكره المجلسی فی المجلد التاسع من كتاب بحار الأنوار والسید البحرانی فی كتاب مدينة المعاجز بتغییر ما فمن أراد فلیراجعهما. (3) مرحوم آیه الله نجفی مرعشی نیز بر آن است که جزء دوم از دیلمی نیست. ایشان، در مقدمه ای که بر ترجمه جلد اول إرشاد القلوب نگاشته، آورده است: انصافاً کتابی است بسیار عزیز و عالی قدر. و مشهور این است که دو جزء است. جزء اول، در مواعظ و جزء دوم، در مناقب؛ ولی نزد ما تقریباً ثابت است که جزء دوم از وی نیست و هرکسی ملاحظه و تدبّر کند، این معنی برایش واضح و هویدا خواهد شد. (4) از قرائن بر صحت انتساب جزء دوم به دیلمی، به موارد زیر می توان اشاره کرد: قرینه اول، تصریح شیخ حرّ عاملی بر دو مجلد بودن کتاب است. (5) شیخ آقا بزرگ نیز ضمن تصریح بر دو مجلد بودن کتاب، به نسخ خطی آن اشاره می کند و از جمله، از نسخه ای در مکتبه الحسینیّه نجف، یاد می کند که دو جزء آن با دست خط یکسان نگاشته شده و به سال 1024 ق، در تملک شیخ محمد صالح بن علی قهپایی

1- ر.ك: رياض العلماء، ج 1، ص 340.

2- ر.ك: روضات الجنّات، ج 2، ص 291 (ش 201)؛ أعيان الشيعة، ج 5، ص 250.

3- إرشاد القلوب، منشورات الرضى، ص 298، مؤسسة الأعلمی (بیروت)، ص 265.

4- إرشاد القلوب، ترجمه: سید هدایت الله مسترحمی، با مقدمه آیه الله نجفی، ص 5.

5- أمل الآمل، ج 5، ص 77 (ش 211).

بوده است . (1) قرینه دیگر آن که دیلمی در مقدمه کتاب ، تصریح کرده که کتاب خود را در پنجاه و پنج باب ، سامان داده است . (2) در نسخه های مورد مراجعه (اعلمی ، منشورات شریف الرضی ، بوذرجمهری \_ که ترجمه است \_ و مطبعة العلمیه نجف) ، جلد اول ، شامل 54 باب بوده و جزء دوم ، باب پنجاه و پنجم کتاب . چنان که در پایان جزء اول نیز آمده است : تمّ الجزء الأول من کتاب إرشاد القلوب سنة 1398 هجرية ویلیه الجزء الثاني الباب الخامس والخمسون والأخیر وفيه فضائل الإمام علی علیه السلام و مناقبه و غزواته . (3) درباره مضمون جزء دوم نیز می توان گفت که ذکر فضایل و مناقب امیر مؤمنان ، خصوصاً به شکلی که دیلمی آورده ، می تواند نوعی پند و یادآوری باشد ؛ چرا که قصد او از آوردن این مباحث ، استدلال و احتجاج برای اثبات امامت و ولایت امام علی علیه السلام در مقابل مخالفان نیست ؛ بلکه یادآوری فضایل و مناقب ایشان ، برای شیعیان است . این امر ، از عدم ذکر مصادر و اسانید و نیز استفاده نکردن از منابع روایی اهل سنت پیداست ، افزون بر آن که هدف کلی نویسنده ، ارشاد دل ها به صواب است ، و چه امر صوابی بالاتر از فضایل امیر مؤمنان ؟ (4) درباره ارجاع به بحار الأنوار و مدینة المعاجز که در متن جزء دوم آمده ، گفته شده که این امر ، ناشی از اشتباه ناشر بوده که از هامش نسخه خطی وارد متن شده است . (5) در مواضع دیگر کتاب ، چنین ارجاع هایی دیده نمی شود و از تعبیر «بتغییر ما فمن أراد»

- 
- 1- الذریعة، ج 1، ص 517 (ش 2527). نیز، ر.ک: روضات الجنّات، ج 2، ص 291 (ش 201)
  - 2- إرشاد القلوب، انتشارات اسوه، ص 43؛ مؤسسه الأعلمی، ص 12 .
  - 3- إرشاد القلوب، مؤسسه الأعلمی، ص 183 ؛ منشورات الرضی، ص 206.
  - 4- ر.ک : أعلام الدین، تحقیق: مؤسسه آل بیت علیهم السلام، ص 26 (مقدمه)؛ إرشاد القلوب، ص 6 (چاپ اسوه).
  - 5- ر.ک : همان جا.

فلیراجعهما» ، پیداست که مطلب از حاشیه نویسنده است . کتاب إرشاد القلوب ، بنا به نقل الذریعة ، توسط شرف الدین یحیی بحرانی ، شاگرد محقق کزکی تلخیص شده است . (1) نیز ابوالحسن شعرانی بر آن حاشیه زده است . (2) برخی از نسخ خطی کتاب عبارت اند از : نسخه موجود در مکتبه الحسینیة ی نجف \_ که هر دو جزء با خط یکسان کتابت شده و به سال 1024 ق ، در تملک شیخ محمد صالح بن علی قهپایی بوده است . نسخه دیگر ، متعلق به کتاب خانه علامه حسن صدرالدین است که دست خط تملک شیخ حرّ عاملی بر آن است که به سال 1083 ق ، به پسرش محمد رضا بخشیده است . (3) این کتاب ، به سال 1375 ش ، با تحقیق و تصحیح آقای سید هاشم میلانی توسط انتشارات اسوه ، منتشر شده است . شایان ذکر است که \_ همچنان که محقق کتاب تذکر داده است \_ در نسخه چاپ منشورات الرضی و نسخه چاپ مؤسسه الأعلمی ، احتمالاً بنا به ملاحظات سیاسی ، باب آخر جزء دوم \_ که در بیان صفات دشمنان امام علی علیه السلام بوده \_ حذف شده است . نکته دیگر آن که در چاپ آقای میلانی ، برخلاف سایر نسخ چاپی ، جزء اول ، شامل 55 باب است ، بدین ترتیب که باب پنجم نسخه های دیگر با عنوان «فی التخویف والترهیب» در نسخه تحقیق ایشان ، بر اساس نسخه خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی ، زیر دو باب «فی التخویف والترهیب من کتاب الله جلّ جلاله» و «باب فی التخویف من الآثار» آمده است و بدین سان ، 55 بایی که نویسنده در مقدمه ذکر کرده ، در جزء اول تمام شده است . (4)

1- الذریعة، ج 1، ص 517 (ش 2527) وج 4، ص 419 (ش 1849).

2- موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 2، ص 113.

3- الذریعة، ج 1، ص 517 (ش 2527). برای نسخه های دیگر به مقدمه محقق کتاب إرشاد القلوب، رجوع شود.

4- البته در بقیه ابواب روش نویسنده به این صورت است که در هر باب، نخست آیات و سپس احادیث را می آورد.

دو ترجمه فارسی از إرشاد القلوب، ملاحظه شد. نخست، ترجمه سیّد هدایت اللّٰه مسترحمی که با مقدمه آیه اللّٰه نجفی مرعشی، توسط انتشارات بوذرجمهری (مصطفوی) منتشر شده و شامل ترجمه جزء اول کتاب است. ترجمه دوم از آقای سیّد عباس طباطبایی است که نوزده باب نخست جزء اول را تقطیع کرده و ذیل هر قطعه، ترجمه آن را آورده است. این ترجمه، توسط دفتر انتشارات اسلامی منتشر شده است. موضوع کتاب إرشاد القلوب، مواعظ و نصایح اخلاقی است. به لحاظ شیوه نگارش، گفتنی است که نویسنده، اسانید و منابع خود را ذکر نمی کند. او خود در مقدمه، ابتدا آیاتی در باب خوف و رجا، تقوا و خشیت، انذار و تبشیر، و سپس چند حدیث از رسول اکرم در باب مواعظه و نصیحت می آورد. آن گاه می نویسد: و فی أحادیثه صلی الله علیه و آله من المواعظ والزواجر ما هو أبلغ من کلّ کلام مخلوق و أنا أذكر\_ إن شاء الله\_ من ذلك ما تيسّر ایراده بحذف الأسانید لشهرتها فی کتب أسانیدها، واتبع ذلك بكلام أهل بيته عليهم السلام، و من تابعهم من الصالحين. (1) عناوین برخی از ابواب کتاب از این قرار است: ثواب مواعظه و مصلحت در آن، زهد در دنیا، ذمّ دنیا، تخویف و ترهیب در قرائت قرآن مجید، گریه از ترس خدا، جهاد در راه خدا، نکوهش حسد، ولایت برای خدای تعالی، دعا، برکت و فضل آن، توحید خداوند متعال. برخی از عناوین جلد دوم که در فضائل و مناقب حضرت امیر علیه السلام است عبارت اند از: فضائل آن حضرت، جهاد او، حدیث بساط و اصحاب کهف، خبر لوحی که نزد جابر بود، گفتگوی آن حضرت با رأس الیهود، سخن آن حضرت در «سلونی قبل أن تقعدونی»، احادیثی در فضائل اهل بیت علیهم السلام. روش نویسنده در کتاب به این صورت است که در هر باب، نخست آیات و

## 2. أعلام الدين في صفات المؤمنين

سپس احادیث درباره آن را مطرح می کند . گاه در ضمن آیات و روایات ، بیانی درباره مفهوم اخلاقی مورد بحث و اسباب و آثار آن مطرح می کند (1) و در همه حال ، سمت و سوی کلی کتاب ، ترغیب و تشویق خواننده به امور مورد بحث است .

2. أعلام الدين في صفات المؤمنين (2) این کتاب نیز نگاشته دیلمی است . أعلام الدين ، از مصادر بحار الأنوار است (3) ؛ اما شیخ حرّ عاملی در تدوین وسائل الشیعة از آن بهره نبرده است . (4) نویسنده مستدرک الوسائل نیز به دلیل نداشتن نسخه کتاب ، با واسطه بحار از آن نقل حدیث کرده است . (5) نویسنده ، درباره انگیزه تألیف کتاب ، در مقدمه تأکید می کند که به سبب گرفتار شدن در دار غربت و نبود مونس و پناه بردن به تنهایی ، خوف آن داشتم که آداب دینی و علوم علوی که فراگرفته ام ، از یادم برود . از این رو ، این کتاب را پرداختم ، «لیکون لی تذکرة وعدة ولمن یقف علیه بعدی تبصرة وعبرة» . (6) او دلیل عدم ذکر اسانید را به این شکل توضیح می دهد : لم التزم ذکر سندها ، لشهرتها عند العلماء فی كتبها المصنفة المروية عن مشائخنا \_ رحمهم الله تعالى \_ وأحلت فی ذلك علی کتبهم وأسانیدهم ، إلا ما شدّ منی من ذلك فلم أذكر إلا فصح القول . (7) از نسخه های خطی کتاب أعلام الدين می توان به نسخه نفیس کتاب خانه سید

1- برای نمونه، ر.ک: همان ص 210، 211، 220، 237 و 238.

2- ریاض العلماء، ج 1، ص 340؛ کشف الحجب والأستار، ص 53 (ش 250)؛ الکنی والألقاب، ج 2، ص 238؛ الذریعة، ج 2، ص 238 (ش 949)؛ ایضاح المکنون، ج 1، ص 102.

3- بحار الأنوار، ج 1، ص 16.

4- ر.ک: وسائل الشیعة، ج 30، ص 152 \_ 165.

5- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 12.

6- أعلام الدين، ص 33 (تحقیق مؤسسة آل البيت علیهم السلام).

7- همان، ص 34.



محمد بن سید صادق اعرجی به خط شیخ حمزة بن شیخ محمد حلی اشاره کرد که کتابت آن به سال 1085 ق، به پایان رسیده است. (1) نسخه دیگر، نسخه کتاب خانه آستان قدس رضوی، به شماره 38 است که احتمالاً در زمان حیات مؤلف، نگارش شده است. (2) چاپ تحقیقی کتاب، بر اساس همین نسخه، توسط مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحياء التراث، انجام یافته است. (3) موضوع این کتاب نیز مانند إرشاد القلوب، نصایح و مواعظ و وصایای اعتقادی و اخلاقی است. عناوین برخی از فصول این کتاب عبارت اند از: دلیل بر حدوث انسان و اثبات مُحدِثِ او (ص 35)، خطبه حضرت امیر علیه السلام در توحید (ص 59)، کلام امام رضا علیه السلام در توحید (ص 69) خطبه بدون الف امام علی علیه السلام در توحید (ص 73)، صفت مؤمن (ص 118)، صفت شیعه (ص 133 و 137)، در ذکر غنا و فقر (ص 159)، در ذمّ دنیا (ص 173)، حدیث سلسله الذهب (ص 214)، حدیث اسماء حسنی (ص 349)، فضائل قرائت سور قرآن (388-369)، ثواب برخی اذکار شریف (ص 394)، ثواب عیادت بیمار (ص 339) و عقوبت شاهد زور (ص 402). برخی از ویژگی های کتاب اعلام الدین از این قرار است: (4) 1. نویسنده، کتاب البرهان علی ثبوت ایمان را - که کتابی کلامی از شیخ تقی الدین ابی صلاح حلبی، شاگرد سید مرتضی است - در کتاب خود، درج کرده است. (5) نیز اربعین ودعانی را که شامل چهل حدیث از پیامبر اکرم، به روایت ابن ودعان موصلی

1- الذریعة، ج 26، ص 97 (ش 457).

2- ر.ك: أعلام الدین، ص 29 (مقدمه تحقیق).

3- ر.ك: همان جا.

4- در شناسایی برخی از ویژگی ها از مقدمه تحقیق کتاب، استفاده شده است.

5- ر.ك: أعلام الدین، ص 44؛ الذریعة، ج 26، ص 97 (ش 457).

است، در آن آورده است. (1) 2. نویسنده، برخی از خطبه های حضرت امیر علیه السلام را به گونه ای در هم مُندمج کرده که گویی خطبه واحدی است. (2) نیز در نقل برخی متون روایی از کتاب های ثواب الأعمال والمؤمن، دو یا چند حدیث را تلفیق کرده که به صورت حدیث واحد از راوی واحدی در آمده و موجب اختلاط اسانید و روایات شده است. (3) در تحقیق کتاب، به موارد یاد شده در مواضع خود، تذکر داده شده است. نویسنده در صفحه 346 کتاب می گوید که چهل حدیث از کتاب الخصال را با حذف اسانید، ذکر می کند. محققان کتاب، در پاورقی توضیح داده اند که همه این احادیث، از الخصال نبوده و از دیگر آثار شیخ صدوق نیز نقل شده و افزون بر چهل حدیث است. (4) 3. متونی طولانی، در مواردی عیناً و در مواردی با اندکی اختلاف، از تنبیه الخواطر شیخ ورام (م 605 ق) (5) و نیز چند فصل کامل از کتاب کنزالفوائد کراچی (م 449 ق) نقل شده است. (6) 4. برخی از احادیث طولانی، مانند: وصیت پیامبر به ابوزر (ص 189 \_ 203)، گفتگوی خدای تعالی با حضرت موسی علیه السلام (ص 218 \_ 222)، موعظه ای بلند از امام سجّاد علیه السلام (ص 223 \_ 226) و موعظه خداوند به حضرت عیسی علیه السلام (ص 227 \_ 233) در این کتاب آمده است. 5. نویسنده، گاه مطالب و مواعظی از غیر معصومان نقل کرده است که از جمله

---

1- ر.ك: أعلام الدین، ص 331.

2- ر.ك: همان، ص 63 و 65.

3- ر.ك: همان، ص 356 به بعد. نیز ص 432.

4- ر.ك: همان، ص 397.

5- ر.ك: همان، ص 240 \_ 244 و ص 253. در مقدمه تحقیق، به جای صفحه 244، 344 ذکر شده که نادرست است.

6- ر.ك: همان، ص 157 \_ 186.

## 3. الرسالة السعدية

آنهاست : خطبه ابوذر (ص 207) ، موعظه ای از برخی از علما (ص 237) ، پند حسن بصری به عمر بن عبد العزیز (ص 238) ، موعظه اویس قرنی خطاب به مردی (ص 325) و پند مرد خراسانی به عمر بن عبد العزیز (ص 329) .

3. الرسالة السعدية (1) این کتاب ، نگاشته علامه حلّی (م 726 ق) است که آن را برای خواجه سعد الدین ساوجی ، وزیر سلطان محمد خدابنده ، نوشته است . (2) کتاب در سه بخش عقاید ، عبادات و مسائل اخلاقی تنظیم شده است . بخش عقاید \_ که حجم بیشتر کتاب را به خود اختصاص داده \_ شامل بحث های کلامی و عقلی به سبک دیگر کتاب های کلامی نویسنده ، مانند نهج الحق است . در بخش عبادات نیز هدف علامه ، اثبات مواضع فقهی امامیه بر پایه قواعد عقلی و برخی احادیث نبوی مورد اتفاق فریقین یا مورد قبول اهل سنت است . این دو بخش ، زیر دوازده مسئله تنظیم شده است . در بخش آخر کتاب \_ که به منزله خاتمه کتاب است \_ احادیث اخلاقی ذکر شده است . بخش اخلاقیات ، در دو فصل ترتیب یافته است . فصل اول ، یادکرد افعالی است که درباره آنها ترغیب یا ترهیب وارد شده است . مقصد اول از فصل اول که درباره افعال پسندیده است ، شامل موضوعاتی چون : بسیار ذکر خدا گفتن ، به مساجد درآمدن ، محافظت از نمازهای واجب ، اذان و اقامه ، طول دادن سجده ، نماز جماعت ، نماز شب ، تعقیبات ، صدقه دادن ، یاری مؤمن ، و بزرگداشت عالمان است . در مقصد دوم \_ که در بردارنده احادیث درباره افعال ناپسند و مورد نهی است \_

- 
- 1- ر.ك: أمل الآمل (تذكرة المتبحرين)، ج 2، ص 84؛ معجم رجال الحديث، ج 6، ص 174؛ الذريعة، ج 11، ص 198 (ش 1206)؛ فهرس التراث، ج 1، ص 709؛ مكتبة العلامة الحلّي، ص 129.
- 2- الرسالة السعدية، ص 4 و 8 .

#### 4. مصابیح القلوب

عناوین: کبر، انجام دادن کار نیک برای غیر خدا، آزار مؤمن، قطع رَحِم، می گساری و ظلم، به چشم می خورد. فصل دوم، درباره امور مربوط به عدالت و نیکوکاری است که شامل احادیثی در باب عدالت ورزیدن و نیکی کردن، صدقه دادن، فضیلت زکات، پیشوای عادل، برآوردن نیازهای نیازمندان، و دادرسی بیچارگان است. هر یک از موضوعات این دو فصل، با عنوان «حقل» آمده است. علامه حلی، در نقل احادیث اخلاقی، اسانید و مآخذ خود را ذکر نمی کند. بر پایه تخریج های محقق کتاب، بیشتر احادیث از ثواب الأعمال و عقاب الأعمال شیخ صدوق برگرفته شده است. برخی احادیث نیز از منابع اهل سنت، مانند صحیح مسلم، نقل شده است. کتاب الرسالة السعدیة، یک بار در مجموعه کلمات المحققین، چاپ سنگی شده و دیگر بار، با تحقیق عبد الحسین محمد علی بقال و به اشراف سیّد محمود مرعشی، به سال 1410 ق، توسط کتاب خانه آیه الله مرعشی، انتشار یافته است.

4. مصابیح القلوب (1) این اثر به فارسی و از ابو سعید حسن بن حسین شیعی سبزواری (زنده در 753 ق)، از عالمان و حدیث پژوهان امامیه در سده هشتم هجری است. کتاب، دارای نسخه های خطی متعددی است که در فهرستواره کتاب های فارسی، معرفی شده است (2). نویسنده روضات الجنات، تصریح کرده که نسخه های موجود کتاب با یکدیگر

1- ر.ک: ریاض العلماء، ج 1، ص 176 \_ 177؛ روضات الجنات، ج 2، ص 267 (ش 196)؛ الحقائق الراهنة، ص 39؛ الذریعة، ج 21، ص 90 (ش 4081)، ریحانة الأدب، ج 3، ص 338؛ مصابیح القلوب، مقدمه محقق.

2- فهرستواره کتاب های فارسی، ج 6، ص 607.

اختلاف دارند. (1) مصابیح القلوب، بر پایه چهار نسخه خطی، به کوشش آقای محمد سپهری توسط دفتر نشر میراث مکتوب و انتشارات بنیان به سال 1375 ش، منتشر شده است. موضوع کتاب، شرح 53 حدیث نبوی در باب اخلاق، مواعظ و حکم است که در 53 فصل، سامان یافته است. عناوین برخی از فصول کتاب عبارت اند از: در فضیلت لا اله الا الله (فصل اول)، در فضیلت صبر (فصل دوم)، در صفت طعام دادن (فصل دهم)، در فضیلت قناعت (فصل یازدهم)، در ترك دنیا (فصل چهاردهم)، در فضایل خاصان درگاه الهی (فصل نوزدهم)، در فضایل حیدر کرار (فصل بیستم)، در مهلکات و منجیات (فصل بیست و پنجم)، در بیان شریعت و طریقت و حقیقت (فصل سی و پنجم)، در بیان حقیقت درویشی و محبت حضرت عزت (فصل سی و ششم)، در بیان معرفت و بندگی (فصل چهل و دوم)، در توکل بر کرم و فضل پروردگار (فصل پنجاهم)، قصه سلیمان (فصل پنجاه و سوم). نثر کتاب، شیوا و دلپذیر و نمایانگر سبک نوشته های مذهبی در خراسان سده هشتم است. شیعی سبزواری، شرح خود بر احادیث را با مناجات با خدا، نقل حکایات لطیف و اشعار گوناگون، همراه ساخته تا خواننده را با شور و اشتیاق، با خود همراه سازد. عالم واعظ و ادیب همشهری شیعی سبزواری، یعنی کاشفی، این سبک را در آثار خود، پی گرفت و به کمال رساند. درباره شیوه نگارش کتاب نیز گفتنی است که سبزواری، در نقل احادیث، چه احادیثی که به شرح آنها پرداخته، و چه احادیث فراوان دیگری که در مقام شرح و بیان احادیث آورده، و نیز در نقل گزارش های تاریخی، مصادر و اسانید خود را ذکر نمی کند. با مراجعه به فهرستی که محقق کتاب به دست داده، آشکار است که تنها از

سه مأخذ حدیثی با ذکر نام، حدیث نقل شده که عبارت اند از: التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام، (1) عیون أخبار الرضا علیه السلام (2) و نهج البلاغة (3) از جستجوهای نگارنده به دست آمد که برخی احادیث مصابیح القلوب، در منابع حدیثی موجود امامیه یافت نمی شود. سه نمونه از این احادیث عبارت اند از: 1. إنَّ لی مع اللّٰه وقت لا یسعنی فیہ ملک مقرب ولا نبیُّ مرسل. (4) مأخذ این حدیث نبوی یافت نشد. 2. الشریعة أحوالی، والطریقة أفعالی، والحقیقة أحوالی، والمعرفة رأس مالی، والشوق مرکبی، والخوف رفیقی، والفقر فخری و به افتخر علی سائر الأنبیاء. (5) این حدیث، در متون حدیثی پیش از سبزواری یافت نشد. در جامع الأسرار (6) سید حیدر آملی (زنده در 782 ق) والرسالة العلیّیة (7) واعظ کاشفی (م 910 ق) آمده است. 3. خذ من الدین ما صفی، و من العیش ما کفی، و من الإخوان ما وفی، و دع الظلم والجفأ، فإنَّ العمر قصیر والناقد بصیر و الی اللّٰه المرجع والمصیر. (8) مصدر این حدیث نبوی نیز یافت نشد. از ویژگی های مصابیح القلوب، برخورداری آن از مایه های عرفانی و نقل سخنان

---

1- مصابیح القلوب، ص 302، 351، 410، 449، 484، 493، 498 و 505.

2- همان، ص 257.

3- همان، ص 224.

4- همان، ص 155.

5- همان، ص 389.

6- جامع الأسرار، ص 346 و 359.

7- الرسالة العلیّیة، ص 152.

8- مصابیح القلوب، ص 323.

## 5. المقالة التکلیفیة

صوفیان پیشین (مانند: شقیق بلخی، جنید بغدادی، شبلی و بایزید بسطامی) است. (1) از جنبه های باارزش مصابیح القلوب، بیان شیوا و روان و ترجمه فارسی متون حدیثی و تاریخی است. برای نمونه، در ترجمه حدیث علوی «حَبَّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثَةٌ: الصَّوْمُ فِي الصَّيْفِ، وَالضَّرْبُ بِالسَّيْفِ، وَإِطْعَامُ الضَّيْفِ»، نوشته است: در دنیا، سه چیز است که آن را دوست می دارم: اول، در تابستان که هوا گرم باشد، روزه داشتن؛ دویم، در راه خدای تعالی تیغ زدن؛ سیم، مهمان را اطعام دادن. (2) نکته آخر درباره مصابیح القلوب آن که جزو مصادر دانش نامه های حدیثی متأخر شیعه، یعنی بحار الأنوار، وسائل الشیعة و مستدرک الوسائل نیست.

5. المقالة التکلیفیة (3) رساله ای است از شهید اول که به تاریخ یازدهم جمادی اول 767، از نگارش آن، فراغت یافته است. (4) این کتاب، دارای چندین نسخه خطی است که کهن ترین آنها نسخه موجود در کتاب خانه آستان قدس رضوی است که به سال 986 ق، نگاشته شده است. (5) افندی، پس از گزارش نسخه هایی از این کتاب که در شهرهای مختلف دیده، درباره آن می گوید: رساله تکلیفیة، رساله مبسوط و پُر فایده و شامل مسائل مربوط به تکلیف است و در آن، احادیث بسیار و جدید از کتاب های غریب و

1- ر.ک: همان، ص 17، 72، 138، 366، 368، 396، 400، 447 و 544.

2- همان، ص 298.

3- ریاض العلماء، ج 5، ص 187؛ الذریعة، ج 4، ص 408 (ش 1799).

4- المقالة التکلیفیة، ص 86 (ضمن أربع رسائل کلامیة).

5- فهرست الفبایی کتب خطی کتاب خانه مرکزی آستان قدس رضوی، ج 13، ص 144.

مشهور، آمده است. (1) این کتاب، دارای پنج فصل به ترتیب زیر است. 1. ماهیت تکلیف و توابع ماهیت، 2. متعلق تکلیف، 3. غایت تکلیف، 4. ترغیب، 5. ترهیب. در دو فصل کوتاه نخست، اساساً حدیثی نیامده است. در فصل سوم نیز دو نمونه حدیث یافت شد (2) و در دو فصل چهارم و پنجم - که مجموعاً سه پنجم کتاب را شامل می شود، شهید، به نقل احادیثی در باب ترغیب و ترهیب پرداخته است. در حقیقت، نویسنده پس از تبیین کلامی ماهیت، و شرایط و غایت تکلیف، در این دو فصل، خوانندگان را به انجام دادن اعمال، آداب و سنن دینی ترغیب کرده و از ارتکاب معاصی و سستی در انجام دادن تکالیف دینی برحذر داشته است. احادیث کتاب، موضوع بندی شده اند. ابتدا احادیثی درباره مطلق ترغیب به اعمال نیک و سپس، احادیث در فضیلت مسواک زدن، (3) غسل جمعه، (4) فرایض، (5) روزه (6) و... هرکدام در یک باب، بدون عنوان گذاری آمده است. در فصل پنجم نیز پس از یادکرد احادیثی درباره نهی از معصیت به طور کلی، احادیثی درباره نهی از ظلم، دوری از غیبت و... هرکدام در یک باب آمده است. در برخی از ابواب نیز موضوعات نزدیک به هم آمده است. براساس شماره گذاری محققان کتاب، فصل چهارم، شامل 118 حدیث و فصل

1- ریاض العلماء، ج 5، ص 187. همچنان که در ادامه خواهیم دید، احادیث کتاب، همگی از منابع معتبر مانند کتب اربعه است. از

این رو، تعبیر احادیث جدید از کتاب های غریب و مشهور، مبهم به نظر می رسد.

2- المقالة التکلیفیة، ص 50\_ 51.

3- همان، ص 60.

4- همان، ص 61.

5- همان، ص 62.

6- همان، ص 71.



پنجم، دارای شصت حدیث است. شهید، در نقل احادیث، مصادر خود را ذکر نمی‌کند و غالباً بدین صورت عمل می‌کند که می‌گوید: «روينا عن محمد بن يعقوب بإسناده إلى أبي عبد الله عليه السلام» و سپس، چند حدیث از الکافی نقل می‌کند. (1) یا می‌گوید: «روی الصدوق» و پس از آن، يك یا چند حدیث از کتاب من لایحضره الفقیه یا دیگر کتاب‌های صدوق، نقل می‌کند. (2) بدین سان، از تخریج محققان آشکار می‌شود که قریب به اتفاق احادیث، از کتب اربعه است. از دیگر مصادر او می‌توان کنز الفوائد، (3) صحیفة الرضا علیه السلام (4) و نهج البلاغة (5) را نام برد. دو حدیث نیز در تخریج به صحیح البخاری و صحیح مسلم، ارجاع داده شده است؛ به نظر می‌رسد که شهید، این دو حدیث را از کتاب‌های فقهی علامه حلی اخذ کرده است. (6) المقالة التکلیفیة، به همراه رساله الباقیات الصالحات از شهید اول و شرح‌های آن دو به نام‌های الرسالة الیونسیة والکلمات النافعات از بیاضی نباطی با عنوان اربع رسائل کلامیة، با تحقیق واحد احیاء میراث اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، توسط بوستان کتاب قم به سال 1380 ش، منتشر شده است. نیز این رساله در مجموعه‌ای به نام رسائل الشہید الأول، به همت همان مرکز، تجدید چاپ شده است.

1- همان، ص 57 (ح 2 و 3) و ص 81 (ح 31 \_ 48).

2- همان، ص 57، (ح 4 و ما بعد. نیز: ص 71، ح 80 \_ 111).

3- همان، ص 57.

4- همان، ص 76.

5- همان جا.

6- همان، ص 57 (ح 112) و ص 76 (ح 116) که به ترتیب، در تحریر الأحکام (ج 2، ص 129) و تذکرة الفقهاء، (ج 9، ص 451) آمده است.

## 6. الرسالة اليونسية في شرح المقالة التكليفية

6. الرسالة اليونسية في شرح المقالة التكليفية (1) این کتاب، نوشته شیخ زین الدین علی بن یونس بیاضی نباطی (م 877 ق)، محدث، ادیب و متکلم بزرگ قرن نهم هجری است که آن را به تاریخ دهم ربیع ثانی 844، به اتمام رسانده است. (2) این کتاب، شرح المقالة التکلیمیة شهید اول است که نویسنده، آن را پس از کتاب مهم دیگرش الصراط المستقیم نگاشته است. (3) شیخ آقا بزرگ، در مقدمه خود بر الصراط المستقیم، الرسالة اليونسية را اثری ارزنده و ارجمند دانسته است. (4) کهن ترین نسخه خطی این کتاب، بنا به نقل شیخ آقا بزرگ، نسخه موجود نزد سید رضا بن محمد زنجانی است که به خط شرف الدین بن جمال الدین بن شمس الدین بن سلیمان، به سال 864 ق، کتابت شده است. (5) این رساله به شیوه «قال - أقول» تألیف شده است و نباطی، پس از نقل قطعه ای از کلام شهید، آن را شرح می کند. در دو فصل ترغیب و ترهیب، نویسنده، احادیث اصل کتاب را آورده و در مواردی، واژگان و عبارات دشوار روایت را شرح و تحلیل کرده است که از نظر فقه الحدیث، اهمیت فراوان دارد. شرح احادیث، با بهره گیری از مایه های کلامی، (6) ادبی (7) و فقهی (8) صورت گرفته است. کتاب، همراه المقالة التکلیمیة

- 
- 1- ریاض العلماء، ج 4، ص 257؛ روضات الجنات، ج 4، ص 354؛ الذریعة، ج 25، ص 308؛ تکملة أمل الآمل، ص 313، معجم المؤلفین، ج 7، ص 222.
  - 2- الرسالة اليونسية (ضمن أربع رسائل کلامیة)، ص 232.
  - 3- الذریعة، ج 25، ص 308.
  - 4- الصراط المستقیم، ج 2، ص 28.
  - 5- الذریعة، ج 25، ص 308. برای نسخه دیگر، ر.ک: همان جا.
  - 6- ر.ک: الرسالة اليونسية، ص 191، 199، 219، 223 و 230.
  - 7- ر.ک: همان، ص 193، 194، 211، 212، 216، 218، 225 و 227.
  - 8- ر.ک: همان، ص 204، 206، 207 و 222.

## 7. التحصين في صفات العارفين

پیش گفته در أربع رسائل كلامية منتشر شده است .

7. التحصين في صفات العارفين (1) نام کامل کتاب ، التحصين في صفات العارفين من العزلة والخمول بالأسانيد الملتقاة من آل الرسول است . کتاب ، اثر عالم نامدار قرن نهم هجری جمال الدین احمد بن فهد حلّی (757 \_ 841 ق) است . موضوع کتاب ، همچنان که از نامش پیداست ، عزلت و خمول است . نویسنده ، با استفاده از احادیث معصومان علیهم السلام ، کتاب خود را در سه «قطب» ، تنظیم کرده است . قطب نخست ، درباره تصوّر عزلت است . در این بخش ، ابن فهد ، ابتدا چنین تعریفی از عزلت به دست می دهد . العزلة هي الانقطاع إلى الله تعالى ، في كهف جبل ، أو ظلّ مسجد أو زاوية بيت . وقد يقال العزلة هي الفرار من الناس والوحشة عن الخلق والاستيناس بالحقّ وهو أعم من الأول . (2) عزلت، عبارت است از انقطاع به سوی خدای تعالی در غار کوهی، یا زیر سایه مسجدی، یا در گوشه خانه ای. و گفته می شود عزلت، فرار از مردم و بُریدن از خلق و انس گرفتن با خداوند است که اعم از تعریف نخست است. ابن فهد ، در این بخش ، پنج حدیث آورده که دو مورد آن ، حدیث قدسی است . نیز سخنی از ذوالنون مصری نقل شده است . (3) قطب دوم کتاب ، درباره «اذن در عزلت» است . از نظر ابن فهد ، اخبار در این باره ، بی شمار است و او هفده مورد را ذکر کرده است .

- 
- 1- .كشف الحجب والأستار، ص 101 (ش 464)، الذريعة، ج 3، ص 398 (ش 1430)؛ إيضاح المكنون، ج 1، ص 236؛ معجم المؤلفين، ج 2، ص 144.
  - 2- .التحصين، ص 4.
  - 3- .همان جا.

قطب سوم، درباره فواید عزلت است. در این بخش، 21 حدیث آمده است. افزون بر این احادیث، سخنان دیگری از افراد غیر معصوم ذکر شده است، از جمله کلامی از اویس قرنی، گفتارهایی با تعبیر: «قال بعضهم» (سه مورد)، سخنانی از يك راهب با تعبیر «قیل لراهب» (پنج مورد) و سخنانی از يك حکیم (سه مورد) آمده است. در این بخش، همچنین روایت بلندی شامل مواعظ و نصایح پیامبر اکرم به اسامة بن زید، به نقل از کتاب المنبئ عن زهد النبئ صلی الله علیه و آله، نوشته شیخ ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی، نیز در (1)، آورده است، که شامل نکوهش انسان های آخر الزمان است. روایت بلند دیگری را نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده، در توصیف برخی از اولیای خدا که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله خواهند آمد. ابن فهد، در این بخش، فواید شانزده گانه ای برای عزلت بر شمرده است. پایان بخش کتاب، احادیثی در نکوهش دنیاست. ابن فهد، مجموعاً 54 حدیث در این کتاب نقل کرده و افزون بر اینها نیز سخنانی از غیر معصومان آورده است. برخلاف آنچه نویسنده در نام کتاب بر آن تأکید کرده که احادیث را با اسانید یاد می کند، بسیاری از احادیث کتاب، فاقد اسناد است. در این گونه موارد، ابن فهد به ذکر نام معصوم و گاهی راوی نخست از معصوم، بسنده کرده است. درباره مصادر و مآخذ نویسنده در نگارش التحصین نیز گفتنی است که با توجه به تخریج های محققان کتاب، برخی از احادیث آن، از منابع شناخته شده شیعه مانند کافی، المحاسن، تحف العقول و تنبیه الخواطر برگرفته شده و برای بسیاری از احادیث کتاب نیز مصدري یافت نشده و در تحقیق کتاب، به جایگاه آنها در بحار الأنوار و

---

1- وی، معروف به «ابن رازی»، نویسنده المسلسلات و الغایات و از عالمان امامیه در سده چهارم هجری است. درباره کتاب المنبئ، ر.ك: الذریعة، ج22، ص355 (ش7414).

## 8. محاسبة النفس اللوامة وتنبیه الروح النوّامة

مستدرک الوسائل ، بسنده شده است . نکته آخر درباره کتاب آن که به نظر می رسد که منطق دنیاگریزی و گوشه نشینی برگزینش و نقل احادیث و سخنان غیر مأثور ، سایه افکنده و کتاب ، افزون بر آن که بر روحیه زهد و عزلتگرایی ابن فهد دلالت دارد ، نشانه رویکرد خاصّ او به احادیث اخلاقی است . کتاب التحصین فی صفات العارفين ، توسط مدرسة الإمام مهدی علیه السلام قم ، تحقیق و همراه کتاب مشیرالأحزان ابن نما حلّی منتشر شده است . ترجمه این کتاب نیز به همراه متن اصلی در دست است .

8 . محاسبة النفس اللوامة وتنبیه الروح النوّامة (1) این کتاب ، نوشته تقی الدین ابراهیم بن علی عاملی ، معروف به کفعمی (م 905 ق) است . کتاب ، شامل آیات ، احادیث ، حکم ، امثال و اشعاری در باب نکوهش نفس اماره و ترغیب و ترهیب آن است که نویسنده ، آن را در آخر کتاب البلد الامین خود ، درج کرده است . این رساله ، جداگانه نیز چاپ شده است ، یک بار همراه محاسبة النفس سیّد بن طاووس و کشف الريبیة شهید ثانی ، توسط نشر مرتضوی ، و بار دیگر ، مستقلاً و با تحقیق فارس الحسون ، توسط مؤسسه قائم آل محمد (عج) قم و نیز مؤسسه الفکر الإسلامی بیروت ، ظاهراً از روی چاپ قم . کفعمی در این کتاب ، مصادر احادیث خود را ذکر نمی کند . محقق کتاب نیز احتمالاً به دلیل نیافتن ، مصادر آنها را استخراج نکرده است . پنداری کفعمی این احادیث را از متونی که در اختیار داشته و به دست ما نرسیده ، برگرفته است .

1- تکملة أمل الآمل، ص 77؛ کشف الحجب والأستار، ص 490 (ش 2756)؛ الذريعة، ج 20، ص 121 (ش 2211)؛ موسوعة مؤلفی الإمامية، ج 1، ص 323 (ش 49).

## 9. الرسالة العلیة

## رویکرد کلامی

## اشاره

نویسنده، در پردازش کتاب، از ادبیات غنی خود بهره جسته و متن اخلاقی مسجّع، شیوا و دلکشی را عرضه نموده است.

9. الرسالة العلیة این کتاب، دیگر اثر حدیثی این دوره، با محتوای اخلاقی و نوشته واعظ کاشفی است که در بخش اربعین نگاری معرفی خواهد شد.

رویکرد کلامی کتاب های کلامی را به دو دسته می توان تقسیم کرد. دسته نخست، کتاب هایی هستند که ساختار مطالب آنها بر استدلال های عقلی استوار شده و استفاده از ادله نقلی و آیات و روایات، بسیار کم و گاه به اجمال است و صبغه عقلی \_ کلامی بر کتاب حاکم است. کشف المراد علامه حلّی، نمونه ارزنده این نوع کتاب هاست. دسته دوم، کتاب هایی اند که بنا به طبیعت موضوع (مانند مباحث امامت و رجعت) یا رویکرد خاصّ نویسنده، بهره گیری از ادله نقلی در آن فراوان است و کتاب، رنگ و روی حدیثی دارد. منهاج الکرامه فی معرفة الإمامة علامه حلّی از این دست کتاب هاست. در این دوره، متکلمان برجسته ای مانند علامه حلّی، فاضل مقداد و بیاضی نباطی برخاسته اند و دانش کلام، بویژه در روزگار علامه حلّی، در کمال رونق و اوج بود؛ اما بسیاری از متون کلامی از نوع نخست هستند که طبعاً به موضوع بحث ما مربوط نمی شوند. در این بخش از نوشتار، کتاب ها و رساله هایی را که در زمینه های کلامی با استفاده از احادیث معصومان نوشته شده اند، معرفی می کنیم. نخست کتاب های چاپی و سپس، متون خطّی را گزارش می کنیم.

## الف. کتاب های چاپی

## 1. منهاج الكرامة في معرفة الإمامة

الف. کتاب های چاپی 1. منهاج الكرامة في معرفة الإمامة (1) این کتاب که نوشته علامه حلی، متکلم و حدیث شناس بزرگ امامیه است، بهترین نمونه از رویکرد کلامی به حدیث است که درباره اثبات امامت حضرت امیر مؤمنان نوشته شده است. نام کتاب، در منابع مختلف به صورت های گوناگون آمده است؛ (2) اما در مقدمه کتاب، نویسنده به همین شکل که یاد شد، از آن نام برده است. کهن ترین نسخه خطی این کتاب، نسخه ای است که در نیمه رجب سال 878، توسط کمال الدین بن عبد الله بن سعید جرجانی نگارش شده است. (3) این کتاب، از جمله سه کتابی است که علامه، آن را برای سلطان محمد خدابنده نوشته است. (4) نگارش این کتاب، بنا به تصریح نویسنده، در جمادی اول سال 709 در خراسان به انجام رسیده است (5). منهاج الكرامة، از مصادر بحار الأنوار است. (6) علامه حلی، کتاب خود را در شش فصل، سامان داده است. در فصل اول، گزارشی اجمالی از اعتقادات امامیه و اهل تسنن، آورده است. در فصل دوم، با گزارش مطاعن خلفا و بیان فضایل امیر مؤمنان، حقانیت مذهب امامیه را تبیین کرده

1- خلاصة الأقوال، ص 13؛ الذريعة، ج 23، ص 172 (ش 8534)؛ مكتبة العلامة الحلي، ص 200؛ كشف الظنون، ج 2، ص 1872.

2- در خلاصة الأقوال، «منهاج الكرامة في الإمامة»، در أعيان الشيعة، «منهاج الكرامة» یا «تاج الكرامة في إثبات الإمامة» و در نسخه مورد مراجعه نویسندگان أمل الآمل ورياض العلماء، «نهج الكرامة في الإمامة» آمده است. در كشف الظنون، يك بار (ص 1870) به نام «منهاج الاستقامة في إثبات الإمامة»، و بار دیگر (ص 1872) از آن به نام «منهاج السلامة إلى معراج الكرامة» یاد شده است.

3- فهرست نسخ خطی دانشگاه تهران، ج 3، ص 631. برای سایر نسخ خطی، ر.ك: مكتبة العلامة الحلي، ص 200\_202.

4- منهاج الكرامة في معرفة الإمامة، ص 27 (مقدمه نویسنده). دو کتاب دیگر عبارت اند از: نهج الحق وكشف الصدق و كشف اليقين في فضائل امير المؤمنين عليه السلام (ر.ك: مقدمه هر دو کتاب).

5- همان، ص 188.

6- بحار الأنوار، ج 1، ص 15.

است. در فصل سوم، به ادله امامت امیر مؤمنان پرداخته که خود، شامل چهار «منهج» است. در منهج نخست، پنج برهان عقلی، در منهج دوم، چهل دلیل قرآنی و در منهج سوم، دوازده دسته از روایات نبوی دال بر امامت علی علیه السلام و در منهج چهارم، ادله برگرفته از حالات و ویژگی های حضرت امیر (مانند زاهدترین، عابدترین و عالم ترین فرد بودن پس از رسول خدا) ذکر شده است. فصل چهارم، به ادله امامت سایر ائمه علیهم السلام اختصاص یافته و در فصل پنجم، ادله عدم امامت خلفای سه گانه و در فصل آخر، پاسخ های ادله اهل سنت بر خلافت ابوبکر آمده است. با توجه به این که کتاب، کاملاً جهت گیری جدلی و احتجاجی دارد، نویسنده، همه ادله روایی، تاریخی و شأن نزول آیات را از منابع معتبر اهل سنت، آورده است. او در فصل دوم، قبل از بیان فضایل و کمالات امیر مؤمنان و مطاعن خلفای سه گانه می نویسد: ونحن نذكر هنا شيئاً يسيراً ممّا هو صحيح عندهم و نقلوه في المعتمد من كتبهم ليكون حجة عليهم يوم القيامة. (1) ما در این جا، مقدار اندکی از احادیثی را که نزد ایشان (اهل سنت) صحیح بوده و در کتاب های مورد اعتماد خود نقل کرده اند، ذکر می کنیم تا در روز قیامت، حجت علیه ایشان باشد. از منابع پُر شمار ایشان می توان صحیحین، (2) الجمع بین الصحاح الستة از ابو الحسن اندلسی، (3) مسند ابن حنبل، (4) المناقب خوارزمی، (5) حلیة الأولیاء، (6) المناقب ابن

1- منهج الكرامة، ص 84.

2- همان، ص 138.

3- همان، ص 84. در این جمع به جای سنن ابن ماجه، الموطأ مالك انتخاب شده است.

4- همان، ص 85، 86، 120، 122 و 137.

5- همان، ص 88، 89 و 91.

6- همان، ص 98، 102، 118، 125 و 127.



مغازلی، (1) الجمع بین الصحاح السنّة از رزین عبدری، (2) تفسیر الثعلبی (3) و الفردوس (4) را نام برد. علامه حلّی در نقل احادیث، اسانید را ذکر نمی‌کند. درباره منابع نیز، گاه منبع خود را ذکر می‌کند و مثلاً می‌گوید: در الجمع بین الصحاح السنّة آمده یا ابن حنبل، روایت کرده است. در مواردی نیز بدون ذکر منبع، مطلب مورد نظر را نقل می‌کند که محقق کتاب، مأخذ آن را از منابع اهل سنت، به دست داده است. در مواردی که حدیث از طُرُق متعدّد در منابع شیعه و اهل سنت آمده نیز با این تعبیر که جمهور روایت کرده اند، آن را نقل می‌کند. کتاب، همچنان که خود نویسنده نیز در مقدمه بدان تصریح کرده، دارای ویژگی دوری از اطناب مملّ و ایجاز منخلّ است و در عین اختصار، مبانی شیعه امامیه درباره مقوله امامت را به شکلی گویا، منظمّ و مستدلّ، تبیین و اثبات کرده است. منهاج الکرامه، به کتابی مهم و تأثیرگذار تبدیل شد و برخی از اهل سنت نیز به نقد آن پرداختند. از جمله، ابن تیمیّه (م 728 ق)، منهاج السنّه النبویّه را در نقد کتاب علامه نگاشت که به تصریح منصفان اهل سنت نیز به دور از انصاف، نگاشته است. (5) علامه حلّی، پس از ملاحظه کتاب ابن تیمیه گفت: «لو کان يفهم ما أقول أجبتّه». (6) نیز زین الدین سريحان بن محمد مَلَطِي (م 788 ق)، کتابی در ردّ منهاج الکرامه نوشت که توسط ابن کمونه نقض شد.

1- همان، ص 116، 119، 124 و 125.

2- همان، ص 129 و 130.

3- همان، ص 122، 125، 131 و 132.

4- همان، ص 126 و 136.

5- الذريعة، ج 23، ص 172 (ش 8534).

6- لسان الميزان، ج 2، ص 317.

## 2. الصراط المستقیم إلى مستحقّی التقدیم

سراج الدین حسن بن عیسی یمانئ لکهنوی نیز کتاب إكمال المنة فی نقض منهاج السنة را نوشت و سید مهدی بن سید صالح موسوی با تألیف کتاب منهاج الشریعة، به نقد و نقض منهاج السنة پرداخت. (1) کتاب منهاج الكرامة، با تحقیق آقای عبد الرحیم مبارک، توسط انتشارات تاسوعا، منتشر شده است.

2. الصراط المستقیم إلى مستحقّی التقدیم (2) این کتاب، نوشته متکلم و ادیب بزرگ قرن نهم، شیخ زین الدین علی بن محمد بیاضی نباطی (م 877 ق) است که به سال 854 ق، آن را نگاشته است. (3) نگارش این کتاب - که مهم ترین اثر بیاضی است - پس از تألیف کتاب دیگر نویسنده به نام الرسالة الیونسیة بوده است. از نسخه های خطی کتاب، نسخه کتاب خانه عمومی سید الشهداء علیه السلام در کربلاست که به سال 1256 ق، از روی نسخه نوشته شده به سال 1006 ق، کتابت شده است. الصراط المستقیم، به کوشش آقای محمّدباقر بهبودی، توسط المكتبة المرتضویة، در سه جلد منتشر شده است. آیه الله مرعشی نجفی (ره)، مقدمه ای در شرح حال نباطی و معرفی آثار او نوشته که در ابتدای جلد اول آمده است. نیز زیست نامه ای مشروح از او به خامه شیخ آقا بزرگ، در ابتدای جلد دوم کتاب آمده است. این کتاب، از مصادر بحار الأنوار است. (4) هدف اصلی نویسنده در این کتاب، بررسی مسئله امامت و دفاع از مبانی امامیه در این زمینه است؛ اما از باب مقدمه، سه باب نخست از ابواب هفده گانه کتاب را به

- 
- 1- الذریعة، ج 23، ص 162 و 172.
  - 2- أمل الآمل، ج 1، ص 135 (ش 145)؛ کشف الحجب والأستار، ص 370 (ش 2061)؛ الذریعة، ج 15، ص 36 (ش 219)؛ ایضاح المکنون، ج 2، ص 66؛ معجم المؤلفین، ج 7، ص 222.
  - 3- الصراط المستقیم، ج 3، ص 295.
  - 4- بحار الأنوار، ج 1، ص 15؛ فهارس بحار الأنوار، ج 2، ص 268.

سه موضوع: اثبات باری تعالی و صفات او، ابطال جبر، و اثبات نبوت پیامبر اسلام و بیان صفات ایشان، اختصاص داده و به طور مختصر، به این سه موضوع، پرداخته است. شیوه او در این مباحث، بهره گیری از ادله عقلی و قرآنی است. موضوعات دیگر ابواب کتاب عبارت اند از: اثبات وصی و صفات او، کرامات امیر مؤمنان که موجب استحقاق امامت است، شرایط امام، فضایل امیر مؤمنان، آیات قرآنی درباره تعیین علی علیه السلام به امامت، نصوص نبوی درباره امامت علی علیه السلام، نصوص متظافر درباره امامت اولاد ایشان، احادیثی که درباره خاتم اوصیا(عج) و بقای دولت ایشان وارد شده، مطاعن خلفا که از روی ستم بر علی علیه السلام پیشی گرفتند، مجادله در باری دین علی علیه السلام (تشیع)، رد شبهات مخالفان شیعه، تخطئه هریک از ائمه مذاهب اربعه در بسیاری از احکام دین، یادکرد روایان احادیث اهل سنت و طعن برخی از ایشان بر برخی دیگر، رد اعتراض ها بر برخی از احکام فقهی پیروان امام علیه السلام. بیاضی، در مقدمه کتاب، پس از بیان ضرورت بحث درباره مسئله امامت، منابع خود را معرفی کرده است. مصادر او به دو دسته تقسیم می شوند: 1. کتاب هایی که در دسترس او بوده و از آنها مستقیماً برگرفته است. این بخش، مجموعاً شامل 52 عنوان است. از منابع اهل سنت او الکشاف زمخشری، منهاج المحدثین نووی، بغیة الطالبین گنجی شافعی، الممل والنحل شهرستانی، الاستیعاب، مطالب السؤول و المعالم فخر رازی، و از منابع شیعه، برخی کتاب های شیخ طوسی، شیخ مفید، ابن طاووس و علامه حلی، الاحتجاج طبرسی، مجمع البیان، مصالحت القواضب مازندرانی (که ظاهراً همان مثالب النواصب ابن شهر آشوب مازندرانی است)، کتاب سلیم بن قیس، الخصائص ابن بطریق، الخرائج راوندی، نهج البلاغه و شرح آن از ابن میثم بحرانی، مقتضب الأثر محمد بن عبد الله بن عیاش و نهج الإیمان ابن جبر (1) است. برخی از منابع نیز بدون ذکر نویسنده، آمده است؛ مانند: خصائص یوم

1- ابن جبیر، صحیح است: علی بن یوسف، مشهور به ابن جبیر (ر.ک: الذریعة، ج 24، ص 411، ش 2169).

الغدیر و کشف معایب المتصوِّفة . از فهرست بیاضی بر می آید که برخی از کتاب های پیشینیان که اکنون در دست نیست ، در اختیار او بوده است . از جمله ، کشف الالتباس یحیی بن سعید ، الکرّ والفرّ ، جواب مسائل ابن مقاتل ، ذخر البشر یحیی بن طی ، الماء والخضرة والوجه الحسن از عبّاس بن احمد ، إفعال لاتفعل مؤمن الطاق . (1) 2 . بخش دوم منابع نباتی ، کتاب هایی است که مستقیماً به آنها دسترس نداشته و با واسطه منابع دیگر از آنها نقل مطلب کرده است . (2) فهرست بلند بالایی مؤلف در این بخش ، شامل 230 عنوان کتاب در زمینه های مختلف ، مانند : حدیث ، تاریخ و تفسیر است . از عناوین این فهرست ، می توان از صحاح ستّه ، الجمع بین الصحیحین حمیدی ، الجمع بین الصحاح الستّی رزین عبدری ، مسند ابن حنبل ، حلیة الأولیاء ، المناقب ابن مغزلی (که احتمالاً با واسطه کتب علامه حلّی از منابع یاد شده نقل کرده است) ، المستدرک حاکم ، تاریخ بغداد ، تاریخ الطبری ، شواهد التنزیل حسکانی ، عیون الأخبار دینوری ، جامع الأصول ابن اثیر ، فرائد الأفراد دارقطنی نام برد . از منابع شیعی در این بخش ، الاقتصاد ، الغیبة والتبیین طوسی ، الکافی ، الأمالی ، التوحید و علل الشرائع صدوق ، الشافی سیّد مرتضی ، العمدة ابن بطریق ، التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام ، الغیبة نعمانی ، روضة الواعظین ، الدرجات (ظاهراً بصائر الدرجات) سعد بن عبد الله قمی و بصائر الدرجات صفّار ، شایان ذکر است . (3) روش بیاضی در الصراط المستقیم ، عقلی \_ نقلی است و در مواردی که لازم باشد ، در مقام دفاع یا نقض ادلّه مخالف ، استدلال عقلی می کند . او در بیان احادیث و مطالب

1- ر.ک: الصراط المستقیم، ج 1، ص 4 و 5 .

2- «الکتب الّتی لم اتصفحها ولا عثرت علیها ولكن وجدت فی ما نظرته أشياء مضافة إليها فحکیتها عنها» (همان، ج 1 ص 49).

3- ر.ک: همان، ج 1، ص 6 \_ 11 .

و گزارش های تاریخی، غالباً به این شکل عمل می کند که نخست، منبع یا منابع خود (منابع اصل نه واسطه) را ذکر می کند و سپس، مطلب مورد نظر را نقل می نماید. مثلاً در فصل سوم از باب پنجم که به معجزات امام علی علیه السلام اختصاص یافته، ابتدا چند کتاب (مانند: الدلائل عبد الله بن جعفر حمیری، الخرائج راوندی و بصائر الدرجات) را که در آنها معجزات آن حضرت آمده معرفی می کند و سپس، قبل از پرداختن به موارد متعددی از معجزات آن حضرت می گوید که این بخش را از الخرائج و الجرائح، به اختصار نقل کرده است. (1) او در مواردی نیز بدون ذکر منبع، مطالب مورد نظر را ذکر می کند. (2) وی، در باب شانزدهم کتاب، به خرده گیری بر احکام و فتاوی ائمه چهارگانه اهل سنت پرداخته که این امر، در نهج الحق علامه حلی نیز سابقه دارد. در فصلی از همین باب، درباره برخی از محدثان اهل تسنن (از جمله بخاری و الصحيح او) سخن گفته است. از نظر بیاضی، بخاری از ذکر برخی از احادیث در فضایل اهل بیت علیهم السلام که در دیگر منابع اهل سنت آمده (مانند: احادیث غدیر، طبر، نزول آیه تطهیر در شأن اهل بیت علیهم السلام، سد ابواب، و ابتدای حدیث رایت)، خودداری ورزیده است. (3) نیز در فصلی از همین باب، به بحث درباره مطاعن راویان اهل سنت و از آن جمله، خلفای سه گانه، عایشه، ابن عمر، مقاتل، ابن سیرین، سفیان ثوری، زهری، سعید بن مسیب، خالد واسطی، منصور بن معتمر، سعید بن جبیر، (4) حسن بصری، مسروق بن جذع، مرّه، ابو موسی اشعری، مغیره بن شعبه، ابوهریره، کعب الأحبار،

- 
- 1- الصراط المستقیم، ج 1، ص 105. نیز، ر.ك: ج 1، ص 152، 154، 155، 167، 202، 207، 219، 223، 224، 246 و 279.
  - 2- همان، ج 2، ص 177 به بعد و ج 3، ص 54 و 253 به بعد.
  - 3- همان، ج 3، ص 226 به بعد.
  - 4- درباره سعید بن جبیر گفته: «كان علی عطاء الخیل فی زمرة [زمن] الحجاج وتخلّف عن الحسين» (همان، ج 3، ص 247).

### 3. إلزام النواصب بإمامة علي بن أبي طالب

ابراهیم نخعی، انس بن مالك، شعبي و خالد حذاء پرداخته است. (1) نیز در ادامه به ذکر اسامی کسانی که متهم به داشتن اعتقادات قدری و ارجاء هستند، پرداخته است. (2) کتاب الصراط المستقیم، افزون بر آن که يك متن کلامی است و به دفاع از مبانی تشیع پرداخته، از دو جهت دیگر نیز دارای اهمیت است. نخست آن که با توجه به این که برخی از مصادر مورد استفاده نویسنده، اکنون در دسترس نیستند، احادیث و مطالب آنها از طریق این کتاب برای ما باقی مانده است. دوم آن که بیاضی، در مقام دفاع از عقاید شیعی، به نقد و بررسی احادیث و روایان اهل سنت پرداخته، که از این نظر نیز کتاب وی، قابل توجه است. گفتنی است که بیاضی، رساله ای دارد به نام «الباب المفتوح إلى ما قيل في النفس والروح»، که علامه مجلسی، متن آن را در بحار الأنوار، آورده است. (3) این کتاب، حدیثی نیست.

3. إلزام النواصب بإمامة علي بن أبي طالب عليه السلام (4) این کتاب که با انتساب ظاهری به شیخ مفلح بن حسین ( / حسن) بن راشد ( / رشید) بحرانی، از دانشمندان قرن نهم هجری، منتشر شده، در منابع کتاب شناسی به چندین نفر نسبت داده شده است. در أمل الآمل، درباره نویسنده آن، اظهار بی اطلاعی شده است. (5) برخی آن را

1- ر.ك: همان، ج 3، ص 241 \_ 254.

2- ر.ك: همان، ص 254 \_ 256.

3- بحار الأنوار، ج 61، ص 91.

4- الذريعة، ج 2، ص 289 (ش 1170).

5- أمل الآمل، ج 2، ص 364.

به سیّد بن طاووس نسبت داده اند . (1) شیخ آقا بزرگ ، پس از گزارش سخن شیخ حرّ عاملی و نویسنده کشف الحجب ، گفته که شیخ سلیمان بن عبد الله ماحوزی (م 1121 ق) ، در رساله ای که در شرح حال برخی از علمای بحرین نگاشته ، تصریح کرده که این کتاب ، از آن شیخ مفلح بن حسن صیمری ، نویسنده غایه المرام فی شرح شرائع الإسلام است . (2) در فهرست نسخه های خطّی کتاب خانه آستان قدس رضوی نیز ، این کتاب به ابن طاووس ، ابراهیم قطیفی و مفلح صیمری نسبت داده شده است . (3) نویسنده ریاض العلماء ، در ذیل : «حسین بن مفلح بن حسین» ، کتاب را به او نسبت داده و ضمن مشتبه دانستن نویسنده آن بر اکثر اهل زمان خود ، گفته که تعدادی از نسخ قدیمی کتاب را در بحرین ، احسا و جز آن ، دیده که در آنها کتاب را از تألیفات شیخ حسین دانسته اند . البته گمان می رود که تألیف پدر اوست . (4) همو در ذیل : «مفلح بن حسین» نیز نوشته است : اما إلزام النواصب ، از مؤلفات شیخ مفلح بن حسین بن مفلح صیمری مشهور است... و گاه به سیّد بن طاووس نسبت داده می شود ، و این ، خطاست ، زیرا نویسنده إلزام النواصب ، از کتاب های ابن ابی الحدید معتزلی نقل قول می کند ، در حالی که ابن طاووس \_ گو این که معاصر ابن ابی الحدید است \_ در کتاب های خود ، از نوشته های او نقل نکرده است... احتمال دارد که از تألیفات سیّد حیدر آملی ، صاحب کتاب الکشکول باشد... ولی حق آن است که از تألیفات همان شیخ حسین یاد شده است . (5)

1- .کشف الحجب والأستار، ص 58 (ش 274).

2- .الذریعة، ج 2، ص 290 (ش 1170).

3- .فهرست کتب خطّی کتاب خانه آستان قدس، ج 14، ص 81 ؛ کتاب خانه ابن طاووس، ص 114.

4- .ریاض العلماء، ج 2، ص 179.

5- .همان، ج 6 ، ص 43.

به هر روی، نویسنده این کتاب، به طور قطع دانسته نیست. هرچند محقق کتاب نیز پس از نقل و بررسی دیدگاه های مختلف، آن را به شیخ مفلح بن حسین منسوب دانسته است. (1) در ادامه خواهیم گفت که این کتاب، پس از علامه حلی نوشته شده است و بنا بر این، نمی تواند از سید بن طاووس باشد. کتاب إلزام النواصب، دارای يك دیباچه است که در آن، نویسنده، خود را مردی از اهل کتاب معرفی می کند که از خداوند، درخواست هدایت کرده و خدا، او را به دین اسلام، راهنمایی کرده است. او می گوید: پس از اسلام آوردن، با علما و فضلاي مسلمان، نشست و برخاست کردم و میان ایشان، اختلاف بسیار (در حدّ تفسیق و تکفیر یکدیگر) مشاهده کردم و ملاحظه کردم که ایشان، از پیامبر خود، روایت می کنند که فرمود: «امت من بر هفتاد و سه فرقه خواهد شد. يك فرقه اهل نجات اند و باقی در دوزخ اند». پس در تفسیر فرقه ناجیه کوشیدم و متوجه شدم که مسلمانان، در وجوب نماز و روزه و زکات و... اجماع دارند و اختلاف اساسی، ناشی از مسئله جانشینی پیامبر است که ایشان را دو فرقه ساخته است. پس دانستم که این اختلاف، ریشه و اساس افتراق امت اسلامی است. (2) در مطلب بعدی که زیر عنوان «مقدمه» آمده، نویسنده که همه جا خود را «الرجل الکتابی الذی هداه الله إلى الإسلام» معرفی می کند، اجمالاً به این مطلب پرداخته که فرقه ناجیه، تنها فرقه شیعه دوازده امامی می تواند باشد. مطالب اصلی کتاب، در چند باب - که هرکدام به چند فصل تقسیم می شود - آمده است. در فصل نخست کتاب، به بیان اختلاف مذاهب اسلامی درباره مسئله امامت، پرداخته است.

---

1- إلزام النواصب، ص 51 (مقدمه).

2- ر.ك: همان، ص 72 به بعد.



در فصل بعد ، اختلافات مذاهب در اصول اعتقادی (مانند : توحید ، عدل و جبر و اختیار) آمده است . در فصل بعد ، گزارش دیدگاه فرقه مشبّهه و مجسمه (از فرق اهل سنت) آمده است . در فصول یاد شده ، به کتاب الملل والنحل شهرستانی استناد شده است . در فصل بعد ، اختلاف مذاهب اسلامی در فروع دین ، گزارش شده است . در دو فصل بعد نیز توصیفی اجمالی از اعتقادات کلامی و مبانی فقهی فرقه امامیه و مذاهب اهل سنت آمده و آخرین فصل این باب ، به ذکر برخی از احادیثی که اهل سنت درباره انحصار امامت در دوازده نفر از قریش ایراد کرده اند ، اختصاص یافته است . باب بعدی کتاب ، در بیان آیات و اخباری است که اهل سنت درباره امامت و فضایل امیر مؤمنان آورده اند . باب بعدی ، درباره مثالب صحابیان در کلام اهل سنت است که در چند فصل ، سامان یافته است . در يك فصل ، مطالبی درباره نسب خلفای سه گانه ، معاویه ، یزید بن معاویه ، عمر سعد ، طلحه و زبیر نقل شده و در يك فصل ، آنچه اهل سنت درباره فرار پیشوایان خود از جنگ آورده اند ، آمده که در آن ، قصیده ای نیز از ابن ابی الحدید ، نقل و شرح شده است . عناوین فصول بعد عبارت اند از : برخی مثالب عایشه که اهل سنت روایت کرده اند ، اقرار اهل سنت به اباحه متعه ، اقرار اهل سنت به مخالفت با شریعت ، نمونه هایی از مخالفت ها ، و علت مخالفت قوم با حق . پایان بخش کتاب ، تتمه ای است در اذعان برخی از بزرگان اهل سنت به آحق بودن حضرت امیر علیه السلام . شیوه کتاب ، کاملاً جدلی و احتجاجی است . از همین رو ، نویسنده در نقل احادیث و گزارش های تاریخی به این نکته پایبند است که احادیثی که تنها يك فرقه در تأیید دیدگاه خود در مسئله امامت دارند ، نقل نکند ؛ بلکه احادیثی را که اجماعی هر دو فرقه و لازم الإلتباع است ، نقل کند . او در این باره نوشته است : لا بدّ من النظر الصحيح المؤدّى إلى الحقّ الصریح وذلك یقتضی عدم

الاعتماد على دليل لم يوافق الخصم عليه... بل اعتمدت على ما يكون مجمعاً عليه فيجب العمل به والرجوع إليه. (1) بنا بر اصل یاد شده ، نویسنده ، گزارش ها و احادیث خود را از منابع اهل سنت ، آورده است . از منابع متعدّد او می توان به این کتاب ها اشاره کرد : صحیحین ، (2) الجمع بین صحاح السنّة ، (3) حلیة الأولیاء ، (4) الفردوس ، (5) مسند ابن حنبل ، (6) المناقب ابن مغزلی ، (7) المناقب خوارزمی ، (8) الجمع بین الصحیحین حمیدی ، (9) المثالب کلبی ، (10) عقد الفرید ، (11) شرح نهج البلاغی ابن ابی الحدید (12) و صحیح الترمذی . (13) نویسنده ، اسانید احادیث را ذکر نمی کند و فقط به مصدر مورد نظر ، اشاره می کند . نکته مهمّی که درباره این کتاب باید گفته شود ، آن است که نویسنده ، در نگارش کتاب ، ظاهراً به دو کتاب نهج الحق و منهاج الكرامةی علاّمه حلّی نظر داشته است . از مقایسه کتاب إلزام النواصب با دو کتاب یاد شده ، همانندی های مشخصی میان دو اثر علاّمه و إلزام النواصب ، ملاحظه می شود که بعید است اتّفاقی باشد . بدین سان ، به نظر می رسد نویسنده إلزام النواصب ، برخی از مطالب و احادیث موجود در منابع

- 
- 1- همان، ص 75.
  - 2- همان، ص 131، 148، 155، 156، 207 و 214.
  - 3- همان، ص 132 و 156.
  - 4- همان، ص 136، 137، 138، 142 و 214.
  - 5- همان، ص 139 و 144.
  - 6- همان، ص 140، 152 و 207.
  - 7- همان، ص 141.
  - 8- همان، ص 146، 147، 153، 157.
  - 9- همان، ص 156، 199، 202، 205، 206، 213 و 215.
  - 10- همان، ص 163، 165، 166 و 173.
  - 11- همان، ص 164.
  - 12- همان، ص 183.
  - 13- همان، ص 207.

### همانندی های «الزام النواصب» با «نهج الحق» و «منهاج الكرامة»

اهل سنت را با واسطه كتب علامه ، نقل کرده و البته به واسطه ، اشاره نموده است . این نکته ، نشانگر آن است که کتاب ، به طور قطع ، پس از علامه حلی نگاشته شده و نمی تواند از ابن طاووس باشد .

همانندی های «الزام النواصب» با ، «نهج الحق» و «منهاج الكرامة» اینک برخی از همانندی های میان الزام النواصب و دو اثر مهم علامه حلی ذکر می شود . در الزام النواصب (ص 199 و 200) ، سه روایت در مثالب عایشه ، به نقل از حمیدی در الجمع بین الصحیحین آمده که هر سه روایت در نهج الحق و كشف الصدق (ص 371 \_ 372) آمده است . در انتهای این باب ، در کتاب الزام النواصب (ص 204) درباره هم ارج نبودن عایشه با خدیجه گفته است : و لقد أنكر الحافظ من علماء السنة في كتاب الإنصاف غاية الإنكار على من يساوي عائشة بخديجة . این عبارت ، عیناً در نهج الحق (ص 370) آمده با این فرق که به جای «حافظ» ، «جاحظ» آمده که درست نیز هست . در فصل بعد که درباره اقرار اهل سنت به مباح بودن متعه در زمان رسول اکرم است ، همه روایات موجود ، در نهج الحق (ص 282 \_ 283) آمده است . در فصل بعد که درباره اقرار اهل سنت علیه خود در باب مخالفت با شرع از روی عناد با شیعه است ، در الزام النواصب (ص 210) می خوانیم : قال (نسخه بدل: ذكر) الغزالي و المتولي و كانا إمامين للشافعية \_ انّ تسطيح القبور... و ذكر (نسخه بدل: قال) الزمخشري صاحب الكشاف \_ و هو من أئمة الحنفية \_ في تفسير قوله تعالى: «هو الذي يصلّي عليكم وملائكته...» وقال مصنف الهداية من الحنفية: «انّ المشروع التختّم باليمين...». این مطالب ، در منهاج الكرامة (ص 68) به این شکل آمده : «انّ الإمامية لم يذهبوا

#### 4. الكشكول في ما جرى لآل الرسول من الجمهور بعد الرسول

إلى التعصّب في غير الحق فقد ذكر الغزالي . . .» وعين مطالب بالاّ آمده است . به نظر می رسد این تشابهات نمی تواند اتّفاقی باشد . کتاب إلزام النواصب با تحقیق آقای عبد الرضا نجفی در شماره 5 مجموعه من التراث ، به سال 1420 ق ، منتشر شده است .

4. الكشكول في ما جرى لآل الرسول من الجمهور بعد الرسول (1) از کتاب های کلامی نگاشته شده در سده هشتم هجری ، کتاب الكشكول است . نام کتاب در برخی منابع ، الكشكول في ما جرى على آل الرسول ذکر شده (2) و به همین نام نیز منتشر شده است ؛ اما نویسنده کتاب در مقدمه ، به نام آن به گونه ای که در عنوان ذکر کردیم ، تصریح نموده است . (3) نام کتاب در جای دیگر ، الكشكول في مناقب آل الرسول آمده است . (4) نویسنده کتاب ، دانسته نیست . شیخ حرّ عاملی ، در شمارش آثار علامه حلّی می گوید : و کتاب الكشكول ينسب إليه والظاهر أنه ليس منه . (5) همو ، در جایی دیگر می نویسد : عندنا أيضاً كتب لا نعرف مؤلّفيها منها: «الكشكول فيم أجرى على آل الرسول» في الإمامة ينسب إلى العلامة ولم يثبت . (6) علامه مجلسی ، در یادکرد مصادر بحار الأنوار ، از این کتاب نام نبرده ، اما در جلد

- 
- 1- .أمل الآمل، ج 2، ص 364؛ الكنى والألقاب، ج 2، ص 9؛ الذريعة، ج 18، ص 82 (ش 777)؛ فهرس التراث، ج 2، ص 729.
  - 2- .فهرس التراث، ج 2، ص 729.
  - 3- .الكشكول في ما جرى على آل الرسول، ص 8 .
  - 4- .همان، ص 17.
  - 5- .أمل الآمل، ج 2، ص 85 .
  - 6- .همان، ج 2، ص 364.

29 با تعبیر «روی العلامة فی کشکوله المنسوب إليه»، روایت بلندی از آن، نقل کرده است. (1) سید هاشم بحرانی (2) و نویسنده ایضاح المکنون (3) نیز کتاب را از علامه حلّی دانسته اند. ظاهراً نخستین کسی که کتاب را به سید حیدر آملی نسبت داده، شیخ شوشتری در مجالس المؤمنین است. (4) پس از او در روضات الجنّات، (5) کشف الحجب والأستار، (6) خاتمة مستدرک الوسائل (7) والکنی والألقاب، (8) کتاب را از آملی دانسته اند. افندی که به شکل مشروح تر به شرح حال و معرفی آثار سید حیدر آملی پرداخته، ابتدا کتاب را به سید حیدر آملی نسبت داده و نسبت دادن کتاب به علامه حلّی را تخطئه کرده است. سپس با استناد به قرائنی، در انتساب آن به آملی نیز تردید نموده است. این قرائن عبارت اند از: 1. سبک کتاب الکشکول که با سایر آثار آملی متفاوت و عاری از اصطلاحات صوفیه است. 2. نویسنده کتاب، صوفیه را نکوهش کرده است، همچنان که شیخ معاصر (حرّ عاملی) در رساله «اثنی عشریه» آورده است. 3. تاریخ تألیف کتاب، سال 735 هجری است و می دانیم که سید حیدر آملی، در

- 
- 1- بحار الأنوار، ج 29، ص 194.
  - 2- مدينة المعاجز، ج 2، ص 267.
  - 3- ایضاح المکنون، ج 2، ص 370.
  - 4- روضات الجنّات، ج 2، ص 377.
  - 5- همان جا.
  - 6- کشف الحجب والأستار، ص 470.
  - 7- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 339 و ج 2، ص 402.
  - 8- الکنی والألقاب، ج 2، ص 9.

تاریخ 759 ق، مسائلی را از فخرالدین محمد، پرسیده است. پس بعید است که آملی که به سال 735 ق، در مرتبه ای از دانش و فضیلت بوده که الکشکول را نگاشته باشد آن گاه پس از 24 سال به سان دانشجویی، مسائل فقهی را از فخرالمحققین بپرسد. 4. گمان می رود که کتاب از مؤلفات ابن معمار اسدی است. (1) افندی، آن گاه به معرفی نسخه ای کهن از کتاب می پردازد که در قزوین، ملاحظه کرده و در پایان آن، این عبارت آمده: تمّ الكتاب المسمّى بالكشکول فی ما جرى لآل الرسول دروزة الفقير إلى الله تعالى عبد الله بن اسماعيل بن محاسن المعمار الأسدی \_ عفی الله عنه. (2) افندی، خود به این قرینه اشکال می گیرد که ممکن است «دروزه» به معنای تملک باشد، نه تألیف. و سرانجام، پس از معرفی دیگر آثار آملی می نویسد: و ما نقلنا من الکشکول المذكور من مؤلفاته ممّا نصّ علیه جماعة من الأكابر، و منهم القاضي نورالله فی «المجالس» و لعله الصواب. (3) شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز درباره کتاب گفته است: مشهور، انتساب آن به سید عارف حکیم حیدر بن علی عبیدی (/ عبیدلی) حسینی آملی، معروف به صوفی، معاصر و بلکه شاگرد فخرالمحققین است. (4) نویسنده الذریعة، در ادامه به بعید دانستن انتساب کتاب به آملی توسط افندی اشاره کرده و می افزاید: حق با افندی است، چرا که مؤلف کتاب، سید حیدر بن علی حسینی

1- ریاض العلماء، ج 2، ص 222 و 223.

2- همان، ص 223.

3- همان، ص 225.

4- الذریعة، ج 18، ص 82.

آملی است که اندکی مقدّم بر سیّد حیدر آملی صوفی است. (1) به نظر می‌رسد که انتساب کتاب الکشکول به آملی منتفی است؛ زیرا افزون بر قرآنی که صاحب ریاض درباره عدم انتساب آن ذکر کرده، از سنجش تاریخ نگارش الکشکول با سال تولد سیّد حیدر آملی می‌توان نتیجه گرفت که نویسنده کتاب، آملی نمی‌تواند باشد. با توجّه به مقدّمه و متن الکشکول، (2) سال نگارش آن 735 ق، است. از سوی دیگر، هر چند تاریخ تولّد و وفات آملی در منابع رجالی ذکر نشده، اما او خود در نصّ النصوص، تصریح کرده که نگارش آن را به سال 781 ق، شروع کرده و در سال 782 ق، به پایان برده، در حالی که سن او 63 سال بوده است. (3) بر این پایه، سال تولد آملی حدود سال 719 ق، خواهد بود و بعید است که او در شانزده سالگی نویسنده کتاب الکشکول باشد؛ چرا که سیّد حیدر، تا سی سالگی در ایران بوده و بنا بر این، نمی‌تواند گزارشگر درگیری‌های شیعه و اهل سنت در بغداد به سال 735 ق، باشد. گذشته از اینها، نویسنده الکشکول از رساله‌ای از خود درباره داستان ابلیس و حضرت آدم علیه السلام یاد کرده: قصّة ابلیس مع آدم طویلة، لیس هذا المختصر من بسطها، فآئی أفردت رسالة مستقلة بنفسها یجدها من یجدها ویفقدھا من یفقدھا. (4) تا آن جا که می‌دانیم در منابع کتابشناسی، چنین کتابی به آملی نسبت داده نشده است. (5) قرینه دیگر بر نادرستی انتساب کتاب الکشکول به سیّد حیدر آملی آن است که

1- همان جا.

2- الکشکول فی ما جرى علی آل الرسول، ص 7 و ص 97.

3- المقدمات من کتاب نص النصوص، ص 537.

4- الکشکول فی ما جرى علی آل الرسول، ص 15.

5- ر. ک: جامع الأسرار، مقدمه، فهرست عام آثار آملی.

وی در جامع الأسرار، مطلبی را درباره پیامبران صاحب شریعت و اوصیای آنان از منبع دیگری نقل کرده است (1) که در الکشکول وجود دارد. (2) با توجه به تصریح آملی به نقل مطلب از جای دیگر، به نظر می رسد که وی، مطلب یاد شده را از الکشکول برگرفته است. این امر نشانگر تعدد نویسندگان دو کتاب جامع الأسرار و الکشکول است. موضوع کتاب، اثبات مواضع شیعه در باب امامت با استفاده از آیات، احادیث و ادله عقلی است. نویسنده، در مقدمه، به انگیزه خود از نگارش کتاب پرداخته و می نویسد: پس از وقوع آشوب میان شیعیان و اهل سنت به سال 735 ق، بزرگی، از من درباره ریشه ها و اسباب این فتنه پرسید و از من خواست که در این باره، کتابی بنویسم و من، این کتاب را در پی خواهش او پرداختم. (3) نویسنده، پس از بیان مقدمه، در ریشه یابی اختلافات شیعه و اهل سنت، به آغاز آفرینش آدم علیه السلام بر می گردد و داستان حضرت آدم و کینه توزی و حسدورزی ابلیس به او را در پی سجده فرشتگان به وی، بیان می کند. نویسنده، برای مطالعه بیشتر درباره سرگذشت حضرت آدم و شیطان، به رساله مستقل خود در این زمینه، ارجاع می دهد (4) و در ادامه، داستان هاییل و قابیل را مطرح می کند و نتیجه می گیرد که هرگاه پیامبری الهی یا امام منصوب از طرف خدا در جامعه حضور داشته باشد، ناگزیر، انسان ها نیز به دو گروه قابیلی یا هاییلی تقسیم خواهند شد. و بدین سان، نویسنده، اختلاف میان شیعه و اهل سنت را تداوم اختلاف حق و باطل در ادوار

1- الکشکول فی ما جرى علی آل الرسول، ص 8.

2- ر. ک: جامع الأسرار، ص 239 \_ 242.

3- ر. ک: الکشکول فی ماجری علی آل الرسول، ص 42 \_ 44.

4- همان، ص 15.



گذشته تاریخ می داند. (1) نویسنده، در فصلی به شرایع الهی و شمارش آنها پرداخته است. از نظر او، شش پیامبر صاحب شریعت (پیامبران اولوالعزم به اضافه آدم علیه السلام) آمده اند که شریعت هر کدام، جدید و ناسخ پیشین بوده است. هر پیامبر صاحب شریعتی، دوازده وصی دارد که حافظ شریعت و عهده دار تبیین و تفسیر آن اند. وی، آن گاه، اوصیای پیامبران یادشده را بر می شمارد. اوصیای نام برده شده برای رسول اکرم، برخلاف تصوّر عبارت اند از: 1. شیث، 2. انوش، 3. قینان، 4. مهلائیل و... (2) تحلیل های نویسنده، افزون بر مایه های ادبی - تاریخی، آمیزه ای از مایه های عقلی، فلسفی و روان شناختی است. در نمونه زیر - که بیانگر نبوت پیامبر اکرم است - مایه های فلسفی مشهود است: لم تزل العناية الإلهية والأنوار السماوية تربي محمداً صلى الله عليه وآله وتمده الأکوان بخصائصها وتداد الدنيا عنه في نقائصها وتتألف عليه الأنوار الملكوتية وتشرق عليه الشعاعات النبوية وتنطق الكمالات البشرية حتى جذبه جاذب الحق العلوي و خاطبه اللسان الملكي الجبرئيلي و بلغ أشده و أكمل رشده و قال له... فعلم حقيقة الأمر النازل و هو صورة العقل الأول... (3) نویسنده، در بیان گزارش های تاریخی، منابع خود را ذکر نمی کند. وی در نقل احادیث، از منابع شیعه و اهل سنت، استفاده کرده است. نویسنده، درباره انگیزه نقل احادیث اهل سنت نوشته است: إتما ذكرنا هذه الأحاديث من رواية العام في هذا الكتاب تلويحاً للمستبصرين و تنبيهاً على أنه لو أردنا اعتبار أخبار العوام وأحاديثهم

1- همان. ص 17 و 18.

2- ر.ك: همان، ص 42 \_ 43.

3- همان، ص 53.

لوجدناها جميعاً عليهم لا لهم... (1) از نظر نویسندگان، بیشتر احادیث اهل سنت، در تدبیر دنیا و سیاست مُلك است، در حالی که بیشتر روایات آل محمد علیهم السلام، در تدبیر آخرت و سیاست ملکوت و کشف حقایق است. (2) نقد دیگر نویسندگان بر روایات اهل سنت، آن است که بسیاری از احادیثی را که ساختگی بودن آنها روشن است، روایت می کنند؛ احادیثی که برای رسیدن به اهدافی خاص و تغییر برخی قواعد و تثبیت پاره ای قضایا جعل شده است. (3) از نظر او، قرآن، اختلاف را در آیاتی چند، نکوهش کرده است، در حالی که اهل سنت از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کنند که: «إختلاف أمتی رحمة». (4) از منابع یاد شده کتاب، السقیفة فی عمر بن شیبہ نمیری است. (5) نیز پس از ذکر روایات فراوان در فضایل و مناقب امیر مؤمنان می نویسد: هذا مقنع فی هذا المختصر من روایات القاضی الزاهد العدل أبی الحسن بن علی بن محمد الطیب الجلالی المعروف بأبی نعیم \_ رضی الله عنه \_ . (6) همچنان که یاد شد، نویسندگان، منابع و مآخذ احادیث را ذکر نکرده است. به نظر می رسد در کنار انبوه گزارش های تاریخی و احادیثی که از منابع شناخته شده حدیثی نقل شده، پاره ای روایات در کتاب وجود دارد که در منابع حدیثی متقدم، یافت نمی شود؛ مانند این دو روایت:

1- همان جا.

2- همان، ص 188.

3- همان، ص 189.

4- همان، ص 202.

5- همان، ص 79.

6- همان، ص 96.

**5. المختصر**

قال النبي صلى الله عليه وآله: الهوى إله معبود. (1) كان النبي يقول دائماً بين جماعة أصحابه: ما سبقكم أبو بكر بصوم ولا بصلاة، لكن بشيء وقر في صدره: حبّ الرياسة التي رغب فيها وعمل عليها وصار اليها. (2) گفتنی است در این کتاب، روایت جمع و تدوین قرآن توسط امیر مؤمنان پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است. (3) نکته دیگر آن که از نظر مؤلف، سلمان فارسی از آغاز دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله همراه ایشان بوده است. استدلال وی به این آیه است که: يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُو بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَقَدْ ذَا لِسَانَ عَرَبِيٍّ مُّبِينٌ (4). (5) کتاب الکشکول، با مقدمه سید عبد الرزاق موسوی مقرر، از روی نسخه خطی ای که در پنجم شوال سال 1106 به دست رکن الدین بن محمود نگاشته شده، توسط المطبعة الحیدریة ی نجف به سال 1372 ق، منتشر شده و توسط منشورات الرضی قم، تجدید طبع شده است.

5. المختصر (6) این کتاب، نگاشته حسن بن سلیمان حلّی (زنده در 802 ق) است که در نقد دیدگاه شیخ مفید درباره چگونگی رؤیت معصومان توسط شخص مختصر و اثبات رؤیت

---

1- همان، ص 39.

2- همان، ص 55.

3- ر.ک: همان، ص 76.

4- نحل، آیه 103.

5- الکشکول، ص 55.

6- ریاض العلماء، ج 1، ص 194؛ الذریعة، ج 20، ص 143 (ش 2308)؛ فهرس التراث، ج 1، ص 750؛ معجم المؤلفین، ج 3، ص 228.

حقیقی و مشاهده حسی معصومان علیهم السلام، نگاشته شده که در ضمن بحث، به مسائلی مانند: معراج جسمانی و برتری امامان بر پیامبران و فرشتگان و مناقب و مقامات آنان نیز پرداخته است. حلی، در ابتدای کتاب، سخن شیخ مفید در أوائل المقالات، در باب مجازی بودن رؤیت معصومان علیهم السلام توسط محتضر را آورده و سپس، به نقد دیدگاه وی پرداخته است. نویسنده، در اوایل کتاب، پس از طرح دشواری فهم احادیث اهل بیت علیهم السلام، بر ضرورت تسلیم و پذیرش احادیث، و نیز بر ناروایی تأویل احادیثی که عقل، آنها را در نمی یابد، تأکید ورزیده است. به اعتقاد وی، با توجه به این که احادیث دشوار، ممکن است متضمن اسرار علوم آل محمد علیهم السلام باشد، بایسته است که به خود معصومان، ردّ و ارجاع و از آنان، سؤال شود. (1) نویسنده المحتضر، در اغلب موارد، به مصادر حدیثی خود، تصریح کرده است. از جمله مصادر وی، الکافی (المحتضر، ص 10، 57 و 90)، کتاب های شیخ صدوق (ص 5، 6، 31، 35، 37، 41، 68، 69، 76، 90 و 134)، تهذیب الأحکام (ص 34)، أمالی الطوسی (ص 6، 29، 82، 93)، المصباح طوسی (ص 11)، بصائر الدرجات (ص 5، 8، 9، 13 و 56)، الاحتجاج (ص 11)، التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام (ص 92) \_ که روایت تفسیر را از محمد بن بابویه، با اسناد خود از امام دانسته است \_، کشف الغمّة (ص 29)، خطب أميرالمؤمنین علیه السلام، از عبد العزیز بن یحیی جلودی (ص 87)، کتاب القائم علیه السلام، از فضل بن شاذان (ص 4، 5 و 89)، المزار، از محمد بن علیل حائری (ص 89)، کتاب حسن بن کبش حسینی (ص 15)، تفسیر الثعلبی (ص 102) و مسند ابن حنبل (ص 102) قابل ذکر است. محقق تهرانی، از وجود نسخه ای از المحتضر در

**6. منتخب الأنوار المضيئة**

کتاب خانه شیخ علی کاشف الغطاء، خبر داده است. (1) این کتاب، به سال 1370 ق، به همت المطبعة الحيدرية ی نجف، بدون تحقیق و تصحیح، منتشر شده است. البته محمد علی اورد آبادی (همان: اُردوبادی) غروی، مقدمه ای در شرح حال مؤلف، بدان افزوده است. المحتضر، از مصادر بحار الأنوار (2) و مستدرک الوسائل (3) است.

6. منتخب الأنوار المضيئة (4) از کتاب های کلامی بر جای مانده از دوره مورد بحث، کتاب منتخب الأنوار المضيئة است که برگرفته از کتاب الأنوار المضيئة فی الحکمة الشرعیة، نوشته محدث، متکلم و نسب شناس بزرگ، سید بهاء الدین علی بن عبد الکریم بن عبد الحمید نیلی نجفی (زنده در 803 ق) و استاد ابن فهد حلّی است. کتاب الأنوار المضيئة، از مصادر بحار الأنوار است. (5) علامه مجلسی، این کتاب و کتاب دیگر نویسنده به نام السلطان المفرّج عن أهل الإیمان را مشتمل بر اخباری غریب در باب رجعت و احوال حضرت مهدی (عج) دانسته و نویسنده آنها را از تقییان و نجیبان برجسته بر شمرده است. (6) صاحب معالم، در معرفی کتاب رجال سید بهاء الدین نیلی، گزارشی از محتوای این کتاب نیز به دست داده است. بنا به گفته او، کتاب الأنوار المضيئة، شامل پنج جلد به شرح زیر بوده است. جلد اول، در علم کلام، شامل اثبات آرای کلامی امامیه با

- 
- 1- الذریعة، ج 20، ص 143 (ش 2308).
  - 2- بحار الأنوار، ج 1، ص 16.
  - 3- مستدرک الوسائل، ج 3، ص 291 و 326 و ج 10، ص 400.
  - 4- ر.ک: ریاض العلماء، ج 4، ص 126؛ الذریعة، ج 2، ص 415 و 422 (ش 1722 و 1723) و ج 16، ص 77 (ش 391)؛ فهرس التراث، ج 1، ص 741؛ منتخب الأنوار المضيئة، تحقیق: مؤسسه امام هادی علیه السلام، مقدمه.
  - 5- بحار الأنوار، ج 1، ص 17.
  - 6- همان، ص 34.

استفاده از ادله عقلی و احادیث، و با استناد به آیات قرآن است. جلد دوم، شامل مباحث ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، عام و خاص، مطلق و مقید و دیگر مباحث اصول فقه است. جلد سوم و چهارم، در فقه آل محمد علیهم السلام است و جلد پنجم، مشتمل بر اسرار و قصص قرآن با فواید دیگر. (1) بنا به گفته محقق تهرانی، نویسنده، کتاب را پس از سال 772 ق، و پیش از سال 777 ق، نگاشته است. (2) نسخه خطی کتاب الأنوار المضيئة فی الحکمة الشرعية، موجود است. (3) به هر حال، کتاب منتخب الأنوار المضيئة، برگرفته از باب دوازدهم از بخش امامت جزء اول کتاب نیلی نجفی است که گزینش کننده ای که نام وی دانسته نیست، پس از درگذشت نویسنده، به گزینش باب مربوط به امام دوازدهم علیه السلام از کتاب یاد شده به صورت کتابی مستقل، اقدام کرده است. در مقدمه کتاب منتخب الأنوار آمده است: و بعد؛ فهذه فی ذکر القائم الحجة علیه السلام، و ذکر إمامته و وجوده و ذکر والدته و ولادته و غیبه و ما یکون فی آیامه عند ظهوره. انتخابها من کتاب «الأنوار المضيئة فی الحکمة الشرعیة المستنبطة من الآيات الالهية» من مؤلفات المولى السيد العالم العامل الفاضل الكامل البحر الفهامة، والنحر التصابة العلامة بهاء الملة والدين على بن عبد الحميد الحسيني النجفی \_ قدس الله روحه الشریفة وجزاه الله عن سلفه أفضل الجزاء \_ . 4

1- ریاض العلماء، ج 4، ص 134؛ الذریعة، ج 2، ص 417.

2- همان، ص 398 (ش 1595) و ص 444 (ش 1723).

3- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ش 10201.

همچنان که یاد شد، موضوع کتاب منتخب الأنوار المضيئة، شامل اثبات امامت و حیات امام مهدی علیه السلام است که شامل دوازده فصل، به ترتیب زیر است: فصل اول، در اثبات امامت و وجود امام مهدی (عج) با ادله عقلی است. فصل دوم، در اثبات امامت امام مهدی (عج) و وجود ایشان از قرآن است. در این فصل، نویسنده به دوازده آیه استناد جسته که تفسیر و تأویل آنها در باب امام علیه السلام است. فصل سوم، اثبات امامت و وجود امام مهدی (عج) با احادیث شیعه است که با احادیث قدسی درباره امام علیه السلام شروع می شود و احادیث هریک از معصومان در باب امام مهدی (عج)، جداگانه مطرح شده است. فصل چهارم، اثبات امامت امام مهدی علیه السلام از طریق اهل سنت است. در این فصل، نویسنده، احادیثی را که گنجی شافعی (نویسنده کفایة الطالب) در کتاب البیان فی أخبار صاحب الزمان خود، از مصادر اهل سنت نقل کرده، ذکر نموده است. فصل پنجم، درباره مادر امام زمان (عج) و ولادت ایشان و فصل ششم، در باب غیبت و اسباب اختفای حضرت است. فصل هفتم، در باب طول عمر امام زمان (عج) و فصل هشتم، درباره راویان و کلاسی ایشان است. فصل نهم، درباره توقیعات، و فصل دهم، درباره مشاهده کنندگان امام مهدی (عج) است. فصل یازدهم نیز درباره نشانه های ظهور و فصل دوازدهم، درباره رخدادهای پس از ظهور است. روش نویسنده، روش کلامی و جدلی است که با استناد به آیات قرآن، ادله عقلی، روایات فریقین و شواهد تجربی، در صدد اثبات امامت و حیات و فلسفه

## 7. اثبات الوصیة للإمام علی بن أبی طالب

غیبت حضرت صاحب الأمر علیه السلام است. از مأخذیابی احادیث کتاب بر می آید که احادیث شیعه از منابع شناخته شده متقدم (مانند: الکافی، الإرشاد، کمال الدین، الغیبة طوسی، الغیبة نعمانی، الاحتجاج طبرسی و الخرائج) است. نسخ خطی کتاب منتخب الأنوار، در کتاب خانه آیه الله مرعشی موجود است. (1) دو چاپ از کتاب، در دسترس است. چاپ اول، با تحقیق سید عبد اللطیف کوهکمری، که به سال 1401 ق، توسط مطبعة الخيام قم، در شماره پنجم از مجموعه المختار من التراث، منتشر شده است. چاپ تحقیقی دیگر کتاب، توسط مؤسسه امام هادی علیه السلام و به سال 1378 ش (1420 ق) انتشار یافته است.

7. اثبات الوصیة للإمام علی بن أبی طالب علیه السلامین کتاب کم حجم، با مقدمه و تصحیح آقای محمد هادی امینی، توسط دارالأضواء بیروت، با انتساب به علامه حلّی به چاپ رسیده است؛ اما قرائن و ادله زیر، بر عدم صحّت انتساب کتاب به علامه حلّی دلالت دارند: 1. علامه حلّی، در یادکرد آثار خود در کتاب خلاصة الأقوال، از این کتاب، نامی نبرده و در منابع کتابشناسی به ایشان نسبت داده نشده است. (2) 2. در متن کتاب، از کتاب الطرائف سید بن طاووس نام برده شده و مطلب نقل شده است. (3) نیز دو قطعه شعر از دانشمند معاصر علامه حلّی، ابن داوود (4) و ابن

1- برای ویژگی های نسخه ها. ر.ک: منتخب الأنوار، تحقیق: مؤسسه امام هادی علیه السلام، ص 54 (مقدمه).

2- ر.ک: خلاصة الأقوال، ذیل: «حسن بن یوسف»؛ الذریعة، ج 6، ص 265 (ش 1449)؛ مکتبة العلامة الحلّی، ص 223.

3- اثبات الوصیة، ص 5.

4- همان، ص 25. ابن داوود حلّی بنا به گفته خود، در کتاب الرجال، متولّد 647 هجری و علامه حلّی، بنا به نوشته خود در خلاصه، متولّد سال 648 هجری است.



ابی الحدید (1) نقل شده است، در حالی که علامه حلّی، در آثار کلامی خود، از این افراد، نقل قول نمی کند. بعید است که علامه در کتابی کلامی، شعری از شاعر هم عصر خود نقل کند. 3. در متن کتاب از الصراط المستقیم علی بن یونس بیاضی نباطی، احادیث فراوان نقل کرده است. عبارت نویسنده چنین است: و نقل الشيخ الجلیل علی بن یونس فی کتابه «الصراط المستقیم» ما یدلّ علی تحقیق الوصیّة فی مواضع منها... (2) بیاضی، در گذشته به سال 877 هجری، یعنی 150 سال پس از فوت علامه حلّی است. 4. افزون بر اینها اسلوب کتاب و برخی تعابیر آن نیز با سبک کتاب های علامه حلّی ناسازگار است. مثلاً در جایی آمده است: «قال الشيخ الصدوق فی کتاب من لایحضره الفقیه فی صحیحة أبی بصیر» (3) و در جای دیگر می نویسد: «وقال الشيخ الطوسی، المتوفی فی 460 ق، فی صحیحة محمد بن مسلم». (4) نیز در یادکرد شعری از ابن ابی الحدید، آمده است: وقال عزّ الدین عبد الحمید بن محمّد بن ابی الحدید، شارح «نهج البلاغة» والمورّخ الحکیم وکان مذهبه الاعتزال توفی عام 655 ق. (5) بر این اساس، کتاب یاد شده از علامه حلّی نبوده و پس از بیاضی نباطی نوشته شده است.

---

1- همان جا.

2- همان، ص 10.

3- همان، ص 21.

4- همان، ص 22.

5- همان، ص 25.

**مناقب و تاریخ ائمه****الف. آثار چاپی****1. کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین**

به هر حال، إثبات الوصیة، کتاب موجزی است درباره اثبات وصایت امیر مؤمنان علیه السلام که نویسنده با استفاده از منابع حدیث شیعه و اهل سنت، بدان اهتمام ورزیده است. نام کتاب نیز در مقدمه مؤلف، الحجج القویة فی بیان الوصیة (1) آمده است.

مناقب و تاریخ ائمه علیهم السلام بخش مهمی از نگارش های حدیثی در قرن هشتم و نهم، به موضوع فضایل، مناقب و تاریخ زندگی معصومان علیهم السلام اختصاص یافته است. این کتاب ها متنوع بوده، از اهمیت یکسان برخوردار نیستند. در این بخش، به معرفی این آثار می پردازیم.

الف) آثار چاپی 1. کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام (2) این کتاب، نوشته علامه حلی (م 726 ق) است که در محرم سال 716، نگارش آن را در سلطانیه به پایان برده و به سلطان محمد خدا بنده، اهدا کرده است. نسخه های خطی متعدد کتاب در مکتبه العلامة الحلی معرفی شده است. (3) کشف الیقین، از مصادر بحار الأنوار است. (4) این کتاب، شامل چهار فصل است. فصل اول، شامل فضایی است که پیش از ولادت برای حضرت امیر مؤمنان ثابت بوده است. فصل دوم، شامل فضایل حین ولادت حضرت است و فصل سوم، در برگیرنده

1- همان، ص 4.

2- نهج الحق، ص 232؛ أمل الأمل، ج 2، ص 85؛ الذریعة، ج 18، ص 69 (ش 721)؛ مکتبه العلامة الحلی، ص 167.

3- مکتبه العلامة الحلی، ص 167.

4- بحار الأنوار، ج 1، ص 17 و ج 35، ص 9، 17 و 284 و ج 42، ص 9.

فضایل آن حضرت در حال بلوغ و کمال است. فصل چهارم نیز به فضایل آن حضرت پس از وفات، اختصاص یافته است. فصل سوم \_ که گسترده ترین فصل کتاب است \_ دارای دو «باب» و هر باب، شامل چند «مطلب» و هر مطلب، مشتمل بر چند «بحث» است. مصادر علامه در نگارش کتاب، جز در برخی موارد، منابع حدیثی اهل سنت است. ایشان در مواردی نام مصادر را ذکر می کنند و در مواردی هم بدون ذکر مصدر، مطلب و گزارش تاریخی را نقل می کند که محقق کتاب، مصادر اهل سنت آنها را معرفی کرده است که از جمله آنها مسند ابن حنبل، (1) سنن النسائی، (2) حلیة الأولیاء حافظ ابو نعیم، (3) تفسیر الثعلبی، (4) المناقب خوارزمی (5)، المناقب ابن مغزلی (6)، المناقب ابن مردویه، (7) الخصائص نطنزی (8) و سنن الترمذی (9) را می توان نام برد. از منابع شیعه نیز الإرشاد مفید، (10) نهج البلاغة (11) و الأربعین شیخ منتجب الدین (12) و بشارة المصطفی (13) شایان ذکر است. این کتاب، با تحقیق علی آل کوثر و تهیه فهارس توسط فهارس حسون کریم، به سال 1413 ق، توسط مجمع احیاء الثقافة الإسلامیة منتشر شده است.

1- کشف الیقین، تحقیق: علی آل کوثر، ص 37، 40، 49، 64، 145، 245 و 255.

2- همان، ص 55 و 280.

3- همان، 52.

4- همان، ص 46، 51، 116 و 120.

5- همان ص 26، 127، 262، 285، 299 و 318.

6- همان، ص 207، 246، 249 و 350.

7- همان، ص 291، 292 و 305.

8- همان، ص 38، 46 و 47.

9- همان، ص 57، 276، 278 و 280.

10- ر.ك: همان ص 215 به بعد.

11- ر.ك: همان جا.

12- همان، ص 31.

13- همان، ص 473.

## 2. مشارق أنوار اليقين في حقائق أسرار أمير المؤمنين

دو ترجمه فارسی از این کتاب، در دسترس است. یکی ترجمه مجتبی علوی تراکمه ای به نام آینه یقین که توسط انتشارات هجرت، منتشر شده است و دیگری به نام ترجمه کشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين، که توسط حمیدرضا آذیر، انجام یافته و با تحقیق حسین درگاهی و به همت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، منتشر شده است.

2. مشارق أنوار اليقين في حقائق أسرار أمير المؤمنين عليه السلام (1) این کتاب، اثر معروف حافظ رجب برسی، عالم قرن هشتم هجری است. نویسنده در این کتاب با استفاده از مبانی علم حروف و اعداد و مطالب عرفانی، به نقل و شرح احادیث در فضایل امیر مؤمنان پرداخته است. برسی در اوایل کتاب، پس از بیان دشواری فهم و تحمّل احادیث در فضایل امیر مؤمنان و نکوهش غلو و تقصیر در این زمینه، به انگیزه خود از نگارش کتاب می پردازد که عبارت است از بیان گوشه ای از اسرار مکنون مولای متقیان: فوجب علیّ تنزیهاً للدين عن ظنّ الملحدين و شكّ الجاحدين... ان أورد في هذه الرسالة لمعة من خفي الأسرار ومکنون الآثار و بواطن الأخبار)... (2) نویسنده، در فصلی به بیان اسرار علم حروف می پردازد و تأکید می کند که اسرار الهی در گنجینه علم حروف، نهفته است که آن هم، دانشی مخزون در کتاب مکنون است که جز دست پاکان، بدان نمی رسد. (3) او در ادامه، به تبیین جایگاه حروف در آفرینش می پردازد. از نظر وی، معانی حروف، در عقل و لطایف آن در روح، و صور آن در نفس، و انتقاش آن در قلب، و قوه ناطقه آن در لسان، و سرّ مشکل آن در گوش است. (4)

1- .أمل الآمل، ج 2، ص 117؛ الذريعة، ج 21، ص 34 (ش 3826)؛ إيضاح المکنون، ج 2، ص 484.

2- .مشارق أنوار اليقين، ص 18.

3- .همان جا.

4- .همان، ص 19.

برسی، درباره اسرار حروف، به تفصیل سخن گفته است. از نظر او، الف، همان کلمه ای است که خدای متعال با اسرار خفی در آن تجلی کرده است. پس هرکس ظاهر و باطن الف را بشناسد، اسرار پنهان را درک خواهد کرد. (1) او همچنین درباره باء می نویسد: واما الألف المبسوط وهو الباء فهي أول وحى نزل على رسول الله صلى الله عليه وآله وأول صحيفة آدم ونوح وإبراهيم وسرها من انبساط الألف فيها سرّ القيامة بقيام طرفه. وهو سرّ الاختراع والأنوار والأسرار الحقيقية مرتبطة بنقطة الباء واليهما الإشارة بقول امير المؤمنين [على عليه السلام]: «أنا النقطة التي تحت الباء المبسوطة»، يشير إلى الألف القائم المنبسط في ذاتها، المحتجب فيها ولذلك قال محيي الدين الطائي: الباء حجاب الربوبية ولو ارتفعت الباء لشهد الناس ربهم تعالى. (2) در نمونه زیر نیز استفاده نویسنده از مطالب عرفانی و علم اعداد، پیداست: معرفة النفس هو أن يعرف الإنسان مبدأه ومنتهاه، من أين و إلى أين. وذلك موقف على معرفة حقيقة الوجود المقيّد. و هو معرفة الفيض الأول الذي فاض عن حضرة ذى الجلال. ثم فاض عنه الوجود والوجود بأمر واجب الوجود. و مفيض الوجود والجواد الفيض وذلك هو النقطة الواحدة التي هي مبدأ الكائنات ونهاية الموجودات... وهي أول العدد و سرّ الواحد الأحد وذلك لأنّ ذات الله غير معلومة للبشر فمعرفة بصفاته والنقطة الواحدة هي صفة الله تدلّ [على] الموصوف لأنّ بظهورها عرف الله. (3) از ویژگی های کتاب مشارق الأنوار، آن است که نویسنده غالباً به منابع حدیث خود، اشاره نمی کند. احادیث این کتاب را به دو بخش می توان تقسیم کرد. بخشی از

1- همان، ص 20.

2- همان، ص 20 \_ 21.

3- همان، ص 188 \_ 189. نیز، ر.ک: ص 27 \_ 28، که در آن، ضمن استناد به سخن حلاج، به شرح عرفانی عبارت «كنت كنزاً مخفياً...» پرداخته است.

احادیث، از منابع حدیثی شناخته شده پیشین، گرفته شده است. از منابعی که بررسی با ذکر نام از آنها حدیث نقل می‌کند، می‌توان الأمالی، عیون الأخبار، کتاب الآیات برقی، کتاب النخب، کتاب المناقب، مفاتیح الغیب رازی، کتاب البشائر و کتاب الواحدة نام برد. بخشی دیگر در منابع حدیثی موجود (پیش از بررسی) یافت نمی‌شود. این بخش، به طور عمده، خطبه‌های خاصی از امیر مؤمنان است که در منابع متقدم امامیه یافت نمی‌شود و برخی از آنها نیز به اسم خاصی مشهور است. برخی از خطبه‌ها عبارت‌اند از: 1. خطبة الافتخار، به نقل از اصبع بن نباته. ابتدای خطبه: «أنا أخو رسول الله و وارث علمه . . .». (1) 2. خطبه تطنجیه. ابتدای خطبه: «الحمد لله الذي فتح الأجواء و حرق الهواء و علق الأرجاء . . .». (2) این خطبه به مناسبت عبارت: «أنا الواقف على التطنجين» که در آن به کار رفته، «تطنجیه» نامیده شده است. بررسی، در جایی از آن به «خطبه فخر» نیز تعبیر کرده است. (3) این خطبه، شامل برخی اخبار ملاحم است. 3. خطبه بلندی به نقل از سلمان و ابوذر. ابتدای خطبه: «من كان ظاهره في ولايتي أكثر من باطنه خفت موازينه . . . أنا حملت نوحاً في السفينة أنا صاحب يونس في بطن الحوت، وأنا الذي حاورت موسى في البحر و أهلكت القرون الأولى . . .». (4) برخی از خطبه‌ها از کتاب الواحدة نقل شده است. (5) 4. خطبه ای دیگر. آغاز خطبه: «أنا عندي مفاتيح الغيب لا يعلمها بعد رسول

1- همان، ص 166. درباره این خطبه، ر.ك: الذريعة، ج 7، ص 198.

2- همان، ص 166 \_ 170.

3- همان، ص 122.

4- همان، ص 160 \_ 162.

5- همان، ص 159 و 162.

اللّٰه صلی اللّٰه علیہ و آلہ إلا۔ . . .» (1) همچنان که در شرح حال بررسی گفته شد، رجال پژوهان و کتاب شناسان، به کتاب مشارق الأنوار، به دیده تردید نگریسته و آن را افراطی و چه بسا غلوآمیز دانسته اند. شیخ حرّ عاملی می نویسد: و فی کتابه إفراط و ربما نسب إلى الغلو. (2) علامه مجلسی، در یادکرد مصادر بحار الأنوار، از دو کتاب بررسی یاد کرده و درباره آنها می نویسد: بر آنچه او به تنهایی نقل کرده، اعتماد نمی کنم؛ چرا که دو کتاب او مشتمل بر مطالبی است که موهم خبط و خلط و ارتقاع (غلو) است. (3) افندی نیز به تأیید سخنان شیخ حرّ عاملی و علامه مجلسی پرداخته و می نویسد: تأمل، کاوش و جستجو در تألیفات بررسی، بیانگر کلام استاد استناد (علامه مجلسی) و شیخ معاصر (شیخ حرّ عاملی) درباره غلو و ارتقاع در آثار اوست، البتّه نه به مرتبه الوهیت و مانند آن. (4) نویسنده روضات الجنّات، بیش از دیگران به او تاخته است. (5) سیّد محسن امین نیز جزو منتقدان بررسی است. (6) مامقانی، پس از نقل کلام شیخ حرّ می نویسد: من راجع کتابه یتحقّق غایة بعیة من الغلو منه. (7) در این میان، علامه امینی، به دفاع از بررسی پرداخته و به نقدها پاسخ گفته است. (8)

- 
- 1- همان، ص 170.
  - 2- أمل الآمل، ج 2، ص 117.
  - 3- بحار الأنوار، ج 1، ص 10.
  - 4- ریاض العلماء، ج 2، ص 307.
  - 5- روضات الجنّات، ج 3، ص 337.
  - 6- اعیان الشیعة، ج 6، ص 435.
  - 7- تنقیح المقال، ج 1، ص 429.
  - 8- الغدير، ج 7، ص 33.

### 3. راحة الأرواح و مونس الأشباح

داوری درباره محتوای آثار بررسی، نیازمند مطالعه گسترده و بررسی دقیق آنها است.

3. راحة الأرواح و مونس الأشباح (1) این کتاب به فارسی و نگاشته ابو سعید حسن بن حسین شیعی سبزواری است که آن را به خواهش سلطان نظام الدین یحیی بن صاحب الأعظم شمس الدین خواجه کرابی، امیر سرداری (م 759 ق) نگاشته است. (2) بنا به گفته محقق تهرانی، سال پایان نگارش کتاب، 757 هجری (3) است. این کتاب، دارای نسخه های خطی متعددی است که در فهرستواره کتاب های فارسی، شناسانده شده است. (4) موضوع کتاب، شرح زندگانی، فضایل و معجزات چهارده معصوم است. نویسنده، در این زمینه آثار دیگری نیز نوشته است. کتاب، شامل پانزده باب و هر باب، مشتمل بر چند فصل است. هر باب کتاب، اختصاص به يك معصوم دارد؛ اما از آن جا که نویسنده، حوادث مربوط به موضوع خلافت پیامبر صلی الله علیه و آله و رخدادهای سیاسی پس از وفات ایشان را در دو باب جداگانه آورده، مجموع ابواب کتاب، به پانزده رسیده است. عناوین فصول هر يك از ابواب کتاب، همسان بوده و شامل بحث از ولادت، فضایل و مناقب، معجزات، مدت عمر و زمان وفات معصوم مورد نظر است. شیعی سبزواری، در نقل گزارش های تاریخی و فضایل و مناقب معصومان، منابع و مآخذ خود را معرفی نمی کند. از مآخذیابی ها و تخریج های محقق محترم کتاب بر می آید که مطالب آن، برگرفته از منابعی مانند: الکافی، الإرشاد، دلائل الامامة و

1- ر.ك: الذریعة، ج 10، ص 55 (ش 14)؛ راحة الأرواح، مقدمه تحقیق.

2- راحة الأرواح، ص 21.

3- الذریعة، ج 10، ص 55.

4- فهرستواره کتاب های فارسی، ج 2، ص 1652.



#### 4. غایة المرام فی فضائل علی و أولاده الکرام

مناقب ابن شهر آشوب است. نثر کتاب، شیوا و روان بوده، نمایانگر سبک نوشته های مذهبی فارسی خراسان در سده هشتم است. عالم ادیب همشهری شیعی سبزواری، یعنی واعظ کاشفی، در آثار خود، این سبک را پی گرفت و به کمال رساند. برای آشنایی با نثر نویسنده، قطعه ای از متن کتاب را می آوریم: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله وفات یافت، فاطمه علیها السلام بر فراق وی، شب و روز می گریست و اندوهی عظیم به وی رسیده بود. جبرئیل علیه السلام، پیش وی آمد و وی را تسلی داد و به صبر فرمود و از مقام و منزلت [ورفعت درجه] حضرت رسول صلی الله علیه و آله، وی را خبر داد و از امامان و فرزندان وی که خواسته بود، فاطمه را خوش دل گردانید... (1) *راحة الأرواح*، با تحقیق محمد سپهری، توسط دفتر نشر میراث مکتوب و نشر اهل قلم، به سال 1375 ش، منتشر شده است.

4. غایة المرام فی فضائل علی علیه السلام و أولاده الکرام (2) این کتاب، نگاشته حسن بن حسین بیهقی سبزواری و دومین کتاب وی در زمینه فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام است. نویسنده، در مقدمه با تعبیر «جمعها الحسن الشیعی السبزواری و سَمّاها غایة المرام»، (3) به نام خود و کتاب، تصریح کرده است. افندی، ضمن گزارش رؤیت نسخه ای از غایة المرام، آن را کتاب مختصری مشتمل بر اخبار شیعه و مخالفان (اهل سنت) با حذف آسانید، دانسته است. (4)

1- *راحة الأرواح*، ص 74.

2- *ریاض العلماء*، ج 1، ص 177؛ *روضات الجنّات*، ج 2، ص 267؛ *الذریعة*، ج 16، ص 21 (ش 75)؛ *هدیة العارفین*، ج 1، ص 289.

3- ر. ک: میراث حدیث شیعه، دفتر ششم، ص 24: «غایة المرام فی فضائل علی و أولاده الکرام»، علیرضا هزار.

4- *ریاض العلماء*، ج 1، ص 177.

**5. مختصر بصائر الدرجات**

موضوع کتاب، همچنان که از نامش پیداست، نقل احادیثی در فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام است. کتاب، شامل 112 حدیث با ذکر راوی نخست و حذف سایر راویان است. محقق کتاب \_ که به مأخذ یابی احادیث آن پرداخته \_ بر آن است که نویسنده در نگارش اثر، تحت تأثیر مئة منقبة فضل بن شاذان (شاذان) قمی بوده و حدود يك سوم از احادیث غایة المرام، همان احادیث آغازین مئة منقبة است. (1) سایر احادیث، آن سان که از مأخذیابی محقق کتاب برمی آید، از مصادر دیگری (مانند آثار صدوق، بشارة المصطفی، الأمالی مفید و دلائل الإمامة) برگرفته شده است. در این میان، برای احادیث شماره 86، 90، 102 و 111، مأخذی یافت نشده است. غایة المرام، از روی نسخه منحصر به فرد موجود در کتاب خانه آستان قدس رضوی که توسط علی بن حسن کرمانی به سال 930 ق، کتابت شده، با تحقیق آقای علیرضا هزار در دفتر ششم میراث حدیث شیعه (ص 15 \_ 81) توسط مرکز تحقیقات دارالحدیث، انتشار یافته است.

5. مختصر بصائر الدرجات (2) این کتاب، از آثار مهم مربوط به حوزه فضایل اهل بیت علیهم السلام است که در قرن هشتم هجری نوشته شده است. نویسنده کتاب، شیخ حسن بن سلیمان حلّی (زنده در 802 ق)، با تلخیص کتاب بصائر الدرجات سعد بن عبد الله اشعری قمی (م ح 300 ق) و افزودن روایاتی از منابع دیگر با ذکر نام مأخذ، این کتاب را پدید آورده است. (3) کتاب، از مصادر بحار الأنوار (4) و وسائل الشیعة (5) است.

1- غایة المرام، ص 19 (مقدمه محقق).

2- أمل الآمل، ج 2، ص 66 (ش 180)؛ الذریعة، ج 20، ص 182 (ش 2496).

3- الذریعة، ج 20، ص 182 (ش 2496).

4- بحار الأنوار، ج 1، ص 16.

5- وسائل الشیعة، ج 30، ص 155.

از نسخه های خطی کتاب می توان به نسخه دست خط ملاً محمد بن قاسم بن شجاع الدین نجفی اشاره کرد که به سال 1079ق، نگاشته شده و نزد محمد علی اوردآبادی نجفی است. (1) دو چاپ از این اثر، در دسترس است. نخست، چاپ غیر تحقیقی که به سال 1370 ق، با مقدمه محمد علی اوردآبادی و به نام مختصر بصائر الدرجات در نجف اشرف، منتشر شده است و دیگری، چاپ دفتر نشر اسلامی، با مقدمه و تحقیق مشتاق مظفر، به سال 1342 ق، با نام مختصر البصائر. کتاب، بنا به تصریح بسیاری از رجال پژوهان و کتابشناسان، برگزیده بصائر الدرجات سعد بن عبد الله اشعری و غیر از بصائر الدرجات نوشته محمد بن حسن بن فروخ صفار (م 290 ق) است که منتشر شده است. (2) افندی با ملاحظه عبارتی از متن مختصر البصائر، احتمال داده که اصل آن از محمد بن حسن صفار و مختصر البصائر، از سعد بن عبد الله و گزینش مختصر البصائر از حسن بن سلیمان حلّی باشد. (3) آقای مشتاق مظفر، محقق کتاب، احتمال افندی را رأیی صواب یافته است. ادله وی عبارت اند از: 1. با تخریج احادیث المختصر، آشکار شد که بیشتر احادیث این کتاب، عیناً (از نظر متن و سند) در بصائر الدرجات صفار، موجود است. گویی اشعری از هر باب بصائر، يك یا چند روایت را گزینش کرده و به همان ترتیب کتاب بصائر، در مختصر آورده است. 2. در تمام نسخ خطی مورد مراجعه، حسن بن سلیمان می گوید: «نقلت من

- 
- 1- همان جا. برای سایر نسخ، ر.ک: مختصر البصائر، تحقیق: مشتاق مظفر، ص 34 (مقدمه).
  - 2- روضات الجنات، ج 2، ص 293؛ أمل الآمل، ج 2، ص 66 (ش 180)، كشف الحجب والأستار، ص 559 (ش 3149)؛ الذریعة، ج 20، ص 182 (ش 2496).
  - 3- ریاض العلماء، ج 1، ص 194.

مختصر البصائر لسعد بن عبد الله الأشعري» (1) و این، نشانگر آن است که مختصر البصائر، از آن اشعری است، هر چند رجال شناسان، از آن یاد نکرده اند. (2) 3. شیخ حرّ عاملی، در یادکرد مصادر و سائل، گفته است: کتاب الحلیل «مختصر البصائر» للشیخ الفقیة الجلیل سعد بن عبد الله انتخبه الشیخ الفاضل الحسن بن سلیمان. (3) 4. همو در موارد متعدد از کتاب الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة تصریح کرده است: ما رواه الحسن بن سلیمان بن خالد القمی فی رسالته نقلاً من کتاب «مختصر البصائر» لسعد بن عبد الله. (4)(5) به نظر می رسد استدلال محقق محترم، تمام نیست؛ زیرا: اولاً شیخ حرّ عاملی در موارد متعدّد در وسائل الشیعة، از کتاب سعد بن عبد الله با عنوان بصائر الدرجات، یاد کرده، نه مختصر البصائر. (6) ثانیاً شمار قابل توجّهی از احادیث مختصر البصائر، در تخریج های محقق محترم، فاقد مأخذ اعلام شده است. حجم فراوان روایاتی که در بصائر صفّار نبوده و هیچ گونه مصدر دیگری برای آنها یافت نشده، این دیدگاه را که احادیث مختصر، برگرفته از بصائر صفّار است، تضعیف می نماید، بویژه آن که احادیث يك باب (باب کتمان الحدیث و اذاعته) که شامل 34 حدیث است، اساساً در بصائر الدرجات نیامده، جز

- 
- 1- وسائل الشیعة، ج 30، ص 155.
  - 2- مختصر البصائر، تحقیق: مشتاق مظفر، ص 45 و 125.
  - 3- در رجال النجاشی (ش 177) و رجال الطوسی (ش 431)، بصائر الدرجات یاد شده است.
  - 4- برای نمونه، ر.ک: الإیقاظ من الهجعة، ص 186، 187 و 190.
  - 5- ر.ک: مختصر البصائر، ص 28\_34.
  - 6- برای نمونه، ر.ک: وسائل الشیعة، ج 1، ص 52 (ح 9)، ص 156 (ح 15) و ص 445 (ح 4)، ج 6 ص 385 (ح 2)، ج 7 ص 21 (ح 9) و ج 11 ص 234 (ح 30).

یکی دو مورد، که با اختلاف در متن یا اسناد آمده است. (1) نیز از 46 حدیث باب رجعت مختصر البصائر که از کتاب سعد بن عبد الله نقل شده، تنها دو روایت (2) در بصائر صفار، یافت شده است. در سایر ابواب نیز احادیثی هست که در بصائر صفار نیامده است. (3) با این وصف، چگونه می توان گفت که مختصر البصائر، گزینش از کتاب بصائر صفار است؟ به هر حال، می توان گفت که احادیث مختصر البصائر، به چهار دسته بخش پذیر است: دسته نخست، احادیثی که در بصائر صفار هم، هرچند با اختلافاتی در متن یا سند، موجود است. دسته دوم، احادیثی است که در کتاب های دیگر غیر از کتاب صفار (مانند تفسیر القمی یا الکافی) عین یا مشابه آنها وجود دارد. دسته سوم، احادیثی است که مأخذی برای آنها یافت نشده است. دسته چهارم، احادیثی است که شیخ حسن بن سلیمان، با ذکر نام مأخذ یا تصریح به نام نویسنده و شیخ حدیث، نقل کرده است. برای آشنایی بیشتر با کتاب مختصر البصائر، توجه به نکات زیر سودمند است: 1. همچنان که یاد شد، شیخ حسن در نگارش کتاب المختصر، از منابع دیگری غیر از کتاب اشعری بهره برده است. این منابع که با ذکر نام کتاب یا نویسنده آن، مورد استفاده حلّی بوده اند، عبارت اند از: الکافی (مختصر البصائر، ص 410 و 418)، کتاب من

1- ر.ک: مختصر البصائر، ص 279 به بعد.

2- همان، ص 113 (ح 33) و ص 124 (ح 46).

3- برای نمونه، ر.ک: همان، ص 231 (ح 236)، ص 232 (ح 237 و ح 238)، ص 233 (ح 239) و ص 235 (ح 243).

لا يحضره الفقيه (ص 347)، ثواب الأعمال وعلل الشرائع (ص 496)، أمالي الطوسي (518)، مصباح المتهجد (ص 427، 459 و 460)، الغيبة طوسی (ص 142)، بصائر الدرجات صفار (ص 331 به بعد)، الخرائج و الجرائح راوندی (ص 139)، تفسیر القمّی (ص 156، 410، 519)، الغيبة نعمانی (ص 427، 428، 494 و 495)، کامل الزیارات (ص 461)، الاحتجاج طبرسی (ص 478)، الغارات (ص 479)، غرر الحکم آمدی (ص 362)، کتاب ابن بطریق (ص 327)، کتاب سلیم بن قیس (ص 145)، السلطان المفترج عن أهل الإيمان سید بهاء‌الدین علی بن عبد‌الکریم بن عبد‌الحمید حسینی (ص 429)، التنزیل والتحریر احمد بن محمد سیاری (ص 477)، البشارة ابن طاووس (ص 494)، کتاب المشیخة حسن بن محبوب (ص 414، 415، 416 و 462)، کتاب ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی (ص 400)، تفسیر محمد بن عباس بن مروان (معروف به ابن جحام)، به روایت علی بن طاووس از فخار بن معد (ص 421 و 481)، خطب أميرالمؤمنین (ص 463) و کتاب الواحدة (ص 130). 2. از ویژگی های کتاب آن است که نویسنده، در مواردی به شرح و تبیین دشواری های متنی برخی از احادیث پرداخته است. (1) 3. محتوای کتاب مختصر البصائر، شامل روایاتی در باب فضایل و مناقب ائمه علیهم السلام است و احادیث رجعت، احادیث رجعت از غیر طریق سعد بن عبد الله، باب رجال اعراف، باب فضل ائمه و آیاتی که درباره ایشان است، تسلیم در برابر احادیث اهل بیت علیهم السلام (دو باب)، باب صفات و برتری های اهل بیت علیهم السلام، باب کتمان و اشاعه حدیث، باب درباره ائمه آل محمد علیهم السلام و این که سخن ایشان، صعب و مستصعب است، احادیث قضا و قدر، احادیث اراده و صفت فعل بودن آن، احادیث عالم ذر، بازمانده احادیث رجعت و بازمانده احادیث عالم ذر، از عناوین کتاب است.

**6. روضة الشهداء**

4. نویسنده، در بحث از احادیث عالم ذر، به برخی اشکالاتی که به این احادیث ممکن است وارد شود، پرداخته است. در لابه لای این مباحث، به برخی از دیدگاه‌های حدیث شناسی خود، اشاره کرده که در این جا به طور خلاصه، مطرح می‌شود. از نظر شیخ حسن بن سلیمان حلّی، احادیث، مانند قرآن کریم، دارای محکم و متشابه، خاص و عام، ناسخ و منسوخ، و مجمل و مفصل است. از این رو، بر مؤمن روا نیست که حدیث را، اعم از آن که طریق آن صحیح باشد یا نه، به دلیل وجود مطلبی دشوار در آن، رد کند. (1) از نظر نویسنده، در برابر احادیثی که معنای آنها را نمی‌فهمیم، باید توقّف کنیم. (2) از نظر حلّی، حدیث «بعثنا معاشر الأنبياء نخاطب الناس علی قدر عقولهم» که بیانگر تعدّد و کثرت درجات عقل است، مستلزم وجوب تسلیم در برابر حدیث و حرمت ردّ آن است. لیکن حدیث مخالف قرآن و سنّت متفقّ علیه را نمی‌توان اخذ کرد. البته تکذیب حدیث و راوی آن، روا نیست، مگر آن که آن را به امام معصوم برگرداند و او آن را رد کند.

6. روضة الشهداء (3) این کتاب به فارسی و نگاشته ملاّ حسین واعظ کاشفی (م 910 ق) است که با تصحیح ابوالحسن شعرانی به سال 1349 ش، منتشر شده است. نویسنده، در مقدمه، پس از یادکردی از ابتلای اولیا و مصائب خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام، تأکید می‌کند که کتاب را برای استفاده دوستداران اهل بیت علیهم السلام، بنا به دستور شاهزاده عبد الله، معروف به سید میرزا، نگاشته است. عبارت نویسنده در این باره، چنین است:

1- عبارت نویسنده، چنین است: «لا يحل لمؤمن أن يردّ الحديث إن صحّ طريقه أو لم يصحّ بما يكون فيه ممّا لا يستبين معناه ويتضح كالقرآن العزيز» (همان، ص 387).

2- همان، ص 388.

3- الذريعة، ج 11، ص 294 (ش 1775)؛ الكنى والألقاب، ج 3، ص 105.

جمعی از محبتان اهل بیت، هر سال که ماه محرم در آید، مصیبت شهدا را تازه گردانند... و اخبار قتل شهدا \_ که در کتب مسطور است \_ تکرار نمایند و به آب دیده، غبار ملال از صفحه سینه بزایند و هر کتابی که در این باب نوشته اند، اگرچه به زیور حکایت شهدا حالی است، اما از سمت جامعیت فضایل سبطین و تفصیل احوال ایشان، خالی است و بدین سبب، اشارت عالی از عالی حضرت... شرف صدور یافت که این فقیر حقیر... به تألیف نسخه جامع که حالات اهل بلا از انبیا و اصفیا و شهدا و سایر ارباب ابتلا و احوال آل عبا بر سیل توضیح و تفصیل، در وی مسطور و مذکور بود، اشتغال نماید و از ابیات عربی، آنچه ضروری الذکر باشد، با ترجمه ایراد کند و از منظومات فارسی، آنچه مناسب اذهان اهل زمان باشد، در رشته بیان کشد. (1) روضه الشهداء، شامل ده باب و یک خاتمه است. باب اول، در ابتلای بعضی از انبیا علیهم السلام. باب دوم، در جفای قریش با حضرت رسالت و شهادت حمزه و جعفر طیار. باب سوم، در وفات حضرت سید المرسلین. باب چهارم، در حالات حضرت فاطمه زهرا از وقت ولادت تا زمان وفات. باب پنجم، در اخبار علی مرتضی علیه السلام از زمان ولادت تا شهادت. باب ششم، در فضایل امام حسن علیه السلام و بعضی از احوال وی از ولادت تا شهادت. باب هفتم، در مناقب امام حسین علیه السلام و ولادت وی و احوال آن سرور بعد از وفات برادر. باب هشتم، در شهادت مسلم بن عقیل و قتل بعضی از فرزندان او. باب نهم، در رسیدن امام حسین علیه السلام به کربلا و محاربه وی با اعدا و شهادت آن حضرت با اولاد و اقربا و سایر شهدا. باب دهم، در وقایعی که بعد از حرب کربلا بر اهل بیت علیهم السلام واقع افتاد و عقوبت مخالفان که مباشر آن حرب شدند. خاتمه، در ذکر اولاد سبطین و سلسله نسب بعضی از ایشان. در خاتمه، کاشفی، ضمن یادکرد سادات به بیان احوال و فضایل دیگر امامان نیز



پرداخته است. نثر کاشفی در کتاب، فصیح و دلکش است و او در پرداختن کتاب، با استفاده از آرایه های ادبی و درج اشعار فارسی و عربی، کامیاب بوده است. موضوع اصلی کتاب، ذکر مصائب امام حسین علیه السلام است و بیان مصائب انبیا، در حقیقت، مقدمه ای برای این موضوع است. کاشفی، خود در این باره در باب پنجم، پس از بیان فضایل مولای متقیان می افزاید: چون مطاوی این اوراق، گنجایش تفصیل صفات مرتضوی [را] ندارد و مقصد اصلی از تألیف این کتاب، ذکر احوال شهدای اهل بیت است، بدین قدر، اختصار افتاد. (1) در عین حال، کاشفی، پس از بیان ابتلاهای هر یک از پیامبران، به ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام، اصطلاحاً گریز می زند. ویژگی دیگر کتاب، داستان پردازی آن است. نویسنده، رخدادهای تاریخی را با قصه پردازی درهم آمیخته و تصویری تاریخی - داستانی از حوادث، ارائه کرده است. با مراجعه به نمایه روضه الشهداء، آشکار می شود که منابع وی در نگارش کتاب، غالباً منابع اهل سنت است. از منابع شیعی کاشفی می توان به إعلام الوری، بشائر المصطفی، روضه الواعظین، صحیفه الرضا علیه السلام، عیون أخبار الرضا علیه السلام، مقتل ابو المناخر رازی و مصابیح القلوب شیعی سبزواری اشاره کرد. (2) کتاب روضه الشهداء، پس از نگارش، با استقبال مواجه شد و تا مدت ها بر بالای منابر، قرائت می شد، چندان که اصطلاح «روضه خوانی» از آن گرفته شد. (3) برخی از دانشوران، نسبت به برخی مطالب و گزارش های تاریخی روضه الشهداء،

---

1- همان، ص 157.

2- ر.ک: همان، ص 439.

3- روضات الجنات، ج 3، ص 230؛ تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ص 233.

## 7. التهاب نیران الأحزان

تردید جدی کرده اند. ظاهراً نخستین بار نویسنده ریاض العلماء درباره منابع کاشفی اظهار نظر کرده و غالب روایات آن را برگرفته از کتاب های غیر قابل اعتماد دانسته است. بیان افندی چنین است: ينقل فيه عن كثير من الكتب منها كتب الشيعة... لكن أكثر روايات هذا الكتاب، بل جميعها، مأخوذة من كتب غير مشهورة، بل غير معول عليها. (1) میرزای نوری نیز در لؤلؤ و مرجان، بر برخی از گزارش های کاشفی خُرده گرفته و آنها را فاقد اصل دانسته است. (2) آقای رسول جعفریان نیز در کتاب تأملی در نهضت عاشورا، در بحثی درازدامن، به بررسی انتقادی کتاب پرداخته است. (3) نیز نویسنده کتاب شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام، به معرفی انتقادی این کتاب، دست یازیده است. (4) نکته آخر آن که افندی بر آن است که این کتاب، فی الجمله، به تشیع واعظ کاشفی با رعایت تقیّه، دلالت دارد. (5)

7. التهاب نیران الأحزان التهاب نیران الأحزان و مثير كئاب الأشجان (الأكتاب والأشجان)، از آثار بر جای مانده در زمینه مناقب و تاریخ معصومان علیهم السلام است. محقق تهرانی، نام دیگری برای کتاب یاد کرده که نشانگر موضوع کتاب است: التهاب الأحزان فی وفاة سیّد بنی عدنان المبعوث علی الإنس والجان، رسول الملك المئان، و ما أوصی به فی حقّ أهل بيته أمناء الرحمان، وما جرى بعد وفاته من الإختلاف والخذلان. 6

- 
- 1- ریاض العلماء، ج 2، ص 190.
  - 2- ر.ك: لؤلؤ و مرجان، ص 193.
  - 3- ر.ك: تأملی در نهضت عاشورا، ص 318 \_ 359.
  - 4- ر.ك: کتاب شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام، ص 88.
  - 5- عنوان بلند، از آن رو ذکر شد که در هدیه العارفین (ج 1، ص 468)، از کتابی با عنوان التهاب نیران الأحزان و مثير اکتئاب الأشجان، از ولیّ الدین عبد الله بن محمد بن عبد اللطیف سبکی یاد کرده است.

**ب . آثار خطی و نایاب****1. غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب الأطهار**

نویسنده و زمان تألیف این کتاب ، مشخص نیست . شیخ آقا بزرگ ، از نقل برخی اشعار صاحب مطالب السؤل (م 652 ق) و اشعار محمد بن ایوب (م 615 ق) و شعر ابن عودی نیلی در آن ، چنین برداشت کرده که پس از قرن هفتم نگاشته شده است . به هر روی ، کتاب حاضر ، به اهتمام میرزا محمد حسن شیرازی ، در بحرین انتشار یافته است . (1) محدث فیض نیز خلاصه ای از کتاب را در علم الیقین ، نقل کرده است . (2) گفتنی است یکی از معاصران علامه مجلسی ، در نامه ای به ایشان ، ضرورت استفاده از این کتاب در بحار الأنوار را گوشزد کرده است . (3)

ب) آثار خطی و نایاب 1. غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب الأطهار (4) این کتاب مخطوط ، نگاشته دیلمی صاحب إرشاد القلوب است . شیخ آقا بزرگ ، درباره آن می گوید : مجلسی در اول بحار الأنوار، از آن نقل می کند. نیز ملا محمد حسین کوهرودی (م 1314 ق)، در تألیفات خود، از این کتاب، بسیار نقل می کند. از جمله، «حدیث کساء» را با ترتیب موجود در منتخب الطریحی (با اختلافی بسیار اندک) با اسانید متعدد، نقل می کند. نزد سید آقا بزرگ شوشتری، نسخه ای ناقص از آن را دیدم. (5) از برخی مطالب کتاب استفاده شده که در اواسط سده هشتم ، تألیف شده

- 
- 1- الذریعة، ج 2، ص 287 (ش 1164)؛ کشف الحجب والأستار، ص 57 (ش 272).
  - 2- علم الیقین، ج 2، ص 632 \_ 699 .
  - 3- ر.ک: بحار الأنوار، ج 110، ص 174.
  - 4- ر.ک: روضات الجنّات، ج 2، ص 292 (ش 201)؛ هدیه العارفین، ج 5، ص 287.
  - 5- الذریعة، ج 16، ص 36 (ش 156).

## 2. السلطان المفرج عن أهل الايمان

است . (1) درباره مطالب کتاب ، افزون بر حدیث کساء ، (2) صاحب الذریعه گفته است که او از کتاب نزهه السامع ، مشهور به المحبوبي ، پاره ای از مطاعن و فضایح معاویه را آورده و نیز در این کتاب از کتاب السقیفة در برخی موارد ، با تعبیر «به روایت ابوصالح السلیل احمد بن عیسی» و در پاره ای از مواضع با تعبیر «از کتاب السقیفة ی ، ابوصالح السلیل» ، نقل حدیث می کند . (3)

2. السلطان المفرج عن أهل الايمان (4) این کتاب ، نگاشته سیّد بهاء الدین علی بن عبد الکریم بن عبد الحمید ، استاد ابن فهد حلّی و از مصادر بحار الأنوار است . (5) علامه مجلسی ، در توثیق مصادر بحار الأنوار ، این کتاب و کتاب الأنوار المصنیة نویسنده را مشتمل بر اخبار غریبه در باب رجعت و احوال حضرت مهدی (عج) دانسته است . (6) نویسنده ریاض العلماء نیز در معرفتی آثار سیّد بهاء الدین ، سخن علامه مجلسی را نقل و تأیید کرده است . (7) نویسنده مختصر بصائر الدرجات ، برخی احادیث رجعت را از این کتاب ، نقل کرده است . ظاهراً اصل کتاب ، نزد علامه مجلسی بوده است ؛ چرا که پس از نقل روایتی از آن (با واسطه مختصر البصائر) ، تأکید می کند که مشابه آن روایت را در اصل کتاب السلطان المفرج ، دیده است . (8)

- 
- 1- الذریعة، ج 16، ص 36 (ش 156).
  - 2- ر.ک: همان جا؛ أعیان الشیعة، ج 5، ص 250.
  - 3- الذریعة، ج 16، ص 36؛ أعیان الشیعة، ج 5، ص 250؛ الکنی والألقاب، ج 2، ص 238.
  - 4- ریاض العلماء، ج 4، ص 126؛ الذریعة، ج 12، ص 217 (ش 1439).
  - 5- بحار الأنوار، ج 1، ص 17.
  - 6- واجب عینی تکلیفی است که همه افراد جامعه مأمور به انجام آن هستند و انجام آن به وسیله برخی موجب سقوط تکلیف از دیگران نمی شود .
  - 7- واجب کفایی تکلیفی است که از عموم مردم خواسته شده است و انجام آن توسط فرد یا گروهی موجب سقوط آن از دیگران می گردد .
  - 8- همان، ص 34.

## 3. أرجوزة في مقتل الحسين وأصحابه

## متون فقهی

## 1. عوالی الآلی

3. أرجوزة في مقتل الحسين عليه السلام وأصحابهاين چکامه از شیخ کفعمی و شامل هزار بیت شعر درباره مقتل امام حسین علیه السلام و اصحاب آن بزرگوار و ذکر نام شهدا و اشعار ایشان است. نویسنده، در کتاب فرج الكرب و فرح القلب خود، این چکامه را بی نظیر و برگرفته از کتاب های متعدّد، دانسته است. (1)

متون فقهی 1. عوالی اللئالی (2) نام کامل کتاب، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه و نوشته شیخ محمد بن علی بن ابراهیم بن ابی جمهور احسائی است که آن را به نام سید نقیب طاهر عزیز حسینی رضوی نگاشته است. (3) نسخه ای از آن، در حضور مؤلف، در سوم رجب 899 کتابت شده و دارای حواشی بسیار از نویسنده است. (4) نویسنده الذریعة تصریح کرده که نام کتاب، «عوالی» صحیح است نه «غوالی». نسخه اصل عوالی، در کتاب خانه آستان قدس، موجود است. (5) ابن ابی جمهور، تصریح کرده که نگارش کتاب را در 23 صفر سال 837، در مشهد مقدّس به پایان برده است. 6 کتاب عوالی اللئالی، دارای يك مقدمه درازدامن، شامل ده فصل است. در فصل اول، ابن ابی جمهور، طُرُق و اسانید خود را در نقل احادیث کتاب، ذکر کرده است.

- 
- 1- ریاض العلماء، ج 1، ص 25؛ موسوعة مؤلفی الامامیة، ج 1، ص 312 (ش 14).
  - 2- ریاض العلماء، ج 5، ص 50؛ أمل الآمل، ج 2، ص 253 (ش 749)؛ الذریعة، ج 15، ص 358؛ الکنی والألقاب، ج 1، ص 192.
  - 3- الذریعة، ج 15، ص 358.
  - 4- همان جا.
  - 5- عوالی اللئالی، ج 4، ص 147.

طرق هفتگانه وی، به علامه حلّی ختم می شود. وی سپس طُرُق علامه به شیخ طوسی را بیان می کند و سپس، اسانید شیخ را به دو طریق، به ائمه علیهم السلام می رساند و پس از آن، تأکید می کند: فبهذه الطرق وبما اشتملت عليه من الأسانيد المتصلة المتعينة الصحيحة الاسناد المشهورة الرجال بالعدل والعلم وصحة الفتوى وصدق اللهجة أروى جميع ما أرويه وأحكيه من أحاديث الرسول وأئمة الهدى \_ عليه وعليهم أفضل الصلاة والسلام \_ المتعلقة بالفقه والتفسير والحكم والآداب والمواعظ و سائر فنون العلوم الدنيوية والأخروية. (1) در فصل دوم مقدمه، هشت روایت در باب فضیلت و ضرورت دستگیری علمی عالمان دینی از شیعیان و ایتم آل محمد علیهم السلام، به نقل از فضل بن حسن طبرسی مفسر نقل کرده است. (2) در فصل سوم، ده حدیث مسند در موضوعات پراکنده نقل کرده است. فصل چهارم مقدمه، شامل 166 حدیث نبوی مرسل است که نویسنده، با تکیه بر طُرُقی که پیش تر یاد شد، نقل کرده است. این روایات، در موضوعات پراکنده فقهی و کلامی است. از آن جا که احتمال دارد برخی روایات این فصل با یکدیگر یا با دلیل عقلی تعارض داشته باشند، ابن ابی جمهور، در پایان این فصل، تأکید کرده که خواننده باید در این تعارض ها تأمل کند و وجه جمع را بیابد که جمع میان دلیلین، مقدم بر فرو گذاشتن یکی از آنهاست. (3) فصول پنجم، ششم و هفتم نیز شامل احادیث پراکنده در موضوعات مختلف است.

1- همان، ج 1، ص 13 \_ 14.

2- همان، ص 16 \_ 18. همه این احادیث از الاحتجاج احمد بن علی طبرسی است که به طبرسی مفسر، نسبت داده شده است.

3- همان، ص 79 \_ 80.

فصل هشتم، در برگزیده احادیثی است که ابن ابی جمهور، توسط یکی از طرق هفتگانه خود از پیامبر اکرم نقل نموده است. این فصل، شامل 283 روایت است. گفتنی است که بر پایه تخریج های محقق کتاب، بسیاری از احادیثی که در فصول یاد شده آمده، در منابع حدیثی اهل سنت، موجود است. فصل نهم، به احادیث مربوط به ابواب فقهی اختصاص یافته که برخی از اصحاب در برخی کتب آورده اند و نویسندگان با طریق خود به ایشان، آنها را نقل کرده است. فصل دهم نیز شامل احادیثی درباره احکام و آداب دینی است. پس از مقدمه های دهگانه - که شامل احادیث نبوی بودند - دو باب گشوده که هر کدام در چند «مسلك» سامان یافته است. روایات باب اول - که مرتب به ابواب فقهی نیستند - شامل مسلك های زیر است: مسلك اول، احادیثی که برخی از متقدمان امامیه نقل کرده اند و اسناد آنها به پیامبر صلی الله علیه و آله یا ائمه علیهم السلام بر می گردد. در این مسلك، 132 روایت از مصادر گوناگون، آمده است. مسلك دوم، روایات در زمینه مصالح دین آمده، که جمال المحققین (علامه حلّی) در برخی کتاب های خود، روایت کرده است. مسلك سوم، در احادیث فقهی است که شهید اول در آثار خود، آورده است. مسلك چهارم، شامل روایاتی است که نویسندگان از طریق مقداد سیوری نقل کرده است. باب دوم، در احادیث مربوط به ابواب فقهی است که به ترتیب ابواب فقهی نقل شده است. این باب، در دو قسم است. قسم اول احادیثی که از طریق فخرالمحققین و به ترتیب علامه حلّی، مرتب به ابواب فقهی است. قسم دوم، شامل احادیث فقهی است که احمد بن فهد حلّی، نویسنده المهذب البارع، روایت کرده و بر ترتیب محقق حلّی، صاحب الشرائع، مرتب شده است. ابواب

این بخش، بسی افزون تر از ابواب بخش نخست است. خاتمه کتاب نیز مشتمل بر دو «جمله» است. جمله اول، شامل احادیث متفرقه افزون بر آنچه در ابواب پیشین آمده است و جمله دوم، شامل احادیث مربوط به علم و اهل علم. از آخرین احادیث کتاب، «مرفوعه زراره» و «مقبوله عمر بن حنظله» در باب تعادل و تراجیح اخبار است که ابن ابی جمهور، پس از پایان روایات، در ضمن يك «تنبیه»، به بیان چگونگی جمع و سازگاری دادن میان اخبار متعارض، بر پایه احادیث یاد شده، پرداخته است. بحث بعدی مؤلف، بیان اقسام حدیث است که در بخش درایه، به گزارش دیدگاه های وی خواهیم پرداخت. پایان بخش کتاب، ذکر دو حدیث درباره فضیلت ذریه امیر مؤمنان، به نقل از منهج الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین علامه حلی است. (1) کتاب عوالی، از مصادر بحار الأنوار (2) و مستدرک الوسائل (3) است. عوالی اللئالی، از دیرباز، در بوته نقد فقیهان و محدثان بوده و نویسنده آن به خلط غث و سمین احادیث، اهمال و ارسال در نقل حدیث و خلط احادیث شیعه و اهل سنت، متهم شده است. علامه مجلسی، در عین حال که تصریح کرده در مواردی از کتاب های احسایی در تألیف بحار الأنوار، حدیث نقل می کند؛ اما در بخش توثیق مصادر بحار الأنوار، نوشته است:

1- احادیث یاد شده در کشف الیقین علامه حلی آمده است.

2- بحار الأنوار، ج 1، ص 13. نام کتاب در بحار الأنوار، «عوالی» ضبط شده است.

3- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 331.



کتاب «عوالی اللثالی» و این کان مشهوراً و مؤلفه فی الفضل معروفاً، لکنه لم یمیز القشر من اللباب وأدخل أخبار متعصبی المخالفین بین روایات الأصحاب، فلذا اقتصرنا منه علی نقل بعضها ومثله کتاب «نثر اللثالی». (1) محقق بحرانی، در مقام نقد «مرفوعه زراره» که ابن ابی جمهور روایت کرده، می نویسد: اذّا لم نقف علیها فی غیر کتاب «عوالی اللثالی»، مع ما هی علیه من الرفع و الإرسال و ما علیه الکتاب المذكور من نسبة صاحبه إلى التساهل فی نقل الأخبار والإهمال و خلط غثها بسمینها و صحیحها بسقیمها كما لا یخفی علی من وقف علی الکتاب المذكور. (2) شیخ انصاری نیز در فرائد الأصول، سخن شیخ یوسف بحرانی را نقل و تأیید کرده است. (3) پس از شیخ انصاری، برخی دیگر از فقیهان و اصولیان نیز به نقد کتاب عوالی پرداخته اند. (4) شیخ حرّ عاملی، در نگارش وسائل الشیعة، از عوالی بهره نبرده که می تواند نشانه عدم اعتماد وی به این کتاب باشد. (5) نویسنده روضات الجنّات نیز از منتقدان ابن ابی جمهور است. (6) برخی نیز به دفاع از ابن ابی جمهور و آثار او از جمله عوالی اللثالی پرداخته اند که از آن میان، می توان به سیّد نعمة الله جزائری در شرح خود بر عوالی،

- 
- 1- بحار الأنوار، ج 1، ص 31.
  - 2- الحدائق الناضرة، ج 1، ص 99. نیز، ر.ک: لؤلؤة البحرين، ص 167.
  - 3- فرائد الأصول، ج 2، ص 116.
  - 4- ر.ک: فوائد الأصول، ج 3، ص 389؛ أصول الفقه، ج 2، ص 219.
  - 5- ر.ک: خاتمة وسائل، فایده چهارم. در هامش نسخه اصل خاتمه وسائل، به نقل از شیخ حرّ، به نام کتاب هایی که مورد اعتماد وی نبوده و در نتیجه، مورد استفاده وی نبوده اند، اشاره شده، که کتاب عوالی، المجلی والأحادیث الفقهیة ی ابن ابی جمهور نیز از جمله آنهاست (ر.ک: خاتمة وسائل الشیعة، ص 159 \_ 160).
  - 6- ر.ک: روضات الجنّات، ج 7، ص 33.

محدث نوری در خاتمة مستدرک (1) اشاره کرد. مرحوم آية الله سيد شهاب الدين مرعشي، با دسته بندی نقدهای مطرح درباره کتاب و نویسنده آن، به اختصار به آنها پاسخ داده است. (2) کتاب عوالی، با تحقیق شیخ مجتبی عراقی، براساس دو نسخه خطی کهن موجود در کتاب خانه آية الله بروجردی و آية الله مرعشی، در چهار جلد، منتشر شده است. در مقدمه کتاب نیز رساله الردود والنقود آية الله مرعشی در دفاع از کتاب عوالی و نویسنده آن، آمده است. نیز در پایان جلد چهارم، فهرست الفبایی احادیث در قالب رساله نظم اللئالی فی ترتیب احادیث العوالی، توسط محمد مهدی نجف، تهیه شده است. سید نعمة الله جزائری نیز کتابی به نام جواهر العوالی فی شرح العوالی یا مدینة الحدیث در شرح کتاب عوالی نگاشته است. در پانوشت های نسخه چاپی، مواردی از کتاب یاد شده نقل شده و با رمز «ج» به آن اشاره شده است. نیز از آن جا که در دو نسخه خطی مستند تحقیق، حواشی و شروحي از خود ابن ابی جمهور وجود داشته، در پاورقی های کتاب آمده و با رمز «معه» به مأخذ آنها اشاره شده است. در پایان، توجه به نکاتی درباره کتاب عوالی، مفید به نظر می رسد: 1. مأخذ بسیاری از روایاتی که در متون و محافل فقهی متأخر متداول شده، کتاب عوالی است؛ مانند این روایت که: «الناس مسلطون علی انفسهم». (3) 2. بیشتر روایات کتاب، مرسل است، اما ابن ابی جمهور، معتقد است که عدم ذکر راوی، در صورتی که دانسته شود که راوی تنها از ثقات نقل می کند، حدیث او را

1- ر.ک: خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 331 به بعد.

2- ر.ک: عوالی اللئالی، ج 1، مقدمه آية الله مرعشی.

3- محقق کتاب، فهرستی از این گونه روایات، در پایان جلد دوم، سوم و چهارم، به دست داده است.

**2. دُرَرُ اللَّائِي**

مسند می کند . (1) 3 . همچنان که از تخریج های محقق کتاب بر می آید ، بسیاری از روایات در منابع حدیثی اهل سنت ، موجود است . به نظر می رسد با توجه به تأکید ابن ابی جمهور بر نقل همه روایات از طُرُق امامی ، این روایات ، از راه متون فقهی شیعه که در آنها در مقام بحث و استدلال ، به احادیث اهل سنت استناد می شود ، بویژه کتاب های مربوط به فقه تطبیقی مانند الخلاف شیخ طوسی و تذکرة الفقهاء علامه حلی برگرفته شده است . به هر حال ، چنین می نماید که با استخراج رایانه ای بتوان شمار قابل توجهی از روایات را نشان داد که تنها در منابع اهل سنت آمده یا مأخذ حدیثی شناخته شده ای ندارند . سخن ناقدان کتاب عوالی درباره خلط روایات شیعه با اهل سنت ، ناظر به این بخش از روایات است . 4 . در بخش های خاصی از کتاب (مانند تمام جلد اول) ، روایات ، صرفاً از پیامبر اکرم نقل شده است . این امر ، ممکن است نشانگر رویکرد خاص نویسنده در عرضه احادیث فقهی باشد که وی را به نقل روایات اهل سنت نیز کشانده است .

2. دُرَرُ اللَّائِي نام کامل کتاب ، دُرَرُ اللَّائِي الْعِمَادِيَّة فِي الْأَحَادِيثِ الْفَقْهِيَّةِ وَنِجَاشِ ابْنِ أَبِي جَمْهُورٍ أَحْسَائِيٍّ است . محدث نوری و محقق تهرانی تصریح کرده اند که نام صحیح کتاب ، بنا به تصریح ابن ابی جمهور در مقدمه ، همان است ؛ (2) اما شیخ حرّ عاملی در أمل الآمل و نویسنده ریاض العلماء به الأحادیث الفقهية على مذهب الإمامية تعبیر کرده اند (3)

- 
- 1- «ولا يلزم من عدم ذكر اسم المنقول عنه في هذا المسلك أن يكون من المرسل، لما تقرر في الأصول أن الراوي إذا علم من حاله أنه لا يروى إلا عن الثقات، كان إرساله إسناداً» (عوالی اللّائی، ج 1، ص 302، حاشیه).
  - 2- خاتمة مستدرک، ج 1، ص 346؛ الذريعة، ج 8، ص 133 (ش 496).
  - 3- أمل الآمل (تذکرة المتبحرين)، ج 2، ص 253 (ش 749)، ریاض العلماء، ج 5، ص 50.

و مجلسی آن را نشر اللّٰثالی (1) و خوانساری اللّٰثالی العزیزیه فی الأحادیث النبویه والإمامیه (2) نامیده اند . علامه مجلسی ، در یادکرد مصادر بحار الأنوار ، تأکید کرده که از عوالی و درر اللّٰثالی در برخی موارد ، حدیث نقل می کند . البته درباره هر دو کتاب ابن ابی جمهور گفته که وی ، پوسته را از مغز جدا نکرده و احادیث مخالفان متعصّب را در میان روایات امامیه ، وارد کرده است ؛ (3) اما محدّث نوری ، به دفاع از اعتبار کتاب پرداخته و آن را از مصادر مستدرک قرار داده است . (4) موضوع کتاب درر اللّٰثالی ، بیان احادیث فقهی است که نویسنده ، آن را پس از عوالی نگاشته است . (5) بنا به گفته محدّث نوری ، این کتاب ، دارای يك «مقدمه» ، سه «قسم» و «خاتمه» است . مقدمه ، شامل اخبار نبوی در ترغیب به انجام عبادات است ، اقسام سه گانه در ابواب فقهی به ترتیب ، و خاتمه در باب اخلاق است . (6) نگارش کتاب ، اواخر شوّال سال 899 و تیبیض (پاکنویس) آن به سال 901 ق ، در استرآباد به انجام رسیده است . محدّث نوری و شیخ آقا بزرگ ، تأکید کرده اند که روایات کتاب ، از کتب اربعه استخراج شده است . 7 ابن ابی جمهور ، درر اللّٰثالی را در روزگار احمد کورکی برای امیر عماد الدین نگاشته است .

- 
- 1- بحار الأنوار ، ج 1 ، ص 31 .
  - 2- روضات الجنّات ، ج 7 ، ص 26 .
  - 3- بحار الأنوار ، ج 1 ، ص 31 .
  - 4- ر.ك: خاتمة مستدرک الوسائل ، ج 1 ، ص 345 .
  - 5- همان جا .
  - 6- همان جا؛ الذریعة ، ج 8 ، ص 133 (ش 496) .

## گزینش متون حدیثی

## الف. آثار چاپی

## 1. المستجد من کتاب الإرشاد

گزینش متون حدیثی از فعالیت های حدیثی دوره مورد بحث، شامل تلخیص و گزینش متون حدیثی متقدم است. در این بخش، به معرفی این آثار می پردازیم.

الف) آثار چاپی 1. المستجد من کتاب الإرشاد این کتاب، برگزیده کتاب إرشاد العباد شیخ مفید است. محقق تهرانی، در گزارش نسخه ای از آن در نجف، گفته است که بر ظاهر نسخه به خط کاتب آمده که نگاشته علامه حلی است؛ اما در خود کتاب، نام علامه نیامده است. همو می افزاید که در آخر جزء دوم المستجد آمده که نگارش کتاب، به سال 682 ق، پایان یافته است. کتابت، تصحیح و مقابله این نسخه، توسط ابو الخیر محمود بن عیسی بن رفیع، به سال 982 ق، انجام پذیرفته است. (1) سه چاپ از این کتاب، در دسترس است. نخست، ضمن مجموعه نفیسه، که به دستور آیه الله مرعشی نجفی توسط مکتبه بصیرتی قم، به سال 1396 ق، چاپ سنگی شده است. مجموعه نفیسه، همچنین توسط دار القاری بیروت، به سال 1422 ق، بدون تحقیق، چاپ حروفی شده است. چاپ تحقیقی جداگانه کتاب نیز با تحقیق محمود بدری، توسط مؤسسه معارف اسلامی به سال 1417 ق، عرضه شده است. تکیه محقق بر همان نسخه چاپ سنگی بوده است که مشخصات آن را محقق تهرانی آورده است. نویسنده المستجد، در مقدمه یاد کرده که کتاب بر نام ها و تاریخ و برخی احوال

1- الذریعة، ج 21، ص 3 (ش 3669).

## 2. الدلائل البرهانية في تصحيح الحضرة الغروية

ائمّه عليهم السلام مشتمل بوده و نام آن ، المستجد من كتاب الإرشاد است . (1) به هر روی ، كتاب ، تلخیصی است از كتاب الإرشاد شیخ مفید ، که نویسنده از هر فصل كتاب ، بخشی را آورده است .

2. الدلائل البرهانية في تصحيح الحضرة الغروية این كتاب ، در تلخیص فرحة الغری از سید عبدالکریم بن طاووس (م 693 ق) است . هر چند در خلاصة الأقوال و اجازة مبسوط علامه حلّی به بنی زهره از این كتاب یاد نشده ، در برخی منابع كتاب شناسی و تراجم نگاری ، این اثر به ایشان نسبت داده شده است . نویسنده ریاض العلماء ، در شرح حال علامه حلّی نوشته است که میرمنشی در رساله تاریخ قم ، این كتاب را به علامه حلّی نسبت داده است . وی احتمال داده که كتاب ، از آن شخص دیگری است و میرمنشی ، در انتساب كتاب به علامه ، اشتباه کرده است . (2) وی ، همچنین در شرح حال عبدالکریم بن احمد بن طاووس می گوید : یکی از علما ، كتاب فرحة الغری را تلخیص کرده و الدلائل البرهانية في تصحيح الحضرة الغروية نامیده است . آن را در تهران دیدم و مؤلفش را نشناختم . (3) خوانساری نیز به نقل از برخی تواریخ فارسی درباره قم ، این كتاب را به علامه حلّی نسبت داده است . (4) سید محسن امین نیز با استناد به گفته میرزای افندی ، در بخش كتاب های

1- .مجموعه نفیسه، ص 247 (چاپ سنگی)؛ المستجد، ص 31.

2- .ریاض العلماء، ج 1، ص 379 .

3- .همان، ج 3، ص 66 .

4- .روضات الجئات، ج 2، ص 275 .

منسوب به علامه حلّی، از این رساله یاد کرده و گفتار وی را نقل کرده است. (1) محقق تهرانی، پس از نقل سخن صاحب ریاض، در دفاع از انتساب کتاب به علامه حلّی می گوید: وی، کتاب را رؤیت نکرده است. اگر اسانید مذکور در آن را می دید، در صحّت انتساب کتاب به وی، تردید نمی کرد. (2) از سوی دیگر، عالم بزرگوار سیّد احمد بن شرف حسینی قمی، نسخه الدلائل البرهانیّة را به خطّ خود در قم و به سال 978 ق، از نسخه ای که بر ظهر آن دست خطّ علامه حلّی بوده است، نگارش کرده است. محقق تهرانی، این نسخه را در تهران رؤیت کرده که کاتب بر ظهر آن نوشته که کتاب، نگاشته علامه حلّی است. وی، سپس به معرفی نسخه های خطّی دیگر کتاب، پرداخته است. (3) ظاهراً منظور وی از اسانید کتاب الدلائل البرهانیّة، نقل های موجود در آن است که با یکی از این تعبیر شروع می شود: «أخبرني والدي عن الفقيه محمد بن نما . . .» (4)، «أخبرني الفقيه نجم الدين أبو القاسم جعفر بن سعيد . . .» (5) و «أخبرني الوزير رئيس المحققين نصير الدين محمد بن أبيه . . .» (6) نویسنده الذریعة، همگی این افراد را از مشایخ علامه حلّی دانسته است. به نظر می رسد که استدلال محقق تهرانی، ناتمام است؛ زیرا این افراد، از مشایخ عبدالکریم بن طاووس نیز هستند و اسانید یاد شده در فرحة الغرّی آمده و عیناً در الدلائل البرهانیّة نیز تکرار شده. (7) و نویسنده الذریعة پنداشته که علامه حلّی از مشایخ

- 
- 1- أعيان الشيعة، ج 5، ص 407.
  - 2- الذریعة، ج 8، ص 248 (ش 1022).
  - 3- همان جا.
  - 4- فرحة الغری، ص 77.
  - 5- همان، ص 79.
  - 6- همان، ص 67، 87 و 93.
  - 7- اسانید مذکور در الدلائل البرهانیّة، به ترتیب در ص 849، 850 و 847 آمده است.

خود، نقل می کند. از سوی دیگر، در متن الدلائل البرهانیة آمده: «يقول عبدالرحمان بن محمد بن عتائقی \_ عفا الله عنه \_» (1) که این تعبیر، نشانگر آن است که کتاب از وی است؛ زیرا احتمال نقل علامه حلّی از ابن عتائقی، به سبب خردسالی وی در زمان حیات علامه، ضعیف است. (2) محدث ارموی این تعبیر را از باب نقل اکابر از اصاغر دانسته و در عین حال، تصریح کرده که اگر عالمان [ تراجم ] این کتاب را به علامه حلّی نسبت نداده بودند، می گفتم که از آن ابن عتائقی است؛ چرا که عبارت یادشده، ظهور در این امر دارد. (3) با توجه به آنچه یاد شد، انتساب کتاب به ابن عتائقی، موجه تر به نظر می رسد. بویژه آن که وی به گزینش متون متقدم علاقه مند بوده و آثار دیگری نیز تلخیص نموده است. (4) به هر روی، گزینش کننده کتاب، در ابتدای آن تصریح کرده که کتاب ابن طاووس را متضمن ادله قاطعی در تعیین موضع مرقد مطهر امیر مؤمنان علیه السلام یافته و بیشتر آن را با حذف اسانید و مکرات، گزینش کرده است. (5) کتاب به سان اصل، دارای دو مقدمه و پانزده باب است. از نسخه های خطی کتاب، نسخه نگارش یافته توسط محمدحسین خادم کتابدار، به سال 1090ق، موجود در مدرسه شهید مطهری و نسخه موجود در آستان قدس رضوی، شایان ذکر است. (6)

1- همان، ص 867.

2- زادروز ابن عتائقی، دانسته نیست؛ اما وی در سال 786 ق، زنده بوده است (ر. ک: ریاض العلماء، ج 3، ص 106).

3- الدلائل البرهانیة (الغارات)، ج 2، ص 867.

4- ر. ک: الحقائق الراهنة، ص 111.

5- الدلائل البرهانیة، ص 837.

6- مکتبة العلامة الحلّی، ص 29.



**3. مختصر کتاب علاء بن رزین****4. الدرّة الباهرة**

الدلائل البرهانیّة، به همت شادروان محدّث ارموی، بر پایه دست نوشته میرزا محمّد بن محمّد نظیر (نگارش: ذی قعدة 1019) (1) در بخش تعلیقات کتاب الغارات (ج 2 ص 837\_880) انتشار یافته است.

3. مختصر کتاب علاء بن رزین (2) این کتاب، در برگرفته روایاتی از امام باقر علیه السلام، به روایت علاء بن رزین از محمّد بن مسلم است. شیخ شمس الدین محمّد جبعی، جدّ شیخ بهایی، از عالمان این دوره در بیستم جمادی اوّل سال 860، این کتاب را از روی دست خط شهید اوّل، استنساخ کرده است. کتابت شهید اوّل در روز جمعه هجدهم رمضان سال 763، از روی دست خط ابن ادريس حلّی است. ظاهراً گزینش و اختصار کتاب علاء، توسط ابن ادريس حلّی انجام شده است. مختصر اصل علاء بن رزین، به عنوان اصل پانزدهم مجموعه الأصول السّنة عشر، بار نخست با مقدّمه آقای حسن مصطفوی توسط دار الشبستری للمطبوعات قم (چاپ دوم، 1363) و دیگر بار با تحقیق ضیاء الدین محمودی و به دست یاری نعمة الله جلیلی و مهدی غلامعلی، به سال 1381 ش، توسط مؤسسه دارالحديث قم انتشار یافته است.

4. الدرّة الباهرة (3) نام کامل کتاب، الدرّة الباهرة من الأصداف الطاهرة، نوشته شهید اوّل است. ظاهراً تا پیش

1- الدلائل البرهانیّة، ص 880.

2- ر.ک: خاتمة مستدرک، ج 1، ص 101؛ الذریعة، ج 20، ص 179 (ش 2481) و ص 204 (ش 2589) و ج 2، ص 164 (ش 604)؛ الأصول السّنة عشر، تحقیق: ضیاء الدین محمودی، ص 90\_95.

3- بحار الأنوار، ج 1، ص 10 و 29؛ تکملة أمل الآمل، ص 368؛ كشف الحجب والأستار، ص 210؛ الذریعة، ج 8، ص 90 (ش 327).

از علاّمه مجلسی، گزارشی از این کتاب در دست نیست. علاّمه، در یادکرد مصادر بحار الأنوار گفته است: کتاب الدرّة الباهرة من الأصداف الطاهرة نیز به گمانم از شهید اول است و این کتاب به نقل از دست خط شهید، نزد من موجود است. (1) ایشان، همچنین در بخش توثیق مصادر بحار الأنوار، الدرّة الباهرة را در برگرفته سخنانی کوتاه از پیامبر صلی الله علیه و آله و یکایک ائمه علیهم السلام دانسته و تأکید کرده که این کتاب، مانند سایر کتاب های شهید، مشهور نیست. (2) میرزا عبد الله افندی نیز احتمال داده که این کتاب، از شخصی غیر از شهید باشد. (3) از سوی دیگر، محقق کتاب، آقای عبد الهادی مسعودی، از متقدم ترین نسخه آن، یعنی نسخه علاّمه مجلسی - که در مجموعه جباعی (ص 258 - 266) آمده - این عبارت را گزارش کرده است: و کتب محمد بن مکی بالمدينة المشرفة مدينة سيدنا رسول الله صلى الله عليه و آله في سنة خمسين وسبعمئة حامداً و مصلياً. (4) البته کتابت، اعم از تألیف است و ممکن است منظور، استنساخ باشد. به هر روی، الدرّة الباهرة، مجموعه موجزی است که می توان آن را به گونه ای مسند معصومان علیهم السلام دانست. محقق کتاب، از استخراج روایات آن به این نتیجه رسیده که در حدود سه چهارم روایات آن، برگرفته از نزّهة الناظر حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی، و بقیه از منابع دیگر (مانند: الکافی، تحف العقول و نثر الدر) است.

1- بنگرید به: آداب آموختن: ص 331 «اخلاص» / ص 367 «آموختن برای غیر خدا».

2- بحار الأنوار، ج 1، ص 10.

3- همان، ص 29.

4- تعلیقة أمل الآمل، ص 79.

**5. مجموع الغرائب**

احتمال می رود که شهید اول، همچنان که به تلخیص الجعفریات پرداخته (1) و اختصار کتاب علاء بن رزین را استنساخ نموده، (2) برخی از احادیث نزهة الناظر را نیز گزینش و نگارش نموده و احادیثی دیگر بر آن افزوده که جباعی، آن را در مجموعه خود، نقل کرده است. از نسخ خطی کتاب، افزون بر نسخه موجود در مجموعه جباعی (کتاب خانه ملی ملک، ش 604) به نسخه موجود در کتاب خانه آستان قدس (ضمن مجموعه ش 6763) می توان اشاره کرد که البته به کیدری نسبت داده شده است. دو تحقیق از کتاب در دست است. نخست، تحقیق آقای داوود صابری که به سال 1365 ش، توسط انتشارات آستان قدس منتشر شده و تحقیق دیگر، همراه با ترجمه توسط آقای عبد الهادی مسعودی انجام پذیرفته که به همت انتشارات زائر قم، به سال 1379 ش، انتشار یافته است.

5. مجموع الغرائب (3) نام کامل کتاب، مجموع الغرائب و موضوع الرغائب، نوشته تقی الدین ابراهیم کفعمی، عالم، محدث و ادیب قرن نهم هجری است. نسخه خطی کتاب، در کتاب خانه آستان قدس رضوی موجود است که مربوط به قرن دوازدهم و سیزدهم هجری است. (4) مجموع الغرائب، به سان کشکول، در زمینه های گوناگون علوم اسلامی، اعم از ادبیات، تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، حدیث، آداب و اخلاق است. کفعمی، در مقدمه، تصریح کرده که این کتاب را از کتاب بزرگ خود که با استفاده از هزار کتاب و نوشته گردآوری کرده، برگرفته است.

1- الدرّة الباهرة، ص 8 (مقدمه).

2- الذریعة، ج 1، ص 356 (ش 1872).

3- ر.ک: موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 1، ص 323.

4- همان جا.

کتاب، گلچینی از آثار پیشینیان را در بر گرفته که برخی گزیده ها در حدّ يك یا دو صفحه است. کفعمی، ابتدا به نام کتاب مورد نظر، تصریح کرده و سپس، گزیده آن را می آورد. اهمّیت کتاب، بیشتر از آن روست که اصل بسیاری از مصادر مورد استفاده کفعمی از میان رفته و تنها گزارش برگزیده ای از آنها در این کتاب در دسترس است. برخی از گزینش ها از کتاب های حدیثی بوده است. منابع حدیثی یا مرتبط با حدیث کفعمی عبارت اند از: 1. کشف المحجّة، از ابن طاووس، (1) 2. مطالع الأنوار فی فضائل الأئمّة الأنوار (احتمالاً الأبرار)، از ابوجعفر محمّد بن حامد بن عبد الوهاب، (2) 3. شرح نهج البلاغة، از ابن ابی الحدید، (3) 4. الأملی، شیخ طوسی، (4) 5. الذریعة إلى مکارم الشریعة، از راغب اصفهانی، (5) 6. مکارم الأخلاق، از طبرسی، (6) 7. مصادقة الإخوان، از صدوق، (7) 8. کتاب ابن فهد (احتمالاً عدّة الدّاعی)، (8) 9. الرسالة التکلیفیة، از شهید اول، (9) 10. عقاب الأعمال، از صدوق، (10) 11. فتح الأبواب، از سیّد بن طاووس، (11) 12. مجموعة ورام، (12) 13. التّمحیص، از ابن شعبه حرّانی، (13) 14. قضاء حقوق المؤمنین، از سدید الدین ابو علی بن طاهر صوری (14)

1- .مجموع الغرائب، ص 155.

2- .همان، ص 157.

3- .همان، ص 158.

4- .همان، ص 164.

5- .همان، ص 168.

6- .همان، ص 170.

7- .همان، ص 179.

8- .همان، ص 180.

9- .همان، ص 181.

10- .همان، ص 182.

11- .همان، ص 184.

12- .همان، ص 240 و 419.

13- .همان، ص 241. برخی کتاب را از ابن همام اسکافی دانسته اند.

14- .همان، ص 244.

**6. مختصر بصائر الدرجات**

(عالم امامی قرن ششم)، 15. الزهد، از حسین بن سعید اهوازی، (1) 16. البصائر، از صفّار، (2) 17. مشارق الأنوار وحقائق الأسرار فی معرفة أئمة الأطهار والهداة الأبرار، از برسی، (3) 18. الدلائل، از نقیب حسین بن حمدان، 19. تأویل ما نزل من القرآن فی أهل البيت عليهم السلام، 20. المجتبی فی مناقب أهل العباء، از سعدالدين محمود بن محمد، 21. نسبة الطيبين الطاهرين، از علی بن احمد بن اسحاق بن جعفر علوی، 22. فتاوی الفتوات (بدون ذکر نام مؤلف)، 23. شرح الفتوة وتفصيل المروّة، 24. الأنوار المضیئة فی الحکمة الشرعیة، از سید بهاء الدین نیلی، 25. نهج الحق، از علامه حلّی، 26. البلاغتين للمصطفی والمرتضی، 27. كشف الغمّة، از ابو طالب محمد بن احمد بن محمد علقمی، 28. المثالب (احتمالاً از ابن شهر آشوب) 29. الغرر والأخبار الفتن والأشعار (كذا)، از یحیی بن علی بن زهره حسینی 30. الأربعین، از شهید اول (با حذف اسانید) 31. السرائر، از ابن ادريس، 32. كشف الحجاب عن أحاديث الشبهات، از حسن بن محمد بن حسن صنعانی، 33. مطالب السؤل، از محمد بن طلحه شافعی، 34. الفوائد الملتقطة والحکم المفرطة، از ابن عتّاقی، 35. الشهاب فی الحکم والآداب، 36. دستور معالم الحکم، هر دو از قضاعی. مجموع الغرائب، با تحقیق سیّد مهدی رجایی، به همت مؤسسه انصار الحسین علیه السلام به سال 1412 ق، در تهران انتشار یافته است. اساس تحقیق، نسخه منحصر به فرد کتاب خانه آستان قدس بوده است. (4)

6. مختصر بصائر الدرجات این کتاب، در بخش مناقب و تاریخ ائمه علیهم السلام معرفی شد.

1- همان، ص 245.

2- همان، ص 247.

3- همان، ص 249. محقق کتاب، یادآوری کرده که مطلب نقل شده، در مشارق الأنوار معروف، موجود نیست.

4- مجموع الغرائب، ص 13 (مقدمه).

**ب . کتب خطی و نایاب****1. منهاج الصلاح فی اختصار المصباح****2. مجموعه های شهید اول**

ب) کتب خطی و نایاب 1. منهاج الصلاح فی اختصار المصباحین کتاب ، نگاشته علامه حلّی است که در آن ، مصباح المتهجد شیخ طوسی را در ده باب ، تلخیص کرده است . علامه ، سپس باب حادی عشر را در علم کلام و عقاید پرداخت و بدان افزود . نگارش کتاب ، به خواهش وزیر خواجه عز الدین ابی منصور محمد بن محمد بن منصور قوهدی رازی است و در یازدهم ذی حجه 723 ، نگارش آن را به پایان برده است . (1) میرزا حسین نوری ، احادیثی از این کتاب ، در مستدرک الوسائل نقل کرده است . (2) این احادیث ظاهراً از افزوده های علامه حلّی است . نسخه های خطی این کتاب ، در مکتبة العلامة الحلّی معرفی شده است . از جمله ، نسخه ای به خط محمد بن علی طبری ، که کتابت آن در شوال سال 733 ، انجام پذیرفته است . (3)

2. مجموعه های شهید اول (4) از شهید اول (م 786 ق) ، سه مجموعه با نگارش شیخ شمس الدین محمد بن علی جبعی (جدّ شیخ بهایی و شاگرد ابن فهد حلّی) گزارش شده است . تاریخ استنساخ مجموعه نخست توسط شیخ جبعی سال 861 ق ، است . این مجموعه ، در اختیار علامه مجلسی بوده و در بحار الأنوار ، از آن نقل کرده است . بنا به گزارش محقق تهرانی ، این مجموعه در اختیار محدث نوری نیز بوده و هم اکنون ، نزد فرزند وی ضیاء الدین نوری است . این مجموعه ، در حقیقت ، گزینشی از متون حدیثی متقدم

1- .مکتبة العلامة الحلّی، ص 198.

2- .مستدرک الوسائل ، ج 6 ، ص 263 و ج 12 ، ص 404 .

3- .ر.ک: همان جا.

4- .ر.ک: الذریعة، ج 20 ، ص 112 (ش 2166) ، ص 113 (ش 2167 و 2168) ؛ خاتمة مستدرک، ج 1 ، ص 382.

است . بنا به گفته ایشان ، فهرست مجموعه نخست از این قرار است : الأربعين في فضائل أمير المؤمنين ، از شیخ محمد بن احمد بن حسین نیشابوری (جدّ شیخ ابوالفتح رازی) ؛ الأربعين من الأربعين عن الأربعين ، از شیخ منتجب الدین علی بن عبیدالله (از نسل علی بن بابویه قمی) ؛ الأربعين از سیّد یحیی الدین ابو حامد محمد بن عبد الله بن علی بن زهره حلبی (پسر برادر ابو المکارم حلبی) و اخبار و احادیث پراکنده برگرفته از اصول پیشینیان ، مانند : کتاب الصلاة حسین بن سعید ، کتاب اسحاق بن عمّار ، کتاب معاذ بن ثابت ، کتاب علی بن اسماعیل میثمی ، کتاب معاویة بن حکیم ، کتاب ابراهیم بن محمد اشعری ، کتاب فضل بن محمد اشعری ، کتاب زید ، رساله ای در قرائات (احتمالاً از ابن مالک ، نویسنده الألفية) ؛ المجتبی فی الأدعیه ، از سیدین طاووس . در پایان الأربعين منتجب الدین ، تصریح شده که اتمام نگارش آن ، 21 رجب 861 در کَرْک نوح به قلم محمد بن علی جبعی ، از نسخه دست خطّ شیخ شمس الدین محمد بن مکی است که در حله به سال 776 از نسخه دست خط محمد بن محمد بن محمد بن علی حمدانی قزوینی (به سال 613 ق) کتابت شده است . (1) مجموعه دوم نیز به خطّ یکی از نوادگان شمس الدین محمد جبعی (به نقل از دست خطّ وی) از روی نسخه دست خطّ شهید اول ، نوشته شده که نزد محدث نوری بوده است . (2) مجموعه سوم نیز به وسیله شمس الدین محمد جبعی از دست خطّ شهید ، نگارش شده و شامل برگزیده ای از کتاب الجعفریات است . تاریخ پایان نگارش نسخه توسط محمد جبعی ، ششم ربیع اول سال 872 است . (3) گفتنی است در مجموعه شهید ، کتابی آمده به نام الاستدراك که نوشته یکی از

1- الذریعة، ج 20، ص 112 (ش 1266).

2- همان، ص 113 (ش 2167).

3- همان جا (ش 2168)، خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 383.

**3. مختصر تفسیر علی بن ابراهیم****4. مختصر الغيبة****5. مختصر الكافي**

عالمان پیشین امامیه است. تعبیر دست خط شهید اول درباره این کتاب، چنین است: کتاب الاستدراك لبعض قدماء الأصحاب ولم يظهر لي إلى الآن إسمه ولا شئ من حاله. نعم يروى عن الشيخ ابن قولويه فهو من معاصري المفيد. (1) علامه مجلسی، از این کتاب (به نقل از دست خط جبعی) استفاده کرده؛ اما گمان برده که کتاب، از آن شهید اول است. (2)

3. مختصر تفسیر علی بن ابراهیم این کتاب، نوشته کمال الدین عبد الرحمان بن محمد بن ابراهیم بن عتایقی است که اسانید و مکرات و برخی مطالب کتاب را که به نظر وی، ظهور در عدم عصمت انبیا و ائمه علیهم السلام داشته، حذف نموده است. (3) نسخه ای از کتاب، نزد صاحب روضات بوده که تاریخ فراغت از نگارش آن، 767 ق بوده است.

4. مختصر الغيبة این کتاب، نگاشته سید بهاء الدین علی بن عبد الکریم بن عبد الحمید نیلی نجفی است که از کتاب الغيبة فضل بن شاذان (/ شاذان) گزینش نموده است. (4) ظاهراً نسخه ای از کتاب، گزارش نشده است.

5. مختصر الکفایین کتاب، به زبان فارسی و اثر فریدالدین محمد بن محسن بیهقی، در توحید و

1- همان، ج 2، ص 22 (ش 72).

2- بحار الأنوار، ج 1، ص 29.

3- ابن عتایقی، نسبت به برخی مطالب تفسیر علی بن ابراهیم، دیدگاه انتقادی داشته است. بنا به گزارش خوانساری در آخر نسخه آمده «.. إنَّ مذهب أهل البيت عليهم السلام ليس ما يقوله هذا الرجل فليتأمل؛ فإنَّ مذهبهم تنزيه الأنبياء والأئمة عن جميع القبائح واعلم أنَّ لنا في كثير من هذا الكتاب نظراً فإنَّه لا يوافق [ال] مذهب الذي هو الآن مجمع عليه».

4- الذريعة، ج 20، ص 201 (ش 2574).



**6. اختصار تفسیر علی بن ابراهیم****7. اختصار علل الشرائع****8. اختصار المَجازات النبویة****9. اختصار زبدة البیان**

نبوت و امامت است که به سال 777 ق، کتابت آن به انجام رسیده است. نسخه ای از این کتاب، در کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران، به خطّ تاج الدین صاعد بن شمس الدین طوسی، در ضمن مجموعه ای موجود است که تاریخ کتابت آن، پانزدهم شوال 986 است. بنا به گزارش محققّ تهرانی، آغاز کتاب، چنین است. چون حکمت بسیار در قطره آب پدید آمد، باید آن را آرنده ای بُود دانا... (1)

6. اختصار تفسیر علی بن ابراهیم کتاب، نوشته شیخ کفعمی است. نویسنده ریاض العلماء، نسخه ای از آن را در شهر ایروان به خطّ نویسنده، ملاحظه کرده است. (2)

7. اختصار علل الشرائع این کتاب نیز اثر کفعمی است. (3)

8. اختصار المَجازات النبویة این کتاب نیز اثر کفعمی است. (4)

9. اختصار زبدة البیان زبدة البیان، برگرفته از تفسیر مجمع البیان، توسط بیاضی نباطی است که کفعمی، آن را تلخیص نموده است. (5)

1- همان، ص 203 (ش 2586).

2- ریاض العلماء، ج 1، ص 22؛ موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 1، ص 310؛ الذریعة، ج 1، ص 355 (ح 1871).

3- موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 1، ص 311 (ش 5)؛ الذریعة، ج 1، ص 356 (ش 1876).

4- الذریعة، ج 1، ص 358 (ش 1885)، موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 1، ص 311 (ش 10).

5- الذریعة، ج 1، ص 356 (ش 1875).

## اربعین نگاری

### الف. آثار چاپی

اربعین نگاری دانشمندان اسلامی از باب امثال فرمایش پیامبر اکرم در حفظ چهل حدیث، در طول تاریخ، به نگارش مجموعه های حدیثی با محتوای چهل حدیث از معصومان، در يك یا چند موضوع، دست یازیده اند. در دوره مورد بحث نیز چند نمونه از کتاب های چهل حدیث، گزارش شده که در این جا به معرفی آنها می پردازیم.

الف. آثار چاپی 1. الأربعون حدیثاً، از شهید اول (م 786 ق). (1) این کتاب، از مصادر بحار الأنوار است. (2) کهن ترین نسخه خطی این کتاب، نسخه نگاشته سلطان حسین محمدی در مشهد مقدس به سال 960 ق، است. (3) این نسخه، در تملک محمد محسن، مشهور به «تاج حسین» بوده که به دست محمد علی بن سید محمد هاشم روضاتی رسیده و در حاشیه آن، تعلیقات و تصحیحاتی آمده و اجازه سیف الدین خادم بن مخدوم حسینی به جعفر بن امام الدین تهرانی نقل شده است. (4) نویسنده الذریعة نیز نسخه ای نگاشته شده به سال 982 ق، را نزد سید عبد الحسین، رؤیت کرده است. (5) این کتاب، يك بار به سال 1314 ق، همراه با نثر اللئالی و يك بار به سال 1318 ق، همراه با الغیبة نعمانی و به سال 1407 ق، جداگانه با تحقیق مؤسسة الامام مهدی علیه السلام و اشراف سید محمد باقر موحد ابطحی، منتشر شده است. به تصریح نویسنده، بیشتر احادیث این کتاب، در باب عبادات شرعی است که

- 1- الذریعة، ج 1، ص 427 (ش 2185).
- 2- بحار الأنوار، ج 1، ص 10.
- 3- الأربعون حدیثاً، ص 13 (مقدمه).
- 4- همان جا.
- 5- الذریعة، ج 1، ص 427 (ش 2185).

«عام البلوی» و بسیار مورد تشویق است. بقیه احادیث نیز درباره مسائل دیگر است. (1) شیخ شهید، در ابتدای کتاب، پس از تأکید بر عنایت عالمان و فاضلان پیشین شیعه به گردآوری چهل حدیث از احادیث پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام، به دلیل حدیثی که با نقل صحیح و به الفاظ مختلف، درباره چهل حدیث از پیامبر خدا، شهرت یافته، (2) با سلسله اسناد خود، حدیث «من حفظ علی اُمّتی أربعین حدیثاً...» را نقل می کند و سپس، بقیه احادیث را می آورد. شیخ شهید، در همه احادیث، ملتزم است که سلسله سند خود را تا معصوم علیه السلام، نقل کند. مشایخ او در نقل احادیث این کتاب، عبارت اند از: 1. سیّد عمیدالدین عبدالمطلب حسینی حلّی، معروف به «عمیدی»، 2. فخر المحققین حلّی، 3. شیخ ابو محمد حسن بن احمد بن نما حلّی، 4. زین الدین علی بن احمد بن طراد مطار آبادی، 5. تاج الدین محمد بن معیّه حسنی، 6. سیّد شمس الدین محمد بن احمد بن ابی المعالی موسوی، 7. رضی الدین ابوالحسن علی بن احمد، معروف به «مزیدی». (3) از مصدريابی محققان کتاب بر می آید که احادیث آن از منابع معتبر حدیثی شیعه نقل شده است. نویسنده، گاه درباره واژگان دشوار و احکام شرعی برگرفته از حدیث، توضیح می دهد. (4) ترجمه ای از این کتاب به قلم آقای محمد علی کوشا به وسیله انتشارات نهانندی قم، منتشر شده است. 2. الأربعون حدیثاً، از شهید اول (مق 786 ق). بنا به نقل شیخ آقا بزرگ، شهید اول، حدیث واحدی را با سند واحد که شامل

1- الأربعون حدیثاً، ص 20.

2- همان، ص 17.

3- ر.ك: همان، ص 7\_8 (مقدمه).

4- ر.ك: همان، ص 22، 23، 34 و 35.

سفارش پیامبر خدا به امیر مؤمنان است، جداگانه نگاشته و روایت کرده است. (1) در ابتدای این روایت آمده است: یا علی! من حفظ من أمتی أربعين حديثاً يطلب بذلك وجه الله والدار الآخرة، حشره الله مع النبيين والصدّيقين والشهداء والصالحين وحسن أولئك رفيقاً. آن گاه، پیامبر اکرم، شماری از احکام دینی را برشمرده و در پایان روایت فرموده است: فهذه أربعون حديثاً، من استقام عليها وحفظها عني من أمتي، دخل الجنة برحمة الله... (2) علامه مجلسی، از این روایت، استظهار کرده که برای حفظ چهل حدیث، جایز است بر حفظ حدیث واحد، که مشتمل بر چهل حکم است، بسنده شود؛ زیرا بر روایت جداگانه هر يك از آن احکام، حدیث صدق می کند. (3) نویسنده الذریعة با توجه به سخن علامه مجلسی، روایت این حدیث را چهل حدیث دوم از شهید اول دانسته است. بنا به گفته ایشان، این اربعین به سال 1314 ق، چاپ شده است. (4) 3. الرسالة العلیّة فی الأحادیث النبویّة (شرح چهل حدیث نبوی)، از کمال الدین حسین واعظ کاشفی (م 910 ق). (5) نسخه های خطی این کتاب در کتابخانه لعله لی استانبول و مجلس شورای اسلامی و کتابخانه محدث ارموی در تهران، موجود است. نیز نسخه سیّد محمد جزائری در نجف به خطّ عبد الرضا بن عبد الله قاضی به سال 1063 ق، کتابت شده

- 
- 1- الذریعة، ج 1، ص 428 (ش 2186).
  - 2- این حدیث در الخصال (ص 543، ش 19) آمده است.
  - 3- بحار الأنوار، ج 2، ص 156. مقایسه شود با شرح أصول الكافی، ملا صالح مازندرانی، ج 2، ص 194.
  - 4- الذریعة، ج 1، ص 429 (ش 2186).
  - 5- همان، ج 11، ص 211 (ش 1262). كشف الظنون، ج 1، ص 278، هدیة العارفين، ج 1، ص 316.

است. (1) این کتاب که به نام عبد الله نقش بندی اصل نگاشته شده و شامل چهل حدیث نبوی است، دارای هشت «اصل» است که هر اصلی به پنج «وصل»، تقسیم می شود. اصول هشتگانه کتاب عبارت اند از: 1. در توحید، ایمان، اسلام، نعت حضرت رسول اکرم و صفت اولیا؛ 2. در عبادات و آنچه متعلق به آن است؛ 3. در فضایل قرآن و بعضی از دعوات و اذکار و معارف؛ 4. در مکارم اخلاق و محاسن اوصاف؛ 5. در اوصاف ردیه و رذایل اخلاق؛ 6. در آداب و وظایف اهل حکومت و امارت و ارباب علم؛ 7. در آنچه به ازمنه و امکانه و البسه و اطعمه و اشربه تعلق دارد؛ 8. در احادیث متفرقه. کاشفی، در آغاز کتاب خود، با ذکر حدیث: «من حفظ علی امتی». . . که آن را «خبر صحیح میمون الآثار بآسانید صحیحه از طُرُق شتی (پراکنده)» شمرده، انگیزه نگارش خود را پیروی از این حدیث شریف دانسته (2) و درباره محتوای کتاب و روش نگارش آن می نویسد: . . . چهل حدیث که جامع اکثر اصول عبادات، و مستجمع بیشتر مکارم اخلاق و محاسن عادات باشد، جمع کند در هشت اصل. هر اصلی، مشتمل بر پنج وصل و هر وصلی، منطوی بر حدیثی و نکته [ای] چند و مؤید هر حدیث، آیتی یا زیادت از کلام مجید در اول ایراد کند و احادیث دیگر، به استشهاد بیاورد و از ابیات و امثال و حکایات و آثار و حقایق و دقایق، آنچه مناسب وقت و زمان باشد، بر منصّه ظهور،

1- الذریعة، ج 11، ص 211 (ش 1262).

2- الرسالة العلیة، ص 1.

جلوه دهد و جهت متمیم فواید و تکمیل عواید، معانی احادیث به فارسی بیان کند؛ چه، نفع آن اتم و حظ آن، اشمَل و اعمّ است. (1) کتاب، دارای نثری شیوا و روان است و کاشفی، همه هنر علمی و ادبی خود را برای پیدایی آن به کار بسته است. (2) از آن جا که محقق بزرگوار کتاب، شادروان محدث ارموی درباره این کتاب از ابعاد گوناگون، هم در مقدمه مصحح، و هم در حواشی و تعلیقات خود که در پایان کتاب آمده، سخن گفته است، در این جا به یادآوری چند نکته بسنده می کنیم. واعظی، در نقل احادیث، منابع خود را ذکر نمی کند. از تخریج های مصحح محترم و برخی جستجوهای نگارنده آشکار شد که روایات، از منابع اهل سنت، اخذ شده است. در عین حال، روایتی به واسطه امام رضا علیه السلام از رسول خدا با این تعبیر نقل کرده است: «و از حضرت سلطان عالمیان امام رضا علیه السلام منقول است و در صحیفه احادیث ایشان، مسطور» که در صحیفه الرضا علیه السلام و عیون أخبار الرضا علیه السلام آمده و واعظی، ظاهراً از صحیفه الرضا علیه السلام برگرفته است. (3) روش کار واعظی در این کتاب، دارای ویژگی هایی است که می توان آن را سبک واعظانه در عرضه حدیث نامید. واعظی که خود واعظی زبردست هم بوده، در این کتاب نیز به همین شیوه عمل کرده است. از ویژگی های این سبک، افزون بر عدم نقل منابع و اسانید احادیث، بیان شیوا و روان، نقل اشعار، حکایات و لطایف است. ویژگی دیگر این کتاب، نقل مطالب و لطایف عرفانی در جای جای کتاب است. این مطالب، گاه از خود نویسنده است، و گاه به نقل از عرفای پیشین. در میان روایات

---

1- همان، ص 1\_2.

2- ر.ک: همان، مقدمه مصحح و تعلیقات و حواشی.

3- همان، ص 364. نیز، ر.ک: صحیفه الرضا علیه السلام، ص 102؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 30.

**ب. آثار خطی و نایاب****ترجمه متون حدیثی****1. تاریخ قم**

متن المختصر، چاپ حیدریه نجف، این گونه از این کتاب نقل کرده: «روی سعد الإربلی فی کتاب الأربعین قال (1) . . .» و پس از آوردن روایتی می گوید: «و روی فیه عن سلمان الفارسی . . .» (2) ظاهراً نسخه ای از این کتاب، گزارش نشده است.

ترجمه متون حدیثیاز پدیده های قابل توجه در حدیث شیعه در قرن هشتم و نهم هجری، ترجمه کتاب های حدیثی به فارسی است. البته با توجه به این که در ایران آن روزگار، از يك سو حکومت، و از سوی دیگر، اکثریت با اهل سنت بوده، شمار ترجمه ها محدود است. در این بخش، به معرفی ترجمه ها می پردازیم.

1. تاریخ قماصل این کتاب، نوشته حسن بن محمد بن حسن قمی است که معاصر شیخ صدوق بوده است. این کتاب، توسط حسن بن علی بن حسن بن عبد الله قمی و به دستور خواجه فخرالدین ابراهیم، پسر خواجه عمادالدین محمود، به سال 865 ق، به فارسی برگردانده شده است. (3) علامه مجلسی، از آن جا که به اصل کتاب، دسترس نداشته، در تدوین بحار الأنوار، از برگردان فارسی آن بهره برده است. (4) برای آشنایی با روش کار مترجم تاریخ قم، نمونه ای از ترجمه او را می آوریم: ایضاً به اسانید از ابی عبد الله الصادق علیه السلام روایت است که او فرموده که

1- المختصر، ص 100.

2- همان، ص 101.

3- ریاض العلماء، ج 1، ص 319.

4- بحار الأنوار، ج 1، ص 42.

**2. ترجمه کشف الغمّة****3. ترجمه سفارش نامه مالک اشتر**

شهر قم، شهر ما و شهر شیعه ماست. شهری است پاکیزه و مقدّسه و مطهّره، و ولایت و دوستی ما و اهل بیت ما قبول کرده است. هیچ جبّاری و ظالمی و سرکشی بدیشان قصد بد نکند و بدیشان بد نخواهد، الاّ که حقّ \_ سبحانه و تعالی \_ برو به تعجیل، عقوبت فرماید، مادام که به برادران خود، خیانت نکنند و نورزند... پس سرّ مبارک، سوی آسمان کرد و فرمود: «اللّهم اعصمهم من کلّ فتنة و نجّهم من کلّ هلكة»؛ یعنی: خداوندا، پاکا، منزها! اهل قم را از هر فتنه و بلا، نگاه دار و ایشان را از هلاک، رستگاری ده و برهان! (1) چاپ دوم این کتاب، با تصحیح سیّد جلال الدین تهرانی، توسط انتشارات توس در تهران انتشار یافته است.

2. ترجمه کشف الغمّة این ترجمه، از ابو سعید حسن بن حسین شیعی سبزواری است که به رؤیت صاحب ریاض، رسیده است. (2)

3. ترجمه عهدنامه مالک اشتر مترجم کتاب، حسین بن محمّد علوی آوی، از عالمان قرن هشتم هجری است. این ترجمه، به نام فرمان مالک اشتر، با مقدّمه محمّد تقی دانش پژوه، به سال 1359 ش، به همت بنیاد نهج البلاغه، انتشار یافته است. آوی، این ترجمه را برای شرف الدین علی فامینی در حدود 729 هجری انجام داده است. (3) برای آشنایی با نثر مترجم، قطعه ای از آن نقل می شود: مالک اشتر! بدان که من تو را به اقلیمی و ولایتی فرستادم که پیش از

1- تاریخ قم، ص 93.

2- ریاض العلماء، ج 1، ص 177؛ الذریعة، ج 8، ص 130 (ش 619).

3- فرمان مالک اشتر، ص 59.



## رویکرد صوفیانه

## اشاره

تو، دست دولت معدلت انبیا و اولیا و بزرگان و صالحان ملوک، بر آن ظفر یافته بود، و هم لشکر استیلا و تطاول و ستم در حوالی آن، مقام کرده، فی الجمله، عدل و ظلم اسلاف، آن را دارالملک قرار ساخته بود. (1)

رویکرد صوفیانه‌هاز پدیده‌های قابل توجه در حوزه فعالیت‌های حدیثی در قرن هشتم هجری، رویکرد صوفیانه به حدیث است. این رویکرد، مشخصاً در آثار سید حیدر آملی، عالم و عارف نامدار شیعه، قابل پیگیری است. با توجه به کثرت آثار عرفانی آملی، در این جا به معرفی کتاب مهم و معروف او، یعنی: جامع الأسرار و منبع الأنوار و بیان ویژگی‌های حدیثی آن می‌پردازیم. (2) آنچه در این جا درباره کتاب جامع الأسرار مطرح می‌شود، تا حدود زیادی درباره دیگر آثار وی نیز قابل تطبیق است. کتاب جامع الأسرار با تحقیق و فهرست نویسی هانری کربن و عثمان اسماعیل یحیی، توسط انستیتوی مطالعات ایران و فرانسه به سال 1347 ش، منتشر شده است. کتاب، دارای يك «مقدمه» و سه «اصل» است. هر اصل، شامل چهار «قاعده» است. در مقدمه بحثی درباره کتمان اسرار موجود در کتاب جامع الأسرار، آمده است. اصل نخست، در باب توحید و اقسام آن از چهار قاعده فضیلت توحید، تعریف توحید، تقسیم توحید و چگونگی توحید، سامان یافته است. اصل دوم، درباره استشهاد در باب حقیقت توحید و شامل استشهاد به کلام خدای تعالی و سخنان انبیا، اولیا و مشایخ صوفیه است.

1- همان، ص 85.

2- برای مطالعه بیشتر، ر.ک: مجله علوم حدیث، ش 28: «رویکرد حدیثی سید حیدر آملی در جامع الأسرار»، از نگارنده.

اصل سوم، با عنوان: «توابع ولواحق اسرار شرایع الهی»، دربرگیرنده قواعد بیان شریعت، طریقت و حقیقت، اسرار نبوت و رسالت و ولایت، بیان وحی و الهام و کشف و بیان اسلام و ایمان و ایقان است. به طور کلی، وجهه همّت آملی در این کتاب، عرضه و تبیین آرای عرفانی با استفاده از آیات و روایات، و سازگار نشان دادن مبانی دینی و شیعی و دیدگاه های صوفیان در باب مقولات مهم اعتقادی (مانند: توحید، نبوت، ولایت، اسلام و ایمان) است. او خود در این باره می گوید: این کتاب، مشتمل است بر اعظم اقوال صوفیان و شیعیان و معارضات و مجادلات ایشان. و اقوال علمای ظاهر و سخنان انبیا و اولیا از باب استشهاد. و غرض آن است که شیعه، صوفیه و صوفیه شیعه گردند. (1) شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز در این زمینه می نویسد: حاول فيه الجمع بين المتضادات والمتعارضات من أقوال الصوفية وتوجيه كلماتهم بما ينطبق على الشريعة. آملی، در جامع الأسرار کوشید تا میان سخنان ضدّ و نقیض و ناسازگار صوفیان، آشتی دهد و گفتار ایشان را بر آنچه منطبق با شریعت است، توجیه کند. (2) از نظر آملی، فرقه امامیه، دو گروه اند: گروهی به ظاهر علوم ائمه علیهم السلام، یعنی شریعت و اسلام و ایمان پرداختند، و گروهی به باطن علوم ایشان، یعنی طریقت و حقیقت و ایقان، نظر دوختند. گروه نخست، به «مؤمن» موسوم اند و دسته دوم به «مؤمن ممتحن»، نامبردار، و شیعه و صوفیه، تعبیری از این دو است؛ زیرا شیعی و

1- جامع الأسرار، ص 611.

2- الذریعة، ج 5، ص 39. نیز، رک: ریاض العلماء، ج 2، ص 221.

صوفی، دو اسم متغایرنند که به حقیقت واحد، که همان شریعت محمدیه است، دلالت دارند. (1) سید حیدر، در مشرب عرفانی، پیرو سنت تصوف ابن عربی است. (2) او که به وحدت وجود عرفانی اعتقاد راسخ دارد، (3) در جای جای کتاب جامع الأسرار، ضمن عرضه دیدگاه خود، به آیات و احادیث نیز استشهاد کرده و آنها را در جهت دیدگاه خود، تفسیر می کند. منابع آملی در نگارش کتاب، اقوال عرفا و مشایخ صوفیه (مانند: غزالی، خواجه عبد الله انصاری، ابن عربی و عبد الرزاق کاشانی) و در مواردی سخنان برخی از متکلمان (مانند: فخر رازی، خواجه نصیر و علامه حلّی) است. همچنان که گفته شد، او به آیات و روایات، فراوان استناد می کند. رویکرد آملی به حدیث، دارای ویژگی هایی است که می توان آن را رویکرد صوفیانه به حدیث نامید. او با پیش دانسته های عرفانی به سراغ روایات می رود و قصد او اثبات آرای متصوفه با استناد به متون حدیث است. آملی، در نقل احادیث، جز در مواردی اندک، مصادر و اسانید خود را ذکر نمی کند و اساساً، دغدغه چندانی در زمینه مصدر، طریق و اسناد حدیث از خود نشان نمی دهد. از این رو و بنا بر جستجوهای انجام شده، برخی احادیث در کتاب او راه یافته اند که در متون معتبر حدیثی شیعه و اهل سنت، یافت نمی شوند.

1- جامع الأسرار، ص 41. این دیدگاه مقایسه شود با دیدگاه عارف بزرگ اهل سنت، صائن الدین ابن تُرکه اصفهانی که می گوید: «مشایخ صوفیه، همه سنت و جماعت می باشند که غیر از طایفه اهل سنت، این علم را ادراک نمی کنند. و هرکه نزد مرشد می آید به طلب این علم، تا او را به سنت و جماعت نمی آرد، به ارشاد او مشغول نمی شود؛ یعنی: «پاك شو اول و پس، دیده بر آن پاك انداز» (چهارده رساله فارسی، نفثة الصدور اول، ص 175).

2- این نکته از کتاب نصّ النصوص فی شرح الفصوص و موارد متعدّد در کتاب جامع الأسرار، روشن است.

3- برای نمونه، ر.ك: جامع الأسرار، ص 204 \_ 207.

در مبحث بعد، تلاش می کنیم با دسته بندی احادیث منقول در جامع الأسرار، اندکی با چند و چون آنها آشنا شویم. در این جا به برخی از برداشت های عرفانی نویسنده از احادیث، اشاره می کنیم. آملی، درباره ظهور و بطون الهی، به حدیث قدسی «كنت كنزاً مخفياً فأحببت أن أعرف» استناد می کند و درباره آن می نویسد: معنای حدیث قدسی آن است که من، گنجی پنهان و مستور بودم. پس خواستم که به صورت خلق، ظاهر شوم و به تعینات آنان، آشکار شوم. پس به صورت ایشان، ظاهر و به تعینات آنان، آشکار شدم. و جز من در میان خلق، کسی نیست. (1) آملی، درباره وحدت وجود مورد ادعای صوفیه، به احادیث زیر استشهاد کرده است: و أمّا قول الأنبياء فكقول النبي صلى الله عليه وآله «من رأى فقد رأى الحق» وقوله «لى مع الله وقت لا يسعنى فيه ملك مقرب ولا نبي مرسل». وأمّا قول الأولياء فكقول أمير المؤمنين عليه السلام «أنا وجه الله، أنا جنب الله، أنا يد الله، أنا العرش، أنا الكرسي، أنا اللوح، أنا القلم»، إلى قوله: «أنا الأول، أنا الآخر، أنا الظاهر، أنا الباطن». وقوله «إنّ لله تعالى شرباً لأولياته إذا شربوا [منه] سكروا، وإذا سكروا طربوا، وإذا طربوا طابوا، وإذا طابوا ذابوا، وإذا ذابوا خلصوا، وإذا خلصوا طلبوا، وإذا طلبوا وجدوا، وإذا وجدوا وصلوا، وإذا وصلوا اتّصلوا، لافرق بينهم وبين حبيبتهم. (2) نمونه دیگر از استشهاد آملی به حدیث، در عبارات زیر آمده است. او درباره ولایت می نویسد: ... كما أنّه لا يكون للنجوم نور و ضياء مع وجود القمر و أنواره الزاهرة، إن كانت النجوم موجودة فكذلك لا يكون للعلماء قدرة ولا ظهور مع وجود

1- جامع الأسرار، ص 164.

2- همان، ص 205.

## دسته بندی احادیث «جامع الأسرار»

### 1. احادیث شیعه

الأولياء وأنوارهم من حيث الولاية، وإن كان العلماء موجودين، «ذلك تقدير العزيز العليم». فحينئذ لَمَّا غربت شمس النبوة والرسالة، فلا يكون الظهور والنور إلا لِقَمَرِ الولاية وبعض نجوم العلماء بتبعيته. ويعضد ذلك كَلَمَّا أشار إليه النبي «أنا كالشمس وعلى كالقمر وأصحابي كالنجوم، بأيهم اقتديتم إهتديتم». (1)

دسته بندی احادیث «جامع الأسرار» به نظر می رسد بهترین روش برای شناسایی مصادر و مآخذ و میزان اعتبار احادیث فراوانی که در کتاب جامع الأسرار به کار رفته، دسته بندی آنهاست. با دسته بندی این روایات، آشکار می شود که روایات کتاب، از نظر اهمیت مصدر و میزان اعتبار، متفاوت اند. بر این پایه، روایات این کتاب، به اقسام زیر بخش پذیر است: 1. احادیث شیعه، 2. احادیث اهل سنت، 3. احادیث خاص عرفانی.

1. احادیث شیعه احادیث شیعه، خود به سه دسته بخش پذیر است. دسته نخست، احادیثی اند که در منابع حدیثی معتبر پیشین امامیه (مانند کتب اربعه و نهج البلاغه و آثار شیخ صدوق) آمده و آملی، غالباً بدون ذکر مآخذ، از آن مصادر نقل می کند. می توان گفت که بیشتر احادیث جامع الأسرار، در این بخش جای می گیرند. نکته مهم درباره استناد به این احادیث در جامع الأسرار آن که \_ همچنان که پیش تر گفته شد \_ رویکرد آملی به این روایات، غالباً عرفانی است. با توجه به کثرت روایات این بخش، نیازی به ذکر نمونه های فراوان نیست و تنها به ذکر يك نمونه بسنده می کنیم. آملی، در موارد متعدد در کتاب به روایت معتبر «إِنَّ أَمْرَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ، لَا يَحْتَمَلُهُ إِلَّا مَلِكٌ مُقَرَّبٌ، أَوْ نَبِيٌّ مَرْسَلٌ أَوْ مُؤْمِنٌ اِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلإِيمَانِ»، (2) استشهاد

1- همان، ص 460.

2- الكافي، ج 1، ص 401؛ معاني الأخبار، ص 407.

کرده است؛ (1) اما برداشت او از این روایت، ضرورت کتمان اسرار و حقایق علم تصوّف است. به عبارت دیگر، از نظر آملی، مراد از «أمرنا»، معارف کشفی و ذوقی، و منظور از «مؤمن ممتحن»، صوفیه است. (2) دسته دوم، روایاتی است که اصل آنها در منابع حدیثی معتبر امامیه وجود دارد؛ اما در کتاب آملی با حذف یا اضافه یا تغییر آمده است. احتمال دارد که آملی، این روایات را از منابع دیگری که به دست ما نرسیده، یا از نسخه های دیگر متون فعلی برگرفته یا نقل به معنا کرده است. (3) نمونه های این قسم عبارت اند از: 1. نمونه نخست، روایتی درباره وجه الله است. اصل روایت در التوحید صدوق به این شکل آمده است: عن سلمان الفارسی رحمه الله فی حدیث طویل یذکر فیہ قدوم الجاثلیق المدینة مع مئة من النصاری بعد وفاة النبی صلی الله علیه و آله وسؤاله أبابکر عن مسائل لم یجبه عنها، ثمّ أرشد إلى أميرالمؤمنین علی بن أبی طالب علیه السلام فسأله عنها فأجابہ فکان فیما سأله أن قال له: أخبرنی عن وجه الربّ - تبارک و تعالی - فدعا علیّ علیه السلام بنار و حطب، فأضرمه فلما اشتعلت قال علیّ علیه السلام: این وجه هذه النار؟ قال النصرانی: هی وجه من جمیع حدودها. قال علیّ علیه السلام: هذه النار مدبّرة مصنوعة لا یعرف وجهها، وخالقها لا یشبهها «ولله المشرق والمغرب فأینما تولّوا فثم وجه الله» لا یخفی علی ربّنا خافیة والحديث طویل أخذنا منه موضع الحاجة. (4) این روایت، در نقل آملی به این شکل آمده است:

1- جامع الأسرار، ص 32، 33، 39 و 600.

2- همان، ص 40 \_ 44.

3- طبعاً حذف و اضافه در احادیث اهل سنت هم صورت گرفته است. در بخش احادیث اهل سنت، به این نکته خواهیم پرداخت.

4- التوحید، ص 182 (ح 16) و ر. ک: الخصال، ص 597.

... فأمر بإحضار شىء من الفحم و بشعاله . فلما اشتعل و صار كلّه ناراً ، سأل عليه السلام الرهبان وقال : يا رهبان! ما وجه النار؟ فقال الرهبان : هذا كلّه وجه النار . فقال عليه السلام : فهذا الوجود كلّه وجه الله . وقرأ : «وَأَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَوَجَّهَ اللَّهُ ، كُلَّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ ، لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» . (1) در این روایت که آملی برای اثبات وحدت وجود نقل کرده ، تغییراتی به چشم می خورد . عبارت «هذه الثّار مدبّرة مصنوعة لا يعرف وجهها وخالقها لا يشبهها» که متضمّن نفی شباهت میان خالق و مخلوق و متضاد با اندیشه وحدت وجود است ، حذف شده و تعبیر «فهذا الوجود كلّه وجه الله» که موهم وحدت وجود است ، اضافه شده است . 2 . این روایت از پیامبر اکرم که : «أنا كالشمس وعليّ كالقمر وأصحابي كالنجوم ، بأيّهم اقتديتم اهتديتم» ، (2) در مصادر حدیثی پیش از آملی یافت نشد . در عوالی اللئالی (ج 4 ، ص 86 ، ش 100) و إثبات الهداة (ج 1 ، ص 665 به نقل از عوالی) نقل شده و به جای «أصحابی» ، عبارت «أهل بیتی» آمده است . 3 . این روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله که : «مداد العلماء أفضل من دماء الشهداء» ، (3) به این شکل ، در مصادر حدیثی قبل از آملی یافت نشد . ظاهراً \_ همچنان که استاد غفّاری نیز تذکر داده اند \_ این عبارت ، شکل تحریف شده روایتی است که در آثار شیخ صدوق و شیخ طوسی به این صورت از امام صادق علیه السلام روایت شده است : إذا كان يوم القيامة جمع الله الناس في صعيد واحد و وضعت الموازين ، فتوزن دماء الشهداء مع مداد العلماء ، فيرجح مداد العلماء على دماء الشهداء . (4)

1- .جامع الأسرار، ص 211.

2- .همان، ص 460.

3- .همان، ص 449.

4- .کتاب من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 399 (ح 5853)؛ الأمالی ، للصدوق، ص 233 (ح 245)؛ الأمالی، للطوسی، ص 521 ، (ح 1149). نیز، ر.ک: تلخیص مقباس الدراية، ص 247.

دسته سوم، احادیث خاص و خطب ویژه ای است که در منابع حدیثی پیشین امامیه یافت نمی شود و در دوره های پسین، شهرت یافته اند . برخی از این خطبه ها، به نامی خاص نامبردارند که در این جا برخی از آنها را می آوریم : 1. این روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله که : «بعث علیّ مع کل نبیّ سرّاً و معی جهراً» . (1) مصدر این روایت ، یافت نشد . 2. این روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله که : «علیّ روحی الّتی بین جنبیّ» . (2) مصدر این روایت ، یافت نشد . در مشارق الأنوار رجب برسی (معاصر آملی) به شکل «أنت روحی . . .» . (3) آمده است . 3. خطبة الافتخار ، از امام علی (ع) . ابتدای خطبه «أنا آية الجبار ، أنا حقيقة الأسرار ، أنا دليل السماوات . . .» . (4) 4. خطبة البيان ، از امام علی علیه السلام . ابتدای خطبه : «أنا وجه الله ، أنا جنب الله . . .» . (5) 5. خطبه بلند درة التوحید ، از امام علی علیه السلام . ابتدای خطبه : «الحمد لله حمد معترف بحمده ، مغترف من بحار مجده ، بلسان الثناء شاکر و بحسن آلائه ناشر . . .» . (6) 6. این روایت نیز به نقل از امام علی علیه السلام آمده که در مصادر حدیثی پیشین ، یافت نشد : «يا أيها الناس و أرباب العقول ، كائناً من كان أحمرکم و أسودکم ، قاصیکم و دانیکم! من المعلوم أنّ المخاطب إنّما يخاطب من الناس ذوی العقول . و إيّاك أعنی و اسمعی یا جارة! إنّما مثلکم کمثل جار مغضوب العين . . . فرحم الله امرأ أخذ لنفسه واستعدّ لرمسه و علم من أين؟ و فی أين؟ و إلى أين» . (7)

1- . جامع الأسرار، ص 382 و 401.

2- . همان، ص 462 (حاشیه).

3- . مشارق الأنوار، ص 161.

4- . جامع الأسرار، ص 10 \_ 11. نیز، ر.ك: مشارق الأنوار، ص 164.

5- . همان، ص 383 و 411.

6- . همان، ص 320 \_ 324.

7- . همان، ص 489.



**2. احادیث اهل سنت**

7. این روایت از امام علی علیه السلام که: «كنت ولياً وأدم بين الماء والطين». (1) مصدر این روایت، یافت نشد. 8. این روایت از امام علی علیه السلام که: «أنا النقطة تحت الباء». (2) این روایت در مشارق الأنوار (3) آمده و پس از واژه «الباء»، «المبسوطة» نیز دارد. 9. حدیث معروف به «حدیث حقیقت»: «عن كميل أنه سأل أمير المؤمنين عليه السلام عن الحقيقة بقوله: ما الحقيقة؟ فقال له عليه السلام: ما لك والحقيقة...». (4) 10. این روایت از امام باقر علیه السلام، به نقل از رسالة العلم خواجه نصیرالدین طوسی: «هل سمى عالماً قادراً، إلا أنه وهب العلم للعلماء والقدرة للقادرين؟ وكل ما ميّزتموه في أوهامكم في أدق معانيه - فهو مخلوق، مصنوع مثلكم، مردود إليكم، والبارى تعالى واهب الحياة، مقدّر الموت. ولعلّ النمل الصغار تتوهم أنّ لله زبائنين كما لها، فإنّها تصوّر أنّ عدمهما نقصان لمن لا تكونان له». (5) این روایت در مصادر حدیثی پیش از خواجه، پیدا نشد. عالم معاصر و شاگرد خواجه نصیر، ابن میثم بحرانی (م 679 ق)، این روایت را در شرح نهج البلاغة خود، آورده است. (6)

2. احادیث اهل سنت بخش قابل توجهی از روایات به کار رفته در جامع الأسرار، روایات برگرفته از منابع حدیث اهل سنت است. این روایات، احتمالاً از طریق متون عرفانی اهل سنت

1- همان، ص 382، 401 و 460.

2- همان، ص 411 و 563.

3- مشارق الأنوار، ص 21.

4- جامع الأسرار، ص 28، 73، 170 و 605.

5- همان، ص 142.

6- شرح نهج البلاغة، ج 1، ص 110.

(مانند آثار غزالی و ابن عربی) به جامع الأسرار، راه یافته است. مفاد برخی از این احادیث (مانند حدیث شماره يك و پنج)، از نظر مبانی کلامی امامیه ناپذیرفتنی است. برخی از این روایات نیز با حذف و تغییر، نقل شده است. نمونه این روایات عبارت اند از: 1. «سترون ربکم كما ترون القمر ليلة البدر» (1) (از پیامبر اکرم). این روایت در صحیح البخاری (2)، صحیح مسلم (3) و سنن ابن ماجه (4) و دیگر منابع معتبر حدیث اهل سنت، آمده است. 2. «أنتست السماوات السبع والأرضون السبع على قل هو الله أحد» (5) (از پیامبر اکرم). این روایت در الجامع الصغیر سیوطی، (6) کنز العمال و (7) میزان الاعتدال، (8) آمده است. 3. «خلق الله الخلق في ظلمة، ثم رش عليه من نوره» (9) (از پیامبر صلی الله علیه و آله). این روایت با اندکی اختلاف، در منابع معتبر حدیث اهل سنت، مانند سنن الترمذی، (10) المستدرک حاکم (11) و مسند ابن حنبل، (12) آمده است. اصل روایت، بنا به نقل

- 
- 1- جامع الأسرار، ص 172، 464 و 580.
  - 2- صحیح البخاری، ج 1، ص 138 و 143.
  - 3- صحیح مسلم، ج 2، ص 113.
  - 4- سنن ابن ماجه، ج 1، ص 63 (ح 177 و ح 178). برای نقد روایت، رک: تنزیه الأنبياء، ص 177؛ معالم المدرستین، ج 1، ص 27؛ أضواء علی الصحیحین، ص 133 به بعد.
  - 5- جامع الأسرار، ص 50.
  - 6- الجامع الصغیر، ج 1، ص 155 (ح 1020).
  - 7- کنز العمال، ج 1، ص 586 (ح 2665).
  - 8- میزان الاعتدال، ج 4، ص 220.
  - 9- جامع الأسرار، ص 260 و 263.
  - 10- سنن الترمذی، ج 4، ص 135 (ح 2780).
  - 11- المستدرک، ج 1، ص 30.
  - 12- مسند ابن حنبل، ج 2، ص 197.

ترمذی چنین است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ خَلْقَهُ فِي ظِلْمَةٍ، فَأَلْقَى عَلَيْهِمْ مِنْ نُورِهِ . 4 . «رَأَيْتَ أَنِّي أَشْرَبُ اللَّيْلِينَ حَتَّى خَرَجَ الرَّيُّ مِنْ أَظْفِيرِي» . (1) (از پیامبر صلی الله علیه و آله) . این روایت در صحیح البخاری ، (2) صحیح مسلم (3) و منابع دیگر ، آمده است . 5 . «عن عائشة قالت : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : رأيت ربِّي - تبارك وتعالى - ليلة المعراج في أحسن صورة . فقال : بم يختصم الملائكة الأعلى ، يا محمد؟ قلت : أنت أعلم ، أي رب! مرتين . قال : فوضع الله تعالى كفه بين كفتي فوجدت بردها بين ثديي . فعلمت ما في السماوات وما في الأرض . ثم تلا هذه الآية : وكذلك نرى إبراهيم . . . » . (4) این روایت در منابع متعدد اهل سنت ، از جمله سنن الترمذی ، (5) سنن الدارمی (6) و مسند ابن حنبل ، (7) آمده است . 6 . «إِنَّ اللَّهَ (لِلَّهِ) تَعَالَى فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفْحَاتٍ ، أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا» (8) (از پیامبر صلی الله علیه و آله) . این روایت در برخی منابع اهل سنت ، مانند المحدث الفاضل ، (9) المعجم الكبير (10) و مجمع الزوائد ، 11 آمده است .

- 1- . جامع الأسرار، ص 462.
- 2- . صحیح البخاری، ج 4، ص 198.
- 3- . صحیح مسلم ، ج 7، ص 112 .
- 4- . جامع الأسرار، ص 464.
- 5- . سنن الترمذی، ج 5، ص 44 (ح 3286) و ص 45 (ح 3287).
- 6- . سنن الدارمی، ج 2، ص 126.
- 7- . مسند ابن حنبل، ج 10، ص 368 و ج 4، ص 66 .
- 8- . المحدث الفاضل، ص 497.
- 9- . المعجم الكبير، ج 1، ص 250 (ح 720).
- 10- . مجمع الزوائد، ج 10، ص 231.

### 3. احادیث خاص عرفانی

ملاً محمد صالح مازندرانی، در شرح أصول الكافی، به عامی بودن طریق این روایت، تصریح کرده است. (1) آملی، احتمالاً این روایت را از الفتوحات المکیّة برگرفته است. (2) 7. «أنتم أعلم بأمور دنیاکم» (3) (از پیامبر صلی الله علیه و آله). این روایت، در منابع معتبر اهل سنت، به شکل «أنتم أعلم بأمور دنیاکم» آمده است. (4)

3. احادیث خاص عرفانی سوم، روایات فراوانی است با مضامین غالباً عرفانی که در منابع معتبر حدیثی شیعه و اهل سنت، یافت نمی شود. آملی، این احادیث را از متون پیشین صوفیه و منابع ناشناخته دیگر، برگرفته است. احتمالاً برخی از روایات، سخنان مشایخ صوفیه بوده که در جامع الأسرار (یا متون پیشین) با اسناد به یکی از معصومان علیهم السلام نقل شده است. 1. «تخلّقوا بأخلاق الله تعالی» (5) (از پیامبر صلی الله علیه و آله). این روایت در منابع حدیثی یافت نشد. در عبهر العاشقین (6) و اخلاق محتشمی، (7) بدون استناد به شخصی آمده و در بستان القلوب (8) به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله، روایت شده است.

1- شرح أصول الكافی، ج 10، ص 390.

2- الفتوحات المکیّة، تصحیح: احمد محی الدین، ج 1، ص 281.

3- جامع الأسرار، ص 420.

4- صحیح مسلم، ج 7، ص 95؛ الجامع الصغیر، ج 1، ص 416 (ح 2714).

5- جامع الأسرار، ص 363.

6- عبهر العاشقین، ص 116.

7- اخلاق محتشمی، ص 249.

8- بستان القلوب (مجموعه مصنفات شیخ اشراق)، ص 390.

2. «الشریعة أقوالی، والطریقة أفعالی، والحقیقة أحوالی، والمعرفة رأس مالی، والعقل أصل دینی، والحبّ أساسی، والشوق مرکبی، والخوف رفیقی، والحلم سلاحی، والعلم صاحبی، و التوکل ردائی، والقناعة کنزی، والصدق منزلی، والیقین مأوی، والفقر فخری، و به افتخر علی سائر الأنبیاء والمرسلین» (1) (از پیامبر صلی الله علیه و آله). این عبارات در منابع روایی قبل از سید حیدر آملی یافت نشد. در انسان کامل نسفی آمده: بدان أعزك الله فی الدارین که شریعت، گفت انبیاست و طریقت، کرد انبیاست و حقیقت، دید انبیاست: «الشریعة أقوالی والطریقة أفعالی، والحقیقة أحوالی». (2) عجلونی، درباره آن گفته: لم أر من ذكره فضلاً عن بیان حاله؛ نعم ذکر بعضهم أنه رأه فی كتب بعض الصوفیة. (3) شادروان محدث أرموی نیز در تعلیقات خود بر کتاب الرسالة العلیة واعظ کاشفی، درباره عبارات یاد شده نوشته است: این عبارت، در کتابی معتبر به نظر نرسیده است. بلی، در مصابیح القلوب سلیمی [شیعی] سبزواری (4) و نظایر آن، نقل و شرح شده است... از تأمل در عبارت منسوب به پیغمبر اکرم، به عنوان حدیث و مقابله طریقت و حقیقت، بلکه مقابله سایر معطوفات بر آنها با شریعت، به خوبی برمی آید که عبارتی است از بیانات و کلمات کسانی که خود را اهل حقیقت و طریقت، معرفی کرده و نامی برای خود در برابر شریعت گذاشته اند و هیچ گونه شباهتی به سایر کلمات مأثوره از پیغمبر خاتم ندارد. و بدین

1- .جامع الأسرار، ص 346 و 359.

2- .انسان کامل، ص 3.

3- .كشف الخفاء، ج 2، ص 4 (ش 1532).

4- .مصابیح القلوب، ص 389.

جهت است که تاکنون در هیچ يك از کتب معتبره، دیده نشده و از هیچ يك از زعمای اسلام و علمای اعلام \_ رضوان الله عليهم \_ که به قول ایشان اعتماد می توان کرد، شنیده نشده... (1) 3. «الشريعة نهر، والحقیقة بحر. فالفقهاء حول النهر يطوفون والحکماء فی البحر علی الدرّ يغوصون، والعارفون علی سفن النجاة یسرون» (2) (از امام علی علیه السلام). این عبارات در منابع حدیثی قبل از آملی یافت نشد. 4. «الطرق إلى الله تعالی بعدد أنفاس الخلائق» (3) (از پیامبر اکرم). این جمله در منابع حدیثی یافت نشد. ملاً هادی سبزواری، آن را با تعبیر: «وقد قال الحکماء والعارفون: الطرق إلى الله بعدد أنفاس الخلائق»، (4) نقل کرده است. در کشف الظنون، از کتابی به نام رساله الطرق از احمد بن عمر، معروف به نجم الدین کبرا، یاد شده و آمده که کتاب با جمله یاد شده، شروع شده است. (5) 5. «العلم علم الله، لا یعطیه إلا لأولیائه» (6) (از پیامبر صلی الله علیه و آله). مأخذ این روایت، یافت نشد. در قوت القلوب آمده: و سئل بعض العلماء عن علم الباطن: أي شیء هو؟ فقال: سرّ من سرّ الله تعالی، یقذفه فی قلوب أحبائه، لم یطلع علیه ملکا ولا بشرا. (7) 6. «الجوع سحاب الحکمة، فإذا جاع العبد، مطر بالحکمة» (8) (از پیامبر صلی الله علیه و آله).

1- الرسالة العلیّة، 13 \_ 15 (حواشی و تعلیقات).

2- جامع الأسرار، ص 358.

3- همان، ص 958 و 121.

4- شرح الأسماء الحسنی، ج 1، ص 245.

5- کشف الظنون، ج 1، ص 876.

6- جامع الأسرار، ص 513.

7- قوت القلوب، ج 1، ص 252.

8- جامع الأسرار، ص 513.

مصدر این روایت، یافت نشد. 7. «إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى شَرَاباً لِأَوْلِيَائِهِ، إِذَا شَرَبُوا [مِنْهُ] سَكَرُوا، وَإِذَا سَكَرُوا طَرَبُوا، وَإِذَا طَرَبُوا طَابُوا، وَإِذَا طَابُوا ذَابُوا، وَإِذَا ذَابُوا خَلَصُوا، وَإِذَا خَلَصُوا طَلَبُوا، وَإِذَا طَلَبُوا وَجَدُوا، وَإِذَا وَجَدُوا وَصَلُوا، وَإِذَا وَصَلُوا اتَّصَلُوا، وَإِذَا اتَّصَلُوا لَافَرَقَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ حَبِيبِهِمْ». (1) (از امام علی علیه السلام). این عبارات، در منابع حدیثی یافت نشد. در مناقب العارفين افلاکی به شکل روایت، نقل شده است. (2) 8. «إِنَّ لِلْقَلْبِ عَيْنِينَ كَمَا لِلْجَسَدِ، فَيَرَى الظَّاهِرَ بِالْعَيْنِ الظَّاهِرَةَ، وَيَرَى البَاطِنَ وَالحَقَائِقَ بِعَيْنِ الحَقِّ الَّتِي هِيَ البَاطِنَةُ» (3) (از پیامبر صلی الله علیه و آله). این روایت در مصادر حدیثی یافت نشد. 9. «موتوا قبل أن تموتوا» (4) (از پیامبر صلی الله علیه و آله) و انجام خواجه طوسی، بدون اسناد به معصوم، آمده است: مرگ، دو مرگ است: یکی مرگ ارادی، «موتوا قبل أن تموتوا...» (7) عجلونی، در کشف الخفاء می گوید: قال الحافظ ابن حجر: «هو غير ثابت، وقال القاري: هو من كلام الصوفية».

- 
- 1- همان، ص 205، 363 و 381.
  - 2- مناقب العارفين، ج 1، ص 351.
  - 3- جامع الأسرار، ص 581.
  - 4- همان، ص 378.
  - 5- مرصاد العباد، ص 359.
  - 6- مشارق الدراری، ص 152.
  - 7- آغاز و انجام، ص 16. محقق کتاب نیز، مصدر عبارت را معرفی نکرده است.

## ردیابی روایات «جامع الأسرار» در متون بعدی امامیه

ابن حجر می گوید: این حدیث، ثابت نیست و قاری گفته که از سخنان صوفیه است. (1)

ردیابی روایات «جامع الأسرار» در متون بعدی امامیه با ردیابی روایاتی که در بخش های قبل مطرح شد، آشکار می شود که این روایات، در متون فلسفی، عرفانی و حدیثی سده های متأخر امامیه، راه یافته است. به نظر می رسد آملی در این میان، نقش واسطه را ایفا کرده است. به دیگر سخن، برخی روایات اهل سنت و بسیاری احادیث عرفانی \_ که مصدر حدیثی معتبر شناخته شده ای ندارند \_ از طریق آثار عرفانی آملی، از جمله جامع الأسرار، وارد حوزه فلسفه، عرفان و حدیث امامیه شده است. چنین می نماید که برخی از احادیث جامع الأسرار، از طریق شخص ابن ابی جمهور و به وسیله دو اثر مهم او، عوالی اللئالی و المجلی، به متون سده های بعد، راه یافته است، به گونه ای که گاه در جوامعی مانند بحار الأنوار و مستدرک الوسائل، مستقیماً از عوالی نقل شده اند و هیچ مصدري جز آثار آملی ندارند. (2)

1- .کشف الخفاء، ج 2، ص 291.

2- .برای ملاحظه موارد کاربرد احادیث جامع الأسرار در متون حدیثی، فلسفی و عرفانی پس از آملی، ر.ک: علوم حدیث، ش 28، ص 89 \_ 93.





## فصل چهارم : علوم حدیث

## درایه

فصل چهارم : علوم حدیث درایه‌درایه ، در اصطلاح ، دانشی است که در آن به بررسی سند و متن حدیث و چگونگی تحمّل و آداب نقل آن می پردازند . (1) فرق دانش درایه با رجال آن است که در درایه به بررسی سند ، من حیث المجموع ، می پردازند و در رجال ، تک تک راویان سلسله حدیث را بررسی می کنند . (2) هرچند در دوره مورد بحث ، شاهد پدید آمدن کتابی درباره دانش درایه یا مصطلح الحدیث نیستیم (3) ؛ اما این دوره از لحاظ پیدایش دگرگونی در نوع نگرش به اقسام حدیث ، بسیار بااهمیت است . علامه حلی ، در این دوره ، تعاریف دیگری از حدیث صحیح و ضعیف ، عرضه کرد و بدین سان ، تقسیم بندی احادیث در نظر علمای متأخر از علامه با دیدگاه دانشمندان پیش از ایشان ، متفاوت شد . برای قرار گرفتن در فضای بحث ، گفتنی است که در عرف پیشینیان ، حدیث «صحیح» به

1- الوجیزة، ص 4؛ نهاية الدارایة، ص 79. برای تعاریف دیگر، ر.ك: معجم مصطلحات الرجال والدرایة. ص 104 \_ 105.

2- مقباس الهدایة، ج 1، ص 43؛ أصول الحدیث وأحكامه، ص 16.

3- برای مطالعه درباره پیشینه مباحث درایه ، ر.ك: مجله علوم حدیث ، ش 30 : «گزارشی از سیر مباحث درایه در امامیه تا سده دهم هجری» ، از نگارنده .

حدیثی گفته می‌شد که مؤید به اسباب و قرائنی بود که مایه وثوق و اعتماد به آن می‌شد. (1) برخی از این قرائن، عبارت بود از: وجود حدیث در بسیاری از اصول چهارصدگانه که در آن روزگار، در دسترس ایشان بوده است، تکرار حدیث در يك یا چند اصل با طُرُق و اسانید متعدّد و معتبر، وجود حدیث در اصل شناخته شده یکی از اصحاب اجماع (مانند یونس بن عبد الرحمان)، یا کسانی که صداقت آنها اجماعی است (مانند زراره) و یا کسانی که عمل به روایت ایشان، مورد اتفاق است (مانند عمّار سبابی)، وجود حدیث در یکی از کتاب‌هایی که به یکی از ائمه علیهم السلام عرضه شده و مورد تأیید ایشان بوده است (مانند کتاب‌های یونس بن عبد الرحمن و فضل بن شاذان که به امام عسکری علیه السلام عرضه شده است). قریبه دیگر، اخذ حدیث از یکی از کتاب‌های مورد وثوق و اعتماد پیشینیان بود، اعم از این که نویسنده کتاب، امامی باشد (مانند کتاب الصلاة حریر بن عبد الله سجستانی و کتاب‌های بنی سعید و علی بن مهزیار)، یا غیر امامی باشد (مانند کتاب حفص بن غیاث و کتاب القبله‌ای علی بن حسن طاطری). (2) برای نمونه، شیخ صدوق، بر اساس عرف پیشینیان، هر روایت مورد وثوق و اعتماد را «صحیح» می‌نامد و از این رو، تمام احادیث کتاب من لایحضره الفقیه را که به گفته خود، از کتاب‌های مشهور مورد اعتماد، استخراج کرده، صحیح شمرده است، در حالی که بسیاری از احادیث کتاب من لایحضره الفقیه، بر اساس تعریف پیشینیان، صحیح شمرده نمی‌شوند، بلکه در رده احادیث حَسَن، موثّق و بلکه ضعیف، قرار می‌گیرند. (3) بر این پایه، از دیدگاه پیشینیان، حدیث معتبر بر سه

1- .مشرق الشمسین، ص 26.

2- .همان، ص 26\_ 29؛ الوافی، ج 1، ص 22\_ 23.

3- .مشرق الشمسین، ص 29؛ الوافی، ج 1، ص 23.

## اسباب عدول از اصطلاح پیشینیان

قسم است: صحیح، حسن و موثق. حدیث صحیح، حدیثی است که سند آن به معصوم متصل بوده، تمام راویان آن، امامی عادل باشند. حدیث حسن، حدیثی است که سلسله سند آن به وسیله راویان ممدوح، بدون آن که بر عدالتشان تصریح شده باشد، روایت شود. حدیث موثق، حدیثی است که سلسله سند آن به وسیله راویانی که اصحاب بر توثیقشان تنصیص کرده اند، اما فساد عقیده دارند، روایت شود. حدیث ضعیف، حدیثی است که هیچ يك از ویژگی های اقسام یاد شده را نداشته باشد.

اسباب عدول از اصطلاح پیشینیان حدیث پژوهان، در تحلیل اسباب و انگیزه های ابتکار اصطلاحات جدید، به برخی مسائل، اشاره کرده اند، از جمله آن که در دوره های متأخر و بر اثر گذشت زمان و فاصله افتادن میان صدر سلف، چنان شد که برخی کتاب ها و اصول مورد اعتماد گذشتگان، به سبب تسلط حاکمان جور و ترس از اظهار و استنساخ نسخ، از میان رفت. از سوی دیگر، با پیدایی جوامع حدیثی، احادیث مأخوذ از اصول مورد اعتماد، با احادیث برگرفته از اصول غیر قابل اعتماد، درهم آمیخت و بدین سان، بسیاری از امور و قرآنی که سبب وثوق پیشینیان به احادیث می شد، از بین رفت و پسینیان، نتوانستند با تکیه بر همان قرائن، به صحت صدور حدیث، وثوق پیدا کنند. از این رو، برای تشخیص احادیث معتبر از غیر معتبر، به وضع اصطلاح جدید پرداختند. (1)

1- ر.ك: مشرق الشمسين، ص 30 \_ 31؛ مقباس الهدایة، ج 1، ص 182. برای مقایسه و تطبیق بیشتر میان اصطلاحات متقدمان و متأخران، به منبع اخیر مراجعه شود.

درباره این که چه کسی نخستین بار این تقسیم بندی را سامان داد، اتفاق نظر وجود ندارد. برخی حدیث پژوهان بر آن اند که ابتکار این اصطلاحات، از آن علامه حلّی (م 726 ق) است. (1) برخی نیز این چرخش دیدگاه نسبت به حدیث را به احمد بن طاووس (م 673 ق) نسبت داده اند. (2) به هر روی، علامه حلّی، در کتاب های فقهی خود، بر اساس رده بندی نوین عمل کرده است. وی در مقدمه هشتم از مقدمات کتاب فقهی خود، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، به بیان مراد از اقسام حدیث پرداخته است. عبارت او، چنین است: قدياتي في بعض الأخبار، أنه في الصحيح و نعتي به ما كان رواه ثقةً عدولاً. وفي بعضها في الحسن، و نريد به ما كان بعض رواه قد أثني عليه الأصحاب و إن لم يصرحوا بلفظ التوثيق له. وفي بعضها في الموثق و نعتي به: ما كان بعض رواه من غير الإمامية كالفطحية والواقفية وغيرهم، إلا أنّ الأصحاب شهدوا بالتوثيق له. (3) ما [در این کتاب] درباره برخی احادیث، تعبیر «صحيح» را به کار می بریم و منظورمان حدیثی است که راویان آن، ثقة عادل باشند. درباره برخی دیگر، اصطلاح «حسن» را به کار می بریم و مراد، حدیثی است که برخی از راویان آن، مورد ستایش اصحاب اند، هر چند به توثیق ایشان، تصریح نکرده باشند. درباره برخی احادیث، تعبیر موثق به کار خواهیم برد و آن، حدیثی است که برخی از راویان آن، غیر امامی و مثلاً فطحی یا واقفی هستند؛ اما اصحاب به وثاقت ایشان گواهی داده اند. در منابع کتاب شناسی از دو کتاب حدیثی علامه حلّی یاد شده که در آن،

- 
- 1- مشرق الشمسين، ص 31؛ الوافی، ج 1، ص 22؛ قاموس الرجال، ج 1، ص 39. محقق شوشتری بر آن است که علامه، این شیوه را از استاد رجال خود احمد بن طاووس گرفته است. سیّد حسین مدرّسی نیز، گروه بندی احادیث را در اصل از ابن طاووس دانسته که به وسیله علامه حلّی، تحکیم شده و رواج یافته است. (ر. ک: مقدمه ای بر فقه شیعه، ص 53).
  - 2- منتقى الجمان، ج 1، ص 14؛ أعيان الشيعة، ج 3، ص 190.
  - 3- منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج 1، ص 9\_10.

نویسنده به تقسیم بندی روایت ، عنایت داشته است : الدرّ والمرجان فی الأحادیث الصحاح والحسان (1) و النهج الوضّاح فی الأحادیث الصحاح . (2) متأسّف فانه ، این دو اثر از میان رفته است . پس از علامّه حلّی ، فقیه بزرگ و تأثیرگذار شهید اول (مق 778) در مقدّمه کتاب فقهی ذکری الشیعة ، به برخی از مباحث مرتبط با حدیث پرداخته است . در این جا گزارشی از دیدگاه های ایشان درباره مباحث درایه ، ارائه می شود . از نظر شهید ، سنّت ، عبارت است از روش پیامبر اکرم ، بالاصاله ، و روش امام علیه السلام ، به نیابت ، که از ایشان حکایت شده است . سنّت ، عبارت است از قول و فعل و تقریر معصوم که اقسامی دارد : 1 . متواتر . حدیثی که راویان آن به حدی است که از سخن ایشان ، علم حاصل می شود (مانند حدیث غدیر) ؛ 2 . خبر واحد . حدیثی که راویان آن به اندازه ای نیستند که از سخن ایشان ، علم حاصل شود . 3 . خبر مشهور . حدیثی که راویان آن ، بیش از سه تن باشند . به این حدیث ، مستفیض هم گفته می شود . گاه خبر مشهور ، به حدیثی گفته می شود که عمل به آن ، میان علما شهرت یافته است . 4 . صحیح . حدیثی است که سلسله سند آن به وسیله راویان عادل امامی ، به معصوم ، متصل است (به حدیث صحیح ، متصل و مُعَنَن هم گفته می شود . هرچند این دو ، اعم از حدیث صحیح اند) . گاه صحیح به خبری گفته می شود که طریق آن از طعن ، مصون است ، اگرچه

1- . خلاصة الأقوال ، ص 110 ؛ مكتبة العلامة الحلّي، ص 128؛ الذريعة، ج 8، ص 87 (ش 312).

2- . خلاصة الأقوال ، ص 113 ؛ مكتبة العلامة الحلّي، ص 217؛ الذريعة، ج 24، ص 427 (ش 2229).

دچار ارسال یا قطع شده باشد . 5 . حَسَن . حدیثی است که راویان ممدوح ، بدون آن که بر عدالتشان تنصیب شده باشد ، روایت کنند .  
 6 . موثَّق . حدیثی است که راویان آن ، به رغم فساد عقیده ، به نص توثیق شده اند . به حدیث موثَّق ، قوی هم گفته می شود . گاه نیز مراد از حدیث قوی ، روایت امامی غیر مذموم و غیر ممدوح است . 7 . ضعیف . نقطه مقابل قوی است . گاه ضعیف ، نقطه مقابل صحیح و حسن و موثَّق است و نسبت به زیادت و نقصانِ قدح ، اطلاق می شود . 8 . مقبول . به خبری گفته می شود که تلقی به قبول و به مضمون آن ، عمل کرده اند . 9 . مُرسل . حدیثی است که در آن ، راوی ای که معصوم را درك نکرده ، بدون واسطه نقل کند یا واسطه را فراموش یا رها کند . هرگاه يك راوی افتاده باشد ، حدیث ، «منقطع» و «مقطوع» نامیده می شود و هرگاه بیش از يك نفر افتاده باشد ، «مُعصل» نامیده می شود . 10 . موقوف . حدیثی است که از مصاحب معصوم ، روایت شود . اگر راوی صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله باشد ، به آن «اثر» هم گفته می شود . 11 . شاذ و نادر . خبری است که مخالف مشهور باشد . به مروی ثقہ نیز ، هرگاه مخالف مشهور باشد ، اطلاق می شود . (1) شهید اول ، در ادامه به شرایط پذیرش و عدم پذیرش خبر واحد پرداخته است . (2) پس از شهید اول نیز ، ابن فهد حلّی (م 841 ق) ، شاگرد شاگردان شهید اول ، در

1- ذکرى الشيعة، ص 4 (چاپ سنگی).

2- ر.ك: همان جا.

مقدمه کتاب مهم خود المهدّب البارع، به طرح مباحث درایه پرداخته است. (1) در قرن نهم هجری، همچنین، ابن ابی جمهور احساسی در برخی آثار خود، به مباحث مرتبط با درایه پرداخته است. وی، بنا به گزارش محقق تهرانی، دارای کتابی به نام تحفة القاصدین فی معرفة اصطلاح المحدثین (2) بوده است که متأسفانه، تاکنون نسخه ای از آن شناسایی نشده است. (3) ابن ابی جمهور، در کتاب منتشر شده خود، یعنی کاشفة الحال عن أحوال الاستدلال - که درباره مبادی اجتهاد و استنباط احکام شرعی است - درباره شماری از اصطلاحات درایه، سخن گفته است. وی، تقسیم بندی علامه حلّی از احادیث را پذیرفته و بر استفاده از آن در بازشناسی اقسام حدیث، تأکید کرده است. (4) وی، همچنین در بخش اقسام حدیث در کتاب عوالی اللئالی، پس از تعریف اقسام حدیث، می افزاید که در مقام تعارض دو حدیث، اگر نتوان میان آنها سازگاری برقرار کرد، به ترتیب، اقسام زیر بر حدیث معارض خود، مقدّم است: متواتر، مشهور، صحیح، حسن و موثّق. از نظر وی، عمل به حدیث ضعیف، مُرسل و مقطوع، روا نیست، مگر آن که ارسال کننده، شخصی مانند زراره یا ابوبصیر باشد که ارسال آنها، در حکم اسناد است. نیز اگر حدیث مقطوع توسط اصحاب، مورد قبول واقع شده باشد، بدان عمل می شود. حدیث مقطوع، در این صورت «مقبول» نامیده می شود. (5) فعّالیت ها و اقداماتی که در این دوره در زمینه دانش درایه صورت گرفت، سبب ساز نگارش آثار مستقل در این موضوع در قرن دهم شد و شهید ثانی (مق 965 ق)، کتاب الرعاية فی علم الدراية را نگاشت.

- 
- 1- ر. ك: المهدّب البارع، ج 1، ص 66 - 67.
  - 2- الذريعة، ج 3، ص 461 (ش 1686).
  - 3- فهرستگان نسخ خطّی (درایه و رجال)، ص 36 (ش 41).
  - 4- ر. ك: كاشفة الحال عن أحوال الاستدلال، تحقیق: احمد کنانی، فصل چهارم.
  - 5- عوالی اللئالی، ج 4، ص 138 - 139.



## رجال و انساب

## الف. آثار چاپی

## 1. «الرجال» ابن داوود

رجال و انسابعلم رجال، دانشی است که در آن، از آن دسته از احوال و اوصاف راویان حدیث که در جواز یا عدم جواز قبول سخن ایشان مدخلیت دارد، بحث می‌شود. (1) دوره مورد بحث، یکی از دوره‌های مهم از نظر نگارش‌های رجالی است. آثار متعددی در این دو قرن فراهم آمده که متأسفانه، برخی از آنها از میان رفته است. الرجال ابن داوود و دو کتاب از علامه حلی، سه اثر مهم رجالی در این دوره اند که هر سه، متعلق به قرن هشتم هجری است.

الف. آثار چاپی 1. «الرجال» ابن داوود (2) این کتاب، تألیف تقی‌الدین حسن بن علی بن داوود حلی، فقیه، ادیب و رجالی معروف قرن هشتم هجری است که در ذی‌حجه 707، نگارش آن را به پایان برده است. (3) از نسخ خطی متعدد کتاب می‌توان به نسخ کتابخانه دانشگاه تهران و آستان قدس اشاره کرد که اولی در هفدهم شوال 967 و دومی به سال 973 ق، کتابت شده است. (4) ظاهراً الرجال ابن داوود، اسم خاصی نداشته و مصنف با تعبیر «کتاب الرجال» از آن یاد کرده است. ابن داوود، در مقدمه کتاب، به انگیزه تألیف و شیوه نگارش خود، اشاره می‌کند. او بنا به گفته خود، پس از ملاحظه اصول و فروع فتاوی فقهی، برای رهایی از شبهات تقلیدی و گریز از تبعیت از فتاوی محکی که بر اساس آنها رشد پیدا کرده،

1- الذریعة، ج 10، ص 80. نیز، ر.ک: معجم مصطلحات الرجال والدرایة، ص 105.

2- مصنفی المقال، ص 126؛ کشف الحجب والأستار، ص 435 ش 2420؛ الذریعة، ج 10، ص 84 (ش 155).

3- الذریعة، ج 10، ص 84.

4- برای نسخ کتاب، ر.ک: همان جا.

به کاوش در احادیث مروی از ائمه علیهم السلام می پردازد و برپایه روشی صحیح، در استنباط های اصحاب می نگرد تا آنچه را که موافق حق است، اخذ کند و مخالف حق را به کناری نهد. او مشاهده می کرد که از لوازم این کار، ملاحظه احادیث و رجال مرضی و غیر مرضی آنهاست. لذا کتاب خود را \_ که جامع برگزیده های کتاب های پیشینیان است \_ فراهم آورده است. (1) ابن داوود، در مقدمه، منابع خود را ذکر کرده و برای هر يك، رمزی نهاده است. منابع او عبارت اند از: آثار شیخ طوسی، کشی، نجاشی، برقی، علی بن احمد عقیقی، ابن عقیده، فضل بن شاذان، ابن عبدون، غضایری، محمد بن بابویه و ابن فضال. (2) ابن داوود، در ذیل «احمد بن موسی بن طاووس» \_ که استاد و مرئی وی بوده \_ از تحقیقات او در رجال و حدیث، تمجید کرده و بر اثرپذیری و بهره گیری خود از اشارات و تحقیقات استاد، تأکید کرده و گفته است: اکثر فوائد هذا الكتاب من إشارات و تحقیقاته. (3) ابن داوود، پس از ذکر مصادر، طُرُق خود را به شیخ طوسی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سلار بن عبد العزیز، سید مرتضی، ابی صلاح حلبی، نجاشی و کشی ذکر کرده، که همگی از طریق استادش نجم الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن بن سعید حلبی (محقق حلبی) (م 676 ق) است. (4) ابن داوود، کتاب خود را در دو بخش، سامان داده است. در جزء اول، ممدوحان و کسانی را که اصحاب، تضعیف نکرده اند و در جزء دوم، مجروحان و مجهولان را آورده است. (5)

- 
- 1- ر.ك: الرجال، ابن داوود، چاپ دانشگاه تهران، ص 1، تحقیق: آل بحرالعلوم، ص 25.
  - 2- رجال ابن داود، چاپ دانشگاه، ص 3.
  - 3- همان، ص 46.
  - 4- همان، ص 3 به بعد.
  - 5- همان، ص 9 و 413. در ابتدای جزء دوم گفته که جزء اول مختص مؤتقان و مهملان و جزء دوم، ویژه مجروحان و مجهولان است.

او در تنظیم کتاب خود، دست به عملی ابتکاری زده و اسامی افراد را به ترتیب حروف الفبا در حروف اول و دوم نام هایشان و نام پدرانشان آورده است. برای نمونه، ابان، قبل از ابراهیم و ابان بن تغلب، پیش از ابان بن عبد الملک آمده است. این در حالی است که در کتاب های رجالی پیشین، همه نام هایی که با حرف الف شروع می شوند، در يك بخش آمده، بدون آن که ترتیب حروف بعدی لحاظ شده باشد. ابن داوود، برای هر يك از منابع رجالی ای که از آنها استفاده کرده و نیز برای نام هر يك از معصومان، رمزی نهاده است. بدین ترتیب، با استفاده از رموز دانسته می شود که هر يك از راویان در کدام يك از منابع، یاد شده و از اصحاب کدام معصوم بوده است. این رموز، توسط رجالیان بعدی نیز پذیرفته شده است. (1) ابن داوود، پس از ذکر رمزگذاری های خود، از پیش دستی خود در این زمینه سخن می گوید. از دیگر ویژگی های کتاب، آن است که گاه به چگونگی ضبط برخی اعلام، اشاره می کند؛ (2) یعنی همان کاری که علامه حلی در ایضاح الاشباه انجام داده است. برخی دیگر از ویژگی های الرجال ابن داوود عبارت اند از: (3) 1. ابن داوود، در قسم نخست کتاب خود، افرادی را آورده که مدحی درباره ایشان وارد شده، گرچه ذم های فراوان درباره برخی از آنها وارد شده باشد. بر این اساس، برخی افراد مانند هشام بن حکم را به اعتبار ورود مدح درباره آنها در بخش اول، و به اعتبار ورود ذم درباره شان در بخش دوم نیز آورده است. همچنین، افراد مختلفی را به همان اعتبار، در هر دو قسم، آورده است. 2. ابن داوود، تمام مآخذ خود را ذکر می کند و در صورتی که مستند خود را ذکر نکند، دانسته می شود که از نسخه او رمز آن ساقط شده است. البته در مواردی که نام

1- مصنفی المقال، ص 126.

2- برای مثال، ر.ك: قسم اول، ذیل: حماد، حمدویه، خیشمه و شرحبیل.

3- ر.ك: قاموس الرجال، ج 1، ص 35 به بعد.

فرد برایش مشتبه است، رمزگذاری نمی کند. صاحب قاموس الرجال، نمونه آورده که احکم بن بشار\_ که نامش در رجال الکشی آمده\_ برای ابن داوود، میان حکم و احکم، مشتبه بوده و لذا هر دو را آورده، بدون آن که رمز رجال الکشی را قید کند. (1) البته یکی از نمونه هایی که نویسنده قاموس آورده، قابل مناقشه است. ایشان گفته از آن جا که عبد الله برقی برای ابن داوود، میان برقی و رقی مشتبه بوده، هر دو نام را بدون ذکر رمز رجال الکشی آورده، (2) در حالی که ابن داوود، در قسم دوم کتاب، ذیل «عبد الله برقی» رمز رجال الکشی را قید کرده است. (3) البته ذیل «عبد الله رقی»، رمزی نیاورده است. 3. با توجه به این که ابن داوود در جزء اول، ممدوحان و مهملان را آورده، دانسته می شود که او به حدیثی که راویان آن مهمل بوده و مدح و قدحی درباره آنها نقل نشده، به سان حدیثی که راویان آن ممدوح اند، عمل می کند. (4) البته او آن گونه که ممدوحان را استقصا می کند، مهملان را استقصا نمی کند. (5) گفتیم که ابن داوود، کتاب خود را در دو جزء نگاهشته است. در پایان جزء اول، چند فصل دیگر، بدین ترتیب به آن افزوده است: یادکرد جماعتی که نجاشی درباره آنها گفته: «ثقة ثقة»؛ ذکر اصحاب اجماع؛ یادکرد افرادی که نجاشی آنها را با وجود پریشانی و نادرستی مذهب، ثقة دانسته؛ یادکرد گروهی که نجاشی درباره آنان، یکی از تعابیر: لیس بذاک، لا- بئس به، و قریب الأمر را به کار برده است؛ یادکرد گروهی که روایاتشان شمارش شده است؛ یادکرد نام

1- قاموس الرجال، ج 1، ص 37.

2- همان جا.

3- الرجال، ابن داوود، چاپ دانشگاه تهران، ص 467 (ش 258)؛ تحقیق: سید صادق آل بحر العلوم، ص 253 (ش 267). ممکن است در نسخه مورد استناد ایشان، بدون رمز بوده باشد.

4- قاموس الرجال، ج 1، ص 38. محقق شوشتری، این مبنا را صحیح و نزد قدمای اصحاب، معمول دانسته است.

5- همان، ص 38.

## دیدگاه‌ها درباره «الرجال» ابن داوود

گروهی که به کنیه نامبردارند؛ و یادکرد صاحبان کنیه، به ترتیب حروف الفبا. در واپسین فصل کتاب، نام‌های زنانی که روایاتی دارند، آمده است. در پایان جزء دوم بخش اول نیز مطالب سودمندی در قالب چند فصل، آمده است، بدین ترتیب که در هفت فصل نخست، به ذکر اسامی برخی از تابعان فریق واقفه، فَطَحِيه، زِيدِيه، عَامَّه، كَيْسَانِيه، نَاوُوسِيه و غُلَات پرداخته است. موضوعات فصول بعدی عبارت‌اند از: جماعتی که درباره آنها تعبیر «ضعیف» آمده؛ افرادی که درباره آنها گفته شده «مخلط» یا «مضطرب» اند؛ افرادی که درباره آنها گفته شده «يعرف حديثه تارة و ينكر أخرى»؛ افرادی که به فساد مذهب، مطعون اند؛ افرادی که گفته شده ثقه اند، اما از ضعف نقل می‌کنند. اسامی واضعان حدیث؛ کسانی که درباره آنها صفت کذب وارد شده؛ افرادی که درباره آنها صفت لعن وارد شده؛ کسانی که درباره آنها گفته شده «لیس بشیء»؛ و کسانی که درباره ایشان، تعبیر «مجهول» اطلاق شده است. نویسندگان، پس از این فصول، چند نکته درباره برخی طُرُق روایات و از جمله طرق صحیح، حَسَن، قوی و ضعیف در کتاب‌های شیخ طوسی و شیخ صدوق را آورده است. (1) پایان بخش کتاب، باب «کنی الضعفا» است که شامل کنیه‌ها به ترتیب الفبایی است.

دیدگاه‌ها درباره «الرجال» ابن داوود (2) درباره ارزش کتاب الرجال ابن داوود، دیدگاه‌های متفاوتی ابراز شده است. برخی مانند شیخ حسین بن عبد الصمد (پدر شیخ بهایی)، درباره آن گفته‌اند: و کتاب ابن داوود \_ رحمه الله \_ فی الرجال مُغْنٍ لَنَا عَنْ جَمِيعِ مَا صَنَّفَ .

1- ر.ك: الرجال، ص 557 به بعد.

2- ر.ك: خاتمة المستدرک، ج 2، ص 325؛ الرجال، ص 13 به بعد (مقدمه سیّد محمد صادق آل بحرالعلوم).

فی هذا الفن و إنما اعتمادنا الآن فی ذلك علیه. (1) کتاب ابن داوود در علم رجال، ما را از تمام آنچه در این فن نگاشته شده، بی نیاز می کند و تکیه ما اکنون در علم رجال، به این کتاب است. شهید ثانی، در اجازه خود به شیخ عبد الصمد، کتاب را به بی سابقه بودن شیوه نگارش آن، ستوده است. (2) برخی دیگر از رجال پژوهان، به رغم نکات مثبتی که الرجال ابن داوود از آن برخوردار است، بر آن طعن زده اند. از جمله، ملا عبد الله شوشتری، در شرح خود بر التهذیب، کتاب ابن داوود را به سبب خطاهای بسیار در نقل از پیشینیان و در تمیز رجال، شایسته اعتماد ندانسته است. (3) نیز میر مصطفی تفرشی (شاگرد شوشتری)، پس از ستایش از ابن داوود، درباره کتابش گفته: له فی علم الرجال کتاب معروف حسن الترتیب، إلاّ أنّ فیهِ أغلاطاً كثيرة غفر الله له. (4) شیخ حرّ عاملی بر آن است که منظور از اغلاط فراوان در تعبیر تفرشی، اشکال ها و تعریض های ابن داوود به علامه حلّی و مانند آن است؛ (5) اما رجالیان دیگر بر آن اند که منظور از اغلاط، خطاهایی است که در نقل اقوال، رُخ داده و مثلاً می گوید: «جش»، در حالی که مطلب مورد نظر در «کش» آمده و بر عکس، یا مطلبی را به «جخ» نسبت می دهد و در آن، یافت نمی شود، یا از سخنان پیشینیان مدح یا وثاقت استنباط می کند، در حالی که بیانگر چنین امری نیستند. (6) نویسنده منتهی المقال، پس از بیان مطلب یاد شده، در توجیه آن می نویسد:

1- وصول الأختیار الی أصول الأخبار، ص 117.

2- بحار الأنوار، ج 108، ص 153.

3- خاتمة المستدرک، ج 2، ص 325.

4- نقد الرجال، ج 2، ص 43. نیز، ر.ک: جامع الروات، ج 1، ص 210؛ سماء المقال، ج 1، ص 280.

5- أمل الآمل، ج 2، ص 73.

6- منتهی المقال، ج 2، ص 418. نیز ر.ک: ریاض العلماء، ج 1، ص 257.

شاید خط ایشان بد بوده و هر ناسخی به شکلی که می فهمیده، می نوشته است و نسخ بر ایشان عرضه نشده و سقیم و بدون تصحیح مانده است. و اما اشکالات و تعریضات وی بر علامه، درباره ضبط واژگان است، نه امر دیگر. و در بیشتر این نقدها، اگر نگوییم که در همه آنها، حق با ابن داوود است. (1) افندی نیز نوشته است: اشتباهات در نقل اقوال از منابع رجالی پیشین، غالباً ناشی از اختلاف نسخ و حذف و اضافه هایی است که از جانب خود مؤلفان، پس از اشتها برخی از نسخ، صورت گرفته و در دست مردم، بدون تغییر، به حالت پیشین باقی مانده است، همچنان که در تألیفات معاصران ما نیز مشاهده می شود، بویژه در کتاب های رجال که مؤلفان آنها، روز به روز، به اسما و احوال آنها می افزایند. (2) افندی، سپس از وقوع این امر در کتاب های الفهرست شیخ منتجب الدین و شیخ طوسی و رجال نجاشی گزارش می دهد. (3) محقق شوشتری بر آن است که تحریفات بسیاری در الرجال ابن داوود رخ داده است، همچنان که در کتاب کشی که پیش از وی بوده، روی داده است. دلیل این ادعا که تصحیفات فراوانی در نسخه کتاب رخ داده، آن است که رموز نویسندگان رجال و رموز معصومان در آن، تغییر پیدا کرده است. مثلاً در نسخه برای نجاشی «کش» و برای کشی «جش» آمده است و برعکس، یا با وجود التزامی که دارد، رمزی نمی نهد. یا رمز «ل» را برای اصحاب «ی» می نهد. (4) ایشان، این تحریفات را ناشی از دو چیز دانسته است. نخست، بد خطی

---

1- همان جا.

2- ریاض العلماء، ج 1، ص 258.

3- همان جا، نیز، ر.ک: کلیات فی علم الرجال، ص 115 \_ 116.

4- قاموس الرجال، ج 1، ص 62 \_ 63.

## 2. خلاصة الأقوال في معرفة أحوال الرجال

نویسنده، و دوم، هم عصر بودن ابن داوود با علامه حلّی که با وجود کتاب علامه، کتاب او، تنها پس از سپری شدن زمان مورد توجه قرار گرفته است. (1) گفتنی است بدخط بودن ابن داوود، با برخی گزارش ها درباره خط او ناسازگار است، چنان که نویسنده ریاض العلماء که نمونه هایی از خط او را دیده، نوشته «وخطه لایخلو من جودة». (2) همچنین، محدث نوری نیز از وجود کتاب نقض العثمانیة سیّد احمد بن طاووس به خط ابن داوود، خبر داده و درباره خط او نوشته است: «وخطه کاسمه حسن جید». (3) شیخ عباس قمی نیز بر این مطلب، تصریح کرده است. (4) آقای آل بحرالعلوم، محقق الرجال ابن داوود نیز بر آن است که اشتباهات و تغییرات مورد بحث، از اختلاف نسخ برآمده است. او نسبت دادن خط و عدم ضبط به ابن داوود را ناروا دانسته و البته منکر وجود برخی خط ها در کتاب او نیست. (5) از کتاب الرجال ابن داوود، دو تحقیق در دسترس است. نخست، تحقیقی که زیر نظر مرحوم محدث ارموی انجام گرفته و به سال 1342 ش (1383 ق)، توسط مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران منتشر شده است. تحقیق دوم به همت آقای سیّد محمّد صادق آل بحرالعلوم، همراه با مقدمه ای در شرح زندگی و معرفی کتاب ابن داوود توسط المطبعة الحیدریة ی نجف منتشر شده است.

2. خلاصة الأقوال في معرفة أحوال الرجال (6) این کتاب، اثر معروف علامه حلّی در علم رجال است که آن را به سال 693 ق، (7) پس

- 
- 1- ریاض العلماء، ج 1، ص 258.
  - 2- همان، ص 63.
  - 3- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 2، ص 327.
  - 4- الفوائد الرضویة، ص 109.
  - 5- ر.ک: الرجال، ص 18 (مقدمه محقق).
  - 6- کشف الحجب والأستار، ص 206 (ش 1060)؛ الذریعة، ج 7، ص 214 (ش 1040)؛ مکتبة العلامة الحلی، ص 118؛ الأعلام، ج 2، ص 228؛ إيضاح المکنون، ج 1، ص 433.
  - 7- خلاصة الأقوال، ص 95.



از کتاب عظیم خود در رجال، نگاشته است. کتاب، دارای نسخه های خطی متعددی است که برخی از آنها در زمان نویسنده نگارش یافته است. از آن جمله، نسخه ای است که شاگرد علامه، سراج الدین حسن بن بهاء الدین محمد بن ابی المجد سرباشنوی کتابت کرده و آن را بر استاد، قرائت کرده است. علامه نیز انهاء و اجازه ای به تاریخ 715 ق، در پایان قسم اول و پایان کتاب برای نگارنده نسخه نوشته است. این نسخه در کتاب خانه سید حسن صدر در کاظمین، موجود است. (1) اقدامات متعددی درباره خلاصه الأقوال توسط عالمان پس از علامه صورت گرفته که نشانگر توجه و اهتمام ایشان به این کتاب و رواج و تداول آن در محافل علمی است. این اقدامات، در قالب تلخیص، مرتب کردن (احتمالاً ترتیب الفبایی بر اساس حروف دوم و سوم نام ها)، استدراک، به نظم کشیدن و ترجمه آن به چشم می خورد. حواشی متعددی نیز توسط عالمان پس از علامه حلی بر کتاب خلاصه الأقوال زده شده است. این حواشی که جملگی در الذریعة معرفی شده، عبارت اند از: 1. حاشیه بهاء الدین علی بن غیاث الدین عبد الکریم بن عبد الحمید نیلی نجفی، صاحب رجال النیلی؛ 2. حاشیه شهید ثانی؛ 3. حاشیه سید ماجد بن هاشم بحرانی؛ 4. حاشیه شیخ سلیمان بن عبد الله ماحوزی؛ 5. حاشیه ابو جعفر محمد بن حسن بن زین الدین شهید، معروف به شیخ محمد سبط؛ 6. حاشیه شیخ بهاء الدین محمد بن حسین عاملی؛

7. حاشیه سیّد محمد بن علی بن حسین بن ابی الحسن عاملی، صاحب مدارک؛ 8. حاشیه شیخ مساعد بن بدیع بن حسن حویزی، معاصر شیخ حرّ عاملی؛ (1) 9. حاشیه شیخ حسن، صاحب معالم؛ (2) 10. حاشیه علم الهدی محمد بن محمد محسن فیض کاشانی. (3) از اقدامات دیگر درباره خلاصه الأقوال، مرتّب کردن آن است که توسط ملاّ عزیزالله، از فرزندان محمد تقی مجلسی (م 1074 ق) و شیخ فخر الدین، فرزند محمد علی طریحی نجفی (م 1085 ق)، (4) ملاّ نور الدین علی بن حیدر علی قمی (به نام نهایت الآمال فی ترتیب خلاصه الأقوال، تاریخ نگارش 974 ق) (5) صورت گرفته است. تلخیصی از خلاصه الأقوال به نظم توسط شیخ محمد جواد بن محسن خراسانی (م 1397 ق) به نام خلاصه الخلاصه در ششصد بیت انجام یافته که در تهران، منتشر شده است. (6) نیز نظم دیگری از خلاصه به نام ملخص المقال فی نظم مختصر خلاصه الأقوال فی معرفة أسماء الرجال، توسط عبد الرحیم بن عبد الحسین بن محمد حسین تهرانی، صاحب الفصول به سال 1333 ق، نوشته شده که به سال 1343 ق، به چاپ رسیده است. (7) گزینش دیگری توسط محمدرضا بن اسماعیل موسوی شیرازی (م بعد از 1300 ق) به نام الوجیزة فی الرجال انجام گرفته است. (8)

- 
- 1- الذریعة، ج 6، ص 82 \_ 83.
  - 2- همان، ج 7، ص 103.
  - 3- مکتبة العلامة الحلّی، ص 126.
  - 4- الذریعة، ج 4، ص 65.
  - 5- همان، ج 10، ص 135.
  - 6- مکتبة العلامة حلّی، ص 126.
  - 7- الذریعة، ج 22، ص 214 (ش 6744).
  - 8- همان، ج 25، ص 49 (ش 248).

نیز مستدرکی توسط میرزا لطف علی بن محمد کاظم تبریزی شیرازی (م 1350 ق) تهیّه شده است. (1) خلاصه الأقوال، توسط محمد باقر بن محمد حسین تبریزی به سال 1290 ق، به فارسی ترجمه شده است. این ترجمه به خط مترجم در کتاب خانه مجلس شورای اسلامی موجود است. (2) باری! علامه حلّی در مقدمه خلاصه الأقوال، پس از یادکرد ضرورت علم رجال و نیازمندی عالمان دینی در استنباط احکام به آن، کتاب خود را حدّ وسط کتاب های رجالی پیشین می داند که برخی به غایت مفصّل و برخی در نهایت اختصارند. او تأکید می کند که به ذکر تمام راویان نخواهد پرداخت؛ بلکه تنها از دو قسم سخن خواهد گفت: قسم نخست، کسانی که به روایت ایشان اعتماد می کند یا قبول سخن او نزد نویسنده مرجّح است. قسم دوم، افرادی که روایت ایشان را ترك گفته یا درباره آنها توقّف کرده است. (3) علامه حلّی، هر يك از حروف الفبا را تحت يك فصل، سامان داده که هر فصل، خود به چند باب تقسیم می شود. برای مثال، فصل اوّل به اسامی ای که با همزه شروع می شود، اختصاص دارد که هر اسمی، خود، شامل يك باب است. مثلاً باب ابراهیم، باب اسماعیل. در تبویب باب ها، فقط حروف اوّل لحاظ شده و ترتیب حروف بعدی لحاظ نشده است. مثلاً باب اسماعیل، قبل از اسحاق، و باب ادریس، پس از ایوب آمده است. در ذکر اسامی هر باب نیز حروف اوّل نام پدران رعایت نشده است. مثلاً ابراهیم بن نعیم، قبل از ابراهیم بن ابی محمود، و جعفر بن سهیل، پیش از جعفر بن

1- همان، ج 21، ص 4 (ش 3676).

2- مکتبه العلامة الحلّی، ص 126؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 17، ص 349 (ش 5955).

3- خلاصه الأقوال، ص 2\_3.

بشیر آمده است . (1) علامه ، در یادکرد برخی اعلام ، به ضبط آنها نیز اشاره می کند . (2) خاتمه کتاب ، شامل ده فایده مهم است که توجه به آنها در فنّ رجال ، ضروری است . این فایده ها شامل این مطالب است : تعیین اسامی کسانی که به کنیه معروف اند ؛ تعیین ابو جعفر در روایات سعد بن عبد الله از او ؛ تعیین عدّه در اسانید کلینی ؛ مستثنیات محمد بن حسن بن ولید از روایات محمد بن احمد بن یحیی ؛ بیان نَوَاب اربعه حضرت حجّت \_ سلام الله علیه \_ ؛ یادکرد برخی از مذمومان (به نقل از شیخ طوسی) ؛ افراد صالحی که توسط نَوَاب اربعه برایشان توقیع آمده است ؛ ذکر کیفیت طُرُق شیخ طوسی و شیخ صدوق به روایانی که آنها را ملاقات نکرده اند ؛ و تعیین حمّاد در اسناد ابراهیم بن هاشم به او . واپسین فایده خاتمه ، طُرُق متعدّد علامه حلّی به هر یک از طوسی ، صدوق ، ابو عمرو کشّی و نجاشی است که همه آنها از طریق پدر علامه حلّی است . برخی دیگر از ویژگی های رجال علامه حلّی عبارت اند از : (3) 1 . همچنان که گفته شد ، قسم اوّل رجال علامه به ذکر کسانی اختصاص دارد که نویسنده به روایت ایشان عمل می کند و قسم دوم ، شامل کسانی که به روایت ایشان عمل نمی کند . بر این اساس ، علامه ، همچنان که در قسم اوّل ، امامیان ممدوح را می آورد ، افراد فاسد المذهبی مانند ابن بکیر و علی بن فضال را که به روایتشان عمل می کند نیز در این قسم می آورد . او افراد موثقی را که به روایتشان عمل نمی کند ، در قسم دوم می آورد . افرادی که درباره آنها توقّف کرده ، هرگاه گرایش به مدح فرد داشته

1- پیش تر یاد شد که کسانی چند ، اقدام به مرتّب کردن این کتاب نموده اند.

2- برای نمونه، ر.ک: ذیل عاصم بن حمید حنّاط، لیث بن البختری و مُعْتَب.

3- قاموس الرجال، ج 1، ص 35\_36.

باشد، در قسم اول، و هرگاه آهنگ جرح فرد داشته یا در ترجیح مدح یا قدح توقّف کرده باشد، در قسم دوم می آورد. (1) 2. علامه حلّی، افراد مختلفّ فیه را در هر دو قسم، ذکر نمی کند؛ بلکه هرگاه مدح فرد را ترجیح دهد، در بخش نخست و اگر ذم را ترجیح دهد یا توقّف کند، در قسم دوم می آورد. 3. علامه، آنچه را که از کتاب های رجال الکشتی یا رجال النجاشی، یا الرجال یا الفهرست شیخ طوسی یا رجال ابن الغضائری برگرفته، مستند خود را ذکر نمی کند و عین عبارات منقول را می آورد و هرگاه مطالبی از منابع دیگر (مانند: الغیبة طوسی یا الرجال ابن عقده یا عقیقی) نقل می کند، مستند خود را ذکر می کند. همچنین، در صورت اختلاف دیدگاه های نویسندگان منابع پنجگانه، مستند خود را نام می برد. از این نکته، آشکار است که هرگاه نویسنده، مطلبی را بگوید و مستند آن را ذکر نکند، دانسته می شود که در کتاب های پنجگانه یاد شده، آمده است، هرچند در نسخ ما موجود نباشد. 4. اهتمام علامه حلّی به بیان مدح و قدح راویان است. از این رو، به این نکته که راوی از اصحاب کدام امام یا امامان بوده، نمی پردازد. 5. علامه در قسم اول، فقط ممدوحان را می آورد و برخلاف ابن داوود، مهملان را ذکر نمی کند. مفهوم این سخن آن است که ایشان به روایات افراد مهمل، عمل نمی کند. خلاصة الأقوال، با تحقیق سیّد صادق بحر العلوم، توسط المطبعة الحیدریة ی نجف منتشر شده و توسط منشورات الرضی قم، تجدید چاپ شده است. نشر تحقیقی دیگر آن به همت جواد قیومی به همت مؤسسه نشر الفقاهه، به سال 1417 ق، انجام پذیرفته است.

### 3. إيضاح الاشتباه في أسماء الرواة

3. إيضاح الاشتباه في أسماء الرواة (1) این کتاب، نوشته علامه حلی (م 726 ق) است که آن را پس از خلاصه الأقوال نگاشته و در ذی قعدة 707، نگارش آن را به پایان برده است. موضوع کتاب، ضبط نام راویان و نام پدران و نسب ایشان است. شکل کار، بدین گونه است که نویسنده، حروف و حرکات هر يك از واژگان دشوار موجود در نام راویان را بیان می کند. مثلاً ذیل علی بن مهزیار می نویسد: بفتح المیم و إسكان الهاء و كسر الزاء و بعدها ياء منقطعة تحتها نقطتين والراء أخيراً. (2) از آن جا که علامه در تنظیم کتاب (مانند خلاصه) فقط حروف اول اسامی راویان را لحاظ کرده و مثلاً نام اسماعیل را قبل از احمد و اسماعیل بن محمد را قبل از اسماعیل بن علی آورده است، برخی از دانشوران با تنظیم حروف دوم و سوم، ترتیب دقیق تری از آن به دست داده اند. از جمله، سید ابوالقاسم جعفر کبیر فرزند حسین بن قاسم خوانساری (جد صاحب روضات) (م 1158 ق)، بدون دخل و تصرف، آن را مرتب کرد و تتمیم الإفصاح فی ترتیب الإيضاح نام نهاد. (3) نیز علم الهدی محمد بن محسن فیض کاشانی با افزودن مطالبی دیگر، نضد الإيضاح را پرداخت (22 رمضان 1073). این کتاب به سال 1271 ق، در حاشیه الفهرست شیخ طوسی با تصحیح اسپرنگر در کلکته و به سال 1351 ش، توسط دکتر محمود رامیار، همراه با مقدمه و فهرس، تجدید چاپ شده است. (4)

1- کشف الحجب والأستار، ص 73؛ الذریعة، ج 2، ص 493 (ش 1934)؛ مکتبة العلامة الحلی، ص 59؛ هدیة العارفين، ج 1، ص 284. نام کتاب در منابع به شکل های مختلف آمده. آنچه در عنوان آمد، تعبیر علامه در مقدمه کتاب است (ر.ک: إيضاح الاشتباه، ص 77).

2- إيضاح الاشتباه، ص 216 (ش 382).

3- الذریعة، ج 3، ص 336 (ش 1221).

4- همان، ج 24، ص 186 (ش 971).

#### 4. عمدة الطالب في أنساب آل أبي طالب

نکته مهمی که در باب ایضاح الاشتباه شایان ذکر است آن که در ضبط پاره ای اعلام، میان خلاصه و ایضاح الاشتباه اختلاف هست. مثلاً در خلاصه، «آدم بن الحسین النحاس» آمده، (1) در حالی که در ایضاح الاشتباه «نحاس» آمده و تصریح شده: «بالنون والنحاء المعجمة المشددة والسين المهملة». (2) محقق ایضاح الاشتباه، فهرستی از این اختلافات را به دست داده است. (3) محقق شوشتری تذکر داده که در چنین مواردی، ظاهراً ضبط ایضاح، مقدم است؛ چرا که موضوع آن، فقط ضبط اسامی است. (4) ایضاح الاشتباه، با تحقیق محمد حسون به سال 1411 ق، توسط دفتر نشر اسلامی منتشر شده است. (5)

4. عمدة الطالب في أنساب آل أبي طالب (6) این کتاب، نوشته نسب شناس مشهور سید جمال الدین احمد بن علی بن عبّنه (م 828 ق) است که آن را به خواهش سید جلال الدین حسن نقیب بن عمیدالدین علی (به سال 812 ق) نگاشته است. از نسخ خطی این کتاب، نسخه دست خط سید حسین بن مساعد است که در 29 ربیع اول سال 893، نگارش آن را به پایان برده و تعلیقاتی بر آن افزوده و آن را از روی نسخه ای که از روی نسخه مؤلف و به تاریخ اول رمضان سال 812 نوشته شده،

- 
- 1- خلاصه الأقوال، ص 13.
  - 2- ایضاح الاشتباه، ص 83.
  - 3- ر.ک: همان، ص 18 \_ 21 (مقدمه تحقیق).
  - 4- قاموس الرجال، ج 1، ص 57.
  - 5- برای نسخ خطی کتاب، ر.ک: مکتبه العلامة الحلی، ص 59.
  - 6- الذریعة، ج 15، ص 338 (ش 2170)؛ موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 4، ص 216؛ کشف الظنون، ج 2، ص 1167، هدیة العارفين، ج 1، ص 123. در کشف الظنون، به اشتباه، نویسنده عمدة الطالب جلالی و تیموری را دو نفر دانسته است.

## 5. الفصول الفخرية في أصول البرية

استنساخ کرده است. (1) عمدة الطالب چاپ شده، در حقیقت نگارش دوم از این کتاب است که نویسنده، يك سوم نگارش نخست (نسخه تیموری) را حذف کرده و آن را در يك «مقدمه» و سه «اصل» و هر اصل شامل چندین «فصل»، مرتب کرده است. (2) این کتاب، مورد عنایت عالمان امامیه بوده و در پژوهش های مربوط به تاریخ و انساب، از آن بهره برده اند (3). منابع ابن عنبه در نگارش عمدة الطالب، مطالب استادش ابن مَعِيَّة (م 776 ق) و کتاب های ابوالحسن علی بن محمد بن علی صوفی (معروف به ابن صوفی عُمَرَى)، معاصر سید مرتضی (مانند المجدی والمبسوط) و نیز کتاب در علم انساب ابو نصر سهل بن عبد الله بخاری به نام نسب الطالبین (تألیف 592 ق) است. (4) عمدة الطالب، بار نخست به سال 1358 ق، با تحقیق سید محمّد صادق آل بحرالعلوم و دیگر بار با تصحیح محمّد حسن آل طالقانی و با مقدمه و تعلیقات سید محمّد صادق آل بحرالعلوم، در نجف منتشر شده است. چاپ دیگر این کتاب، توسط مکتبه الثقافة الدینیة در قاهره و با تحقیق گروهی از محققان به سال 1421 ق انجام پذیرفته است. در پایان این کتاب، رساله ای در اصطلاحات علم نسب نیز آمده است.

5. الفصول الفخرية في أصول البرية (5) این کتاب نیز نوشته سید جمال الدین احمد بن عنبه است که آن را برای سید

1- الذریعة، ج 15، ص 338 (ش 2170).

2- همان جا. در مقدمه عمدة الطالب چاپ نجف (ص 13)، نسخه جلالی را بزرگتر از تیموری دانسته که خطاست.

3- ر. ک: بحار الأنوار، ج 1، ص 23.

4- برای مثال، ر. ک: عمدة الطالب، انتشارات رضی، ص 34، 38، 40، 93.

5- الذریعة، ج 16، ص 242 (ش 960)؛ موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 4، ص 218؛ الفصول الفخرية، مقدمه جلال الدین همایی.



**ب . آثار خطی و نایاب****1. کشف المقال فی معرفة الرجال**

فخرالدین حسن حسینی از سادات و نقیبان ری ، به زبان فارسی نگاشته است . این کتاب غیر از کتاب فارسی دیگر نویسنده به نام التحفة الجمالیة است (1). الفصول الفخریة ، دارای مقدمه ای در بیان منشأ نسل است . و در سه فصل بعد ، به نسل فرزندان سه گانه نوح علیه السلام پرداخته و در ضمن آن ، یک دوره تاریخ عمومی بیان کرده و در یاد کرد نسل سام بن نوح ، به بیان نسل عبد مناف بن قصّی و در ادامه به بنی امیّه و بنی عبّاس به طور مختصر و به نسل ابوطالب علیه السلام به طور مفصّل پرداخته است . این کتاب به تصحیح سیّد کاظم موسوی و به اهتمام سیّد جلال الدین محدّث ارموی و مقدمه جلال الدین همایی از سوی انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شده است .

ب . آثار خطی و نایابافزون بر کتاب های پنج گانه چاپ شده ، آثار متعدّد دیگری نیز در این دوره در زمینه رجال و انساب نگاشته شده که متأسفانه ، از بسیاری از آنها اطلاعی در دست نیست . این کتاب ها از این قرارند :

1. کشف المقال فی معرفة الرجال (2) علامه حلّی در مقدمه خلاصه الأقوال ، پس از آن که بر گزینشی بودن مطالب آن تأکید می کند ، می افزاید که تفصیل مباحث رجالی را در کتاب کشف المقال آورده است . عبارت ایشان چنین است : ما در آن ، همه آنچه را که از راویان و مصتّفان نقل شده ، ذکر کرده ایم و شامل آنچه از پیشینیان به ما رسیده و احوال متأخران و معاصران است . پس هرکه طالب استقصا [ی مباحث] است ، به آن کتاب رجوع کند که در

1- . همان ، ج 3 ، ص 424 .

2- . خلاصه الأقوال ، ص 2؛ أمل الآمل ، ج 2 ، ص 85 ؛ الذریعة ، ج 18 ، ص 63 (ش 689)؛ مكتبة العلامة الحلّی ، ص 77 و 250 .

## 2. جامع أشتات الروات والروایات عن الأئمة الهداة

باب خود، کافی است. (1) ایشان، همچنین در مختلف الشيعة، درباره عمرو بن سعید \_ که روایتی از امام باقر علیه السلام نقل کرده \_ می نویسد: عمرو بن سعید \_ گرچه گفته اند فَطَحِي است \_ اما ثقه است و من در کتاب خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال و نیز در کتاب کشف المقال فی معرفة الرجال، شرح حال او را آورده ام. (2) همچنین، علامه در مواضعی از خلاصة نیز به مجموعه بزرگ رجالی خود، ارجاع می دهد. از جمله، ذیل علی بن محمد عدوی می نویسد: له تصانیف كثيرة ذکرناها فی کتابنا الكبير. (3) بر اساس پاره ای نسخ خلاصة الأقوال، از جمله نسخه ای که در دسترس علامه مجلسی بوده، کشف المقال، شامل چهار جزء بوده است. (4)

2. جامع أشتات الروات والروایات عن الأئمة الهداة (5) این کتاب، نوشته نظام الدین ابوالقاسم علی بن عبد الحمید نیلی، شاگرد فخر المحققین و ابوطالب اعرجی و استاد ابن فهد حلی است. سید اعجاز حسین، گزارش کرده که نسخه اصلی کتاب، به خط نویسنده، نزد سید عبد العلی طباطبایی موجود است. (6) نویسنده، اجازه ای نیز برای ابن فهد نوشته است.

1- خلاصة الأقوال، ص 2.

2- مختلف الشيعة، ج 1، ص 194.

3- خلاصة الأقوال، ص 101 (ش 49). نیز، ر.ک: إيضاح الاشتباه، ص 77.

4- بحار الأنوار، ج 104، ص 52؛ الذريعة، ج 18، ص 63 (ش 689). برای نسخه خطی آن، ر.ک: منبع اخیر.

5- ر.ک: کشف الحجب والأستار، ص 151 (ش 745)؛ مصفّی المقال، ص 284، الذريعة، ج 5، ص 40 (ش 167).

6- کشف الحجب والأستار، ص 151 (ش 745).

### 3. رجال النیلی

3. رجال النیلی (1) این کتاب، نوشته سید بهاء‌الدین علی بن عبد‌الکریم بن عبد‌الحمید حسینی نیلی نجفی، معروف به «نسّابه»، استاد ابن فهد حلّی است. به گفته افندی، سید جمال‌الدین ابن اعرج، تتمّه‌ای در ذکر نام علمای روزگار علامه حلّی و اندکی پس از او به آن ملحق ساخته است. نویسنده ریاض‌العلماء، به نقل از صاحب‌معالم، گزارش کاملی از این کتاب، به دست داده است. صاحب‌معالم که رجال‌نیلی را یافته بوده، شرح حال 26 نفر از عالمان پس از علامه حلّی را که سید جمال‌الدین ابن اعرج به درخواست نویسنده به آن ملحق کرده بوده، استخراج کرده است. بنا به نوشته صاحب‌معالم، رجال‌نیلی، به سان خلاصه‌ی علامه حلّی بر دو قسم است. او ابتدا کلام علامه در خلاصه‌ی او در هر باب می‌آورد و چون به آخر باب می‌رسد، موارد دیگر را از الفهرست شیخ یا کتاب ابن داوود یا نجاشی تکمیل می‌کند. در برخی موارد نیز به برخی مناقشات جزئی با ابن داوود می‌پردازد که برخی از آنها غیر قابل توجه است، (2) گو این که بیشتر مواردی که افزون بر خلاصه از الفهرست شیخ طوسی یا رجال‌النجاشی نقل می‌کند، در قسم دوم خلاصه موجود بوده و نویسنده، دوباره آنها را ذکر می‌کند... (3) از آن جا که نیلی می‌خواسته کتابش، عالمان پس از علامه را نیز در برگیرد، از سید جمال‌الدین ابن اعرج درخواست کرده که شرح حال این عالمان را نیز بنویسد و در کتاب، درج کند. او نیز به این کار، مبادرت کرده است. صاحب‌معالم افزوده که او

1- ریاض‌العلماء، ج 4، ص 131\_133؛ مصفّی‌المقال، ص 293\_285؛ الذریعة، ج 10، ص 157.

2- تعبیر متن، چنین است: «ویتصدی فی بعض المواضع لمناقشة ابن داوود فی أشياء سهلة و بعضها مناقشات باردة».

3- ر.ک: ریاض‌العلماء، ج 4، ص 131\_132؛ مصفّی‌المقال، ص 287\_288.

**4 . مجموعه الجبعی**

نام این افراد را استخراج کرده تا محفوظ بماند ؛ چرا که تنها در این کتاب از آنان یاد شده است . (1)

4 . مجموعه الجبعی (2) شمس الدین محمد بن علی جبعی لویزانی (م 886 ق) دارای چند نوشته موسوم به «مجموعه» است . شیخ آقا بزرگ ، در این باره نوشته است : او مجموعه هایی پُر فایده به خط خود ، نوشته است که در آنها شرح حال و تاریخ وفات بسیاری از علمای بزرگ ، آمده است . علامه مجلسی ، در اجازات بحار الأنوار ، از این مجموعه با تعبیر «وجدت بخط الشيخ محمد بن علی الجبعی» فراوان نقل می کند . (3) به گفته صاحب الذریعة ، این مجموعه نزد محدث نوری بوده و اکنون در کتاب خانه ملك تهران ، نگهداری می شود . فهرستی نیز برای آن تهیه شده که به گنجینه نفیسه موسوم است . (4) شیخ شمس الدین ، این مجموعه را در صفر 857 ق ، نگاشته و فرزندش شیخ عبد الصمد (جد شیخ بهایی) با نسخه دیگری به خط پدرش به سال 917 ق ، مقابله کرده است . (5) مجموعه دیگری نیز توسط شیخ شمس در نجف ، الدین فراهم آمده که بنا به گفته شیخ آقا بزرگ ، در کتاب خانه مدرسه سیّد بروجردی در نجف ، نگهداری می شود . در ابتدای این مجموعه ، نویسنده ، قصیده «سبع علویات» ابن ابی الحدید را

1- همان جاها.

2- الذریعة، ج 20، ص 77 (ش 1995).

3- مصفی المقال، ص 412.

4- الذریعة، ج 20، ص 77 (ش 1995)

5- همان جا.

**5. آثار ابن معینه**

نگاشته و تأکید کرده که این قصیده را شهید اول، از فخر المحققین، از علامه حلّی، از پدر علامه، از ابن ابی الحدید، روایت می کند. (1) همچنین ابیاتی در رثای امام حسین علیه السلام و اشعاری در توسّل به اهل بیت علیهم السلام از مشاهیر شعرای شیعه (مانند سیّد حمیری، ابن حماد، ابن حجاج و صاحب بن عبّاد) در آن آمده است. تاریخ نگارش این مجموعه، اواخر شعبان 868 هجری است. (2)

5. آثار ابن معینه همچنان که در شرح حال ابن معینه یاد شد، وی کتاب ها و رساله های متعدّدی نوشته که غالب آنها در زمینه انساب، رجال و تاریخ است. از آن جمله، کتابی در معرفة الرجال (در دو جلد) و نهاية الطالب فی نسب آل ابی طالب (در دوازده جلد)، شایان ذکر است. (3) کتاب نخست، ظاهراً باقی نمانده و درباره کتاب دوم نیز شیخ آقا بزرگ، گزارش داده که نسخه ای از آن به سال 901 ق، در مکه بوده است. (4) کتاب دیگر ابن معینه، سبک الذهب فی شبک النسب نام دارد که درباره انساب بنی هاشم است. (5) بنا به نقل صاحب الذریعة، نسخه ناقصی از این کتاب در کتاب خانه شیخ علی کاشف الغطاء و نسخه کامل آن در کتاب خانه صدر، موجود است. (6) کتاب دیگر ابن معینه، تذییل (/ تبدیل) الأعیاب فی الأنساب نام دارد. (7)

1- همان جا.

2- الذریعة، ج 20، ص 77 (ش 1996).

3- عمدة الطالب، ص 169 \_ 170؛ مصفّی المقال، ص 438؛ الذریعة، ج 21، ص 257 (ش 4916).

4- الذریعة، ج 24، ص 400 (ش 2133).

5- همان، ج 12، ص 131 (ش 903).

6- همان جا.

7- همان، ج 4، ص 53 (ش 217) و ج 3، ص 311 (ش 1150)؛ ایضاح المکنون، ج 1، ص 278؛ معجم المؤلفین، ج 11، ص

**6. آثار ابن عنبه****أنساب آل أبي طالب****بحر الأنساب****تحفة الطالب في النسب**

کتاب دیگر او نیز الشجرة الطاهرة من الشجرة الطاهرة، در چهار مجلد به شکل مشجر است. (1)

6. آثار ابن عنبه آثار منتشر نشده ابن عنبه در دانش انساب، عبارت اند از: أنساب آل أبي طالب این کتاب، به زبان فارسی نوشته شده است و از متن آن بر می آید که پس از عمده الطالب نگاشته شده است، آن چنان که گویی ترجمه آن به فارسی (با اندکی تغییر) است. بنا به گزارش شیخ آقا بزرگ، سید صدر، آن را در کتاب خانه محدث نوری دیده است. نویسنده الذریعة احتمال یکی بودن این کتاب با التحفة الجمالية فی أنساب الطالبیة را داده است. (2)

بحر الأنساب (3) این کتاب، شامل يك مقدمه و پنج فصل است. نسخ خطی این کتاب، در کتاب خانه حکیم در نجف و معهد المخطوطات العربية ی قاهره موجود است. (4) نسخ دیگر آن در کتاب خانه خدیو در قاهره نگهداری می شود. (5)

تحفة الطالب فی النسب (6) نویسنده الذریعة احتمال یکی بودن این کتاب با التحفة الجمالية را داده است. (7)

- 1- الذریعة، ج 5، ص 15 (ش 61)؛ هدیة العارفین، ج 2، ص 166؛ معجم المؤلفین، ج 11، ص 138.
- 2- الذریعة، ج 2، ص 376 (ش 1512)؛ موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 4، ص 214.
- 3- الذریعة، ج 3، ص 32 (ش 57)؛ موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 4، ص 214.
- 4- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 4، ص 345.
- 5- الذریعة، ج 3، ص 448 (ش 1627).
- 6- الذریعة، ج 3، ص 448 (ش 1627).
- 7- همان جا.

**عمدة الطالب فی أنساب آل أبي طالب (تیموری)****عمدة الطالب فی أنساب آل أبي طالب (مشعشی)****وفیات العلماء و تواریخهم**

عمدة الطالب فی أنساب آل أبي طالب (تیموری) این کتاب ، مفصّل و غیر مبوبّ بوده و نویسنده در آن ، کتاب های علی بن محمد صوفی و ابو نصر سهل بخاری را گرد آورده و مطالبی دیگر ، بدان افزوده و آن را به تیمور لنگ گورکانی تقدیم کرده است . (1) نسخه ای از این کتاب ، در کتاب خانه دانشگاه تهران موجود است که در هجدهم شوال 969 در مدینه نوشته شده است . (2)

عمدة الطالب فی أنساب آل أبي طالب (مشعشی) این کتاب ، نگارش سوم از عمدة الطالب است که ابن عنبه ، آن را برای سلطان شریف محمد بن فلاح مشعشی و به سال 827 ق ، نگاشته است . (3) نسخه های خطّی این کتاب در کتاب خانه سیّد صدر در کاظمین و کتاب خانه شخصی علی کاشف الغطاء در نجف و نیز کتاب خانه آية الله مرعشی موجود است که به سال 992 ق ، کتابت شده است . (4) در پایان کتاب ، خاتمه ای در اصطلاحات علم نسب ، آمده است .

وفیات العلماء و تواریخهم (5) این کتاب ، نوشته شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی کفعمی (م 905 ق) است . روضات الجنّات ، در شرح حال محمد بن ادریس و برخی دیگر ، از آن استفاده کرده است . (6) نیز بنا به گفته شیخ آقا بزرگ ، شیخ سلیمان بن عبد الله ماحوزی در سلافة البهية ، از آن بهره جسته است . (7)

1- الذریعة، ج 15، ص 336 (ش 2168).

2- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه دانشگاه تهران، ج 4، ص 630 .

3- الذریعة، ج 15، ص 339 (ش 2170) .

4- همان جا .

5- مصنّفی المقال، ص 10؛ الذریعة، ج 25 (ش 722)؛ موسوعة مؤلفی الإمامیه، ج 1، ص 325 (ش 62).

6- روضات الجنّات، ج 6، ص 278 .

7- الذریعة، ج 5، ص 125 (ش 722).

## فقه الحدیث

## الف . آثار چاپی

## شرح حدیث حقیقت

فقه الحدیث فقه الحدیث در این دوره ، در قالب نوشتن شرح و حاشیه بر متون حدیثی ، رخ نموده است . در این بخش ، این آثار را می شناسانیم .

الف) آثار چاپی شرح حدیث حقیقت این اثر به علامه حلّی (م 726 ق) نسبت داده شده است . محقق تهرانی با استناد به متن کتاب (که با سایر آثار علامه حلّی ناهمگون است) و نیز عدم یادکرد آن در فهرست نوشته های علامه حلّی ، انتساب کتاب به ایشان را نادرست دانسته است . وی احتمال داده که کتاب ، از آن جلال الدین دوانی باشد ؛ چرا که او در رساله «خلق الأعمال» ، به اثر مورد بحث ، ارجاع می دهد . (1) سیّد عبد العزیز طباطبایی نیز در مکتبة العلامة الحلّی نوشته است : لم ینسبه أحد إلى العلامة الحلّی و طبع منسوباً له من دون ذکر مصدر یعتمد علیه فی هذه النسبة . (2) به نظر می رسد در این گونه موارد که در منابع معتبر رجالی و کتابشناختی ، این کتاب به علامه حلّی نسبت داده نشده است ، با بررسی متن اثر و سنجش آن با آثار شناخته شده علامه ، می توان درباره درستی یا نادرستی انتساب کتاب به نویسنده ، داوری کرد . بر این پایه ، به نظر می رسد به گواهی متن شرح حدیث حقیقت ، این اثر ، از علامه حلّی نیست . اینک شواهد این مطلب : 1 . نگارش شرح و بیان برای یک روایت ، نشانه عنایت شارح به متن و محتوای آن است . طبعاً عمل شرح یک روایت از آن جا آغاز می شود که شارح آن ، اولاً آن را از

1- الذریعة، ج 13، ص 196 (ش 684).

2- مکتبة العلامة الحلّی، ص 245.



نظر اسناد و اعتبار می پذیرد و ثانیاً به متن روایت چندان علاقه می یابد که به شرح و تبیین مضمون آن در قالب رساله، اقدام می کند. با توجه به این نکته، گفتنی است که حدیث معروف به «حقیقت»، در آثار شناخته شده علامه نیامده و از این رو، دلیلی بر عنایت خاصّ علامه به آن در دست نیست. 2. همچنان که شیخ آقا بزرگ نیز تفتّن یافته و تذکر داده اند، متن شرح، مشابه دیگر آثار علامه نیست. در تعبیر کلی باید گفت که شرح مورد بحث، رویکرد عرفانی به حدیث دارد و در آن، مطالبی یافت می شود که با مبانی کلامی علامه حلّی ناپذیرفتنی است. برای نمونه، در رساله «شرح حدیث حقیقت»، در شرح فقره «جذب الأحدیة بصفة التوحید» نوشته است: معناه ان من هتک ستره من غلبة السرور و سکر من شراب الوجد الحقیقی، ثم نفس من سکره و یجلس علی سریر الصحو و یعلم أن لیس فی الوجود إلاّ الله و ینتفی الاثنینیة بالکلیة؛ تمکن من التوحید الحقیقی وهو أن لایجرى فی الوجود الاّ الله الواحد الحق مع وجود کثرة المکوّنات.... (1) با مقایسه مطالب یاد شده با سخن علامه در نهج الحق، در این باره می توان به اختلاف مبانی دو کلام پی برد. در مبحث پنجم کتاب نهج الحق، پس از ضروری شمردن بطلان اتحاد خداوند متعال با ماسوا می نویسد: وخالف فی ذلك جماعة من الصوفیة من الجمهور، فحکموا بأنّه تعالی یتحد مع أبدان العارفين، حتی أن بعضهم قال إنّه تعالی نفس الوجود، و کلّ موجود هو الله تعالی وهذا عین الکفر والإلحاد. (2) 3. نیز در بخشی از «شرح حدیث حقیقت»، با اشاره به شطحیات صوفیه در حال وجد، آمده است:

1- ر. ک: میراث حدیث شیعه، دفتر سوم، ص 193.

2- نهج الحق وکشف الصدق، ص 57.

**ب. آثار خطی و نایاب****فصل پنجم: اجازات و مشایخ اجازه****اشاره**

فصل پنجم: اجازات و مشایخ اجازه‌هایی از مقولات علوم حدیث، بحث اجازات است. در تعریف اجازه گفته اند: کلام صادر از اجازه دهنده (مجیز) که مشتمل بر انشای اذن او در روایت حدیث از او پس از اخبار اجمالی به مرویات خود است. اجازه، در اصطلاح، شکل نوشته شده اذن مجیز است که مشتمل بر سه نکته است: اولاً یادکرد کتاب‌ها و مصنفاتی است که اجازه دهنده، اجمالاً یا تفصیلاً، اجازه روایت آن را از خود داده است. ثانیاً یادکرد مشایخی است که شخص اجازه دهنده از آنها اذن در روایت دارد. ثالثاً ذکر مشایخ هر یک از مشایخ اجازه دهنده به صورت نقل طبقه از طبقه قبل است تا این که اسانید به معصومان ختم شود. اجازه، ممکن است نوشتاری مختصر، متوسط یا طولانی، حتی به شکل یک کتاب (مانند لؤلؤة البحرین) باشد. (1) برخی از عالمان امامیه، کتاب مستقلی در باب اجازات نگاشته اند و اجازه‌های متعددی از مشایخ را در آن آورده اند. بنا به تصریح

---

1- الذریعة، ج 1، ص 131؛ الرعاية لحال البداية فی علم الدراية، ص 137 به بعد؛ علم الحدیث، ص 134 به بعد؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل: «اجازه».

**الف . قرن هشتم**

شیخ آقا بزرگ ، نخستین کسانی که در این زمینه دست به نگارش برده اند ، رضی الدین علی بن طاووس (م 664 ق) و شهید اول (مق 786 ق) هستند . در این بخش ، آن دسته از اجازاتی که از عالمان و مشایخ امامیه در دوره مورد بحث صادر شده ، به نقل از الذریعة گزارش می شود . در مجموع ، اجازات صادر شده در قرن هشتم ، بسی افزون تر از اجازات قرن نهم هجری است . سه عالم پُر اجازه در قرن هشتم عبارت اند از : علامه حلّی ، فخرالدین محمد حلّی و شهید اول .

الف) قرن هشتم 1 . اجازه مختصر علامه حلّی (م 726 ق) به شیخ جمال الدین ابوالفتوح احمد بن ابی عبد الله بلکوب بن ابی طالب بن علی آوی در سال 705 ق . این شخص از فخر المحققین نیز اجازه دارد . (1) 2 . اجازه مبسوط علامه حلّی به بنی زهره که پنج نفرند : 1 . سید علاء الدین علی بن ابراهیم بن محمد بن ابی الحسن بن ابی المحاسن زهره ، 2 . شرف الدین حسین بن علی بن ابراهیم (پسر سید علاء الدین) ، 3 . سید بدر الدین محمد بن ابراهیم (برادر علاء الدین) ، 4 . سید امین الدین احمد بن ابراهیم (پسر بدر الدین) ، 5 . عز الدین حسن بن محمد (پسر بدر الدین) . این اجازه کبیر که به تاریخ پانزدهم شعبان 723 صادر شده ، از نسخه دست خطّ زین الدین علی بن حسن بن محمد استرآبادی (م پیش از 862 ق) در «کتاب الإجازات» بحار الأنوار (ج 107 ، ص 60 \_ 137) آمده است . (2) اجازه مبسوط علامه ، شامل اطلاعات مهم و سودمندی درباره عالمان شیعه و اهل سنت ، و نگاشته های حدیثی و غیر حدیثی آنان ، با ذکر طرق علامه به هر يك از آنهاست .

1- الذریعة، ج 1، ص 176 (ش 898).

2- همان، ش 899 .

3. اجازه مختصر علامه حلّی به تقی الدین ابراهیم بن حسین بن علی آملی ، به تاریخ 709 ق ، که از فخر المحققین هم اجازه دارد . (1)
4. اجازه مختصر علامه حلّی به سراج الدین حسن بن بهاء الدین محمّد بن ابی المجد سرابشروی . این اجازه ، به خطّ علامه در سال 715 ق ، بر ظهر قسم اول خلاصه الأقوال ، نوشته شده است . (2)
5. اجازه علامه حلّی به تاج الدین حسن بن حسین سرابشروی کاشانی . (3)
6. اجازه مختصر علامه حلّی به عزّ الدین حسین بن ابراهیم بن یحیی استرآبادی . این اجازه ، به خطّ علامه در تاریخ 28 صفر سال 708 بر ظهر شرائع نوشته شده است . (4)
7. اجازه مختصر علامه حلّی به سیّد شرف الدین حسین بن محمّد بن علی علوی حسینی طوسی . این اجازه مختصر ، به تاریخ آخر ذی حجّه سال 704 ، به خطّ علامه بر ظهر الإرشاد ، که به خطّ اجازه گیرنده نگاشته شده ، نوشته شده است . (5)
8. اجازه علامه حلّی به شیخ علی بن اسماعیل بن ابراهیم بن فتوح غروی ، به تاریخ دوم رجب 701 . (6)
9. اجازه مختصر علامه حلّی به خواجه رشید الدین علی بن محمّد رشید آوی به تاریخ رجب 705 . (7)

1- .همان، ش 897 .

2- .همان، ص 177 (ش 900).

3- .همان، ص 177 (ش 901).

4- .همان، ش 902 .

5- .همان، ش 903 .

6- .همان، ش 904 .

7- .همان، ش 905 .

10 . اجازه مختصر علامه حلّی به شیخ محمّد بن اسماعیل بن حسین بن حسن بن علی هرقلی ، به سال 707 ق . (1) 11 . اجازه علامه حلّی به شیخ قطب الدین محمّد بن محمّد رازی بویهی ، که در سوم شعبان 713 ، در ناحیه ورامین صادر شده است . (2) این اجازه در بحار الأنوار آمده است . (3) 12 . اجازه مختصر علامه حلّی به ملاّ تاج الدین محمود بن ملاّ زین الدین محمّد بن قاضی عبد الواحد رازی ، در اواخر ربیع ثانی سال 709 در سلطانیه . (4) 13 . اجازه مختصر علامه به شیخ محمود بن محمّد بن یار در جمادی ثانی سال 724 . (5) 14 . اجازه متوسط علامه حلّی به سیّد نجم الدین مهنا بن سنان بن عبد الوهاب حسینی مدنی (مجاز از فخر المحقّقین) ، در حلّه به سال 719 ق . (6) علامه ، اجازه دیگری نیز برای نامبرده صادر کرده است . (7) 15 . اجازه مختصر علامه حلّی به ملاّ ضیاء الدین ابی محمّد هارون بن نجم الدین حسن بن شمس الدین علی بن حسن طبرسی در هفدهم رجب 701 . (8) 16 . اجازه سیّد ابوطالب احمد بن محمّد بن زهره حسینی حلّی (مجاز از علامه حلّی) به شهید اول . صاحب معالم در اجازه خود به سیّد نجم ، بخشی از

- 
- 1- . همان ، ش 906 .
  - 2- . همان ، ش 907 .
  - 3- . بحار الأنوار ، ج 107 ، ص 138 .
  - 4- . الذریعة ، ص 178 (ش 908) . نیز ، ر.ك: بحار الأنوار ، ج 107 ، ص 142 .
  - 5- . الذریعة ، ج 1 ، ص 178 (909) .
  - 6- . همان ، ش 910 . نیز ، ر.ك: بحار الأنوار ، ج 107 ، ص 143 .
  - 7- . الذریعة ، ج 1 ، ص 178 (ش 911) . نیز ، بحار الأنوار ، ج 107 ، ص 147 .
  - 8- . الذریعة ، ج 1 ، ص 178 (ش 912) .

آن را درج نموده است. (1) 17. اجازه شیخ تاج الدین حسن بن حسین بن حسن سرابشروی کاشانی به یکی از شاگردان خود، در ذی حجه سال 728. (2) 18. اجازه شیخ تاج الدین سرابشروی به فرزندش شیخ زین الدین علی بن حسن بن حسین به سال 763 ق. ابن ابی جمهور، در ابتدای عوالی، از مجاز به عنوان «شیخ شرف الدین علی بن تاج الدین حسن سرابشروی» یاد کرده است. (3) 19. اجازه حسن بن یوسف بن هلال بن نعمان مناری به پسرش شیخ ابوالحسن موسی بن حسن، به تاریخ 756 ق. (4) 20. اجازه مبسوط حسین بن کمال الدین علی بن حسین بن حماد لیشی واسطی به شیخ نجم الدین خضر بن محمد بن نعیم مطار آبادی، به تاریخ 756 ق. مجیز در اجازه از پدرش شیخ کمال الدین علی (مجاز از سید عبد الکریم بن طاووس، شیخ محفوظ، شیخ میثم، یحیی بن سعید و... ) روایت می کند. نیز به طریق اجازه از جمعی از علما در شیراز (از جمله شمس الدین محمد آملی و عماد الدین کاشانی) به سال 750 ق، روایت می کند. (5) 21. اجازه سید عبد المطلب بن مرتضی حسینی (مجاز از قاضی مجدالدین عبد الله بن محمود) به صدر کبیر حسام الدین عبد الوهاب بن امیر قلیچ ارسلان بن بای ارسلان بن بدر البدری، به سال 723 ق، در موصل، بر ظهر کتاب تنزیه الانبیاء سید مرتضی. (6)

1- همان، ش 672.

2- همان، ص 170 (ش 859).

3- همان، ش 860.

4- همان، ص 178 (ش 913).

5- همان، ص 186 (ش 968).

6- همان، ص 207 (ش 1078).

22. اجازه شیخ کمال الدین علی بن حسین بن حمّاد لیثی واسطی به سیّد شمس الدین محمّد بن احمد بن ابی المعالی موسوی ، استاد شهید اوّل . (1) 23. اجازه مختصر شیخ رضی الدین علی بن محمّد بن عبد الحمید نیلی به شیخ ابو العباس احمد بن محمّد بن فهد حلّی در جمادی ثانی 791 ، که در آن از فخر المحقّقین و رضی الدین علی بن جمال الدین احمد مزیدی و سیّد شمس الدین محمّد بن ابی المعالی روایت می کند . (2) 24. اجازه مختصر شیخ نصیرالدین علی بن محمّد بن علی کاشانی حلّی (م 755 ق) به شیخ شمس الدین محمّد بن صدقه ، در پنجم جمادی اوّل 725 . این اجازه از دست خطّ مجیز بر ظهر مصباح الأرواح بیضاوی ، موجود در خزانه غروی ، توسط عبد الرحمان بن عتایقی نگاشته شده است . (3) 25. اجازات متعدّد سیّد شمس الدین محمّد بن حسن بن محمّد بن ابی الرضا علوی بغدادی به سیّد شمس الدین محمّد بن احمد بن ابی المعالی موسوی (م 769 ق) . (4) 26. اجازه مختصر فخرالمحقّقین محمّد بن حسن بن یوسف حلّی (م 771 ق) به شیخ تقی الدین ابراهیم بن حسین بن علی آملی ، بر ظهر الإرشاد علامه حلّی . (5) 27. اجازه مبسوط فخرالمحقّقین حلّی به شیخ جمال الدین ابوالفتوح احمد بن ابی عبد الله بلکو بن ابی طالب بن علی آوی و شیخ شمس الدین ابی یوسف محمّد بن هلال بن ابی طالب بن حاج محمّد بن حسن بن محمّد آوی ، به سال 705 ق . (6)

1- همان، ص 212 (ش 1110).

2- همان، ص 220 (ش 1157).

3- همان، ص 220 (ش 1159).

4- همان، ص 234 (ش 1230). نیز، ر.ک: بحار الأنوار، ج 107، ص 152 \_ 172.

5- همان، ص 1231.

6- همان، ش 1232.

شیخ ابوالفتوح، در همین سال، اجازه مختصری نیز از فخرالمحققین، دریافت کرده است. (1) 28. اجازه فخرالمحققین به سید امین الدین ابی طالب احمد بن زهره حلبی در 24 ربیع اول 756. (2) 29. اجازه فخرالمحققین به سید ناصر الدین حمزة بن محمد علوی حسینی، بر ظهر کتاب تحصیل النجاة فی أصول الدین تألیف مجیز که به مجاز، نگاشته است. (3) 30. اجازه مختصر فخرالمحققین به سید رکن الدین حیدر بن تاج الدین علی بن تاج شاه بن سید رکن الدین حیدر علوی حسینی در اواخر ربیع ثانی 761، که آن را بر ظهر المسائل المهنائیة علامه حلی نگاشته است. (4) 31. اجازه مختصر فخرالمحققین به سید حیدر بن علی بن حیدر علوی حسینی آملی در آخر رجب 759. مُجاز، برخی مسائل فقهی و کلامی را از فخرالمحققین پرسیده و او همراه پاسخ سؤالات، اجازه ای در روایت پاسخ ها از خود به سید حیدر، صادر کرده است. (5) محقق تهرانی در الذریعة، مُجازان را متعدد (6) و در الحقائق الراهنة، شخص واحدی که همان سید حیدر آملی صوفی باشد، دانسته است. (7) 32. اجازات فخرالمحققین به زین الدین علی بن عز الدین حسن بن احمد بن مظاهر حلی، در ذی حجه 741 و دهم ربیع اول 755. (8)

- 
- 1- همان، ش 1233.
  - 2- همان، ص 235 (ش 1334). تصویر اجازه در بحار الأنوار (ج 107، ص 59) آمده است.
  - 3- همان، ش 1235.
  - 4- همان، ش 1236.
  - 5- همان، ش 1237.
  - 6- همان، ص 236.
  - 7- الحقائق الراهنة، ص 68.
  - 8- الذریعة، ص 236 (ش 1238). نیز، ر.ک: بحار الأنوار، ج 107، ص 181.



33. اجازه مبسوط فخرالمحققین به شمس الدین محمد بن صدقه، به تاریخ پانزدهم ذی قعدة 758. شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی، در اجازه خود به شیخ شمس الدین محمد بن ترکی به سال 915، آن را درج نموده است. (1) 34. اجازه مختصر فخرالمحققین به شیخ شمس الدین محمد بن ابی طالب، به سال 750 ق. (2) 35. اجازه مختصر فخرالمحققین به شیخ شمس الدین ابی عبد الله محمد بن مکی (مق 786)، بر ظهر ایضاح الفوائد، در ششم سؤال 756 در حله. شهید، اجازات دیگری نیز از فخرالمحققین دارد، از جمله در یازدهم سؤال 754. (3) 36. اجازه مختصر فخرالمحققین به شیخ محمد بن محمد اسفندیاری آملی، بر ظهر کشف المراد، به سال 745 ق. (4) 37. اجازه مختصر فخرالمحققین به سید مهنا بن سنان بن عبد الوهاب جعفری عبدلی حسینی مدنی، صاحب المسائل المهناية در ذیل اجازه علامه حلی به سید مهنا. (5) 38. اجازه مختصر فخرالمحققین به پسرش شیخ ابی المظفر یحیی بن محمد بن حسن، بر ظهر خلاصة الأقوال در نوزدهم ذی حجه 747. (6) 39. اجازه متوسط سید تاج الدین محمد بن ابی جعفر قاسم بن حسین، معروف به ابن سعید (م 776 ق) به شمس الدین محمد بن جمال الدین احمد بن ابی المعالی

1- همان، ش 1239.

2- همان، ش 1240.

3- همان، ش 1241. نیز، ر.ک: بحار الأنوار، ج 107، ص 177.

4- همان، ش 1242.

5- همان، ش 1243. نیز، ر.ک: بحار الأنوار، ج 107، ص 150.

6- همان، ص 237 (ش 1244).

موسوی، از مشایخ شهید اول، به سال 754 ق. (1) 40. اجازه شهید اول به جمعی که نزد او علل الشرائع را خوانده اند، به تاریخ دوازدهم شعبان 757. افراد مورد نظر عبارت اند از: 1. جمال الدین احمد بن ابراهیم بن حسین کردانی، 2. عزّ الدین ابو محمد حسن بن سلیمان بن محمد حلّی عاملی، 3. عزّ الدین ابو عبد الله حسین بن علی عاملی، 4. عزّ الدین حسین بن محمد بن هلال کرکی، 5. زین الدین ابوالحسن علی بن بشاره عاملی شقراوی، 6. سیّد ابو عبد الله محمد بن محمد بن زهره حلبی. (2) 41. اجازه مبسوط شهید اول به شیخ زین الدین ابی الحسن علی بن ابی محمد حسن بن شمس الدین محمد خازن، در دوازدهم رمضان 784. (3) 42. اجازه مبسوط شهید اول به شمس الدین محمد بن تاج الدین ابی محمد شیخ عبد العلی بن نجده، در دهم رمضان 770. (4) 43. اجازه شهید اول به سه پسرش رضی الدین ابی طالب محمد، ضیاء الدین ابی قاسم علی و جمال الدین ابی منصور حسن. (5) 44. اجازه شهید اول به دو پسرش محمد و علی، بر نسخه الشاطبیه. (6) 45. اجازه مختصر محمد بن موسی بن حسین بن عود به شیخ شرف الدین حسین بن شیخ نصیر الدین موسی بن عود، بر السرائر ابن ادریس، در شانزدهم رجب 761. (7)

1- همان، ص 244 (ش 1291). نیز، ر.ك: بحار الأنوار، ج 107، ص 173.

2- همان، ص 347 (ش 1302).

3- همان، ش 1303. نیز، ر.ك: بحار الأنوار، ج 107، ص 186.

4- همان، ش 1304. نیز، ر.ك: همان، ص 193.

5- همان، ص 248 (ش 1305).

6- همان، ش 1306. ر.ك: بحار الأنوار، ج 107، ص 201.

7- همان، ص 249 (ش 1308).

**ب . قرن نهم**

46 . اجازة زين الدين ابى الحسن على بن ابى محمّد حسن بن شمس الدين محمّد خازن به جمال الدين ابى العباس احمد بن شمس الدين محمّد بن فهد حلّى ، به تاريخ 791 ق . اين اجازة ، مبسوط و شامل اجازة شهيد اول به مجيز است . (1) 47 . اجازة مختصر كمال الدين عبد الرحمان بن محمّد بن ابراهيم عتايقى حلّى به يكي از شاگردانش كه جلد سوم شرح نهج البلاغة مجيز را در 786 ق ، نزد وي خوانده است . (2) 48 . اجازة مبسوط سيّد شمس الدين محمّد بن احمد بن ابى المعالى علوى حسيني موسوى (م 769 ق) به شمس الدين محمّد بن مكى . صاحب معالم در اجازة كبير خود ، از اين اجازة ياد كرده است . (3)

ب) قرن نهم 1 . اجازة جمال الدين ابى العباس احمد بن محمّد بن فهد حلّى (م 841 ق) به عزّ الدين حسن بن ابى الحسن على بن يوسف ، معروف به ابن عشرة ، در دوازدهم شعبان سال 840 . اين اجازة مبسوط در كشكول شيخ يوسف بحراني موسوم به أنيس المسافر ، آمده است . (4) 2 . اجازة مختصر ابن فهد حلّى به شمس الدين محمّد بن حسن حولانى عاملى ، در نوزدهم ذى حجة 825 . شيخ محمّد بن على بن محمّد بن خواتون عاملى ، در اجازة خود به محقق كركى ، به سال 900 ق ، تمام آن را درج نموده است . (5) 3 . اجازة مختصر بدر بن حسن بن حسين به يكي از شاگردان خود ، در

- 
- 1- . همان ، ص 211 (ش 1107) . ر . ك : بحار الأنوار ، ج 107 ، ص 217 .
  - 2- . همان ، ص 201 (ش 1051) .
  - 3- . همان ، ص 230 (ش 1204) .
  - 4- . همان ، ص 144 (ش 677) .
  - 5- . همان ، ش 678 .

چهارشنبه دوازدهم شعبان 849 . (1) 4 . اجازه متوسّط سیّد حسن بن حمزة بن محسن حسینی موسوی نجفی به سیّد جلال الدین عبد علی بن محمّد بن ابی هاشم بن زکی الدین یحیی بن محمّد بن علی بن ابی هاشم حسینی ، در اوّل ربیع ثانی 862 . (2) 5 . اجازه مختصر حسن بن سلیمان بن خالد حلّی (شاگرد شهید اوّل) به عزّ الدین حسین بن محمّد بن حسن حمویانی ، در 23 محرّم 802 ، که بر ظهّر النخصال شیخ صدوق ، نگاشته است . (3) 6 . اجازه عزّ الدین حسین بن زین الدین علی بن حسام عاملی عینائی به برخی از شاگردان خود ، به تاریخ 856 ق ، که در آن از برادرش ظهیر الدین محمّد بن علی بن حسام ، و برادرش از پدرشان زین الدین علی بن حسام ، روایت می کند که او خود ، روایت کننده از برادر خود ، جعفر بن حسام است . (4) 7 . اجازه مختصر عزّ الدین حسین عاملی به سیّد عزّ الدین حسین بن سیّد مرتضی بن سیّد ابراهیم حسینی شاری ، در سیزدهم رجب 873 که در آن از برادر یادشده اش و از شیخ ابی طالب ورنانی ( / درانی) روایت می کند که هر دو از ابن فهد حلّی روایت می کنند . همچنین ، در اجازه از ناصر بن ابراهیم بویه ای از ابو القاسم ضیاء الدین ، پسر شهید ، از شهید ، روایت می کند . (5) 8 . اجازه مختصر رضی الدین عبد الملک بن شمس الدین اسحاق واعظ قمی کاشانی به زین الدین علی ، که به سال 851 ق ، بر قواعد الأحکام علامه حلّی نوشته شده

- 1- . همان ، ص 159 (ش 797) .
- 2- . همان ، ص 171 (ش 861) .
- 3- . همان ، ص 172 (ش 866) .
- 4- . همان ، ص 187 (ش 969) .
- 5- . همان ، ش 970 .

است. دریافت کننده اجازه، فردی غیر از زین الدین علی بن حسن سرابشروی و زین الدین علی بن حسن استرآبادی است. از اجازه دهنده، پسرش علاء الدین فتح الله بن عبد الملك و نوه اش وجیه الدین عبد الله بن فتح الله روایت می کنند. محمد بن علی بن ابی جمهور از وجیه الدین روایت می کند و این طریق هفتم وی در عوالی اللّثالی است. (1) 9. اجازه متوسط امیر جمال الدین عطاء الله بن فضل الله حسینی دشتکی شیرازی به کمال الدین حسین بن شرف الدین عبد الحق اردبیلی الهی، که در آن از عموی خود، اصیل الدین عبد الله واعظ حسینی شیرازی هرّوی، روایت می کند. تاریخ این اجازه، 24 ذی قعدة 899 است. (2) 10. اجازه مختصر شیخ علی بن تاج الدین انصاری به معین الدین بن نصر الله، به سال 884 ق. (3) 11. اجازه زین الدین علی بن حسن بن محمد استرآبادی (م ح 837 ق) که به خطّ خود، برای یکی از شاگردان بر الرجال ابن داوود به نحو انهاء و در دو جا نوشته است. تاریخ پاره اول، جمادی ثانی 827 و تاریخ نیمه دوم، دوازدهم رجب 829 است. (4) 12. اجازه علی بن حسن استرآبادی به سیّد نظام الدین ترکه بن سیّد تاج الدین بن سیّد جلال الدین عبد الله بن ابی الحسین حسینی، در روز جمعه، چهاردهم صفر 827. (5) 13. اجازه علی بن حسن استرآبادی به سیّد حسن بن حمزة بن محسن حسینی

1- همان، ص 207 (ش 1079). نیز، ر.ک: عوالی اللّثالی، ج 1، ص 9.

2- همان، ص 208 (ش 1084).

3- همان، ص 209 (ش 1088).

4- همان، ص 211 (ش 1103).

5- همان، ص 211 (ش 1104).

موسوی نجفی، در چهارم ربیع اول 820. (1) 14. اجازه علی بن حسن استرآبادی به سید سلطان بن حسن حسینی، که در سال 833 ق، بر تحریر علامه حلّی نوشته است. (2) 15. اجازه مختصر علی بن محمد بن علی بن محلی (م جمادی اول 855) به شمس الدین محمد بن زین الدین علی بن بدر الدین حسن جبعی، جدّ شیخ بهایی (م 876 ق) به تاریخ چهارم رمضان 851، که در آن از ابوالقاسم علی، پسر شهید، و سید تاج الدین عبد الحمید بن احمد بن علی هاشمی، از شیخ حسن بن سلیمان حلّی روایت می کند. (3) 16. اجازه متوسط علی بن محمد بن علی بن محمد بن یونس بیاضی نباطی به ناصر بن ابراهیم بویه ای حساوی، در یازدهم شعبان 852. در این اجازه، تمام اجازه متوسط فخر المحققین حلّی به زین الدین علی بن حسن بن احمد بن مظاهر به سال 741 ق، درج شده و آمده که علی بن مظاهر به سید زین الدین علی بن دقماق و جمال الدین احمد بن حسین بن مطهر، اجازه داده و این دو با این اجازه به شیخ علی بیاضی اجازه داده اند. (4) 17. اجازه علی بن هلال جزائری به بهاء الدین استرآبادی در سال 889 ق. (5) 18. اجازه مختصر علی بن یونس به زین الدین خیامی در شعبان 806. (6) 19. اجازه مختصر محمد بن احمد بن محمد صهیونی به علی بن عبد العالی

---

1- همان، ش 1105.

2- همان، ش 1106.

3- همان، ص 220 (ش 1158).

4- همان، ص 221 (ش 1160).

5- همان، ص 222 (ش 1167).

6- همان، ص 223 (ش 1171).

میسی، استاد شهید ثانی، در هشتم ذی قعدة 879. (1) 20. اجازه محمد بن صالح غروی به ربیع بن جمعه عبری عبادی حویزی، بر الإرشاد علامه حلّی در استرآباد، به سال 897 ق. در این اجازه، مجیز از سید شمس الدین محمد بن حلّیت حسینی و محمد بن علی بن ابی جمهور احسایی روایت می کند. (2) 21. اجازه محمد بن زین الدین علی بن ابراهیم بن حسن بن ابراهیم بن ابی جمهور احسایی به سید محسن بن سید محمد بن فادشاه حسینی رضوی مشهدی. این اجازه متوسط در نیمه ذی قعدة سال 897 در مشهد مقدّس نگاشته شده است. (3) 22. اجازه مبسوط و مختصر ابن ابی جمهور احسایی به محمد بن صالح غروی در 896 ق، در مشهد. وی در اجازه مبسوط، از 24 کتاب خود، یاد کرده است. و اجازه متوسط سوم در استرآباد و پس از قرائت الإرشاد علامه به سال 898 ق. (4) 23. اجازه ابن ابی جمهور به سید شرف الدین محمود بن علاء الدین بن جلال الدین طالقانی. این اجازه، متوسط بوده و بیشتر مطالب آن، سفارش و موعظه است. اجازه، فاقد تاریخ است. (5) 24. اجازه مختصر ظهیرالدین محمد بن علی بن حسام عینائی به ملا عمادالدین علی جرجانی در 860 ق، و بر ظهر تحریر علامه حلّی. (6)

- 
- 1- همان، ص 230 (ش 1209).
  - 2- همان، ص 240 (ش 1273).
  - 3- همان، ص 241 (ش 1279).
  - 4- همان، ش 1280.
  - 5- همان، ش 1281.
  - 6- همان، ص 243 (ش 1283).

25. اجازه مختصر سیّد محمد بن علی بن خزعلی حسینی به احمد بن محمد بن علی بن نصر، در 27 صفر 827. (1) 26. اجازه مختصر مفلح بن حسن بن رشید ( / را شد) بن صلاح صیمری به یکی از شاگردان، بر ظهر نسخه ای از قواعد الأحكام که قرائت آن در اوّل جمادی اوّل 873 به پایان رسیده است. (2) 27. دو اجازه مختصر فاضل مقداد بن عبد الله سیوری به زین الدین علی بن حسن بن علاّله. این اجازه به خطّ مجیز بر الأربعین و آداب الحجّ وی به سال 822 ق، نگاشته شده است. (3) 28. اجازه جمال الدین احمد بن علی عاملی عینائی راوی از زین الدین جعفر بن حسام به شمس الدین محمد بن محمد بن علی بن محمد بن خواتون عاملی. اجازه گیرنده، در اجازه خود به محقق کرکی در سال 900 ق، تمام آن را درج نموده است. (4)

1- همان، ش 1285.

2- همان، ص 251 (ش 1320).

3- همان، ش 1321.

4- همان، ص 141 (ش 667).





## خلاصه و نتیجه بحث

خلاصه و نتیجه بحث دو قرن هشتم و نهم هجری، از دوره های پُر نشاط حدیث امامیه است. برخی از حدیث پژوهان و رجال شناسان برجسته امامیه در این دوره می زیسته اند و مکتوبات حدیثی از کثرت نسبی و تنوع در سبک و رویکرد، برخوردار است. شاید بتوان گفت: مهم ترین رُخداد قرن هفتم و هشتم هجری در حوزه علوم حدیث شیعه، تحوّل در دیدگاه متقدّمان در رده بندی نوین حدیث، توسط عالم فرزانه علامه حلّی (م 726 ق) و پیروان مکتب حدیثی وی است. علامه حلّی با ایجاد دگرگونی در مبنا و ملاک تقسیم بندی احادیث به صحیح و ضعیف، اقسام چهارگانه صحیح، حسن، موثّق و ضعیف را عرضه کرد و این تقسیم بندی، پس از او توسط عالمان و محدّثان امامیه پذیرفته شد. مهم ترین حوزه و مکتب حدیثی در دوره مورد بحث، حوزه حلّه است که از آن، عالمان و حدیث پژوهان بزرگی، مانند: علامه حلّی، ابن داوود حلّی، فخرالدین محمّد حلّی (پسر علامه حلّی)، حسن بن سلیمان حلّی، مقداد سیوری، نیلی نجفی و ابن معیه برخاسته اند. این حوزه حدیثی به سبب رونق علمی و حضور شخصیت های علمی تأثیرگذار، حوزه های دیگر را تحت الشعاع قرار داده است. حوزه مهم دیگر، حوزه جبل عامل است با دارا بودن شخصیت های بزرگی مانند شهید اوّل (که البته در حوزه حلّه نیز تحصیل کرده است)، تقی الدین ابراهیم کفعمی و علی بن یونس بیاضی عاملی.

همچنین، در بحرین و برخی نقاط پراکنده ایران نیز حوزه ها و محافل آموزشی و حدیثی وجود داشته است. عالمان این دوره که به حدیث پرداخته اند، متنوع اند. درست است که از برخی مانند دیلمی و حسن بن سلیمان حلّی، جز آثار حدیثی برجای نمانده است، اما غالب علمای این دوره از متخصصان فقه یا کلام و یا هر دو حوزه اند که فعالیت های حدیثی نیز داشته اند. کسانی مانند: علامه حلّی، فخر الدین محمد حلّی، فاضل مقداد، ابن فهد حلّی، شهید اول و بیاضی عاملی، فقیهان و متکلمان برجسته ای هستند که به حدیث نیز پرداخته اند. در این دوره، همچنین شاهد ظهور برخی شخصیت های علمی هستیم که دیدگاه ها و آثار ایشان توسط رجال پژوهان و کتاب شناسان دوره های بعد، به دیده تأمل نگریسته شده است، کسانی مانند: رجب برّسی، سید حیدر آملی، واعظ کاشفی و ابن ابی جمهور احساسی در این گروه جای دارند. یکی از ویژگی های دوره تاریخی مورد بحث، تنوع زمینه ها و تکثر گونه های نگارش های حدیثی است. در این جا گزارشی موجز از این فعالیت ها ارائه می شود. از زمینه های نگارش متون حدیثی، کتاب های ادعیه و زیارات، مانند المزار شهید اول، عمدة الداعی ابن فهد و البلد الامین و المصباح کفعمی درخور ذکرند. در زمینه متون اخلاقی، إرشاد القلوب و اعلام الدین دیلمی، التحصین ابن فهد، محاسبة النفس کفعمی و آثار حدیثی شیعی سبزواری و واعظ کاشفی قابل توجه است. رویکرد دیگر به حدیث، رویکرد کلامی است. در این دوره، برخی از متون مهم کلامی - حدیثی توسط متکلمان حدیث پژوه این دوره به سامان رسیده که در رأس آنها نهج الحق و منهاج الكرامة ی علامه حلّی قرار دارد. اثر استوار علامه چندان اهمیت یافت که حوزه اهل سنت را به چالش کشید و ابن تیمیه، کتاب منهاج السنّة النبویّة را در نقد آن نگاشت. البته دیدگاه های ابن تیمیه نیز توسط عالمان شیعه و برخی عالمان اهل سنت پس از او نقد شد. از دیگر متون حدیثی با رویکرد کلامی در این دوره می توان الصراط المستقیم بیاضی عاملی، إلزام النواصب بإمامة علی بن ابی طالب و الکشکول

را نام برد. از زمینه های پُر تألیف در این دوره، متون حدیثی مربوط به فضایل، مناقب و تاریخ ائمه علیهم السلام است. از جمله این آثار می توان به کشف الیقین فی فضائل أميرالمؤمنین علیه السلام علامه حلی، مختصر بصائر الدرجات حسن بن سلیمان حلی و مشارق الأنوار رجب بُرسی اشاره کرد. اربعین نگاری، دیگر زمینه نگارش متون حدیثی است. از «چهل حدیث» های این دوره می توان به اربعین های دیلمی، فاضل مقداد و شهید اول اشاره کرد. در زمینه رجال و انساب نیز آثار متعددی در این دوره نگاشته شده که در رأس آنها الرجال ابن داوود، خلاصة الأقوال و إيضاح الاشتباه علامه حلی، رجال نیلی و عمدة الطالب ابن عنبه درخور ذکرند. در زمینه دانش درایة الحدیث - همچنان که پیش تر یاد شد - در این دوره، آرای مهمی مطرح شد. علامه حلی و شاگردان مکتب او - هرچند در این زمینه نگارش مستقلی نداشته اند، اما - ضمن طرح نظریه جدید در برخی متون فقهی، عملاً بر پایه آن رفتار کرده اند. علامه حلی، در مقدمه کتاب فقهی منتهی المطلب به تعریف اقسام حدیث معتبر پرداخته است. پس از ایشان، شهید اول در مقدمه الذکری، افزون بر اقسام چهارگانه، به تعریف و شناسایی اقسام دیگر حدیث (مانند: خبر متواتر، واحد، مشهور، مقبول، مرسل و موقوف) پرداخته است. این مباحث در مقدمه المهذب البارع ابن فهد حلی نیز به چشم می خورد. مباحث فقه الحدیث در این دوره به صورت شرح و بررسی برخی متون حدیثی قابل پیگیری است. دیگر ویژگی این دوره، پدید آمدن برخی متون فارسی در زمینه حدیث است. از جمله این آثار، مصابیح القلوب و راحة الأرواح از حسن بن حسین شیعی سبزواری، رساله علیّه و روضة الشهداء از واعظ کاشفی و ترجمه تاریخ قم از حسن بن علی قمی است.

از دیگر ویژگی های این دوره، پیدایی رویکرد صوفیانه به حدیث توسط سید حیدر آملی است. هرچند ریشه های این رویکرد در حوزه شیعه، قبل از قرن هشتم و در آثار افرادی مانند ابن میثم بحرانی قابل پیگیری است؛ اما آملی در آثار خود (مانند جامع الأسرار)، رویکردی مشخصاً صوفیانه به حدیث، عرضه کرده است. در زمینه اجازات نیز گفتنی است که برخی از مهم ترین مشایخ اجازه در این دوره می زیسته اند و متون اجازه ای فراوانی توسط ایشان صادر شده است. برای نمونه، شیخ آقا بزرگ، تصریح کرده که طُرُق اجازات، بالجمله به شهید اول ختم می شود. (1) به طور کلی، آثار حدیثی این دوره را می توان به دو بخش تقسیم کرد: بخشی از کتاب ها، شامل احادیثی اند که برگرفته از مصادر حدیثی پیشین امامیه است و با توجه به وجود اصل آن مصادر، این نوع کتاب ها، کتب حدیثی واسطه به شمار می روند. الصراط المستقیم بیاضی عاملی، مصابیح القلوب شیعی سبزواری، منهاج الکرامه‌ی علامه حلّی، الدرّة الباهرة، و عدّة الداعی از جمله این آثارند. (2) بخش دیگر از کتاب های حدیثی، آثاری هستند که به سبب از میان رفتن مصادر احادیث آنها، خود آن کتاب ها، متون حدیثی مستقیم برای ما به شمار می روند. نمونه این کتاب ها المزار شهید اول و مختصر اصل علاء بن رزین، شایان ذکر است. به هر روی، آثار حدیثی این دوره، مورد استفاده دانش نامه نگاران متأخر مانند علامه مجلسی، شیخ حرّ عاملی و میرزا حسین نوری قرار گرفته است.

1- الحقائق الراهنة، ص 205.

2- توجه داریم که این متون نیز گاه دارای احادیثی هستند که در منابع موجود پیشین، یافت نمی شود.

### پیوست . راهنمای نرم افزارهای متون حدیثی سده های هشتم و نهم

پیوست . راهنمای نرم افزارهای متون حدیثی سده های هشتم و نهمخوش بختانه بسیاری از آثار حدیثی چاپ شده سده هشتم و نهم هجری ، در نرم افزارهای علوم اسلامی عرضه شده است . فهرست متون و نرم افزارهای مربوط ، از این قرار است : 1 . الأربعون حدیثا (از شهید اول) در «معجم فقهی 3» . 2 . إرشاد القلوب در نرم افزار «نور 2» . 3 . إلزام النواصب در «معجم عقایدی» . 4 . إيضاح الاشتباه در «معجم فقهی 3» . 5 . أعلام الدین فی صفات العارفين در نرم افزارهای «نور 2» و «معجم عقایدی» . 6 . البلد الأمين در «نور 2» . 7 . التحصين (از ابن فهد) در «نور 2» و «معجم فقهی 3» . 8 . خلاصة الأقوال (رجال العلامة الحلّی) در «نور 2» و «معجم فقهی 3» . 9 . رجال ابن داوود در «نور 2» و «معجم فقهی 3» . 10 . الرسالة السعدية در «معجم فقهی 3» . 11 . الصراط المستقیم در «نور 2» ، «معجم فقهی 3» و «معجم عقایدی» . 12 . العدد القویة در «نور 2» و «معجم عقایدی» .

- 13 . عدّة الداعی در «نور 2» و «معجم فقهی 3» . 14 . عمدة الطالب در «معجم فقهی 3» . 15 . عوالی اللثالی در «نور 2» و «معجم فقهی 3» . 16 . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام در «نور 2» و «معجم عقایدی» . 17 . محاسبة النفس (از كفعمی) در «معجم فقهی 3» و «معجم عقایدی» . 18 . المحتضر در «معجم فقهی 3» . 19 . مختصر بصائر الدرجات در «معجم فقهی 3» . 20 . المزار (از شهید اول) در «معجم فقهی 3» . 21 . المستجد در «معجم فقهی 3» . 22 . مشارق أنوار اليقين در «معجم عقایدی» . 23 . مصباح الكفعمی در «نور 2» . 24 . منتخب الأنوار المضيئة در «نور 2» و «معجم عقایدی» . 25 . منهاج الكرامة در «معجم عقایدی» . 26 . نبذة الباغي في ما لا بدّ منه من آداب الداعی (از ابن فهد) در «معجم فقهی 3» در ضمن الرسائل العشر .

## منابع و مأخذ

- منابع و مأخذ 1. آغاز و انجام، [خواجه] نصیرالدین طوسی، مقدّمه و تعلیقات، حسن حسن زاده آملی، تهران: سازمان چاپ و انتشار، 1373 ش. 2. آینه پژوهش، ش 88، (مهر و آبان 1383). 3. ابن حجر العسقلانی ودراسة مصنّفاته، شاکر محمود عبد المنعم، بیروت: دارالرسالة، 1417 ش. 4. اتحاف الخیرة المهرة بزوائد المسانید العشرة، شهاب الدین البوصیری، تحقیق: أحمد معبد، دارالوطن، 1420 ق، اول. 5. إثبات الوصیّة، حسن بن یوسف حلّی (منسوب)، تصحیح: محمّد هادی امینی، بیروت: دارالأضواء، 1406 ق. 6. إحياء الدائر، آقا بزرگ تهرانی، تحقیق: علینقی منزوی، قم: مؤسسه اسماعیلیان، [1971 م]. 7. اخلاق محتشمی، [خواجه] نصیر الدین طوسی، تحقیق: محمّد تقی دانش پژوه، تهران: مؤسسه وعظ و تبلیغ اسلامی، 1339 ش. 8. الأربعون حدیثا، محمّد بن مکّی (الشهید الأول)، تحقیق: مدرسة الإمام مهدی علیه السلام، قم: مدرسة الإمام مهدی علیه السلام، 1407 ق. 9. إرشاد القلوب، حسن بن محمّد الدیلمی، تحقیق: سیّد هاشم میلانی، اسوه، 1375 ش. 10. إرشاد القلوب، حسن بن محمّد الدیلمی، قم: منشورات الرضی، بی تا. 11. إرشاد القلوب، حسن بن محمّد الدیلمی، بیروت: مؤسسة الأعلمی، 1398 ق، اول. 12. إرشاد القلوب، حسن بن محمّد الدیلمی، ترجمه: سیّد هدایت الله مسترحمی، تهران: کتابفروشی بوذرجمهری (مصطفوی)، 1373 ش. 13. الأصول الستّة عشر، شماری از محدّثان، تحقیق: ضیاء الدین محمودی، با همکاری: نعمت الله جلیلی و مهدی غلامعلی، قم: دارالحدیث، 1381 ش، اول.



- 14 . الأعلام ، خيرالدين الزركلي ، بيروت : دارالعلم للملإيين ، 1989 م . 15 . الأمالى ، محمّد بن حسن الطوسى ، تحقيق : مؤسسه بعثت \_ دارالثقافة ، 1414 ق ، أوّل . 16 . الأمالى ، محمد بن على بن بابويه صدوق ، تحقيق : مؤسسه بعثت ، مؤسسه بعثت ، 1417 ق ، أوّل . 17 . انسان كامل ، عبدالعزيز بن محمّد نسفى ، تهران ، كتاب خانه طهورى . 18 . الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة ، محمّد بن حسن الحرّ العاملى ، تحقيق : سيّد عبدالكريم محمّد الموسوى ، مقدّمه : فاضل العرفان ، قم : مؤسسه السيدة المعصومة ، 1423 ق . 19 . إلزام النواصب بإمامة على بن أبى طالب عليه السلام ، مفلح بن حسين بن راشد بن صلاح بحراني ، تحقيق : عبد الرضا نجفى ، 1420 ق ، أوّل . 20 . إيضاح الاشتباه ، حسن بن يوسف حلّى ، تحقيق : محمّد حسون ، دفتر نشر اسلامى ، 1411 ق ، أوّل . 21 . إيضاح الممكنون ، اسماعيل پاشا بغدادى ، بيروت : دار إحياء التراث العربى . 22 . أصول الحديث وأحكامه ، جعفر سبحانى ، قم : مؤسسه امام صادق عليه السلام ، 1377 ش . 23 . أصول الفقه ، محمّد رضا مظفر ، مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزة علميه قم ، 1370 ش ، چهارم . 24 . أضواء على الصحيحين ، محمّد صادق نجمى ، ترجمه (به عربى) : يحيى كمالى بحراني ، قم : مؤسسه معارف اسلامى ، 1419 ق . 25 . أعلام الدين ، حسن بن محمّد الديلمى ، تحقيق : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، 1408 ق . 26 . أعيان الشيعة ، السيّد محسن الأمين ، تحقيق : السيّد حسن الأمين ، بيروت : دارالتعارف للمطبوعات ، 1406 ق . 27 . أمل الآمل ، محمّد بن حسن الحرّ العاملى ، تحقيق : سيد احمد حسيني ، بغداد : مكتبة الأندلس ، 1404 ق . 28 . بحار الأنوار ، محمّد باقر مجلسى ، بيروت : دار إحياء التراث الإسلامى ، 1403 ق ، سوم . 29 . البداية والنهاية ، اسماعيل بن عمر (ابن كثير) ، بيروت : مكتبة المعارف ، 1410 ق . 30 . بستان القلوب ، يحيى سهروردى ، تحقيق : سيد حسين نصر ، تهران : انجمن شاهنشاهى فلسفه ايران (در مجموعه مصنفات شيخ اشراق ، ج3) .

31. البلد الأمين، ابراهیم بن علی الکفعمی، بی جا، بی نا، بی تا. 32. تاریخ ایران پس از اسلام، عبّاس اقبال آشتیانی، نشر نامک.
33. تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، آذرتاش آذرنوش، سروش، 1375 ش. 34. تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، رسول جعفریان، قم: انصاریان، 1375 ش. 35. تاریخ قم، حسن بن محمد بن حسن قمی، ترجمه: حسن بن علی بن حسن قمی، تصحیح: سید جلال الدین تهرانی، انتشارات توس، 1360 ش. 36. تأملی در نهضت عاشورا، رسول جعفریان، قم: انصاریان، 1381 ش. دوم. 37. تحریر الأحكام، حسن بن یوسف حلّی، تحقیق: ابراهیم بهادری، مؤسسه امام صادق علیه السلام، 1420 ق، اول. 38. التحصین فی صفات العارفين، احمد بن فهد الحلّی، تحقیق: مدرسه الإمام مهدی (عج)، قم: مدرسة الإمام مهدی (عج)، 1406 ق. 39. تذكرة الفقهاء، حسن بن یوسف حلّی، تحقیق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، 1414 ق. 40. تراثنا (مجله)، ش 16، مؤسسه آل البيت عليهم السلام. 41. التعقیبات و الدعوات، احمد بن فهد حلّی، تحقیق: محمد جواد نور محمدی، (در میراث حدیث شیعه، دفتر نخست، ص 83-102). 42. تعلیقة أمل الآمل، عبدالله افندی، تحقیق: سید احمد حسینی، قم: کتاب خانه آیه الله مرعشی، 1410 ق. 43. تفسیر المحيط الأعظم، سیّد حیدر آملی، تحقیق: سیّد محسن موسوی تبریزی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1373 ش. 44. تکملة أمل الآمل، سیّد حسن صدر، تحقیق: سیّد احمد حسینی، قم، کتاب خانه آیه الله مرعشی. 45. تلخیص مقباس الدراية، عبد الله مامقانی، تلخیص و تحقیق: علی اکبر غفّاری، جامعه الإمام الصادق علیه السلام، 1369 ش. 46. تنزیه الأنبياء، شریف مرتضی، بیروت، دارالأضواء 1409 ق، دوم. 47. تنقیح المقال فی علم الرجال، عبدالله مامقانی، سنگی. 48. التوحید، محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، تحقیق: سیّد هاشم حسینی تهرانی، قم: جامعه مدرسین، 1387 ق.

49. جامع الأسرار و منبع الأنوار، سيّد حيدر آملی، تحقيق: هنرى كرين و عثمان اسماعيل يحيى، انستيتوى ايران و فرانسه، 1347 ش .
50. جامع الرواة و إزاحة الاشتباهات عن الطرق والأسناد، محمّد بن على الأردبيلي، بيروت: دارالأضواء 1403 ق . 51. الجامع الصحيح، محمّد بن عيسى الترمذى، تحقيق: عبد الوهاب عبد اللطيف، بيروت: دارالفكر، 1403 ق . 52. الجامع الصغير، جلال الدين السيوطى، بيروت: دارالفكر، 1401 ق، أوّل . 53. چهارده رساله فارسى، ابن تركه اصفهانى، تحقيق: على موسى بهبهانى و ابراهيم ديباجى و تقى شريف رضايى، تهران، 1351 ش . 54. الحدائق الناضرة، يوسف بن احمد بحرانى، تحقيق: محمّد تقى ايروانى، قم: جامعه مدرسين . 55. الحقائق الراهنة، آقا بزرگ تهرانى، تحقيق: علينقى منزوى، قم: مؤسسه اسماعيليان، [ 1871 م ] . 56. الخصال، محمّد بن على بن بابويه (الصدوق)، تصحيح: على اكبر غفارى، قم: جامعه مدرسين . 57. خلاصة الأقوال، حسن بن يوسف حلّى، تحقيق: جواد قيومى، قم: نشر الفقاهة، 1417 ق . 58. دائرة المعارف الشيعية العامة، محمّد حسين اعلمى حائرى، منشورات مؤسسه اعلمى . 59. دائرة المعارف بزرگ اسلامى، زير نظر: سيّد محمّد موسى بجنوردى، تهران مركز دائرة المعارف . 60. دائرة المعارف تشيع، زير نظر: احمد صدر حاج سيد جوادى و همكاران، تهران: نشر شهيد سعيد محبى . 61. دانش نامه امام على عليه السلام، زير نظر: على اكبر رشاد، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و انديشه اسلامى، 1380 ش، أوّل . 62. الدرر الكامنة فى أعيان المائة الثامنة، احمد بن على بن حجر عسقلانى، تحقيق: محمّد سيّد جادالحقّ، دار الكتب الحديثة . 63. الدرّة الباهرة، محمّد بن مكى (شهيد أوّل)، تحقيق و ترجمه: عبدالهادى مسعودى، قم: زائر، 1379 ش .

64. الدلائل البرهانية في تصحيح الحضرة الغروية، حسن بن يوسف حلّي (منسوب)، تحقيق محدّث ارموى، انجمن آثار ملی ایران (انتشار یافته در الغارات: ج 2، ص 837\_ 880). 65. الذريعة إلى تصانيف الشيعة، آقا بزرك تهراني، بيروت: دارالأضواء، 1403 ق.
66. ذكرى الشيعة، محمّد بن مكّي (شهيد أول)، 1273 ق سنكي. 67. راحة الأرواح و مونس الأشباح، حسن بن حسين شيعي سبزواري، به كوشش: محمّد سپهري با همكاري دفتر نشر ميراث مكتوب، اهل قلم و دفتر نشر ميراث مكتوب، تهران، 1375 ش. 68.
- رجال الطوسي، محمّد بن حسن طوسي، تحقيق: جواد قيومي اصفهاني، انتشارات اسلامي، 1415 ق. 69. رجال النجاشي، احمد بن علي نجاشي، تحقيق: سيّد موسى شبيري زنجاني، قم: مؤسسه انتشارات اسلامي 1416 ق. 70. رحلة ابن بطوطة، ابن بطوطة، بيروت: دار بيروت للطباعة والنشر، 1405 ق. 71. الرسالة السعدية، حسن بن يوسف حلّي، تحقيق: عبدالحسين محمّد علي بقال، قم: كتاب خانه آية الله مرعشي، 1401، أول. 72. الرسالة العلية، حسين واعظ كاشفي، تحقيق: محدّث ارموى، تهران: علمي و فرهنگي، 1362 ش. 73. الرسالة اليونسية (ضمن أربع رسائل كلامية)، علي بن يونس بياضي نباطي، تحقيق: مركز تحقيقات و مطالعات اسلامي، قم: بوستان كتاب، 1380 ش. 74. الرعاية لحال البداية في علم الدراية، زين الدين بن علي عاملي (شهيد ثاني)، تحقيق: مركز الأبحاث والدراسات الاسلاميّة، قم: بوستان كتاب قم، 1381 ش. 75. روضات الجنّات، محمّدباقر الموسوي الخوانساري، قم: كتابفروشي اسماعيليان. 76. روضة الشهداء، واعظ كاشفي، به كوشش: ابوالحسن شعراني، تهران: كتاب فروشي اسلاميه، 1349 ش.
77. رياض العلماء و حياض الفضلاء، عبد الله الأفندي، تحقيق: سيّد احمد حسيني، به اهتمام: سيّد محمود مرعشي، كتاب خانه آية الله مرعشي، 1401 ق. 78. ریحانة الأدب، محمّد علي مدرّس تبريزي، تهران: كتاب فروشي خيام، 1369 ش، سوم. 79. سفينة البحار، عبّاس قمّي، تهران: اسوه، 1414 ق.

- 80 . سماء المقال فى علم الرجال ، أبوالهدى كلباسى ، تحقيق : سيد محمّد حسينى قزوينى ، مؤسسه ولى عصر (عج) ، 1419 ق ، أوّل .
- 81 . سنن ابن ماجة ، محمّد بن يزيد القزوينى ، تحقيق : محمّد فؤاد عبد الباقي ، بيروت : دارالفكر . 82 . سنن الترمذى ، محمّد بن عيسى ترمذى ، تحقيق : عبدالوهاب عبداللطيف ، بيروت : دارالفكر ، 1403 ق . 83 . سنن الدارمى ، عبد الله بن بهرام الدارمى ، دمشق : مطبعة الاعتدال . 84 . سير أعلام النبلاء ، محمّد بن احمد بن عثمان ذهبى ، تحقيق : شعيب ارنؤوط و حسين الأسد ، بيروت : مؤسسة الرسالة .
- 85 . شرح الأسماء الحسنى ، [ملاً] هادى سبزوارى ، قم : بصيرتى ، [بى تا] . 86 . شرح أصول الكافى ، ملاً صالح المازندراني ، با تعليقات : ابوالحسن شعراني ، تصحيح : على عاشور ، بيروت : دار إحياء التراث العربى . 87 . شرح نهج البلاغة ، ميثم بن على بن ميثم البحراني ، بيروت : دار الآثار للنشر \_ دارالعالم الاسلامى ، 1402 ق ، دوم . 88 . صحيح البخارى ، محمّد بن اسماعيل البخارى ، بيروت : دارالفكر ، 1401 ق . 89 . صحيح مسلم ، مسلم بن حجاج ، بيروت : دارالفكر . 90 . صحيفة الرضا عليه السلام ، تحقيق : مؤسسة الإمام المهدي (عج) ، قم : مؤسسة الإمام المهدي (عج) ، 1408 ق . 91 . الصراط المستقيم إلى مستحقى التقديم ، على بن يونس البياضى النباطى ، تحقيق : محمّدباقر بهبودى ، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية . 92 . الضياء اللامع ، آقا بزرك تهراني ، تحقيق : علينقى منزوى ، قم : مؤسسه اسماعيليان ، [ 1971 م ] . 93 . طبقات الحفاظ ، جلال الدين سيوطى ، تحقيق : على محمّد عمر ، مكتبة الثقافة الدينيه ، 1417 ق . 94 . عبهر العاشقين ، روزبهان بقلى شيرازى ، تهران : انجمن ايران شناسى فرانسه و تهران ، 1360 ش . 95 . العدد القويّة لدفع المخاوف اليوميّة ، على بن يوسف حلّى ، تحقيق : سيّد مهدى رجايى ، كتاب خانه آية الله مرعشى ، 1408 ق ، أوّل . 96 . عدّة الداعى ، ابن فهد الحلّى ، تحقيق : مؤسسه معارف اسلامى ، قم : مؤسسه معارف اسلامى ،

1420 ق . 97 . علم الحديث ، كاظم مدير شانہ چی ، مشهد : دانشگاه مشهد ، 1344 ش . 98 . علم اليقين فى أصول الدين ، محمّد بن مرتضى (فيض كاشانى) ، قم : بيدار ، 1400 ق . 99 . علوم حديث (فصل نامه) ، سال هشتم ، ش 28 (تابستان 1382) . 100 . علوم حديث (فصل نامه) ، سال هشتم ، ش 30 (زمستان 1382) . 101 . عمدة الطالب فى أساب آل أبى طالب ، احمد بن على حسنى (ابن عنبه) ، تحقيق : محمّد حسن آل طالقانى ، قم : الرضى ، 1362 ش . 102 . عوالى اللئالى العزیزية ، محمّد بن على بن ابراهيم الأحسابى (ابن ابى جمهور) ، تحقيق : مجتبى عراقى ، قم : مطبعة سيدالشهداء ، 1403 ق . 103 . عيون أخبار الرضا عليه السلام ، محمّد بن على بن بابويه (الصدوق) ، بيروت : مؤسسة الأعلمی . 104 . غاية المرام فى فضائل على وأولاده الكرام ، حسن بن حسين بيهقى ، تحقيق : علیرضا هزار (در ميراث حديث شيعه ، دفتر ششم ، ص 15 \_ 81) ، قم : دارالحديث . 105 . الغدير فى الكتاب والسنة والأدب ، عبد الحسين الأمينى ، بيروت : دارالكتاب العربى ، 1387 ق . 106 . الفتوحات المكيّة ، محمّد بن على بن محمّد (ابن العربى) ، تحقيق : احمد شمس الدين ، بيروت : دارالكتب العلمیّة ، 1420 ق ، أوّل . 107 . فرائد الأصول ، [شيخ] مرتضى الأنصارى ، تحقيق : لجنة تحقيق تراث الشيخ الأعظم ، قم : مجمع الفكر الاسلامى ، 1419 ق . 108 . فرحة الغرى ، سيّد عبدالكريم بن طاووس ، تحقيق : سيّد تحسين آل شبيب موسوى ، مركز الغدير للدراسات الاسلامیّة ، 1419 ق . 109 . فرمان مالك اشتر ، حسين بن محمّد علوى آوى (مترجم) ، مقدمه : محمّد تقى دانش پڑوه ، بنياد نهج البلاغه ، 1359 ش . 110 . الفصول الفخرية ، احمد بن على حسنى (ابن عنبه) ، به اهتمام : جلال الدين مُحدّث أرموى ، علمى و فرهنگى ، 1363 ش . 111 . فوائد الأصول (تقريرات ميرزاى نايينى) ، محمّد على كاظمى ، تحقيق : رحمت الله رحمتى ، قم : دفتر نشر اسلامى . 112 . الفوائد الرضويّة ، [شيخ] عباس قمى ، بى جا ، بى تا .

113. فهارس بحار الأنوار، گروهی از پژوهندگان، قم: مؤسسه الرساله، 1414ق. 114. فهرس التراث، محمد حسين حسيني جلالی، تحقيق: محمد جواد حسيني جلالی، قم: دليل ما، 1380 ش. 115. فهرست الفبايي كتب خطی كتاب خانه مرکزی آستان قدس، محمد آصف فکرت، استدراک و پيوست محمد وفادار مرادی، مشهد: كتاب خانه مرکزی آستان قدس رضوی، 1369 ش. 116. فهرست كتاب خانه سپهسالار، (ج4)، محمد تقی دانش پژوه و علینقی منزوی، تصحيح: علینقی منزوی، تهران، دانشگاه تهران، 1346 ش. 117. فهرست كتاب خانه مجلس شورای ملی، عبدالحسين حائری و دیگران، تهران، مجلس شورای ملی. 118. فهرستگان نسخه های خطی حدیث و علوم حدیث شيعه (ج 1 / درايه و رجال)، علی صدرایی خویی، قم: دارالحدیث، 1381 ش. 119. فهرست نسخ خطی كتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران، محمد تقی دانش پژوه و دیگران، تهران، دانشگاه تهران. 120. فهرستواره كتاب های فارسی (ج 3)، احمد منزوی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، 1374 ش. 121. الفیة الحدیث، عبد الرحيم بن حسين العراقي، تحقيق: أحمد محمد شاکر، عالم الكتب، 1408 ق. 122. قاموس الرجال، محمد تقی شوشتری، تحقيق: دفتر انتشارات اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1410 ق. 123. قوت القلوب، ابو طالب محمد بن علی مکی، تحقيق: سعيد نسيب مکارم، بیروت، دارصادر. 124. قیام سریداران، یعقوب آژند، تهران: گسترده، 1363 ش. 125. کاشفة الحال عن وجه الاستدلال، محمد بن علی بن ابراهیم الأحسائي (ابن أبي جمهور)، تحقيق: احمد کنانی، بیروت: مؤسسة أم القرى. 126. الکافی، محمد بن یعقوب الكليني، تصحيح: علی اکبر غفاری، بیروت: دارصعب ودار التعارف، 1401 ق، چهارم. 127. كتاب الرجال، الحسن بن علی الحلّی، تحقيق: محمد صادق آل بحر العلوم، قم: منشورات الرضی، بی تا. 128. كتاب الرجال، الحسن بن علی الحلّی، به كوشش: جلال الدين حسيني، دانشگاه، تهران،

- 1342 ش . 129 . كتاب خانه ابن طاووس ، إتان كلبرگ ، ترجمه : سيّد علي قرابى و رسول جعفرىان ، قم : كتاب خانه آية الله مرعشى .
- 130 . كتاب شناسى تاريخى امام حسين عليه السلام ، محمّد اسفنديارى ، تهران ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى . 131 . [كتاب] من لا يحضره الفقيه ، محمّد بن على بن بابويه (الصدوق) ، تحقيق : على اكبر الغفارى ، قم : مؤسسة النشر الاسلامى ، دوم . 132 . كشف الحجب والأستار ، سيّد اعجاز حسين نيشابورى ، قم : كتاب خانه آية الله مرعشى ، 1409 ق . 133 . كشف الخفاء ، اسماعيل بن محمّد العجلونى ، دارالكتب العلميّة ، 1408 ق . 134 . كشف الظنون عن أسامى الكتب والفنون ، مصطفى بن عبد الله (حاجى خليفه) ، دار إحياء التراث العربى . 135 . كشف اليقين فى فضائل أمير المؤمنين ، حسن بن يوسف الحلّى ، تحقيق : على آل كوثر ، قم : مجمع إحياء الثقافة الاسلاميّة ، 1413 ق . 136 . الكشكول فى ما جرى على آل الرسول ، سيد حيدر آملی (منسوب) ، مقدمه : عبد الرزاق موسى مكرم ، قم : منشورات الرضى ، 1372 ق . 137 . كليات فى علم الرجال ، جعفر سبحانى ، قم : مركز حوزة علميه قم ، 1410 ق . 138 . كنز العمّال فى سنن الأقوال والأفعال ، على متقى بن حسام الدين الهندى ، تحقيق : بكرى حيانى و صفوة السقا ، بيروت : مكتبة التراث الإسلامى ، 1397 ق ، أوّل . 139 . الكنى و الألقاب ، عباس قمى ، مقدّمه : محمّد هادى امينى ، تهران : كتاب خانه صدر ، 1368 ش . 140 . لسان الميزان ، احمد بن على بن حجر عسقلانى ، بيروت : مؤسسة الأعلمى للمطبوعات ، 1406 ق ، سوم . 141 . لؤلؤ و مرجان ، [ميرزا] حسين نورى ، انتشارات نور ، بى جا ، بى تا . 142 . لؤلؤة البحرين ، يوسف بن احمد البحرانى ، تحقيق : سيّد محمّد صادق بحر العلوم ، 1969 م ، دوم . 143 . مجمع الزوائد و منبع الفوائد ، على بن أبى بكر الهيثمى ، تحقيق : عبد الله محمّد الدرويش ، بيروت : دارالفكر ، 1412 ق ، أوّل . 144 . مجمع الزوائد و منبع الفوائد ، على بن أبى بكر الهيثمى ، بيروت : دارالكتب العلميّة ، 1406 ق .



- 145 . المجموع الرائق من أزهار الحدائق ، سيّد هبة الله موسى ، تحقيق : حسين درگاهی ، تهران : وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و بنیاد دایرة المعارف اسلامی ، 1407 ق . 146 . مجموع الغرائب ، ابراهيم بن علي الكفعمي ، تحقيق : سيّد مهدي رجايي ، تهران : مؤسسه انصار الحسين عليه السلام ، 1412 ق . 147 . مجموعة نفيسة في تاريخ الأئمة ، جمعي از دانشمندان ، قم : كتاب خانه آية الله مرعشي ، 1406 ق . 148 . المحتضر ، حسن بن سليمان الحلّي ، مقدمه : محمّد علي اورد آبادي غروي ، نجف : المطبعة الحيدرية .
- 149 . المحدث الفاصل ، حسن بن عبدالرحمان رامهرمزي ، تحقيق : محمّد عجاج خطيب ، بيروت : دارالفكر ، 1404 ق . 150 . مختصر البصائر ، حسن بن سليمان الحلّي ، تحقيق : مشتاق مظفر ، قم : دفتر نشر اسلامی ، 1421 ق . 151 . مختلف الشيعة ، الحسن بن يوسف الحلّي ، تحقيق : دفتر نشر اسلامی ، قم : دفتر نشر اسلامی ، 1412 ق ، أول . 152 . مدينة المعاجز ، سيّد هاشم بحراني ، تحقيق : عزت الله مولايي همداني ، مؤسسه معارف اسلامی ، 1413 ق ، أول . 153 . مرآة الكتب ، علي بن موسى تبريزي ، تحقيق : محمّد علي حائري ، قم : كتاب خانه آية الله مرعشي . 154 . مرصاد العباد ، ابوبكر بن احمد رازي ، تحقيق : محمّد امين رياحي ، تهران : شركت انتشارات علمي و فرهنگي ، 1352 ش . 155 . المزار ، محمّد بن مكّي (شهيد أول) ، تحقيق : مدرسة الإمام مهدي (عج) ، قم : مدرسة الإمام مهدي (عج) ، 1410 ق . 156 . المزار ، محمد بن مكّي (شهيد أول) ، تحقيق : محمود بدری ، قم : مؤسسة معارف اسلامی ، 1416 ق . 157 . المستجد من كتاب الإرشاد ، حسن بن يوسف حلّي ، تحقيق : محمود بدری ، قم : بنیاد معارف اسلامی ، 1417 ق . 158 . مستدرک الوسائل ، [ميرزا] حسين نوري ، تحقيق : مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، 1407 ق ، أول . 159 . المستدرک على الصحيحين ، محمّد بن عبدالله الحاكم النيسابوري ، بيروت : دارالمعرفة ، بی تا .

- 160 . مسند ابن حنبل ، احمد بن محمّد (ابن حنبل) ، بيروت : دارصادر . 161 . مشارق الدرارى ، سعيد فرغانى ، تحقيق : جلال الدين آشتياني ، تهران : انجمن اسلامى حكمت و فلسفه ايران . 162 . مشارق أنوار اليقين فى أسرار أميرالمؤمنين عليه السلام ، رجب البرسى ، قم : منشورات الشريف الرضى ، 1415 ، أول . 163 . مشرق الشمسيين ، محمّد بن الحسين العاملى ، تحقيق : مهدي رجايى ، مشهد : آستان قدس رضوى ، 1372 ش . 164 . مصابيح القلوب ، حسن بن حسين شيعى سبزوارى ، به كوشش : محمّد سپهرى ، بنيان ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى و دفتر نشر ميراث مكتوب ، 1375 ش . 165 . مصباح الكفعمى ، ابراهيم بن على الكفعمى ، تحقيق : حسين اعلمى ، بيروت مؤسسه أعلمى . 166 . مصفى المقال ، آقا بزرگ تهراني ، چاپ خانه دوستى ايران ، 1337 ش . 167 . المطالب العالیه ، ابن حجر العسقلانى ، تحقيق : سعدبن ناصر بن عبد العزيز الشثرى ، دارالعصمة ، 1419 ق . 168 . معالم المدرستين ، سيّد مرتضى العسكري ، بيروت : مؤسسة النعمان . 169 . معانى الأخبار ، محمّد بن على بن بابويه (الصدوق) ، تحقيق : على اكر الغفارى ، قم : مؤسسة النشر ، 1361 ش ، أول . 170 . معجم البلدان ، ياقوت بن عبدالله الحموى ، بيروت : دار إحياء التراث العربى ، 1399 ق ، أول . 171 . المعجم الكبير ، سليمان بن أحمد الطبراني ، تحقيق : حمدى عبد المجيد السلفى ، قاهرة : مكتبة ابن تيمية . 172 . معجم المؤلفين ، عمر رضا كحّاله ، بيروت : مكتبة المثنى . 173 . معجم رجال الحديث ، سيّد ابوالقاسم خويى ، تحقيق : لجنة التحقيق ، 1413 ق ، پنجم . 174 . معجم مصطلحات الرجال والدرایة ، محمّد رضا جديدى نژاد ، با اشراف : محمّد كاظم رحمان ستايش ، قم : دارالحديث ، 1380 ش . 175 . مفاخر اسلام ، على دوانى ، جلد چهارم ، مركز اسناد انقلاب اسلامى ، 1378 ش ، دوم . 176 . المقالة التکلیفیّة (در ضمن : أربع رسائل کلامیّة) ، على بن يونس البياضى العاملى ، تحقيق : مركز تحقیقات و مطالعات اسلامى ، قم : بوستان کتاب ، 1380 ش . 177 . المقام الأسنى فى تفسير الأسماء الحسنی ، ابراهيم بن على الكفعمى ، تحقيق : فارس حسّون ، قم :

مؤسسه قائم آل محمد (عج) . 178 . مقباس الهداية فى علم الدراية ، عبد الله مامقانى ، تحقيق : محمد رضا مامقانى ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، 1369 ش . 179 . المقدمات من كتاب نصّ النصوص ، سيّد حيدر آملی ، تصحيح : هنرى كرن و عثمان اسماعيل يحيى ، تهران : 1352 ش . 180 . مقدّمه اى بر فقه شيعه ، سيّد حسين مدرّسى ، ترجمه : محمد آصف فکرت ، مشهد : بنياد پژوهش هاى اسلامى آستان قدس ، 1410 ق . 181 . مكتبة العلامة الحلى ، سيّد عبد العزيز الطباطبائي ، اعداد : مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، 1416 ق . 182 . مناقب العارفين ، احمد افلاكى ، تحقيق : تحسين يازيجى ، تهران : دنيای كتاب ، 1362 ش . 183 . منتخب الأنوار المضيئة ، بهاء الدين النيلي ، تحقيق مؤسسه امام هادى عليه السلام ، قم : مؤسسه امام هادى ، 1378 ش . 184 . منتخب الأنوار المضيئة ، بهاء الدين النيلي ، تحقيق : عبد اللطيف كوهكمري ، قم : مطبعة خيام ، 1401 ق . 185 . منتقى الجمان ، حسن بن زين الدين ، قم : جامعه مدرّسين ، 1403 ق . 186 . منتهى المطلب فى تحقيق المذهب ، حسن بن يوسف الحلى ، تحقيق : گروه فقه بنياد پژوهش هاى اسلامى آستان قدس رضوى ، مشهد : بنياد پژوهشهاى اسلامى آستان قدس ، 1412 ق ، اوّل . 187 . منتهى المقال فى أحوال الرجال ، محمد بن اسماعيل الحائرى ، تحقيق : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، 1374 ش . 188 . منهاج الكرامة فى معرفة الإمامة ، حسن بن يوسف الحلى ، تحقيق : عبد الرحيم مبارك ، مشهد : تاسوعا . 189 . موسوعة مؤلّفى الإمامية ، مجمع الفكر الإسلامى ، قم : مجمع الفكر الإسلامى ، 1378 ش . 190 . المهذب البارع ، احمد بن فهد الحلى ، تحقيق : شيخ مجتبى عراقى ، قم : جامعه مدرّسين ، 1407 ق . 191 . ميزان الاعتدال فى نقد الرجال ، محمد بن احمد الذهبى ، تحقيق : على محمد البجاوى ، بيروت : دارالمعرفة . 192 . نقد الرجال ، مصطفى بن الحسين الحسينى تفرشى ، تحقيق : مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، قم :

مؤسسة آل البيت عليهم السلام، 1418 ق . 193 . نهاية الدراية، سيّد حسن صدر، تحقيق: ماجد الغرباوى، قم: نشر المشعر، بي تا .  
 194 . نهج الحق وكشف الصدق، حسن بن يوسف الحلّي، تحقيق: عين الله الحسنى الارموى، مقدّمه: رضا صدر، قم: دارالهجرة،  
 1414 ق . 195 . الوافى، محمّد محسن فيض كاشانى، تحقيق: ضياء الدين حسيني، اصفهان: كتاب خانه عمومى اميرالمؤمنين عليه  
 السلام، 1370 ش . 196 . الوجيزة فى علم الدراية، محمّد بن حسين بن عبدالصمد بهايى، قم: منشورات مكتبه بصيرتى . 197 .  
 وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، محمّد بن حسن الحرّ العاملى، تحقيق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل  
 البيت عليهم السلام، 1409 ق، أوّل . 198 . وصول الأختيار إلى أصول الأخبار، حسين بن عبد الصمد العاملى، تحقيق: عبد اللطيف  
 كوهكمري، قم: مجمع الذخائر الإسلاميّة، 1401 ق . 199 . هدية العارفين، اسماعيل پاشا بغدادى، بيروت: دار إحياء التراث العربى



## اشاره

فراوانی که کاشفی در مقام شرح، بیان، استشهاد یا تتمیم فایده ذکر کرده، برخی روایات وجود دارد که در منابع معتبر حدیثی نیامده است. از جمله روایتی که در «وصل سوم» از «اصل چهارم» به این مضمون به رسول اکرم نسبت داده شده: «الشريعة أفعالی، والطريقة أفعالی، والحقیقة أحوالی، والمعرفة رأس مالی، والشوق مركبی . . .»، (1) که محدث ارموی آن را غیر معتبر دانسته است. ویژگی دیگر این کتاب، عرضه ترجمه فارسی از احادیث است. در این جا برای آشنایی با نحوه ترجمه نویسنده، نمونه ای از ترجمه او را می آوریم. قال النبّی صلی الله علیه و آله: إياكم وكثرة الحلف في البيع؛ فإنه ينفق ويمحق؛ یعنی بپرهیزید از سوگند بسیار خوردن در بیع، که اگر چه متاع را رواجی دهد؛ اما برکت از مال ببرد. (2) نکته آخر درباره این کتاب، آن که کاشفی در سبک نگارش آن، تحت تأثیر عالم شیعی همشهری خود، حسن بن حسین شیعی سبزواری (زنده در 753 ق) بوده است.

ب. آثار خطّی و نایاب 1. الأربعون حدیثاً، از شیخ جلیل ابو محمد حسن بن محمد دیلمی، صاحب إرشاد القلوب. روایت نخست این کتاب، «حدیث جنود عقل و جهل» و روایت سوم، «حدیث غدیر» است. شیخ آقا بزرگ، به نقل از فاضل معاصر شیخ علی اکبر بجنوردی

1- الرسالة العلیّة، ص 152. سخن شادروان محدث ارموی، درباره بی اعتباری این روایت، در بخش «رویکرد صوفیانه» خواهد آمد.

2- همان، ص 275.

می گوید که نسخه ای از این کتاب، پیش او بوده و تلف شده است. (1) 2. الأربعون حديثاً، از جمال الدین مقداد بن عبد الله، معروف به فاضل مقداد (م 826 ق). (2) صاحب ریاض العلماء گفته است که این کتاب را در اردبیل، در ضمن مجموعه ای به خط شاگرد نویسنده، ملاحظه کرده که بر آن، اجازه فاضل مقداد به این شکل آمده بود: قرائت این احادیث را شیخ صالح، عالم فاضل زین الدین علی بن حسن بن علالة [نزد من] به پایان رساند. روایت آنها را از خودم و از طریق مشایخم - قدس الله ارواحهم - به او اجازه دادم. (3) فاضل مقداد، اربعین خود را به نام پسر عالمش عبد الله بن مقداد، نگاشته است. (4) 3. الأربعون حديثاً، از شیخ سعد إربلی. (5) درباره نویسنده، اطلاعی نداریم. شیخ حسن بن سلیمان حلّی، شاگرد شهید اول (زنده در 802 ق) از این کتاب درباره مقامات معصومان، حدیث نقل کرده است. (6) نیز علامه مجلسی، چندین حدیث از این کتاب، با واسطه کتاب حسن بن سلیمان، نقل کرده است. (7) افندی، نوشته است که در کتاب المحتضر به این شکل از اربعین سعد، روایت نقل شده: «کتاب الأربعین روایة سعد الإربلی یرفعه إلی . . .» و در جای دیگر بدین گونه: «کتاب الأربعین روایة سعد الإربلی عن . . .»؛ در حالی که در

1- الذریعة، ج 1، ص 414 (ش 2144).

2- همان، ص 429 (ش 2187).

3- ریاض العلماء، ج 5، ص 217.

4- الضیاء اللامع، ص 138.

5- الذریعة، ج 1، ص 416 (ش 2155)؛ ریاض العلماء، ج 2، ص 413.

6- ر.ک: المحتضر، ص 100 - 101.

7- ر.ک: بحار الأنوار، ج 27، ص 44، 45، 47 و 128.

فَعِنْدَ ذَلِكَ يَأْخُذُ فِي الشَّطِيحَاتِ وَالْكَلِمَاتِ الَّتِي لَا يَجُوزُ التَّكَلُّمُ بِهَا فِي الشَّرْعِ، كَمَا رَوَى عَنْ أَبِي يَزِيدَ «سَبْحَانَ [سَبْحَانِي] مَا أَعْظَمَ شَأْنِي» وَعَنِ الْمَنْصُورِ: «أَنَا الْحَقُّ» وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ: «لَيْسَ فِي جَبَّتِي إِلَّا [سُورَةُ] اللَّهُ...» (1). این در حالی است که علامه حلی در کتاب پیش گفته به نکوهش صوفیان از نظر عقیده و رفتار پرداخته است. (2) با عنایت به متن رساله «شرح حدیث حقیقت» می توان گفت که انتساب آن به علامه، منتفی است. به هر روی، شرح یاد شده با انتساب به علامه حلی، یک بار در مجموعه کلمات المحققین (ص 496-500) به سال 1402 ق، توسط منشورات مکتبه المفید قم، چاپ سنگی شده و بار دیگر در دفتر سوم میراث حدیث شیعه، (ص 183-198) به سال 1379 ش، منتشر شده است. دیگر کتاب های چاپی در باب شرح حدیث، عبارت اند از: 1. مصابیح القلوب، که در بخش متون اخلاقی معرفی شد. 2. الرسالة العلیة، که در بخش اربعین نگاری معرفی شد. 3. شرح المقالة التکلیفیة، از بیاضی نباطی، که در بخش متون اخلاقی معرفی شد. 4. المقام الأسنی، از کفعمی، که در بخش ادعیه معرفی شد. 5. مشارق أنوار الیقین، از برسی، که در بخش مناقب، معرفی شد.

ب. آثار خطی و نایاب 1. شرح دعاء الصنمین این کتاب، نگاشته علی عراقی، معاصر علی بن هلال جزائری است که آن را به سال 878 ق، در قصبه جاجرم، به فارسی نگاشته است. صاحب ریاض، نسخه این

1- ر.ک: میراث حدیث شیعه، دفتر سوم، ص 192.

2- ر.ک: نهج الحق، ص 58.



کتاب را در استرآباد، رؤیت کرده است. (1) 2. سفظ الصفات فی شرح دعاء السمات (2) این کتاب، نگاشته شیخ کفعمی است که در حواشی المصباح، از آن یاد کرده است. پایان نگارش آن، سال 875 ق، است. این شرح، دارای نسخ خطی متعدّد است. 3. الحاشیة علی جنّة الأمان الواقیة این کتاب نیز از شیخ کفعمی است. بنا به گفته محقق تهرانی، حجم این شرح، برابر با اصل کتاب است که بخشی از آن با کتاب جنّة الأمان، چاپ شده است. (3) 4. الحاشیة علی كشف الغمّة فی معرفة الأئمّة مؤلف آن، شیخ کفعمی است. (4) 5. شرح حدیث «الدنیا مزرعة الآخرة» این شرح، در فهرست کتب خطی آستان قدس، با تردید، به کفعمی نسبت داده شده است. (5) 6. الفوائد الشریفة فی شرح الصحیفة نویسنده این شرح، کفعمی، بخشی از این شرح را همراه دعاهاى صحیفه در البلد الامین خود، درج کرده است. نویسنده، با اشاره به نقل صحیفه در البلد الامین، منابع

- 
- 1- ریاض العلماء، ج 4، ص 150؛ الضیاء اللامع، ص 96؛ الذریعة، ج 8، ص 192.
  - 2- موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 1، ص 321 (ش 33)؛ الذریعة، ج 13، ص 249 (ش 905). نام شرح در الذریعة، «صفوة الصفات» آمده و تاریخ پایان نگارش آن 895 ق، یاد شده است. برای نسخ خطی کتاب، ر.ک: منبع نخست.
  - 3- الذریعة، ج 6، ص 57 (ش 291)؛ موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 1، ص 320 (ش 22).
  - 4- موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 1، ص 320 (ش 23)؛ الذریعة، ج 6، ص 186 (ش 101).
  - 5- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس، ص 333؛ موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج 1، ص 321 (ش 35).

خود در نگارش حواشی شرح صحیفه را \_ که شامل بیش از هشتاد کتاب است \_ یاد نموده است . نام کتاب ، به تصریح خود کفعمی ، همان است که نقل کردیم . نگارش این شرح ، به سال 865 ق ، به اتمام رسیده است . (1) در برخی منابع ، نام کتاب ، الفوائد الطریفة فی شرح الصحیفة ذکر شده است . (2) در موسوعة مؤلّفی الإمامیّة ، نسخ خطّی این شرح ، شناسانده شده است . (3)

---

1- الذریعة، ج 16، ص 346 (ش 1614) و ص 343 (ش 1594).

2- روضات الجنّات، ج 1، ص 21؛ موسوعة مؤلّفی الإمامیّة، ج 1، ص 322.

3- موسوعة مؤلّفی الإمامیّة، ج 1، ص 322.



## تاریخ حدیث شیعه در سده های دهم و یازدهم

### اشاره

تاریخ حدیث شیعه در سده های دهم و یازدهم یازدهم یاس پورا کبر

.



## درآمد

درآمد بعد از آل بویه (320 \_ 454 ق) تا روی کار آمدن حکومت صفویه (907 ق) که منجر به حاکمیت مجدد شیعه گردید، فعالیت های علمی شیعه، جز در مواردی استثنایی (نظیر دوران تساهل و تسامح مغولان در قرن هفتم هجری)، در رکود و خفقان بوده است. دوره صفویه، یکی از دوره های حساس تاریخ ایران به حساب می آید که از لحاظ عرضه خدمات علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، سرآمد است و از لحاظ جذب و پرورش عالمان پُر کار، با انگیزه و خالق آثار وزین و ارزشمند، مطرح بوده و از طرفی، نوع حکومت حاکم، سلطنتی و درباری است. لذا تفسیر تاریخ این دوره، ظرافت خاصی می طلبد. امروزه، برخی روشن فکران با در نظر گرفتن صرف ماهیت حکومت صفویه، بدون توجه به زمان و دستاوردهای این دوره، از آن به عنوان حربه ای علیه علمای دین و مذهب، استفاده کرده، نزدیکی آنها به دربار را نشانه دنیاطلبی و ضعف آنها قلمداد می کنند. مرحوم دکتر علی شریعتی که نظریه پرداز این گونه مسائل است، خود در بیان تحلیلی رویدادهای تاریخ، به رعایت اصل ظرف زمان و مکان، اصرار دارد، هر چند نتیجه گیری هایی که در مورد صفویان، بدانها رسیده است با مقدمات قبلی مطرح شده توسط وی، تناقض دارد. ایشان معتقد است:

دیروز را با بینش دیروزی و امروز را با بینش امروزیین باید شناخت. این را بارها گفته ام که: مسائلی را که مربوط به گذشته و جوّ و محیطی دیگر است، با بینش امروز نباید دید؛ بلکه باید کوشش کنیم که تا هر چه را در همان محیط و جوّ، و با بینش زمانش ببینیم و... (1) ایشان در قولی دیگر به نقل از پرك، آورده است: هر واقعت اجتماعی را باید با ظرف زمان و مکان خودش بسنجیم. (2) به رغم این هشدار، مقدمات آرمان گرایانه شریعتی با نتیجه ای که گرفته، دچار تناقض می شود: ولایت علی... پس از هزار سال جهاد و شهادت، به سلطنت شاه عبّاس منجر می شود و به جای ابوذر غفاری، امام جمعه مسجد شاه می آید، و عمّار و یاسر، پدر و پسری آن چنان، جا را به ملاّ محمّد باقر و ملاّ محمّد تقی مجلسی، پدر و پسری این چنین، می سپارند. (3) به نظر می رسد بهترین قضاوت درباره حکومت صفویه و علمای این دوره، باید از روی عملکردها و دستاوردهایی باشد که از این عصر به یادگار مانده است. برای بازیابی عوامل رویکرد به فعالیت های علمی و حدیثی در این دوره، به ذکر تاریخ مختصری از تحولات سیاسی - اجتماعی هم زمان با روی کار آمدن حکومت صفویه در ایران، برخورد حاکمان صفوی با عالمان دین و وضعیّت شیعه در نقاط مختلف پرداخته ایم؛ چرا که معتقدیم تاریخ هر دوره ای بستری مناسب برای فعالیت های آن دوره فراهم می کند و بدون داشتن داده های تاریخی لازم، فهم و تحلیل مسائل، ممکن نیست.

- 
- 1- اسلام شناسی (مجموعه آثار، ش 16)، علی شریعتی، ج 2، ص 27.
  - 2- شیعه (مجموعه آثار، ش 7)، علی شریعتی ص 176 \_ 177.
  - 3- ویژگی های قرون جدید (مجموعه آثار، ش 31)، علی شریعتی ص 461.

**فصل یکم : کلیات****عوامل رویکرد به حدیث در دوره صفوی**

فصل یکم: کلیات عوامل رویکرد به حدیث در دوره صفوی عوامل سیاسی - اجتماعی رویکرد به حدیث در این دوره را می توان بدین گونه دسته بندی کرد: 1. حکومت صفویه، بر اساس نظر داعیان آن حکومت، مبتنی بر دین و مذهب بوده و طبیعت این نوع حکومتی، داشتن مستنداتی از متون دینی است. لذا اهمیت دادن به علوم دینی در سایه توجه به علما، از اولویت های اصلی این حکومت بوده است. 2. عملکرد حاکمان صفوی، دلیل دیگر روآوری به علم حدیث در این دوره است. پادشاهان صفوی، علاوه بر اقدامات غیر مستقیم، خود نیز در پی مطالعه کتب دینی و حدیثی برآمدند و از این طریق، خواستند در بین علما و مردم، دل گرمی ایجاد نمایند. برای نمونه، شرکت شاه عباس صفوی در درس شیخ بهایی و مباحثه و اظهار نظر ایشان در بحث «عاقله»، خود، نمونه ای از تشویق مردم به علم بوده است. (1) در باب توجه حاکمان صفوی به نشر و گسترش علم، محمد تقی مجلسی

---

1- جامع عباسی، ص 453.



می نویسد: والحمد لله رب العالمين که پادشاه جمجاه ملائک قدوه اولاد سيّد المرسلين صلى الله عليه و آله ... اکثر اوقات شريف ايشان و امرای جليل القدر عظيم الشأن نیز صرف مطالعه و مباحثه حديث می شود . . . امید هست که به موجب حديث شريف... «الناس علی دين ملوکهم»، چنان شود که در جميع بلاد ايران ، اطفال ايشان عالم باشند. (1) کتاب های حديثی که عالمان دين بعد از نگارش ، به حکام صفوی تقديم می کردند ، در واقع ، واکنشی بود در قبال توجه پادشاهان نسبت به فعالیت های حديثی . 3. عامل ديگر رویکرد به حديث در اين دوره ، کشمکش ها و اصطکاکات به وجود آمده میان شیعه و اهل سنت در اوایل این دوره ، به سبب روی کار آمدن حکومت شیعی در ايران بوده است. محور این منازعات ، بیشتر بر محور عقاید و بخصوص مسئله امامت بوده است. این نکته ، علمای شیعه را بر آن داشت تا با مراجعه به متون حديثی ، به تدوین مجموعه های حديثی «الأربعين» در منقبت امامان عليهم السلام از کتب روایی شیعه و اهل سنت پردازند. 4. عامل آخر ، گسترش تصوف بوده است. ارمغان تصوف ، اباحه گری ، مسامحه و سهل انگاری در امر دين بود و گسترش آن ، حلقه مذهب را تنگ تر می نمود. از طرف ديگر ، چون خاستگاه تصوف ، بیشتر مراکز اهل سنت بود تا شیعه ، لذا این نکته با سیاست سنتی ستیزی صفویان ، همخوانی نداشت. توجه به علما و گسترش فعالیت های حديثی ، تصوف را در تنگنا نگاه داشت.

## اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعه در سده های دهم و یازدهم هجری

اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعه در سده های دهم و یازدهم هجری این دوره که با روی کار آمدن صفویان (907-1135 ق) در ایران مصادف است، شاهد تحولات بنیادینی در زمینه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. هرچند درباره ماهیت نهضت صفویه عقیده واحدی وجود ندارد؛ ولی عموم مورخان و محققان بر این عقیده اند که حکومت صفویه، نخستین حکومت ایران با ویژگی تمامیت ارضی، وحدت ملی و استقلال، پس از گرویدن ایرانیان به دین اسلام بوده است. (1) به دنبال سقوط حکومت عباسیان در سال 656 ق، به دست هلاکوخان مغول، امپراتوری عثمانی با داعیه تجدید خلافت، از چنان قدرتی برخوردار بود که قلمرو گسترده ای از دنیای اسلام را در اختیار داشت. عثمانیان با آن که خود را نماینده تمام مسلمانان قلمداد می نمودند، از يك سو بلای جان اروپاییان شده بودند و از سوی دیگر، شیعه را در درون خویش، در فشار و تنگنا نگه داشته بودند؛ اما با تشکیل حکومت صفویه و سیاست تحوّل مذهب به تشیع به دست توانمند شاه اسماعیل صفوی، ندای «مذهبنا حق» (2) وی، در هر کوی و برزن، طنین انداز شد. از دیدگاه راجر سیوری، اعلام نمودن شیعه به عنوان دین رسمی توسط شاه اسماعیل، دو فایده مهم را در بر داشت: 1. توان ارائه يك ایدئولوژی مذهبی پویا را به دولت جدید بخشید و به این ترتیب، به دولت این قدرت را می داد که بر مشکلات اولیه غلبه کند و نیز قدرت عبور کشور را از بحران های جدی ای که حکومت صفوی بعد از مرگ شاه اسماعیل (930 ق / 1524 م) با آن روبه رو شد، فراهم آورد.

1- روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، ص 14؛ علاّمه مجلسی، حسن طارمی، ص 22.

2- خلاصه التواریخ، احمد بن شرف الدین حسین حسینی قمی، ج 1، ص 64.

2. این عمل، تمایز آشکاری بین دولت صفویه و امپراتوری عثمانی \_ که قدرت عمده جهان اسلام در قرن دهم بود \_ به وجود آورد و به این ترتیب، به دولت صفوی، هویت ارضی و سیاسی داد. (1) کوتاه سخن این که برقراری تشیع اثناعشری به عنوان مذهب رسمی در کشور، علاوه بر نگاه داشتن ایران در برابر فشار و تهدیدهای عثمانی در شمال غرب و غرب، و ازبکان در شمال شرق و شرق، موجب ایجاد آگاهی های بیشتر نسبت به هویت ملی و بدین طریق، ایجاد دولتی متمرکز و قوی تر شد. این که حاکمان صفوی چگونه بدین منزلت و اعتبار رسیدند، سؤالی است که اساس و زیربنای تشکیل دولت صفویان را مشخص می کند. به طور کلی می توان گفت که زمینه سازی های قبلی و فراهم نمودن بستر در قالب فعالیت های عوام پسند، ایجاد باور و اعتقاد در مردم مبنی بر این که نایب امام و دارای نوعی نیروی مافوق الطبیعه اند (2) یا «مخلّد و به ظهور قائم آل محمّد، متصل» اند (3) و یا این که «دودمان امامت مکان» اند (4) و عواملی از این قبیل، حاکمان صفوی را برای مردم، واجب الإطاعه ساخته بود و این ذهنیت، آن چنان در آنها رسوخ کرده بود که تصویری بر خلاف آن نمی رفت. شوالیه شاردن، از شخصیت های غربی حاضر در ایران دوره صفوی، اعتقاد ایرانیان درباره حکومت را چنین بیان می کند: در غیبت امام، حق حکومت به یکی از بازماندگان بلافصل امام می رسد و واجب و لازم نیست که وی مانند امام، جامع علوم ظاهر و باطن و از هر جهت، معصوم باشد. (5)

- 
- 1- ایران عصر صفویه، راجر سیوری، ص 28 \_ 29.
  - 2- سفرنامه شوالیه شاردن، ترجمه: اقبال یغمایی، ج 3، ص 1148.
  - 3- رستم التواریخ، محمّد هاشم آصف، تصحیح: محمّد مشیری، ص 98 و 143.
  - 4- تاریخ حبیب السیر فی أخبار افراد بشر، غیاث الدین بن همّام الدین حسینی (خواندمیر)، ج 4، ص 429.
  - 5- سفرنامه شوالیه شاردن، ج 3، ص 1143.

وی، درباره مردم ایران و برخورد آنها با پادشاه، می نویسد: ایرانیان، صادقانه، فرمان های پادشاهان خود را واجب الإطاعه می دانند و به رضا و رغبت، فرمان می برند و به تحقیق می توان باور کرد که مردم ایران، مطیع ترین ملت نسبت به پادشاه خود می باشند. (1) و در نهایت، زندگی مردم ایران را در جریان حکومت پادشاهی، چنین به تصویر می کشد: خلق ایران بر این پندارند که خدا، از این جهت آنان را آفریده که بار پُر مخافت زجر و ظلم پادشاه را بکشند. آنان، همیشه سر تسلیم و رضا در پیش دارند و هرگونه عقوبت را بی آن که خود را گنهکار بدانند، تحمل می کنند. با تغییر پادشاهی هیچ تحوّل در آنها ایجاد نمی شود، همه کارها در روال طبیعی خود هستند و مردم، سرگرم کارهای خویش اند... (2) حال اگر به روند شکل گیری صفویه پردازیم، گفتنی است که خاستگاه حکومت و قدرت سیاسی پادشاهان آن، مدیون حلقه های مرید و مرادی است (3) که از زمان اخلاف شیخ صفی الدین اردبیلی (4) (م 735 ق)، یعنی خواجه علی (م 830 ق) (5)، شیخ جنید (م 864 ق) (6) و شیخ حیدر (م 893 ق) (7) به وجود آمده بود. لیکن، روند توجّه بیشتر به صوفیان و سپردن عنان حکومت به دست آنان، با

- 
- 1- همان، ص 1146.
  - 2- همان، ج 4، ص 1452.
  - 3- روزگاران دیگر، ص 84؛ ایران عصر صفویه، ص 90؛ دین و سیاست در عصر صفوی، ص 221 (نقل به مضمون).
  - 4- تاریخ حبیب السیر، ج 4، ص 425\_426.
  - 5- تشکیل دولت ملی ایران، والتر هینتس، ترجمه: کیکاوس جهاننداری، ص 87.
  - 6- اسلام در ایران، ترجمه: کریم کشاورز، ص 386\_387؛ تشیع و تصوّف، کامل مصطفی شبیبی، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، ص 380\_381.
  - 7- تاریخ حبیب السیر، ص 427\_429.

سیاست های بعدی حاکمان صفوی ناسازگار می نمود. این سیاست و انگیزه های متعددی همچون: متناقض دیدن وجود صوفیان با حکومت خویش (1) و یا ظنین شدن برخی (همچون شاه عباس اول) نسبت به آنان (2) و... ، حاکمان صفوی را بر آن داشت تا از قدرت صوفیان بکاهند و به مبارزه با آنان ، قد علم کنند. بدیهی است که گرفتن چنین تصمیمی ، جز با جایگزین نمودن وزنه ای همچون علما و توجّه بیشتر به آنان ، غیر ممکن بود. لذا باید گفت: با اضمحلال تصوّف ، قدرت قشر نوپای مجتهدان و ملاّها رو به افزایش نهاد و به حدّی زیاد شد که نفوذ کلام پاره ای از آنان ، در اندک زمانی به پای کلام پادشاه رسید. (3) علما توانستند با صوفیان به مخالفت برخیزند و از همان زمان پادشاهی شاه طهماسب (930 \_ 984 ق) ، تلاش های علمی بر ضدّ تصوّف را آغاز نمایند و کتاب ها و ردّیه های متعددی در این باب به نگارش در آورند. (4) و اما علما چه کردند؟ باید گفت: حکومت صفویه ، حیات علمی و فرهنگی خود را مدیون عالمانی است که از نقاط مختلف شیعه نشین (اعم از : جبل عامل ، عراق و بحرین) به ایران آمدند و آن دسته عالمانی که در ایران بودند . با گسترش روزافزون حکومت صفوی و استحکام مبانی و پایه های آن ، وجود جنگ عقیدتی و فرهنگی با حوزه های غیر شیعی خارج و احتیاج به رفع

- 
- 1- بسیاری از سلسله های صوفیه ، سنتی مذهب بودند و آزادی تصوّف در قلمرو صفویه ، در حکم آزادی اهل سنت بود و این معنا با هدف های سیاسی دولت ، مغایر بود (روزگاران دیگر ، ص 84 ؛ تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران ، ابوالقاسم طاهری ، ص 336) .
  - 2- صوفیان در ابتدای سلطنت وی ، برای بازگرداندن پدرش سلطان محمد شاه به سلطنت ، توطئه کرده بودند (ایران عصر صفویه ، ص 235) .
  - 3- تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران ، ص 336.
  - 4- دین و سیاست در عصر صفوی ، ص 226 \_ 227 (نقل به مضمون).

نیازمندی های دینی توده مردم در داخل قلمرو حکومت ، حاکمان صفوی نیازمند ابزارهایی بود که علما توانستند آنها را فراهم نمایند. از جمله اقدامات علما ، اینها بود: 1. انتقال نُسخ از بلاد عربی و هند به داخل ایران و استتساخ کتب ، بویژه کتب حدیثی ، و گسترش کمی و کیفی کتاب خانه ها. (1) هم زمان با مهاجرت علمای جبل عامل ، بحرین و عراق ، آثار ، نوشته ها و کتاب خانه های شخصی آنها به ایران انتقال یافت و این ، عامل مهمی در تحوّل فرهنگی ایران عصر صفوی گردید. نسخه برداری از منابع داخل و خارج قلمرو صفویه و انتقال این منابع به ایران ، کاری رایج و مرسوم گردید. به دلیل وجود بیشتر آثار مخطوط شیعه در عراق ، (2) نسخه برداری از این آثار ، شدت بیشتری یافت. شیخ جعفر محبوب ، در توصیف «مکتبة العلویة»ی نجف می نویسد : در اوایل قرن دهم و یازدهم ، رجال علم برای مطالعه و نسخه برداری به این کتاب خانه مراجعه می کردند و در بعضی از کتاب های امانتی این کتاب خانه ، اسامی کتاب دهندگان و کتاب گیرندگان را دیدم... (3) درباره هند ، گفتنی است که شیخ علی منشار ، پدر زن شیخ بهایی ، کتاب های بسیاری از هند به ایران آورد که بعدها جزو کتاب خانه شخصی شیخ بهایی شد . افندی ، درباره این کتاب ها می گوید: شنیدم که آنها ، چهار هزار مجلد کتاب بود. این کتاب ها به ارث به تنها فرزند دختر شیخ علی رسید که همسر شیخ بهایی شد. شیخ ، آنها را

- 
- 1- برای آشنایی تفصیلی با این بحث ، ر.ك: اشاراتی در باب کتاب و کتاب خانه در دوره صفوی . برای اطلاع بیشتر درباره انتقال نسخه های کتب از بلاد عربی به ایران صفوی ، ر. ك: «نسخه های مهاجر از بلاد عربی به ایران صفوی» ، صفویه در عرصه دین ، فرهنگ و سیاست ، ج 2 ، ص 739 و 807.
  - 2- صفویه در عرصه دین ، فرهنگ و سیاست ، ج 2، ص 814 .
  - 3- موسوعة العتبات المقدسة (قسم النجف) ، جعفر خلیلی ، ج 7 ، ص 238.

وقف کرد و بسیاری از آنها به دلایلی، از جمله بی توجهی متولی، از بین رفت. (1) به گفته برخی از منابع، از دیگر خدمات فرهنگی مهاجران عاملی، بنیان گذاری کتاب خانه ارزشمند آستان قدس رضوی است. فضیلت این خدمت گران بها، نصیب شیخ اسدالله بن محمد مؤمن خاتونی شد. وی در سال 1067 ق، تعداد 399 کتاب دست نوشت را وقف این کتاب خانه کرد. (2) درباره کتاب خانه آستان قدس، گفتنی است که هر چند درباره مبدأ تاریخ و چگونگی تأسیس آن، اطلاع دقیقی در دست نیست؛ ولی مستندات از قدیم ترین وقف ها، تاریخ تأسیس این کتاب خانه را به سال 363 ق، می رسانند. (3) کتاب خانه آستان قدس، در طول تاریخ، گرفتار حوادثی از قبیل توفان و دیگر تهاجمات شد. در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم، مورد هجوم قرار گرفت و به تعبیر مؤلف عالم آرای عباسی در ضمن وقایع سال 998 ق، «به دست ازبکان بی تمیز نادان درآمد» و «آن دُرر گران مایه را چون خَزَف ریزه بی بها به یکدیگر می فروختند». ولی انتساب بنیانگذاری آن به عاملیان، شاید به دلیل اهماتی است که سلاطین صفوی به آستان قدس داشتند، از جمله وقف املاک خود برای آن و تعیین يك عالم برجسته برای اشراف بر آن به عنوان «خازن الکتب». در این دوره، وقف های عمده ای نیز به کتاب خانه صورت گرفت و در بین

- 
- 1- ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، عبدالله الأفندی، ج 4، ص 266؛ صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج 2، ص 740.
  - 2- الهجرة العاملیة إلى ایران فی العصر الصفوی، ص 237؛ مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی، مهدی فرهانی منفرد، ص 168.
  - 3- گنج هزار ساله، کتاب خانه مرکزی آستان قدس رضوی قبل و بعد از انقلاب، رمضانعلی شاکری، ص 29، 34\_35، 55 و 92.

عاملیان، چنان که آمد، ابن خاتون شیخ اسدالله بن شیخ مؤتمن، به سال 1067 ق، چهارصد نسخه کتاب، و شیخ بهایی نیز از کتاب های نفیس خود، وقف آن نمودند. 2. ایجاد مدارس و حلقه های درس، جهت تعلیم متون دینی و حدیثی در شهرها و مراکز مختلف از جمله اصفهان، مشهد، شیراز و... علمای مهاجر، بعد از ورود به ایران، بیشتر فعالیت خود را برای آموزش، متمرکز ساختند و با پشتیبانی حاکمان صفوی، حوزه های بحث و تدریس را رونق بخشیدند. این عالمان، بیشتر در شهرهای شیراز، تبریز، قزوین و اصفهان - که اهمیت سیاسی و رونق اقتصادی داشتند - و یا در مشهد و قم (با توجه به اهمیت مذهبی آنها) سکنا گزیدند و به ترویج دانش های شیعی پرداختند. (1) 3. ظهور ادبیات ردیه نویسی و مقابله علمای شیعی با آن. (2) به دنبال تشکیل دولت شیعی صفوی که منجر به مهاجرت بسیاری از علمای اهل سنت گردید، رساله ها و کتاب های متعددی توسط فقهای سنی علیه شیعه نوشته شد که در آنها، فتوا به ارتداد و کفر شیعیان داده شد. در اثر یکی از این فتواها در سال 919 ق، قریب به چهل هزار تن از شیعیان در سرزمین عثمانی قتل عام شدند. (3) در مقابل این حرکت، برخی از فقهای عصر صفوی به مقابله برخاستند و به نگارش رساله ها و صدور فتوای ضد سنی پرداختند. نفحات اللاهوت فی لعن الجبت والطاغوت، از محقق کزکی (م 940 ق)، یکی از این رساله ها بود که به «رساله لعنیّه»

1- مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی، ص 167.

2- برای تفصیل بحث، ر. لک: «ادبیات ردیه نویسی در روزگار نخست صفوی»، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج 1، ص 67\_86.

3- همان، ص 37؛ علامه مجلسی، ص 28.



شهرت داشت تا جایی که سنّیان را بر ضدّ شیعیان برانگیخت. (1) 4. گفتگوها و مناظره های برون دینی و درون دینی. در پی درگیری هایی که اروپاییان با امپراتوری عثمانی داشتند، هیئت هایی را برای برقراری ارتباط به ایران گسیل می داشتند. هدف اصلی این هیئت ها پیوند ایران با اروپا و جنگ علیه عثمانی بود؛ ولی آنچه در کنار مسائل سیاسی برای اروپاییان اهمیت داشت، توجه به تبلیغات و رواج مسیحیت بود. این گفتگوها به دو شیوه صورت می گرفت. الف. گفتگوهای برون دینی. اروپاییان، برای نشر عقاید خود، در آغاز مبلّغان خویش را به ایران گسیل داشتند و آن گاه که دریافتند عقاید آنان، قابل درک و پذیرش نیست، به تحلیل و توجیه عقاید خود، رو آوردند و در مرحله بعد، به مناظره و گفتگو با علمای اسلام نشستند. (2) فیلیپ دوم و فیلیپ سوم، پادشاهان اسپانیا، هر کدام با ارسال کشیش و هیئت هایی به دربار سلاطین صفوی، خواستار آزادی کامل تبلیغ دین مسیح در سراسر ایران بودند؛ (3) اما شاه عباس صفوی (996-1038 ق)، علی رغم تمایل به این درخواست، علما و روحانیون را بزرگ ترین سدّ راه تبلیغ مسیحیت در ایران دید و آنها را مخالف ساختن کلیسا می دانست. (4) گروهی از مبلّغان مسیحی، به بهانه مبارزه با اسلام و توجیه عقاید مسیحیت به نگارش کتاب پرداختند، از آن جمله، کتاب آینه حق نما [از]

1- صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ص 70.

2- مجله ح\_وزه، ش 89\_90، ص 275: «گفتگوهای علمی در عصر صفوی»، علی اکبر ذاکری.

3- سیاست خارجی ایران در دوره صفویه، نصرالله فلسفی، ص 25؛ صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج 3، ص 966\_967.

4- سیاست خارجی ایران در دوره صفویه، ص 49.

فرانسس گزایه (1056 \_ 1552 م) ، برای جا انداختن باورهای مسیحیان و توجیه آنها نوشته شد. این کتاب به گونه مناظره بین حکیم و پاڈری ( / کشیش) مسیحی ، سامان یافته است و گاه ، شخص سومی به نام «ملا» شرکت می جوید و در پایان کار ، حکیم مسلمان ، دست از دین خود کشیده و در جرگه عیسویان ، داخل می شود. در مقابل ، علما و متفکران اسلامی به مقابله برخاسته و نقدهایی بر آن وارد کردند و از مهم ترین آنها نقد احمد علوی عاملی (م بعد از 1054 ق) ، شاگرد میرداماد ، با عنوان مصقل صفا در ردّ بر آینه حق نما می باشد. (1) مبلغان مسیحی ، پس از مدّتی ، افزون بر شناساندن اندیشه های مسیحیت و توجیه آنها ، به گفتگو با علمای اسلام پرداختند و مناظره های گوناگونی در دربار صفویان بدین جهت تشکیل شد. در زمان شاه عباس دوم (1052 \_ 1077 ق) ، وزیر اعظم وی ، اعتمادالدوله (1063 \_ 1070 ق) ، مجلس مناظره ای برگزار کرد و در آن ، شزو ، یکی از مبلغان مسیحی فرانسوی با علمای اصفهان به جدل و مناظره برخاست. نتایج این گفتگوها ، آشنایی مسیحیان با اسلام و روی آوردن شماری از آنان به اسلام شد. از جمله کسانی که به اسلام گرویدند ، آقا پیری (از بزرگان ارامنه) بود که شاردن ، اسلام آوردن وی را ضربه ای کوبنده بر مسیحیت می داند. (2) ب . گفتگوهای درون دینی . در این دوره ، مناظره و گفتگو برای نمایاندن مسائل کلیّ اختلاف بین شیعه و سنی شکل می گرفته است. شاه طهماسب ، در نامه ای به سلطان سلیم عثمانی می نویسد: الحمدلله که در زمان دولتِ همایون ما ، به عدد نجوم افلاک ، از علما و فقها حالا هستند که به براهین قاطعه و دلایل ساطعه در میدان مناظره و

1- مجله ح\_وزه ، ش 89 \_ 90 ، ص 278 \_ 279 (با تلخیص).

2- سفرنامه شوالیه شاردن ، ج 2 ، ص 620.

دیوان محاوره، گوی مسابقت از اکثر علمای عالم برآیند... (1) محقق کرکی (م 940 ق) را می توان نخستین مجتهد و فقیه با نفوذی دانست که در حکومت صفویه، تلاش گسترده ای را برای ترویج تشیع و پاسخگویی به شبهه ها آغاز کرد. حرکات منطقی و مستدل ایشان، باعث زدوده شدن ابهام ها و آشکار شدن حقیقت می گردید. جلسات گفتگو، بعضاً در دربار حاکمان صفوی برگزار می شد و عالمان شیعه و سنی، رودرروی یکدیگر به گفتگو پرداخته، دلایل خود را ارائه می نمودند. پادشاهان صفوی، خود به این کار، اقدام می کردند و شاه عباس، خود به این جلسه ها اهتمام داشت. (2) محمد تقی مجلسی (م 1070 ق) در زمینه مباحثه با علمای اهل سنت می نویسد: و با جمعی از فضلاى این زمان، مباحثات واقع شد و از ایشان تفسیر نمودم که: این خلفای دوازده کدام اند؟ ایشان گفتند که: همین دوازده امام شما، و هر که انکار ایشان کند، کافر است. و خود گفتند که اگر خلفای اربع بگوییم، ایشان خامس ندارند و اگر خلفای بنی امیه و بنی عباس را بگوییم، ایشان اضعاف این عددند... والحمدلله، جمعی از ایشان به شرف ایمان، مشرف شدند. (3) سید نعمه الله جزائری، درباره یکی از این مناظره ها می نویسد: به تعجب و امیدوارم مرا مباحثه شیخ بهایی و عالمی فاضل و اعلم از علمای مصر. وی در حالی که در دینش متعصب بود، از شیخ بهایی پرسید: رافضه ای [!] که قبل از شما بودند، درباره شیخین چه می گفتند؟ شیخ بهایی جواب داد: دو تا حدیث برایم گفته اند که از جواب دادن بدانها عاجز مانده ام. پرسید چه می گفتند؟ شیخ جواب داد: می گویند

1- شاه طهماسب اول، منوچهر پارسا دوست، ص 624.

2- مجله حوزة، ش 89\_90، ص 285\_287: «گفتگوهای علمی در عصر صفوی»، علی اکبر ذاکری (نقل به مضمون).

3- لوامع صاحبقرانی، ج 1، ص 28.

## جبل عامل

مسلم در «صحیح» خویش از رسول خدا روایت می کند: «من أذى فاطمة فقد أذى الله و من أذى الله فقد كفر» و پنج صفحه بعد از این حدیث، روایت می کند: «إن فاطمة عليهما السلام خرجت من الدنيا و هي غاضبة على أبي بكر و عمر» من همانندی این دو حدیث را نمی دانم. (1) شیخ بهایی، در ادامه می گوید: عالم سنی به او گفت: امشب نگاه می کنم. چون صبح گردید، عالم سنی آمد و به شیخ گفت: «نگفتم رافضه در نقل حدیث، دروغ می گویند! کتاب را مطالعه کردم و آن دو خبر را یافتم و دیدم فاصله بین آن دو حدیث از پنج صفحه بیشتر است [!].» و این عذر ایشان بود از معارضه دو حدیث با یکدیگر. (2) از کتاب های نگاشته شده در این زمینه، التحفة الشاهیة، در برگزیده مباحثی است که در مجلس شاه عباس اول، بین مؤلف کتاب و قاضی زاده ماوراء النهر، رخ داده و دلیل های برحق عقاید شیعه، به تفصیل در این کتاب، نقل گردیده است. (3)

جبل عامل جبل عامل، یکی از مناطق سنی شیعه است که ریشه تشیع در آن جا به زمان ابوذر غفاری بر می گردد. دانشمندان زیادی در این سرزمین، پرورش علمی یافته اند و

- 
- 1- علی رغم تتبعات به عمل آمده، این احادیث در منبع یاد شده یافت نشد. این ماجرا از دو حال خارج نیست: یا باید بپذیریم که این احادیث را خودمان (شیعه) تحریف کرده ایم، یا این که گفتار علامه مجلسی را قبول کنیم که گفته: «احادیثی که شیعیان از مخالفان بازگو نموده اند، تماما مأخوذ از کتاب های صحاح آنان است؛ ولی بعضی از آن روایات، در حال حاضر در آن کتاب ها نیست؛ زیرا دست عناد و تحریف تاریخ، آنها را از این مأخذ، حذف نموده است» (بحار الأنوار، ج 3، ص 364). نیز، ر. ک: یادنامه مجلسی، ج 2، ص 158: «علامه مجلسی، بزرگ مرزبان بیدار»، حسین کریمی قمی.
  - 2- الأنوار النعمانیة، سید نعمة الله جزائری، ج 1، ص 93\_94.
  - 3- التحفة الشاهیة در مناقب مولا امیر المؤمنین، علاءالدین عبدالخالق قاضی زاده کرهرودی، تحقیق: محمدعلی رسولی.

بسیاری از آنان برای نشر علوم دینی به سرزمین های دیگر از جمله ایران آمده اند. شیخ حرّ عاملی، در کتاب *أمل الآمل* می نویسد: از بعضی بزرگان شنیدم که در عصر شهید ثانی قدس سره در تشییع جنازه ای واقع در یکی از روستاهای جبل عامل، هفتاد مجتهد اجتماع کرده بودند. (1) حیات علمی و اوضاع داخلی جبل عامل در این عصر را می توان از گفته های مؤلف *تکملة أمل الآمل* به دست آورد. وی، ضمن تقسیم حیات علمی این سرزمین به سه دوره، (2) در توضیح دوره اول - که تا اواخر قرن یازدهم هجری ادامه می یابد - می نویسد: حرکت های علمی در این دوره اعتبار پیدا کردند، مدارس میس و عینا و... با حضور طالبان علم، انباشته شدند و در بعلبک، مدارس کُرک و بعلبک، آباد گشته و علمای بزرگی به تدریس مشغول شدند. (3) وی از شخصیت های علمی این دوره به شهید اول (م 786 ق)، شهید ثانی (م 966 ق)، محقق کُرکی (م 940 ق)، شیخ بهایی (م 1031 ق)، شیخ حرّ عاملی (م 1104 ق) و شیخ علی بن یونس نباطی اشاره می کند. با شهادت شهید اول (به فرمان حاکمان عثمانی) و شهید ثانی، علما و مردم شیعه در این مناطق، دچار نوعی تنگ دستی و افسردگی شدند. گروهی از علما، (همانند: حسن بن زین الدین، فرزند شهید ثانی، و سید محمد عاملی، نواده شهید ثانی) راه انزوا و پرهیز از فعالیت آشکار علمی و تبلیغی در پیش گرفتند (4) و گروهی دیگر - که

1- *أمل الآمل*، محمد حسن الحرّ عاملی، ج 1، ص 15.

2- دوره اول از ابتدا تا اواخر قرن یازدهم هجری، دوره دوم از قرن دوازدهم تا آخر قرن سیزدهم هجری، و دوره سوم از قرن سیزدهم تا به حال (*تکملة أمل الآمل*، ص 460 - 461).

3- همان، ص 460.

4- برای تفصیل بحث، ر. ک: *علامه مجلسی*، ص 43.

## مهاجرت علمای جبل عامل به ایران در عصر صفوی

تعدادشان قابل توجه هم بود \_ (1) با پیدایش دولت صفوی در ایران، در طول سه قرن (از قرن دهم تا دوازدهم) راهی ایران و برخی راهی هند شدند. (2) علمای مهاجر که سردسته آنها علی بن عبدالعال کرکی، معروف به محقق کرکی (معاصر شهید ثانی) بود، بعد از ورود به ایران در شهرهای مختلف، خصوصا مشهد و اصفهان، مستقر شدند. این مهاجران، برخی تدریس و تألیف را وجهه همّت خود قرار دادند و برخی دیگر، متصدیٰ مناصب رسمی دینی شدند. از گروه نخست، کمال الدین درویش و محمد بن حسن حرّ عاملی را می توان نام برد؛ و از گروه دوم، محقق کرکی، حسین بن عبدالصمد عاملی، علی منشار و بهاءالدین عاملی درخور ذکرند که منصب شیخ الاسلامی یافتند. (3) به لحاظ اهمّیت بحث، در مطلبی جداگانه به علل، چگونگی مراحل و تأثیر این مهاجرت در حکومت صفویه پرداخته ایم.

مهاجرت علمای جبل عامل به ایران در عصر صفوی درباره مهاجرت علمای جبل عامل به ایران در زمان حکومت صفویه، دو فرضیه مطرح است: 1. با روی کار آمدن حکومت صفویه در ایران و قلمداد شدن مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی کشور، از علمای جبل عامل برای اشاعه فرهنگ دینی دعوت شد.

- 
- 1- برای تفصیل بحث، ر. ک: الهجرة العاملیة إلى ایران فی العصر الصفوی، ص 96 \_ 97. شیخ حرّ عاملی نیز در أمل الآمل، در گزارش احوال علمای جبل عامل، بسیاری از ایشان را می شناساند که در عصر صفوی به ایران آمدند.
  - 2- فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای ملی، ایرج افشار و دیگران، ج 15، ص 126؛ صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج 2، ص 812.
  - 3- علامه مجلسی، ص 45.

2. با غلبه ترکان عثمانی بر مناطق شیعی خارج از قلمرو صفویه، علمای جبل عامل، به دلیل وجود فشار بر آنها در آن مناطق، از آن جا مهاجرت کردند. حال به تفصیل، هر دو فرضیه را بررسی می کنیم: 1. حکومت صفویه و دعوت از علمای جبل عامل. حوزه اقتدار صفویان و سرخ کلاهان، کاملاً به دور از دنیای گذشته شیعیان دوازده امامی، پیش از هر چیز بر اعتقاد عامیانه و به دور از تحقیق و تحلیل بر روی مطالب ذهنی متکی بود؛ در حالی که این نکته، نمی توانست در روند تکاملی آنها مؤثر واقع شود. لذا در صدد چاره جویی برآمدند تا راهکاری بر این مسئله پیدا کنند. عاقلانه ترین روش، همان بود که چندی قبل، سرداران (737 \_ 783 ق) انجام داده بودند؛ یعنی دعوت از علمای جبل عامل. با قیام شاه اسماعیل صفوی و اعلام رسمیت شیعه دوازده امامی، (1) به دلیل این که تشیع، به عنوان مذهب رسمی برای عامه مردم، قابل تمسک و شایان اعتماد باشد، نیاز به آثار و تقریراتی در این زمینه ها بود. در این باره، نه خاندان صفوی سابقه و ضابطه ای استوار و قابل استناد داشت، نه جنبش های پراکنده شیعه در اعصار گذشته، و بعد از اعلام رسمیت تشیع، به دنبال جستجوی بسیار، یک بخش از کتاب قواعد الإسلام علامه حلی (م 726 ق) به دست آمد. (2) جعفریان می نویسند: به نظر می رسد که این سخن، به طور محدود در سال 907 ق، آن هم در آذربایجان درست باشد؛ اما آگاهی که در نواحی دیگر، نسخه های فراوانی از آثار علامه یا دیگر منابع شیعی در ایران پیش از صفویه وجود داشته [است]. (3)

- 
- 1- تاریخ ادبیات در ایران، ج 5، ص 38 \_ 39؛ دین و مذهب در عصر صفوی، ص 123.
  - 2- أحسن التواریخ، ص 86؛ روزگاران دیگر، ص 34.
  - 3- صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج 2، ص 808.

شاه اسماعیل و پسرش طهماسب، برای تعلیم اصول و فروع مذهب امامی اثنا عشری، نخست از عالمان معدودی که در ایران بودند، استفاده کرده، آنان را به شهرهای مختلف فرستادند؛ (1) ولی فقدان عالمان کافی و منابع متقن و استوار، ثابت کرد که با وجود جذب علمای خارج از کشور، تشیع نمی تواند در مقام عمل، در تمام ایران، مذهب رسمی واقع شود. (2) بنا بر این، سلاطین صفوی دریافتند که با زور شمشیر می توان اهل سنت را به قبول تشیع وا داشت؛ ولی ترویج بنیادی تشیع، به وسیله دیگری نیاز دارد. از این رو، شیوه سربداران (دعوت از شهید اول) را در پیش گرفتند؛ چرا که ساختن جامعه ای مبتنی بر شریعت، به معنای یک رویه مذهبی استاندارد شده، چیزی بود که قزلباش ها و همچنین عالمان برجسته ایرانی، آماده القای آن در سلسله جدید، نشده بودند. (3) این عوامل در شرایط سختگیری های مذهبی علیه شیعیان، (4) در آن زمان، شاه جوان را مجبور ساخت که بعد از فتح بغداد به سال 914 ق، علمای مذهب را از بحرین، کوفه، حلّه و جبل عامل برای نشر معارف شیعه و تعلیم و اجرای احکام مذهب شیعه به ایران دعوت نماید. (5) این گونه بود که وظیفه تبلیغ مذهب شیعه به عهده آن گروه از عالمان شیعه واگذار شد که از کانون های علمی تشیع در دنیای تازی، بویژه جبل عامل، در جنوب لبنان، به ایران مهاجرت کرده بودند. (6)

- 
- 1- حبيب السیر، ج 4، ص 603 \_ 617؛ روضات الجنّات، ج 7، ص 196.
  - 2- روزگاران دیگر، ص 34.
  - 3- مجلّه حکومت اسلامی، ش اول از سال سوم، ص 123 \_ 129، «علمای جبل عامل در دولت صفویه»، ریو لاجوردی، ترجمه مصطفی فضائلی.
  - 4- شاه طهماسب اول، ص 620.
  - 5- روزگاران دیگر، ص 214؛ ایران عصر صفویه، ص 29؛ شاه طهماسب اول، ص 620.
  - 6- دین و دولت در ایران، ص 54.



### مهاجرت محقق کرکی ، سرآغاز نخستین مرحله مهاجرت

مهاجرت محقق کرکی ، سرآغاز نخستین مرحله مهاجرت نخستین مرحله مهاجرت علمای جبل عامل به ایران در سال 916 ق ، (1) با آمدن یکی از پُرآوازه ترین ، کامیاب ترین و با نفوذترین آنها ، یعنی شیخ علی بن عبدالعال کرکی (870\_ 940 ق) ، مشهور به محقق ثانی آغاز شد. (2) عقیده ای بر خلاف این نظر وجود دارد و آن این که شیخ علی بن عبدالعال کرکی ، از علمای زمان طهماسب صفوی ، شیخ علی کرکی (محقق کرکی) را از جبل عامل به دیار عجم آورده است. (3) آنچه مسلم است این که محقق کرکی ، در زمان شاه اسماعیل صفوی به ایران آمده است. علامه مجلسی در این باره می نویسد: سلطان سلاطین و مروج دین مبین ، شاه اسماعیل \_ حشره الله مع آبائه الطاهرين و صلوات الله عليهم اجمعين \_ خاتم المجتهدين شیخ علی بن عبدالعال را از جبل عامل ، طلبدیده و او را اعزاز و اکرام بسیار نمود و پیوسته در مسائل دین و دنیا به اورجوع می فرمودند و بعد از آن جناب ، پیوسته این طبقه در سلسله سلطنت ایشان ، مسلوك بوده و می باشد. (4) علی رغم این دعوت ، با توجه به اشتغال دائمی شاه اسماعیل صفوی به جنگ ، برگزاری مجالس جشن ، سرور ، باده گساری و ... ، هیچ قرینه ای مبنی بر توجه خاص شاه اسماعیل به محقق کرکی وجود ندارد. (5) گویا اینها و مسائلی از این قبیل ، باعث بروز اختلافاتی بین شاه اسماعیل صفوی و محقق کرکی شده و محقق کرکی را برای ترك ایران ، تحريك کرده است. سید جعفر

1- الهجرة العاملية إلى ایران فی العصر الصفوی ، ص 123.

2- مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی ، ص 83؛ ایران عصر صفویه ، ص 29؛ شاه طهماسب اول ، ص 620.

3- تشیع و تصوف ، ص 393.

4- دین و سیاست در دوره صفوی ، ص 265.

5- شاه طهماسب اول ، ص 620 .

## مرحله دوم مهاجرت علمای جبل عامل به ایران

### فشارهای عثمانی ها ، عامل مهاجرت علمای جبل عامل

مهاجر ، در تبیین این اختلاف ها می نویسد: وی (محقق کرکی) ، قبل از وفات شاه اسماعیل در حدود سال 929 ق ، ایران را به سوی عراق ترك کرد و علت این امر مشخص نشده ، ولی می توان حدس زد که ترس شاه اسماعیل از ادامه نفوذ مردان کارآمد و گسترش تفکر عقلانی بوده است؛ چرا که وی افکارش در باب «ولایت فقیه» ، همانند افکار شهید اول بوده است. (1) محقق کرکی ، پس از مهاجرت از ایران ، حدود شش سال در عراق ماند و بعد از وفات شاه اسماعیل صفوی و روی کار آمدن شاه طهماسب (930 ق) ، مجدداً به ایران برگشت. (2)

مرحله دوم مهاجرت علمای جبل عامل به ایران کامیابی های محقق کرکی در حکومت صفویه و انگیزه های شاه طهماسب ، مرحله بعدی هجرت عاملیان را هموار ساخت. پس از محقق کرکی ، استوانه های علمی شیعه ، از جمله: کمال الدین درویش ، شیخ علی بن هلال کرکی ، شیخ حسین بن عبدالصمد شیعی حارث و پسرش شیخ بهاءالدین محمد عاملی ، به ایران مهاجرت کردند که اینان را باید شناخته شده ترین چهره های مهاجر جبل عاملیان به ایران ، پس از مهاجرت محقق کرکی قلمداد کرد و به دنبال آن ، به شکل بی سابقه ای در تاریخ تشیع ، موج مهاجرت فقیهان جبل عاملی به سوی ایران ، آغاز شد. (3)

فشارهای عثمانی ها ، عامل مهاجرت علمای جبل عامل برخی از محققان و مستشرقان ، مهاجرت عاملیان به ایران را ناشی از فشارهایی می دانند که امپراتوری عثمانی بر مناطق شیعه نشین جبل عامل و عراق داشته است.

1- .الهجرة العالمية إلى إيران في العصر الصفوي ، ص 124.

2- .همان ، ص 125 \_ 126.

3- .عالم آرای عباسی ، ج 1 ، ص 154.

آندرو نیومن ، با نگارش مقاله ای با عنوان «افسانه مهاجرت علما به ایران عصر صفوی» ، اهمیت این مهاجرت را مورد نقد قرار داده ، می نویسد: بر مناطق شیعی خارج از قلمرو صفویه ، فشاری از جانب حکومت عثمانی نبوده است تا بتواند انگیزه ای برای مهاجرت گردد. 1 ریولا-جوردی ایسباز نیز در مقاله ای با عنوان «علمای جبل عامل در ایران صفوی» ، نقش حاشیه ای ، مهاجرت و تغییر اجتماعی گفته های نیومن را مورد نقد قرار داده ، می نویسد: فشار عثمانی بر مراکز شیعی خارج از قلمرو صفویه و عدم امکان فقهای عاملی در احراز مناصب تدریس و افتا و آزادی تدریس و خطرات جانی در نواحی جبل عامل ، از عوامل محرك برای مهاجرت به ایران می باشد 2 وی در مورد وجود فشار یا آزار و اذیت فقهای شیعی در مناطق خارج از سیطره صفویان ، به شهید اول و شهید ثانی اشاره می کند. 3 از دلایل دیگری که احتمال وجود فشار از جانب عثمانی ها را افزون می کند ، گزارش منقول از حسین بن عبدالصمد جبعی حارثی است. ایشان ، مهاجرت خود از جبل عامل به ایران را همانند مهاجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه می داند و به شرایط دشوار غیر قابل تحمل در زادگاه خود ، اشاره کرده ، می نویسد: بنابر این ، هجرت از سرزمینی که در آن ستم روا دارند و نتوان شعار ایمان قوی را که مورد قبول باشد ، اظهار کرد ، و چون دوری از زیان

## ع-راق

احتمالی که به نظر خردمندان واجب است (تا چه رسد به زیان حتمی) [دست به این مهاجرت زدم] و چه زیانی آفت بارتر از جلوگیری علم از اهل علم و سستی ما در این روزگار از آنچه که برایش آفریده شده ایم؟ چگونه به سکونت در وطن خود، خشنود شوم که جز زاهدان و نادانان، کسی در آن دیار یافت نمی شود و چگونه در آن جا لباس وقار بپوشم که در اذیت و آزارم؟ (1) حامد الگار، از پژوهشگرانی است که علل اساسی این مهاجرت را مرهون دو عامل می داند: 1. پیروزی صفویان در ایران و چشم اندازهایی که پدید آورد؛ 2. غلبه ترکان عثمانی بر سوریه در سال 923 ق / 1517 م، و دگرگونی هایی که این پیروزی در اوضاع آن سامان به دنبال آورد، موجب شد که عالمان شیعی از آن سرزمین ها به ایران کوچ کنند. (2) از بین دو دیدگاهی که بیان شد، می توان به يك جمع بندی رسید و آن این که به دنبال دعوت حکومت صفوی از علمای جبل عامل و ورود محقق کرکی به سال 916 ق، مرحله دوم مهاجرت، همراه با فشار از جانب حکومت عثمانی بوده است و این، همان چیزی است که از گفته های حسین بن عبدالصمد، برداشت می شود.

ع-راقبا ظهور حکومت صفویه (907 ق) در ایران و توجه ایرانیان به عتبات مقدّس \_ که منجر به بازگشایی مدارس شیعی در عراق شد \_ (3) مرکزیت علمی به تدریج از حلّه به نجف منتقل شد.

1- مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی، ص 85.

2- دین و دولت در ایران، ص 54.

3- شیعة العراق، ص 436.

برخی معتقدند که بازگشت حیات علمی به نجف در نیمه دوم قرن دهم هجری اتفاق افتاد و بعد از آن که شهر حله به مدت سه قرن مرکزیت علمی را بر عهده داشت، نجف به صورت مرکز علمی درآمد. برخی دیگر، این بازگشت را به زمان مقدّس اردبیلی (م 993 ق) نسبت می دهند. (1) علی رغم بازگشایی مدارس شیعی در عراق، اهمیت این شهرها، علی رغم توصیفشان به مراکز علمی شیعی، تا نیمه قرن دوازدهم هجری (هجدهم میلادی) نمایان نشد. (2) دلیل آن را می توان در انتقال مرکزیت تشیع به مدت دو قرن و نیم به ایران دانست، (3) که اصفهان به صورت مرکز اندیشه های تشیع درآمد. مظاهر علمی نجف در این دوره را به سه دسته می توان تقسیم کرد: 1. استمرار رشد علمی در حوزه های فقهی و اصولی؛ 2. بروز نشاط فکری عمیق در قرآن و حدیث در حوزه حدیث. شیخ فخرالدین طریحی، کتاب مجمع البحرین را نگاشت و در علم رجال، شیخ حسن بن عبّاس بن شیخ محمّد علی بلاغی (م 11 ق)، کتاب تنقیح المقال فی علم الرجال را نوشت؛ 3. حرکت اخباری. (4) با اشغال اصفهان توسط افغان ها در سال 1135 ق، و سقوط حکومت صفویه، علمای بسیاری ایران را به سوی عتبات مقدّس ترک نمودند؛ ولی ظهور حرکت اخباری توسط محمّد امین استرآبادی (م 1033 یا 1036 ق)، باعث از رونق افتادن حوزه علمیّه نجف گردید. تا اواخر قرن یازدهم هجری، علی رغم کشمکش های

1- موسوعة العتبات المقدّسة، ج 7، ص 57.

2- شیعة العراق، ص 436.

3- همان جا؛ صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج 2، ص 814.

4- موسوعة العتبات المقدّسة، ص 60 \_ 65.

**بحرین**

اصولی \_ اخباری ، نجف به رسالت علمی خود ، ادامه داد؛ ولی از این به بعد ، مهاجرت بدان کمتر گردید و در قرن دوازدهم ، این مرکزیت به تدریج به کربلا منتقل شد. (1)

بحرینبحرین ، از مراکز کهن تشیع بوده و در دوره صفوی به دنبال فراخوان علمای شیعی ، رفت و آمد بحرینی ها به ایران و بالعکس ، امری رایج بوده است . سید ماجد بن هاشم بن علی صادقی (م 1028 ق) ، از نخستین علمای مهاجر بحرین به ایران است. وی در اواخر عمر به شیراز رفت و اولین کسی است که در شیراز به نشر حدیث پرداخت و به واسطه وجود شریفش مجمع رجال علم و ادب گردید. (2) شیخ حسین بن عبدالصمد ، پدر شیخ بهایی ، بعد از اقامت چندین ساله در ایران ، گویا آخرت را در بحرین جستجو می کند. (3) درباره وی آمده است: از شاه طهماسب ، رخصت رفتن به زیارت بیت الله الحرام [ طلب ] نمود. بعد از انجام [ دادن ] اعمال حج به بحرین رفته و تا آخر عمر شریفش به تدریس علوم دینیّه می پردازد. (4) مطلب دیگری که درباره بحرین گفته شده و محققان بر روی آن انگشت گذاشته اند، مسئله اخباریگری است. گرایش به اخباریگری ، محصول نفوذ برخی از گرایش های شیعی مناطق عربی

---

1- همان ، ص 72.

2- تاریخ حدیث ، کاظم مدیر شانه چی ، ص 166.

3- وی در نامه ای به فرزندش شیخ بهایی می نویسد: «اگر دنبال دنیا هستی ، به هند برو ، و اگر آخرت را می خواهی ، به بحرین بیا ، و اگر نه دنیا و نه آخرت را می خواهی ، در ایران بمان» (به نقل از: ریاض العلماء ، ج 2 ، ص 121).

4- تاریخ حدیث ، کاظم مدیر شانه چی ، ص 119.

از جمله بحرین به ایران بود. (1) بعد از تألیف کتاب الفوائد المدنیة محمد امین استرآبادی (1026 یا 1033 یا 1036 ق) و اخباری شدن بسیاری از علمای ایران و عراق، این مسلک بیش از همه جا در بحرین رخنه کرد. زین الدین علی بن سلیمان بن درویش بن حاتم قدمی بحرانی (م 1062 یا 1064 ق)، این گرایش را از ایران به بحرین برد (2) و پس از وی، عالم فقیه شیخ سلیمان ماحوزی بحرینی (م 1062 ق) و بعد از او شاگردان وی، این مسلک را در آن بلاد، توسعه دادند، به طوری که بحرین، مرکز اخباری ها شد.

شبه قاره هند نفوذ و توسعه مذهب تشیع در شبه قاره هند، به صورت مقطعی و تدریجی حاصل شد و این مذهب توانست در مدّت سیصد و پنجاه سال (748 تا 1098 ق) از جنوب تا شمال و غرب هند، توسعه یابد. (3) پیشینه مهاجرت ایرانیان به شبه قاره هند و پاکستان، به زمان هجوم چنگیزخان مغول به ایران و بغداد بر می گردد. (4) علاوه بر آن، در اواخر قرن هشتم هجری، در قدرتی که به هدایت و رهبری شیخ صفی الدین اردبیلی در مقابل ترکان عثمانی شکل گرفت، نقش علمای شیعه در شبه قاره هند و پاکستان، مشهود است. (5) لیکن در ابتدای کار، مهاجرت به هند، موقعیتی را برای شیعیان به ارمغان نیاورد؛

1- صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج 3، ص 1207.

2- لؤلؤة البحرین فی الإجازات و تراجم رجال الحدیث، ص 13؛ زمین در فقه اسلامی، ص 70.

3- مطلع الأنوار احوال دانشمندان پاکستان و هند، ص 24 (مقدمه).

4- شهداء الفضیلة، ص 172. درباره علل و عوامل مهاجرت، دسته های مهاجران، شرایط تاریخی - اجتماعی و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی مهاجرت ایرانیان به هند، به طور تفصیلی، ر.ک: مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند (قرن هشتم تا هجدهم میلادی)، فصل های هفتم و هشتم.

5- مطلع الأنوار احوال دانشمندان شیعه پاکستان و هند، ص 24.

چرا که مهاجران با مخالفت پادشاهان سنی آن جا رویه رو شدند. (1) در قرن نهم هجری، به تدریج، تشیع در کشمیر و دکن، پیشرفت هایی حاصل کرد، (2) چنان که در حدود سال 893 ق، شمس الدین عراقی، به عنوان سفیر از خراسان به کشمیر آمد و مذهب شیعه را گسترش داد و مدرسه حافظ بصیر را به مدرسه شیعه تبدیل کرد. (3) سلسله های پادشاهی بهمنی، عمادشاهی، بریدشاهی و عادل شاهی، از علمای شیعه حمایت کردند، (4) تا جایی که یوسف عادل شاه با قبول مذهب تشیع در سال 980 ق، اولین حکومت شیعی مذهب را به طور قانونی در هندوستان به وجود آورد. (5) سلسله قطب شاهی در دکن، بعد از سلسله عادل شاهی به حکومت رسید و در دربار آنان، علمای شام، حجاز، بحرین، احسا، عراق و ایران، حضور داشتند. (6) با ظهور ظهیرالدین محمد بابر (حکومت 933 و م 937 ق)، مذهب شیعه رونق گرفت و در بخش هایی از امپراتوری، از جمله هرات، سلطان حسین بایقرا، به پیروی از ایران در صدد بود تا تشیع را مذهب رسمی آن دیار سازد. 7 بابر، در دوران سلطنت خود به این نکته اشاره کرده و ادوارد براون، درباره وی می نویسد: بابر، از روی اعتقاد یا ملاحظات سیاسی به حدی نسبت به دسته شیعیان تمایل نشان می داد که موجب رویگردانی اتباع سنی خود در آسیای

- 
- 1- .مطلع الأنوار احوال دانشمندان شیعه پاکستان و هند، ص 24.
  - 2- .شهداء الفضیلة، ص 172.
  - 3- .مطلع الأنوار احوال دانشمندان شیعه پاکستان و هند، ص 24.
  - 4- .همان جا.
  - 5- .شهداء الفضیلة، ص 298.
  - 6- .تشیع در هند، ص 143.



## رواج اخباریگری در سده های دهم و یازدهم هجری

مرکزی گردید. (1) بابر، در وصیت نامه ای به پسرش همایون (حکومت به سال 937 و م 964 ق) می نویسد: همواره شقاق بین شیعه و سنی را نادیده بگیر؛ چون این اختلاف، اسلام را ضعیف خواهد ساخت. (2) از علمای شیعه ایرانی عصر بابر می توان به سید رفیع الدین شیرازی، محدث و متکلم هم زمان بابر اشاره کرد که در آگره ساکن بود و در سال 954 ق، در همان جا وفات یافت. (3) زمانی که کشمیر به دست اکبر شاه گورکانی (حکومت به سال 964 و م 1014 ق) افتاد، فصل جدیدی در مهاجرت علمای شیعه آغاز گردید و رفت و آمد علمای شیعه بیشتر شد. (4) از علمای سرشناس شیعه می توان به ابوالفتح گیلانی (م 997 ق)، حسن بن علی (شدقم) مدنی (م 999 ق) و قاضی نورالله شوشتری (م 1019 ق) اشاره کرد. علاوه بر اینها، بزرگانی همانند مولانا میر علی ایرانی، علی مردان خان قندهاری، نواب ابراهیم خان و نواب ظفر خان را نام برد که تشیع را در شبه قاره هند، رونق بخشیدند. (5)

رواج اخباریگری در قرن دهم و یازدهم هجری در تعریف اخباریان گفته اند که: «مدار بر خبر نهند و اجتهاد نکنند». (6) آنان به قطعاً

- 
- 1- مطلع الأنوار احوال دانشمندان شیعه پاکستان و هند، ص 24.
  - 2- تاریخ ادبیات ایران (از صفویه تا عصر حاضر)، ص 74؛ تشیع در هند، ص 143.
  - 3- تاریخ ادبیات ایران (از صفویه تا عصر حاضر)، ص 144.
  - 4- مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند قرن هشتم تا هجدهم میلادی، ص 238.
  - 5- همان، ص 25.
  - 6- دبستان مذاهب، ص 251؛ نیز، ر.ک: اسلام و مقتضیات زمان، ج 1، ص 143.

**يك . پیدایش اخباریگری**

السند بودن یا موثوق بودن اخبار نقل شده در کتب اربعه شیعه قائل بودند و بحث درباره سند حدیث و تقسیم حدیث به اقسام چهارگانه را لازم نمی دانستند و از ادله چهارگانه اصول فقه، «عقل و اجماع» را ساقط کرده، به «کتاب و خبر» اکتفا می ورزیدند. نقطه مقابل این جریان، اصولیان بودند؛ (1) یعنی آن عده از علمای مکتب اهل بیت علیهم السلام که بعد از عصر ائمه علیهم السلام و از ابتدای قرن چهارم هجری تا به امروز با معیارهای علم رجال و علم درایه به بررسی احادیث می پردازند و در استنباط احکام شرعی، آنها را با قوانین علم اصول می سنجند. (2)

يك . پیدایش اخباریگری جریان فقهی - حدیثی متقدمان در قرن چهارم هجری که کلینی و صدوق، سرشناس ترین افراد آن هستند، گروهی را بر آن داشته تا حیات اخباریگری را به سده چهارم و حتی قبل از آن به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نسبت داده، خود معصومان علیهم السلام را رئیس اخباریان قلمداد کنند. (3) دلیل آنها این بود که: «طریق قدما، اجتهاد نبوده و راه سلف و طریق قدیم که در هنگام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام بوده، راه اخباریان است. پس ما را همین، دلیل به سند است که راه ما طریق مستمر است». (4) درباره پیشینه تاریخی واژه «اخباری» گفتنی است که شهرستانی (م 548 ق) در کتاب الملل والنحل، علمای امامیه را به دو فرقه اخباری و اصولی تقسیم کرده است. (5) همچنین علامه حلی (م 726 ق)، این تقسیم را به کار گرفته و شیخ طوسی (م 460 ق) و سید مرتضی (م 436 ق) را در زمره اصولیان به حساب آورده است. (6)

- 
- 1- دائرة المعارف الإسلامیة الشیعیة، ج 2، ص 219.
  - 2- القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج 3، ص 33.
  - 3- الفوائد الطوسیة، ص 446.
  - 4- دبستان مذاهب، ص 251.
  - 5- الملل و النحل، ج 1، ص 147.
  - 6- مجله علوم حدیث، ش اول، ص 71: «درآمدی به شیوه های ارزیابی اسناد حدیث» به نقل از: فوائد الأصول، ج 1، ص 157.

لیکن، محققان در مقام پاسخگویی به این ادعاها برآمده، مطالبی را ذکر کرده و گفته اند: اولاً چیزی که اخباریان را بر آن داشته تا بزرگان یاد شده را اخباری بدانند، این است که آنها در مقام فتوا دادن، فقط به لفظ حدیث نظر داشتند، به این معنا که مطابق هر حدیثی فتوا می دادند و به نقل آن اکتفا می کردند. (1) به تعبیری آنها محدث بوده اند، نه اخباری، و اگر نام آنها را نیز اخباری بگذاریم، صرفاً از باب توجه آنان به نقل احادیث معصومان علیهم السلام است، نه از باب این که آنان، منکر حجیت عقل بوده اند. (2) ثانیاً مسئله اجتهاد و بحث های اصولی و ضرورت آن در عصر امامان علیهم السلام و نیز در زمان غیبت صغرا، چندان مطرح نبوده است؛ زیرا با وجود معصومان علیهم السلام نیاز چندان به کاوش های شخصی فقها احساس نمی شده و در اعصار نزدیک به عصر ائمه علیهم السلام، این نیاز، شدت نداشته است. به همین جهت، آنان به هنگام بیان احکام به ذکر اصل حدیث، اکتفا می کرده اند. (3) ثالثاً هر چند عمل به اخبار در زمان ائمه علیهم السلام بوده است؛ اما نظریه اخباریگری، به صورت مکتبی در مقابل اجتهاد و فقاہت که حجیت ظواهر قرآن و سنت نبوی را نفی کند، هم عقل و اجماع را حجت نداند، و هم اجتهاد و تقلید را حرام بداند، قبل از محمد امین استرآبادی وجود نداشته است. (4) نتیجه این که اخباریگری در سده چهارم، هرگز به عنوان یک جریان جدا از حرکت علمی شیعه نام برده نمی شد؛ (5) ولی اخباریگری به معنای نفی عقل و تقسیم علمای فرقه ناجیه به اخباریگری و مجتهد، از دهه چهارم قرن یازدهم هجری در نجف و سایر مراکز علمی بین النهرین نفوذ کرد و به زودی، مورد پیروی بیشتر

1- وحید بهبهانی، ص 59.

2- ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، ص 335.

3- همان جا.

4- نقدی بر اخباریگری، ص 13.

5- علامه مجلسی، ص 73 (نقل به مضمون).

## دو. مؤسس اخباریگری

فقه‌های آن سامان قرار گرفت. (1) سپس در ایران نیز به مرور از میانه قرن یاد شده، هوادارانی یافت و بسیاری از فقها در شهرستان‌های مختلف از آن جانبداری کردند. (2)

دو. مؤسس اخباریگری در این که اخباریگری این دوره توسط ملا محمد امین استرآبادی شکل گرفت، بین عموم محققان، اتفاق نظر وجود دارد. از میان علمای اخباری، ملا محمد امین بن محمد شریف استرآبادی (م 1033 ق) در اثبات شیوه اخباریان پافشاری بیشتری داشت. وی ابتدا بر طریق استادان خود در زمره اهل اجتهاد بود؛ ولی بعدها این روش را ترك کرده، به تخریب قواعد دین و سرزنش مجتهدان پرداخت. (3) وی، مؤسس اخباریگری و اولین تشریح کننده عقاید آنها و اولین مؤلف این فرقه است. (4) برخی عقیده دارند که حسین بن عبدالصمد (پدر شیخ بهایی)، طلایه دار جنبش اخباریگری بوده است؛ (5) ولی این گفته با دیدگاه‌های او منافات دارد. وی می گوید: تفقه در زمان ما بر تمام مکلفان، واجب است و به وسیله آن، سعادت در دنیا و آخرت برای انسان حاصل می شود و آن، میراث انبیا و اولیا و مقربان الهی است. (6) ایشان، در مقدمه فصل اول کتاب وصول الأخیار الی أصول الأخبار، عقل را «برهان قاطع» و نقل را «نور ساطع» معرفی کرده و معتقد است که علوم با تطابق آن دو با هم

1- همان جا.

2- روضات الجنّات، ج 1، ص 137؛ زمین در فقه اسلامی، ص 69 \_ 70.

3- روضات الجنّات، ج 1، ص 137.

4- لوامع صاحبقرانی، ص 47 (نقل به مضمون)؛ دبستان مذاهب، ص 247؛ زمین در فقه اسلامی، ص 69؛ أعیان الشیعة، ج 2، ص 222.

5- مجله حکومت اسلامی، ش اول، ص 212، «علمای جبل عامل در دولت صفویه»، ریو لاجوردی، ترجمه مصطفی فضائلی.

6- وصول الأخیار الی أصول الأخبار، ص 27.

## سه . وجوه اختلاف اصولیان و اخباریان

ارزش پیدا می کنند. (1) آن گاه می گوید: خدای تعالی بر من مَنّت نهاد تا چهل حدیث از کتاب «الکافی» استخراج نمایم و بر تو بخوانم. بعضی از آنها در فضیلت تقّه در دین، و بعضی در فضیلت روایت حدیث، و بعضی در فضیلت علم، و بیشتر این احادیث، متعلّق به فنّ اصول حدیث است. (2)

سه . وجوه اختلاف اصولیان و اخباریان میان اصولیان و اخباریان، اختلاف متعدّدی وجود دارد و بسیاری از علمای اصولی یا اخباری، در صدد شمارش این اختلافات برآمده اند. عبدالله بن صالح سماهیجی بحرانی (م 1132 ق)، عالم اخباری، کتاب منیة الممارسین را در پاسخ به نود پرسش شیخ یاسین بن صلاح الدین \_ که خطاب به او مطرح کرده بود \_ تألیف کرد و در آن به بیان چهل فرق بین اصولیان و اخباریان پرداخته است. (3) سیّد محمّد بن فرج الله دزفولی \_ که خود، عالمی اصولی است \_، در رساله فاروق الحق، 86 فرق بین این دو مسلک را آورده است. (4) محمّد باقر خوانساری (م 1313 ق)، عالم رجالی قرن چهاردهم، در کتاب روضات الجنّات، تلخیصی مشتمل بر 29 فرق از فرق های چهل گانه سماهیجی را بر می شمرد. (5) این کتاب، غالباً مرجع محققان غربی در خصوص مباحث اخباری \_ اصولی بوده است. (6)

1- همان، ص 33.

2- همان، 38 \_ 39.

3- روضات الجنّات، ج 4، ص 250؛ الذریعة، ج 23، ص 210.

4- فاروق الحق، ص 5 به بعد (نسخه خطی موجود در کتابخانه آیه الله مرعشی).

5- روضات الجنّات، ج 1، ص 127 \_ 130.

6- میراث اسلامی، دفتر چهارم، ص 381: «گزیده منیة الممارسین».

## اختلافات اخباریان و اصولیان

برخی از علما، همانند مرحوم صاحب حدائق، به خاطر ایجاد وحدت در بین اصولیان و اخباریان، بسیاری از این اختلافات را نمی پذیرند و سعی دارند آنها را کاهش دهند. (1) برخی نیز این اختلافات را صوری دانسته اند و از نظر وحدت ملاک و تمسک به شریعت مقدّس اسلامی، اختلافی بین این دو مسلک نمی بینند، با این تفاوت که «اخباری، وظائف مقررّه (وظایف مکلفان هنگام جهل به حکم) را احکام تعبّدی تشخیص داده و برخی محقّقین از اصولیین، برگشت آن وظایف را به تشخیص عقل دانسته و از آنها، به احکام ظاهرّیه بر سیل مسامحه تعبیر نموده اند». (2)

اختلافات اخباریان و اصولیاندر این مجال، در صدیدیم از میان وجوه متعدّد اختلافات بین این دو مسلک در حوزه های مختلف منابع فقه اسلامی (کتاب، سنّت، اجماع و عقل)، اختلاف موجود در حوزه حدیث را مورد بررسی قرار دهیم. 1. منابع احکام نزد اصولیان عبارت اند از: کتاب، سنّت، اجماع و عقل؛ ولی نزد اخباریان عبارت اند از: کتاب و سنّت و در بعضی مواقع، «منحصر است به سنّت»، آن هم به «به سنّت رسیده از طریق صادقین علیهم السلام». (3) 2. اصولیان، احادیث را به چهار نوع: صحیح، حسن، موثّق و ضعیف تقسیم می کنند؛ ولی اخباریان، احادیث را به دو نوع، صحیح و ضعیف، تقسیم می کنند. (4) 3. اصولیان، اخبار صحیح را عبارت از اخباری می دانند که تمام سلسله راویان

1- نقدی بر اخباریگری، ص 20.

2- یاد نامه شیخ طوسی، ج 1، ص 317: «اجتهاد در مسلک اصولی و اخباری»، جواد تارا.

3- نقدی بر اخباریگری، ص 20.

4- روضات الجنات، ج 1، ص 127؛ رساله فاروق الحق، ص 6.

### چهار . تأثیر مکاتب اخباریگری و صوفیگری بر حدیث شیعه

آن ، امامی عادل باشند؛ اما اخباریان ، اخبار صحیح را عبارت از اخباری می دانند که صدور آنها از معصوم ، ثابت گردد یا به سبب تواتر و یا به سبب احتفاف آنها به قرائن دالّ بر صدور ، هر چند که راویان آنها امامی عادل نباشند ، و اگر چنین نباشند ، صحیح نخواهد بود ، هر چند تمام راویان آن ، امامی عادل باشند. (1) 4. اصولی در مقام تعارض عقل با نقل ، دلیل عقلی را مقدّم می دارد ، بر خلاف اخباری که در مقام تعارض ، تقدّم را با دلیل نقلی می داند و به هنگام تعارض در عقل ، تقدّم را از آن می داند که نقلی در تأیید آن باشد. (2) 5 . اخباریان ، روایات کتب اربعه را قطعی الصدور دانسته ، تمام احادیث آنها را صحیح و معتبر می دانند ، مگر این که نصّی بر ضعف آن وجود داشته باشد. بنا بر این ، نیازی به علم رجال در بین آنها نیست؛ ولی اصولیان ، این کلیت را قبول ندارند و احتیاج به علم رجال را لازم می دانند. (3)

چهار. تأثیر مکاتب اخباریگری و صوفیگری بر حدیث شیعه در قرن دهم و یازدهم هجری حکومت صفویه در قرن دهم و یازدهم هجری در سیر حکومتی خویش ، با دو جریان روبرو گردید که هر دو تأثیر مستقیمی در حدیث شیعه داشت. در واقع ، فضای حاکم بر جامعه آن روز حکومت صفوی ، طوری بود که بر خورد دو انگیزه متضادّ دینی (مدعیان تصوّف و عقاید علمای اخباری) جوّ عالم تشیّع را متشنّج ساخته بود. (4) مکتب تصوّف ، اباحه گری ، تساهل و تسامح بیش از حد و بی رغبتی نسبت به مسائل دینی و فقهی را فراهم آورد و مکتب اخباریگری ، ظاهرگرایی و ظاهر بینی در

1- روضات الجنّات ، ج 1 ، ص 127؛ نقدی بر اخباریگری ، ص 21.

2- روضات الجنّات ، ج 4 ، ص 244؛ رساله فاروق الحق ، ص 5؛ وحید بهبهانی ، ص 74.

3- ر. ک: معجم رجال الحدیث ، ج 1 ، ص 22 .

4- قرّة العیون ، ص 11.

## وضعیت حدیث اهل سنت در سده های دهم و یازدهم هجری

احادیث را رایج ساخت و عقل گرایی را تضعیف نمود و به هر نوع حدیثی اعتماد ورزید و... هر دو مکتب، به لحاظ القا نمودن ذهنیت های خویش در برابر دین مبین و تفکر عقلانی محکوم اند؛ ولی نتیجه ای که از حرکت های آنان به دست آمد، برای حدیث شیعه، قابل توجه بوده است. با کندوکاو در محتوای فعالیت های حدیثی این دوره، مشخص می شود که به لحاظ گسترش بیش از حد تصوف در اوایل قرن دهم هجری، فعالیت های علمی نیز در این دوره در قالب احادیث فقهی رو به افزایش گذاشته است و از این طریق، پاسخی مناسب به صوفیان داده اند. درباره مکتب اخباریگری هم گفتنی است که در پرتو این تفکر بوده که حدیث شیعه در این دوره به مرحله کمال خود رسید. هر چند ما شاهد فعالیت های پراکنده حدیثی شیعه در قرن دهم تا ظهور مکتب اخباریگری توسط محمد امین استرآبادی هستیم؛ ولی فعالیت های حدیثی این دوره، قابل مقایسه با بعد از آن نیست. حدیث شیعه با مکتب اخباریگری، مرحله رشد و ترقی خود را آغاز نمود و مجموعه های حدیثی ثانویه در قالب این تفکر، گردآوری شد.

وضعیت حدیث اهل سنت در قرن دهم و یازدهم هجری (1) مهم ترین آثار حوزه علم الحدیث در میان اهل سنت به سده های سوم و چهارم هجری بر می گردد که مهم ترین منابع حدیثی اهل سنت به رشته تدوین کشیده شدند. از قرن پنجم به بعد، آثار پدید آمده، اغلب به صورت جوامع حدیثی و یا شرح و حاشیه نویسی بر مطالب پیشینیان بوده است که در مراکز مهم حدیثی آن عصر، یعنی «مصر و هند» این فعالیت ها صورت می گرفته است. (2)

- 
- 1- در تدوین این قسمت از کتاب تاریخ حدیث کاظم مدیر شانه چی و پایان نامه «بررسی تاریخ حدیث اهل سنت پس از قرن سوم هجری» نوشته خدیجه احمد مهرابی در سال تحصیلی 1378\_ 1379 دانشکده اصول الدین قم، استفاده شده است.
  - 2- الحدیث و المحدثون، ص 243.



### يك . شرح و تعلیقه نویسی بر آثار پیشینیان و جوامع دیگر

فعّالیت های حدیثی اهل سنت در سده های دهم و یازدهم را می توان بدین گونه دسته بندی کرد: يك . شرح و تعلیقه نویسی بر آثار پیشینیان (بویره صحیحین) و جوامع دیگر؛ دو . جمع ، تدوین و خلاصه نویسی جوامع فراگیر حدیثی؛ سه . بازشناسی احادیث جعلی و تألیف کتب موضوعات؛ چهار . نگاهی گذرا به غریب الحدیث.

يك . شرح و تعلیقه نویسی بر آثار پیشینیان و جوامع دیگرالف . شرح بر الموطأ مالك بن انس (م 179 ق) . 1 . زین الدین عمر بن احمد شماع حلبی (م 936 ق) . ب . شرح بر صحیح البخاری (م 256 ق) 1 . إرشاد الساری فی شرح صحیح البخاری ، از شهاب الدین احمد بن محمّد خطیب قسطلانی مصری شافعی (م 923 ق) . این شرح ، از بهترین شروح این کتاب به شمار می رود. (1) 2 . شرح جلال الدین بکری فقیه شافعی (م 950 ق) . 3 . شرح شمس الدین محمّد بن محمّد دلجی شافعی (م 950 ق) . 4 . شرح زین الدین عبدالرحیم بن عبدالرحمان بن احمد عباس شافعی (م 963 ق) . ج . شرح بر صحیح مسلم (م 261 ق) 1 . منهاج الابتهاج بشرح مسلم بن حجاج ، از شهاب الدین قطنی (م 923 ق) . (2) 2 . الدیباچ علی صحیح ابن مسلم حجاج ، از زین الدین زکریا بن محمّد انصاری شافعی (م 926 ق) . (3)

1- . کشف الظنون ، ج 2 ، ص 536.

2- . همان ، ص 547.

3- . همان جا.

3. ختم صحیح مسلم، از عبد القادر نادی (م 927ق). 4. بغیة الأقراری و المتفهم، از یحیی بن محمد سنباطی (م 958ق). 5. شرح شهاب الدین احمد بن عبد الحق (م 962ق). 6. شرح علی قاری هروی (م 1016ق)، کتابی در چهار مجلد. (1) 7. شرح عبد الرؤوف مناوی (م 1031ق). د. تعلیقه بر صحیح البخاری 1. تعلیقه شمس الدین احمد بن سلیمان بن کمال پاشا (م 940ق). (2) 2. تعلیقه مصلح الدین مصطفی بن شعبان سروری (م 969ق). (3) 3. تعلیقه فضیل بن علی جمالی (م 991ق). (4) 4. تعلیقه حسین کفوی (م 991ق). (5) ه. شرح و حاشیه نویسی بر «الجامع الصغیر» 6 سیوطی (م 911ق). 1. فیض القدیر فی شرح الجامع الصغیر، از عبد الرؤوف مناوی (م 1031ق). این کتاب در شش جلد در مصر، چاپ شده است. 2 7. السراج المنیر، از علی بن احمد عزیزی شافعی (م 1070ق)، که در قاهره در سه جلد، انتشار یافته است.

1- همان جا.

2- همان، ص 548.

3- همان، ص 539.

4- جلال الدین سیوطی (م 911ق) تمام احادیث صحاح ستّه و آنچه را از کتب معتبر دیگر (حدود پنجاه کتاب) به دست آورد، در کتاب جمع الجوامع جمع کرد که این کتاب به الجامع الكبير، مشهور است. وی پس از تنظیم الجامع الكبير، به تهذیب و تلخیص آن پرداخت و آن را الجامع الصغیر نامید.

5- همان، ص 552.

## دو . جمع ، تدوین و خلاصه نویسی جوامع فراگیر حدیث

دو . جمع ، تدوین و خلاصه نویسی جوامع فراگیر حدیث 1. الأربعون حديثا البكرية في الصلاة على خير البرية صلى الله عليه وآله ، مسماً به: عقد الجواهر البهية في الصلاة على خير البرية ، از ابوالحسن بكرى (م 952 ق). این کتاب ، توسط مكتبة الآداب قاهره ، چاپ شده است. 2. كتاب الأربعين في فضل الرحمة والراحمين ، از شمس الدين محمد بن على بن طولون صالحى (م 953 ق) توسط دار ابن حزم بيروت ، چاپ شده است. 3. الأربعون حديثا ، از نجم الدين محمد بن احمد غيطى مصرى (م 984 ق). این کتاب ، توسط دارالبشائر الإسلامية بيروت ، منتشر شده است . 4 . تيسير الوصول ، از ابن ديبع شيبانى (م 944 ق). تلخيص كتاب جامع الأصول لأحاديث الرسول ابن اثير (م 606 ق) است که در مصر ، در دو جلد ، چاپ شده است. 5 . تلخيص عبدالوهاب شعرانى (م 974 ق) از كتاب سنن البيهقى تأليف ابوبكر احمد بن حسين بن على خسروجردي (م 458 ق). 6 . كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال ، از علاء الدين على بن حسام ، مشهور به منقى هندی (م 975 یا 977 یا 979 ق). وی ابتدا الجامع الصغير سيوطى را که در برگيرنده قسم اقوال الجامع الكبير وی است ، به صورت فقهى تبويب نموده و آن را منهج العمال فى سنن الأقوال نام می نهد و بخش ديگرى از قسم اقوال را در كتاب الإكمال لمنهج العمال ، تبويب می نماید. آن گاه ، این دو كتاب را با هم در آميخته و آن را غاية العمال فى سنن الأقوال ، نامگذاری می کند. سپس بر آن می شود تا قسم افعال الجامع الكبير را به همین شیوه ، تبويب نماید و احاديث اقوال و افعال را در يك جا بیاورد. لذا همه این كتاب ها را جمع نموده ، آن را كنز العمال فى سنن الأقوال و الأفعال می نامد. (1) 7 . كنوز الحقايق فى حديث خير الخلايق ، از محمد عبدالرؤوف بن تاج العارفين ، معروف به مناوى (م 1031 ق) که در برگيرنده ده هزار حديث است که از حدود 41

1- . كنز العمال فى سنن الأقوال والأفعال ، ج 1 ، ص 3 و 4 (مقدمه).

## سه . بازشناسی احادیث جعلی و تألیف کتب موضوعات

## چهار . نگاهی گذرا به غریب الحدیث

کتاب ، جمع آوری شده و بر مبنای حروف معجم ، تنظیم شده است. (1) 8 . صلة الخلف بموصول السلف ، از ابو عبدالله مغربی رودانی (م 1094 ق).

سه . بازشناسی احادیث جعلی و تألیف کتب موضوعات 1. الفوائد المجموعة فی الأحادیث المرفوعة ، از ابو عبدالله محمد بن یوسف شامی صالحی (م 942 ق) . 2. تنزیه الشریعة المرفوعة عن الأخبار الشنیعة المصنوعة ، از ابوالحسن علی بن محمد کتانی (م 963 ق) . در واقع ، مستدرکی بر کتاب اللئالی المصنوعة سیوطی است و به گفته برخی از محققان ، جامع ترین کتاب در باب موضوعات است. 3. تذکرة الموضوعات ، از جمال الدین محمد طاهر بن علی فتی ، ملقب به ملک المحدثین (م 986 ق). (2) 4. الموضوعات الکبیر (الموضوعات الصغری یا المصنوع) ، از ملا علی قاری (م 1014 ق) .

چهار . نگاهی گذرا به غریب الحدیث غریب الحدیث ، عبارت است از واژه های نامفهوم و ناآشنا در متن حدیث ، که مقصود گوینده و نویسنده را به شنونده و خواننده ، منتقل نمی سازد. حوزه حدیثی اهل سنت در این عصر ، فعالیت خود را ، هر چند محدود ، به حوزه این علم کشانید و نگاه خود را متوجه کتاب النهایة فی غریب الحدیث ابن اثیر (م 606 ق) ساخت. عیسی بن محمد صفوی (م 953 ق) و علی بن حسام الدین متقی هندی (م 975 یا 977 یا 979 ق) ، هر کدام به نوعی کتاب النهایة را تلخیص و مختصر نمودند. (3)

1- کنوز الحقائق من حدیث خیر الخلائق ، ص 5\_6 .

2- معجم المؤلفین ، ج 10 ، ص 100 .

3- النهایة فی غریب الحدیث و الأثر ، ص 8 .



## فصل دوم: پیش گامان علم حدیث در سده های دهم و یازدهم هجری

### محدثان شیعی عرب

#### بک . علی بن حسین بن عبد العال عاملی (محقق کرکی)

فصل دوم: پیش گامان علم حدیث در سده های دهم و یازدهم هجری این عصر، که به حق می توان آن را «عصر طلایی حدیث شیعه» دانست، سرآغاز گسترش فقه و حدیث شیعه پس از چندین قرن ایستایی و رکود بوده است. این فصل، به شرح حال آن دسته از علمای جبل عامل و ایرانی می پردازد که برای اولین بار، توجه خویش را به حدیث معطوف ساخته، با تربیت شاگردان بعد از خود، به نشر و گسترش علم حدیث پرداختند. همین نکته، فصل ممیز این فصل با فصل بعدی است.

محدثان شیعی عربیک . علی بن حسین بن عبد العال عاملی (محقق کرکی) زین الدین ابوالحسن علی بن حسین بن عبد العال عاملی کرکی (870 \_ 940 ق)، سرآمد روزگار خود در علوم معقول و منقول بود. [\(1\)](#) شیخ حرّ عاملی در أمل الآمل درباره او می نویسد: ثقه بودن وی در حدیث و روایت، علم و فضل، عالی قدری و عظمت شأن و کثرت تحقیقاتش چنان مشهور است که نیازی به تعریف ندارد. [\(2\)](#)

1- .عالم آرای عباسی، ج 1، ص 154.

2- .أمل الآمل، ج 1، ص 121.

## اساتید و شاگردان حدیثی محقق کرکی

### آثار حدیثی

هر چند فقه و اجتهاد، محور اساسی تألیفات محقق کرکی است، لیکن شواهدی وجود دارد که ایشان در حدیث هم، ولو اندک، فعالیت داشته است. لذا وی را باید اولین عالمی دانست که در این دوره، توجه خود را به حدیث، معطوف ساخته است. وی، فقیهان و محدثانی را تربیت کرد که همگی منشأ تربیت گروه بزرگی از عالمان دیگر شیعی شدند و بعضی از آنها کسانی بودند که از جبل عامل یا از عراق و بحرین آمده بودند و بعدها در شمار عالمان شیعی ایران درآمدند (1) که از آن میان، شیخ علی منشار عاملی و شیخ کمال الدین درویش محمد بن حسن عاملی را می توان نام برد. (2)

اساتید و شاگردان حدیثی محقق کرکی محقق کرکی، از شیخ شمس الدین محمد بن داوود، شیخ علی بن هلال جزائری و شیخ شمس الدین محمد بن خاتون عاملی روایت می کند و جمع کثیری، همچون: شیخ زین الدین فقعی، شیخ احمد بن محمد، مشهور به ابن ابی جامع، شیخ نعمة الله بن احمد عاملی، شیخ برهان الدین ابو اسحاق بن علی اصفهانی و شیخ عبد النبی جزائری، از وی روایت می کنند. (3)

آثار حدیثی 1. محقق محترم محمد حسون، در مقاله «الفوائد الرجالية» (4)، به دو قسم از آرای رجالی کرکی پرداخته است: الف. مبانی و فواید. این قسم، شامل مبانی رجالی و فواید علمی ای است که در

1- تاریخ ادبیات ایران، ص 243.

2- شهداء الفضيلة، ص 114.

3- همان جا.

4- میراث حدیث شیعه، دفتر دوم، ص 535: «الفوائد الرجالية».

**دو . زین الدین بن علی عاملی جبعی (شهید ثانی)**

علم رجال وجود دارد، مانند: اقسام حدیث و احکام آن، ضعیف و مرسل، مراسیلی که بدانها عمل می شود و یا نمی شود، تدلیس و اضطراب و... ب. رجال. شامل آرای گفته شده درباره رجال سند حدیث، اعم از ثقه یا ضعیف بودن آنهاست. 2. صاحب الذریعة، کتابی را در علم درایة الحدیث به محقق کرکی نسبت داده، می نویسد: آن را در بین مجموعه ای از کتاب خانه خوانساری دیدم. (1) 3. فعالیت دیگر ایشان در حوزه حدیث، «اجازات» وی است که با تحقیق محمد حسون، به زودی منتشر می شود.

دو . زین الدین بن علی عاملی جبعی (شهید ثانی) سردسته علمای حدیثی این دوره را می توان شهید ثانی (911 \_ 965 (2) یا 966 ق (3)) دانست. شهید ثانی، از بزرگان و مفاخر علمای امامیه است. وثاقت، فضل، زهد، تقوا و کاردانی او در علوم مختلف، مشهور آفاق بوده و علما، از او به بزرگی و عظمت، یاد کرده اند. شیخ حرّ عاملی در أمل الآمل درباره او می نویسد: فقیه، محدّث، نحوی، قاری، متکلمی حکیم و جامع رشته های مختلف علمی. وی، نخستین شیعه امامی است که در علم درایه کتاب نوشت؛ ولی اصطلاحات آن را از کتب عامّه نقل کرده است. (4) شیخ محمد عاملی جزینی که مدّت زیادی شاگرد شهید بوده و کتابی در حالات

1- الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج 8، ص 55.

2- لؤلؤة البحرين، ص 34.

3- ریاض العلماء، ج 2، ص 385.

4- أمل الآمل، ج 1، ص 86 \_ 87؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج 2، ص 368 \_ 369.



## سفرهای علمی

شیخ تألیف نموده است، درباره وی می نویسد: او در ادب، فقه، حدیث، تفسیر، معقول، هیأت، هندسه، حساب و... به نهایت کمال رسیده بود. (1) علامه محمّد باقر مجلسی هم بعد از بر شمردن تعداد زیادی از تألیفات شهید ثانی \_ که جزو منابع حدیثی بحار الأنوار به شمار می روند \_ می نویسد: شهرت شهید ثانی، ما را از بیان چگونگی تألیفات او بی نیاز می کند. (2)

سفرهای علمیشهید ثانی، مقدمات علوم را در نزد پدر خویش سپری کرد و بعد از درگذشت او به سال 925 ق، اولین سفر علمی خود را به «میس»، از دهکده های جنوب لبنان، آغاز می کند و در آن جا در محضر شیخ جلیل علی بن عبدالعال میسی، (3) کتاب های شرائع الأحکام، الإرشاد و بیشتر القواعد را می خواند. (4) پس از مدّتی در سال 933 ق، به کَرْک نوح رفته، به حضور سیّد حسن بن جعفر کَرْکی، صاحب کتاب المحجّبة البيضاء می رسد. در سال 934 ق، به جَبَع می رود و به مدّت سه سال مشغول مطالعه در علوم مختلف می شود و در سال 937 ق، به دمشق رفته، برخی کتاب ها، از جمله «موجز نفیسی» در طب، «فصول فرغانی» در هیأت و... را نزد شیخ محمّد بن مگّی، و علم قرانات را در نزد شیخ احمد بن جابر، خوانده است. (5) شهید ثانی، علاوه بر علمای شیعه، از علمای اهل سنت هم استفاده علمی می کرد. وی در سال 938 ق، از درس شیخ علی بن عبدالعال، فارغ التحصیل شد و در

- 1- أمل الآمل، ج 1، ص 88.
- 2- بحار الأنوار، ج 1، ص 37.
- 3- همان، ج 105، ص 149.
- 4- الکنی و الألقاب، ص 381.
- 5- همان، ص 382.

## آثار حدیثی

سفر دوم خود به دمشق با شیخ فاضل شمس الدین بن طولون دمشقی ملاقات کرد، مقداری از صحیحین را بر او قرائت کرد و استاد نیز در مقابل، اجازه نقل روایت از صحیحین را به شهید ثانی داد. (1) شهید ثانی، در سال 942 ق، دمشق را به سوی مصر ترک کرد. در مصر، نزد استادان متعددی، از جمله: شیخ شهاب الدین احمد رملی شافعی، چندین رشته علمی را تحصیل کرد و در سال 943 ق، از او اجازه نامه گرفت. (2) وی پس از بازگشت به جبع، در سال 948 ق، به بیت المقدس رفت و در آن جا با شیخ شمس الدین بن ابی اللطیف مقدسی ملاقات کرد (3) و پس از قرائت مقداری از صحیحین، شیخ شمس الدین به شهید ثانی در نقل روایات، اجازه داد. (4) شهید ثانی، حدیث را از بسیاری از علمای شیعه و اهل سنت روایت می کند که در ضمن ذکر سفرهای علمی اش به برخی از اسانید وی اشاره شد. (5) وی، شیخ مشایخ حدیث امامیه بوده است (6) و بسیاری از بزرگان از وی حدیث روایت می کنند. اجازه هایی که شهید در نقل روایات به آنها داده است، در بحار الأنوار علامه مجلسی و کتاب های دیگری ثبت گردیده است. (7)

آثار حدیثی علی رغم تبخر شهید ثانی در فقه و اجتهاد، فعالیت های حدیثی ایشان نیز مورد توجه

- 
- 1- روضات الجنّات، ج 3، ص 354؛ الکنی والألقاب، ص 383.
  - 2- روضات الجنّات، ص 356؛ شهداء الفضیلة، ص 133.
  - 3- أعیان الشیعة، ج 7، ص 143.
  - 4- الکنی والألقاب، ج 2، ص 383.
  - 5- برای آشنایی بیشتر با اسانید شهید ثانی، ر. ک: روضات الجنّات، ج 3، ص 357 و ج 7، ص 356\_357.
  - 6- تاریخ حدیث، ص 164.
  - 7- بحار الأنوار، ج 105، ص 137\_172؛ الکنی والألقاب، ج 2، ص 385\_386.

است. آثار و تألیفات شهید ثانی از هفتاد اثر بیشتر است. شیخ حرّ عاملی به نقل از شخصی مورد اعتماد می نویسد: وی دو هزار کتاب از خود به یادگار نهاد که دویست کتاب به خطّ مبارک خودش بود. (1) مهم ترین آثار حدیثی وی عبارت اند از: 1. غنیة القاصدین فی اصطلاحات المحدثین. (2) 2. البدایة فی علم الدراية. (3) 3. الرعاية فی علم الدراية. (4) 4. فوائد خلاصة الرجال. (5) 5. کتاب الرجال والنسب. (6) 6. رسالة فی الأخبار. (7) 7. مختصر خلاصة الأقوال. (8) 8. اگر چه در علم رجال ، کتاب مستقّلی ، از شهید به ثبت نرسیده؛ ولی تعلیقات شهید بر الرجال علامه حلّی ، علی رغم حجم اندکش مورد استناد و استفاده علمای رجال در اثبات وثاقت یا ضعف راویان است. 8. کتاب الإجازات. (9)

- 
- 1- .أمل الآمل ، ج 1 ، ص 90؛ شهداء الفضيلة ، ص 138.
  - 2- .الذريعة ، ج 16 ، ص 68.
  - 3- .همان ، ج 3 ، ص 58.
  - 4- .همان ، ج 11 ، ص 241.
  - 5- .رياض العلماء ، ج 2 ، ص 371؛ أمل الآمل ، ص 87.
  - 6- .الذريعة ، ج 11 ، ص 241.
  - 7- .رياض العلماء ، ص 384.
  - 8- .الذريعة ، ج 2 ، ص 195.
  - 9- .همان ، ج 1 ، ص 125.

## سه . محمّد بن حسن عاملی (کمال الدین درویش)

9. الأربعون حديثاً في الفضائل. (1) 10. شرح حديث «الدنيا مزرعة الآخرة». (2) 11. كشف الريبة في أحكام الغيبة والنميمة (3) در این کتاب تعریف اقسام و احکام غیبت و احادیثی که دلالت بر تحریم غیبت دارند، آورده شده است. 12. منية المرید فی آداب المفید والمستفید. (4) این کتاب در آداب و وظایف معلّم و متعلّم با استنباط از قرآن کریم و روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصوم است. 13. بغية المرید، که خلاصه شده منية المرید است. (5)

سه . محمّد بن حسن عاملی (کمال الدین درویش) محدّث عظیم الشان و زاهد کامل، کمال الدین درویش محمّد بن حسن عاملی اصل نطنزی (م بعد از 939 ق)، از شاگردان شهید ثانی (6) و محقق کرکی است. (7) شیخ حرّ عاملی در أمل الآمل، وی را شخصیتی «عالم، فاضل و زاهد» معرفی نموده (8) و افندی در ریاض العلماء، او را از ثقات علما و از مشایخ بزرگوار (9) ه حساب می آورد.

1- همان، ص 416.

2- ریاض العلماء، ج 2، ص 371.

3- الذریعة، ج 18، ص 36.

4- همان، ج 23، ص 209.

5- ریاض العلماء، ج 2، ص 383.

6- الفیض القدسی فی ترجمة العلامة المجلسی، ص 209؛ مرآت الأحوال جهان نما، ص 99 \_ 100؛ علامه مجلسی، ص 251.

7- شهداء الفضیلة، ص 114.

8- أمل الآمل، ج 1، ص 141.

9- ریاض العلماء، ج 5، ص 62.

**چهار . حسین بن عبدالصمد عاملی**

بنا به گفته شیخ حرّ عاملی ، وی از راویان از محقق کرکی است، (1) به این صورت که بعد از آمدن وی از جبل عامل به اصفهان ، از محقق کرکی اجازه ای تقاضا می نماید و او نیز به تاریخ 939 ق ، اجازه ای برای این محدث جلیل القدر می نویسد. (2) در ذکر فعالیت های وی آمده است: کمال الدین ، اول کسی است که حدیث شیعه را در عصر صفوی در اصفهان منتشر ساخت. (3) علاّمه مجلسی ، بارها در اجازات خود ، از او یاد کرده و در همه آنها گفته که وی ، جدّ مادری پدرش بوده است. (4) کمال الدین ، در نطنز ساکن گردید و پس از آن در اصفهان به فعالیت های علمی و نشر حدیث پرداخت و در نهایت ، در نطنز مدفون گردیده است. (5)

چهار . حسین بن عبدالصمد عاملیاز علمای دیگری که موجب ترویج حدیث شیعه در این عصر گردید ، شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد حارث جبعی عاملی (918 \_ 984 ق) ، پدر شیخ بهایی (م 1031 ق) است. افندی ، در ریاض العلماء ، درباره او می نویسد: انسانی فاضل ، عالم ، جلیل القدر ، اصولی ، متکلم ، فقیه ، محدث ، شاعر و ماهر در صنعت لُغز (چیستان و معما) بوده است. (6) نظام الدین قریشی ، شاگرد شیخ بهایی نیز می نویسد:

1- .أمل الآمل ، ج 1 ، ص 141.

2- .الذریعة ، ج 1 ، ص 214.

3- .الفیض القدسی فی ترجمة العلامة المجلسی ، ص 208؛ إجازات الحدیث ، ص 142 ؛ أعیان الشیعة ، ص 395 .

4- .خلاصة التواریخ ، ص 88 ، 125 و 153.

5- .ریشه ها و جلوه های تشیع در حوزه علمیه اصفهان ، ج 1 ، ص 378.

6- .ریاض العلماء ، ج 2 ، ص 109.

حسین بن عبدالصمد، عالم، فاضل، آشنا با تاریخ، متبحر در لغات و حاضر جواب در نوادر و امثال بود. وی، قرائت کتب احادیث را در بلاد عجم، تجدید کرد. (1) همچنین، درباره او آمده است: از مشایخ عظام جبل عامل و در جمیع فنون علوم به تخصص فقه و تفسیر و حدیث و عربیت، فاضل و دانشمند بود. خلاصه ایام شباب و روزگار جوانی را در صحبت شهید ثانی زنده جاودانی شیخ زین الدین رحمه اللهبه سر کرده، به تصحیح حدیث و رجال و تحصیل مقدمات اجتهاد و کسب کمال، مشارک و مساهم یکدیگر بودند. بعد از آن که جناب شیخ به جهت تشیع به دست رومیان به درجه شهادت رسید، (2) مشاراً الیه از وطن مألوف به جانب عجم آمد. (3) مظفر علی، از دیگر شاگردان شیخ بهایی می نویسد: ... [شیخ حسین بن عبدالصمد] در تحصیل علوم و معارف، تحقیق مطالب اصول و فروع، شریک و معاصر شهید ثانی بوده است. (4) البته طرح بحث مشارکت وی با شهید ثانی، توسط مظفرعلی و صاحب عالم آرای عباسی، مورد انتقاد صاحب ریاض العلماء شده و وی را بر این عقیده ساخته که شیخ حسین عاملی، از شاگردان مشهور شهید ثانی بوده است. (5) شیخ حسین بن عبدالصمد، به حدیث، توجه زیادی داشته و از اوضاع نابه سامان

- 
- 1- وصول الأخیار إلى أصول الأخبار، ص 11 .
  - 2- برخی از محققان، آمدن شیخ حسین به ایران را قبل از شهادت شهید ثانی می دانند (ر.ک: ص 285، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی).
  - 3- عالم آرای عباسی، ج 1، ص 246\_247.
  - 4- ریاض العلماء، ج 2، ص 119 .
  - 5- همان، ص 118 .

### اساتید و مشایخ حدیثی حسین بن عبدالصمد عاملی

حدیثی در آن زمان، گلابه نموده و چنین آورده است: بررسی احادیث وارد شده از ائمه معصوم، از بزرگ ترین مهمّات است و اهمال کردن نسبت به آن، خصوصاً در این زمان، از بزرگ ترین زیان هاست. بر هر کسی به اندازه توانش واجب است به احادیث اهل بیت علیهم السلام و چگونگی استدلال به آنها پردازد؛ چرا که می بینم اصول حدیث و نام و رسم آن، از میان رفته است؛ چیزی که علمای گذشته، اهمّیت فراوانی به آن می دادند و از روایات، در بیان قواعد، استفاده های بسیار می کردند. (1) شیخ حسین، بیشتر اوقات خود را در تدریس و مقابله و تصحیح کتب حدیثی گذرانید. وی کلاس درس بزرگی داشت و در خانه پسرش درس می داد، وی بعداً به هرات رفت و پسرش در قزوین، ماندگار شد. (2) از آن جا که بیشتر اهل هرات از معرفت و شناخت ائمه اثنا عشر عاجز بودند، شیخ حسین بنا به دستور شاه طهماسب، برای ارشاد مردم آن ناحیه به هرات رفت و در طول اقامت هشت ساله خویش در این خطّه، به نشر علوم دینی و اجرای احکام شرعی پرداخت و طلاب و حتی فقها و علما، از نواحی مختلف ایران و ماوراءالنهر برای مقابله حدیث و اخذ علوم دینی و تحقیق معارف شرعی به نزد او می رفتند. (3)

اساتید و مشایخ حدیثی حسین بن عبدالصمد عاملی 1. سیّد حسن بن جعفر حسینی کُرکی. (4) 2. زین الدین بن علی عاملی (شهید ثانی). شیخ حسین، بارزترین شاگرد شهید

1- وصول الأخیار إلى أصول الأخبار، ص 28 \_ 30.

2- خورشید عالی قاپو، ص 228.

3- ریاض العلماء، ج 2، ص 120.

4- همان، ج 2، ص 109.

## آثار حدیثی

ثانی و همراه وی در سفرهای مختلف بوده است. وی نسخه ای از تهذیب الأحکام طوسی (م 460 ق) را با نسخه نوشته شده توسط شیخ طوسی موجود در نزد شهید ثانی، مقابله کرده (1) و شهید ثانی، اجازه نقل روایت مفصّلی را به شیخ حسین داده که صورت اجازه در بحار الأنوار آمده است. (2)

شاگردان و مُجازان حدیثی حسین بن عبدالصمد علمای بزرگ آن دوره، همچون: سید ماجد بحرانی در شیراز، ملا خلیل قزوینی در قزوین، شیخ محمد، نواده شهید ثانی در حجاز، و ملا محمد تقی مجلسی در اصفهان، از شاگردان او بوده اند. (3) همچنین، صورت اجازه هایی که شیخ به افراد مختلف در زمینه نقل حدیث داده، در کتاب های حدیثی ثبت شده است. (4)

آثار حدیثی شیخ عزالدین، دارای تألیفات بسیار در فقه، اصول، کلام، حدیث و درایة الحدیث است که برخی از مورّخان برای او بیش از سی اثر نام برده اند. به لحاظ تناسب بحث، فهرستی از آثار شناخته شده حدیثی وی ذکر می گردد. 1. الأربعون حدیثاً. (5) این مجموعه شامل احادیث منتخب اخلاقی است و چهل حدیث مستند و احادیث منتخب ذیل آن را با حذف اسانید در بر می گیرد که از ابواب مختلف الکافی انتخاب و در چهل عنوان، تبویب شده است. چند نسخه خطّی از آن

1- .أمل الآمل، ج 1، ص 76؛ ریاض العلماء، ج 2، ص 114.

2- .بحار الأنوار، ج 105، ص 146.

3- .تاریخ حدیث، ص 165.

4- .بحار الأنوار، ج 105، ص 189 و ج 106، ص 87؛ الذریعة، ج 1، ص 414.

5- .أمل الآمل، ج 1، ص 74؛ الذریعة، ص 414.



### پنج . بهاء‌الدین محمد عاملی (شیخ بهایی)

در کتاب خانه مرحوم آیه الله مرعشی نجفی به شماره های 4107 ، 4682 ، 6347 و 8084 نگهداری می شود. این رساله به تصحیح آقای علی اوسط ناطقی در دفتر دوم میراث حدیث شیعه به چاپ رسیده است. (1) 2. حاشیه علی «خلاصة الأقوال فی علم الرجال» علامه حلّی. (2) 3. وصول الأخیار إلى أصول الأخبار. (3) 4. تعليقات بر الصحیفة السجادیة. (4) 5. تعليقات بر خلاصة الرجال علامه حلّی. (5)

پنج . بهاء‌الدین محمد عاملی (شیخ بهایی) بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی ، معروف به شیخ بهایی (953 \_ 1031 ق) ، از بزرگان و مفاخر علمی شیعه است که در جامعیت و تنوع دانش ، معروف است. به دنبال کارشکنی هایی که در حوزه شیعه در جبل عامل پیش آمد ، بهاء‌الدین محمد ، همراه پدرش شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی به ایران آمد و در این سرزمین ، پرورش علمی یافت. وی ، آثار فراوانی نگاشت و شاگردان بسیاری را تربیت کرد که همگی ، منشأ تربیت گروه دیگری از علمای این دوره گردیدند. محمد تقی مجلسی ، از او به «الشیخ الأعظم ، و الوالد المعظم ، الإمام العلامة ، ملك الفضلاء والأدباء والمحدثین ، بهاء الملة والحق والدين» یاد می کند. (6)

1- میراث حدیث شیعه ، دفتر دوم ، ص 141 \_ 184.

2- الذریعة ، ج 6 ، ص 82 .

3- همان ، ج 25 ، ص 101.

4- ریاض العلماء ، ج 2 ، ص 116.

5- همان جا.

6- روضة المتقین فی شرح [ کتاب ] من لا یحضره الفقیه ، ج 1 ، ص 22.

## آثار حدیثی شیخ بهایی

و شیخ حرّ عاملی در أمل الآمل، او را مورد اعتماد و در زمان خود، بی نظیر در فقه، حدیث، معانی، بیان، ریاضی و... می داند. (1)

شیخ بهایی، در علل رویکرد خویش به حدیث می نویسد: پیمودن راه رسالت و پیروی از شریعت نبوی و اقتدا به سنت محمدی، از بزرگ ترین مقاصد و مفاخر پس از ایمان به یکتایی آفریدگار و اعتقاد به معاد و رستاخیز است و راه رسیدن به خوش بختی همین است... پیمودن راه رسالت، جز از طریق نقل حدیث، ضبط، روایت، درایت و تعمق در آن و صرف عمر در بررسی و مباحثه آن و سپری ساختن سال ها و ایام در ممارست آن، ممکن نیست. (2)

آثار حدیثی شیخ بهایشیخ بهایی، تألیفات علمی متنوعی از خود به جا گذاشته است. برخی، تألیفات او را با توجه به رساله ها، تحشیه ها و تعلیقه ها به 123 جلد رسانده اند (3) و برخی، آنها را 59 جلد، ذکر کرده اند. (4) در این جا به تناسب بحث، به آثار وی که در حوزه علم حدیث نگاشته شده، بسنده می کنیم: 1. الأربعون حدیثا. (5) شامل چهل حدیث در سنن، آداب و اخلاق است که در سال 995 ق، به پایان رسیده است. 2. الوجیزة. (6) رساله ای مختصر در علم درایه که بارها به چاپ رسیده است. شیخ

- 
- 1- .أمل الآمل، ج 1، ص 155 .
  - 2- .الأربعون حدیثا، ص 59.
  - 3- .أربعین حدیث، ص 44.
  - 4- .أربعون حدیثا، ص 30 (مقدمه).
  - 5- .الذریعة، ج 1، ص 425؛ فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 1، ص 76؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، مجموعه ش 7277.
  - 6- .الذریعة، ج 25، ص 51.

بهایبی ، این رساله را به عنوان مقدمه بر الحبل المتین نوشته و آن را در سال 1010 ق ، به پایان رسانده است. (1) 3. الحبل المتین فی احکام الدین . (2) وی در این کتاب ، احادیث صحیح ، حسن و موثق را با شرح و بیان در آن جمع کرده و تعارض بین آنها را رفع کرده است. 4. حاشیه بر کتاب من لایحضره الفقیه ، با عناوین «قال \_ أقول» که کتابت آن ، ناقص مانده است. (3) 5 . حاشیه علی خلاصه العلامه. (4) حاشیه ای است بر خلاصه الأقوال فی علم الرجال علامه حلی (م 726 ق). 6. الفوائد الرجالية. (5) رساله ای مختصر که مامقانی ، آن را در رجال خویش ، آورده است. حضور علمای نامبردار جبل عامل در ایران و تلاش های گسترده آنان برای بهبود و ترقی فقه و حدیث شیعه ، علاوه بر آن که منجر به تشویق و ترغیب علمای ایرانی بدانها شد و بلاد عجم ، شاهد شکوفایی عالمان بزرگی در عرصه فعالیت های حدیثی گردید ، بار دیگر حوزه علمیه شیعه را در ایران ، احیا نمود. روزگاری قم و ری ، مرکز نشر حدیث شیعه بودند و در این دوران ، اصفهان ، مشهد و در مرحله بعد ، شهرهای قزوین ، شیراز ، کاشان و قم ، صاحب حوزه های بالنده ای شدند. (6)

1- همان ، ج 6 ، ص 241.

2- همان ، ص 240.

3- همان ، ص 224.

4- همان ، ص 83.

5- همان ، ج 16 ، ص 339.

6- علامه مجلسی ، ص 45.

## محدثان شیعی ایرانی

## يك . نور الله بن شرف الدين حسینی مرعشی (قاضی شوشتری)

محدثان شیعی ایرانی‌علمای شیعی ایرانی که در نشر فعالیت های حدیثی پیش گام بودند و به تربیت بسیاری از محدثان بعد از خود پرداختند ، بدین قرارند:

يك . نورالله بن شرف الدين حسینی مرعشی (قاضی شوشتری) نورالله بن سید شرف الدين حسینی مرعشی شوشتری (956\_ 1019 ق) ، از بزرگان علمای زمان صفویه بوده و در زمان پادشاهی اکبر شاه (حکومت به سال 964 و م 1014 ق) به هندوستان رفت (1) تا جایی که بخش عمده ای از حیات علمی خویش را در هند سپری کرد. (2) لیاقت و کاردانی وی ، سبب گردید که شاه ، مقام قضاوت را به او بسپارد. (3) شیخ حرّ عاملی ، او را «فاضل ، عالم ، محقق ، علامه و محدث» دانسته (4) و افندی در ریاض العلماء ، وی را «فاضل ، عالم ، دیندار ، صالح ، علامه ، فقیه و محدث» معرفی می کند. (5) درباره علل و عوامل هجرت قاضی به هند ، آمده است که در اثر نابه سامانی اوضاع خوزستان و کشمکش بین حکومت محلی و صفویان ، ناچار شد از شوشتر به مشهد کوچ کند و سپس در سال 992 ق ، به هند مهاجرت کرد. (6) این مبلغ بزرگ شیعه در هندوستان ، به دلیل تبخر خاصی که داشت ، چهره ای

1- شهداء الفضیلة ، ص 175.

2- صفویه در عرصه دین ، فرهنگ و سیاست ، ج 1 ، ص 74.

3- ریاض العلماء ، ج 5 ، ص 265؛ شهداء الفضیلة ، ص 175 .

4- أمل الأمل ، ج 2 ، ص 336.

5- ریاض العلماء ، ج 5 ، ص 265 .

6- مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند ، ص 237.

متنفذ و مورد احترام علما و امرای دربار اکبری بوده است. ابوالفتح گیلانی (م 977 ق)، عالم مشهور دربار اکبر شاه، در مکتوبی به وی، با تعریض به قاضی، چنین آورده است: دعای دوستان از زبان نیکان، مستجاب باد تا استجابت دعاهاى ما گم راهان را در آن درگاه، بار نیست. (1) ایشان، با صدور اجازاتی توسط اساتید خود، عبدالوحید شوشتری و عبدالواحد مشهدی، علاوه بر تدریس تفسیر، فقه، حدیث و عقاید امامیه، با تألیفات خود به تبلیغ تشیع و دفاع از آن می پرداخت. (2) آوازه قاضی شهید، در پاسخ گویی به ردیه هایی است که علمای اهل سنت، بویژه علمای مطرود از جانب حکومت صفویه، علیه شیعه نگاشته بودند. وی نخست، کتاب الصوارم المهرقة را در ردّ الصواعق المحرقة ی ابن حجر هیثمی عسقلانی (م 974 ق) نوشت. موضوع کتاب ابن حجر، ردّ امامیه و حقیقت مذهب عامّه (3) بود که در میانه قرن دهم در شهر مکه، بر ضدّ شیعه تألیف شده بود. (4) دوم، کتاب مصائب النواصب را در ردّ بر کتاب نواقض الروافض فی تخطئة الإمامیة میرزا مخدوم شریفی (م 988 یا 995 ق) نوشت. میرزا مخدوم شریفی، سنی مذهب بود و در سال 985 ق، وزیر شاه اسماعیل دوم صفوی بود و به سعی همین میرزا مخدوم، شاه اسماعیل، سنی مذهب شد. به سبب مباحله ای که بین وی و امیر مرتضی طباطبایی صورت گرفت، نظر شاه نسبت به مخدوم، تغییر نمود (5) و امیر مخدوم، راهی سرزمین عثمانی شد و در آن جا بر ضدّ

1- مطلع الأنوار\_ احوال دانشمندان شیعه پاکستان و هند: ص 71.

2- همان، ص 694 \_ 695.

3- ریاض العلماء، ص 268.

4- صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج 1، ص 74.

5- روضة الصفویة، ص 583؛ مصائب النواصب، در ردّ نواقض الروافض، ص 19 \_ 21.

شیعه به فعالیت پرداخت و کتاب النواقض را به سال 987 ق، نوشت. (1) سوم، کتاب إحقاق الحق را در ردّ بر إبطال نهج الباطل فضل بن روزبهان خنجی (م 927 ق) نوشت. فضل بن روزبهان خنجی، از علمای برجسته قرون نهم و دهم هجری، با پیروزی صفویان، به خراسان و ماوراء النهر گریخت و خود را در اختیار ازبک‌ها قرار داد. (2) وی، کتاب إبطال نهج الباطل را در ردّ کشف الحق و نهج الصدق علامه حلّی (م 726 ق) نوشت. موضوع کتاب علامه، مسئله امامت بود و فضل بن روزبهان، ردّیه خود را به سال 909 ق، به رشته تحریر در آورد. (3) در این شرایط سخت، علامه تصمیم گرفت که پاسخ آن را با عنوان إحقاق الحق فی نقض إبطال الباطل (4) یا إحقاق الحق و إزهاق الباطل بدهد و توانست تألیف این کتاب را در همان سال به پایان برساند. این کتاب از کتاب‌های کلامی مشهوری است که مخصوصاً در قسمت مبحث امامیه، بسیار مبسوط و مفصّل، بحث کرده است. گفته‌های علامه حلّی با عنوان: «قال المصنّف»، گفته‌های فضل بن روزبهان با عنوان: «قال الناصب» و گفته‌های قاضی نور الله با عنوان: «أقول» آمده است. تألیف این کتاب، هفت ماه طول کشیده است. همان سال با درگذشت اکبر شاه، اوضاع هند دگرگون شد. محدّث و عالم شیعه معاصر، قاضی میر یوسف اکبر آبادی، به قاضی پیشنهاد تقیّه کرد، ولی او نپذیرفت. (5)

1- صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج 1، ص 75.

2- همان جا.

3- مطلع الأنوار \_ احوال دانشمندان شیعه پاکستان و هند: ص 696.

4- متن کتاب به زبان عربی است و توسط نصیر الدین حسین بن عبد الوهاب طباطبایی بهبهانی در سال 1094 ق، به نام کاشف الأستار به زبان فارسی ترجمه شده است (فهرست نسخه‌های خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 4، ص 203، ش 1417).

5- مطلع الأنوار احوال دانشمندان شیعه پاکستان و هند، ص 696.

## آثار حدیثی قاضی شوشتری

سرانجام، بد اندیشان، در اثر اختلافات مذهبی (1) با حیل‌های مختلف، جهانگیر شاه (حکومت به سال 1014 و م 1037 ق) را علیه او به خشم آوردند تا جایی که شاه، قاضی را مستوجب حدّ ساخت (2) و قاضی نور الله شوشتری به خاطر همان کتاب در سال 1019 ق، به شهادت رسید و در آگره به خاک سپرده شد. (3)

آثار حدیثی قاضی شوشتری در مقدمه ارزشمند آیه الله مرعشی رحمه الله بر إحقاق الحق، 140 عنوان کتاب و رساله از قاضی شوشتری یاد شده است که از میان آنها به ذکر فعالیت‌هایی که در حوزه حدیث نگاشته شده، بسنده می‌کنیم: 1. بحر الغدیر فی إثبات تواتر حدیث الغدیر سندا. 2. حاشیة علی رجال الکشی حوت فوائد غزیرة فی الرجال. 3. حاشیة علی تهذیب الأحكام للشیخ طوسی (کتابت آن به پایان نرسیده است). 4. حاشیة علی خلاصة العلامة فی الرجال. 5. رسالة فی ذکر أسامی وضاعی الحدیث و بیان أحوالهم. 6. شرح علی تهذیب الحدیث لشیخ الطائفة. 7. کتاب فی مناقب الأئمة من طرق المخالفین. 8. التعليقة علی روضة الکافی. 9. شرح علی الصحیفة الكاملة (کتابت آن به پایان نرسیده است). 10. شرح دعاء الصباح و المساء لـعـ لـی علیہ السلام (به فارسی). (4)

1- مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند (قرن هشتم تا هجدهم میلادی)، ص 238.

2- شهداء الفضیلة، ص 175\_176.

3- أمل الآمل، ج 2، ص 337؛ ریاض العلماء، ج 5، ص 265.

4- إحقاق الحق وازهاق الباطل، ج 1، ص 90\_97 (مقدمه).

## دو . ملاّ عبد الله شوشتری

دو . ملاّ عبد الله شوشتری ملاّ عبد الله شوشتری (م 1021 ق)، فقیهی محقق، محدثی رجالی، جامع معقول و منقول، و زاهدی عابد بوده است و در علم و عمل و قدرت اندیشه و نیروی حافظه، از چهره های برجسته به شمار می رود. وی از دانش آموختگان حوزه جبل عامل در اوایل قرن یازدهم هجری بود و سهم مهمی در احیای علم حدیث داشت. (1) محمد تقی مجلسی، به مناسبت یادکرد استادش ملاّ عبد الله شوشتری، که از شاگردان مقدّس اردبیلی (از معاصران شیخ بهایی و میرداماد) و از مهاجران به اصفهان بود، می نویسد: می توان نشر فقه و حدیث را [در اصفهان] بر اثر مساعی او دانست. هر چند دیگران نیز وجود داشتند؛ اما آنان اشتغالات بسیار داشتند و دوران تدریسشان اندک بود، بر خلاف این بزرگ مرد که نزدیک به چهارده سال در اصفهان به تدریس پرداخت... آن هنگام که او به اصفهان آمد، شماره طالبان علوم دینی، از اهل اصفهان و از شهرهای دیگر به پنجاه نفر می رسید و حال آن که در زمان وفات او بیش از هزار نفر از فضلا در این شهر، حضور داشتند. (2) در میان علمای اصفهان، افرادی همانند ملاّ محمد تقی مجلسی و رجالی محقق میرمصطفی تفرشی (صاحب نقد الرجال)، حسنعلی تستری ( / شوشتری) فرزند ملاّ عبد الله، میرزا رفیع الدین محمد بن حیدر نایینی (صاحب شرح أصول الکافی)، ملاّ شریف الدین محمد رویدشتی اصفهانی و میر محمد قاسم قهپایی (از مشایخ اجازه صاحب روضات الجنات) بوده اند. (3)

- 
- 1- روضه المتقین، ج 1، ص 21؛ الذریعة، ج 5، ص 65؛ معجم مؤلفی الشیعة، ص 102.
  - 2- لوامع صاحبقرانی، ج 14، ص 382؛ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، ص 45.
  - 3- ریشه ها و جلوه های تشیع در حوزه علمیه اصفهان، ج 2، ص 189.



عدم پذیرش مقام و منصب دینی توسط ملاّ عبداللّه شوشتری و صرف اوقات خویش در فعالیت های علمی ، بیشترین نقش را در نشر فقه و حدیث برای وی به وجود آورد تا جایی که بسیاری از آثار حدیثی ای که در نیمه اول قرن یازدهم در علم حدیث و علوم وابسته بدان نوشته شد ، بیشتر ، از تعلیمات ملاّ عبداللّه شوشتری مایه می گرفت. (1) این دانشمند ، نزد برخی علمای جبل عامل درس خوانده بود و در سال 1021 ق ، در اصفهان درگذشت و در مشهد به خاک سپرده شد. آثار و تألیفات حدیثی وی ، به نقل از الذریعة بدین قرار است. 1. حاشیه بر الاستبصار. (2) 2. حاشیه بر تهذیب الأحکام. (3) 3. حاشیه بر الرجال ابن داوود حلّی . (4) 4. حاشیه بر رجال یکی از شاگردان محقق حلّی که به گمان صاحب الذریعة ، منتسب به شوشتری است. (5)

سه . محمد تقی مجلسیاز اندیشمندان پُر تلاش عصر صفویه ، علامه شمس الدین ، محمد تقی مجلسی (1003 \_ 1070 ق) است؛ شخصیتی فاضل ، عالم ، محقق ، عابد ، ثقه ، متکلم ، فقیه (6)

1- .مقدمه ای بر فقه شیعه ، ص 58.

2- .الذریعة ، ج 6 ، ص 18.

3- .همان ، ص 51.

4- .همان ، ص 87.

5- .همان جا.

6- .أمل الآمل ، ج 2 ، ص 252.

و محدّث (1) که بعد از ظهور دولت صفویّه، احادیث و اخبار ائمه علیهم السلام را در اصفهان، منتشر ساخت. (2) مجلسی، اوایل عمر خود را صرف تحصیل علوم دینی در نزد بزرگانی چون: شیخ بهایی، محقّق ثانی، (3) شیخ عبد الله شوشتری و امیر اسحاق استرآبادی نمود و آن گاه به نجف اشرف رفته، در محضر بزرگانی چون: محقّق بزرگ احمد اردبیلی به بالاترین کمال نایل آمد. (4) او سرآمد معاصران خود در علوم عقلی و نقلی بود و از تمام معاصرانش بهتر از دانش حدیث، باخبر بود و برای نشر آن، کوشش بی نهایت می کرد و پیش قدم تر بود و از رجال حدیث، کاملاً باخبر بود و از همه بهتر به موجبات حدیث، عمل می کرد. (5) وی، درباره علل روی آوری خویش به حدیث \_ که منجر به تألیف کتاب روضة المتّمین شد \_ می نویسد: بعد از شناخت کتاب خدا و تتبّع در اخبار سیّد مرسلین و عترت طاهرینش \_ که آثار و اخبارشان نزدیک بود متروک و دور افتاده باشند \_ جماعتی از اخلاء الدین و طالبین از من درخواست کردند تا احادیث اهل بیت علیهم السلام را بر ایشان بنویسم... با طلب خیر از خدا، کار را

- 
- 1- ریاض العلماء، ج 5، ص 47.
  - 2- لؤلؤة البحرين، ص 60.
  - 3- خوانساری، استفاده وی از محضر محقّق ثانی را «راویا عن الشیخ علی الکرکی المشتهر بالمحقّق الثانی» بیان می کند (روضات الجنّات، ج 2، ص 118).
  - 4- مقالات تاریخی، دفتر چهارم، ص 279؛ آشنایی با بحار الأنوار، ص 70. سیّد مصلح الدین مهدوی، در کتاب خویش، 21 تن از اساتید و مشایخ اجازه ملاّ محمّد تقی مجلسی را نام می برد (زندگی نامه علامه مجلسی، ج 2، ص 370 \_ 371).
  - 5- روضات الجنّات، ص 316؛ زندگی نامه علامه مجلسی، ص 357.

شروع کردم... «کتاب من لا يحضره الفقيه» محمد بن علی بن حسین بن موسی بابویه قمی را دیدم که مختصر، وافی و مجموعه ای کافی است... در نهایت ایجاز و اختصار، شروع به شرح آن نمودم و آن را «روضه المتقین فی شرح أخبار الأئمة المعصومین علیهم السلام» نامیدم. (1) وی، تلاش های فراوانی در احیای احادیث شیعه نمود و درباره منسوخ و متروک بودن حدیث و رکودی که از چندین قرن قبل بر این علم عارض شده بوده، می نویسد: ... و آنچه از آن جمله بهره این بی بضاعت گردیده، آن است که چون علم اخبار اهل بیت رسالت \_ که مشکاة انوار علوم ربّانی و مخزن حکم و اسرار فرقانی اند \_ اشرف علوم حقیقیه و ارفع سعادات ابدیه است و به جهت استیلاى سلاطین جور و ائمه ضلال، این علم شریف، متروک و منسوخ گردیده بود و سلف صالحان رضوان الله علیهم اجمعین از این جهت، حلّ مشکلات و تبیین معضلات آن \_ کما هو حقّه \_ نکرده بودند و این فقیر به رهنمونی هدایت بی غایت «یهدی الله لنوره من یشاء» (2) بذل جهد خویشتن، در احیای مراسم و تبیین معالم آن به نحوی نمودم که اکنون، بحمدالله، ناسخ جمیع علوم گردیده و اکثر علمای زمان، متوجه ترویج و تحصیلش گردیده اند... (3) از تلاش های دیگر مجلسی، ترویج الصحیفة السجادیة در ایران است که در زمان وی، نسخه های آن بسیار معدود بود. او بر صحیفه دو شرح به فارسی و عربی و یک حاشیه نوشته است که متأسفانه، هیچ يك منتشر نشده اند. (4)

1- روضه المتقین، ج 1، ص 2\_3.

2- نور، آیه 35.

3- لوامع صاحبقرانی، ج 1، ص 9\_10.

4- میراث حدیث شیعه، دفتر اول، ص 104.

## آثار حدیثی مجلسی

آثار حدیثی مجلسیعلی‌آمه محمد تقی مجلسی، از خود آثار علمی گران سنگی به جای گذارده که در این جا به تناسب بحث، فهرستی از آثار حدیث شناخته شده وی، ذکر می‌گردد: (1) 1. احیاء الأحادیث فی شرح تهذیب الحدیث. شرحی است بر تهذیب الأحکام شیخ طوسی. نسخه ای از این شرح به شماره 4602 در کتاب خانه آیه الله مرعشی قم، موجود است. (2) 2. الأربعون حدیثاً. (3) چهل حدیث است که مؤلف از کتاب های حدیثی شیعه انتخاب کرده و با نقل سند و بدون شرح و توضیح، نقل نموده است. نسخه ای از این رساله، در ضمن مجموعه ای به شماره 9764 در کتاب خانه آیه الله مرعشی موجود است. این رساله به تصحیح آقای علی صدرایی خویی در دفتر اول میراث حدیث شیعه (ص 112 \_ 140) به چاپ رسیده است. 3. الحاشیة علی الصحیفة السجّادیة. (4) نسخه ای از آن در کتاب خانه صدر، موجود است که سال تألیف آن، 1073 ق، است. 4. حاشیه بر نقد الرجال تفرشی (5). 5. روضة المتقین فی شرح أخبار الأئمة المعصومین علیهم السلام. شرح عربی مزجی متوسطی است بر کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق، همراه با بیان اسانید و بررسی صحّت

- 
- 1- در تهیه این فهرست از مقدمه آقای صدرایی خویی بر الأربعون حدیثاً ملا محمد تقی مجلسی (میراث حدیث شیعه، دفتر اول) و مقاله آقای محمد ترابیان فردوسی (یادنامه مجلسی، ج 1) استفاده شده است.
  - 2- الذریعة، ج 1، ص 307.
  - 3- همان، ص 413.
  - 4- همان، ج 6، ص 145.
  - 5- همان، ص 227.

احادیث. این کتاب، بارها به چاپ رسیده است. (1) 6. ریاض المؤمنین و حدائق المتقین. شرح فارسی است بر الصحیفة السجادية. نسخه ای از جلد اول این شرح، موجود است. این نسخه، شامل مقدمه ای در دوازده «لمعه» در معنای دعا و آداب و فضل آن، و فضیلت علم و عالمان و جز اینها و پس از آن، شرح عربی، شامل اسناد صحیفة و شرح سه دعاست که بعد از آن، گویا ناتمام مانده است. (2) 7. شرح خطبه همّام. شرحی است بر خطبه حضرت علی علیه السلام که در اوصاف متّقین، خطاب به همّام فرموده است. این شرح به فارسی نگاشته شده است. (3) 8. شرح الصحیفة السجادية. مؤلف، دو شرح فارسی و عربی بر صحیفة نگاشته که هیچ یک را به پایان نرسانده است. شرح فارسی صحیفة در شماره 6 معرفی شد. نسخه ای از شرح عربی نیز در الذریعة معرفی شده است. (4) 9. شرح مشیخة الفقیه. شرحی بر مشیخة کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق است. مؤلف، این کتاب را پس از اتمام شرح کتاب من لا یحضره الفقیه نوشته است. او در این اثر، به بررسی اسناد و مشیخة شیخ صدوق پرداخته و آن را بر اساس حروف الفبا، مرتّب نموده است. سپس به جهت تسهیل کار برای مراجعان، سایر رجال طبقات را نیز ذکر و بررسی می نماید. تألیف این شرح مشیخة، در سال 1063 ق، به پایان رسیده است. سه نسخه از آن به شماره های 1688، 7776 و 7777 در کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد، موجود است. 10. اللوامع القدسیة یا لوامع صاحبقرانی. شرح فارسی مؤلف بر کتاب من لا یحضره

1- همان، ج 11، ص 302؛ فهرست نسخ خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج 7، ص 204 و 260.

2- همان، ج 25، ص 167.

3- ریاض العلماء، ج 5، ص 47.

4- الذریعة، ج 13، ص 348؛ فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج 4، ص 444.

الفقيه شيخ صدوق است و چون اين كتاب را براي شاه عباس صفوي (صاحبقران) شرح نموده ، به لوازم صاحبقراني مشهور شده است. (1) 11. طبقات الرواة . (2) اين اثر ، بررسي دوازده طبقه از روايان حديث است ، به اين تفصيل: 1. شيخ طوسي ، 2. شيخ مفيد ، 3. شيخ صدوق ، 4. ثقة الاسلام كليني ، 5. احمد بن ادریس ، 6. احمد بن محمد بن عيسى ، 7. حسين بن سعيد ، 8. ابن ابی عمير ، 9. امام صادق عليه السلام ، 10. امام باقر عليه السلام ، 11. امام سجّاد عليه السلام ، 12. امير مؤمنان و امام حسن و امام حسين عليهم السلام .

- 
- 1- الذريعة ، ج 18 ، ص 369؛ فهرست نسخه های خطی کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران ، ش 1846 و 1847.
  - 2- الذريعة ، ج 15 ، ص 148؛ مصنفی المقال فی مصنفی عالم الرجال ، ص 98 \_ 99؛ مرآت الأحوال جهان نما ، ص 101؛ أعيان الشيعة ، ج 9 ، ص 193 ؛ زندگی نامه علامه مجلسی ، ج 2 ، ص 388؛ آشنایی با بحار الأنوار ، ص 77 \_ 78 .



## فصل سوم : مشایخ اجازه

## درآمد

## طُرُق حمل حدیث

فصل سوم : مشایخ اجازه در آمد در جریان سیر تکامل حدیث ، اگر در قرن هفتم هجری ، معیارهای چهارگانه صحیح ، حسن ، موثق و ضعیف برای اسناد حدیث ، ابداع شد ، در قرن دهم نیز برای حفظ حدیث و عدم دسترس ناهلان بدان ، شرایطی برای راویان در نظر گرفته شد. در این دوره ، به دنبال گسترش فعالیت های حدیثی علمای حدیث ، اصطلاحاتی ابداع گردید و در آن ، شرایطی را برای ناقلان حدیث ذکر کردند که اگر حدیث آنها فاقد شرایط باشد ، از درجه اعتبار ، ساقط است. نقطه قوت این نوآوری ، توجه نمودن به کیفیت نقل حدیث بوده است و لذا ، وقتی به شناسایی محدثان این دوره پرداختیم ، شاگردان آغازین آن را نه به عنوان محدث ، بلکه با عنوان «یروی اجازه عن فلان» یافتیم.

طُرُق حمل حدیث از اصطلاحات جدیدی که در این دوره به وجود آمد ، به «طریق حمل حدیث» یاد می کنند. ملا محمد تقی مجلسی ، در لوامع صاحبقرانی آورده است:



جمعی واجب می دانند که راوی در نقل حدیث، اجازه داشته باشد. (1) در بیان اقسام «اجازه»، شهید ثانی (م 966 ق) (2) و شیخ بهایی (م 1031 ق)، (3) قائل به هفت قسم اند (4) و شیخ حسین بن عبد الصمد عاملی (م 984 ق)، قائل به هشت قسم است. (5) دیگران هم به پیروی از وی، هشت قسم را اختیار نموده اند (6) که شامل موارد زیر است: 1. سماع یا شنیدن حدیث از شیخ، که بهترین نوع تحمّل حدیث است؛ 2. قرائت یا خواندن حدیث بر شیخ؛ 3. دادن اجازه، که معمولاً شیخ به شاگردان خویش، اجازه نقل کتاب خاصی یا همه کتب حدیث را که خود مجاز در نقل آن است، می دهد؛ 4. مناو له، که یا با اجازه توأم است یا بدون اجازه. اولی مثل این که استاد، کتاب خود را به شاگرد داده، به وی، اجازه نقل آن را بدهد یا شاگرد، روایاتی را که سماع نموده به نظر شیخ برساند و شیخ به وی، اجازه نقل بدهد. دومی آن که شاگرد به کتاب حدیث تصحیح شده استاد، دسترس پیدا کند. 5. کتابت، که شیخ برای شخص حاضر یا غایب، به خواست خود یا به خواهش او احادیثی بنگارد و آن گاه به وی اجازه روایت آن را بدهد. 6. اعلام، که شیخ بدون اجازه و اذن به کسی، فقط اعلام کند که فلان حدیث، روایت یا سماع من از فلان شخص است که در نقل این قسم، باید با آوردن «أعلمنا فلان» از وی نقل کرد. 7. وصیّت، که شیخ هنگام مسافرت یا زمان وفات خود، وصیّت کند که فلان

1- علم الحدیث، ص 170 (به نقل از: لوامع صاحبقرانی).

2- الداریة فی علم مصطلح الحدیث، ص 82 \_ 107.

3- الوجیزة، ص 19 \_ 21.

4- سماع، قرائت، اجازه، مناو له، کتابت، اعلام و وجاده.

5- وصول الأخیار إلى اصول الأخبار، ص 131 \_ 143.

6- علم الحدیث، ص 170.

## اجازه

شخص، فلان کتاب را از من روایت کند. 8. وجاده، که طالب حدیث، کتاب یا چند روایت را به خطّ شیخ بیابد و یقین کند که به خطّ اوست یا این که کتاب، از اوست و باید به هنگام نقل با لفظ «وجدتُ»، بدان تصریح نماید.

اجازہعلمای حدیث، اجازہ را یکی از مهم ترین طرق حمل حدیث دانسته اند و به عنوان پشتوانه درستی نقل احادیث، به اخذ و مبادله آن، همّت گماشته اند. از کارهایی که در علم الحدیث صورت یافته، موضوع بررسی صلاحیت ناقلان حدیث است که افراد واجد صلاحیت، از ناحیه مشایخ حدیث، رسماً مجاز در نقل می گردیدند و معمولاً، اجازہ نامه به خطّ شیخ و استاد حدیث به شاگرد داده می شد. (1) اجازہ، در اصطلاح محدّثان، اذن شفاهی یا کتبی به کسی در نقل روایت است که چون مُجیز (اجازہ دهنده) شخصی را مورد اطمینان دانست و صلاحیت او را برای نقل حدیث، تشخیص داد، به او اجازہ می دهد که آنچه را از او شنیده یا برای او قرائت کرده، یا در کتب حدیث آمده است، نقل کند و در این کار، قبول کردن شخص مجاز، شرط نیست. (2) مطلبی که از این عبارت به دست می آید، این که غرض از اجازہ گرفتن و اجازہ دادن، خصوصاً مبادله اجازہ معاصران با یکدیگر، نشانه رابطه تعلیم و تعلّم نیست؛ بلکه پیوستن از طرق گوناگون به سلسله روایت حدیث و تقویت مستندات آن است. (3)

1- همان، ص 74.

2- همان جا.

3- علامه مجلسی، ص 13 (با تغییر و تصرّف).

## مشایخ اجازه

مشایخ اجازه حدیث شیعه در نیمه دوم قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری، بر مدار «اجازات» می چرخید و این، مطلبی است که در شناسایی محدثان این عصر، بدان دست یافتیم. شیخ مشایخ اجازه در این دوره، شهید ثانی (م 966 ق) بوده است و هنگام عرضه آن به استاد، اجازه روایتی دریافت می نموده اند. 1 اساتید، به هر يك از شاگردان خود، که در نزد آنان، کتابی می خواندند و آن را خوب می آموختند، اجازه نقل و روایت می دادند. اگر همه این مجازان را محدث به حساب آوریم، خود، چندین مجلد کتاب می شود. (1) به همین جهت، در بحث شناسایی محدثان این دوره، به معرفی کسانی پرداخته ایم که اولاً در کتاب های تراجم به محدث بودن آنها تصریح شده است و ثانياً دارای تألیفات حدیثی بوده اند. 1. جمال الدین عطاءالله بن فضل الله، ملقب به امیر جمال الدین حسینی محدث دشتکی شیرازی هروی، معروف به امیر جمال الدین محمد شاهرودی (م 930 ق). وی از علمای اوایل عصر صفوی و فاضل، عالم و جلیل بوده و بعضی بزرگان، او را

---

1- به عنوان نمونه، مؤلف کتاب زندگی نامه علامه مجلسی، بعد از آن که 185 نفر از شاگردان و اجازه گیرندگان از علامه مجلسی را نام برده، می نویسد: «به یقین، شمردن و نام بردن اسامی شاگردان و مجازان از علامه مجلسی از محالات عادی به شمار می رود» (زندگی نامه علامه مجلسی، ج 2، ص 10).

«السید السند العالم الكامل، جمال الملة والدين، عطاء الله الحسيني المحدث»، معرّفی می کنند. آثار حدیثی وی، کتاب الأربعین فی فضائل الإمام امیرالمؤمنین علیه السلام وروضة الأحاب فی سیرة النبی والآل والأصحاب المشهور فی الآفاق هستند. (1) 2. شرف الدین علی بن حسین استرآبادی (م 940 ق). وی فاضل، محدث، صالح، (2) عالم جلیل و از شاگردان نورالدین علی بن عبدالعال کرکی بوده است. (3) از تألیفات حدیثی وی می توان به تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة اشاره کرد. (4) 3. ابراهیم بن سلیمان قطیفی بحرانی (م 984 ق). وی بنا به گفته شیخ حرّ عاملی، فاضل، عالم، فقیه و محدث (5) و از فقهای بزرگ (6) و از معاصران شیخ علی کرکی است و از وی، روایت نقل می نموده و کسانی از جمله: محمد بن تقی الدین محمد حسین از وی روایت نقل می نموده اند. (7) از آثار وی می توان به أربعین حدیث، (8) نوادر الأخبار الطریفة (9) و اثبات الفرقة الناجية (10) در اثبات حقانیت مذهب شیعه را نام برد. 4. ولی بن نعمة الله حسینی رضوی حائری (م بعد از 981 ق). وی فردی عالم، فاضل، صالح و محدث بود و از آثار وی، مجمع البحرين فی فضائل السبطين، کنز المطالب فی فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام و منهاج الحق والیقین فی فضائل علی امیر المؤمنین علیه السلام را

- 
- 1- ریاض العلماء، ج 3، ص 315 \_ 317؛ مجالس المؤمنین، ص 527؛ فهرس التراث، ج 1، ص 788.
  - 2- أمل الآمل، ج 2، ص 131.
  - 3- ریاض العلماء، ج 3، ص 388.
  - 4- الذریعة، ج 3، ص 304؛ فهرست التراث، ج 1، ص 789.
  - 5- أمل الآمل، ج 2، ص 8.
  - 6- الکنی والألقاب، ج 3، ص 76.
  - 7- ریاض العلماء، ج 1، ص 15؛ أعیان الشیعة، ج 2، ص 141.
  - 8- الذریعة، ج 1، ص 410.
  - 9- همان، ج 24، ص 344.
  - 10- همان، ج 1، ص 98.

می توان نام برد. (1) 5. سیّد علاء الملک بن عبدالقادر حسینی مرعشی (م بعد از 985 ق). وی از علمای متأخر از شهید ثانی و عالمی فاضل، محقق و دارای تألیفات ارزنده ای بوده است. وی در اصول فقه، رجال و علم حدیث، از علمای زمان خود، گوی سبقت را برده و از طبع لطیف و حسن مصاحبت برخوردار بوده است. (2) از آثار وی کتاب فی علم الرجال (3)، فهرس الکافی و أبوابه و أحادیثه و الجرح و التعديل لرواته (4) و حواشی تهذیب الأحکام (5) را می توان نام برد. 6. ابومکارم بدرالدین حسن بن علی بن حسن بن علی بن شدقم، حسینی (م 999 ق). شیخ حرّ عاملی، وی را فاضل، عالم، جلیل و محدّث دانسته که از شیخ حسین بن عبدالصمد و شیخ نعمه الله بن خاتون عاملی، روایت نقل می کند. (6) علمای شیعه عرب در حیدرآباد دکن، گرد آمده بودند و سیّد حسن، گل سرسبد آنان بود. وی در زمینه علم حدیث، در هند، کارهای مهمی انجام داده و محدّث شبه قاره هند به شمار می رفت. 7 از آثار وی می توان جواهر النظامیّة من حدیث خیرالبریّة را نام برد. 7. ابو منصور جمال الدین حسن بن زین الدین بن علی، عاملی جبعی (م 1011 ق). او انسانی عالم، فاضل، عامل، کامل، متبحّر، محقق، ثقه، محدّث، جامع فنون، یکتای روزگار و داناترین اهل زمانش به فقه، حدیث و رجال بوده

1- .أمل الآمل، ص 339؛ أعيان الشيعة، ج 11، ص 280.

2- .رياض العلماء، ص 313 \_ 314؛ محدّثان شیعه در قرن نهم و دهم هجری و سبک حدیث نگاری آنان، ص 15 .

3- .همان، ج 16، ص 386.

4- .همان، ج 6، ص 52.

5- .أمل الآمل، ج 2، ص 70؛ رياض العلماء، ج 1، ص 249؛ أعيان الشيعة، ج 5، ص 175.

6- .مطلع الأنوار، ص 206.

است. (1) افندی هم با عباراتی چون: فقیه بزرگ، محدث اصولی، زیرک و هوشیار از او به نیکی یاد کرده است. (2) از آثار وی می توان به تحریر الطاووسی، (3) منتقى الجمان فى الأحادیث الصحاح والحسان، (4) ترتیب مشیخة [کتاب] من لا یحضره الفقیه، (5) کتاب الإجازات، (6) حواشی على الكتب الأربعة، (7) و حواشی على خلاصة الأقوال (8) اشاره كرد. 8. تاج الدین بن علی احمد حسینی عاملی (م بعد از 1019 ق)، وی شخصیتی عالم، فاضل، زاهد، محدث، عابد، فقیه بوده (9) و صاحب کتاب التتمة فى معرفة الأئمة است عليهم السلام. (10) 9. سید محمد بن شرف الدین علی بن نعمة الله جزائری (م 1021 و یا پس از 1068 ق). از فضلاى معاصر، عالم، فقیه، محدث، حافظ، عابد و از شاگردان شیخ محمد بن علی بن خاتون عاملی (11) و از مشایخ علامه مجلسی و سید نعمة الله جزائری است که از آثارش می توان به جوامع الكلم اشاره کرد. (12) 10. عبدالنبی بن سعد جزائری (م 1021 ق). وی عالم، محقق و محدث (13) و

1- أمل الآمل، ج 2، ص 57؛ أعيان الشيعة، ج 5، ص 92.

2- رياض العلماء، ج 1، ص 225.

3- الذريعة، ج 23، ص 5.

4- همان، ج 3، ص 385.

5- همان، ج 4، ص 68.

6- همان، ج 1، ص 124.

7- همان، ج 7، ص 103.

8- همان جا.

9- أمل الآمل، ج 1، ص 44؛ رياض العلماء، ج 1، ص 98؛ أعيان الشيعة، ج 3، ص 627.

10- الفوائد الرضوية فى أحوال علماء المذهب الجعفرية، ص 66.

11- أمل الآمل، ج 2، ص 275.

12- الذريعة، ج 5، ص 253.

13- رياض العلماء، ج 3، ص 273.

شاگرد شیخ علی کرکی بوده است. (1) آثاری همچون شرح تهذیب الأصول و کتاب رجالی موسوم به حاوی الأقوال فی معرفة الرجال و مجمع الرجال فی أحوال الرجال و تعلیقاتی بر سایر کتب حدیثی و رجالی از اوست. (2) 11 . محمّد امین استرآبادی اخباری (م بعد از 1023 ق). وی شخصیّتی فاضل ، محقق ، ماهر ، متکلم ، فقیه و محدث بوده (3) و اولین کسی است که باب طعن بر مجتهدان را باز کرد و فرقه ناجیه را به اخباری و مجتهد (اصولی) ، تقسیم کرد . (4) به دلیل اهمیت آثار استرآبادی ، در این مجال ، به تألیفات حدیثی وی اشاره ای می نماییم : 1) حواشی پراکنده ای بر کتاب من لا یحضره الفقیه ، تهذیب الأحکام و الاستبصار که نسخه ای از آن در مجموعه ای در مرکز احیاء التراث اسلامی ، به شماره 2750 موجود است. 2) حاشیه بر اصول الکافی تا انتهای باب دعاة کتاب العشرة. مؤلف ، بدان در دانش نامه شاهی اشاره کرده است. این حاشیه در سال 1057 ق ، توسط ملاّ خلیل قزوینی جمع آوری شده است. دو نسخه از آن در کتاب خانه آیه الله مرعشی به شماره های 4/6665 و 1/4549 موجود است. این رساله با تصحیح آقای علی فاضلی در دفتر هشتم میراث حدیث شیعه (ص 278 \_ 410) به چاپ رسیده است. 3) تعلیقات بر اصول الکافی . (5)

- 
- 1- الفوائد الرضویة فی أحوال علماء المذهب الجعفریّة ، ص 258.
  - 2- أمل الآمل ، ج 2 ، ص 165؛ ریاض العلماء ، ج 3 ، ص 273.
  - 3- أمل الآمل ، ج 2 ، ص 246 .
  - 4- لؤلؤة البحرين ، ص 117 \_ 118.
  - 5- ریاض العلماء ، ج 5 ، ص 36.

4) شرح تهذیب الأحكام (تا حدیث 100 از کتاب طهارت). دو نسخه از آن در کتاب خانه آیه الله مرعشی به شماره های 3784 و 2/4604 موجود است. 12. بدرالدین بن احمد حسینی عاملی انصاری (م بعد از 1025 ق). وی شخصیتی عالم، فاضل، محقق، ماهر، فقیه، عارف به زبانی عربی بوده احادیث را بر شیخ بهایی و دیگران قرائت نموده و حواشی بسیاری بر احادیث مشکل دارد. از آثار وی می توان به حاشیه لطیف بر اصول الکافی (باب سعادت و شقاوت از کتاب توحید) و رساله ای در عمل به خبر واحد به نام عیون جواهر النقاد فی حجیة أخبار الآحاد (1) اشاره کرد. 13. عبد الرشید شوشتری (م 1078 ق). میرزا عبد الله افندی درباره وی می نویسد: از فضلی اوایل زمان ما بوده و معروف به علم، فضل و تقوا بوده است. (2) سید نعمه الله شوشتری در تعلیقاتش بر أمل الآمل، درباره او می نویسد: عالم، فاضل، محدث، ورع، عابد، زاهد و... از آثار وی می توان شرحی بر اوایل الاستبصار و تعلیقات و حواشی بر کتب حدیثی و فقهی را نام برد. (3) 14. حسام الدین صالح بن احمد مازندرانی (م 1081 ق). وی از مشاهیر علما و حاملان حدیث، داماد و شاگرد محمد تقی مجلسی بوده و از وی روایت نقل می نموده است. از تصانیف وی می توان شرح اصول الکافی و شرح کتاب من لا یحضره الفقیه را نام برد. (4)

1- أمل الآمل، ج 1، ص 42؛ ریاض العلماء، ج 1، ص 95؛ أعیان الشیعة، ج 3، ص 549.

2- ریاض العلماء، ج 3، ص 117.

3- طبقات أعلام الشیعة، ج 5، ص 320؛ أعیان الشیعة، ج 8، ص 10.

4- طبقات أعلام الشیعة، ص 288؛ أعیان الشیعة، ج 7، ص 369.



15 . عبد الله بن محمد تقی مجلسی (م بعد از 1084 ق). وی فقیه ، واعظ ، عالم ، صالح ، ناقد علم رجال ، جلیل و محدث بوده است. (1) وی از علامه مجلسی بزرگ تر بوده ، شاگرد پدرش مجلسی اول و آقا حسین خوانساری بوده و بعد از فوت پدرش به هند رفته است. از تألیفات وی ، شرح ناقص کتاب تهذیب الأحکام شیخ طوسی را می توان نام برد. (2) 16 . مهذب الدین احمد بن عبدالرضا بصری (م بعد از 1085 ق). وی فاضل ، آگاه ، محدث ، رجالی ، و از شاگردان بزرگ محمد بن حسن حرّ عاملی (صاحب وسائل الشیعة) و حافظ دوازده هزار حدیث بدون سند و یک هزار و دویست حدیث با سند بوده است. (3) از میان آثار وی می توان فائق المقال فی علم الرجال را نام برد. 17 . عبد الله بن غلام علی حسینی طالقانی (م بعد از 1085 ق) . سیّد محسن امین ، در باره وی ، در نقل نوشته ای که آیه الله شهاب الدین مرعشی رحمه الله خطاب به وی نوشته ، چنین می آورد: او محدث ، فقیه ، زاهد ، دارای حاشیه مبسوط بر کتاب التهذیب شیخ طوسی که در سال 1085 ق ، به پایان رسانده است و از آن حاشیه ، جستجوهای فراوان و سلیقه معتدل وی در فهم حدیث ، فهمیده می شود. (4) 18 . فخرالدین بن محمد بن علی اسدی نجفی طریحی (م 1087 ق). وی فردی فاضل ، محدث ، لغوی ، عابد و زاهد بوده است. (5) از تصنیفات وی می توان غریب

1- ریاض العلماء ، ج 3 ، ص 236.

2- همان؛ طبقات أعلام الشیعة ، ج 5 ، ص 354؛ أعیان الشیعة ، ج 8 ، ص 70 .

3- أعیان الشیعة ، ج 2 ، ص 624 .

4- همان ، ج 8 ، ص 65.

5- لؤلؤة البحرين ، ص 66.

الحديث الخاصة و کتاب جامع المقال فيما يتعلّق بأحوال الحديث والرجال (1)، الأربعون حديثاً (2) و مجمع البحرين و مطلع النيرين را نام برد . 19 . خليل بن غازي قزوینی (م 1089 ق). وی فاضل ، علامه ، متکلم ، محقق ، مدقق ، فقیه ، محدث و ثقة بوده است . (3) بنا به گفته آقا بزرگ ، وی اخباری مسلک و منکر اجتهاد بوده است. وی ، «روضه» را جزء الکافی نمی دانست؛ بلکه معتقد بود از تألیفات ابن ادریس است. (4) از آثار وی ، می توان به دو کتاب معروف الشافی والصابی فی شرح الکافی اشاره کرد. 20 . محمد بن مرتضی کاشانی ، معروف به فیض کاشانی (م 1091 ق). وی که از بزرگان علمای امامیه و نوابغ علمی سده یازدهم هجری است ، در شهر قم نشو و نما یافت و سپس به کاشان رفت. هنگامی که سید ماجد بن علی بحرانی به شیراز آمد ، فیض ، برای بهره بردن از دانش سرشار او و استفاده از محضر ملاً صدرای شیرازی ، بدان شهر کوچ کرد و پس از فراغت از تحصیل به کاشان بازگشت . شیخ حرّ عاملی ، وی را دانشمندی فاضل ، ماهر ، حکیم ، متکلم ، فقیه و محقق معرفی می کند و صاحب لؤلؤة البحرين ، در وصف او می گوید: محدث کاشانی ، فاضل ، محدث و اخباری سرسخت بوده است. (5) فیض کاشانی ، در حوزه های مختلف ، اعم از اعتقادات ، قرآن ، حدیث ، اخلاق ، مناجات و... ، آثاری به زبان فارسی و عربی دارد و به قول سید نعمة الله جزائری ، شاگرد وی ، 1214 اثر دارد؛ (6) ولی تا حدود 110 کتاب از آثار وی را در کتب تذکره نام

1- ریاض العلماء ، ج 4 ، ص 332.

2- الذریعة ، ج 1 ، ص 423.

3- أمل الآمل ، ج 2 ، ص 112 .

4- طبقات أعلام الشيعة ، ج 5 ، ص 203.

5- لؤلؤة البحرين ، ص 133.

6- تعلیقة أمل الآمل ، ص 307.

برده اند . (1) وی درباره روایات و تفسیر آیات و همچنین در فقه ، دارای روشی مخصوص و نزدیک به مرام اخباریان بوده و از اصولیان ، سخت انتقاد می کند . 21 . حسین بن کمال الدین بن ابرز حسینی حلی (م بعد از 1097 ق). وی عالم ، فقیه ، محدث ، جلیل ، شاعر و شاگرد شیخ بهایی بوده و از وی ، روایت نقل می نموده است . (2) از آثار وی ، می توان به زبدة الأقوال فی خلاصة الرجال (3) اشاره کرد . 22 . محمد طاهر بن محمد حسین شیرازی قمی (م 1100 ق). وی از بزرگان معاصر ، عالم ، محقق ، مدقق ، ثقه ، فقیه ، متکلم و محدثی جلیل القدر بوده است . از آثار وی ، کتاب شرح تهذیب الحدیث و الأربعین فی إمامة الأئمة الطاهرين را می توان نام برد . (4) 23 . قاسم بن محمد کاظمی نجفی (م 1100 ق). شیخ حرّ عاملی وی را عابد ، معتبر ، زاهد و فاضل دانسته است . از آثار وی می توان به شرح الاستبصار ، جامع الأحادیث و أقوال الفقهاء اشاره کرد . (5) 24 . محمد بن علی اردبیلی (م 1101 ق). وی عالم ، متبحر در علم رجال و حدیث و معاصر علاّمه مجلسی بوده و بر وی و شیخ محمد علی استرآبادی قرائت می نموده است . (6) از آثار وی ، جامع الرواة و إزاحة الاشتباهات عن الطرق والاسناد و تصحیح الأسانید را می توان نام برد . (7)

- 
- 1- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج 4 ، ص 9.
  - 2- أمل الآمل ، ج 2 ، ص 86؛ ریاض العلماء ، ج 2 ، ص 6؛ طبقات أعلام الشيعة ، ج 5 ، ص 165؛ أعيان الشيعة ، ج 6 ، ص 138.
  - 3- الذريعة ، ج 12 ، ص 19.
  - 4- أمل الآمل ، ج 2 ، ص 277؛ تعلیقة أمل الآمل ، ص 11؛ الذريعة ، ج 1 ، ص 419.
  - 5- أمل الآمل ، ج 2 ، ص 219؛ أعيان الشيعة ، ج 8 ، ص 70.
  - 6- أعيان الشيعة ، ج 9 ، ص 442.
  - 7- طبقات أعلام الشيعة ، ج 6 ، ص 40؛ جامع الرواة ، ج 2 ، ص 473.

25. محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین بن حرّ عاملی (م 1104 ق). وی از علمای جبل عامل و از «محمّدون ثلاثه متأخر (1)» است. درباره مسافرت وی از جبل عامل به ایران، در *أمل الآمل* چنین آمده است: در روستای مشغرموتولد شده، تا سال 1072 ق، در آن جا مانده، سپس به عراق رفته است و بعد از زیارت ائمه علیهم السلام به خراسان سفر کرده، در آن جا ساکن می شود. در طی سفری به اصفهان با علامه مجلسی ملاقات نموده و به یکدیگر، اجازه نقل روایت داده اند. آثار و تألیفات وی، آن چنان که خود وی در *أمل الآمل* بدانها اشاره کرده، بالغ بر 24 عنوان است. مشهورترین تألیفاتش وسائل الشیعة به (عنوان گسترده نگاشت) و کتاب *أمل الآمل* در رجال است. تألیفات حوزه حدیثی وی در حدود یازده کتاب است که در بخش های بعد، معرفی خواهد شد. (2) 26. هاشم بن سلیمان بن اسماعیل موسوی کتکانی بحرانی توبلی (م 1107 ق). وی شخصیتی فاضل، عالم، جامع، مدقق، فقیه، عارف به تفسیر و رجال، محدث، صالح، اهل ورع و جستجوگر اخبار بوده و در این راه، بجز علامه مجلسی، کسی بر او سبقت نگرفته است. (4) از آثار وی علاوه بر تفسیر روایی البرهان، می توان تعریف رجال [کتاب] من لا یحضره الفقیه (5) و ترتیب التهذیب و شرحه (6) را نام برد. 27. محمد باقر بن محمد تقی اصفهانی، معروف به مجلسی دوم و علامه

- 
- 1- منظور از محمّدون ثلاثه متأخر، محمدباقر مجلسی، محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی و محمد بن حسن حرّ عاملی است.
  - 2- *أمل الآمل*، ج 1، ص 141 \_ 142؛ *ریاض العلماء*، ج 5، ص 63؛ *روضات الجنّات*، ج 7، ص 92.
  - 3- *أمل الآمل*، ج 2، ص 341.
  - 4- *ریاض العلماء*، ج 5، ص 298؛ *لؤلؤة البحرين*، ص 63.
  - 5- *الذریعة*، ج 4، ص 217.
  - 6- همان، ص 64 و ج 13، ص 144.

مجلسی (م 1111 ق). وی عالم، فاضل، ماهر، مدقق، علامه، فهیم، متکلم، محدث، ثقه، جامع محاسن و فضائل (1) و در عصر خود، پیشوا در حدیث و سایر علوم بود. وی حدیث را در ایران زمین، منتشر ساخت و توفیق شاه سلطان حسین صفوی در اداره کشور به تدبیر وی بوده است. (2) وی، علوم نقلی را از پدرش محمد تقی مجلسی (م 1070 ق) و علوم عقلی را از محضر حکیم بزرگ آقا حسین خوانساری (م 1098 ق) آموخت (3) تا جایی که متبحر و صاحب تجربه در علم و فنون مختلف، اعم از فقه، حدیث، رجال، درایه، حکمت، فلسفه، ریاضی گردید. اعتقاد مجلسی به این که حکمت، زمانی مفید واقع می شود که از اهل دین گرفته شده باشد و قرآن و اخبار ائمه علیهم السلام، دو علمی هستند که می توانند در دنیا برایش نفع رسان باشند، (4) توجه او را به گسترش حدیث، معطوف ساخت تا جایی که به گفته جزائری، تنها شاگردان بلا واسطه او به بیش از هزار نفر می رسید. (5) علامه مجلسی، در زمینه فعالیت های حدیثی، بی تردید، از پرکارترین محدثان است تا جایی که با ارائه حدود بیست اثر به زبان عربی و 54 اثر به زبان فارسی، بزرگ ترین جایگاه را در تاریخ حدیث شیعه به خود اختصاص داده است و گل سرسبد آثارش کتاب جامع بحار الأنوار است که در نیمه دوم عمر او به تحریر درآمد. صاحب اعیان الشیعة، در میان تألیفات علامه مجلسی آورده است: برخی گفته اند تألیفات علامه مجلسی، یک میلیون و 402 هزار و هفتصد بیت است. بیت، در اصطلاح نویسندگان، یک سطر پنجاه حرفی

- 
- 1- .أمل الآمل، ج 2، ص 248؛ ریاض العلماء، ج 5، ص 39.
  - 2- .لؤلؤة البحرين، ص 55.
  - 3- .ریاض العلماء، ج 5، ص 40؛ وقایع السنین والأعوام، ص 541.
  - 4- .بحار الأنوار، ج 1، ص 2 و 3.
  - 5- .أنوار النعمانية، ج 4، ص 312؛ آشنایی با بحار الأنوار، ص 79.

است که اگر این تعداد بر عمر علامه مجلسی تقسیم شود، سهم هر روزی، پنجاه و سه بیت و اندی می‌گردد. (1) حاجی نوری، درباره این مطلب گفته که گرچه این حساب، دقیق نیست ولی به واقع، نزدیک است. (2) 28. عبد علی بن جمعه عروسی حویزی (م 1112 ق). وی، «عالم، فاضل، فقیه، ثقه و . . .» (3) است. از آثار وی می‌توان تفسیر روایی نور الثقلین را نام برد که معرفی خواهد شد.

---

1- أعيان الشيعة، ج 9، ص 184.

2- الفيض القدسي، ص 143.

3- أمل الآمل، ج 2، ص 154؛ رياض العلماء، ج 3، ص 148؛ أعيان الشيعة، ج 8، ص 29.



## فصل چهارم : منابع حدیثی شیعی و روایات مخالفان

فصل چهارم : منابع حدیثی شیعی و روایات مخالفان در این گفتار به پیرایش (1) و آرایش های (2) حدیثی که در قرن دهم و یازدهم هجری صورت گرفته ، می پردازیم . بحث ، در استفاده یا عدم استفاده از احادیث منقول اهل سنت است که همواره ، موارد اختلاف فقها و محدثان بوده است. در ابتدای این دوره ، وقتی ابن ابی جمهور احسایی (م بعد از 906 یا 940 ق) (3) کتاب فقهی عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه را همراه با پاره ای از روایت های مخالفان به رشته تألیف کشید ، مورد انتقاد و بی اعتمادی برخی فقها قرار گرفت. به دنبال آن ، فعالیت های حدیثی قرن دهم تا نیمه قرن یازدهم ، بر اساس سنتی ستیزی و عدم اعتماد به منابع اهل سنت ، شدت گرفت. امیر فیض الله بن عبدالقاهر حسین تفریسی (م 1026 ق) ، چهل حدیث معتبر و صحیح را درباره مخالفان اهل بیت علیهم السلام از کتاب الکافی جمع آوری نمود و در پایان هر حدیث ، خود ، مطالبی بدانها افزود. (4) ادامه این سیاست ها مفید واقع نگردید و علمای شیعی برای اثبات عقاید خویش ، بویژه در باب امامت ، بر آن شدند تا دامنه فعالیت های حدیثی خویش را به

- 
- 1- زیبا کردن از طریق کاستن.
  - 2- زیبا کردن از طریق افزودن. مراد ، آراستن کتب حدیثی اهل سنت با روایاتی از ائمه معصوم است.
  - 3- آشنایی با بحار الأنوار ، ص 14.
  - 4- الذریعة ، ج 1 ، ص 424؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 13 ، ص 355.



کتاب اهل سنت بکشاند. بسیاری از محدثان شیعه، به مطالعه کتب حدیثی اهل سنت پرداختند تا از لابه لای کتب آنها، احادیثی را که در فضایل اهل بیت علیهم السلام آمده، گردآوری نمایند و برای استفاده عموم، عرضه نمایند. سید هاشم بحرانی (م 1107 ق) در کتاب *الإنصاف فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر*، بیش از سیصد روایت که در نصّ بر امامت دوازده گانه از اهل بیت علیهم السلام در مصادر شیعه و سنی وارد شده، گردآوری نمود. (1) محمد شفیع بن محمد علی استرآبادی (م 11 ق) نیز، احادیثی را در فضایل امیر مؤمنان از کتاب های اهل سنت انتخاب کرد و با ذکر مصدر، آنها را در مجموعه چهل حدیثی جمع آوری نمود. (2) پالایش منابع حدیثی شیعه از سایر روایات، در نظر علامه مجلسی هم کاری ضروری بود تا جایی که وی، درباره مسائل اخلاقی و استحبابی هم بدان ملتزم بود. در بحث «تسامح در ادله سنن» که معمولاً آن را به «احادیث من بلغ» مستند می کنند، پس از توضیح این نکته که چرا در این مورد می توان به اخبار ضعیف السنن یا مجهول عمل کرد، از برخی اصحاب امامیه انتقاد می کند که در مسائل اخلاقی و استحبابی به روایات غیر امامی مراجعه کرده اند و آنها را در آثار خود آورده اند. به گفته او، این کار، سبب می شود که ناخواسته، برخی بدعت های عبادی به حریم احکام فقهی راه یابد. (3) گلابیه علامه مجلسی از ابن ابی جمهور احسائی، از همین نظرگاه است که وی با آن که اهل فضل بوده، در کتاب *عوالی اللئالی*، اخباری را وارد کرده که راویان آنها افرادی غیر امامی بوده اند. (4)

- 
- 1- *الإنصاف فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر*، ص 26.
  - 2- *الذریعة*، ص 418؛ *تکلمة أمل الآمال*، 9، ص 246.
  - 3- *بحار الأنوار*، ج 2، ص 256 \_ 257؛ *علامه مجلسی*، ص 189.
  - 4- *بحار الأنوار*، ج 1، ص 31؛ *علامه مجلسی*، ص 189.

علاّمه مجلسی با وجود زمینه های فکری مخالف و وجود نشانه های عدم اعتنا به احادیث اهل سنّت، همه کتاب های مهمّ حدیثی را که تألیف عالمان اهل سنّت بوده اند، مطالعه کرده و برای استفاده های گوناگون، همچون: تأیید احادیث شیعه، تعیین موارد تقیّه، احتجاج و استدلال و یا بیان و کشف مشکلات لغوی و معنوی آنها، نقل کرده است. (1) هر چند این عمل، عیب نیست و منطقی هم به نظر می رسد؛ ولی آنچه مطرح است، نفس استفاده از آثار اهل سنّت است. در واقع، یکی از نقاط قوّت روش علاّمه مجلسی در بحار الأنوار، توجّه او به روایات اهل سنّت است. وی در فصل اوّل مقدّمه آورده است: برای تصحیح الفاظ روایات و تعیین معنای آنها به کتاب های لغت و کتاب های شرح حدیث اهل سنّت، مراجعه می کنم. وی، بیست کتاب لغت، 52 کتاب حدیث و سیزده کتاب شرح حدیث از اهل سنّت را نام برده که به آنها مراجعه کرده است و می گوید: گاهی روایات اهل سنّت را نقل می کنم تا پاسخ آنها را بدهم و یا بر خود آنها استدلال می کنم و گاهی برای بیان مورد تقیّه یا تأیید روایات شیعه، آنها را نقل می کنم. (2) علاّمه مجلسی، درباره علل این استناد و نقل روایات از کتب اهل سنّت می گوید: برخی از علمای شیعه، احادیث را از کتاب های اهل سنّت نقل کرده اند، امّا اکنون آن احادیث در کتاب های آنان وجود ندارد و یا آن که آن احادیث با آنچه شیعیان نقل کرده اند، تفاوت فراوان دارد. علّت این مسئله، یا اختلاف نسخه های احادیث است و یا آن که اهل سنّت به جهت عناد این احادیث را از کتاب های خود، حذف کرده اند و به همین

1- برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: یادنامه مجلسی، ج 2، ص 231.

2- بحار الأنوار، ج 1، ص 25.

جهت ، من دوست دارم احادیث آنها را از کتاب های خودشان نقل کنم و چون «جامع الأصول» (1) بهترین کتاب آنان است ، فراوان از آن نقل می کنم. (2) و اما منظور ما از آرایش های حدیثی عصر حاضر ، همان کاری است که ملاً محسن فیض انجام داد. وی کتاب إحياء علوم الدين امام محمد غزالی را به روایت ائمه معصوم عليهم السلام آراست و آن را المَحَجَّةُ البِيضَاءُ فِي إِحْيَاءِ كِتَابِ الإِحْيَاءِ نام نهاد. محقق ارجمند علی اکبر غفاری ، در مقدمه خود بر این کتاب به نقل از مدرّسی چهاردهی ، مؤلف کتاب طبقات المفسرین ، آورده است: کتاب «المَحَجَّةُ البِيضَاءُ» که در تهذیب «إحياء العلوم» غزالی نوشته شده است ، روایات فراوانی از ائمه عليهم السلام در علوم اخلاق ، علم نفس و ادب ، به صورت گسترده آورده است و در حقیقت ، کتاب تفسیر قرآن و شرح احادیث امامیه است. فیض ، در این کتاب از عقاید و آرای غزالی به صورت تحلیلی بحث کرده و سپس با استناد کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله ، به نقد و تهذیب آنها پرداخته و در همه تألیفات خویش برای آرای خود به قرآن و احادیث صادر از اهل بیت وحی ، استشهاد کرده است. (3) آرایش های فیض در این کتاب ، به دنبال پالایش هایی است که در کتاب إحياء العلوم انجام داده است. او می گوید به جای کتاب «آداب السمع والوجد» بعد از کتاب «آداب المعیشة و أخلاق النبوة» ، کتاب «آداب الشیعة و أخلاق الامامة» را قرار داده است؛ چرا که سماع و وجد ، جزو مذهب اهل بیت عليهم السلام نیستند. (4)

- 
- 1- جامع الأصول لأحادیث الرسول ، تألیف مبارك بن محمد جزری ، شافعی ، معروف به ابن اثیر (م 606 ق) .
  - 2- بحار الأنوار ، ج 36 ، ص 364؛ آشنایی با بحار الأنوار ، ص 149.
  - 3- المَحَجَّةُ البِيضَاءُ فِي تَهْذِيبِ الإِحْيَاءِ ، ج 1 ، ص 24.
  - 4- همان ، ص 4 (مقدمه) .

**فصل پنجم : محتوای فعالیت های حدیثی در سده های دهم و یازدهم هجری**

.

.

فصل پنجم: محتوای فعالیت های حدیثی در سده های دهم و یازدهم اوایل قرن دهم هجری، مقارن با پیدایش صفویه (907 ق)، در بین علمای شیعه پرداختن به روایات فقهی از درجه اهمیت بالایی برخوردار بود و کتاب های فقهی محمد بن علی بن ابراهیم ابن ابی جمهور احسایی به نام های عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه و دُرر اللئالی العمادیّه فی الأحادیث الفقهیه، این نکته را نشان می دهد. احتمالاً دو عامل، سبب پرداختن به روایات فقهی در این دوره گردیده است: 1. گسترش صوفی گری و اباحه گری آنان در مسائل دینی، نوعی بی تفاوتی نسبت به احکام فقهی را به وجود آورده بود و این، سبب پرداختن علما به روایت های فقهی گردیده است. 2. ماهیت حکومت صفویه که بر مدار دین و مذهب می چرخید و عطش مردمان نسبت به مسائل و احکام فقهی، سبب این گرایش بود، کما این که کتاب فقهی جامع عباسی شیخ بهایی، نشانگر رغبت مردم نسبت به فهم مسائل فقهی خودشان بوده است. از گفته های محمد تقی مجلسی، پرداختن به روایات فقهی در اوایل این دوره، کاملاً مشهود است:

در اصفهان، جدّ این شکسته، کتب حدیث را بر شیخ الطائفه علی بن عبدالعالی کرّکی خوانده و اجازات او را داشت؛ امّا چون رغبت مردمان در فقه بیشتر بود، مدارش بر درس فقهیه بود. (1) علامه محمّد باقر مجلسی (م 1111 ق) که از 25 سالگی شروع به تألیف و تصنیف نمود، اولین کتاب خود را به نام میزان المقادیر (2) یا رسالة الأوزان به سال 1063 ق، در مسائل فقهی به رشته تحریر درآورد. علی رغم گرایش به احادیث فقهی در طول این دو قرن، اعتقادات و احادیث اعتقادی، جایگاه خاصّ خودشان را داشته اند. علمای این دوره، از يك سو برای ترویج مبانی تشیّع، و از سوی دیگر، برای تبیین مبانی حکومت و مستحکم نمودن پایه های آن در طول نزدیک به 230 ساله حیات آن، پرداختن به احادیث اعتقادی را در دستور کار خود قرار دادند و حکومت صفویّه و حاکمان آن را با احادیث، منطبق می ساختند. قبل از پرداختن به مصادیق مطالب گفته شده، گفتنی است که در این دوره، احادیث اعتقادی در دو حوزه شکل گرفته است: اوّل. حوزه ای - که بیشتر جنبه برونّ مذهبی داشته است - مقارن با پیدایش حکومت صفویّه و کشمکش های به وجود آمده میان شیعه و سنی بر سر مسائل اعتقادی ای همچون امامت، علمای شیعه را بر آن داشت تا در صدد فراهم نمودن کتاب ها و رساله های اعتقادی و یا مجموعه های چهل حدیثی تحت عناوین اصولی، نظیر: امامت و بیان فضائل و معجزات ائمه معصوم علیهم السلام، فروع (نظیر احکام) و مسائل اعتقادی (نظیر غیبت و رجعت) برآیند. از آثار نگاشته شده در این حوزه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1- لوامع صاحبقرانی، ج 1، ص 37.

2- الذریعة، ج 23، ص 319.

1. فتوحات القدس یا فواتح المسك، (1) از سید یوسف بن محمد حسین استرآبادی (ق 11 ق). در بیان فضایل و معجزات ائمه معصوم علیهم السلام به زبان فارسی در پانزده باب، که مؤلف در سال 1006 ق، شروع به تألیف آن کرد و به سال 1041 ق، به پایان رساند. 2. احقاق الحق و إزهاق الباطل، از قاضی نور الله شوشتری (مق 1011 ق). (2) قبلاً بدان اشاره شد. 3. خیر الکلام، فی المنطق والکلام، و إثبات إمامة كل واحد من أئمة الأنام، (3) از سید خلف بن سید عبدالمطلب موسوی مشعشعی حویزی (م 1074 ق). حاوی مباحث بسیار مفصل عقلی و نقلی در موضوعات مختلف اعتقادی، بخصوص امامت است. 4. حدیقة الشیعة، (4) منسوب به مقدّس اردبیلی (م 993 ق). در اثبات نبوت خاصّه و عامّه است. 5. حق الیقین، (5) از محمد باقر مجلسی. در اصول پنجگانه دین با توضیح بیشتر درباره امامت و ذکر ضروریات دین است. 6. حیاة القلوب، (6) از محمدباقر مجلسی در احوال انبیا و ائمه علیهم السلام در سه مجلد به زبان فارسی است: جلد اول، در بیان اُمم گذشته؛ جلد دوم، در بیان احوال پیامبر صلی الله علیه و آله؛ جلد سوم، در بیان احوال ائمه و جانشینان آنها. 7. علم الیقین فی أصول الدین، از ملاّ محسن فیض کاشانی (م 1091 ق). حاوی مباحث مفصّلی است مستفاد از قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام در شناختن اصول

1- همان، ج 16، ص 366.

2- همان، ج 1، ص 290.

3- همان، ج 7، ص 285؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 1، ص 352.

4- الذریعة، ج 6، ص 385.

5- همان، ج 7، ص 40.

6- همان، ص 121.

اعتقادی و آنچه فرا گرفتن آن بر هر مسلمان ، لازم است که تألیف آن به سال 1042 ق ، به پایان رسیده است. 8. الأربعین فی إمامة الطاهرین ، از ملاّ محمّد طاهر بن حسین شیرازی قمی (م 1098 ق). چهل دلیل عقلی و نقلی قطعی است بر اثبات امامت ائمه معصوم با پیش گفتاری در احادیث و روایت هایی که اهل سنت در امامت حضرت امیر مؤمنان نقل کرده اند و پاسخ با استفاده از گفته ها و شبهات آنها ، و خاتمه ای درباره پاره ای از عقاید آنان در اصول و فروع دین و مسائل اعتقادی. دوم . حوزه ای که بیشتر جنبه درون مذهبی داشت و احادیثی بود که عالمان دین ، حکومت صفویه و حاکمان ، آن را با این احادیث ، منطبق می ساختند. منسوب است که شیخ بهایی ، به نقل از پدر خویش ، حدیثی را از امام علی علیه السلام بدین مضمون نقل می کند: إنّ لنا بأردبیل کنزاً وأیّ کنز ، لیس بذهب ولا فضة ولکنّه رجل من أولادی یدخل تبریز مع إثناعشر ألف راکبا بغلة شهباء وعلی رأسه عصابة الحمراء. (1) این حدیث در منابع معتبر حدیثی یافت نشد. در شرح حدیث « دولتنا فی آخر الزمان » ، (2) که مؤلف آن ، نامعلوم است ، نویسنده ، سعی در تطبیق دولت صفویه با این حدیث دارد و برای آن ، دوازده دلیل آورده است. علاّمه محمّد باقر مجلسی ، به سال 1078 ق ، در رساله ای که در ترجمه و شرح

1- همانا که در اردبیل برای ما گنجی است و چگونه گنجی که از طلا و نقره نیست؛ اما مردی است از اولاد من که با دوازده هزار سوار ، بر اسب سفید وارد تبریز می شود و سربندی سرخ بر سر دارد (ر. ک: خلاصة التواریخ ، ص 75؛ فارس نامه ناصری ، ج 1 ، ص 369؛ تاریخ ادبیات در ایران ، ص 10) .

2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 4 ، ص 154.



چهارده روایت از ائمه اطهار علیهم السلام دارد و آن را به شاه سلیمان تقدیم داشته ، می نویسد: در اثنای جمع احادیث [بحار الأنوار] ، دو حدیث به نظر قاصر رسید که ائمه اهل بیت علیهم السلام به ظهور دولت علیّه خبر داده اند و به اتّصال این سلطنت بهیّه به دولت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ، شیعیان را بشارت فرموده اند. (1) وی در حدیث اول که از کتاب شیخ محمد بن ابراهیم نعمانی آورده ، حدیثی را به نقل از ابوخالد کابلی از امام باقر علیه السلام روایت می کند که بنا بر آن ، امام علیه السلام از گروهی «طالب حق» در روزگار آینده خبر می دهد که بارها در راه گرفتن حق ، شکست می خورند و سرانجام ، دست به سلاح می برند و «حق» را می گیرند. آن گاه ، این حق را به امام عصر می سپارند. علامّه مجلسی ، در شرح این حدیث می نویسد: کسی که از سوی مشرق ظهور کرد و طلب دین حق کرد و مردم را به دین حق ، فرا خواند و پادشاهی یافت ، به غیر از سلسله صفویّه \_ خلدالله ملکهم \_ نبود و در این حدیث شریف ، همه شیعیان ، خاصّه انصار و اعوان این دولت ابد توأمان را بشارت هاست که بر عاقل ، پوشیده نیست. (2) وی به دلایل و براهین آیات قرآنی ، حکم های صریح نموده که سلسله پادشاهان صفویّه ، نسلاً بعد نسل ، بی شک به ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله خواهد رسید . (3) برخی دیگر نیز برای اثبات این ادّعا ، از روایات و حساب جُمّل ، یاری می جستند. (4) علاوّه بر گرایش به احادیث فقهی و اعتقادی که علل و عوامل آن ذکر گردید ، پرداختن به احادیث اخلاقی و احادیثی در زمینه سنن و آداب در این دوره ،

- 
- 1- رجعت ، شرح چهارده حدیث ، ص 5 \_ 12؛ مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفویّه ، ص 123 \_ 124 ، روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویّه تا پایان جنگ دوم جهانی ، ص 39.
  - 2- همان جا .
  - 3- رستم التواریخ ، ص 98.
  - 4- تاریخ نگارستان ، ص 385؛ بستان السیاحه ، ص 85؛ تشیع و تصوّف ، ص 390.

موردتوجه علما بوده که در این جا به برخی از آنها اشاره می شود. 1. الأربعین حدیث، (1) نوشته حسین بن عبدالصمد عاملی. کتاب، در نیکی های اخلاقی است که مؤلف، اخلاق ممدوح و مذموم و افعال حسن و قبیح را جمع آوری کرده است: 27 حدیث در فضایل و سیزده حدیث در رذایل اخلاقی. حدیث اول در اخلاق و حدیث چهارم درباره مرگ و ترس و وحشت از آن است. این کتاب در سال 1419 ق، توسط دارالأضواء بیروت به چاپ رسیده است. 2. الأربعون حدیثا، از شیخ بهایی. (2) در آن، احادیث جالب توجهی درباره مسائل اخلاقی آمده است. شیخ بهایی، در احادیث متعدد، مسائل اخلاقی و اجتماعی را مطرح می کند: صفات اولیای خداوند، تربیت و تهذیب نفس (حدیث 2)، اوصاف دوست و هم نشین (حدیث 18) وفای به عمل (حدیث 19)، و جوب دوری از گناهان (حدیث 23)، خالص کردن عمل و نکوهش کردن عجب و خودبینی (حدیث 26)، دستورهای اخلاقی، ارزشمند و سازنده از امام علی علیه السلام (حدیث 30)، ثواب انجام دادن عمل خیر، اذکار و دعاها پُر برکت، برانگیخته شدن از قبر، حقوق برادران دینی، منزلت و ارزش معنوی مؤمن، اخلاص نیت و صدق عمل، توبه و بازگشت به سوی خدا و اوضاع قبر و احوال آن (حدیث های 31 \_ 39). 3. الأربعین حدیث، (3) از محمد تقی مجلسی (م 1070 ق). در احکام و اخلاق، همراه با شرح و توضیح آنهاست. 4. الحقائق فی أَسرار الدین، از ملا محسن فیض کاشانی. این کتاب، برگزیده المحبّة البیضاء است.

1- الذریعة، ج 1، ص 414.

2- همان، ص 425.

3- همان، ص 413.

5. ترجمة الشريعة، از فیض کاشانی. کتاب به زبان فارسی و در کیفیت سلوک راه حق و بیان اعمال نیک و شایسته است. 6. التطهیر، گزیده النخبة، از فیض کاشانی. دیگر اثر فیض در علم اخلاق است. 7. الأربعین، از علامه مجلسی. (1) شامل پندها و موعظه های امام علی علیه السلام درباره دنیا (حدیث 25)، (2) نجوای خدا با موسی علیه السلام درباره قساوت قلب (حدیث 29) (3) و چیزهایی که خداوند به وسیله آن، حضرت عیسی علیه السلام را موعظه می کرد؛ از قبیل: صبر بر بلا و مصیبت، یاد خدا، همنشینی، تلاش در راه خیر و... (حدیث 30). (4) 8. آداب النفس، نوشته سید محمد عینائی (از علمای قرن یازدهم هجری). مؤلف در سال 1088 ق، تألیف آن را به پایان رسانده است.

---

1- همان، ص 412.

2- کتاب الأربعین، ص 377، 448 و 462.

3- همان جا.

4- همان.

**فصل ششم: متون حدیثی در سده های دهم و یازدهم هجری**

**اشاره**

.

.

**بک . تدوین**

فصل ششم: متون حدیثی در سده های دهم و یازدهم هجری گسترش روز افزون فعالیت های حدیثی، باعث بروز نوآوری هایی در ذهن متخصصان این رشته گردید و اهل فن را بر آن داشت تا با احیای کتب حدیثی، مطالب این رشته را به طور اختصاصی دنبال نمایند. تصادم آرا و افکار، یعنی گسترش تفکر اخباریگری از یک سو، و مقابله اصولیان با آنها، از سوی دیگر، گروهی از علما را بر آن داشت تا تلفیقی بین عقل و نقل به وجود آورند و این کار مهم، توسط صدر المتألهین ملا صدرا (م 1050 ق) شکل گرفت. وی در علوم نقلی، شاگرد شیخ بهاءالدین عاملی بوده و سال های متمادی نزد او به قرائت فقه، اصول، حدیث و رجال، اشتغال داشته است و از وی، حدیث نقل می کرده است. (1) دوره حکومت صفویه - که دوره انقطاع از تصوّف و ابتلا به اخباریگری بود - ملا صدرا را بر آن داشت تا با تألیف کتاب کسر أصنام الجاهلیّة، با استشهاد به آیات و احادیث و گفتار فلاسفه، پاسخی فلسفی به صوفیان بدهد. وی در علم حدیث و رجال، صاحب نظر بوده و بسیاری از حقایق مربوط به مبدأ

---

1- شرح حال و آرای فلسفی ملا صدرا، ص 4.

## الف . اربعين نوبسي

و معاد را از اهل بيت وحی ، استنباط نموده است ؛ (1) ولی این کار ، چندان دوام نیافت و چنان که قبلاً گفته شد ، بیشتر تألیفات حدیثی این دوره بر اساس تفکر اخباریگری شکل گرفته است و با ظهور اخباریگری و مقابله دو نحله فکری ، اصولی \_ اخباری ، باعث توجه به علم حدیث و گسترش فعالیت های حدیثی گردیده است. کاوش های حدیثی که در این دوره بر روی منابع حدیثی شیعه و بخصوص کتب اربعه صورت گرفت ، در تاریخ حدیث شیعه بی نظیر است. راجر سیوری ، درباره فعالیت های حدیثی این دوره می نویسد: حدیث در این دوره ، به صورت گردآوری و مقابله (2) احادیث شیعی بود. (3) ولی با تتبع و جستجو در منابع حدیثی ، پژوهش های حدیثی این دوره را \_ بیشتر از مواردی که سیوری نقل می کند \_ بدین گونه می توان دسته بندی کرد: يك . تدوین ، دو . ترجمه ، سه . حاشیه نویسی ، چهار . درایه ، پنج . رجال ، شش . شرح نویسی ، هفت . غریب الحدیث ، هشت . فقه الحدیث. در این فصل و فصل بعد ، به این عناوین می پردازیم .

يك . تدوینتدوین یا گردآوری مجموعه های حدیثی در این دوره به سه شکل انجام گرفته است: اربعین نویسی ، گسترده نگاشت و تكم . نگاری .

1- همان جا .

2- مقابله در لغت به معنای تطبیق یا مقایسه دو نسخه و مانند آن ، و در اصطلاح ، دو نسخه از کتابی را برای پیدا کردن غلط های آن با هم خواندن است (ر.ك: لغت نامه دهخدا ، ذیل «مقابله» ) . برای مثال ، خاتون آبادی می نویسد: «در زمان شاه عباس ثانی در سال 1059 ق ، فقیر در خدمت مولانا عبدالله تونس ، مقابله [کتاب ] من لایحضره الفقیه را شروع کرده بودم» یا «چندین سال مقابله احادیث اهل بیت علیهم السلام در خدمت رئیس المحدثین مولانا محمد تقی مجلسی کردم. اصول کلینی و [کتاب] من لایحضره الفقیه ، بالتمام ، در خدمت آن جناب ، سماعا به عمل آمد» (وقایع السنین والأعوام ، ص 516).

3- ایران عصر صفوی ، ص 233.

الف . اربعين نویسیاربعین نویسی ، در تاریخ حدیث ، از دیر زمان رواج داشته و این عمل عالمان شرع ، مستند بر حدیثی مستفیض (1) است که به سند متصل (2) از پیامبر اکرم روایت شده است: من حفظ علی اربعین حدیثا فیما ینفعهم من امر دینهم بعثه الله یوم القیامة من العلماء. به همین سبب ، بسیاری از عالمان شرع ، اعم از شیعه و سنی ، از سده های سوم و چهارم هجری به بعد به گردآوردن یا شرح کتاب هایی به نام «اربعین» پرداختند و چون در قرن دهم هجری ، دور به عالمان شیعه رسید ، همین کار را دنبال کردند. شیخ بهایی ، با شش سند ، (3) حدیثی را از امام موسی کاظم علیه السلام از پدرانش ، از رسول خدا روایت کرده است که فرمود: من حفظ علی اربعین حدیثا ینتفعون ممّا یحتاجون الیه فی امر دینهم بعثه الله عز و جلیوم القیامة فقیها عالما. (4) محتوای مجموعه های «اربعین» این دوره ، در بیان مسائل اعتقادی ، مناقب و فضائل ائمه علیهم السلام ، سنن ، آداب و احکام ، اخلاق و... است که ماحصل مجموعه ها بدین قرار است : (5) 1 . الأربعین فی فضائل الإمام امیرالمؤمنین علیه السلام و یلیه أسماء اولاده ، (6) از امیر جمال الدین محدث شاهرودی (م 930 ق). این کتاب ، شامل چهل حدیث از احادیث

- 
- 1- .مستفیض ، خبری است که راویان آن در هر طبقه بیش از دو تن و به قولی بیشتر از سه تن باشند؛ ولی به سر حدّ تواتر نرسیده باشد (درایة الحدیث ، ص 49).
  - 2- .وصول الأخیار إلى أصول الأخبار ، ص 38.
  - 3- .الأربعون حدیثا ، ص 63 \_ 65.
  - 4- .الخصال ، ج 2 ، ص 150؛ ثواب الأعمال ، ص 300؛ الکافی ، ج 1 ، ص 49.
  - 5- .آن دست از آثاری که در بخش های متعدّد ، در حین بحث محدثان به صورت تفصیلی بدانها اشاره شده ، در این بحث ، گنجانده نشده اند.
  - 6- .ریاض العلماء ، ج 3 ، ص 315؛ الذریعة ، ج 1 ، ص 421.

پیامبر اکرم در منقبت امام علی علیه السلام است. این کتاب با تحقیق محمد حسن زبری، توسط مجمع البحوث الاسلامیة للدراسات والنشر به چاپ رسیده است. اول آن: «الحمد لله شكرا لا شريك له». آخر آن: «واسقني شربة بكف علي سيد الأولياء، زوج البتول و صلي الله علي خير خلقه». 2. الأربعون حديثا في مناقب الأئمة الطاهرين، (1) از مؤلفی ناشناخته. شامل چهل حدیث در مناقب ائمه عليهم السلام است و به زبان فارسی نوشته شده است. صاحب الذریعه می نویسد: در آن «عبدالصمد» نوشته شده؛ ولی معلوم نیست والد حسین بن عبدالصمد، جدّ شیخ بهایی است یا شمس الدین محمد جبعی (م 935 ق). 3. الأربعون حديثا في الفضائل از شیخ زین الدین علی بن احمد الشامی (شهید ثانی) (مق 966 ق). (2) چهل حدیث در فضایل امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. مقدّس اردبیلی در حدیقة الشیعة، از روایات آن، نقل می کند. 4. الأربعون حديثا، از شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی (م 984 ق). (3) چهل و پنج حدیث در تکالیف و وظایف بندگان و آداب و آموزه های اخلاقی است که مؤلف به صورت مختصر و با حذف اسناد آنها آورده است. علامه مجلسی از آن در بحار الأنوار، استفاده کرده است. این رساله با تصحیح آقای علیرضا هزار در دفتر هشتم میراث حدیث شیعه (ص 20\_32) به چاپ رسیده است. 5. الأربعون حديثا، از عبدالله بن محمود بن سعید شوشتری (مق 997 ق). (4) وی

1- الذریعة، ج 1، ص 419\_420.

2- همان، ص 416.

3- همان، ص 410.

4- همان، ص 420\_421.



در زمان غلبه ازبکان بر مشهد مقدس در میدان بخاری سوزانده شد. این رساله، شامل چهل حدیث در فضائل امیر مؤمنان و ائمه علیهم السلام است. در آخر آن، خاتمه ای است در شانزده حدیث درباره نهی از وسواس. 6. الأربعون حدیثا، از فیض الله بن عبدالقاهر حسینی تفریسی (م 1025 یا 1026 ق). (1) چهل حدیث مسند از طریق امامیه در موضوعات اخلاقی است که مؤلف، بعد از بیان هر حدیث به ترجمه و شرح مختصر آن پرداخته است. 7. الأربعون حدیثا (2)، از فیض الله بن عبدالقاهر حسینی تفریسی. چهل حدیث معتبر صحیح درباره مخالفان اهل بیت علیهم السلام است که بیشتر آنها از الکافی گرفته شده، به همراه گفته هایی از تفریسی در پایان هر حدیث. 8. الأربعون حدیثا، از محمد صادق بن محمد اسدی جزایری شیرازی (م پس از 1082 ق). (3) چهل حدیث در فضایل امیر مؤمنان، که مؤلف، بجز دو حدیث، سایر احادیث را از کتب اهل سنت، استخراج کرده است. یکی از آن دورا از عیون الأخبار و دیگری را از الأربعین شیخ بهایی نقل می کند. اول آن: «الحمد لله الذي بعث محمداً بولاية علي بن أبي طالب». 9. الأربعون حدیثا، از شیخ فخرالدین طریحی (م 1085 ق). چهل حدیث، درباره امرار معاش و معاد است. این رساله با تحقیق محمد سعید طریحی، توسط مؤسسه بلاغ بیروت به چاپ رسیده است. 10. الأربعون حدیثا فی مناقب أمير المؤمنين عليه السلام، از ملا محسن فیض کاشانی (م 1091 ق). (4) شیخ یوسف بحرانی در کشکول انیس المسافر، از آن نقل می کند. 11. الأربعون حدیثا فی مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام، از ملا محسن فیض کاشانی

1- فهرست نسخه های خطی مرکز احیای میراث اسلامی، ج 1، ص 20.

2- الذریعة، ج 1، ص 424؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 13، ص 355.

3- الذریعة، ج 1، ص 418 \_ 419.

4- همان، ص 423.

## ب. گسترده نگاشت

(م 1091 ق). (1) ملاّ محسن فیض ، در فهرست تصانیفش آورده است که احادیث الأربعون را از کتاب برخی از اصحاب در فضایل علی علیه السلام انتخاب کرده و در حدود 3300 بیت (سطر) است. 12. الأربعون حدیثاً و دلیلاً فی إمامة الأئمة الطاهرين عليهم السلام ، از محمّد طاهر بن حسین شیرازی نجفی قمی (م 1098 ق). (2) مؤلف ، چهل دلیل در اثبات امامت امیر مؤمنان را از اخبار روایت شده در کتب مخالفان آورده و در آن به بعضی از عقاید عامّه در اصول و فروع ، اشکال وارد ساخته است. صاحب الذریعة ، آن را در میان کتاب های محمّد علی خوانساری در نجف دیده است. 13. الأربعون حدیثاً ، از محمّد شفیع بن محمّد علی استرآبادی (ق 11 ق). (3) چهل حدیث در فضایل حضرت علی علیه السلام که از کتاب های اهل سنت با ذکر مصدر و حذف اسانید ، انتخاب شده است و به دنبال هر حدیث ، به طور مفصّل ، شرح داده شده و مطالب فراوانی که مناسب با حدیث باشد ، ضمن شرح آمده است. 14. کفایة المهدی فی معرفة المهدی ، از میر محمّد بن محمّد لوحی حسینی سبزواری (ق 11 ق). مؤلف ، چهل حدیث از روایت فضل بن شاذان ( / شاذان) نیشابوری (ق 3 ق) صاحب کتاب الغیبة درباره حضرت مهدی (عج) ، جمع آوری نموده و در سال 1083 ق ، تألیف آن را به پایان رسانده است. 15. الأربعون حدیثاً فی المعارف ، با شرح توأم با تحقیق ، قاضی محمّد سعید بن محمّد مفید قمی (م پس از 1100 هـ). (5) .

1- همان ، ص 424.

2- همان ، ص 419.

3- همان ، ص 418.

4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، ج 3 ، ص 58.

5- الذریعة ، ج 1 ، ص 417.

## جوامع ثانویه حدیث در سده یازدهم هجری

اول آن: «الحمد لله الذي أعاننا بمعادن حكمته عن زخارف الدنيا وهدانا بفضل رحمته إلى خزائن وحيه محمد وآله أئمة الهدى». 16 . الأربعون حديثا (با شرح و بیان)، از سید میرزا محمد باقر بن معزالدین حسین رضوی، معاصر شیخ حرّ عاملی. (1) 17 . الأربعون حديثا ، از علامه محمد باقر مجلسی (م 1111 ق). (2) این احادیث، از روایت های مشکل مربوط به اصول دین، فروع و اخلاقیات که در امور دینی مردم لازم باشد، انتخاب شده و در سفر زیارتی وی به مشهد مقدّس، برای علمای آن سرزمین، تدریس شده است. 18 . الأربعون حديثا (فی الامامة) یا سرور الشیعة، از علامه مجلسی. (3) درباره امامت و شرح آن به زبان فارسی همراه با خاتمه مفید است؛ ولی در کتاب شناسی علامه مجلسی، جزو آثار پراکنده و منسوب به وی آمده است. (4)

ب. گسترده نگاشتی دیگر از بخش های مربوط به تدوین حدیث در قرن دهم و یازدهم هجری، جمع آوری مجموعه های بزرگی مشتمل بر احادیث کتب اربعه و دیگر متون حدیثی شیعه بوده است. گسترده نگاشت های این دوره، از حیث جامع بودن، در تاریخ حدیث شیعه بی نظیر بوده است. بعد از شکل گیری کتب اربعه حدیثی \_ که تا قرن پنجم به طول انجامید \_ تاریخ حدیث شیعه تا سال 1068 ق، که منجر به جمع آوری

1- همان، ص 412.

2- همان، ص 412؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 4، ص 348؛ فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آستان قدس، مجموعه ش 15312.

3- الذریعة، ج 1، ص 411 و ج 12، ص 174.

4- کتاب شناسی علامه مجلسی، ص 324.

کتاب شریف الوافی گردید \_ از مجموعه ها بی نصیب بوده است. مجموعه های عظیم روایی در این دوره عبارت اند از: 1. الوافی ، از ملا محسن فیض کاشانی (م 1091 ق). 2. وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعة ، از شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی (م 1104 ق). 3. جوامع الکلم ، از سیّد محمد بن شرف الدین علی ، معروف به میرزا جزیری (م بعد از 1068 ق) . 4. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ، از سیّد محمد باقر مجلسی (م 1111 ق) . آثار حدیثی یادشده ، به «جوامع ثانویه حدیث» معروف اند که همگی در سده یازدهم هجری پدید آمده اند .

جوامع ثانویه حدیث در سده یازدهم هجری به دنبال تک نگاری ها و پراکنده کاری هایی که در حوزه حدیث تا اواسط قرن یازدهم هجری صورت گرفت ، علمای شیعه در صدد فراهم آوردن آثار حدیثی ماندگار برآمدند و دست به تألیف مجموعه های بزرگ حدیثی زدند. در این دوره ، کتب اربعه اولیه حدیث شیعه به شکل خاصی احیا گردید و کتبی که بعدها یافته شده بودند ، بر آنها افزون گشت و به عنوان مستدرکی بر کتب اولیه در دل جوامع ثانویه آرام گرفت. فلسفه همه این جامع نویسی ها ، به خاطر ضرورت های حاصل شده در زمان هر کدام از آنها بوده و این کتب ، مکمل همدیگر بوده و دارای سیر تکاملی هستند؛ بدین گونه که ملا محسن فیض ، اولین گسترده نگار عصر صفویه ، احادیث و روایات کتب چهارگانه حدیث شیعه را در یک جا گردآوری می نماید . به دنبال آن ، شیخ حرّ عاملی ، برای دستیابی آسان فقها در رسیدن به احادیث فقهی ، تمام روایات فقهی را از کتب چهارگانه استخراج نمود و آن را در کتاب وسائل الشیعه ، گردآوری کرد و کاری که

**بك . الوافی**

محمد باقر مجلسی کرد، کامل کننده کتاب ها و در واقع، در نوع خود، بی نظیر است. علامه مجلسی، همه این کتب و کتاب های تازه کشف شده را در يك مجموعه عظیم روایی به نام بحار الأنوار، گردآوری نمود. محمد ابراهیم جنّاتی، درباره علل و عوامل تألیف این مجموعه ها، می نویسد: نمی توان انکار کرد که جنبش اخباریگری و توجه عمیق آنان به متون روایی، تأثیری در تألیف این مجموعه های عظیم روایی داشته و زمینه را برای این منظور آماده کرده است؛ ولی این که رواج اخباریت، تنها عامل تألیف کتاب های روایی بوده، صحیح نیست؛ بلکه عوامل دیگری نیز در آن نقش داشته اند و یکی از آن عوامل، این است که پس از شیخ الطائفه طوسی (م 460 ق)، کتب روایی زیادی کشف گردید که روایاتش در کتب چهارگانه شیعه، مندرج نبود و این ضرورت احساس شد که کتب روایی متفرّق، در مجموعه های بزرگ، گردآوری شود. (1) بعضی برای همگامی با جوامع اولیه حدیث، بر آن شدند تا جوامع ثانویه را هم منحصر در عدد چهار بکنند و آنها را «أربعة ثانویه» یا «متأخره» نام گذاری کنند و در این زمینه، علاوه بر سه کتاب معروف، الوافی، وسائل الشیعة و بحار الأنوار، نظریات مختلفی درباره کتاب چهارم وجود دارد. برخی مستدرک الوسائل مرحوم حاجی نوری (م 1320 ق) را چهارمین کتاب، قلمداد می کنند (2) و برخی بر آن اند که جوامع الکلم سید محمد بن شرف الدین علی، معروف به میرزا جزائری (ق 11 ق)، جزو کتب اربعة است. (3) ولی علی رغم آن که مستدرک الوسائل در میان عامّه (عرف جوامع علمی) از کتب

1- ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، ص 351.

2- الذریعة، ج 21، ص 7.

3- همان، ج 5، ص 253؛ تاریخ ادبیات ایران، ذبیح الله صفا، ص 258؛ هزار و يك نکته، ج 2، ص 680 (نکته 843).

اربعه متأخر به حساب می آید، بر اساس مستندات و مدارك قوی، جوامع الکلم به عنوان اثر روایی چهارم از کتب اربعه متأخر شیعه است. اینک به معرفی اجمالی هر کدام از این کتب می پردازیم.

یک. الوافیاز عالمان بزرگ بعد از محمد تقی مجلسی، محمد بن مرتضی کاشانی معروف به ملا محسن فیض کاشانی (م 1091 ق) است که در بسیاری از رشته های علوم معقول و منقول، سرآمد آقران بود. مهم ترین اثر وی در علم حدیث، کتاب الوافی است. این کتاب \_ که یکی از بزرگ ترین و جامع ترین کتاب های حدیثی در عصر صفوی است \_ شامل شرحی بر اصول و فروع الکافی است و اخبار کتب اربعه را با بیاناتی گاه، اجمالی ذکر کرده (1) و آن را به سال 1068 ق، به پایان رسانده است. هدف فیض از تألیف این کتاب، جمع کردن بین کتاب های چهارگانه اساسی شیعه بوده است، بدین صورت که هر یک از آنها را دارای نقص هایی دیده و دانسته است تنها از راه جمع آوری همه آنها در یک جا و افزودن آیات متناسب قرآن در هر مورد، می توان بر کتاب کاملی در این باب، دست یافت و دشواری های آن کتاب ها را با توضیحی که داده می شود، مرتفع کرد. فیض در شرح این مشکلات، به کتاب های معتبر حدیث، استناد جست و از این راه، کتابی پدید آورد که جوینده را از مراجعه به کتاب های چهارگانه یادشده، بی نیاز می سازد. (2) فیض کاشانی، در مقدمه الوافی می نویسد: این، کتابی است کامل در فنون علوم دین، دربرگیرنده بخشی از آنچه از علوم دین که در قرآن مبین آمده و تمام احادیث ائمه اطهار \_ سلام الله علیهم \_ که در اصول اربعه \_ که مدار دانش حدیث در روزگاران بر

1- تاریخ ادبیات ایران، ذبیح الله صفا، ص 257؛ قصص العلماء، ص 211.

2- تاریخ ادبیات ایران، ذبیح الله صفا، ص 257 \_ 258.

آنهاست \_ آمده؛ یعنی: الکافی، کتاب من لا یحضره الفقیه، تهذیب الأحکام و الاستبصار. و در بیان انگیزه تألیف آن، ناکافی بودن هر یک از کتاب های چهارگانه و بسنده نبودن آنها در مهمّات اخبار وارد شده و هدایت، دشواری مراجعه به مجموع آنها به سبب اختلاف عناوین باب ها، اختلاف کتاب ها در مواضع روایات و طولانی بودن حاصل این تکرارها بوده است. (1) فیض در این کتاب \_ که جامع کتب اربعه است \_ احادیث مکرّر را حذف کرده و بیاناتی در توضیح اخبار جمع مختلفات آن آورده است و با این کار، هم از حجم کتاب کاسته و هم از دو جهت، کار را برای مراجعان، سهل نموده است: اوّل، از نظر حذف مکرّرات به نحو یاد شده و دوم، از جهت تبیین و توضیح مشکلات، که با ذوق سرشار خود و زحمتی که در این کار تحمّل کرده و ممارستی که در فهم احادیث داشته، به شایستگی از عهده این مهم، بر آمده است. (2) به طور خلاصه، در این اثر، چند نکته مهم رعایت شده که عبارت است از: 1. گردآوری احادیث کتب اربعه در یک جا، با توجه به تقدّم و تأخّر ابواب و فصول کتب یاد شده و اختلاف نظر مؤلّفان کتب یاد شده در درج یک حدیث ذیل یک عنوان. این کار، مشکل فقیه را در پیدا کردن حدیث مورد نیاز، آسان می کند؛ 2. حذف اسناد مکرّر یک حدیث که از اتلاف وقت فقیه، پیشگیری می کند؛ 3. حذف مکرّرات احادیث که با چند سند، روایت شده است و اشاره به موارد اختلاف اسناد، که این کار نیز از اتلاف وقت، پیشگیری می کند؛ 4. شرح لغات و مشکلات احادیث؛ 5. جمع دلّلی بین روایات مختلف و بیان مراد از دو یا چند حدیث که به ظاهر

---

1- الوافی، ج 1، ص 4.

2- علم الحدیث، ص 84 \_ 85.

## دو. جوامع الكلم

متعارض اند؛ 6. نقل و تفسیر آیات وارد شده در آغاز هر باب، که فقیه را از مراجعه به تفاسیر و کتب آیات الأحکام، بی نیاز می سازد؛ 7. ذکر روایات از سایر کتب حدیث به عنوان شاهد؛ (1) الوافی به حسب تبویب مؤلف، شامل سه «مقدمه»، چهارده «کتاب» و یک «خاتمه» است. مقدمه نخست، در طُرُق شناسایی علوم دینی است. مقدمه دوم، در شناسایی اسناد احادیث است. مقدمه سوم، در بیان اصطلاحاتی است که در این کتاب به کار برده شده است. اجزای چهارده گانه کتاب، به ترتیب، عبارت اند از: 1. کتاب عقل، علم و توحید، 2. کتاب حجّت، 3. کتاب ایمان و کفر، 4. کتاب طهارت و زینت، 5. کتاب صلاة، دعا و قرآن، 6. کتاب زکات، خمس و مبرّات (وقرض، عتق، مکاتبه، وقف و هبه)، 7. کتاب صوم، اعتکاف و معاهدات، 8. کتاب حج، عمره و زیارات، 9. کتاب حِسْبَه (امر به معروف و نهی از منکر)، احکام و شهادات (و حدود، دیات، قصاص و جهاد)، 10. کتاب معایش، مکاسب و معاملات (و اجاره، دین، ضمان، رهن و امانات)، 11. کتاب معالم، مشارب و تجملات، 12. کتاب نکاح، طلاق و ولادت، 13. کتاب جنایز، فرایض و وصیّات، 14. کتاب روضه که شامل احادیث متفرّقه است. خاتمه الوافی در اسناد احادیث تهذیب الأحکام، الاستبصار و کتاب من لا یحضره الفقیه است که مؤلفان آنها به واسطه رعایت اختصار، از آغاز احادیث، حذف کرده و



### سه . تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة (الوسائل)

در پایان کتاب های نامبرده آورده اند. (1) تألیف این کتاب به سال 1068 ق، به پایان رسید. (2)

دو . جوامع الكلم (3) دومین کتاب از مجموعه های چهارگانه حدیثی متأخر، از آن سید محمد بن شرف الدین علی بن نعمه الله جزائری، معروف به سید میرزا جزائری (م 1021 و به عبارتی پس از 1068 ق) است. (4) این مجموعه در بردارنده روایات صحیح، مؤثق، حسن و حتی ضعیف (5) در زمینه های اصول دین، فقه، موعظه، تفسیر، آداب و اخلاق است که از کتاب های بسیاری، اعم از کتب اربعه و کتاب های دیگر جمع آوری شده است. (6) مؤلف، برای بیان اوصاف احادیث، رموزی را تعیین کرده است که پاره ای از منتقی الجمان فی الأحادیث الصحاح و الحسان صاحب معالم گرفته شده است. پاره ای از این رموز، بدین قرارند: «صح»، برای صحیح مطلق؛ «صحر»، یعنی صحیح عند المشهور؛ «صحی»، یعنی صحیح عند نفسه؛ «ق»، یعنی مؤثق؛ «ح»، یعنی حسن. کتاب از چند «عقد» تشکیل شده و هر عقده، شامل «سمط»هایی است و هر

1- تاریخ حدیث، ص 86.

2- الذریعة، ج 25، ص 13.

3- برای این کتاب، دو اسم آورده اند: 1. جوامع الکلام فی دعائم الإسلام. مؤلف کشف الحجب، این کتاب را با این عنوان آورده است. 2. جوامع الكلم. سید نعمه الله جزائری، شاگرد مؤلف، بر پشت جلد اول کتاب، این عبارت را آورده است: «المجلد الاول من جوامع الكلم، من تصنیفات شیخنا و أستاذنا السید الأجل السید میرزا نعمه الله \_ تعمدہ الله برحمته \_». صاحب الذریعة به طور ضمنی نوشته سید نعمه الله را تأیید می کند و می گوید که او با نام کتاب استادش آشناست. دیگران هم از جمله صاحب روضات الجنات و محدث نوری در خاتمة مستدرک الوسائل، کتاب را به همین نام تعبیر می کنند (ر. ک: الذریعة، ج 5، ص 252).

4- فهرست نسخ خطی اهدایی آقای مشکاة به دانشگاه تهران، ج 3، ص 1273.

5- همان، ص 1274.

6- أمل الآمل، ج 2، ص 275.

## فهرست اجمالی «وسائل الشیعة»

سَمَط ، شامل «جوهر»هایی است. (1) فهرست اجمالی کتاب بر اساس آنچه صاحب الذریعة آورده ، بدین قرار است: عقد اول ، در شناخت خداوند ، دارای سه سمط و سمط دوم ، دارای نُه جوهر. عقد دوم ، در نبوت ، دارای سه سمط. سمط اول ، دارای دو جوهر و سمط سوم ، دارای دوازده جوهر. عقد سوم ، درباره ائمه علیهم السلام چهار سمط. سمط اول ، دارای سه جوهر ، سمط دوم و سوم ، هر کدام دارای دوازده جوهر و سمط چهارم ، دارای ده جوهر. عقد چهارم ، در ایمان و کفر ، دارای پنج سمط. سمط اول ، دارای سه جوهر ، سمط دوم ، دارای پنج جوهر ، سمط سوم ، دارای ده جوهر ، سمط چهارم ، دارای دوازده جوهر و سمط پنجم ، دارای ده جوهر. عقد پنجم ، در دعا ، قرآن و آداب معاشرت ، دارای سه سمط و سمط اول ، دارای ده جوهر. عقد ششم ، در طهارت ، دارای سمط هایی است؛ ولی بر اساس آنچه در الذریعة آمده ، دارای يك سمط و آن هم دارای يك جوهر است.

سه . تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة (الوسائل) این کتاب ، یکی دیگر از جوامع متأخر حدیثی شیعه است که شیخ محدث محمد بن حسن حرّ عاملی آن را تألیف کرده است. وسائل ، کتابی است جامع احادیث فقهی که در استنباط احکام شرعی بدان اعتماد می ورزند. مؤلف در جمع آوری آن از کتب اربعه حدیثی شیعه و بیش از هفتاد کتاب (2) و به عبارتی 82 کتاب (3) از کتاب های مشهور

1- الذریعة ، ص 253 \_ 254.

2- الذریعة ، ج 5 ، ص 254.

3- أمل الآمل ، ج 1 ، ص 142؛ الذریعة ، ج 4 ، ص 352 .

شیعه استفاده کرده و احادیث را به ترتیب کتاب های فقهی از طهارت تا دیات، تنظیم نموده است. وی، انگیزه خود از این تألیف را چنین بیان می کند: اگر کسی کتب حدیثی را مطالعه کرده و از احادیث آن مطلع بوده باشد، در می یابد که مؤلفان آنها این اشکالات را داشته اند: 1. گستردگی و دامنه دار بودن آنها، 2. عدم دسترس آسان به احادیث مورد نظر، 3. پراکندگی اخبار. 4. کثرت گرایی، 5. نیاوردن بسیاری از احادیث درباره مسایل شرعی و... لذا در صدد برآمدن تا در تهذیب علم و تحصیل عمل بکوشم و کتابی را بنویسم که در جمع بین اخبار و تأویل های آن، وجه نزدیک را در نظر بگیرم و تفسیرهای ناشی از افکار صحیح را با رعایت اختصار و مفید بودن آنها برگزینم و از اطاله کلام و زیاده نویسی دوری جویم. (1)

فهرست اجمالی «وسائل الشیعة» (2) ابواب «مقدمة العبادات» 1. کتاب الطهارة (ج 1 \_ 3) 2. کتاب الصلاة (ج 4 \_ 8) 3. کتاب الزکاة (ج 9 تا ص 480) 4. کتاب الخمس (9، ص 482 تا آخر) 5. کتاب الصیام (صوم) (ج 10 تا ص 531) 6. کتاب الاعتکاف (ج 10، ص 533 تا آخر)

1- وسائل الشیعة، ج 1، ص 5 و 8.

2- فهرست اجمالی کتاب، از روی آخرین چاپ آن، توسط انتشارات مؤسسه آل البیت علیهم السلام قم (چاپ دوم) است که در سال 1414 ق، در سی جلد، منتشر شده است.

- 7 . كتاب الحج (ج 11 \_ 14) 8 . كتاب الجهاد (ج 15 و 16 ص 114) 9 . كتاب الأمر بالمعروف و النهى عن المنكر (ج 16) 10 .  
 كتاب التجارة (ج 17 و ج 18 تا ص 377) 11 . كتاب الرهن (ج 18 ، ص 379 \_ 407) 12 . كتاب الحَجْر (ج 18 ، ص 409 \_ 419)  
 13 . كتاب الضمان (ج 18 ، ص 421 \_ 437) 14 . كتاب الصلح (ج 18 ، ص 439 تا آخر) 15 . كتاب الشركة (ج 19 تا ص 13) 16  
 . كتاب المضاربه (ج 19 ، ص 15 \_ 29) 17 . كتاب المزارعة والمساقاة (ج 19 ، ص 31 \_ 65) 18 . كتاب الوديعة (ج 19 ، ص 67 \_  
 89) 19 . كتاب العارية (ج 19 ، ص 91 \_ 99) 20 . كتاب الإجارة (ج 19 ، ص 101 \_ 160) 21 . كتاب الوكالة (ج 19 ، ص 161 \_  
 169) 22 . كتاب الوقوف والصدقات (ج 19 ، ص 171 \_ 215) 23 . كتاب السكنى والحبيس (ج 19 ، ص 217 \_ 228) 24 . كتاب  
 الهبات (ج 19 ، ص 229 \_ 247) 25 . كتاب السَّبْق و الرماية (ج 19 ، ص 249 \_ 256) 26 . كتاب الوصايا (ج 19 ، ص 257 تا  
 آخر) 27 . كتاب النكاح (ج 20 و 21)

- 28 . كتاب الطلاق (ج 22 تا ص 278) 29 . كتاب الخلع والمباراة (ج 22 ، ص 279 \_ 301) 30 . كتاب الظهار (ج 22 ، ص 303 تا 339) 31 . كتاب الإيلاء والكفارات (ج 22 ، ص 340 \_ 405) 32 . كتاب اللعان (ج 22 ، ص 407 تا آخر) 33 . كتاب العتق (ج 23 تا ص 111) 34 . كتاب التدبير والمكاتبة والاستيلاء (ج 23 ، ص 113 \_ 179) 35 . كتاب الإقرار (ج 23 ، ص 181 \_ 186) 36 . كتاب الجعالة (ج 23 ، ص 187 \_ 193) 37 . كتاب الايمان (ج 23 ، ص 195 \_ 290) 38 . كتاب النذر والعهد (ج 23 ، ص 291 \_ 327) 39 . كتاب الصيد والذبائح (ج 23 ، ص 329 تا آخر) 40 . كتاب الأطعمة والأشربة (ج 24 و ج 25 تا ص 384) 41 . كتاب الغضب (ج 25 ، ص 385 \_ 393) 42 . كتاب الشفاعة (ج 25 ، ص 395 \_ 407) 43 . كتاب إحياء الموات (ج 25 ، ص 409 \_ 436) 44 . كتاب اللقطة (ج 25 ، ص 438 الى آخر) 45 . كتاب الفرائض والموارث (ج 26) 46 . كتاب القضاء (ج 27 تا ص 305) 47 . كتاب الشهادات (ج 27 ، ص 307 تا آخر) 48 . كتاب الحدود (ج 28)

## چهار . بحار الأنوار

49 . كتاب القصاص (ج 29 تا ص 187) 50 . كتاب الديات (ج 29 ، ص 189 تا آخر) 51 . خاتمة الكتاب (ج 30) خاتمه كتاب ، مشتمل بر دوازده «فایده» ، به شرح زیر است: 1 . در طرق و اسانید شیخ صدوق که معمولاً در احادیث کتاب من لا یحضره الفقیه ، نیآورده است؛ 2 . در طرق و اسانید شیخ طوسی که در آخر التهذیب والاستبصار ، نقل نموده است؛ 3 . در طرق و اسانید شیخ کلینی و مراد از عدّه ای که از آنان ، حدیث نقل نموده است؛ 4 . در مآخذ و منابع کتاب وسائل الشیعة؛ 5 . در طرقی که مؤلف توسط آنان از مؤلفان منابع یاد شده ، نقل حدیث می کند؛ 6 . در اثبات صحّت منابع یاد شده ؛ 7 . در اصحاب اجماع و صاحبان اصول احادیث و جمعی که توسط ائمه علیهم السلام توثیق شده اند؛ 8 . در قرائنی که موجب وثوق به صدور حدیث است؛ 9 . در استدلال به صحّت کتب حدیثی که از آنها نقل کرده است ؛ 10 . در جواب اعتراضات وارد شده بر اخباریان؛ 11 . در احادیث مُضمَر و تعیین مُضمَر عنه؛ 12 . در احوال راویان حدیث ، به ترتیب حروف تهجّی .

چهار . بحار الأنوار این کتاب که نام کامل آن بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار است ، از آن ملاً محمد باقر مجلسی ، معروف به علامه مجلسی است. علامه مجلسی ، در بیان تدوین کتاب جامع بحار الأنوار ، چنین می گوید: بعد از احاطه بر کتاب های متداول و مشهور ، به جستجوی اصول معتبر مهجور پرداختم. مهجور ماندن این اصول ، ناشی از چند عامل بوده است: 1. استیلای سلاطین و حاکمان مخالف با شیعه ، 2. رواج علوم باطل در بین مردم ، 3. بی اعتنایی و کم توجهی گروهی از متأخران به بازنویسی و استتساخ کتب حدیثی و اکتفا ورزیدن به کتب مشهور به جهت جامع و کافی بودن هر یک از آنها. (1) ... [برای تحصیل انواع کتب حدیثی] تفحص در بلاد دور و نزدیک را آغاز نمودم و به جهت اصراری که در کار خود داشتم ، کسانی را به کمک طلبیدم و آنها را به بلاد مختلف فرستادم تا این که به فضل پروردگار ، تعداد زیادی از اصول معتبر را \_ که در اعصار گذشته به دست فراموشی سپرده شده بود \_ جمع کردم و بر بسیاری از مدارک آنها آگاهی یافتم و نهایت تلاشم را در ترویج ، تصحیح و تنقیح آنها به کار بردم و آنها را در کتابی با فصول و ابواب مختلف ، تنظیم کردم و آن را بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ، نامگذاری کردم. (2) بحار الأنوار ، گذشته از در برداشتن خبرهایی که در کتاب های چهارگانه پیشین شیعه نقل شده ، شامل دوست «اصل» از اصل های چهارصدگانه (اصول اربعمئه) است ، (3) به اضافه آنچه از گفتارهای عالمان شیعی و سنی که با مطالب کتاب در هر

---

1- بحار الأنوار ، ج 1 ، ص 3.

2- همان ، ص 4\_6 .

3- قصص العلماء ، ص 211.

## همکاران علامه مجلسی در تألیف «بحار الأنوار»

مقام، مناسبی داشته است. مجلسی، بر همه مطالبی که از این مأخذها نقل و تلفیق کرده بود، شرح، توضیح و تأویل نوشته و از آن دائرة المعارفی، شامل کلیه خبرها و حکم های فقهی و دستوره های اخلاقی، اعتقادی و تواریخ، قصص انبیا و ائمه اطهار و مطالب اجتماعی، بحث واجب، مستحب، مکروه، حرام، و بیان مسائل اصولی و کلامی و... برای شیعه دوازده امامی ترتیب داده است و از این رو، باید آن را «فرهنگ نامه تشیع» دانست که نه قبل از مجلسی و نه بعد از وی، به چنان هیئتی وجود نداشته است. (1) علامه مجلسی، در استفاده از منابع مختلف در بحار الأنوار، حساسیت خاصی در استفاده از نسخه های کهن و معتبر داشته است. وی، پس از یاد از نام منابع خود، در فصلی با عنوان «فی بیان الوثوق علی الكتب المذكورة و اختلافها فی ذلك»، (2) به بررسی مقدار اعتبار منابع، پرداخته و با تکیه بر آن که نسخه این قبیل منابع، قدیمی و کهن بوده و اجازات علما و محدثان بر روی آنهاست، به اثبات درستی اعتبار آنها پرداخته است. (3) در این جا، این مسئله مطرح می شود که علی رغم هم زمانی علامه مجلسی با شیخ حرّ عاملی، مجلسی چه طور توانسته است به نسخ کهن و قدیمی دست یابد؟ گفتنی است که علامه مجلسی، به لحاظ این که اولاً، از لحاظ مادی متمول بوده است و ثانیاً به دلیل موقعیتی که در حکومت صفویه داشته، دستیابی وی به این نسخ، آسان بوده است و حتی يك بار، بنا به پیشنهاد وی، شاه سلیمان صفوی، یکی از امرای دولت را با هدایایی بسیار، به منظور به دست آوردن کتاب مدینه العلم شیخ صدوق به یمن فرستاد، (4) هر چند که چیزی به دست نیامد.

1- تاریخ ادبیات ایران، ص 259؛ علم الحدیث، ص 91.

2- بحار الأنوار، ج 1، ص 26.

3- مقالات تاریخی، دفتر چهارم، ص 108.

4- رساله اعتقادات، ص 12.



## فهرست اجمالی «بحار الأنوار»

همکاران علامه مجلسی در تألیف «بحار الأنوار» تألیف کتاب بزرگی همچون بحار الأنوار، حقیقتاً از عهده يك نفر خارج بوده و لازم می نمود عده ای او را یاری نمایند. علامه مجلسی، گروهی از شاگردان برجسته خود را برای به انجام رساندن این مهم به خدمت گرفته بود (1) شیوه کار آنها به این شکل بوده است که علامه مجلسی، عنوان هر باب و نشانی روایات مربوط به آنها را مشخص می نموده و شاگردان، احادیث را جمع کرده، ذیل این عناوین، یادداشت می کردند... و گاهی علامه مجلسی، عنوان باب ها و رمز مصادر حدیث و تفسیر آیات و شرح الفاظ حدیث را می نوشته؛ اما متن احادیث، توسط شاگردان ایشان نوشته شده است. (2) گاهی نیز بر عکس است؛ یعنی آیات هر بابی را علامه مجلسی می نوشته؛ اما تفسیر آن به خط شاگردان ایشان و برخی نسخه ها نیز بر عکس این نسخ است؛ یعنی آیات به خط شاگردان است، ولی تفسیر آن به خط علامه مجلسی است. از این جا معلوم می شود که تنها کمک شاگردان، برای نسخه نویسی از روی بحار بوده است (3) به هر حال، در بالای هر صفحه پاورقی، نخست، عنوان بحث را نوشته و آن صفحه را سفید می گذاردند و هرگاه حدیثی مربوط به آن عنوان یافت می شد، ذیل آن برگه یادداشت می کردند. پس از نقل حدیث، مقداری ذیل آن را سفید می گذاردند تا شرح و تفسیر حدیث را یادداشت کنند، همان گونه که مصحح بحار الأنوار در ذیل يك پاورقی گفته است: این جای کتاب، حدود يك صفحه سفید است و علت آن این است که عمر شریف علامه مجلسی، کفاف نداد که تمام مجلدات بحار الأنوار را پاك نویسی کرده، تمام احادیث مشکل را توضیح و تفسیر نماید. (4)

1- آشنایی با بحار الأنوار، ص 213؛ علم الحدیث، ص 89.

2- آشنایی با بحار الأنوار، ص 213\_214.

3- بحار الأنوار، ج 71، مقدمه محمدباقر بهبودی؛ آشنایی با بحار الأنوار، ص 215.

4- بحار الأنوار، ج 1، ص 77، 236\_237، 241 و 268؛ آشنایی با بحار الأنوار، ص 215.

گاهی نیز تنها عنوان باب را نوشته و به جهت مهلت ندادن اجل، هیچ حدیثی ذیل آن عنوان، ذکر نکرده است. (1) به هر حال، پس از تکمیل هر مجلد، آن را به کاتب می دادند تا استنساخ نماید و سپس، علامه مجلسی آن را تصحیح می نموده است. (2) کسانی که علامه مجلسی در تألیف بحار الأنوار، از همیاری آنها بهره گرفته، بدین قرارند: 1. آمنه خاتون (خواهر علامه مجلسی) 2. امیر محمد صالح خاتون آبادی 3. میرزا عبدالله بن میرزا عیسی بیگ اصفهانی، معروف به علامه افندی 4. ملا عبدالله بن نورالدین بحرینی 5. سید نعمه الله جزائری. دو نفر از شاگردان او نیز تنها به کار استنساخ بحار الأنوار اشتغال داشتند (3) که عبارت اند از: ملا ذوالفقار و ملا محمد رضا

فهرست اجمالی «بحار الأنوار» (4) کتاب عظیم بحار الأنوار، نخست در 25 مجلد بزرگ، ترتیب یافته است و آن گاه، علامه مجلسی، جلد پانزدهم آن را به لحاظ حجم بسیار، در دو بخش و در دو مجلد قرار داد و به همین جهت، مجلدات بحار، 26 جلد بوده است که بزرگ ترین کتاب حدیث در میان فریقین است.

---

1- بحار الأنوار، ج 1، ص 77.

2- همان، ص 216.

3- آشنایی با بحار الأنوار، ص 219 \_ 220.

4- برای آشنایی بیشتر با علامه مجلسی و بحار الأنوار، ر. ک: 1. علامه مجلسی، 2. آشنایی با بحار الأنوار.

بحار الأنوار ، دارای 44 کتاب و مجموع مجلّات آن ، شامل 2489 باب است ؛ (1) اما کتاب فهرس مصتفات الأصحاب \_ که علامه مجلسی ، ابتدا آن را تألیف نموده و بحار الأنوار را بر اساس آن گردآوری نموده ، دارای 2848 باب است. (2) مجلّات بحار الأنوار ، (3) به اجمال عبارت اند از: محتوای جلد اول (ج 1 و 2 چاپ جدید ایران و بیروت) که شامل کتاب علم ، و عقل و جهل است. این جلد ، دارای مقدمه ای است که مشتمل بر پنج فصل است: فصل اول ، معرفی مصادر بحار الأنوار؛ فصل دوم ، ارزش و اعتبار مصادر بحار الأنوار ؛ فصل سوم ، رمزهایی که برای مصادر بحار الأنوار تعیین شده است. با این رموز ، مشخص می شود که آن حدیث ، از چه منبعی گرفته شده و آیا آن حدیث ، تنها در يك منبع وجود داشته یا از چند منبع نقل شده است؛ فصل چهارم ، روش علامه مجلسی در مختصر نمودن سند و روایات؛ فصل پنجم ، بیان مقدمات بعضی از کتاب های مصادر. جلد دوم (ج 3 و 4 چاپ جدید ایران و بیروت) ، شامل کتاب های : توحید ، اسمای حُسنا و صفات الهی ، و... . جلد سوم (ج 5 \_ 8 چاپ جدید ایران و بیروت) ، شامل کتاب های : عدل الهی ، معاد ، مشیّت و قضا و قدر و... جلد چهارم (ج 9 و 10 چاپ جدید ، ایران و بیروت) ، شامل کتاب احتجاج ، شامل استدلال ها و مناظره هایی که بین پیامبر اکرم و مشرکان و... رخ داده است.

1- .علم الحديث ، ص 91؛ آشنایی با بحار الأنوار ، ص 261.

2- .علم الحديث ، ص 91.

3- .در این معرفی ، از چاپ 25 جلدی قدیم بحار الأنوار ، استفاده شده است .

جلد پنجم (ج 11 \_ 14 چاپ جدید ایران و بیروت)، شامل کتاب تاریخ زندگی پیامبران الهی و اثبات عصمت آنان و قصص انبیا. جلد ششم (ج 15 \_ 22 چاپ جدید ایران و بیروت)، شامل کتاب تاریخ زندگی و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله، از ولادت تا وفات. جلد هفتم (ج 23 \_ 27 چاپ جدید ایران و بیروت)، شامل کتاب امامت، امامت عامه، شرایط امامت و مشترکات ائمه معصوم علیهم السلام است. جلد هشتم (ج 28 \_ 34 چاپ جدید ایران و بیروت)، شامل کتاب حوادث و ناگواری هایی که پس از پیامبر اکرم، رُخ داد و موجب شد که مسیر خلافت از آنچه پیامبر اکرم تعیین کرده بود، منحرف شود... . جلد نهم (ج 35 \_ 42 چاپ جدید ایران و بیروت)، شامل کتاب تاریخ امیرمؤمنان علی علیه السلام از ولادت تا شهادت. جلد دهم (ج 43 \_ 45 چاپ جدید، ایران و بیروت)، شامل کتاب های: تاریخ فاطمه علیها السلام، امام حسن و امام حسین علیهما السلام. جلد یازدهم (ج 46 \_ 48 چاپ جدید ایران و بیروت)، شامل کتاب های: تاریخ، سرگذشت و فضایل و مناقب امام سجّاد، امام باقر، امام صادق و امام کاظم علیهم السلام. جلد دوازدهم (ج 49 \_ 50، چاپ جدید ایران و بیروت)، شامل کتاب های: تاریخ امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیهم السلام. جلد سیزدهم (ج 51 \_ 53 چاپ جدید ایران و بیروت)، شامل کتاب تاریخ امام دوازدهم حضرت مهدی علیه السلام: ولادت، علّت غیبت، علایم ظهور و... ایشان را در بر دارد. جلد چهاردهم (ج 57 \_ 66 چاپ جدید ایران و 54 \_ 63 چاپ جدید بیروت)، شامل کتاب سماء و عالم است.

جلد پانزدهم (ج 67\_ 66 چاپ جدید ایران و 64\_ 70 چاپ جدید بیروت)، شامل کتاب ایمان و کفر است. منظور از ایمان، فضایل اخلاقی است و منظور از کفر، رذایل اخلاقی. این جلد بحار الأنوار، دارای سه بخش است: بخش اول: ایمان، شرایط آن، صفات مؤمنان، فضایل شیعیان و...؛ بخش دوم: اخلاق حسنه و فضایل اخلاقی؛ بخش سوم: رذایل اخلاقی چون کفر و شعبه‌ها و اسباب آن، و نیز بحث از نفاق و همه صفات زشت. جلد شانزدهم، بخش اول (ج 74 و 75 چاپ جدید ایران و 71\_ 73 چاپ جدید بیروت)، شامل کتاب‌های: معاشرت، درباره آداب فردی (از قبیل: حقوق پدر و مادر، برادران و نظافت و...) و آداب معاشرت اجتماعی است. علامه مجلسی، در ابتدای نگارش بحار الأنوار، تصمیم داشته است که آداب معاشرت (ابواب العشرة) را در جلد پانزدهم قرار دهد؛ اما سپس، تصمیم او عوض شده و آن را در یک کتاب مستقل، قرار داده است. (1) جلد شانزدهم، بخش دوم (ج 76 چاپ جدید ایران و بیروت)، شامل کتاب‌های: آداب و سنت‌ها، امر و نهی، گناهان، زینت و تجمل، و آداب لباس و... جلد هفدهم (ج 77\_ 79 چاپ جدید ایران و 74\_ 75 چاپ جدید بیروت)، شامل کتاب مواعظ است. این مجلد، روضه بحار است و در این قسمت، موعظه خدای متعال در قرآن و احادیث قدسی و موعظه‌های پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام و نیز موعظه «بلوهر و بوذاسف»، نقل شده است.

---

1- بحار الأنوار، ج 67، ص 3؛ آشنایی با بحار الأنوار، ص 266.

**ج . تک نگاری**

جلد هجدهم (80 \_ 91 چاپ جدید ایران و 77 \_ 88 چاپ جدید بیروت)، به بحث از کتاب طهارت و صلاة، نمازهای مستحب و دعاها پرداخته است. جلد نوزدهم (ج 92 \_ 95 چاپ جدید ایران و 89 و 92 چاپ جدید بیروت)، شامل دو بخش است: بخش اول: فضایل قرآن، آداب و ثواب قرآن، اعجاز قرآن، علوم قرآن و تفسیر نعمانی؛ بخش دوم: ذکر و انواع آداب آن، آداب دعا و شرایط آن و بعضی از مناجات ها و دعاهای مشهور. جلد بیستم (ج 96 \_ 98، چاپ جدید ایران و 93 \_ 95 چاپ جدید بیروت)، شامل کتاب های: زکات، صدقه، خمس، روزه، اعتکاف و اعمال روزهای و ماه هاست. جلد بیستم و یکم (ج 99 و 100 ص از ج 100 جدید ایران و 96 و 97 ص از جلد 97 چاپ جدید بیروت)، شامل کتاب های: حج و عمره و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر. جلد بیست و دوم (ج 100 \_ 102 چاپ جدید ایران و 97 و 99 چاپ جدید بیروت)، شامل کتاب های: مزار، آداب زیارت ائمه اطهار علیهم السلام و زیارت های جامعه است. جلد بیست و سوم (ج 103 و 247 ص از ج 104، چاپ جدید ایران و 100 و 247 ص از ج 101 چاپ جدید بیروت)، شامل کتاب های: عقدها و ایقاعات، و روایات فقهی احکام است. جلد بیست و چهارم (ج 104 چاپ جدید ایران و 101 چاپ جدید بیروت)، شامل کتاب احکام است و سایر بخش های فقه را تا آخر کتاب دیات در بر دارد و روایات آنها را نقل کرده است.

جلد بیست و پنجم (ج 105 \_ 110 چاپ جدید ایران و 102 \_ 107 چاپ جدید بیروت)، شامل کتاب اجازات است. این مجلد، بحث های رجالی و اجازت و فهرست منتجب الدین و خلاصه کتاب سلافة العصر و الاجازات سید بن طاووس و اجازه بنی زهره و اجازه های شهید اول و ثانی و محقق کرکی و اجازه های علامه مجلسی و... را گردآوری نموده است (ج 104 \_ 107). تفاوت چاپ جدید 110 جلدی بحار الأنوار ایران و بیروت، در این است که در چاپ ایران، جلد های 54 تا 56، فهرست بحار الأنوار است؛ ولی در چاپ بیروت، سه جلد آخر کتاب (108 \_ 110) فهرست آن است. شایان ذکر است که در ابتدای کتاب اجازات، شرح حال مفصل علامه مجلسی به قلم محدث نوری و به نام «الفیض القدسی» آمده است.

ج. تک نگاری بخش سوم از محور تدوین را کتاب هایی تشکیل می دهند که خارج از حوزه اربعین نویسی و گسترده نگاشت ها هستند و به همین جهت، ما آنها را «تک نگارش» نام نهاده ایم که به این قرارند: 1. تبویب الأمالی (1) از غیاث الدین جمشید حسینی طوسی (ق 10) وی، کتاب الأمالی (المجالس) شیخ صدوق (م 381 ق) را در سه باب، مرتب نموده و در سال 951 ق، به پایان رسانده است: باب اول، در بیان آنچه در منقبت اهل بیت علیهم السلام وارد شده است؛ باب دوم، در عبادات، اوراد و اذکار؛ باب سوم، در بیان مسائل متفرقه. 2. مسار الشیعة، (2) از شیخ علینقی بن محمد هاشم طعایی فراهانی (م 1060 ق). این کتاب، در احادیث وارد شده در فضایل شیعه و مؤمنان و امتیازات و اوصاف

- 
- 1- فهرست نسخه های خطی مرکز میراث اسلامی، ج 1، ص 20.
  - 2- الذریعة، ج 20، ص 376؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 13، ص 295.

آنان، ثواب و فضیلت خرسند نمودن آنها و اخلاق پسندیده ای است که آنان باید دارا باشند و از الکافی و کتاب من لایحضره الفقیه انتخاب شده اند. این کتاب، مشتمل بر «افتتاح» و دوازده «فصل» و «اختتام» است و به زبان فارسی نگاشته شده است. 3. الشافی (المنتخب من الوافی)، (1) از ملاّ محسن فیض کاشانی (م 1091 ق). مختصر کتاب الوافی خود مؤلف است، با حذف مکررات و اسانید حدیث و حفظ آنچه متعلق به اصول و ارکان است و به ظاهر، بین آنها تعارضی نیست. این کتاب، مشتمل بر دو بخش است: 1. عقاید و اخلاق، 2. شرایع و احکام. 4. النوادر، (2) از ملاّ محسن فیض کاشانی (م 1091 ق). اخبار و احادیث نادری که در مصادر شیعه آمده و در کتاب های چهارگانه حدیث نیامده، در این کتاب، گردآوری شده است. این کتاب \_ که مستدرکی بر کتاب الشافی به شمار می آید \_ شامل اصول و فروع است. اسانید در آن حذف شده و تنها به نام مصدر در آغاز، اکتفا می شود و آن جا که احتیاج به شرح و توضیح باشد، با عنوان «بیان» توضیح داده می شود. 5. فهرست تهذیب الأحکام (3)، از محمد جعفر بن محمد صفی (ق 11 ق). تألیف آن در سال 1096 ق، به پایان رسیده است. 6. الجواهر السنّیة فی الأحادیث القدسیّة، (4) از محمد بن حسن حرّ عاملی (م 1104 ق). این مجموعه، مشتمل بر چندین باب درباره اصول، فروع، مواعظ و نصایح است و احادیث قدسی را از کتب مختلف، گردآوری نموده، به ترتیب تقدّم

- 
- 1- الذریعة، ج 13، ص 9؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 23، ص 265.
  - 2- الذریعة، ج 24، ص 348، فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 6، ص 300.
  - 3- الذریعة، ج 16، ص 382؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران، ج 8، ص 555.
  - 4- الذریعة، ج 5، ص 271؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله گلپایگانی، ج 2، ص 51؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 12، ص 251؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آستان قدس رضوی، ج 14، ص 219.



پیامبران از آدم تا خاتم، مرتّب و مبوبّ نموده است. 7. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، (1) از محمد بن حسن حرّ عاملی. مؤلّف، بیش از 620 حدیث، دلیل و آیه درباره رجعت ائمه علیهم السلام، با ذکر مصادر و حذف اسانید آنها در دوازده باب، گرد آورده (2) و به سال 1079 ق، آن را به پایان رسانده است. 8. إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، (3) از محمد بن حسن حرّ عاملی. این کتاب، در اثبات امامت ائمه علیهم السلام است به واسطه معجزاتی که از آنها دیده شده است. در این کتاب دو جلدی، بیش از بیست هزار روایت با نزدیک به هفتاد هزار سند از 142 کتاب شیعه و 24 کتاب اهل سنت، نقل شده است. (4) 9. الفصول المهمة فی أصول الأئمة، (5) از محمد بن حسن حرّ عاملی. در این کتاب، مؤلّف، احادیث آیات احکام شرعی را در ابواب مختلف فقه و بعضی از احکام دیگر، با تصریح به مصدر و اسانید آنها، در ابوابی که می گوید هزار باب خواهد شد، از کتاب های مورد اعتماد و اصول معتبر، انتخاب کرده و اگر در بابی احادیث کمی نقل شده، تفصیل را به کتاب وسائل الشیعة خود، حواله داده است. در آغاز آن، مقدمه ای است دارای دوازده «فایده» در کلیات علم حدیث، تکلیف و... 10. هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، (6) از محمد بن حسن حرّ عاملی. این کتاب،

- 
- 1- الذريعة، ج 2، ص 506؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 15، ص 171.
  - 2- الإيقاظ من الهجعة، ص 430. وی در أمل الآمل (ج 1، ص 144)، این تعداد را بیش از ششصد حدیث و 64 آیه ذکر می کند.
  - 3- الذريعة، ج 1، ص 11؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 9، ص 42.
  - 4- الإيقاظ من الهجعة، ص 143.
  - 5- الذريعة، ج 16، ص 245؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 25، ص 214.
  - 6- الذريعة، ج 25، ص 171؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 25، ص 165؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس، مجموعه ش 15010؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، مجموعه ش 7282.

## د. تفسیر مأثور

منتخبی است از وسائل الشیعة، در سه جلد، که در آن اسانید و مکثرات، حذف شده است. (1) 11. من لا یحضره الامام، (2) از محمّد بن حسن حرّ عاملی. این کتاب، همان فهرست وسائل الشیعة است که شامل عناوین باب ها، تعداد احادیث هر باب، مضمون احادیث و تمام فتاوی است که از ائمه علیهم السلام نقل شده است. 12. الأنصاف فی النصّ علی الأئمة الأشراف من آل عبد مناف یا نصوص، (3) از سید هاشم بن سلیمان کتکانی (4) بحرانی (م 1107 ق). این کتاب، در بر دارنده بیش از سیصد روایت است که در نصّ بر امامت دوازده گانه از اهل بیت علیهم السلام در مصادر سنّی و شیعه وارد شده است. (5) نام راوی، اوّل حدیث در نظر گرفته شده و هر روایتی را دنباله آن، به ترتیب حروف، تنظیم شده است. پایان کتابت اثر به سال 1097 ق، است. 13. غایة المرام و حجّة الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص و العام، (6) از سیّد هاشم کتکانی بحرانی. روایاتی که از طریق سنّی و شیعه در تعیین امامان دوازده گانه و فضایل آنها روایت شده، در این کتاب در دو مقدمه، به این ترتیب، گردآوری شده است: مقدمه اوّل، در تعیین امام و نصّ بر امامت وی؛ مقدمه دوم، در اوصاف و فضائل ائمه علیهم السلام که در آن، هر فضیلتی را اوّل از طریق

- 
- 1- الإیقاظ، ص 142.
  - 2- الذریعة، ج 22، ص 230؛ فهرست نسخ خطّی مرکز احیای میراث اسلامی، ج 2، ص 181. صاحب الذریعة در جای دیگر، از این کتاب به من لا یحضره الفقیه تعبیر می کند (ر.ک: الذریعة، ج 4، ص 353).
  - 3- الذریعة، ج 2، ص 398؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 6، ص 131.
  - 4- وی را به دو نام خوانده اند: 1. کتکانی (لؤلؤ البحرین، ص 63؛ طبقات اعلام الشیعة، قرن 12، ص 809). 2. کتکانی (أعیان الشیعة، ج 10، ص 249).
  - 5- الأنصاف فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر علیهم السلام، ص 26.
  - 6- الذریعة، ج 16، ص 21؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 3، ص 285.

عائمه و اهل سنت نقل نموده و پس از آن، از طریق شیعه نقل می‌کند. 14. فهرست بحار الأنوار، از علامه محمد باقر مجلسی (م 1111 ق). این فهرست، قبل از تألیف بحار الأنوار، نوشته شده است. هر چند بین آن و ابواب بحار الأنوار که بعد از این فهرست آنها را تنظیم کرده است، اختلافات فراوانی وجود دارد. تاریخ پایان این فهرست، سال 1070 ق، است. 15. غرائب الأخبار و نوادر الآثار، (1) از سید نعمه الله بن عبدالله موسوی جزایری (م 1112 ق). آنچه از اخبار و احادیثی که به نظر مؤلف، غریب می‌آمده، در این کتاب، گردآوری شده و آنچه احتیاج به توضیح داشته، با عناوین «بیان» و «ایضاح» توضیح داده شده است. این کتاب برای هر يك از معصومان علیهم السلام، بابت تنظیم کرده است.

د. تفسیر ماثور ماثور، اسم مفعول از کلمه «أثر»، باقی مانده و نتیجه چیزی است و در اصطلاح، ماثور، یعنی کلامی که از پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام باقی مانده و به ما رسیده است. تفسیر ماثور را تفسیر منقول و روایی هم گفته‌اند و به اجماع عموم مسلمانان، بهترین نوع تفسیر قرآن، همین نوع تفاسیر است، مشروط بر این که روایات بر جای مانده، نص کلام معصومان علیهم السلام باشد؛ ولی علی‌رغم امتیازات، این نوع تفاسیر، حاوی آفات بسیار بوده، در معرض نقد شدید هستند. تا قبل از قرن چهاردهم هجری، نوع تفاسیر، نوشته شده منقول بودند و از این به بعد بود که تفسیر عقلی به شکل بارزی رشد پیدا کرد. نیمه دوم قرن دهم و یازدهم، نقطه بارز تجلی تفسیر به شکل سنتی آن (ماثور) بوده است. علت روی آوری به این نوع تفاسیر، چیزی جز گسترش حدیث و فعالیت های حدیثی در این دوره نبوده

1- الذریعة، ج 16، ص 29؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 10، ص 188.

است. علما و مفسران با استفاده از احادیث منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، به تفسیر قرآن پرداختند و بعضی (مانند حویزی) به حدیث آن قدر اهمیت می دادند که اگر درباره آیه ای از قرآن، حدیثی نقل نشده بود، از کنار آیه گذشته، آن را در تفسیر خویش نمی آوردند و بنا به ادعای برخی علما، مشکلات قرآن را به وسیله احادیث رفع می نمودند، چنان که محمد تقی مجلسی گفته است: و از نظر این فقیر، مستندات علم فقه، منحصر در قرآن و حدیث است و ظاهر شد که معرفت قرآن نیز به حدیث حاصل می شود. پس، بنا بر این، علم منحصر است در علم به احادیث منقول از حضرت سید المرسلین و ائمه معصوم علیهم السلام.

(1) تفاسیر روایی قرن دهم و یازدهم هجری، از لحاظ آماری، در تاریخ تفسیر شیعه، دارای امتیازات خاص است که در این جا به برخی از آنها اشاره می کنیم. 1. تفسیر ترجمه الخواص، (2) از ابوالحسن علی بن حسن زواره ای (م 947 ق)، شاگرد محقق کزکی (م 940 ق) و استاد ملا فتح الله کاشانی (988 ق) این کتاب به زبان فارسی تألیف شده است. مؤلف در این تفسیر به آیاتی پرداخته است که در شأن و منزلت اهل بیت علیهم السلام است و آن آیات را بر حسب احادیث و روایات موثقی که از ائمه علیهم السلام رسیده، تفسیر کرده است و در لابه لای مباحث نقلی آن، مطالب عقلی و عرفانی نیز دیده می شود. نگارش این تفسیر در سال 946 ق، به پایان رسیده است. در ابتدای آن آمده است: حمد بی حد و شکر بلا حد، مُنعمی را سزد که شقایق حقایق قرآنی در حدایق صدور انسانی بشکافانید. صاحب الذریعة، نسخه های آن را در اسلامبول و خزانه رضویه دیده است.

1- لوامع صاحبقرانی، ج 1، ص 22.

2- الذریعة، ج 4، ص 100؛ طبقات مفسران شیعه، ج 2، ص 369\_370.

2. تفسیر مقتبس الأنوار من الأئمة الأطهار عليهم السلام، (1) از محمد مؤمن مشهدی (م 1070 تا 1077 ق). مؤلف، بعد از اشتغال چندین ساله اش در اصول، راه نجات را در تمسک به احادیث اهل بیت عليهم السلام دیده است. لذا در تصحیح و مقابله علم حدیث، کوشیده و خواسته است تا تفسیری را که در بر گیرنده سخنان اهل بیت عليهم السلام باشد، بنویسد. وی در سال 1059 ق، تفسیر سوره بقره و در سال 1069 ق، تفسیر سوره اعراف را به پایان رسانده و تا آیه 24 سوره انفال، پیش رفته است. بنا به گفته صاحب الذریعة، نسخه ای از آن در کتاب خانه مدرسه سپه سالار، موجود است. 3. غریب القرآن، (2) از فخرالدین بن محمد رماحی (م 1058 ق). مؤلف در این تفسیر، درباره مفردات و کلمات قرآن، بحث و گفتگو می کند و لغات و حروف قرآن را به ترتیب حرف اول و آخر کلمه می آورد و معنای آن را بیان می کند. سپس از احادیث نبوی و سخنان پیشوایان معصوم عليهم السلام و اقوال مفسران پیشین، شاهی بر آن تفسیر ذکر می کند و نوعاً به آیاتی استشهاد می نماید که جنبه تحلیل ادبی و لغوی آنها بیشتر باشد. 4. رموز تفاسیر الأئمة عليهم السلام، (3) از شیخ خلیل بن غازی قزوینی (م 1089 ق). این تفسیر، فهرست احادیث و روایاتی از معصومان عليهم السلام است که در اصول و روضه الکافی در تفسیر آیات صادر شده است، یا امکان دارد که معنای تفسیری از آن استفاده شود. در بخش نخست، فهرست احادیث اصول الکافی آمده است. مؤلف، کلمه نخستین آیه را به ترتیب، ذکر می کند. سپس به حدیثی که در الکافی وارد شده، به صورت رمزی اشاره می نماید. صاحب الذریعة، نسخه ای از آن را در خراسان نزد شیخ عباس قمی دیده است.

- 
- 1- همان، ج 22، ص 17؛ طبقات اعلام الشيعة، ج 5، ص 594؛ طبقات مفسران شیعه، ج 3، ص 179.
  - 2- طبقات مفسران شیعه، ص 199.
  - 3- الذریعة، ج 11، ص 251؛ طبقات مفسران شیعه، ص 214.

5. تفسیر شریف لاهیجی، (1) از بهاء‌الدین شیخ محمد بن شیخ علی لاهیجانی (م 1090 یا 1095 ق). این تفسیر، بر اساس اخبار و احادیث مأثور از اهل بیت عصمت و طهارت گردآوری شده است و در تفسیر آیات، بدون مراجعه به روایات، گامی برداشته نشده است. مفسّر، تفسیر هر آیه را به عنوان اجمال، نه به طور تحت اللفظی، بلکه بر حسب ترجمه مطلوب، معنا کرده است و در نقل روایات، کوشیده است به آن دسته از روایات اکتفا ورزد که از طریق ائمه علیهم السلام به ما رسیده است و در هر جا که ظاهراً تعارض و تنافی ای میان دو روایت بوده، عدم تنافی را روشن ساخته است. این تفسیر در سال 1086 ق، به پایان رسیده است. 6. الصافی (الصافی فی تفسیر کلام اللّٰه یا الصافی فی تفسیر القرآن)، از ملا محمد محسن بن مرتضی، معروف به فیض کاشانی (م 1091 ق). تفسیرهای «الصافی»، «الأصفی» و «المصفی»، (2) هر سه از فیض و موسوم به تفاسیر: کبیر، متوسط و موجزاند. (3) این تفسیر، آمیخته از روایت و درایت، شامل جمیع آیات قرآن و در پنج جلد بوده، تاریخ تألیف آن 1075 ق، است. مؤلف در این تفسیر، در لغت، اعراب و بیان به تفسیر بیضاوی، و در بیان احادیث به تفسیر القمی، منسوب به علی بن ابراهیم قمی (م ح 307 ق) و التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام و تفسیر العیاشی (م 320 ق) اعتماد کرده است. (4) فیض کاشانی، در بیان تألیف کتاب خویش می نویسد: ای برادران، آنچه از من در تفسیر قرآن خواسته بودید، تا ما را به ائمه معصوم علیهم السلام وصل کند، با بضاعت اندک و در حدّ توان خویش برای شما

1- همان، ص 218\_222.

2- از تفسیر «المصفی»، ظاهراً فقط نامی شنیده شده و هیچ ردّیابی از آن، دیده نشده است.

3- صافی: تفسیر مبسوط و مفصل که دارای هفتاد هزار سطر است. الأصفی: برگزیده و منتخب تفسیر الصافی و در 21 هزار سطر است. المصفی: تلخیص و برگزیده ای از تفسیر الأصفی، جهت فهم عموم مردم است. (طبقات مفسران شیعه، ص 225).

4- المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص 502\_504.

آوردم... به طور کلی، علی رغم کثرت مفسران و تفاسیرشان تا حال ندیدم کسی تفسیر تهذیب شده و شفاف، کامل، کافی و واضح بیاورد تا عطش‌ها را فرو نماند و از نظریات عوام به دور باشد و صرفاً از احادیث اهل بیت علیهم السلام استنباط شده باشد. به فضل و کرامت خداوند، امیدوارم که تفسیر «الصافی» همان باشد که این ابهام‌ها را رفع نماید. (1) روش فیض، بدین گونه است که ابتدا به محکّمات قرآنی مراجعه می‌کند، به لحاظ این که «القرآن یفسّر بعضه بعضاً»؛ وگرنه به احادیث معتبر منقول از اهل بیت علیهم السلام که در کتاب‌های معتبر نقل شده، مراجعه می‌کند. اگر موفق به پیدا کردن حدیث از آنها نشود، آنچه را علمای تفسیر نقل کرده اند، در صورت موافق بودن با قرآن، نقل می‌کند. 7. تفسیر الأئمة لهداية الأمة. (2) از ملا محمد رضا بن عبدالحسین نصیری طوسی (م ح 1100 ق). تفسیر وی در سه جلد است که صاحب الذریعة، دو جلد آن را دیده است. در جلد اول، مقدّمات تفسیر را در نزدیک به بیست فصل، ترتیب داده و سپس، شروع به تفسیر سوره فاتحه نموده و تعدادی از آیات سوره بقره را تا آخر «وهم یوقنون» تفسیر کرده است. جلد دوم آن، از اول سوره توبه تا آخر سوره هود است که صاحب الذریعة، آن را در نجف در کتاب خانه مرحوم شیخ محمد جواد محیی الدین جامعی دیده است. صاحب الذریعة از بقیه مجلّدات آن اظهار بی اطلاعی می‌کند. روش مؤلف در این تفسیر بدین گونه است که نخست، آیه را با ترجمه فارسی آن نگاهشته و سپس به تفسیر آیه مشغول می‌گردد. آن گاه، احادیثی را ابتدا به فارسی و سپس به عربی نقل می‌کند و درباره هر آیه یا مجموعه آیه‌ای که تفسیر نموده است،

1- الصافی، ج 1، ص 14.

2- الذریعة، ج 4، ص 238؛ طبقات مفسران شیعه، ص 262 \_ 263.

فصلی را در فضیلت آیات و خواصّ و شأن نزول آنها اختصاص می دهد. مؤلّف، بیشتر از تفسیر العیاشی، تفسیر البیضاوی، الإحتجاج طبرسی، مکارم الأخلاق و تفسیر القمی و التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری استفاده کرده است. 8. الهادی و ضیاء النادی یا مصباح النادی، (1) از سیّد هاشم بحرانی (م 1107 یا 1109 ق). این تفسیر، برگرفته شده از روایات اهل بیت علیهم السلام است، مگر به صورت اندک و استثنایی. وی روایات را از کتاب های معتبری همچون: الکافی شیخ کلینی، کتاب من لا یحضره الفقیه، التوحید، عیون أخبار الرضا علیه السلام و معانی الأخبار شیخ صدوق، تهذیب الأحکام والاستبصار شیخ طوسی و قرب الإسناد حمیری و مجمع البیان طبرسی آورده است. او در ابتدای کتاب، مقدّماتی در دوازده باب آورده است. ابتدای آن «الحمد لله و سلام علی عباده الذین اصطفی...» است و در آن، آورده است: و ائتی لم اعتمد فی کتابی هذا الا علی روایة مشایخنا المعتمدين و علمائنا المعتمدين... 9. البرهان فی تفسیر القرآن، از سیّد هاشم بحرانی. مؤلّف، از اخباریانی بود که در تفسیر قرآن، صرفاً به حدیث اکتفا می نمودند و از کسانی بود که از تدبّر و تعقل در کلام خداوند، منع می کردند و از دقت در سند حدیث و تأمل در مضامین و محتوای آن، نهی می کردند. (2) تفسیر یاد شده از تفاسیر ماثور است که مؤلّف در آن، اخبار و احادیث را از کتب قدیمی (حدود 57 کتاب) بدون تصحیح و تسقیم و جرح و تعدیل، نقل کرده است و در حقیقت، هدف وی، فقط جمع و تألیف این روایات بوده است. (3) مؤلّف، در مقدمه تفسیر، در بیان هدف خویش از تألیف آن می نویسد:

1- الذریعة، ج 25، ص 154 \_ 155.

2- المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص 202.

3- البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 4.



دیدم که مردم این زمان به تفسیر رو آورده اند و از کسی که از اهل بیت علیهم السلام نقل نکرده، چیزی را می گیرند، در حالی که قرآن در منزل آنان نازل شده و علمی دارند که دیگران ندارند... در کتاب «هادی...» بسیاری از روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام را (قبل از برخورد به تفسیر شیخ ثقه عیاشی و تفسیر محمد بن عباس بن ماهیار و...) جمع کرده بودم. و این کتابم (البرهان)، تو را به بسیاری از اسرار علم قرآن، مطلع می سازد و تو را به آنچه که گوینده تفسیر از فهم آن عاجز است، راهنمایی می کند و برای تو آنچه را که درباره علوم شرعی، قصص، اخبار نورانی و فضایل اهل بیت امامیه است، توضیح می دهد. (1) وی قبل از ورود به بحث تفسیر، هفده باب به عنوان «فواید بحث» آورده و در هر کدام، توضیحاتی داده است. روش وی در این تفسیر بدین گونه است که هرگاه در تفسیر آیه ای، روایتی به طور صریح از اهل بیت علیهم السلام پیدا نمی کرد، کلام علی بن ابراهیم قمی را به منزله روایت، در تفسیر خویش می آورد و علت آن را منسوب بودن این تفسیر به امام صادق علیه السلام می دانست. (2) تألیف این اثر در سال 1095 ق، صورت گرفته است. 10. نور الثقلین، از شیخ عبد علی بن جمعة عروسی حویزی (م 1112 ق). مصنف در این تفسیر، بر احادیث منقول از رسول اکرم و اهل بیت علیهم السلام اعتماد نموده است. وی به لحاظ وسعت اطلاعات و کثرت جستجویش در منابع مختلف، راه تحقیق را برای محققانی که در تحقیق متون کار می کردند، هموار کرد و احادیث صحیح را از میان آنها استخراج نموده، روایات ضعیف و مضطرب را دسته بندی کرده است. این تفسیر، حاوی بسیاری از روایات اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن کریم است

---

1- همان جا.

2- المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص 201.

## دو. ترجمه و فارسی نگاری در سده های دهم و یازدهم هجری

که به صورت جزئی و تطبیق بر طریق ائمه معصوم، از منابع مختلف، گردآوری شده است. حویزی در تفسیر، الفاظ آیه، اعراب و قرائت آن، سخنی به میان نیاورده و تفسیرش شامل تمام آیات قرآن نیست و علت آن، عدم ورود روایات خاصه در تفسیر آیات است و به همین منظور، بسیاری از آیات را ذکر نکرده است. (1) حویزی، در بیان هدف خویش از تألیف تفسیر، در مقدمه کتاب می نویسد: خادمان کتاب الهی و گیرندگان از وحی الهی را دیدم که هر کدام، راه های مختلف را می پیمایند. برخی از آنان به ذکر عربی و معانی الفاظ، برخی به بیان ترکیب نحوی، برخی به استخراج مسائل صرفی می پردازند و برخی، نهایت تلاش خویش را در آنچه متعلق به اعراب و تصریف است، می گذارند... علاقه مند شدم به بعضی از آیات قرآن روایاتی از اهل بیت علیهم السلام را اضافه نمایم تا بیانگر آیات مشکل و کاشف از اسرار باطنی (تأویل) آیات باشند. (2) با وجود این، وی، اسناد روایات را ساقط نموده و آیات را نیاورده و به همین خاطر، شناخت روایات مربوط به هر آیه را با مشکل مواجه ساخته است؛ (3) ولی در چاپ دوم آن، محقق این نکته را دریافته و آیات قرآن را آورده تا مطلب آشکار گردد و استفاده از آن، آسان تر گردد. (4) تفسیر نورالثقلین، مشتمل بر احادیث صحیح، ضعیف، اسرائیلیات، غلو... است که نمونه اش در تفسیر مربوط به هاروت و ماروت، آمده است. (5) علامه طباطبایی قدس سره، تلاش مؤلف را در تألیف این کتاب، ستوده است. (6) برخی

1- همان، ص 733.

2- نورالثقلین، ج 1، ص 2.

3- الذریعة، ج 24، ص 365.

4- المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص 733.

5- نورالثقلین، ص 107.

6- همان، مقدمه، ص «ج».

این تفسیر را به لحاظ تلاش علمی موفق در جمع روایات، مفید دانسته و آن را بهتر از تفسیر البرهان می دانند. (1)

دو. ترجمه و فارسی نگاری در قرن دهم و یازدهم هجری با روی کار آمدن صفویان و رسمی شدن مذهب شیعه در ایران، از آن جا که زبان رسمی آنها فارسی بود، تدوین آثاری را به این زبان در زمینه های گوناگون، اقتضا می کرد و به همین لحاظ، ضرورت فارسی کردن متون مذهب شیعه، در رأس اقدامات فرهنگی دولت جدید قرار گرفت. به دنبال چنین حرکتی، بسیاری از متون دینی رایج شیعه به زبان فارسی ترجمه گردید. این در حالی بود که زبان رسمی و رایج در حوزه های علمی اسلامی، زبان عربی بود و استفاده از آن، غالباً نشانه دانایی و توانایی مؤلف به شمار می رفت و به لحاظ اشتراک همه مسلمانان در نیاز به زبان عربی، دانشمندان و علما مایل بودند با عربی نویسی آثار خود، امکان استفاده شمار بیشتری از مسلمانان را فراهم آورند. (2) اما گرایش به عربی نویسی، مردمان آن روزگار را به علت عدم آشنایی با آن، دچار مشکل می نمود و حکومت، مجبور بود که چاره اندیشی نماید و مردم را از سردرگمی نجات دهد. سلاطین صفوی، خود، رسماً از عالمان می خواستند تا به ترجمه این آثار پردازند. (3) نخستین کسی که در عهد شاه اسماعیل صفوی و به درخواست او کتاب فقهی به زبان فارسی نوشت، کمال الدین حسین بن شرف الدین اردبیلی، معروف به «الهی اردبیلی» بود. کتاب وی، خلاصة الفقه نام داشت که گاهی از آن به شرعیات، یاد می شود.

1- المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص 732.

2- علامه مجلسی، ص 89.

3- علل بر افتادن صفویان (مکافات نامه)، ص 382.

همو، کتاب دیگری به فارسی درباره امامت برای طهماسب صفوی تألیف کرد. (1) شرح نهج البلاغة موسوم به منهج الفصاحة، به زبان فارسی، از دیگر آثار اوست. (2) علی بن حسن زواره ای، از عالمان معروف و فارسی نویس قرن دهم هجری (م 947 ق)، کتاب های کشف الغمتهی بهاءالدین اربلی (م 692 ق) را به نام ترجمة المناقب (3) به سال 938 ق، و الطرائف سیّد بن طاووس را به نام طراوة الطرائف، و الاحتجاج و مکارم الأخلاق طبرسی را به نام های کشف الاحتجاج و مکارم الکرائم، (4) و ترجمه و شرح نهج البلاغة را به نام روضة الأبرار (5) به سال 947 ق، به زبان فارسی ترجمه کرد. از امتیازات دوران حکومت صفویه، تألیف اغلب مسائل دینی به زبان فارسی بود که در گذشته به عربی نوشته می شد. (6) با آن که زبان فارسی، زبان علمی عالمان دینی عهد صفویه نبود، اما توجه به ترجمه یا تألیف کتاب هایی به فارسی در حدیث در این دوره، شایسته ذکر است. بهاء الدین محمد بن حسین عاملی، به درخواست شاه عباس اول، نگارش کتاب فقهی جامع عباسی را در بیست باب آغاز کرد، هر چند که با درگذشت او به سال 1031 ق، بخش زیادی از آن (15 باب) ناتمام ماند و نظام الدین محمد بن حسین ساوجی، آن را به پایان رساند. (7) کتاب ترجمه اربعین بهایی که بدان ترجمه قطب شاهی هم گفته می شود \_ به خاطر تألیف کتاب به نام محمد قطب شاه (م 1035 ق) در زمان حیات شیخ بهایی توسط شیخ

1- ریاض العلماء، ج 2، ص 98 \_ 101؛ علامه مجلسی، ص 90.

2- الذریعة، ج 14، ص 125.

3- همان، ج 4، ص 139؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله گلپایگانی، ج 2، ص 32.

4- طبقات مفسران شیعه، ج 2، ص 370 \_ 371.

5- الذریعة، ج 11، ص 285؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مدرسه مروی، مجموعه ش 117.

6- تاریخ ادبیات ایران، ص 363.

7- الذریعة، ج 3، ص 340 و ج 5، ص 62 \_ 63؛ علامه مجلسی، ص 90 \_ 91.

محمد علی بن خاتون عاملی (م بعد از 1068 ق)، (1) شاگرد اجازه ای شیخ، به فارسی شرح گردید و شیخ بهایی در سال 1028 ق، با خط خود، تقریظی لطیف بر آن نوشت. (2) ملا محمد تقی مجلسی، پس از تألیف شرح عربی کتاب من لا یحضره الفقیه، به درخواست شاه عباس دوم، آن را به فارسی برگرداند. (3) او در بیان علت این درخواست و ترجمه کتاب یاد شده، می نویسد: ... اکثر ساکنان این دیار را تکلم به لغت فارسی واقع می شود و هر یک از ایشان را تتبع و تعلّم لغت عرب، ممکن نیست و به سبب این، بسیاری از این گروه، از مطالعه کتب حدیث و شرح مذکور («روضه المتقین»)، بی بهره بودند. بنا بر این، خورشید فرمان قضا جریان، و حکم نافذ واجب الإذعان، از افق شهریاری و جهاننداری ساطع و لامع گردید که این فقیر، کتاب مسطور را به فارسی ترجمه نمایم. (4) علاوه بر ملا محمد تقی مجلسی، ملا خلیل قزوینی نیز پس از نگارش عربی خود بر الکافی به نام الشافی، و قبل از اتمام آن، به درخواست شاه عباس دوم، کتاب الصافی فی شرح الکافی، اصول «کتاب عقل و جهل» را تا آخر، و فروع و روضه الکافی را به فارسی نوشت. (5) ملا محمد صالح بن محمد باقر روغنی قزوینی، از دیگر عالمان پُر کار مترجم و فارسی نویسی قرن یازدهم هجری است. برکات المشهد المقدّس (6) نگاشته شده به سال

- 
- 1- فهرست کتاب های خطّی اهدایی آقای مشکاة به کتاب خانه دانشگاه تهران، ج 3، ص 1216.
  - 2- الذریعة، ج 4، ص 76 \_ 77؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 4، ص 204؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آستان قدس، مجموعه ش 1938؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله فاضل، ج 1، ص 81.
  - 3- لوامع صاحبقرانی، ج 1، ص 11.
  - 4- همان جا.
  - 5- الصافی فی شرح الکافی، مخطوط، ش 2040، ص 1 (مقدمه).
  - 6- الذریعة، ج 3، ص 88؛ نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 14، ص 231.

1075 ق، ترجمه تحت اللفظی از کتاب عیون أخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق است. وی در این کتاب، سند روایت ها را حذف نموده و در موارد لازم، در حواشی توضیح آورده است. ترجمه توحید مفضّل (1) به سال 1080 ق، ترجمه حدیثی است که مفضّل بن عمر در توحید و اثبات صنایع در چند مجلس از امام صادق علیه السلام روایت کرده و توضیحات مختصری با عناوین «قوله \_ المعنی» داده است. ترجمه عهد مالك اشتر (2) و ترجمه نهج البلاغة (3) از دیگر فعّالیت های ایشان در زمینه ترجمه است. هرچند علمایی همچون ملاّ محسن فیض کاشانی، قاضی سعید قمی، آقا جمال خوانساری و... در نشر فرهنگ شیعه به زبان فارسی، اقدامات جدّی ای به عمل آوردند؛ (4) امّابی تردید، نقش اصلی در زمینه فارسی نویسی در این دوره را علاّمه محمّد باقر مجلسی ایفا کرد. وی، این راه را با جدیّت ادامه داد و آثار فراوانی در زمینه های فقهی، اعتقادات، نجوم، دعا، تفسیر، تاریخ، حدیث و ادب، به زبان فارسی فراهم آورد. سیاست مجلسی در فارسی نویسی، نشر و گسترش فرهنگ شیعه در میان مردم به وسیله ترجمه رساله ها و آثار اعتقادی و دعایی بوده است (5) تا همه شیعیان و عموم مؤمنان از برکات آنها بهره مند گردند. شیخ یوسف بحرانی (م 1184 ق)، در وصف علاّمه مجلسی می نویسد: وی، همان کسی است که حدیث را بویژه در دیار عجم، رواج داد و انواع حدیث عربی را برای آنان به فارسی در آورد. (6) از مقدّمه هایی که علاّمه مجلسی بر آثار خویش نوشته، به روشنی دانسته می شود

1- الذریعة، ج 4، ص 91؛ نسخ خطّی کتاب خانه آیة الله مرعشی، ج 19، ص 239.

2- الذریعة، ج 4، ص 119.

3- همان، ص 145؛ نسخ خطّی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، مجموعه ش 7335.

4- فهرست های خودنوشت فیض کاشانی، ص 36 \_ 37.

5- علاّمه مجلسی، ص 132.

6- لؤلؤة البحرين، ص 55.

که وی: اولاً مخاطبان خود را در این نگاشته‌ها، مردم شیعه ناآشنا یا کم اطلاع از مطالب دینی می‌داند و به هیچ روی با عالمان دین، سخن نمی‌گوید (1) و این، از افتخارات بزرگ علامه مجلسی است که در کار تألیف، تنها قشر خاصی از علما را در نظر نداشته است، به طوری که پاسخگوی نیازهای علمی و فرهنگی جامعه نباشد؛ بلکه وی برای همه اقشار و در همه سطوح مختلف، تألیف دارد. (2) به قول ادوارد براون، مجلسی به زبان فارسی با زبان ساده و قابل فهم، چیز می‌نوشته و انشای کتاب‌های او، به طور کلی، خیلی ساده و درست و عاری از صنایع بدیعی است (3) و خود علامه مجلسی می‌نویسد: و مقید بر نیکی عبارات و حُسن استعارات نگردیده، به عبارت قریبه به فهم، مضامین آن را ادا کنیم. (4) ثانیاً مجلسی با اعتقاد به این اصل که ارائه دستاوردهای پیشینیان در عرصه‌های دینی و نیز برگردان مآخذ حدیثی و دینی به زبان فارسی، از بهترین روش‌های آگاهی‌رساندن به خلق خدا و ارشاد آنان است، به ترجمه آثار بسیاری دست زد. (5) ثالثاً مجلسی، مسائل و نیازهای زمان خود را همواره مطمح نظر قرار می‌داد و با توجه به نفوذ معنوی و اجتماعی خود، رسالت دینی امر به معروف و نهی از منکر از یاد نمی‌برد. 6 در هر صورت، آثار فارسی علامه مجلسی، احتمالاً به دلیل سادگی و روانی ادبی و علمی، و چه بسا به دلیل کثرت دست‌پروردگان و شاگردانش، در همان روزگار، تألیف

1- علامه مجلسی، ص 92.

2- آشنایی با بحار الأنوار، ص 53.

3- تاریخ ادبیات فارسی، ج 4، ص 279 \_ 292.

4- عین الحیاة، ص 2.

5- همان، ص 93.

## درایه

و منتشر شد و به بلاد فارسی زبان رفت و نام او را در میان توده شیعه جاودانه کرد. (1) علامه مجلسی، آثار فارسی خود را در محورهای مختلفی نظیر: فقه، اعتقادات، نجوم، دعا، تاریخ، حدیث و ادب، نگاشته است. به لحاظ تناسب بحث، برخی از آثار وی در حوزه حدیث که به زبان فارسی نگاشته شده اند، از این قرار است: (2) (1) ترجمه و شرح «حدیث ستة أشياء» (3) (روایت کلینی در کتاب الکافی). (4) (2) ترجمه عهد مالک اشتر (5) در دو فصل. فصل اول، در ترجمه نامه معروف حضرت امیر علیه السلام به مالک اشتر. فصل دوم، ترجمه سه حدیث دیگر که با آن نامه تناسب دارند. (3) شرح های متعدّد و پراکنده ای بر مشکلات احادیث و احادیث تک نگار، از جمله، حدیث خضر، حدیث الوعد والوعید، چهارده حدیث و... که در فصل بعد (محور حاشیه نویسی) بدانها اشارت رفته است.

1- همان، ص 94.

2- برای آشنایی بیشتر، ر.ک: نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 1، ص 205 \_ 219.

3- الذریعة، ج 4، ص 96؛ نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 1، ص 209.

4- از امام صادق علیه السلام منقول است: «ستة أشياء ليس للعباد فيه صنع: المعرفة والجهل والرضا والغضب والنوم واليقظة».

5- الذریعة، ج 4، ص 119.



فصل هفتم: علوم حدیث‌درایه‌الحدیث، که از آن به فهم اصطلاحات محدثان تعبیر می‌کنند، در قرن دهم و یازدهم هجری به لحاظ توجهی که به علم حدیث شد، همگام با علم رجال از اهمیت خاصی برخوردار گردید و آثار مستقلاً در این حوزه تدوین شد. هر چند به لحاظ زمانی، محقق کرکی را اولین عالمی می‌دانند که در درایه‌الحدیث، مطالبی نوشته است؛ (1) ولی بی‌تردید، اوج شکوفایی علم درایه در این دوره به زین الدین شهید ثانی (م 966 ق) بر می‌گردد. بنا به گفته شیخ حرّ عاملی، در میان شیعه، کسی پیش از او در علم درایه‌الحدیث، کتابی ننوشته است. (2) تلاش‌های گسترده شهید، این علم را وارد مرحله جدیدی ساخت. وی در ابتدا، کتاب *بداية الدراية* (3) را به شیوه اصول اربعه (صحیح، حسن، موثق و ضعیف) نوشت. سپس، شرحی بر همان کتاب به تمام شرح *بداية الدراية* (4) \_ که ظاهراً همان *الدراية في علم*

- 
- 1- آقا بزرگ تهرانی، کتابی را در *دراية الحدیث* به وی نسبت داده، می‌نویسد: «آن را در بین يك مجموعه ای در کتاب خانه خوانساری دیدم» (الذریعة، ج 8، ص 55).
  - 2- *أمل الآمل*، ج 1، ص 86.
  - 3- *الذریعة*، ج 8، ص 86.
  - 4- همان، ج 13، ص 124؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 1، ص 143؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس، مجموعه ش 15314.

مصطلح الحديث باشد \_ به رشته تحریر درآورد؛ ولی تلاش های وی برای منسجم کردن حدیث و عدم قبول هر نوع حدیثی، وی را بر آن داشت تا کتابی به نام الرعاية فی علم الدراية (1) \_ که مفصل تر از دو کتاب قبلی بود \_ بنویسد. آخرین فعالیت شهید ثانی در حوزه درایه، غنیة القاصدين فی معرفة اصطلاحات المحدثين (2) است که مفصل تر از بداية و الرعاية نوشته است و درباره آن گفته شده: کسی که طالب تفصیل سخن و مثال های مختلف در هر موضوع است، به کتاب غنیة القاصدين مراجعه نماید. (3) ولی آقای مشکاة، عقیده اش بر این است که غنیة القاصدين، اولین کتاب نوشته شده توسط شهید ثانی است. (4) شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی (م 984 ق)، شاگرد شهید ثانی، پس از استاد خویش، تألیفاتی در این علم داشته و قواعد مربوط به علم حدیث و درایه را به طور مفصل، بحث کرده است. افندی، در شرح حال وی آورده است: ... وهو ثانی مؤلف فی علم الدراية من طريقة أصحابنا، وقد سبقه أستاذة الشهيد الثانی بذلك. (5) وصول الأخبار إلى أصول الأخبار، (6) کتابی است که مؤلف در آن، قواعد علم حدیث و درایه را به طور نسبتاً مفصل، بحث می کند. کتاب، شامل دو بخش و یک خاتمه است. مؤلف، در بخش اول، به اهمیت علم حدیث و برتری اهل بیت علیهم السلام می پردازد و در بخش دوم \_ که تقریباً به سبک البدایةی شهید ثانی نگارش یافته است \_ به تعاریفات

- 
- 1- همان، ج 11، ص 241؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 1، ص 143؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران، ج 8، ص 590.
  - 2- الذريعة، ج 16، ص 68.
  - 3- مجله نگاه حوزه، ش 53 و 54، ص 125: «آشنایی با علم درایه» محمد حسن ربّانی .
  - 4- فهرست نسخ خطی اهدایی آقای مشکاة به دانشگاه تهران، ج 3، ص 1578.
  - 5- ریاض العلماء، ج 2، ص 115.
  - 6- الذريعة، ج 25، ص 101؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 2، ص 345.

## رجـال

و تقسیمات و اصطلاحات حدیث و چگونگی شناخت راویان و جمع بین احادیث و... می پردازد، ولی تفاوتی که بین کتاب او و شهید ثانی وجود دارد، این است که شیخ حسین بن عبدالصمد در لایه لای بحث ها، مطالب مهمی از قبیل: آداب تعلیم و تعلّم و بعضی مسائل دیگر، بیان نموده است. خاتمه کتاب به رموزی که در کتاب های حدیثی وجود دارد، اختصاص یافته است. در اوایل قرن یازدهم، جمال الدین ابو منصور حسن بن زین الدین، مشهور به صاحب معالم (م 1011 ق)، فرزند شهید ثانی، دست به کار تازه ای زد. وی، احادیث صحیح شیعیه را از کتب اربعه استخراج کرد و در کتاب جداگانه ای به رشته تألیف کشید و با نام منتقى الجمان فى الأحادیث الصحاح والحسان، به عالم تشیع، تقدیم کرد. (1) این اثر نفیس با آن که ناقص ماند، مورد تقدیر و تحسین فقها قرار گرفته و دانشمندان بزرگی، مانند: میرداماد، علاّمه مجلسی، شیخ حرّ عاملی و ملاّ صالح مازندرانی، از این اثر نفیس، برخوردار شدند. صاحب منتقى الجمان، صحاح خود را بر دو پایه تقسیم کرده است. ابتدا احادیثی را نقل می کند که شخصاً صحّت آن را تأیید می کند و بلافاصله، به نقل احادیثی می پردازد که دیگران و از جمله پدرش، صحّت آن را تأیید کرده اند. دسته اوّل را با رمز «صحی» یعنی «صحیح عندی» و دسته دوم را با رمز «صحر» یعنی «صحیح علی المشهور»، مشخص نموده است. (2) نگارش این کتاب به سال 1006 ق، به پایان رسیده است. شیخ بهاء الدین محمّد بن حسین عاملی (م 1031 ق)، قواعد علم درایه را در

- 
- 1- الذریعه، ج 23، ص 5\_6؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیة الله مرعشی، ج 3، ص 352.
  - 2- منتقى الجمان فى الأحادیث الصحاح والحسان، ص 2؛ گزیده کافی، ج 1، ص 22 (مقدمه).

کتاب الوجیزة (1) تلخیص نموده و در واقع، وی این قواعد را به جای مقدمه بر کتاب الحبل المتین خود، نگاشته و در سال 1010 ق، به پایان رسانده است. از اواسط قرن یازدهم هجری به بعد، شیخ فخر الدین بن محمد علی طریحی نجفی (م 1085 ق)، خالق اثری به نام جامع المقال فیما یتعلق بأحوال الحدیث و الرجال (2) گردید. وی در این کتاب، اصطلاحات و مطالبی که برای شناخت حدیث و روایات لازم است، جمع آوری نموده است. این کتاب در یک «مقدمه» و دوازده «باب» و یک «خاتمه» گردآوری شده و به الدراية لمعرفة الراوی و الروایة ملقب گشته و در سال 1057 ق، نگارش آن به پایان رسیده است.

رجال الدر قرن دهم هجری به دنبال توجه به حدیث و گسترش فعالیت های حدیثی، بررسی اسناد احادیث، مورد توجه محققان قرار گرفت. به دنبال اقداماتی از قبیل احیای کتب حدیثی، شرح و حاشیه و تعلیقه نویسی بر کتب اربعه، همین سیاست درباره کتب اربعه رجالی (3) هم در پیش گرفته شد. محققان قرن های دهم و یازدهم هجری، با توجه به آثار پیشینیان در علم رجال، دست به کارهای تازه ای زدند. اولین فعالیت رجالی شناخته شده در این دوره، نهایت الآمال فی ترتیب خلاصة الأقوال، (4) تألیف نورالدین علی بن علی منعل قمی (ق 10 ق) است که در سال 974 ق، به پایان رسیده است. مؤلف در این کتاب، دو بخش «ثقات» و «ضعاف» کتاب رجالی علامه حلی، خلاصة الأقوال را در دو بخش تنظیم نموده و

- 
- 1- الذریعة، ج 25، ص 15؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 1، ص 39؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس، مجموعه ش 12232.
  - 2- الذریعة، ج 5، ص 73؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 9، ص 54.
  - 3- رجال النجاشی، رجال الکشی، الفهرست و الرجال شیخ طوسی.
  - 4- فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 12، ص 335.

عین عبارت علامه را بدون هیچ گونه تغییر و تبدیلی آورده و در واقع، فقط باب های کتاب را پس و پیش نموده و حروف آغاز نام ها را رعایت کرده است. یوسف بن محمد زین الدین حسینی عاملی (ق 10 ق)، کتاب ترتیب رجال الکشی (ترتیب الکشی) (1) را نه بر اساس حروف، بلکه به ترتیب طبقات اصحاب معصومان علیهم السلام، تنظیم نموده و نگارش آن را به سال 981 ق، به پایان رسانده است. الجامع للأقوال فی أحوال الرجال، (2) از سید یوسف بن محمد حسین عاملی (ق 10 ق) که رجال اسانید حدیث را در چند فصل به ترتیب حروف، از رجال النجاشی، رجال الکشی، الفهرست و الرجال شیخ طوسی و خلاصة الأقوال والإيضاح علامه حلّی گرد آورده و در پایان، در ضمن نه «فایده»، موضوعاتی را مربوط به رجال و درایه آورده و به سال 982 ق، به پایان رسانده است. پس از الرجال ابن داوود حلّی (م 707 ق)، دو کتاب هم زمان در رجال نوشته شد: نقد الرجال تفریسی و منهج المقال استرآبادی؛ ولی چون تفریسی در اصفهان و استرآبادی در مکه زندگی می کردند، ظاهراً هیچ يك از کار دیگری اطلاع نداشتند. (3) هر چند به لحاظ تاریخ وفات، تفریسی (م 1021 ق) بر استرآبادی (م 1028 ق) مقدم است؛ ولی در مقام کتابت، منهج المقال (پایان نگارش به سال 986 ق) بر نقد الرجال (پایان نگارش به سال 1016 ق) تقدّم زمانی دارد. میرزا محمد بن علی بن ابراهیم حسین استرآبادی، سه کتاب در رجال (کبیر، وسیط و صغیر) نوشته است. الرجال الکبیر وی، موسوم به منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال است (4) که علاوه بر کتب اربعه رجال، شامل رجال البرقی، الفهرست

- 
- 1- الذریعة، ج 4، ص 67؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس، مجموعه ش 15389.
  - 2- الذریعة، ج 4، ص 42؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 9، ص 79.
  - 3- تاریخ حدیث، ص 64 - 65.
  - 4- الذریعة، ج 23، ص 198 و 225؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 4، ص 119؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس، مجموعه ش 15389.

ابن شهر آشوب، الفهرست منتجب الدین و الرجال علامه حلی است. (1) وی در این کتاب، احوال رجال حدیث شیعه را به ترتیب حروف، بنا بر آنچه علما نوشته اند، گرد آورده و گاهی گفته های دانشمندان اهل سنت را نیز می آورد. تلخیص المقال فی تحقیق احوال الرجال، (2) موسوم به الرجال الوسیط، دومین کتابی است که مؤلف در علم رجال نوشته و در آن، نام رجال حدیث شیعه را به ترتیب حروف تهجی گرد آورده و به سال 988 ق، به پایان برده است. توضیح المقال وی نیز، موسوم به الرجال الصغیر است، به طوری که در کشف الحجب، بدان اشاره کرده است. (3) نقد الرجال، (4) تألیف میر مصطفی بن حسین تفرشی (م 1021 ق)، که از شاگردان ملا عبد الله شوشتری (م 1021 ق) بوده است. این کتاب، شامل مطالب کتب اربعه رجالی، رجال الغضائری، و الرجال علامه حلی و ابن داوود حلی است (5) که مؤلف، نام آن رجال حدیث را به ترتیب حروف تهجی گرد آورده و در آخر، شش فایده رجالی نیز آورده است. زکی الدین عنایة الله بن علی شرف الدین قهپایی (م 1016 ق)، از دیگر رجالیان قرن یازدهم است. قهپایی، رجال الکشی را - که تنظیم آن به ترتیب طبقات بوده است - به ترتیب حروف و با حفظ اصل عبارات و روایات، به اضافه عناوین جداگانه که در

- 
- 1- تاریخ حدیث، ص 66.
  - 2- الذریعة، ج 4، ص 420؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 1، ص 144؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله فاضل، ج 1، ص 7؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، مجموعه ش 7100؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس، مجموعه ش 3627.
  - 3- الذریعة، ج 4، ص 498.
  - 4- همان، ج 24، ص 274؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 1، ص 162؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، مجموعه ش 7128؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس، مجموعه ش 14012.
  - 5- تاریخ حدیث، ص 65.

## ساده نویسی در رجال و اهمیت آن

اصل ضمن شرح حال های دیگر ذکر شده اند ، مرتب کرده و آن را ترتیب رجال الکشی (1) نام نهاده و به سال 1011 ق ، به پایان رسانده است. اثر دیگر قهپایی ، ترتیب الفهرست للطوسی است . (2) چون کتاب الفهرست شیخ طوسی از کتب مهم رجالی بوده و مراجعه بدان به جهت غیر مرتب بودنش دشوار می نمود ، مؤلف ، آن را به ترتیب حروف الفبایی تنظیم نموده و سپس ، آن را در سال 1016 ق ، ضمن تألیف مجمع الرجال ، در آن درج کرد. جامع فعالیت های رجالی وی ، کتاب مجمع الرجال فی معرفة أحوال الرجال است. این کتاب ، جامع کتب اربعه رجالی و الضعفاء این غضائری است . (3) وی پس از ترتیب دادن این کتاب ها، بر آن شد تا برای آسان شدن کار ، نام رجالیان را با یکدیگر جمع کند که به ترتیب حروف تهجی با این عبارات کتب یاد شده و اشاره رمزی به آنها آمده و چنانچه از خود ، مطلب داشته ، در حاشیه آورده و در پایان کتاب ، دوازده فایده رجالی بدان افزوده و در سال 1016 ق ، به پایان برده است. نیاز و ضرورتی که در این دوره به علم رجال احساس می شد ، علما را بر آن داشت تا کتاب های ارزشمندی در این علم ارائه نمایند؛ ولی هر کدام از اینها دارای نقص هایی بود که دیگران را قانع نمی کرد. عبدالنبی بن سعد جزائری (م 1021 ق) ، شاگرد شیخ بهایی و دارنده کتابی بزرگ در رجال ، که از اصول رجالی و... در آن سخن به میان آورده و بدون به کارگیری رموز ،

1- الذریعة ، ج 4 ، ص 67؛ فهرست نسخ خطی آیه الله مرعشی ، ج 5 ، ص 183.

2- الذریعة ، ج 4 ، ص 66؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه ملی ملک ، ج 1 ، ص 99؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مرکز احیای میراث اسلامی ، ج 1 ، ص 411.

3- نسخه ای از کتاب حلّ الاشکال فی معرفة الرجال ابن طاووس حلّی (م 673 ق) که حسن بن زین الدین از روی آن التحریر الطاووسی را نوشت ، به دست ملاّ عبداللّه شوشتری (م 1021 ق) افتاد. ایشان هم به جهت فرسوده بودن آن و ترس از نابودی آن ، تنها کتاب الضعفاء منسوب به ابن غضائری را استخراج کرد و بر اساس حروف ، مرتب کرد. سپس عنایة اللّه قهپایی ، شاگرد وی ، نسخه استادش را در کتاب مجمع الرجال خویش آورد (ر.ک: الذریعة ، ج 4 ، ص 289 و ج 10 ، ص 89).

## دیگر تألیفات رجالی

اسامی را به صراحت بیان کرده است (الذریعة، ج 10، ص 102)، در مقدمه کتاب حاوی الأقوال فی معرفة الرجال می نویسد: انی لم أظفر بکتاب جامع لَمَا انتخبوه، ولم أفر بقانون محتوی علی ما شعّبوه، فأحببت أن أکتب فی ذلك دستورا، وأجمع فیہ ما کان متشعبا منشورا. (1) بر اساس گفته صاحب الذریعة، کتاب حاوی الأقوال، اولین کتابی است که رجال حدیث را بر اساس اقسام چهارگانه صحیح، حسن، موثق و ضعیف، مرتب نموده است (2) و در حالات هر یک از آنها، مطالب کتب اربعه رجالی را به الفاظ آنها و آوردن رموزی برای نام هایشان نقل کرده است. مؤلف، تحقیقات خود را با عناوین «قلت» می آورد. این کتاب، مشتمل بر یک «مقدمه» و چند «مقصد» و یک «خاتمه» است و در آغاز و پایان آن، چند فایده رجالی آمده است. از دیگر فعالیت های رجالی در این دوره، انتخاب کتابی از قدما و شرح و تفسیر نمودن رجال آن بود؛ یعنی همان کاری که محمد تقی مجلسی (م 1070 ق) در شرح مشیخة الفقیه (3) انجام داد. وی پس از تألیف روضة المتقین، بر آن شد تا مشیخة کتاب من لا یحضره الفقیه را که اسانید صدوق به ائمه علیهم السلام را در بر دارد شرح کند شبیه کاری که سید هاشم بحرانی (م 1107 ق) در کتاب تنبیه الأریب انجام داد و کتاب خود را در شرح اسانید تهذیب الأحکام شیخ طوسی و بیان خصوصیات رجال آن به رشته تحریر درآورد.

ساده نویسی در رجال و اهمیت آنگرایش عمومی به ساده خوانی و ساده نویسی، مؤلفان را بر آن داشته بود که آثار خود

1- حاوی الأقوال فی معرفة الرجال، ج 1، ص 94.

2- مصفی المقال فی علم الرجال، ص 251؛ موسوعة النجف الأشرف، ج 7، ص 383.

3- الذریعة، ج 14، ص 66؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 4، ص 336.



را به زبانی ساده و در عین حال، جامع، ارائه نمایند و تألیفاتی حائز اهمیت بودند که حاوی این اطلاعات جامع و مدون بوده باشد. مجمع الرجال فُهپایی (م 1016 ق)، اثری است که چندین بار در زمان حیات مؤلف یا بعد از آن نسخه برداری شده است و علت تألیف آن، هیچ دلیل دیگری غیر از سهل الوصول بودن و ارائه اطلاعات ساده و مفید آن نمی تواند باشد. علامه مجلسی، در این باره می نویسد: گروهی از طالبان علوم ائمه علیهم السلام از من درخواست کردند تا درباره تحقیق اصول رجال، کتابی برایشان بنویسم؛ رساله و جیزه مختصری که بیانگر حاوی توضیحات باشد، و آنچه از سخنانشان نزد اصحاب مشهور باشد \_ بدون تعرّض به قیل و قال هایشان و ترك مجهولات که فایده ای در بر ندارند \_ به ایجاز و اختصار بنویسم تا برای طالبان تحصیل کننده این علم، آسان باشد و برای آن، مشکلی ایجاد نکند. (1) روش کار علامه مجلسی در این کتاب، بدین شکل است که بعد از آوردن اسامی اشخاص، وضعیت حال آنها را، بدون توضیحات اضافی، مشخص می کند و رمزهایی که در ذکر احوال رجال به صورت مختصر آورده، این چنین است: «ق» برای ثقه غیر امامی، «ح» برای ممدوح، «ض» برای ضعیف، «م» برای مجهول، و «ثقه» برای عدل امامی ضابط. (2)

دیگر تألیفات رجالی علاوه بر آثار و تألیفات ارائه شده، کتاب های دیگری در علم رجال نگاشته شده اند که بدین قرارند: 3

1- الوجیزة فی علم الرجال، ص 140.

2- همان جا.

1. التحرير الطاووسی، (1) از حسن بن زین الدین عاملی (م 1011 ق). ابن طاووس (م 673 ق)، کتابی در رجال به نام حلّ الإشکال فی معرفة الرجال از پنج کتاب مشهور کتب اربعه رجالی و الضعفاء ابن غضائری، با بعضی اضافات در باب راویان از خود، فراهم آورده بود. نسخه ای از این کتاب که به خطّ مؤلف بوده و با بیاناتی از خود، در متن و حاشیه آورده است. (2) تاریخ پایان تألیف این اثر، سال 991 ق، است. 2. ترتیب رجال النجاشی (ترتیب النجاشی)، (3) از محمد تقی خادم انصاری. مؤلف، نام های رجال شیعه را به ترتیب حروف آغازین آنها با رعایت نام پدران آنها، ترتیب دقیقی داده و در نقل خطبه و طبقه اول کتاب، هیچ تغییری نداده است و همان طور که در اصل آن بوده، آورده و بخشی «کُنْی (کنیه ها)» را در آخر آورده و در سال 1006 ق، به پایان رسانده است.

---

1- الذریعة، ج 3، ص 385؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 4، ص 246.

2- التحرير الطاووسی، ص 24.

3- الذریعة، ج 4، ص 70؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله فاضل، ج 1، ص 69؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آستان قدس، مجموعه ش 13274.

3. ضوابط الأسماء و اللواحق، (1) از فخر الدین بن محمد علی طریحی نجفی (م 1085 ق). این اثر، در ضبط نامها و کنیه ها و لقب های راویان حدیث و آنانی است که در کتاب های رجال نامشان آمده است. این کتاب، در 28 باب و هر باب، مشتمل بر چند فصل است. 4. مشترکات الرجال، (2) از محمد بن علی تبینی عاملی (ق 11 ق). در این اثر، نام رجالیان به ترتیب حروف تنظیم شده و آنچه اصحاب اصولی رجالی گفته اند، در شرح حال هر راوی آمده است. کتاب، دارای 28 باب به ترتیب حروف الفباست. در هر بابی چند فصل است و در آخر، فصلی است در کنیه ها و القاب است و پس از آن، خاتمه ای دارای چند فصل در موضوعات رجالی متفرقه آمده است. 7. الرجال، (3) از عبداللطیف بن علی حویزی عاملی (ق 11 ق). این کتاب، مشتمل بر نام راویان حدیث است که نام آنها در الکافی، کتاب من لا یحضره الفقیه، تهذیب الأحکام و الاستبصار آمده و آنچه در کتاب های رجال کشی، نجاشی، شیخ طوسی و علامه حلی نسبت به جرح یا تعدیل آنان آمده است. نام ها به ترتیب حروف تنظیم شده و گفته ها با علامت های اختصاری نقل می شود. 8. الشجرة المباركة، (4) از سید محمد طاهر بن محمد طالب اردبیلی (ق 11 ق). کتاب بزرگی است با ترتیبی مخصوص در موضوعات مختلف، دارای چند «عُرُن» و هر کدام، مشتمل بر چند «غُصن»، که به ترتیب حروف تنظیم شده و برای هر یک از معصومان، رمزی و برای مراتب توثیق یا ضعف و جز اینها رمزی دیگر وضع

- 
- 1- الذریعة، ج 15، ص 119؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 8، ص 339؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 15، ص 119.
  - 2- فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 7، ص 426.
  - 3- الذریعة، ج 10، ص 128؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 8، ص 389.
  - 4- الذریعة، ج 13، ص 36؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 15، ص 228.

کرده است. 9. الرجال، (1) از محمد حسن حرّ عاملی (م 1104 ق). فایده آخر (دوازدهم)، خاتمه وسائل الشیعة است که خلاصه ای است در علم رجال، مشتمل بر ممدوحان و مذمومان به ترتیب حروف آغاز نام‌ها و در پایان بابی در کنیه‌ها و بابی دیگر در نسب و القاب آمده، و در خاتمه، چند فایده رجالی ذکر شده است. تألیف این کتاب، در سال 1073 ق، به پایان رسیده است. 10. نضد الايضاح فی ترتیب «ایضاح الاشتباه»، (2) از علم الهدی محمد بن محسن کاشانی (م 1115 ق). مؤلف، کتاب ایضاح الاشتباه فی أسماء الرواة علامه حلّی (م 726 ق) را از جهت مراعات آغاز نام‌ها، ترتیب دقیق تری داده و مطالبی با عناوین «أقول» بر آن افزوده و در سال 1086 ق، به پایان برده است.

فقه الحدیث فقه الحدیث، به معنای فهم معارف روایات و تبیین آنهاست. حال، با این دیدگاه، اگر فقه الحدیث را در این دوره بررسی نماییم، متوجه خواهیم شد که علمای اصولی شیعه - چنان که گفته شد - از همان زمان ورودشان به ایران، به تحکیم مبانی علم حدیث پرداختند و بنای فعالیت‌های حدیثی خویش را بر محور درایه گذاشتند. بزرگانی همچون شهید ثانی، شیخ حسین عبدالصمد و شیخ بهایی، بنیانگذاران این تفکر بودند و منظور آنها از فعالیت‌های حدیثی، فهم حدیث بودند، نه نقل حدیث. اگر معنای حاصل از فقه الحدیث را در حوزه وسیعی به کار گیریم، بدین صورت

- 
- 1- الذریعة، ج 10، ص 144؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 7، ص 89؛ فهرست نسخ خطی مرکز احیاء میراث اسلامی ج 1، ص 254.
- 2- الذریعة، ج 24، ص 186؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 21، ص 55.

## شرح نویسی

که شرح و تفسیرهایی را که باعث حلّ پیچیدگی‌ها و فهم راحت روایات می‌گردند، در قالب مصادیق فقه الحدیث قرار دهیم، آن وقت، فعالیت‌های عظیمی درباره این علم در این دوره شکل گرفته است. یکی از محدّثانی که فعالیت‌هایش می‌توانند مصداق این اصطلاح قرار گیرند، ملا محمد تقی مجلسی است. وی، در بیان عللی که سبب تألیف کتاب روضة المتقین گردید، می‌نویسد: والحمد لله رب العالمین که اکثر فضیلتی عصر، اوقات شریف ایشان صرف حدیث می‌شود و روز به روز، در ترقّی و تزاید است و به سبب هجران کلیّی که بر اخبار واقع شده بود و هر کس نمی‌خواند، تصحیفات و اغلاط بسیار، واقع شده بود، به تأیید الله - تبارک و تعالی - در روضة المتقین، اکثر به اصطلاح آمد و الحمد لله رب العالمین که در این شرح، تمام شد هر چه در این کتاب، تقصیر شده بود... (1) ولی در لوامع، بجز شرح، به ترجمه دقیق روایات پرداخته و در نوع خود، در مکتب حدیث شیعه کاری بدیع پدید آورده است. خود ایشان در زمینه اهمیت آثارش می‌نویسد: از فواید این دو شرح آن است که هر که داشته باشد، عمل تواند کرد در حیات و ممات؛ چون اکثر مطالب به نحوی واضح می‌شود که جای شبهه نمی‌ماند و در کتب حدیث، تصحیفات بسیاری شده بود و سهوها شده بود. همه تصحیح شد، بدون آن که اظهار غلط از کسی بکنم... نقد الرجال و اسانید حدیث به نحوی شده که اغلاط غالبین ظاهر شده است بی تسمیه، و تا کسی نهایت تبخّر و تنبّع نداشته باشد و نکرده باشد، نمی‌یابد که من چه کرده‌ام. (2)

1- لوامع صاحبقرانی، ج 8، ص 37\_38.

2- همان، ج 1، ص 4.

ایشان، همچنین در زمینه حلّ مشکلات احادیث می نویسد: بسیاری از اخبار بود که هیچ يك از علما، الی یومنا هذا، پیرامون حلّش نگردیده بودند... براندیشدم که مبدا بعد از انقضای حیات مستعار خورشید این علم حقایق انوار در سحاب جهل، مستور و بر مثال سابق، متروک و مهجور گردد. بنا بر این، متوجّه شرح اخبار و کشف استار از وجوه آثار آل اطهار \_ سلام الله عليهم \_ گردیده ام... (1)

شرح نویسی از اواسط قرن دهم هجری، شرح نویسی به دو صورت مزجی و مفصّل (2) بر کتب اربعه و دیگر آثار در قلمرو حدیث، آغاز گردید. بر اساس آثار بر جای مانده از این دوره، شهید ثانی (م 966 ق)، اولین کسی است که شرح نویسی را در این دوره احیا نموده است. وی که کتاب *بداية الدراية* را در علم درایه نگاشته بود، برای سهولت در استفاده آن برای مراجعان، به تاریخ 959 ق، شروع به نوشتن شرح مزجی مختصری بر آن به نام *شرح بداية الدراية* (3) کرد که مسائل کتاب *بداية* و شرح آن را با تفصیل بیشتری بیان نموده است. ملاً صدرا (م 1050 ق) \_ که از وی به عنوان تلفیق کننده بین عقل و نقل نام برده شده \_ علی رغم تخصص خویش در بحث های فلسفی، دست به ابتکار زد و در سال 1044 ق، شرح مفصّل فلسفی ای همراه با بحث های رجالی درباره سندها بر اصول الکافی نگاشت (4) و از این طریق، کمک شایانی به گسترش شرح نویسی در این دوره

1- همان، ص 10.

2- در شرح مزجی، شارح، متن را با توضیح ها و تبیین های خود يك جا می آورد و ساختار عبارتی در آن به گونه ای است که اگر نویسنده به وسیله ای، آن را مشخص نکند، متن از شرح، بازشناخته نمی شود. در مقابل، در شرح مفصّل، متن از شرح و توضیح جداست، حال با شیوه «قال \_ أقول» و یا به شیوه دیگری.

3- الذریعة، ج 11، ص 241؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 21، ص 55؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران، ج 8، ص 590.

4- الذریعة، ج 13، ص 99؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 11، ص 314؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 25، ص 209؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس، مجموعه ش 9610.

صورت گرفت. (1) از شرح أصول الكافي، مفاتيح الغيب، أسرار الآيات، تفسير القرآن الكريم و سایر کتب او معلوم می شود که احاطه کاملی به آیات قرآنی و اقوال مفسران و اخبار وارد شده از طریق اهل بیت عصمت و طهارت داشته است. (2) ملاً محمّد تقی مجلسی (م 1070 ق) در شرح مشیخه کتاب من لا یحضره الفقیه، (3) به مناسبت یادکرد استادش شیخ بهایی، تصریح کرده که شرحش را بر این کتاب، در واقع، با ارشاد آن استاد نگاشته است. سپس به ماجرای خواب خود اشاره می کند که در آن، شیخ بهایی، او را به شرح احادیث اهل بیت علیهم السلام سفارش کرده و او در پس آن خواب، به این اقدام ارجمند، دست زده است. (4) بعد از آن که مجلسی شرح عربی «متوسط» (5) و به عبارتی «موجز و مختصر» (6) خویش، روضة المتقین فی شرح أخبار الأئمة المعصومین (7) بر کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق را با اشاره به رجال مسندها و تعیین حدیث از جهت صحّت و سقم در سال 1063 ق، به پایان رساند و آن را به شاه عباس دوم تقدیم نمود، شاه از وی درخواست نمود که آن کتاب را شرح نماید. (8) این اتفاق، باعث تدوین کتاب لوامع قدسیّه یا لوامع صاحبقرانی 9 در سال 1066 ق،

- 
- 1- این شرح، شامل کتاب های عقل، توحید، فضل علم و حجّت است.
  - 2- شرح حال و آرای فلسفی ملاً صدرا، ص 3.
  - 3- الذریعة، ج 14، ص 66.
  - 4- علامه مجلسی، ص 14؛ آشنایی با بحار الأنوار، ص 74.
  - 5- الذریعة، ج 11، ص 302.
  - 6- روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 2.
  - 7- عباس نامه، ص 185؛ فوائد الصفویّه، ص 69.
  - 8- الذریعة، ج 18، ص 369؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیة الله مرعشی، ج 1، ص 264؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 10، ص 575.

گردید. فعالیت دیگر وی در این حوزه، کتاب إحياء الأحاديث فی شرح تهذيب الحديث شرح بر تهذيب الأحكام شيخ طوسی بوده که شرح حال آن گذشت. ملا خلیل قزوینی (م 1089 ق)، دو شرح مزجی و مفصل بر کتاب الکافی کلینی دارد. وی ابتدا شروع به تدوین کتاب الشافی فی شرح الکافی (1) به زبان عربی می نماید؛ ولی بعدها به دستور شاه عباس دوم، کتاب الکافی را به فارسی شرح می نماید (2) و لذا باعث می گردد که شرح مفصلی بر الکافی بنگارد و این، پس از نوشتن مقداری از شرح عربی او بوده است. لذا شرح فارسی خود را الصافی فی شرح الکافی می نامد. (3) بنا به گفته صاحب الذریعة، وی در سال 1069 ق، شرح «اصول»، در سال 1074 ق، شرح «فروع» و در سال 1084 ق، شرح «روضه» الکافی را به پایان برده است. متن روایت ها را به عربی به عنوان «اصل» می آورد و به فارسی به عنوان «شرح» گزارش می دهد و در شرح، به خصوصیات لغوی الفاظ، ضبط و اعراب آنها نیز می پردازد. (4) شیخ حرّ عاملی (م 1104 ق)، بعد از این که کتاب بزرگ وسائل الشیعة را در سال 1088 ق، به پایان رساند، قصد داشت شرحی به نام تحریر وسائل الشیعة و تحبیر مسائل الشریعة بر آن بنویسد؛ (5) لیکن عمر شریفش کفاف این را نکرد و فقط یک جزء از آن را نوشت.

- 
- 1- الذریعة، ج 14، ص 27؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 6، ص 313؛ فهرست الفبایی کتب خطی کتاب خانه مرکزی آستان قدس، ص 317؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 25، ص 264.
  - 2- عباس نامه، ص 184؛ فواید الصفوئیة، ص 69.
  - 3- الذریعة، ج 15، ص 4؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 5، ص 265؛ فهرست الفبایی کتب خطی کتاب خانه مرکزی آستان قدس، ص 378.
  - 4- الذریعة، ج 15، ص 4.
  - 5- أمل الآمل، ج 1، ص 145.



وی در این کتاب، به لحاظ ترس از گسترده بودن کتاب، فقط عناوین باب‌ها را می‌آورد و در حین شرح، آنچه از متن و سائل را که بدان نیاز داشته، ذکر می‌کند و در ابتدای آن، مقدمه‌ای مشتمل بر دوازده «فایده» می‌آورد. (1) علامه محمد باقر مجلسی (م 1111 ق)، محدث کارآمد این دوره، دو شرح اساسی و مهم بر کتاب‌های الکافی و تهذیب الأحکام نوشته است: مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. (2) شرحی مفصل بر کتاب شریف الکافی (اصول، فروع و روضه آن) است که پس از سال 1076 ق، به کتابت درآمده است. مجلسی در این کتاب، هدف از کار خود را بیان حال اسناد احادیث و شرح الفاظ مشکل و مطالب دشوار برای درک سریع معانی از سوی اهل تحقیق، معرفی می‌نماید. (3) ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار. (4) شرح مهمی بر کتاب تهذیب الأحکام شیخ طوسی است که به سال 1109 ق، به پایان رسیده است. علامه در این شرح، به دنبال هر روایتی، اول سلسله سند و بعد، آنچه را که راجع به متن باشد، شرح نموده است و ظاهراً، شامل تمام کتاب است، اگر چه بعضی مخالف این نظرند. بنا به گفته اهل تحقیق، علامه مجلسی، حاشیه پدرش بر تهذیب الأحکام با نام إحياء الأحادیث، و نیز حاشیه ملا عبد الله شوشتری بر این کتاب را به طور کامل در ملاذ الأخیار، درج نموده است. (5)

- 
- 1- تحریر وسائل الشیعة و تحبیر مسائل الشریعة، ص 4.
  - 2- أمل الآمل، ج 2، ص 279؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 9، ص 271.
  - 3- مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج 1، ص 3 (مقدمه).
  - 4- الذریعة، ج 22، ص 191 \_ 192؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 1، ص 263؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله فاضل، ج 1، ص 138.
  - 5- ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، ج 1، ص 43 (مقدمه تحقیق).

وی، علاوه بر آن از شروح دیگری مانند: شرح مقدّس اردبیلی بر تهذیب الأحکام، شرح شیخ بهایی، شرح شیخ محمّد، نوه شهید ثانی و دانشمندان دیگر نقل می‌کند. سیّد نعمه الله جزائری (م 1112 ق)، از دیگر فعالان در حوزه حدیث، شرح های متعدّدی از خود بر جای گذاشته که عبارت اند از: کشف الأسرار فی شرح الاستبصار (1) شرح مفصّلی است از وی در سه جلد بر الاستبصار شیخ طوسی که در آغاز کتاب «عقد»ی دارای ده «جوهر» در فواید حدیث دارد. این اثر به سال 1088 ق، به پایان رسیده است. وی، شرح مفصّلی در دوازده جلد به نام مقصود الأنام بر کتاب تهذیب الأحکام نگاشته بود. پس از مدّتی آن را مختصر نمود و با اختلافاتی غایة المرام فی شرح تهذیب الأحکام را در هشت جلد به سال 1091 ق، به پایان رساند. (2) کنز الطالب و وسیلة الراغب. (3) دیگر اثر جزائری، مختصری از غایة المرام است و با عناوین «قوله \_ قوله» و مقدّمه ای درباره معنای حدیث و بعضی از علوم آن آورده است. این اثر هم در سال 1091 ق، به پایان رسیده است. نور البراهین فی بیان أخبار السادة الطاهرين، (4) شرح مزجی مختصری است بر کتاب التوحید شیخ صدوق. این شرح، مشتمل بر بحث های مختصر ادبی و کلامی بوده، در سال 1099 ق، به پایان رسیده است. آخرین فعالیت جزائری در حوزه شرح نویسی، لوامع الأنوار فی شرح عیون

- 
- 1- الذریعة، ج 18، ص 17؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آية الله مرعشی، 1، ص 341؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آستان قدس، ج 14، ص 443.
  - 2- الذریعة، ج 16، ص 18؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 7، ص 265.
  - 3- فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 6، ص 130.
  - 4- الذریعة، ج 24، ص 363؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آية الله مرعشی، ج 1، ص 274.

الأخبار (1) است که شرحی حاشیه وار است بر عبارت های مشکل کتاب عیون أخبار الرضا علیه السلام از شیخ صدوق . مؤلف در مقدمه تصریح نموده که این شرح را پس از شرح کتاب التوحید نوشته و در سال 1106 ق به پایان رسانده است. مؤلف الذریعة از شروح نگاشته شده در این دوره ، 25 شرح بر الصحیفة السجادیة ، بیست شرح بر الکافی (اعم از اصول ، فروع ، روضه) و شرح هایی که با نام مستقل آمده اند ، نظیر: مرآة العقول علامه مجلسی ، پنج شرح بر کتاب من لا یحضره الفقیه ، دوازده شرح بر تهذیب الأحکام ، شش شرح بر الاستبصار و 24 شرح پراکنده را نام می برد. به تعدادی از این شرح ها در متن اشاره شد . 2

---

1- الذریعة ، ج 18 ، ص 263؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 1 ، ص 245 .



1. استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار، از محمد بن حسن عاملی (م 1030 ق). (1) شرحی است مفصل که در آن، ابتدا از سند و سپس از متن حدیث، گفتگو به میان آمده است. تاریخ تألیف این اثر، 1025ق، و به قولی 1007ق، است. 2. مناهج الأخبار فی شرح الاستبصار، از سید احمد بن زین العابدین علوی عاملی (ق 11 ق). (2) شرحی است متوسط با عناوین «قوله \_ قوله» با فواید بسیار رجالی و بحث در اسانید و روایت ها.

- 
- 1- الذریعة، ج 2، ص 30؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 7، ص 51؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران، ج 8، ص 442.
- 2- الذریعة، ج 22، ص 342؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 14، ص 151.

## غریب الحدیث

3. التعلیقة السجادية، از ملاّ مراد بن علی خان تقریشی (م 1051 ق). (1) حاشیه و شرح مختصری است با عنوان «قوله \_ قوله» که بسیاری از روایات و ابواب را شرح نموده است. تاریخ تألیف اثر به سال 1044 ق، است. 4. حجّة الاسلام فی شرح «تهذیب الأحکام» ، از ملاّ محمّد طاهر بن محمّد حسینی قمی (م 1098 ق). (2) قبل از شروع، مقدّمه ای در اصول فقه و کلام دارد. 5. جامع أسرار العلماء یا جامع الأحادیث و الأقوال، از محمّد قاسم بن محمّد، مشهور به ابن راوندی (م بعد از 1100 ق). (3) مؤلّف، بنا داشته که شرحی بر کتاب الاستبصار شیخ طوسی بنویسد؛ اما اخبار کتب الکافی، کتاب من لا یحضره الفقیه، تهذیب الأحکام و چند کتاب دیگر را بدان افزوده که فهرست آنها در مقدّمه یاد شده است. همچنین، اقوال فقها و علما را نقل می کند و مطالبی را از کتاب های آنها می آورد. این کتاب را استبصار الأخبار هم نامیده اند. 6. الدرّ المنظوم من کلام المعصوم، از علی بن محمّد عاملی (م 1103 ق). (4) شرحی است با عنوان «قوله \_ قوله» بر اصول الکافی که فقط کتاب عقل و علم آن تألیف شده و با این که در پایان جلد دوم به حاشیه کتاب توحید، حواله می دهد؛ لیکن ظاهراً نوشته نشده است. پایان تألیف اثر، سال 1061 ق، بوده است. 7. الدرّ المنثور (من المأثور و غیر المأثور) از علی بن محمّد عاملی. (5) کتابی است دارای فواید فراوان و در آن، احادیث مجمل و مشکل، شرح شده است. مؤلّف، آن را به سال 1073 ق، به پایان رسانده است.

- 1- الذریعة، ج 4، ص 224؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 1، ص 85.
- 2- الذریعة، ج 6، ص 257؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 6، ص 291.
- 3- الذریعة، ج 5، ص 39؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 1، ص 337.
- 4- الذریعة، ج 8، ص 97؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 5، ص 46.
- 5- الذریعة، ج 8، ص 76؛ فهرست نسخ خطّی کتاب خانه آستان قدس، مجموعه ش 5691.

## 1. غریب حدیث «الوافی»

8. شرح التوحید للصدوق، از قاضی محمد سعید بن محمد مفید قمی (م بعد از 1106 ق). (1) شرح عرفانی، فلسفی مفصّلی است در چهار جزء بر التوحید شیخ صدوق که در سال 1099 ق، به پایان رسیده است. 9. منهج الیقین، از سید علاءالدین محمد بن ابی تراب گلستانه (م 1110 ق). (2) شرحی است بر وصیت امام صادق علیه السلام به شیعیان که به زبان فارسی نگاشته شده است.

غریب الحدیثچنان که در بررسی وضعیّت حدیث اهل سنت گفته شد، غریب الحدیث، عبارت است از واژه ها و لغات ناآشنا و غیر مستعمل در متن حدیث، که فهم مطلب را برای خواننده، مشکل می نماید. در قرن یازدهم هجری، فخرالدین بن محمد علی خفاجی، مشهور به طریحی (م 1085 یا 1087 ق) که از شیعیان ادب آموخته و سیراب شده از علم صحیح اهل بیت علیهم السلام بود، کوششی بزرگ را آغاز کرد. او به تحقیق در واژه های ناآشنای قرآن و حدیث پرداخت (3) و برای واژه های غریب هر کدام از اینها کتاب مستقلی نوشت. کتاب غریب القرآن وی، در بخش مربوط به تفاسیر روایی آمده است؛ ولی در باب حدیث، وی موفق شد تا در آخرین دهه عمر پُربارش کتاب مجمع البحرین و مطلع النیرین را به پژوهشگران و کاوشگران حدیث اهل بیت علیهم السلام عرضه کند. وی در تدوین این کتاب، از همه کتاب های مهم غریب الحدیث، لغت، تفسیر و... سود برده است. (4) روش مؤلف در این کتاب، بدین شکل است که در ترتیب واژه ها، از روش

- 
- 1- الذریعة، ج 13، ص 153؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 1، ص 39.
  - 2- الذریعة، ج 23، ص 76؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 17، ص 54.
  - 3- مجلّه علوم حدیث، ش 13، ص 101: «سیر تدوین غریب الحدیث»، عبدالهادی مسعودی.
  - 4- همان، ص 102.

## 2. غریب حدیث «بحار الأنوار»

جوهری در الصحاح استفاده کرده و آنها را مطابق مادّه کلمه و بر طبق حرف آخر، ترتیب الفبایی داده است و برای آسان کردن دستیابی مراجعه کنندگانی که از علم صرف و اشتقاق، اطلاع چندانی نداشتند، حرف همزه و الف منقلبه از «واو» و «یاء» را یکسان به شمار آورده و همه کلمات مهموز اللّام و ناقص را در حرف «الف» کتاب، جای داده است. (1) طریحی، در تفسیر و شرح حدیث و واژه های غریب آن، به خاستگاه آنها هم نظر داشته و تلاش کرده است خود را از تفسیرهای مکرّر، ولی بدون سند و اعتبار - که ساخته و پرداخته اخبارگویان و قصّه پردازان (و نه گفته راویان وحی) است، دور نگه دارد. او همچنین بر اساس بهره گیری از علم اهل بیت علیهم السلام، مصداق های منطبق شده را به عنوان معانی واژه ها ذکر می کند. (2) در این حوزه، علاوه بر مجمع البحرین، کتاب دیگری هم به نام غریب الحدیث الخاصّة به طریحی نسبت می دهند. (3)

1. غریب حدیث «الوافی» ملاً محسن فیض کاشانی (م 1091 ق) به بیان الفاظ مبهم و مشکل کتاب الوافی پرداخته و در تفسیر بعضی الفاظ که کم تر نیاز به تفسیر داشته اند، کوشیده است که از هیچ موردی چشم پوشی نشود تا افراد بیشتری از آنها استفاده کنند. وی در مقدمه بر اساس درخواست این گونه تفسیر کردن جمعی از وی، این الفاظ را تفسیر کرده است. (4) مرحوم فیض، در برخی موارد هم مشکلات را به صورت حدیث به حدیث،

1- مجمع البحرین، ص 2؛ مجلّه علوم الحدیث، ش 13، ص 101.

2- همان جا.

3- ریاض العلماء، ج 4، ص 332.

4- یادنامه مجلسی، ج 1، ص 245: «جوامع حدیثی شیعه و بحار الأنوار»، محمّدکاظم رحمان ستایش.



## حاشیه نویسی

حل نموده است؛ یعنی در صورتی که شرح حدیث به واسطه حدیث دیگری ممکن باشد، ولو که روایت در کتب اربعه نباشد، روایت را به عنوان شرح، آورده است. در صورت عدم وجود روایت دیگری که حدیث مورد نظر را شرح دهد، بیان یکی از مشایخ ثلاثه را (که در کتب اربعه آمده است) و یا کلام یکی از علما را نقل کرده است، یا آن که نظر بزرگان لغویان را در شرح الفاظ حدیث، آورده است و در صورتی که هیچ یک از شیوه های مزبور در شرح حدیث ممکن نبود، بر اساس برداشت عقلی شخصی خویش، به شرح حدیث پرداخته است. (1)

2. غریب حدیث «بحار الأنوار» علامه مجلسی، در جریان تدوین بحار الأنوار و شرح جوامع روایی شیعه، واژه های بسیاری را تفسیر نموده است. وی در این باره در مقدمه بحار الأنوار می نویسد: روایاتی را که نیاز به کشف معانی آنها بوده است، به بیانی رسا توضیح داده ام. بنا را بر حداکثر اختصار گذاشتم تا موجب دراز شدن باب ها و بسیاری حجم کتاب نشود و طالبان در استفاده از کتاب، مشکلی نداشته باشند. (2) وی با عباراتی چون: أقول، بیان، تنویر، ایضاح، تبیان، توضیح، شرح، تبیین، فذلک و... به توضیح مضمون حدیث پرداخته است. آنچه که از مجموع گفتار ایشان استفاده می شود، آن است که وی در مقام بیان هر آنچه که مربوط به روایت می شده، نبوده است؛ بلکه به صورت اشاره، مشکل روایات را حل کرده است و خود نیز در مواردی، تفصیل بحث را به کتاب دیگرش مرآة العقول (3) یا به منابع دیگری ارجاع داده است. (4)

1- الوافی، ج 1، ص 40؛ یادنامه مجلسی، ج 1، ص 244.

2- بحار الأنوار، ج 1، ص 4\_5؛ یادنامه مجلسی، ج 1، ص 263\_264.

3- بحار لآنوار، ج 3، ص 53.

4- ر. ک: همان، ج 1، ص 129 و ج 69، ص 218؛ یادنامه مجلسی، ج 1، ص 264.

علامه مجلسی، با استفاده از تسلط شگفت انگیز خود بر لغت و کتاب های غریب الحدیث و نیز موارد استعمال آن واژه در احادیث دیگر، توانسته است تفسیر حدیث با حدیث به دست دهد. (1) از دیگر فعالان در حوزه غریب الحدیث، سید نعمه الله جزائری (م 1112 ق) است. وی اخبار و احادیثی را که به نظرش غریب می آمده، در کتاب غرائب الأخبار و نوادر الآثار گردآوری نموده (2) و آنچه احتیاج به توضیح داشته با عناوین «بیان» و «ایضاح» به توضیح آن پرداخته است.

حاشیه نویسی از ابتدای قرن دهم هجری، حرکتی علمی در جهت شرح، حاشیه و تعلیقه نویسی (3) بر کتب اربعه به وجود آمد و آثار زیادی در این باره فراهم آمد. آقا بزرگ تهرانی، در مقایسه حاشیه نویسی قبل و بعد از این دوره به لحاظ کمی و کیفی می نویسد: کتابت حواشی، قبل از قرن دهم هجری، منحصر در کشف بعضی پیچیدگی ها و شرح عبارات مشکل متن بود. چیزی که این دوره را نسبت به دوره بعد آن ممتاز می ساخت، این بود که متن را به همراه تعلیقه می آوردند؛ اما در عهد صفوی و قاجار، هم بر تعداد حواشی افزوده شد، و هم عبارات مشکل و پیچیده ای در آن راه یافت؛ چرا که متن را به هنگام تعلیقه نویسی نمی آوردند. (4) نویسنده، آرا و نظریات خود را در قالب «حاشیه» ارائه می داد و عبارت های «قال

- 
- 1- مجله علوم الحدیث، ش 13، ص 103.
  - 2- الذریعة، ج 16، ص 29؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 10، ص 188.
  - 3- بنا بر گفته صاحب الذریعة، بین تعلیقه و حاشیه، تفاوت چندانی وجود ندارد؛ ولی در اصطلاح عامه، تعلیقه اختصاص به علوم عقلی و حاشیه، اختصاص به غیر آن دارد (الذریعة، ج 6، ص 7).
  - 4- همان جا.

— أقول» و «قوله \_ قوله» در کتاب های حاشیه نویسی ، بیانگر همین مطلب است. در قرن دهم و یازدهم هجری ، فعالیت های گسترده ای در حاشیه نویسی بر کتب حدیثی شیعه و کتب رجالی شکل گرفت و به نظر می رسد اولین پژوهش حدیثی در این دوره نیز حاشیه نویسی بوده باشد؛ چرا که صاحب روضات الجنات می نویسد: در حوزه احکام شرعی ، اولین کسی که در زمان صفویه کتاب نوشت ، حسین شرف الدین اردبیلی است و از آثار او می توان شرح بر «نهج البلاغة» به درخواست شاه اسماعیل اول و حاشیه بر «تهذیب الأحکام» شیخ طوسی (م 460ق) را نام برد که هر دو به زبان فارسی بوده است. (1) حواشی نگاشته شده در این دوره ، یا بر آثار نوشته شده پیشینیان ، نظیر الصحیفة السجّادیه (9 حاشیه) ، کتب اربعه (48 حاشیه) و کتب رجالی (10 حاشیه) است و یا بر آثار نگاشته شده در همین عصر ، نظیر: الوافی و کتاب های رجالی این عصر . برای معرفی ، آن دسته از حواشی ای را که نسخه های آنها در کتاب خانه ها و مراکز علمی موجود است ، توضیح داده ایم و بقیه حواشی را از کتاب الذریعة به طور اجمال آورده ایم. 2

---

1- روضات الجنّات ، ج 2 ، ص 319؛ الهجرة العاملیة إلى ایران ، ص 183.





1. حاشیه بر کتاب من لا یحضره الفقیه ، از شیخ بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی (م 1031 ق). (1) حاشیه ای است با عناوین «قال \_ أقول» بر کتاب شیخ صدوق ، دارای تحقیقات بسیار مهم و شامل «کتاب طهارت» تا احکام «منزوحات بئر» است. 2. حاشیه الکافی ، از محمد باقر بن محمد حسین استرآبادی معروف به میرداماد (م 1040 ق). (2) حاشیه ای است مختصر با عناوین «قوله \_ قوله» بر اصول الکافی تا «کتاب الحجّة ، باب حجج الله علی خلقه». برخی این حاشیه را با حاشیه دیگر مؤلف (الرواشح السماویّه) بر کتاب الکافی یکی می دانند. 3. الرواشح السماویّه فی شرح أحادیث الامامیّه ، از میرداماد . (3) حاشیه و شرحی است بر احادیث مشکل اصول الکافی که فقط بر «کتاب العقل و الجهل» و مقداری از «کتاب التوحید» نوشته شده است ، با مقدمه ای مفصل ، دارای 39 «راشحه» در مسائل حدیث شناسی و درایه که راشحه آخر در بعضی از مطالب اصول فقه است. 4. حاشیه الاستبصار ، از میرداماد. (4) مؤلف ، در این حاشیه نسبتاً مختصر ، اسناد احادیث و الفاظ آنها و بعضی از آرای شیخ طوسی بررسی شده و با اشاره به پاره ای از

- 
- 1- الذریعة ، ج 6 ، ص 224؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 5 ، ص 150.
  - 2- الذریعة ، ج 6 ، ص 182؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 11 ، ص 264؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی ، مجموعه ش 7218؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه نمازی خوی ، مجموعه ش 492 .
  - 3- الذریعة ، ج 11 ، ص 257؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 19 ، ص 173.
  - 4- الذریعة ، ج 11 ، ص 17؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی ، ج 25 ، ص 149.

گفته های محدثان و فقها بر آن ایراد می گیرد. این حاشیه از آغاز کتاب را در بر می گیرد و تا حکم روزه روز عاشورا را شامل می شود. 5. حاشیه بر رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، از میرداماد. (1) حاشیه متوسط و مهمی است با عناوین «قوله \_ قوله» بر رجال الکشی. نویسنده، مخصوصاً به ضبط نام ها و نسبت ها اهتمام ورزیده و از این جهت، حائز اهمیت فراوان است. 6. حاشیه الکافی، از رفیع الدین محمد بن حیدر نایینی، معروف به ملا رفیعا (م 1080 ق). (2) حاشیه ای است نسبتاً مختصر بر بخش «اصول» الکافی، که به گفته صاحب الذریعة، این حواشی را امیر معصوم بن محمد فصیح حسنی (م 1091 ق)، جمع و تدوین کرده است. 7. حاشیه بر تهذیب الأحکام، از علامه محمد باقر مجلسی (م 1111 ق). (3) این کتاب، حاشیه ای است بر تهذیب الأحکام که به گفته صاحب الذریعة، نسخه ای از آن در کتاب خانه امیر عبدالحجّة ابروانی در تبریز، موجود است. 8. حاشیه الوافی، از ملا فضل الله بن محمد شریف کاشانی (فراغت از آن 1106 ق). (4) حاشیه ای است با عناوین «قوله \_ قوله» بر «کتاب العقل» و کتاب «علم» و الوافی فیض کاشانی (م 1091 ق)، که بیشتر به شرح و بیان متون احادیث، نظر داشته و گاهی به اسانید نیز می پردازد.

- 
- 1- الذریعة، ج 11، ص 87؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 8، ص 217.
  - 2- الذریعة، ج 11، ص 184؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 10، ص 143؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس، مجموعه ش 7582.
  - 3- الذریعة، ج 11، ص 229؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 5، ص 211.
  - 4- الذریعة، ج 11، ص 230؛ فهرست نسخ خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، همان.

## منابع و مأخذ

- .
- .



منابع و مأخذ 1. آشنایی با بحار الأنوار، احمد عابدی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1378 ش، اول. 2. إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، محمد بن حسن الحرّ العاملي، دار الكتب الإسلامية، 1364 ش، سوم. 3. اجازات الحديث، سيّد احمد حسيني، قم: كتاب خانه آية الله مرعشي، 1410 ق، اول. 4. ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، محمد ابراهيم جنّتی، تهران: کیهان، 1372 ش، اول. 5. اسلام در ایران، پطروشفسکی، ترجمه: کریم کشاورز، پیام، 1354 ش، چهارم. 6. اصول کافی، محمد بن يعقوب کليني، ترجمه: محمد باقر كمره ای، قم: أسوه 1375 ش، سوم. 7. الاعتقادات، محمد باقر المجلسي، ترجمه و شرح: سيّد باقر نجفی يزدي، چاپ خانه سعيد، 1382 ش، دوم. 8. الانصاف في النصّ على الأئمة الإثني عشر من آل محمد الأشراف، السيّد هاشم البحراني، ترجمه: سيّد هاشم رسولي محلاتي، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1377 ش، اول. 9. انقراض سلسله صفويّه و ايام استيلاي افاغنه در ايران، لارنس لكهارت، ترجمه: مصطفى قلى عماد، مرواريد، 1364 ش، دوم. 10. الأنوار النعمانية، سيّد نعمة الله الجزائري، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، 1404 ق، چهارم. 11. ايران عصر صفوي، راجر سيوري، ترجمه: كامبيز عزيزي، نشر مركز، 1374 ش، چهارم. 12. الإيقاظ من الهجعة، محمد بن حسن الحرّ العاملي، ترجمه: احمد جنّتی، قم: دار الكتب العلمية، بی تا.

- 13 . أحسن التواريخ ، حسن بيگ روملو ، به كوشش: عبدالحسين نوایی ، تهران : بابك ، 1375 ش . 14 . أربعين حديث ، بهاءالدين العاملي ، ترجمه و تحقيق: عقيقي بخشايشي ، نويد اسلام ، 1373 ش ، اول . 15 . الأربعون حديثا ، بهاء الدين العاملي ، تحقيق: مؤسسة النشر الإسلامي ، قم ، مؤسسة النشر الإسلامي ، 1415 ق ، اول . 16 . أعيان الشيعة ، السيد محسن الأمين ، تحقيق: السيد حسن الأمين ، بيروت : دارالتعارف للمطبوعات ، 1406 ق . 17 . أمل الآمل ، محمد بن حسن الحرّ العاملي ، تحقيق: سيّد احمد حسيني ، قم: دارالكتب الإسلامي ، 1362 ش ، اول . 18 . بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ، محمد باقر المجلسي ، بيروت : مؤسسة الوفاء 1403 ق ، سوم . 19 . البرهان في تفسير القرآن ، السيد هاشم البحراني ، تحقيق: قسم الدراسات الاسلامية ، مؤسسة بعثت ، 1415 ق ، اول . 20 . بستان السياحة ، زين العابدين شيرواني ، 1412 ق ، سنگي . 21 . تاريخ ادبيات ايران ، رضا زاده شفق ، تهران: بنگاه علمي ، 1324 ش . 22 . تاريخ ادبيات ايران ، ذبيح الله صفا ، فردوس ، 1373 ش ، نهم . 23 . تاريخ ادبيات ايران (از صفويه تا عصر حاضر) ، ادوارد براون ، ترجمه: بهرام مقدادی ، تحشيه و تعليق: سيّد ضياءالدين سجادي و عبدالحسين نوایی ، تهران : مرواريد ، 1369 ش ، اول . 24 . تاريخ حبيب السير في أخبار افراد البشر ، غياث الدين حسيني (خواند مير) ، كتابفروشي خيام ، 1362 ش ، سوم . 25 . تاريخ حديث ، كاظم مديرشانه چي ، تهران : سمت ، 1377 ش ، اول . 26 . تاريخ سياسي و اجتماعي ايران (از مرگ تيمور تا مرگ شاه عباس) ، ابوالقاسم طاهري ، فرانكلين ، 1349 ش . 27 . تاريخ عمومي حديث ، مجيد معارف ، كوير ، 1377 ش ، اول .

28. تاريخ نگارستان ، احمد غفارى كاشانى ، تصحيح و تذييل: مرتضى مدرّس گيلانى ، كتابفروشى حافظ ، 1404 ق ، اول. 29 .  
التحرير الطاووسى ، حسن بن زين الدين العاملى ، تحقيق: محمّد حسن ترحينى ، بيروت: مؤسسة الأعلّمى للمطبوعات ، 1408 ق ، اول.  
30. تحرير وسائل الشيعة و تحبير مسائل الشريعة ، محمّد بن حسن الحرّ العاملى ، تحقيق: محمّد بن حسين قاننى ، قم : افق ، 1422 ق ،  
اول. 31. التحفة الشاهيّة در مناقب مولا اميرالمؤمنين ، علاءالدين عبدالخالق قاضى زاده كرهرودى ، تحقيق: محمّد على رسولى ، چاپ  
خانه علميه ، بى تا. 32. تشكيل دولت ملّى در ايران ، والتر هينتس ، ترجمه: كيكائوس جهاندارى ، نشرّيّه كميسيون معارف ، 1346 ش.  
33. تشييع در هند ، جان نورمن هاليستر ، ترجمه: آزرميدخت مشايخ فريدونى ، مركز نشر دانشگاهى ، 1373 ش ، اول. 34. تشييع و  
تصوّف ، كامل مصطفى شيبى ، ترجمه: عليرضا ذكاوتى قراگزلو ، اميركبير ، 1374 ش ، دوم . 35. تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل  
مسائل الشريعة ، محمّد بن حسن الحرّ العاملى ، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، 1414ق ،  
دوم. 36. تكملة أمل الآمل ، سيّد حسن الصدر ، تحقيق: سيّد احمد حسيني ، كتاب خانه آية الله نجفى مرعشى ، 1406 ق . 37. تنقيح  
المقال فى علم الرجال ، عبدالله المامقانى ، انتشارات جهان ، بى تا ، رحلى. 38. ثواب الأعمال ، محمّد بن على ابن بابويه (الصدوق) ،  
ترجمه: على اكبر غفارى ، نشر صدوق ، 1367 ش ، دهم. 39. جامع الرواة وإزاحة الاشتباهات عن الطرق و الأسناد ، محمّد بن على  
الأردبيلى الغروى ، قم: مكتبة المصطفوى ، بى تا. 40. جامع عباسى ، بهاء الدين عاملى ، با اشراف: سيّد شهاب الدين نجفى مرعشى ،  
فراهانى ، بى تا .

41. حاوی الأقوال فی معرفة الرجال، عبدالنبي الجزائري، تحقيق: مؤسسة الهداية لإحياء التراث، رياض الناصري، 1418 ق، أول. 42 .  
الحديث والمحدثون، محمد أبو زهو، بيروت: دار الكتب العربي، 1404 ق. 43. الخصال، محمد بن علي ابن بابويه (الصدوق)،  
ترجمه: مدرّس گیلانی، جاویدان، 1362 ش. 44. خلاصة التواريخ، احمد بن شرف الدين حسيني قمی، تصحيح: احسان اشراقی،  
تهران: دانشگاه تهران، 1359 ش. 45. خورشيد عالی قاپو (شاه عباس)، بهرام افراسیابی، حمیرا، 1376 ش، أول. 46. دائرة المعارف  
الإسلامية الشيعية، السيد حسن الأمين، بيروت: دار التعارف للمطبوعات، 1415 ق، پنجم. 47. دبستان مذاهب، كيخسرو اسفنديار،  
به اهتمام: رحيم رضازاده ملك، تهران: كتاب خانه طهوري، 1362 ش، أول. 48. الدراية في علم مصطلح الحديث، زين الدين بن  
علي العاملي (الشهيد الثاني)، نجف: مطبعة النعمان، بي تا. 49. دين و دولت در ايران، حامد الگار، ترجمه: ابوالقاسم سرّی، تهران:  
توس، 1369 ش، دوم. 50. دين و سياست در دوره صفوي، رسول جعفریان، قم: انصاریان، 1370 ش، أول. 51. دين و مذهب در  
عصر صفوي، مريم مير احمدی، تهران: اميرکبير، 1363 ش، أول. 52. الذريعة إلى تصانيف الشيعة، آقا بزرگ تهرانی، قم:  
اسماعيليان، 1408 ق، سوم. 53. رجعت، محمد باقر مجلسی، مخطوط. 54. رساله فاروق الحق، سيد محمد بن فرج الله دزفولي،  
قم: كتاب خانه آية الله مرعشي، مخطوط. 55. رستم التواريخ، محمد هاشم آصف، تصحيح: محمد مشيري، تابان، 1348 ش. 56.  
روابط خارجی ايران از ابتدای دوران صفويه تا پایان جنگ جهانی دوم، عبدالرضا هوشنگ مهدوی. 57. روزگاران ديگر (از صفويه تا  
عصر حاضر)، عبدالحسين زرّين كوب، تهران: سخن، 1375 ش، أول. 58. روضات الجنّات في أحوال العلماء والسادات، [ ميرزا  
محمد باقر خوانساری، تحقيق: اسد الله اسماعيليان، قم: اسماعيليان، بي تا.

59. روضات الجنّات فی أحوال العلماء والسادات ، [میرزا] محمّد باقر خوانساری ، بیروت: دار الإسلامیه ، 1411 ق ، اول . 60 . روضة الصفویّه ، میرزا بیگ جنابدی ، به کوشش: غلامرضا طباطبایی مجد ، 1378 ش ، اول . 61 . روضة المتقین فی شرح [کتاب] من لا یحضره الفقیه ، محمّد تقی المجلسی ، تعلیق: سیّد حسین موسوی کرمانی و شیخ علی پناه اشتهااردی ، بنیاد فرهنگ اسلامی ، بی تا . 62 . ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ، عبدالله الأفندی الإصبهانی ، تحقیق: سید احمد حسینی ، قم: خیّام ، 1401 ق . 63 . ریشه ها و جلوه های تشیّع در حوزه علمیه اصفهان ، میر سیّد حجّت موحد ، اصفهان : دفتر تبلیغات المهدی ، 1418 ق . 64 . زمین در فقه اسلامی ، سیّد حسین مدرّسی طباطبایی ، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، 1362 ش . 65 . زندگی نامه علاّمه مجلسی ، سیّد مصلح الدین مهدوی ، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، 1378 ش ، اول . 66 . سفرنامه شاردن ، جان شاردن ، ترجمه: اقبال یغمایی ، تهران : توس ، 1374 ش ، اول . 67 . سفینه البحار ، شیخ عبّاس قمی ، اسوه ، 1416 ق ، دوم . 68 . سیاست خارجی ایران در دوره صفویّه ، نصرالله فلسفی . 69 . شاه طهماسب اول ، منوچهر پارسا دوست ، شرکت سهامی انتشار ، 1377 ش ، اول . 70 . شرح حال و آرای فلسفی ملا صدرا ، سیّد جلال الدین آشتیانی ، نهضت زنان مسلمان ، 1360 ش . 71 . شهداء الفضیلة ، عبدالحسین الأمینی النجفی ، نجف : مطبعة الغری ، 1355 ق ، اول . 72 . شیعة العراق ، اسحاق نقّاش ، ترجمه عربی : عبدالإله النعیمی ، دار المدن للثقافة والنشر ، 1996 م ، اول . 73 . الصافی ، محمّد بن شاه مرتضی الفیض الکاشانی ، تصحیح: حسین اعلمی ، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات ، بی تا . 74 . الصافی فی شرح الکافی ، خلیل بن غازی القزوینی ، دانشکده اصول الدین قم ، نسخه عکسی مخطوط .

75. صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، رسول جعفریان، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، 1379 ش، اول. 76. طبقات اعلام الشیعة، آقا بزرگ تهرانی، تحقیق: علینقی منزوی، قم: اسماعیلیان، بی تا. 77. طبقات مفسران شیعه، عقیقی بخشایشی، نوید اسلام، 1372 ش، اول. 78. عالم آرای عباسی، اسکندر بیک منشی، تصحیح: محمد اسماعیل رضوانی، دنیای کتاب، 1377 ش، اول. 79. عباس نامه، محمد طاهر قزوینی، تصحیح: ابراهیم دهگان، اراک: کتابفروشی داودی، 1329 ش. 80. علامه مجلسی، حسن طارمی، تهران: طرح نو، 1375 ش، اول. 81. علل بر افتادن صفویان (مکافات نامه)، تصحیح رسول جعفریان، سازمان تبلیغات اسلامی، 1372 ش، اول. 82. علم الحدیث، کاظم مدیرشانه چی، اسلامی، 1375 ش، یازدهم. 83. فارس نامه ناصری، [میرزا] حسن حسینی فسایی، تصحیح: منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر، 1378 ش، دوم. 84. فرهنگ فارسی، محمد معین، تهران: امیر کبیر، 1371 ش، هفتم. 85. الفوائد الرضویة فی أحوال علماء المذهب الجعفریة، شیخ عباس قمی، بی نا، بی تا. 86. الفوائد الطوسیه، محمد بن حسن الحرّ العاملی، تصحیح: مهدی از وردی - محمد درودی، قم: المطبعة العلمية، 1403 ق، اول. 87. فواید الصفویة، ابوالحسن قزوینی، تصحیح: مریح میراشدی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1367 ش، اول. 88. فهرس التراث، السید محمد حسین الحسینی الجلالی، تحقیق: سید محمد جواد حسینی جلالی، قم: دلیل ما، 1422 ق، اول. 89. فهرست الفبایی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، محمد آصف فکرت، استدراک و پیوست: محمد وفادار مرادی، 1361 ش، اول.

90. فهرست کتاب خانه مجلس شورای ملی، عبدالحسین حائری، تهران: چاپ خانه مجلس، 1335 ش. 91. فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، براتعلی غلامی مقدم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، 1376 ش. 92. فهرست نسخ خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی، سید احمد حسینی، کتاب خانه آیه الله مرعشی، چاپ های متعدد. 93. فهرست نسخ خطی کتاب خانه دانشکده معقول و منقول مدرسه عالی سپه سالار، ابن یوسف شیرازی، چاپ خانه مجلس، 1315 ش. 94. فهرست نسخ خطی کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران، محمد تقی دانش پژوه، تهران: دانشگاه تهران، 1339 ش. 95. فهرست نسخ خطی مجلس شورای اسلامی، علی صدراپی خویی، چاپ خانه مجلس شورای اسلامی، چاپ های متعدد. 96. فهرست نسخ خطی مدرسه علمیه نمازی خوی، علی صدراپی خویی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، 1367 ش، اول. 97. فهرست نسخ خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، سید احمد حسینی، تیزهوش، 1377 ش، اول. 98. فهرست نسخ کتاب خانه آیه الله فاضل خوانساری، سید جعفر حسینی اشکوری، زیر نظر: حسن فاضلی، قم: انصاریان، 1416 ق. 99. فهرست نسخه های خطی کتاب خانه مجلس شورای ملی، ایرج افشار و دیگران. 100. فهرست های خود نوشت فیض کاشانی، تصحیح و تحقیق: محسن ناجی نصرآبادی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، 1377 ش، اول. 101. الفیض القدسی فی ترجمة العلامة المجلسی، میرزا حسین نوری، تحقیق: جعفر نبوی، مرصاد، 1419 ق، اول. 102. القرآن الکریم و روایات المدرستین، سید مرتضی عسکری، قم: منیر، 1378 ش، اول. 103. قرّة العیون، محمد مهدی نراقی، تصحیح: سید جلال الدین آشتیانی، مشهد: دانشگاه فردوسی، 1357 ش.

- 104 . قصص العلماء [ميرزا] محمد تنكابني ، تهران: كتابفروشي اسلاميه ، بي تا. 105 . كتاب الأربعين ، محمد باقر المجلسي ، چاپ علميه ، قم ، 1358 ش. 106 . كتاب شناسي مجلسي ، حسين درگاهي و علي اكبر تلافى دارياني ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي ، 1370 ش ، اول. 107 . كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال ، علاء الدين علي بن حسام الدين الهندي ، تصحيح : صفوة السقا ، بيروت : مؤسسة الرسالة ، 1409 ق . 108 . كنوز الحقائق من حديث خير الخلائق ، عبد الرؤوف بن علي بن زين العابدين مناوي ، تخريج و شرح: ابو عبد الرحمان صلاح بن محمد بن عويضة ، لبنان (بيروت) : دار الكتب العلمية ، 1417 ق ، اول . 109 . الكنى و الألقاب ، شيخ عباس قمي ، تهران : انتشارات كتاب خانه صدر ، 1368 ش ، پنجم . 110 . گزيده كافي ، محمد باقر بهبودي ، تهران : علمي و فرهنگي ، 1363 ش ، اول. 111 . گنج هزار ساله ، رمضانعلي شاكري ، مشهد : كتاب خانه مركزي آستان قدس رضوي ، بي تا. 112 . لغت نامه ، علي اكبر دهخدا ، تهران: دانشگاه تهران ، چاپ اول از دوره جديد ، 1372 ش . 113 . لوامع صاحبقراني ، محمد تقى مجلسي ، قم: اسماعيليان ، 1375 ش. 114 . لؤلؤة البحرين في الإجازات و تراجم رجال الحديث ، السيد يوسف البحراني ، تحقيق: سيد محمد صادق بحر العلوم ، نجف : نعمان ، بي تا. 115 . مجالس المؤمنين ، سيد نور الله شوشتری ، كتابفروشي اسلاميه ، 1365 ش ، سوم. 116 . مجمع البحرين ، فخر الدين الطريحي ، تحقيق: قسم الدراسات الاسلاميه ، قم: مؤسسه بعثت ، 1414 ق ، اول. 117 . مجموعه آثار ، ش 16 (اسلام شناسي) ، علي شريعتي ، قلم ، 1375 ش ، سوم. 118 . مجموعه آثار شماره 7 (شيعه) ، علي شريعتي ، تهران : الهام ، 1378 ش ، هفتم. 119 . مجموعه آثار شماره 31 (ويژگي هاي قرون جديد) ، علي شريعتي ، چاپنخس ، 1376 ش ، پنجم . 120 . المحجة البيضاء في تهذيب الإحياء ، محمد بن شاه مرتضى الفيض الكاشاني ، تصحيح: علي اكبر غفاري ، تهران : مكتبة الصدوق ، 1339 ش.



## مجلات و پایان نامه ها

- 121 . مرآت الأحوال جهان نما ، احمد بن محمد علی بهبهانی ، تصحیح: علی دوانی ، تهران : امیرکبیر ، 1370 ش ، اول . 122 . مرآة العقول فی شرح أخبار الرسول ، محمد باقر المجلسی ، تهران: دارالکتب الاسلامیة ، بی تا . 123 . مصائب النواصب در ردّ نواقض الروافض ، سیّد نور الله شوشتری ، ترجمه: سیّد محمد علی مدرّسی و حواشی سیّد مرتضی مدرّسی چهاردهی ، کتابفروشی اسلامیّه ، 1369 ق . 124 . مصفّی المقال فی مصتفی علم الرجال ، آقا بزرگ تهرانی ، تصحیح: احمد منزوی ، چاپ خانه دولتی ایران ، 1337 ش ، اول . 125 . مطلع الأنوار احوال دانشمندان شیعه پاکستان و هند ، مرتضی حسین صدر الأفاضل ، ترجمه: محمد هاشم ، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی ، 1374 ش ، اول . 126 . معجم مؤلّفی الشیعة، علی فاضل قاینی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1405ق ، اول . 127 . المفسرون حیاتهم و منهجهم ، محمد علی ایازی ، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، 1414 ق ، اول . 128 . مقالات تاریخی ، رسول جعفریان ، الهادی ، 1378 ش ، اول . 129 . مقدّمه ای بر فقه شیعه ، سیّد حسین مدرّسی طباطبایی ، ترجمه: محمد آصف فکرت ، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی ، 1368 ش . 130 . ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار ، محمد باقر المجلسی ، تحقیق: السیّد مهدی الرجائی ، کتاب خانه آیه الله مرعشی ، بیروت ، 1415 ق ، اول . 131 . الملل و النحل ، شهرستانی ، تخریج: محمد بن فتح الله بدران ، مكتبة الأنجلوا المصریة ، بی تا . 132 . المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک ، عبدالرحمان بن علی (ابن الجوزی) ، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا ، بیروت : دارالکتب العلمیة ، 1412 ، اول . 133 . منتقى الجمال فی الأحادیث الصحاح والحسان ، حسن بن زین الدین عاملی ، تصحیح: علی اکبر غفّاری ، قم: چاپ خانه اسلامیة ، 1362 ش ، اول . 134 . موسوعة العتبات المقدّسة، جعفر خلیلی، دار الأعلمی للمطبوعات، 1407ق، دوم . 135 . موسوعة النجف الأشرف ، جعفر الدجیلی، بیروت: دارالأضواء ، شماره های متعدّد.

## فهرست تفصیلی

- 136 . مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند (قرن هشتم تا هجدهم میلادی)، فرهنگ ارشاد، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1365 ش، اول. 137 . مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی، مهدی فرهانی منفرد، تهران: امیر کبیر، 1377 ش، اول. 138 . میراث اسلامی ایران، رسول جعفریان، کتاب خانه آیه الله مرعشی، 1376 ش، اول. 139 . نقدی بر اخباریگری، سید میر آقا محسنی، قم: دار النشر، 1371 ش، اول. 140 . نور الثقلین، عبد علی بن جمعة العروسی الحویزی، اسماعیلیان، 1415 ق، چهارم. 141 . النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، مجدالدین مبارک (ابن الأثیر)، تحقیق: طاهر احمد زاوی و محمود محمد طناحی، بیروت: دارالفکر، بی تا. 142 . الوافی، محمد بن شاه مرتضی الفیض الکاشانی، مكتبة الإمام أميرالمؤمنین علی علیه السلام، 1406 ق، اول. 143 . الوجيزة فی الدراية، بهاءالدين العاملي، قم: مكتبة الإسلامية الكبرى، 1396 ق. 144 . الوجيزة فی علم الرجال، محمد باقر المجلسی، ترتیب: عبدالله السبزی الحجاج، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، 1415 ش، اول. 145 . وحید بهبهانی، علی دوانی، تهران: امیر کبیر، 1362 ش، دوم. 146 . وصول الأخبار إلى أصول الأخبار، حسین بن عبدالصمد العاملي، تحقیق: سید عبد اللطیف کوهکمری، مجمع الذخائر الاسلامیة، 1410 ق. 147 . وقایع السنین و الأعوام، سید عبدالحسین خاتون آبادی، تصحیح: محمد باقر بهبودی، کتابفروشی اسلامیة، 1352 ش. 148 . الهجرة العاملية إلى ایران فی العصر الصفوی، جعفر مهاجر، بیروت: دار الروضة، 1410 ق، اول. 149 . هدية الأجاب، شیخ عباس قمی، ترجمه: هاشم رسولی، قم: نشر الفقاهة، 1420 ق، اول. 150 . هزار و یک نکته، حسن حسن زاده آملی، تهران: نشر فرهنگی رجا، 1363 ش. 151 . یادنامه مجلسی، به اهتمام: مهدی مهریزی و هادی ربّانی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1379 ش، اول.

مجلات و پایان نامه ها 152. مجله آینه پژوهش، ش پیاپی 64 (مهر - آبان، 1379) و ش پیاپی 68 (خرداد - تیر 1380 ش). 153. «بررسی تاریخ حدیث اهل سنت پس از قرن سوم هجری» (پایان نامه)، خدیجه احمد مهرابی، دانشکده اصول الدین قم، سال تحصیلی 1378\_1379 ش. 154. فصل نامه حکومت اسلامی، سال سوم، ش اول، 1377 ش. 155. دو ماه نامه حوزه، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ش 89 و 90، 1377 ش. 156. دو فصل نامه علوم الحدیث، تهران: دانشکده علوم حدیث، ش 13. 157. فصل نامه علوم حدیث، قم: مرکز تحقیقات دارالحدیث، شماره های متعدد. 158. «محدثان شیعه در قرن نهم و دهم هجری و سبک حدیث نگاری آنها» (پایان نامه)، سید علیرضا طباطبایی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، سال تحصیلی 1379 ش. 159. میراث اسلامی ایران، قم: کتاب خانه آیه الله مرعشی، دفتر چهارم. 160. مجله نگاه حوزه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ش 53 و 54، 1378 ش. 161. یادنامه شیخ الطائفة ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، مشهد: دانشگاه فردوسی، 1348 ش.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

